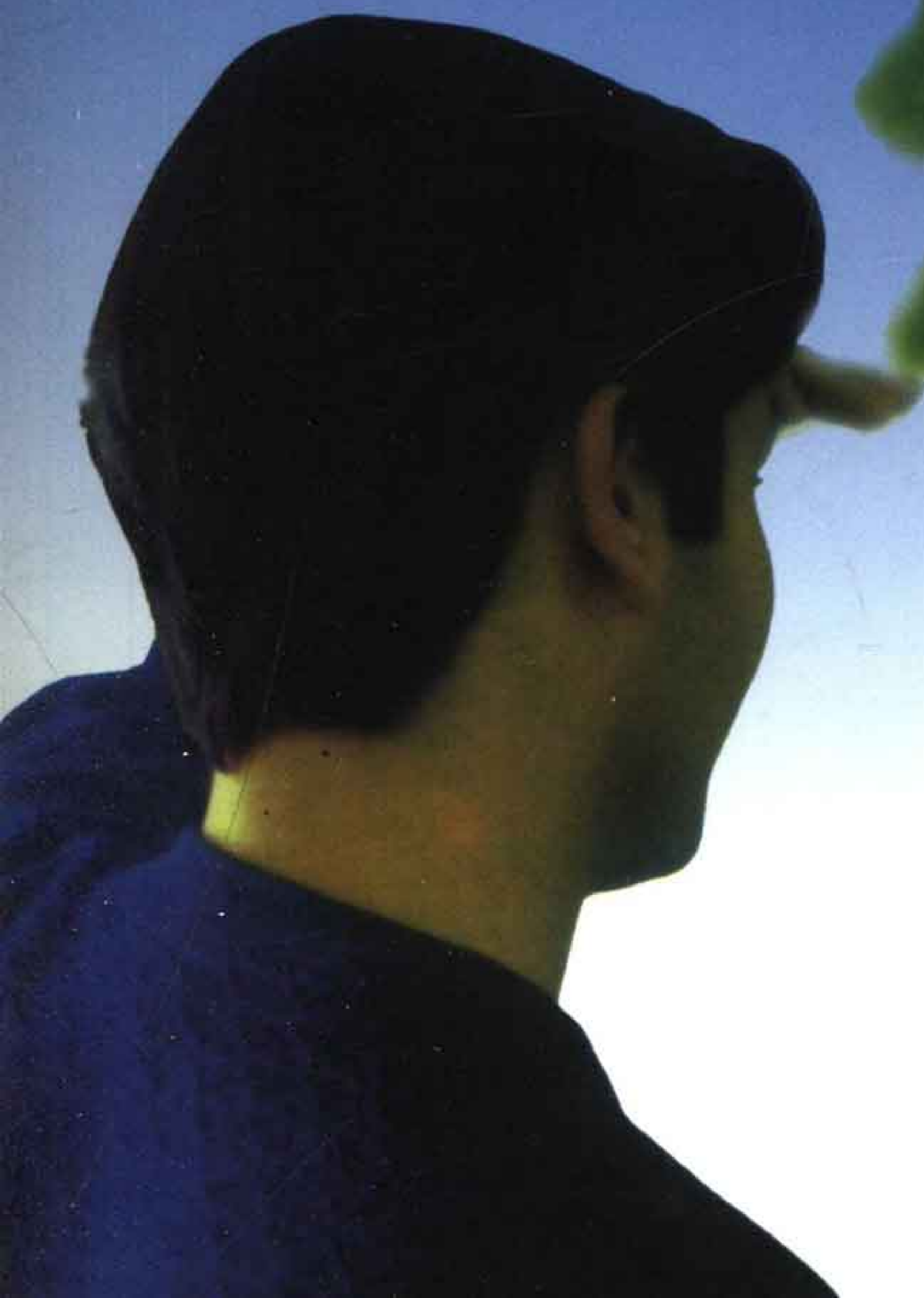


در انظار خورشید مغرب



مجموعه مقالات برگزیده
همایش «خورشید مغرب»
دانشگاه آزاد اسلامی اردبیل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقديم به ساحت مقدس حضرت مولانا

صاحب الزمان ارواحنا له الفداء

در انتظار خورشید مغرب

(مجموعه مقالات برگزیده همایش علمی خورشید مغرب)

فصلنامه علمی و پژوهشی تخصصی نشر توانبخشی (م)

« کانون مهرشادویت »

مبانی حدیثی و انشجویان آل طه

دانشگاه آزاد اسلامی اردبیل

دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل

در انتظار خورشید مغرب
(مجموعه مقالات برگزیده همایش علمی خورشید مغرب)

دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل

ناشر: موعود عصر (ع)

نوبت چاپ: اول

سال و محل نشر: تهران - ۱۳۸۵

شماره گان: ۲۰۰۰

شابک:

لیتوگرافی: موعود

چاپخانه: پیام

نشانی مرکز پخش: تهران - صندوق پستی ۸۳۲۷-۱۴۱۵۵ تلفن: ۸-۶۶۹۵۶۱۶۷

فهرست

صفحه	عنوان
۷	مهدویت در ادیان الهی فریده پورداد - زهرا نجومی
۷۱	مهدویت در ادیان الهی (یهودیت، مسیحیت و زرتشت) ... محمد حسین مردانی نوکنده
۱۳۵	مهدویت در قرآن مجید اسوری - مهیار منتظیمی نوین
۱۵۳	مهدویت و تشیع رضوان انباز - زهر اعتبار
۱۷۵	مهدویت و پایان تاریخ
۱۹۹	مهدویت باوری شخصی یا طرحی برای آینده فرانک انصاری
۲۴۵	آسیب‌شناسی مهدویت در عصر کنونی نادر حاتمی خواجه
۲۶۷	آینده جهان و انتظار منتظر
۳۰۳	سیمای جامعه منتظر در نگاه قرآن و حدیث رستمی زاده
۳۳۳	آخرالزمان، جهان معاصر و انسان معاصر سارا محمدعلی زاده - رضوان انباز
۳۸۵	بررسی وضعیت سیاسی جهان معاصر در زمان ظهور فرزانه نیکویرش
۴۳۹	عصر ظهور، آمادگی و زمینه‌سازی زهرا نقدی - مریم نقدی
۵۱۳	آرمان‌شهر عصر ظهور محمد رضا بندرچی
۵۳۷	گرامت مهدوی در برخورد با مخالفان محمد مهدی بندرچی
۵۴۸	فهرست محتوایی مقالات

سخن ناشر

«گزارش کمیته علمی همایش علمی، تخصصی خورشید مغرب»
با حمد و سپاس خداوند یکتا و امید به توجه و عنایت حضرت ولی عصر،
علیه السلام، پیشنهاد طرح برگزاری همایش علمی، تخصصی خورشید مغرب
توسط دانشگاه اردبیل مورد توجه و اقبال مؤسسه فرهنگی موعود قرار گرفت.
چون، ضرورت توسعه فرهنگ مهدوی در میان جوانان و حمایت و ره‌نمایی آنان
در مسیر مطالعات فرهنگی جدی، طی همه سالهای گذشته ذهن دست‌اندرکاران
این مؤسسه را معطوف خویش ساخته بود.

توافق در انگیزه و مقصد به زودی سبب همراهی صمیمانه‌ای شد که طی مدت
یک سال - علی‌رغم بُعد مکانی - زمینه‌های لازم برای برگزاری این همایش را
فراهم آورد.

وظیفه «بررسی علمی» مقالات شرکت‌کنندگان و ارائه مشاوره‌های فرهنگی در
عهده «مؤسسه فرهنگی موعود» گزارده شد.

کمیته علمی پس از داوری نهایی چهارده اثر را حسب امتیازهای کسب شده
جهت اخذ تصمیم نهایی انتخاب و به دبیرخانه همایش معرفی نمود و این در
حالی بود که امتیازهای مجموع مقالات میان نمرات ۴۵ تا ۹۴/۵ از تمره ۱۰۰
در نوسان بودند درحالی‌که چهارده اثر برگزیده امتیازهایی میان ۶۶/۵ تا ۹۴/۵ را
از آن خود کرده‌اند.

حضور صمیمانه جوانان شرکت‌کننده، تنوع دیدگاههای ارائه شده و توجه به
کارکردهای اجتماعی فرهنگ مهدوی از مهمترین ویژگیهای آثار ارسالی به
دبیرخانه بودند. این امر حاکی از توانایی و پتانسیل ویژه فرهنگ مهدوی است
که می‌تواند ضمن پاسخگویی به وجوه مختلف انتظارات جوانان، آنان را مهیای
ورود به عرصه عملی زندگی با رویکردی مهدوی نماید.

برگزاری موفق این همایش علمی در تاریخ ۲۶ آبان‌ماه ۱۳۸۴ و استقبال
دانشجویان شرکت‌کننده مقدمات انتشار این اثر را که حاوی مقالات برگزیده
است فراهم آورد.

با قدردانی از هیأت جوانان ال‌اطه و دست‌اندرکاران و مسئولان دانشگاه آزاد
اسلامی واحد اردبیل این اثر تقدیم ساحت مقدس حضرت ولی عصر،
علیه السلام می‌شود. والسلام
ناشر

مهدویت در ادیان الهی

فریده پور داد
زهرا نجومی

چکیده

اعتقاد به مهدی علیه السلام تنها نشانگر یک باور اسلامی با رنگ خاص دینی نیست، بلکه افزون بر آن عنوانی است برای خواسته‌ها و آرزوهای همه انسان‌ها، باکیش‌ها و مذاهب گوناگون و همچنین بازده الهام فطری مردم است، که با همه اختلاف‌هایشان در عقیده و مذهب، دریافته‌اند که برای انسانیت در روی زمین، روز موعودی خواهد بود، که با فرارسیدن آن، هدف نهایی و مقصد بزرگ رسالت‌های آسمانی تحقق می‌یابد و مسیر آنکه در طول تاریخ، پر از فراز و نشیب و پرتگاه بوده، به دنبال رنجی بسیار، همواری و استواری لازم را می‌یابد. از آنجا که اعتقاد به مهدی علیه السلام پیشینه‌ای درازتر و دامنه‌ای گسترده‌تر از اسلام دارد، طبیعی است که مرزهای اسلامی آن تمامی آرزوها و چشم‌داشت‌هایی را که از سپیده‌دم تاریخ به این اعتقاد پیوسته، در خویش جای داده و آن را از چنان بار فرهنگی پرتوانی برخوردار ساخته که بتواند سرمایه روحی بزرگی برای مستضعفین دنیا باشد؛ و در برافروختن احساسات همه ستمکش‌ها و شکنجه‌دیده‌های تاریخ، و رهبری آنها به سوی عدل و داد قدرت بیشتری داشته باشد، زیرا اسلام موضوع این اعتقاد را از محدوده «ذهن» به دنیای «واقعیات» آورده، و آنرا از «آینده» به «حال» انتقال داده است، تا به جای باورداشتن و چشم دوختن به نجات‌دهنده‌ای که در آینده ناشناخته و دور پدید می‌آید، به رهایی بخشی ایمان داشته باشند که اکنون هست و همانند دیگر منتظران چشم به راه رسیدن روز موعود و شرایطی است که به او امکان می‌دهد تا به هدف بزرگ خود جامه عمل بپوشد.

بنابراین موضوع مهدی علیه السلام در این جا، نه اندیشه چشم به راه نشستن کسی است که باید زاده شود و نه یک پیشگویی است که باید در انتظار مصداقش ماند؛

بلکه واقعیت استوار و فرد مشخصی است که خود نیز در انتظار رسیدن هنگام فعالیتش به سر می‌برد، و در میان ما زندگی می‌کند، ما را می‌بیند و ما نیز او را می‌بینیم. در قضای دردها و رنج‌ها و آرزوهای ماست و در اندوه‌ها و شادی‌ها شریک است. و به انتظار لحظه‌ای است که فرارسد و دست پرتوان خویش را به سوی همه رنج‌کشیدگان و محرومان و سیه‌روزان دراز کند و طومار ستمگران را بریده و درهم پیچد.

البته تقدیر این منتظر، چنین است که خود را آشکار سازد و با اینکه همراه با دیگران، لحظه موعود را انتظار می‌کشد، خود را به آنان نمایاند.

می‌بینیم که «تجسم یافتن مهدی» علیه السلام تحرک تازه‌ای به فکر انتظار می‌بخشد و آن را از توانایی و نقش آفرینی بیشتری برخوردار می‌کند. گذشته از آن در انسانی که به طرد ستم‌ها پرداخته، و رهبر منتظر خود را نیز هم‌درد، هم‌رنج، هم‌سان و وابسته به خویش احساس می‌کند، نوعی مقاومت و شکیبایی در برابر دردهایی که بر اثر محرومیت به او رسیده، ایجاد می‌کند.

ظهور مهدی علیه السلام به دنبال یک خلأ بزرگ، و در تنگنای شرایطی خفقان‌آور پدید می‌آید خلأ و خفقانی که به او امکان می‌دهد تا رسالت خویش را انجام دهد و از زیر و رو شدن نظم روحی مردم برای پذیرش آن استفاده کند.

زیر و رو شدن روحی مردم، تنها یک پیش‌آمد نیست - که به صورت تصادف در آن مرحله از تاریخ تمدن انسانی روی می‌دهد - بلکه نتیجه طبیعی تضادهای تاریخی مردمی است که پیوند خویش را از خدای خویش بریده و در پایان هم، راه حل قاطع و گریزگاه مثبتی برای نجات خویش نیافته است.

در چنین هنگامه‌ای، آتشی افروخته شده که به هیچ چیز امکان ماندن نمی‌دهد و امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز مأموریت یافته تا آن آتش

را فرونشاند و عدالت آسمانی را بر روی زمین برپای دارد.

با توجه به آنچه در مقدمه این بحث به آن اشاره کردیم با انتخاب موضوع تحقیقی با عنوان «مهدی در ادیان الهی» به ویژه مسیحیت، یهودیت، زرتشتیت، بر آن شدیم این موضوع را که یک امر اثبات شده و متقن در همه ادیان الهی است، با دقت بیشتر مورد بررسی قرار دهیم و با این هدف دست به کار شد و با استفاده بیش از ۲۰ منبع معتبر و همچنین کتب آسمانی در دسترس موضوع را به دو قسمت عام در ادیان الهی (مسیحیت، زرتشتیت و یهودیت) و تنها با استفاده از روش کتابخانه‌ای و جمع‌آوری اطلاعات از کتب و منابع و مراجعه به سایت‌های اینترنتی و یک قسمت خاص یعنی «بررسی مهدویت در دین اسلام» و با استفاده از روش تحقیق توصیفی پیمایشی با ابزار پرسشنامه در میان دو مذهب اهل تسنن و اهل تشیع به عنوان جامعه آماری مورد نظر، تقسیم نمودیم. با توجه به اینکه از نظر جغرافیایی در محل زندگی ما دسترسی به دبیران اهل تسنن به راحتی امکان پذیر بود و با پیشینه کم‌رنگ که درباره اعتقادات آنان در مبحث مهدویت با انتخاب ۵۰ نفر از دبیران دوره متوسطه (۲۵ نفر اهل تشیع) ناحیه یک شهر کرمانشاه در رشته‌های مرتبط و جمع‌آوری اطلاعات از آنان به این نتایج دست یافتیم:

که انبیای عظام و رسولان گرامی امت‌های خویش را به عاقبت خوش و سرانجام پاکیزه و نیک برای افراد بشر مژده داده و خیردار ساخته‌اند، آنان از سوی خداوند وعده فرموده‌اند که روزگار آدمیان به سعادت و رفاه و خوشی و راحتی ختم خواهد شد. همه پیامبران مژده داده‌اند که مصلحی ظهور خواهد کرد که سایه عدالت را در سراسر گیتی می‌گستراند و حکومت داد و قسط را بر پهنه زمین به اجرا درمی‌آورد به طوری که دیگر نه ظالمی باقی بماند و نه مظلومی

واحدی از مرز عدل بیرون نرود و این کتاب‌های آسمانی تورات، انجیل، زبور، اوستا و... آکنده از این بشارت است که پیغمبران الهی به امت‌هایشان بیان فرموده‌اند که ظهور یک مصلح واقعی مورد قبول تمامی ملل عالم است و بنا ظهور او سعادت افراد بشر بلکه حتی حیوانات و تمام موجودات زمین تضمین و تأمین می‌گردد، و هدف نهایی از زندگی تحقق می‌پذیرد.

این رهبر الهی و مرد توانا از دید شیعیان دوازدهمین پیشوای معصوم از دودمان پیغمبر خاتم محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علی علیه السلام است او بنابر مشهور در سال ۲۲۵ ق. در شهر سامره متولد گردید و پدرش امام حسن عسکری علیه السلام و مادرش بانویی به نام «ترجس» بوده است که به خاطر پنهان ماندن راز حملش و تولد مولود اسرارآمیزش به نام‌های دیگر هم خوانده شده است. البته اعتقاد به ظهور مهدی موعود علیه السلام، تنها عقیده شیعیان نیست، بلکه در جملگی مسلمانان بر آند، با این فرق که اهل تسنن در این اعتقاد دو دسته‌اند؛ اکثریت معتقدند که مهدی موعود علیه السلام از نسل پیامبر (ص) بوده و در بحرانی‌ترین ایام تاریخ متولد می‌شود و در جوانی قیام می‌کند و دنیا را پر از عدل و داد می‌کند و جمعی دیگر عقیده دارند که او همان پسر امام حسن عسکری علیه السلام است که در اعتقاد شیعه امامیه، امام دوازدهم می‌باشد.

مقدمه

از روزگاران کهن، داستان ظهور مصلح در آخرالزمان، اصلی اساسی بوده است که پیشینیان بشر پیوسته از آن سخن می‌گفته‌اند. اکنون نیز پس از گذشتن قرن‌ها، در خلال یادگارهای انسان‌های قدیم آثاری هست که ما را به این هدف رهنمون می‌سازد.

گرچه جوامع متمدنی امروزی خرید و فروش افراد آدمی را لغو و تحریم کرده‌اند، و اینرا از جمله نشانه‌های تمدن و پیشرفت خود به شمار می‌آورند، ولی در حقیقت جز تغییر نام و شکل ظاهری بردگی و استثمار کار دیگری نکرده‌اند؛ چه اینکه می‌بینیم ملت‌ها و اقلیت‌ها را یک جا می‌خرند و در مقابل، فرهنگ استعماری و بر آنها تضمین می‌دهند.

بنابراین آیا این تناقض فرهنگی موجود را آخری هست و سرانجام سرنوشت انسانیت به کجا منتهی می‌شود؟ آیا روزی می‌رسد که جامعه بشری سعادت و کامیابی کامل و زندگی ایده‌آل را به خود ببیند و به کمال واقعی دست یابد؟

اندیشمندان شرق و غرب سعی داشته‌اند که به این سؤالات پاسخ دهند و برای خلاصی از این تنگناها چاره‌جویی نمایند.

برخی از آنها چنین پندارند که راهی برای بیرون شدن از این گرداب نیست، انگار که این موجود عاقل فقط برای همین خلق شده که در فقر و بدبختی و جهل بماند، و تا ابد دچار تیره‌روزی و نکبت و محنت باشد.

بعضی دیگر به جای اینکه احساس مسئولیت کنند و به فکر خلاصی جامعه بشری باشند، عزلت و گوشه‌گیری از جامعه را برای خویش برگزیده و بی‌اعتنا به آنچه بر سر مردم می‌آید به کنجی خزیده‌اند.

تنها عده‌اندکی از آنان با فکر باز و عقل سلیم به محدوده وسیعی نگریسته، با

بصیرت و دقت مشکلات انسانی را مورد بحث و بررسی قرار داده، و مردم را به مدینه فاضله و زندگی ایده‌آل و سعادت‌تمند امیدوار ساخته‌اند.

اگر زندگی انبیا و فرستادگان خداوند را به دقت مورد مطالعه قرار بدهیم می‌بینیم که اکثر تعالیم و احکام الهی انبیا نافرجام مانده و نتوانسته‌اند آنرا به پایان برسانند، عدم موفقیت انبیا به خاطر این بوده است که انسان‌ها قدر آن تعالیم و احکام را ندانستند و یا مستعد آن تعالیم و احکام نبودند، و در نتیجه انبیا به آرزوی خود که نشر تعالیم الهی و عدل الهی بود، نرسیدند.

از طرفی بی‌شک این ادیان الهی بودند که توسط انبیا و رسل، بشر را به سوی کمال و تمدن واقعی، سوق می‌دادند و هر یک تداوم بخش این تمدن واقعی بودند و همگی یک هدف را دنبال می‌کردند، ولی به علت نافرجام بودن رسالتش، مژده فرارسیدن روزگار عدالت الهی و تمدن واقعی را به دست مصلح غیبی می‌داده‌اند.

اندیشه پیروزی نهایی نیروی حق و صلح و عدالت بر نیروی باطل و ستیز و ظلم، گسترش جهانی ایمان اسلامی، استقرار کامل و همه جانبه ارزش‌های انسانی، تشکیل مدینه فاضله و جامعه ایده‌آل، و بالاخره اجرای این ایده‌آل عمومی و انسانی به وسیله شخصیتی مقدس و عالی قدر اندیشه‌ای است که کم و بیش همه فرق و مذاهب با تفاوت‌ها و اختلاف‌هایی بدان مؤمن و معتقدند. اعتقاد به مهدی در سرتاسر آفاق زمانی و مکانی اسلام و تاریخ، فرهنگ و مبانی اعتقادی آن، در کتاب‌ها و تألیف‌ها و در مساجد و مدارس و در میان مشایخ و استادان حدیث و در مجالس روایت و ضبط و تحمل حدیث و همچنین در تفاسیر قرآن کریم و در همه جا و همه جا اصلی مطرح بوده است، و یا ظهور او آینده‌ای روشن، سعادت بخش و انسانی، که در آن شر و فساد از بین و

بن برکنده خواهد شد. در انتظار بشریت است.

موضوع «مهدویت» از جمله مسائل مهم و اساسی در دین اسلام است که ما را به این فکر وامی دارد که خداوند پاک و برتر چه اصراری در مورد آن انسان ویژه دارد که به خاطر او قوانین حاکم بر طبیعت را درهم ریخته و برای طولانی کردن زندگی مصلح خویش و نگهداری از او برای روز موعود به کاری محال پرداخته است. مگر مادران یسر از زادن رهبران با کفایت عقیمند؟

چرا خداوند روز موعود را برای رهبری مصلحی قرار داده که همراه با سپیده دم آن روز ظهور کرده و جهانی را که پر از ستم و بیداد گشته، آکنده از عدل و داد نماید؟

اعتقاد به دوره آخر الزمان و انتظار ظهور منجی غیبی و مصلح جهانی و بزرگ در اصول عقاید ما جایگاه مهمی را به خود اختصاص داده است.

این عقیده در کیش های آسمانی همچون زرتشت، یهود، مسیحیت و به طور کلی در میان مدعیان نبوت، به مثابه یک اصل مهم قبول شده و همگی بالاتفاق بشارت ظهور چنان مصلحی را داده اند.

در این راستا، دو مذهب عمده اسلام - تشیع و تسنن - هم در ظهور یک مهدی در دوران واپسین زمان اتفاق نظر دارند.

متأسفانه در دوران توسعه سلطه و نفوذ استعمار در طول تاریخ استعمار ملل مسلمان از جانب توسعه طلبان بین المللی، مسئله مهدویت به اشکال گوناگونی مورد سوء استفاده قرار گرفته و دشمنان ما تحت همین عنوان، ضربه های سختی را بر پیکر اصول عقاید و در نتیجه بر استقلال سیاسی و اقتصادی ما وارد آورده اند. اگر مسلمانان - اعم از شیعه و سنی - و مذاهب آسمانی دیگر، معتقد به آمدن یک مصلح خدایی و بزرگ هستند نظامهای منحط لیبرالیسم، کمونیسم

و... نیز خواسته‌اند از فرصت سوء استفاده نموده، و با ایجاد تحریف در معرفی مهدی موعود نگذارند ملل بی اطلاع آن نظام‌ها از حقیقت یک عقیده جهانی و نجات بخش آگاه شوند؛ و مللی را نیز که شایسته رهبری فکری و اجتماعی جوامع انسانی بوده و دارای ذخیره‌های فکری عمیق می‌باشند، از منابع فلاح و رستگاری خود دور کرده و برای به بدست آوردن منابع ملی آنها از طریق ایجاد تزلزل اعتقادی و نیز ایجاد تجزیه و تفرقه در بین یک واحد جهانی به نام «ملت اسلام»، به مقاصد ضد بشری خود دست یابند.

ما که مسلمانیم و خود را صاحب طرز فکری می‌دانیم که حتی می‌تواند صلح بین‌المللی را با تشکیل جبهه متحد مسلمین و با ایجاد تعادل سیاسی برقرار کند باید از این گونه مسائل که با عقاید و طرز فکر ما بستگی تام دارد شدیداً دفاع کنیم و به روشنگری مردم بپردازیم.

مهم‌ترین، بارزترین و رؤیایی‌ترین ویژگی عصر طلایی ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف عدالت فراگیری است که به سان گرما و سرما به خانه مردمان راه می‌یابد، و همه جا را پر خواهد کرد.

عدالت، مرهم زخم‌های کهنه بشریت، مایه حیات و بقای احکام الهی، صلاح بخش حال مردمان، و به تعبیر کامل‌تر، آنچه که هر چیزی را در سر جای واقعی‌اش می‌نهد و برقراریش گرسنگی و برهنگی‌ها و فقرها و حتی جهالت‌ها و بی‌ایمانی‌ها را ریشه‌کن خواهد ساخت محقق خواهد گشت.^۱

۱. رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، برگرفته از آدرس اینترنتی:

مهدویت از دیدگاه اسلام

از آنجا که اعتقاد به مهدی، پیشینه و دامنه‌ای گسترده‌تر از اسلام دارد، طبیعی است که مرزهای اسلامی آن تمامی آرزوها و چشم‌داشت‌هایی را که از سپیده‌دم تاریخ به این اعتقاد پیوسته، در خویش جای داده و از چنان باور فرهنگی پرتوانی برخوردارش ساخته تا بتواند سرمایه روحی بزرگی برای مستضعفان دنیا باشد و در برافروختن احساسات همه ستمکشان و شکنجه دیده‌های تاریخ و رهبری آنها به سوی عدل و داد، از توان بیشتری برخوردار باشد، زیرا اسلام موضوع این اعتقاد را از محدوده ذهن به دنیای خارج آورده، و آنرا از آینده به «حال» انتقال داده است، تا به جای باورداشتن و چشم دوختن به نجات‌دهنده‌ای که در آینده‌ای ناشناخته و دور پدید می‌آید، به رهایی بخشی ایمان داشته باشند که اکنون هست و همانند دیگر منتظران چشم به راه رسیدن روز موعود و شرایطی است که به او امکان می‌دهد تا به هدف بزرگش جامه عمل بپوشد.

روشن است ویژگی‌های اسلامی این فکر، فاصله پنهانی موجود بین ستم‌دیدگان و آن نجات‌بخش مورد انتظار را کم می‌کند و نجات‌بخش، پللی می‌شود که فاصله دراز انتظار را کوتاه می‌کند.

اعتقاد به مهدی موعود عَلَيْهِ السَّلَام از عقاید مسلم نزد همه مسلمانان است. همه مسلمانان برآنند که شخصی که مهدی لقب دارد و با رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ همنام است در آخرالزمان ظهور می‌کند و دین اسلام را رواج داده و جهان را پر از عدل و داد می‌نماید.

احادیث فراوانی از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در این زمینه به تواتر می‌توان یافت؛ اعتبار حدیث «متواتر» مورد قبول همه علمای اسلام بوده و صحت اعتبار آن خدشه‌ناپذیر است.

در هر حال احیاگری سابقه درخشانی در تاریخ اسلام دارد که در روایات شیعه و سنی در مورد آن بحث شده است. شیعه خلاً پس از ختم نبوت را با بحث امامت دوازده امام و غیبت امام دوازدهم - حضرت مهدی علیه السلام تا روز قیامت قابل حل می‌داند؛ اما از دیدگاه اهل سنت این خلاً با ظهور مجددان و مصلحان دینی در هر عصر و قرن، مطابق با پیشگویی و بشارت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله تا قیام قیامت ادامه خواهد یافت و نهایتاً این حرکت یا ظهور حضرت مهدی علیه السلام و نزول حضرت عیسی علیه السلام از آسمان در سطحی جهانی و فراگیر شکل خواهد گرفت و بساط ظلم و ستم علیه بشریت پایان خواهد یافت و عدل و قسط و مساوات همه گیتی را فرا خواهد گرفت. رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند:

اگر از دنیا جز یک روز باقی نماند، قطعاً خداوند در آن روز مردی از اهل بیت مرا بر خواهد انگیخت که دنیا را پر از عدل و داد نماید چنانکه پر از ظلم و جور شده بود.

- مقایسه دیدگاه اهل سنت و تشیع از مهدویت: اعتقاد به ظهور

حضرت مهدی علیه السلام از باورهای مهم اهل سنت و از علائم کبرای قیامت به حساب می‌آید، تا آنجا که برخی از محدثان و محققان اهل سنت روایاتی را که پیرامون آن حضرت علیه السلام نقل شده است، در حد تواتر معنوی می‌دانند و متکرر آنرا فاسق می‌خوانند.

اهل سنت و شیعه درباره بشارت‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نسبت به ظهور حضرت مهدی علیه السلام و مأموریت جهانی، شخصیت معنوی، نشانه‌های ظهور و ویژگی‌های انقلاب ایشان تا حد زیادی اتفاق نظر دارند، اما تفاوت اساسی در آن است که شیعیان معتقدند آن حضرت مهدی علیه السلام امام دوازدهم و فرزند حضرت

امام حسن عسکری علیه السلام است که در سال ۲۵۵ ق. متولد شده و هم‌اکنون زنده و غایب است. در حالی که اهل سنت معتقدند کسی با نام و لقب مهدی هنوز متولد نشده و غایب نیست، بلکه چنین فردی با نام «محمد بن عبدالله» و ملقب به «المهدی» از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله در نزدیکی قیامت به منظور احیا و تجدید دین اسلام ظهور خواهد کرد.

محققان و دانشمندان اهل سنت ظهور مهدی موعود را در نزدیکی قیامت از معتقدات اهل سنت و جماعت برشمرده‌اند؛ از جمله علامه مسعود بن عمر تفتازانی می‌گوید:

احادیثی صحیح درباره ظهور امامی از دودمان فاطمه زهرا سلام... علیها روایت شده که وی دنیا را پر از قسط و عدل خواهد کرد چنانکه پر از ظلم و ستم شده است. علامه جلال‌الدین سیوطی به نقل از امام ابوالعباس ابوالحسن محمد بن حسین سحری و امام محمد هیتمی به نقل از برخی از بزرگانشان می‌گویند که:

اخبار و روایات درباره آمدن مهدی متواتر است و به دلیل کثرت راویان آن از پیامبر صلی الله علیه و آله در حد «استفاضه» است، و بیان می‌دارد مهدی از اهل بیت ایشان است و هفت سال حکومت خواهد کرد و زمین را پر از عدل و داد می‌کند.^۱

امام احمد بن عبدالرحیم معروف به شاه ولی الله محدث دهلوی می‌گوید:

ما به یقین می‌دانیم که شارع - علیه الصلاة والسلام - فرموده است به آنکه امام مهدی در اوان قیامت موجود خواهد شد و وی عندالله و عند رسوله امام بر حق است و پر خواهد کرد زمین را به عدل و انصاف چنان که پیش از وی پر شده باشد به جور و ظلم، پس از این کلمه

۱. تفتازانی، مسعود بن عمر، شرح المقاصد عالم الکتب، ۱۴۰۹ ق، ص ۳۱۲.

جانشین امام مهدی را افاده کرده‌اند، و واجب شد اتباع وی در آنچه تعلق به خلیفه دارد چون وقت خلافت او آید.^۱

امروزه بحث دین و احیاء دینی مسئله مهدویت را در دو بعد «خاص» و «عام» مطرح نموده‌اند.

درباره اعتقاد اهل سنت در مورد مهدویت گفته می‌شود:

اهل سنت روایات مختلفی در مورد مهدویت دارند و کتاب‌های قطوری در این مورد نوشته‌اند. منتهی آنها مهدویت عام را قبول دارند، به این معنا که در آخر الزمانی که فرا خواهد رسید، شخصی به نام مهدی قیام خواهد کرد. وی هدایتگر و پیشوا خواهد بود، اما اعتقاد ندارند که او از پدر و مادر معینی به دنیا آمده و هزاران سال زنده بوده است. بلکه معتقدند چنین فردی که یک رهبر الهی و معنوی است، برای احیای دین به موقع ظهور خواهد کرد.

در همین صد و پنجاه سال اخیر در میان اهل سنت مدعیان دروغین مهدویت ظهور کرده‌اند. البته ما آنها را «مهدی دروغین» می‌دانیم زیرا که به مهدی معینی اعتقاد داریم، اما در میان اهل سنت چنین اعتقادی وجود ندارد. یک نفر که ادعای مهدویت کند، نمی‌تواند به راحتی او را تکذیب کرد. هر کس که قیام کند، می‌تواند ادعا کند که همان مهدی موعود است. حال از چه طریق می‌توان این ادعا را اثبات یا رد کرد، مشخص نیست.

درباره این بخش سخنان باید عرض کرد که مدعیان مهدویت از دیدگاه اهل سنت و جماعت همانند مدعیان دروغین نبوت قابل تشخیص‌اند. زیرا ظهور حضرت مهدی علیه السلام تمهیدات و مقدماتی دارد که با تحقق آنها زمینه ظهور

۱. اکیومی، سهیل، إزالة الحفاء عن خلافة الخفاء، لاهور، ۱۹۷۶ م.

ایشان فراهم می‌گردد. این مقدمات به نام علائم صغرای قیامت به‌طور مبسوط در کتاب‌های عقیدتی اهل سنت، همچون روز روشن است و نشانه‌ها و علاماتی که پیش از ظهور و بعد از آن اتفاق می‌افتد و علائم و نشانه‌هایی که درباره ویژگی‌های اخلاقی و سیمای آن بزرگوار در احادیث آمده، شخصیت ایشان را کاملاً از مدعیان دروغین متمایز می‌کند. چنانکه کسانی که در میان اهل تسنن ادعای مهدویت کرده‌اند همچون «احمد سودانی» که به مهدی سودانی معروف شد به «متهمدی» (مهدی نما) ملقب شده‌اند و کسی این ادعای آنان را نپذیرفته است.

«محمد عبدالله قریشی» و «جیهمان غیبی» نیز که در مکه مکرمه ادعای مهدویت کردند، حکومت عربستان سعودی آنها را بازداشت و اعدام کرد و علمای سعودی و علمای سایر ممالک اسلامی آنان را ملحد و متجاوز به حرم الهی خواندند و کسی از آنان حمایت نکرد.

آقای شیخ علی کورانی از نویسندگان و محققان معاصر شیعه درباره اعتقاد اهل سنت و جماعت در مورد حضرت مهدی علیه السلام و حرکت‌های معاصر مهدویت می‌گوید:

اصالت اعتقاد به حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه اهل سنت از آنجا روشن می‌گردد که روایات فراوانی در منابع و اصول روایی و اعتقادی آنها و نیز فتاوا و آرای دانشمندان و تاریخ علمی و سیاسی آنان در خلال نسل‌های گذشته وجود دارد که گواه بر این عقیده است. بنابراین حرکت‌هایی که از سوی مدعیان مهدویت در جوامع اسلامی اهل سنت رخ داد، مانند جنبش مهدی سودانی در قرن گذشته و حرکتی که در آغاز این قرن در حرم مکه اتفاق افتاد، و جنبش‌هایی که اندیشه‌های مهدویت

را به شکل آشکاری نشان می‌داد، مانند جنبش جهاد و هجرت در مصر و حرکت‌های مشابه آن که در اثر وجود خلأ فکری و یا تحت تأثیر تفکرات شیعی درباره حضرت مهدی علیه السلام آنگونه که برخی تصور می‌کنند، پدید نیامد.^۱

عده‌ای از نویسندگان اهل سنت نیز در عصر حاضر درباره اعتقاد به ظهور مهدی یا شک و تردید نگریسته‌اند و ظهور فردی به نام مهدی را به کلی نفی کرده‌اند و آن را تشبیه گرفته از اعتقادات اهل تشیع دانسته‌اند و یا ظهور چنین فردی را با ویژگی‌ها و علائم خاص انکار نموده‌اند.

در پاسخ این اظهارات، علما و محققان اهل سنت و جهان اسلام واکنش نشان داده‌اند، از آن جمله: «شیخ عبدالعزیز بن باز (مفتی اعظم سابق عربستان سعودی) شیخ محمد صالح عثیمین، عبدالمحسن عیاد استاد دانشگاه اسلامی مدینه منوره، محمد سابق از اساتید دانشگاه الأزهر و... که هر یک با نشر کتاب، مقاله، صدر فتوا و ایراد سخنرانی به رد صریح این رویکرد پرداخته و ایرادهای آنان را پاسخ گفته‌اند.

دکتر عبدالخلیم، رئیس سابق دانشگاه الأزهر مصر می‌گوید:

خبر ظهور حضرت مهدی علیه السلام در فصوص صریح احادیث آمده است. آغاز ظهور حضرت مهدی از مکه مکرمه و قبل از نزول حضرت مسیح بن مریم علیه السلام خواهد بود. امام مهدی متولی امر مسلمانان می‌شود و آنان را در جهاد با دشمنان اسلام رهبری می‌کند. آنکه حضرت مسیح علیه السلام از آسمان فرود آید و بر منهاج شریعت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و در راستای تحکیم ارکان اسلام تلاش می‌کند. محتوای

احادیثی که دربارهٔ حضرت مهدی روایت شده‌اند آن است که وی فرماندهٔ عربی مبارزه و مجاهدی است که برای نشر عدل و دفع ظلم و ستم تلاش خواهد نمود، چنان که در احادیث به این مطلب تصریح شده است. همچنین در احادیث به تحقق حکومت جهانی تحت پرچم واحد که همانا پرچم عدل، احسان و حق است، بشارت داده شده است. ظهور حضرت مهدی در حقیقت تحقق آرزوی کسانی خواهد بود که خواهان رفاه و آسایش بشراند و رؤیای دیرینه فلاسفه‌ای مثال فارابی خواهد بود که دربارهٔ حکومت جهانی و مدینهٔ فاضله نظریه پردازی کردند.^۱

روایات بسیار دیگری نیز بر ثبوت شخصیت موعود و بر حق بودن خروج وی دلالت دارند. ظهور این امام موعود در آخرالزمان، نزول رحمتی از جانب خداوند بر امت اسلامی است، زیرا توسط ایشان عدل و حق اقامه می‌گردد و بساط ظلم و جور برچیده می‌شود.

حال با توجه به آنچه که بیان گردید، از نظر اسلام جریان عالم به سوی حاکمیت حق و به سمت صلاح است و تردیدی در این امر وجود ندارد. همهٔ انبیا و اولیا آمده‌اند تا انسان را به آن بزرگراه سوق دهند که وقتی وارد آن شد بدون هیچ مانعی تمام استعدادهایش بروز کند. هنوز بشریت به آن نقطه شروع و آن صراط مستقیم نرسیده است، ولی در زمان ولی عصر علیه السلام خدا می‌داند که بشر آن زمان به چه عظمت‌هایی نایل خواهد شد. و آن روزی است که منجی عالم بشریت به فضل پروردگار ظهور کرده و پیام او دل‌های مستعدی را که در

۱. کوزانی، علی، عصر ظهور، ترجمه عباس جلالی، شرکت چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۷۹، ص

همه جای جهان هستند به خود جذب کند و آن روز دیگر قدرت‌های ستمگر نمی‌توانند با فشار و زور و زور خود مردم را به عقب بکشانند.

همه مسلمانان چه اهل سنت و چه شیعه، حقیقت مهدی را از طریق روایات خدشه‌ناپذیری که از نبی اکرم صلی الله علیه و آله و اولیای دین رسیده است قبول دارند، اما این حقیقت در میان هیچ گروهی از جهان اسلام مانند شیعیان، روشن و واضح نیست.

- مهدی در احادیث نبوی: یکی از مشهورترین روایت‌هایی که از پیامبر اکرم

صلی الله علیه و آله درباره وجود نازنین حضرت مهدی علیه السلام بین اهل تشیع و اهل تسنن به تواتر بیان شده، این روایت است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند:

اگر از دنیا تنها یک روز باقی بماند، خداوند آن روز را چنان طولانی گرداند تا فرزندم مهدی در آن ظهور کند.

شیخ صدوق در کتاب کمال‌الدین و تمام النعمة از سعید بن جبیر و او از ابن عباس و از پیغمبر صلی الله علیه و آله روایت نموده که فرمود:

جانشینان من که بعد از من حجت‌های پروردگار بر مردم روی زمین هستند، دوازده تن می‌باشند، اول آنها بردارم و آخر آنان فرزندم خواهد بود.

عرض کردند: یا رسول الله، برادر شما کیست؟ فرمود:

علی ابن ابیطالب است.

عرض کردند: فرزندان کیست؟ فرمود:

مهدی است که زمین را از عدل و داد پرکند چنانکه پر از ظلم باشد، خداوند آن روز را چندان طولانی گرداند تا فرزندم مهدی در آن روز ظهور کند. پس عیسی روح الله از آسمان فرود آید و پشت سر او

نمازگزارد. زمین به نور پروردگار روشن شود و سلطنتش در شرق و غرب عالم گسترش یابد.

و در آن کتاب از جابر جعفی به نقل از جابر بن عبدالله انصاری روایت شده است که پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود:

مهدی از اولاد من است؛ نامش نام من و کنیه اش کنیه من می باشد، صورت و سیرتش از همه کس به من شبیه تر است؛ غیبتی کند که مردم دچار حیرت گردند و بسیاری از فرقه ها گمراه شوند آنگاه مانند ستاره تابانی از پرده غیبت به درآید و زمین را پر عدل و داد کند آن چنان که پر از ظلم و ستم شده باشد.

جابر برخاست و عرض کرد: یا رسول الله، قائم که فرزند شماست غایب می شود؟ فرمود:

آری و الله! خداوند بدان وسیله اهل ایمان را امتحان نموده خالص می گرداند و کافران را آزمایش کرده از میان می برد.

ای جابر! این از کارهای عجیب خداوند و سری از اسرار الهی است که بر بندگانش پوشیده است، پس از شک در کار خدا بپرهیز که کفر است.^۱

بر اساس احادیث، مهدی عَلَيْهِ السَّلَام فردی از عترت و اهل بیت و از فرزندان پیامبر دانسته شده است و از اینرو وی یکی از دو ودیعه گرانمایه در حدیث ثقلین به حساب می آید و همه سفارش های پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ عترت او را در بر می گیرد.^۲

۱. سوره آل عمران (۳)، آیه ۱۴۰.

۲. جمعی از نویسندگان، امام مهدی در حدیث ثقلین، انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی

یوسف بن یحیی مقدس سلمی در نخستین باب کتاب عقد الدرر خود عنوان می‌کند که مهدی از ذریه پیامبر و عترت اوست و آنگاه حدود ۳۴ حدیث در این باره نقل کرده است.

همچنین سیوطی از علمای بنام اهل تسنن در کتاب الحاوی احادیثی را در این زمینه یادآور می‌شود که به دو نمونه از آن اشاره می‌کنیم:

کسی که خدا او را بر همه ادیان چیره می‌گرداند، مهدی از فرزندان فاطمه سلام، علیها است.

پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند: مهدی مردی از عترت من است، برای [آقامه و پاسداشت] سنت من می‌ستیزد چنان که من برای اجرای احکام الهی جنگیدم.

بر اساس احادیث مطرح شده مهدی عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى قَرَجَهُ الشَّرِيفَ از مصداق‌های روشن و کامل اهل بیت است بدین گونه حدیث ثقلین نیز مهدی را در بر می‌گیرد، و اینکه او عدل قرآن و یکی از دو شیء گرانمایه به جامانده از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و دست‌آورد رسالت آن حضرت می‌باشد.

به این ترتیب مهدی ریسمان الهی است که باید امت به آن چنگ زنند و بر محورش گرد آیند و از او غلقت نورزند و دریابند که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مسلمانان را درباره رفتار با مهدی و اعتقاد به او بازخواست می‌کند.

مهدی از آن جا که اهل بیت پیامبر است، ثقل در این زمان دانسته می‌شود و با قرآن که ثقل اکبر است همراه بوده و تا قیامت از آن جدایی ناپذیر است.

- مهدی در اندیشه عالمان اهل تسنن:^۱ در بین احادیث مهدی احادیث

صحیح که پیرامون آنها اتفاق نظر وجود دارد به شخصی مربوط می شود که در آخر الزمان ظاهر می شود. پیامبر صلی الله علیه و آله ما را از تام و تام پدر آگاه کرده و در چندین حدیث، صفت مهدی بر وی اطلاق نموده است. مهدی یکی است و متعدد نیست و در احادیث وی هم تباین وجود ندارد.

به نظر علمایی که پیرامون اعتقادات اهل سنت و جماعت قلم زده و به طور کتبی به ظهور مهدی آخر الزمان اذعان نموده اند، عدم ذکر شفاهی ظهور مهدی در آخر الزمان توسط اهل سنت در کتب بعضی از بزرگان ما، دلیل آن نیست که آنان اعتقاد به مهدی را جزو اعتقادات مسلمانان نمی دانسته اند، زیرا آنها مقید به شرح همه عقاید و ضبط تمامی معتقدات نبودند.

بعضی از آنان مسائلی کلی را بازگو نموده اند که وجوب باور داشت تمامی آنچه پیامبر صلی الله علیه و آله خبر داد و نقل آن صحیح باشد، در آن می گنجد، همان طور که «این قدامه مقدسی» این کار را انجام داده است.

در قرن نهم، هنگامی که مدعیان مهدویت زیاد شدند، بعضی از علمای محقق به ناچار به نقد احادیث مهدی پرداختند تا قوت و ضعف و صحت و سقم هر یک از آنها را باز شناسند. که به تعدادی از احادیث متواتر علمای اهل سنت اشاره می کنیم.

شیخ منصور علی ناصیف از عالمان اهل سنت می گوید:

در میان عالمان سنت مشهور و قطعی است که در آخر الزمان مردی از خاندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که نام او مهدی است، ظهور خواهد کرد. او

۱. هاشمی شافعی، سید محمد طاهر، مناقب اهل بیت از دیدگاه اهل سنت، مؤسسه چاپ آستان قدس رضوی، ص ۳۸۰.

بر همه کشورهای اسلامی استیلا می یابد، همه پیرو او می شوند، او به عدالت رفتار می کند و دین را استوار می سازد.

عبدالعزیز بن یاز می گوید:

مسئله مهدی آشکار و روشن است، و احادیث درباره آن فراوان بلکه متواتر و مستحکم است.

شیخ محمد عبده می گوید:

خاص و عام می دانند که در اخبار و احادیث، ضمن شمردن علائم قیام قیامت، آمده است که مردی از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله خروج می کند، که نام او مهدی است، او زمین را، پس از آن که از جور و پیداد آکنده باشد از عدالت پرخواهد کرد.

طبرانی نیز از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده است که:

مهدی از ما است، دین به ما خاتمه می یابد چنان که به ما افتتاح شد.

در جایی دیگر نیز از طبرانی نقل شده است که رسول خدا

صلی الله علیه و آله فرمود:

مهدی از اولاد من است، رخسارش چون ستاره درخشان، عربی رنگ و اسرائیلی جسم است و زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد چنان که پر از جور و ستم شده است.

در روایتی از ابو نعیم نیز نقل شده که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

مهدی می آید و بر سر او عمامه ای است و در آن عمامه ملکی است که

بانگ می زند این خلیفه خدا، مهدی، از او تبعیت کنید.

جلال الدین سیوطی نیز به نقل از رسول اکرم صلی الله علیه و آله می گوید:

و مردمانی از مشرق زمین قیام می کنند و زمینه حکومت مهدی را

فراهم می سازند.

ابن اثیر می گوید:

مهدی یعنی کسی که خداوند راه حق را به او نشان داده است و آن کسی است که پیامبر صلی الله علیه و آله مژده داده است که در آخر الزمان می آید.

محمد بن حسین آبری سجزی در کتاب مناقب الشافعی گفته است:

در اخبار متواتر رسیده است که مهدی از این امت است و عیسی پشت سر او نماز می گذارد.

ابن حجر می گوید که آبری این حدیث را در رد حدیث «مهدی جز عیسی نیست» نقل کرده است. عبدالمحسن عباد از عالمان معاصر می گوید:

در چنین امری (ظهور مهدی در آخر الزمان) مجال اظهار نظر شخصی نیست، بلکه تنها راه وحی است که می تواند ما را راهنمایی کند، زیرا این مسئله از امور غیبی می باشد.

آنچه که احادیث مهدی بر آن دلالت دارد، مانند قیام وی برای یاری دین خدا و آکنده شدن زمین از عدل و داد با پیدایش دجال و پیروانش و خصومتشان با مسلمانان در آن دوران، منافات ندارد.

بر اساس این احادیث حق هم چنان استمرار دارد و گسترش می یابد. خداوند در هر زمان کسانی را آماده ساخته است تا این دین را استوار بدارند و حتی در دوران ما که دشمنان اسلام از همه سو بدان پورش برده اند و اسلام نمایان بیش از دشمنان واقعی بدان ضربه زده اند، زمین از اقامه شعائر دین اسلام خالی نگشته است.

— ظهور علائم صغرای قیامت: قبل از ظهور حضرت مهدی علیه السلام و وقایعی

در جهان اتفاق خواهد افتاد که در احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله و روایات اسلامی از آنها

به عنوان و نشانه‌های صغرای قیامت یاد شده است. این علائم در حکومت، جامعه و اخلاق مردم به شیوه‌های متفاوت و در حد وسیعی گسترش می‌یابد و جهان را با هرج و مرج و افسارگسیختگی رو به رو خواهد کرد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نشانه‌های بسیاری را پیشگویی فرموده‌اند که در زمان حاضر بخش بزرگی از آنها آشکار شده‌اند. آن حضرت می‌فرماید:

در آخر الزمان نزدیک قیامت دین اسلام غریب و ناآشنا می‌شود، چنان که در آغاز غریب بود. صبرکننده بر دین همانند کسی خواهد بود که اخگر آتش در کف خود گرفته باشد، بدعت‌ها ظاهر می‌شوند و نام سنت بر آنها اطلاق می‌گردد. حلال حرام می‌شود و حرام حلال، امر به معروف ترک می‌شود، علم برداشته می‌شود و جهل [به دین] عام می‌گردد، مردم از آخرت غافل و به دنیا مشغول می‌گردند، مال و ثروت در راه‌های نامشروع که مورد غضب و خشم خداوند است خرج می‌شود، مساجد به ظاهر آباد و مزین هستند اما از هدایت و معنویت خالی‌اند، نماز به خاطر ریا و نشان دادن به مردم گزارده می‌شود، خشوع از دل‌ها می‌رود چنان‌که یک نفر خاشع پیدا نمی‌شود، مؤمن تحقیر و فاسق توفیر و تکریم می‌شود، دروغ را حلال می‌شمارند، قسم دروغ به خدا بسیار می‌شود، آخرین امت گذشتگان این امت را لعن می‌کنند، شهادت به دروغ معمول می‌گردد، ربا عام می‌شود، شراب و زنا و موسیقی حلال شمرده می‌شود، محارم خداوند هتک می‌شوند و مردم همانند حیوانات در منظر عالم بر یکدیگر می‌جهند، قتل و آدم‌کشی بسیار می‌شود، مردان از زنان اطاعت کرده و صله رحم و خویشاوندی قطع می‌شود، کبر و حسد و بخل و حرص دنیا دل‌های مردم را

فرامی‌گیرد، بادیه نشین چوپانان به ثروت‌های کلان و بادآورده می‌رسند و دارای کاخ‌ها و آسمان خراش‌های بلند می‌گردند و بر تخت فرمانروایی تکیه می‌زنند. علاوه بر این حوادث بلایای آسمانی از قبیل سیل و طوفان و زلزله به کثرت اتفاق خواهد افتاد.

- ظهور علائم کبرای قیامت: رسول اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرمایند:

قیامت هرگز برپا نخواهد شد تا آنکه ده نشانه آنرا ببینید.

سپس فرمودند:

نشانه‌های قیامت عبارتند از: برخاستن دود، ظهور دجال، بیرون آمدن جنبه زمین، طلوع خورشید از جانب مغرب، فرود آمدن حضرت عیسی بن مریم، خروج یاجوج و ماجوج، پدید آمدن سه «خسف» (فرورفتن مردم در زمین) یکی در جانب مشرق، یکی در جانب مغرب و سومی در جزیره عرب و آخرین نشانه آتش است که از سرزمین یمن برمی‌خیزد و مردم را به سوی میدان حشر سوق می‌دهد.^۱

برخی معتقدند نخستین علامت ظهور مهدی موعود، ظهور علامت کبرای قیامت است، اما برخی دیگر بر این باورند که قبل از ظهور حضرت مهدی علیه السلام دابة الارض با مردم سخن خواهد گفت و خورشید از جانب مغرب طلوع خواهد کرد و در روایات به برخی از فتنه‌های قبل از ظهور آن حضرت اشاره شده است؛ از آن جمله پدید آمدن فتنه‌های فراگیر بر همه مسلمانان و استیلای روم و مغول (غربی‌ها و شرقی‌ها) بر آنان، پدیدار شدن زلزله در دمشق که بر اثر آن سمت غربی مسجد آن شهر و برخی نواحی آن ویران می‌گردند.

۱. عبدالمحسن بن حمد العباد، الرد علی من کذب بالأحادیث الصحیحه الورد فی المهدی،

امام احمد سرهندی مشهور به «مجدد الف ثانی» در این باره می‌گویند:

علامات قیامت، که خبر دهنده راستگو از آن خبر داده است، احتمال تخلف ندارند؛ مانند طلوع آفتاب از جانب مغرب بر خلاف روال عادی، ظهور مهدی علیه السلام و نزول حضرت روح‌الله (عیسی) و خروج دجال و ظهور یاجوج و ماجوج، جنبنده زمین دودی که از آسمان پیدا شود و تمام مردم را فراگیرد و دردناک کند. مردم از اضطراب گویند؛ ای پروردگار ما، این عذاب را از ما دور کن که ما ایمان می‌آوریم و آخرین علامات آتش است که از «عدن» خیزد و جماعتی از نادانی گمان کنند شخصی را که دعوی مهدویت نموده بوده از اهل هند، مهدی موعود بوده است. پس به زعم ایشان مهدی در گذشته و فوت شده است و نشان می‌دهند که قبرش در «قره» است.

در برخی از روایات نقل شده است که هنگام ظهور ایشان ندایی از آسمان می‌آید که:

همانا این شخص مهدی است، از او پیروی کنید.

قبل از ظهور حضرت مهدی علیه السلام جنگ‌های شدیدی آغاز می‌گردد، که از آن جمله جنگ رومی‌ها با مسلمانان، جنبش سفیانی و خروج دجال است. مورد اول منازعه میان مسلمانان و رومی‌هاست و رسول اکرم صلی الله علیه و آله در این مورد چنین می‌فرمایند:

شما بالاخره با رومی‌ها با صلح یا امنیت توافق خواهید نمود و آنان همراه با شما با سایر دشمنانتان خواهند جنگید. در این جنگ شما و متحدانتان پیروز می‌شوید و به غنائم انبوهی دست می‌یابید و سالم و سلامت خواهید بود تا آنکه در میدانی گردهم آید، پس از اعلام یکی

از مسیحیان که فریاد می‌زند صلیب پیروز شد، بین مسیحیان و مسلمانان جنگی درمی‌گیرد که منجر به شهادت تعداد زیادی از مسلمانان می‌شود.

بدون تردید این استراتژی دراز مدت خواهد بود و شاید زمانی فرارسد که وند این جریانات به مقابله نظامی غربی‌ها با جهان اسلام منجر شود و دقیقاً همان موردی باشد که در حدیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پیشگویی شده است.

جنبش سفیانی و هجوم لشکریان وی به ممالک اسلامی که به حمایت نری‌ها و یهود صورت می‌گیرد از اتفاقات مهمی است که قبل از ظهور حضرت مهدی صورت می‌گیرد. وی از حاکمان خود فروخته و غرب زده است، که با جورش یا کودتا به سرعت بر سرزمین شام (سوریه، اردن، فلسطین) استیلا می‌یابد و دو لشکر بزرگ را برای تصرف عراق، ایران و حجاز گسیل می‌دارد که به کشتار فجیعی می‌انجامد. حضرت مهدی علیه السلام قبل از این حمله عازم مکه می‌شود و عده‌ای با آن حضرت بیعت می‌کنند و پس از نابود شدن لشکر سفیانی و اثر عذاب الهی حکومت امام علیه السلام استقرار می‌یابد و زمین را پر از عدل و داد می‌نماید.

خروج دجال مسیح نیز از نشانه‌های بزرگ قیامت است. نقل شده است که وقتی دجال خارج شود آب و آتش همراه است و دجال در حقیقت یکی از مظاهر فتنه و آشوب بزرگی است که با نهضت حضرت مهدی علیه السلام به مبارزه و مخالفت می‌پردازد و با دانش و زیرکی و نیرویی که در اختیار دارد، مردم را از دینشان برمی‌گرداند و با فتنه مواجه می‌سازد. دجال ادعای خدایی می‌کند و با انجام کارهای خارق‌العاده مردم را گمراه و منحرف می‌سازد. بخاری در کتاب خود نقل کرده است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

آبادانی «بیت المقدس» پس از ویرانی «مدینه» خواهد بود و ویرانی مدینه مقدمه جنگ و آشوبی است که پس از آن «قسطنطنیه» فتح خواهد شد و این فتح، مقدمه ظهور دجال می باشد.

دجال با هواداران یهودیش مسلمانان را در تنگنا قرار می دهند تا اینکه به امر خدا حضرت عیسی علیه السلام به زمین فرود می آید و دجال را به قتل می رساند و هوادارانش که متفرق شده اند به امر خدا شناسایی شده و توسط مسلمانان کشته می شوند.^۱

پس از مراحل شکوفایی حکومت الهی، جهالت و بی دینی به سرعت جهان را فرا می گیرد و نشانه های بزرگ دیگر قیامت از جمله طلوع خورشید از مغرب، خروج دابة الأرض (جنبنده زمین) و یاجوج و ماجوج پدید می آیند. سپس خداوند از جانب شام باد سردی می فرستد؛ هر کس دره ای ایمان در قلبش باشد می میرد و تنها افراد پست و بی دین باقی می مانند که به فرمان شیطان درآمده و از یاد خدا غافل می شوند و کسی پیدا نخواهد شد که نام الله را به زبان آورد. در آن هنگام در صور دمیده می شود و همه سکنه می کنند و می میرند و باران ترمی می بارد و بدین وسیله جسم و بدن مردگان مانند گیاهان بهاری می روید و بار دیگر در صور دمیده می شود در حالی که همه ایستاده و می نگرند و گفته می شود ای مردم! به سوی پروردگار بشتابید؛ «و لله الامر من قبل و من بعد».^۲

مهدویت در مسیحیت

مهم ترین اصل تعلیمات عیسی علیه السلام که مرکز رسالت او قرار گرفته است بشارت ظهور قریب الوقوع دولت آسمانی است. برای توجیه نظر عیسی مسیح

۱. بخاری، الجامع الصحیح، روایت ۷۱۴۱، قاهره، ۱۴۲۱ ق.

۲. مجله «ندای اسلام»، سال ۵، ش ۱۸، تابستان ۱۳۸۳.

و مسیحیت اولیه آثار و شواهد دقیقی در دست نیست. اناجیل و رساله اعمال رسولان^۱ بیشتر از منابع دیگر قابل اعتبارند، هرچند آنان نیز بازگوی کامل واقعیت نیستند.

در اناجیل همگون «حکومت خدا» هسته تعلیمات عیسی مسیح است و رستگاری انسان فقط در این قلمرو تحقق می پذیرد. در انجیل «مرقس» - قدیمی ترین انجیل که به برداشت مسیحیت اولیه نزدیک تر است - حکومت خدا با ظهور «پسر انسان» آغاز می شود. عیسی علیه السلام بشارت ظهور حکومت خداوند را چنین بیان می کند:

ساعت مقرر فرا رسیده است، حکومت خدا نزدیک است؛ متحول شوید و به این بشارت (انجیل) ایمان آورید.

در این گفته دو نکته بسیار اساسی نهفته است: اولاً، انجیل یا همان بشارت بنیادی عیسی علیه السلام که مسیحیت بر آن بنا شده است، ظهور حکومت خداوند و قلمرو آسمانی است. ثانیاً، برای شرکت در این قلمرو باید متحول شد. درباره حکومت خداوند در انجیل اشارات دیگری نیز آمده است که برخی از آنها به اختصار چنین است:

یقین بدانید اگر کسی حکومت خدا را - مانند کودکان - نپذیرد هیچ وقت وارد آن نخواهد شد.^۲

وارد شدن از سوراخ از ورود شخص توانگر به قلمرو حکومت خدا آسان تر است.^۳

نکته جالب توجه در همه این اشارات مفهوم قلمرو حکومت خداست. در

۱. از کتب معتبر مسیحیان.

۲. انجیل مرقس، باب ۱۰، شماره ۱۵.

۳. انجیل مرقس، باب ۱۰، شماره ۲۵.

انجیل «متی» به صراحت از دولت آسمانی و قلمرو روحانی سخن گفته می‌شود و نه از پادشاهی خداوند. در انجیل‌های دیگر نیز همان‌گونه که در مرقس دیده می‌شود، این قلمرو به نحوی توجیه می‌شود که حکایت از سلطنت یک فرد شبیه حکومت انسانی که در آن خدا فرمانروا باشد، می‌نماید، بلکه اشاره به یک دوران الهی و روحانی و یک دولت آسمانی است. در فصول مختلف به حکومت خدا اشاراتی می‌شود که مسلم می‌سازد برخلاف نظر محققین کلیسا دولتی که عیسی علیه السلام در آن چون داوود علیه السلام سلطنت کند مورد نظر نبوده است.

از نظر انجیل شرایط ورود در قلمرو خداوند، اعمال نیک و صفات برجسته انسانی بیان می‌شود. افتادگی و فروتنی، پرهیز از ظلم و ستم و رحم و شفقت، صلح‌جویی، عدالت‌طلبی و... مهم‌ترین و مشخص‌ترین خصیصه یک شهروند در قلمرو خداست؛ به خصوص به عاشقان حق و عدالت که تشنه نیکی و انسانیت هستند و در راه هدف تحمل سختی و جفا می‌کنند، وعده صریح شرکت در قلمرو الهی داده می‌شود.^۱

در تشریح روز داوری به سادگی مشخص می‌گردد که چه کسانی مالک قلمرو آسمانی می‌گردند. آنها که گرسنگان را سیر کرده‌اند، تشنگان را آب داده‌اند، غریبان‌ها را پوشانده‌اند، بیماران را سرپرستی کرده‌اند و اسیران و گرفتاران را یاری نموده‌اند و بر عکس بدکاران که خلاف این دستورات انسانی و اخلاقی رفتار کرده‌اند به کیفر ابدی دچار خواهند گردید.^۲

در اینجا علاوه بر آنکه شرایط ورود به در قلمرو آسمانی مشخص شده است، یک اصل دیگر که در اغلب موارد نیز مستقیم یا غیر مستقیم به آن اشاره

۲. انجیل متی، باب ۲۵، شماره ۳۱.

۱. انجیل متی، باب ۵، شماره ۱۰.

می شود جلب توجه می کند و آن شکل تحقق این مرحله است. در اینجا تصریح می شود که قلمرو آسمانی پس از داوری افراد بشر برای نیکان برپا خواهد شد که همان حیات جاودانی است.

در بیان شرایط ظهور این دوران گفته شده که ابتدا مصیبت و بلا نازل می شود و جنگ، ویرانی و فتنه همه جا را فرا خواهد گرفت، سپس دنیا به هم می خورد، در این حال پسر انسان با قدرت و جلال بسیار بر فراز ابرها خواهد آمد و به داوری خواهد نشست یقین بدانید قبل از به سر آمدن زندگی این نسل همه این امور اتفاق خواهد افتاد.^۱

این پیش بینی تقریباً با همین جملات در متی و لوقا نیز تکرار می شود و به طور یقین نظر نویسندگان را در چگونگی پایان جهان و ظهور قلمرو الهی مشخص می سازد.

در انجیل مرقس شاگردان عیسی علیه السلام «پطروس»، «یعقوب» و «آندریاس» به طور خصوصی از او می پرسند علائم نزدیک شدن ظهور پسر انسان چیست؟ عیسی علیه السلام در شمار مصائب و ویرانی ها از یک ویرانی و نشان نفرت بار سخن می گوید و توصیه می کند هرگاه آن نشان نفرت بار در جایی که نباید باشد قرار گیرد، کسانی که در «یهودیه» هستند به کوه ها فرار کنند.^۲

به این نشان نفرت بار و مصائب و بلا یا در *اناجیل* دیگر نیز اشاره می شود. این همان علائمی است که در کتاب «دانیال» نیز بازگو شده است و به زبان دیگر نویسندگان *انجیل* ظهور و مسیح را با آخر الزمان و روز قیامت همزمان توجیه می نماید.

۱. انجیل مرقس، باب ۱۳، شماره ۳۰ - ۲۶.

۲. انجیل مرقس، باب ۱۳، شماره ۱۴.

در ادبیات مسیحی آن دوران از «آنتی کریست» (ضد مسیح) یا دجال سخن گفته می‌شود که با شیطان هم‌پیمان است و قبل از مسیح ظاهر خواهد شد. او خود را «خدا» نامیده و معجزات عیسی را از خود به ظهور می‌رساند و مردم را فریب داده و گمراه می‌سازد و شر و فساد را در جهان به کمال می‌رساند؛ در این حال با ظهور مسیح، دجال نابود شده و حکومت خدا برقرار خواهد شد.^۱

در نامه اول یوحنا در فصل «دشمن مسیح»^۲ مستقیماً آنتی کریست مطرح می‌شود. «پاولوس» در نامه دوم^۳ این ضد مسیح را چنین توجیه می‌کند:

مظهر شرارت یا آن مردی که از ابتدا مقرر بوده به جهنم رود ظهور می‌کند؛ او ادعای خدایی می‌کند، ظهور این مظهر شرارت در اثر فعالیت‌های شیطان خواهد بود و با انواع نشانه‌ها و معجزات فریبنده و هر نوع شرارتی که برای محکومین به هلاکت اغوا کننده است همراه خواهد بود. چون آنها عشق به حقیقت را که می‌تواند آنان را نجات دهد، قبول نکردند - از این جهت - خدا آنها را گرفتار نیروی گمراه‌کننده خواهد ساخت.^۴

و این نیرو طوری در آنها عمل خواهد کرد که آنچه را دروغ است باور کنند. «ایرثوس» در قرن دوم میلادی اعلام می‌کند که آنتی کریست یک یهودی است که در فلسطین ظهور کرده و سلطنت خواهد کرد. او دشمن امپراطوری روم است و با ظهور مسیح این آنتی کریست نابود خواهد شد و دولت هزارساله مسیحیان که مرکز آن در روم است، آغاز خواهد گردید.

۱. آستیانی، جلال‌الدین، تحقیقی در دین مسیح، نشر نگارش، ۱۳۶۸، ص ۲۹۶.

۲. باب ۱۸، شماره ۲. ۳. باب ۱۲، شماره ۱ و ۲.

۴. انجیل لوقا، باب ۷، شماره ۳۰.

از جمع این اشارات می‌توان چنین نتیجه گرفت که مسیحیان معتقد بوده‌اند که برای ظهور مسیح و آغاز حکومت خدا باید ابتدا جتایت و زشتی در جهان به نهایت برسد و جنگ و مصیبت عالم را فراگیرد و مدت کوتاهی ضد مسیح، شیطان و یا دجال بر مردم مسلط گردند و سپس مسیح برای نجات عالم بازگشته، حکومت خدا برقرار شود.

همان‌طور که قبلاً اشاره شد مشخصه دیگر حکومت خدا انطباق آن با روز داوری و حساب‌رسی است و این همان اصلی است که یحیی علیه السلام تذکر می‌داد. این روز همان «یوم القيامة» یا روز رستاخیز مردگان است که همه اموات از قبرها برخاسته و برای حضور در دادگاه الهی آماده می‌شوند.^۱

با در نظر گرفتن این آثار و علامات و شرایطی که برای ظهور حکومت خدا در نظر گرفته می‌شود باید آنرا یک واقعه خارجی دانست که از نظر زمانی مشخص بوده و در این جهان رخ خواهد داد. با این وصف تفسیر کنونی کلیسا مبتنی بر این که این حکومت در ضمیر و باطن مسیحیان برپا می‌شود یا معتقدات مسیحیان اولیه مطابقت نمی‌نماید. علاوه بر این، اصلی که در تمام ادبیات مسیحیت، یک زبان، تأیید می‌شود آن است که حکومت خدا واقعه‌ای قریب الوقوع است.

علاوه بر اشارات و شواهد فراوان مبنی بر آنکه قلمرو الهی به زودی برپا خواهد شد و مهم‌ترین آرزوی همه مسیحیان اولیه شرکت در این قلمرو و ورود به آن بود، شواهدی وجود دارد که حتی این مرحله را

۱. انجیل متی، باب ۲۳، شماره ۲۲ و باب ۳۱، شماره ۲۵؛ انجیل مرقس، باب ۱۸، شماره ۱۲؛ انجیل لوقا، باب ۲۷، شماره ۲۰.

در حال ظهور ارائه می‌دهد.^۱

جالب است که از زبان عیسی علیه السلام اعلام می‌شود در قلمرو الهی روحانیون ریاکار راه ندارند و آنها حتی مانع ورود دیگران به این دولت می‌گردند. به عنوان مثال در انجیل متی^۲ آمده است:

وای بر شما ملایان و فریسیان ریاکار (فریسیان که معرف یهودیان متقی بودند). شما درهای قلمرو خدا را به روی مردم می‌بندید و خودتان وارد نمی‌شوید و دیگران را هم که می‌خواهند وارد شوند باز می‌دارید. شما بیرون خویش را دو برابر بدتر از خودتان سزاوار جهنم می‌سازید. در انجیل لوقا و انجیل مرقس نیز روحانیون از ورود به قلمرو الهی محروم می‌شوند.

- عوامل اصلی حکومت خدا از نظر انجیل:^۳ ۱. پسر انسان: در انجیل

مرقس، عیسی علیه السلام به طور مستقیم پسر انسان نامیده می‌شود که در روز دوری با فرشتگان خود ظاهر می‌گردد.

۲. پسر انسان فرستاده خداوند است و منصوب از جانب اوست. در انجیل از زبان عیسی علیه السلام او را هیچ‌گاه خدا نامیده‌اند. اصطلاح خداوندگار از «عهد عتیق» گرفته شده که معانی سرور، آریاب، آقا و رب از آن مفهوم می‌شده است. به طور یقین در آغاز مسیحیت مقصود و مفهوم حکومت خدا دورانی است که انسان‌ها به سوی خداوند رو کرده و نیکوکاران الهی می‌شوند و در قلمرو این انسان‌ها متحول شده فقط دستورات و صفات الهی حاکم است. حکومت خدا یک دولت الهی است و نقش پسر انسان در این قلمرو به وسیله خداوند تعیین

۱. انجیل لوقا، باب ۲۲، شماره ۴۷ و باب ۳۰، شماره ۱۱ و باب ۲۰، شماره ۱۷.

۲. باب ۱۵، شماره ۱۳ و ۲۳. ۳. آشتیانی، جلال‌الدین، همان، ص ۲۹۸.

می شود.

۳. در عهد عتیق «یهوه» (خدای یهود) جبار، قهار و منتقم است و همیشه قدرت او مطرح می گردد. هراس از یهوه پایه تقوی و حتی منبع عقل و حکمت یهودی است اما در روایات انجیل حکومت خدا بیشتر روحانی است. خدا عشق است و در عشق هراس وجود ندارد.^۱

۴. این حکومت با یک تحول درونی و کلی جهان و جهانیان توأم است به طوری که عیسی علیه السلام از اولین مرحله اعلام پیام خود ندا درمی دهد: «متحول شوید که حکومت خدا نزدیک است».^۲ سپس از قیام مردگان و ظهور آخرالزمان و تحول جهان سخن گفته می شود.

۵. در اناجیل به تناقضی برمی خوریم که از ترکیب نظرات عیسی علیه السلام با برداشت های کتاب مقدس حاصل شده است. از یک سو دولت خدا با داوری و حساب رسی انسان ها آغاز می گردد، نیکان به حیات ابدی دست می یابند و بدان در کوره مشتعل و فروزان عذاب ابدی خواهند یافت.^۳ در حالیکه در انجیل مرقس اثری از این نظریه نیست و در فصل آمدن پسر انسان فقط تاکید می شود، آنوقت پسر انسان را خواهند دید که با قدرت عظیم بر ابرها می آید، او فرشتگان را خواهد فرستاد و برگزیدگان خود را از چهار گوشه عالم جمع خواهد کرد.^۴ یا توجه به این تناقضات و نیز توجه به قالب کلی سخنان منتسب به عیسی علیه السلام می توان حدس زد که جهنم و کوره مشتعل را نویسندۀ متی از عهد عتیق و ادبیات یهودی اقتباس کرده است. خدای عیسی علیه السلام که عشق و مهر و رحمت

۱. انجیل متی، باب ۴۳، شماره ۵. ۲. انجیل مرقس، باب ۱۴، شماره ۱.

۳. انجیل متی، باب ۴۱، شماره ۱۳ و ۱۵۳۱.

۴. انجیل مرقس، باب ۲۴، شماره ۱۳.

است، برپاسازنده کوره مشتعل برای سوزاندن انسان‌ها نیست. مقرر حکومت خداوند جای نیکان و عدالت‌پیشگان است و محل انسان‌هایی که فطرت پاک و ضمیر روشن و صاف چون کودکان دلی پر از عشق و گذشت دارند.

۶. از زمان ظهور این دولت هیچ کس خبر ندارد؛ نه فرشتگان و نه عیسی علیه السلام فقط خداوند از آن آگاه است.^۱

۷. حکومت خدا برای رستگاری همه جهانیان است، نه آن گونه که کتاب مقدس مطرح می‌سازد برای یهودیان.

۸. بازگشت عیسی مسیح؛ مسیحیت بدون مسیح مفهوم می‌نماید؛ مسیحی که در کتاب مقدس وصف شده برگزیده خداست. او را نه می‌توان شکست داد و نه از میان برد. از طرفی مسلم است که مدعیان مسیحیت و یا آنها که چون عیسی بعداً به مسیح تبدیل شده‌اند، بالاخره چون انسان‌های دیگر یا به مرگ طبیعی می‌میرند و یا کشته می‌شوند. پس در حالی می‌توان این مسیح مرحوم را همان موجود مقدس عهد عتیق معرفی کرد که بتوان فقدان او را یک نوع ناپدید شدن مصلحتی قبولاند.

از همه اخبار و گزارشات مسیحیان اولیه چنین برمی‌آید که آنان بی‌صبرانه در انتظار بازگشت مسیح بودند. پاولوس اصطلاح «پاروزی»^۲ را که در یونانی به معنای «حضور و ظهور» است برای بازگشت عیسی علیه السلام مطرح کرد و آنرا با حکومت خدا توأم ساخت. دعای روزانه‌ای که مسیحیان اولیه اجرا می‌کردند به این جمله ختم می‌شد که «مارالاتا؛ یعنی سرور بیا» می‌توان گفت که در سراسر مسیحیت این اعتقاد مشهود است که پیروان مسیح به ظهور او ایمان داشتند.

۱. انجیل مرقس، باب ۳۶، شماره ۳۲ و ۱۳.

اناجیل در زمانی نوشته شدند که از همزمانان عیسی علیه السلام هیچ کس حیات نداشته است و نویسندگان واقف به این تناقض بودند. باید نتیجه گرفت که این گفته به حدی در جامعه مسیحیت ریشه گرفته بوده است که انجیلیان قادر به تغییر آن نشده‌اند. برخی از محققین معتقدند که حتی ریشه اشتراکی بودن اموال در بین مسیحیان اولیه همین انتظار ظهور سریع حکومت خدا و بازگشت مسیح بوده است، زیرا با بازگشت او همه ارزش‌ها از میان خواهند رفت.

- فرازهایی از اناجیل: «راست می‌گویم که رفتن من برای شما مفید است، زیرا اگر تروم» تسلی دهنده «نزد شما نخواهد آمد. اما اگر بروم او را نزد شما می‌فرستم و چون او آید جهان را بر گناه و عدالت داورى و ملزم خواهد نمود، اما بر گناه، زیرا به من ایمان نمی‌آورید، و بر عدالت، از آن سبب که نزد پدر خود می‌روم و دیگر مرا نخواهید دید، و برداورى، از آن رو که بر رئیس این جهان حکم شده است و بسیاری چیزهای دیگر نیز دارم که به شما بگویم، لکن الان طاقت تحمل آنها را ندارید ولى چون او یعنی «روح راستی» آید شما را به جمیع راستی‌ها هدایت خواهد کرد زیرا او از خود تکلم نمی‌کند، بلکه به آنچه شنیده است سخن خواهد گفت و از امور آینده به شما خبر خواهد داد. او مرا جلال خواهد داد زیرا آنچه را از آن من است خواهد گرفت و به شما خبر خواهد داد. هرچه از پدر است از آن من است؛ از این جهت گفتم آنچه را از آن من است می‌گیرد و به شما خبر خواهد داد.»^۱

«همچنان که برق از مشرق ساطع شده تا به مغرب ظاهر شود، ظهور پسر انسان نیز چنان خواهد شد... آنگاه علامت پسر انسان در آسمان ظهور خواهد کرد و در آن وقت جمیع طوائف زمین سینه‌زنی کنند و پسر انسان را ببینند که بر

ابرهای آسمان با قوت و جلال می‌آید اما از آن روز و ساعت هیچ‌کس خبر ندارد... پس شما نیز حاضر باشید زیرا در ساعتی که گمان نبرید پسر انسان می‌آید.»^۱

پس شما نیز مستعد باشید زیرا در ساعتی که گمان نمی‌برید پسر انسان می‌آید.»^۲

«زلزله‌های عظیم در جای‌ها و قحطی‌ها و وبی‌ها پدید می‌آید و چیزهای هولناک و علامات بزرگ از آسمان ظاهر خواهد شد... اورشلیم پایمال امت‌ها خواهد شد تا زمان‌های امت‌ها به انجام رسد و در آفتاب و ماه و ستارگان علامات خواهد بود و بر زمین تنگی و حیرت از برای امت‌ها روی خواهد نمود... و دل‌های مردمان را ضعیف خواهد کرد از خوف و انتظار آن وقایعی که بر ریح مسکون ظاهر می‌شود و آنگاه «پسر انسان» را خواهند دید که بر ابری سوار شده و با قوت و جلال عظیم می‌آید.»^۳

«من از پدر خواهم خواست و تسلی دهنده دیگر به شما خواهد کرد تا همیشه با شما بماند یعنی روح راستی که جهان می‌تواند او را قبول کند. زیرا که او را نمی‌بینند و نمی‌شناسند، اما شما او را می‌شناسید زیرا که با شما می‌ماند و در میان شما خواهد بود.»^۴

«پس اگر کسی به شما گوید که اینک مسیح در اینجاست یا آنجاست باور ننمایید زیرا که مسیحیان دروغ‌گو و پیغمبران کاذب خواهند برخاست، پس هرگاه شما را گویند که اینک در صحرا است بیرون می‌آید و تا مغرب ظاهر گردد. آمدن پسر انسان نیز چنین خواهد بود و آن وقت علامت پسر انسان بر ملک

۱. انجیل متی، باب ۲۴، شماره ۲۷ و ۴۴. ۲. انجیل لوقا، باب ۱۲، شماره ۴۰.
 ۳. انجیل لوقا، باب ۲۱، شماره ۱۱ و ۲۸. ۴. انجیل یوحنا، باب ۱۴، شماره ۱۶.

ظاهر خواهد شد و خواهند دید پسر انسان را که بر ابرهای آسمان با قدرت می آید و فرشته‌های خود را خواهد فرستاد با صور بلند آواز و آنها برگزیدگانش را جمع خواهند نمود از اطراف اربعه از اقصای ملک یا به طرف دیگر»^۱

«در آفتاب و ماه و ستاره علامات خواهد بود و از زمین تنگی و حیرت از برای امت‌ها روی خواهد نمود به سبب شوریدن دریا و امواجش؛ و دل‌های مردم ضعف خواهد کرد از خوف انتظار آنگاه پسر انسان را خواهند دید که بر ابری سوار شده و با قوت و جلال عظیم می آید»^۲

«اما چون تسلی دهنده که او از جانب پدر نزد شما می آید یعنی «روح راستی» که از پدر صادر می گردد او بر من شهادت خواهد داد و شما نیز شهادت خواهید داد»^۳

«کمرهای خود را بسته و چراغ‌های خود را افروخته دارید و شما همانند کسی باشید که انتظار آقای خود را می کشند که چه موقع مراجعت می کند تا هر وقت آید و در را بکوبد بی درنگ برای او باز کند. خوشایه حال آنانکه چون آقای ایشان آید ایشان را بیدار بیاید، پس شما نیز مستعد باشید زیرا در ساعتی که گمان نمی برید پسر انسان می آید»^۴

مهدویت در یهود

بنی اسرائیل از آغاز تاریخ خود «یهوه» را تنها سلطان و فرمانروای واقعی خویش می دانستند، حتی در دوران شاهان اولیه اسرائیل آنان را نماینده و

۱. انجیل متی، باب ۲۴، شماره ۲۳ و ۳۱. ۲. انجیل لوقا، باب ۲۱، شماره ۲۵ و ۲۸.

۳. انجیل یوحنا، باب ۱۵، شماره ۲۷.

۴. برگرفته از آدرس اینترنتی: <http://tanoos64.persianblog.com>

۵. انجیل متی، باب ۲۴.

برگزیده یهوه می شناختند. پس از تبعید نیز در سراسر تاریخ یهود این اعتقاد به سلطنت یهود خودنمایی می کند تا با وجود میل شدید یهودیان به استقلال هنگامی که در دوران سلسله «حسموئی» این آرزو برآورده می شود، چون حکام این سلسله پس از زمان کوتاهی که نقش کاهن اعظم را دارا بودند خود را شاه و سلطان نامیدند و به تقلید از سلاطین آن دوران به ایجاد دربار مجلل پرداختند. یهودیان مؤمن و متعصب بر علیه دربار شورش کردند، زیرا آنها فقط خدای را سلطان می شناختند. در ظهور مسیحیت فدائیان متعصب یهودی که به «زلوت» مشهور بودند یک شعار عمومی داشتند که عبارت بود از: «هیچ شاهی جز خدا». در بین یهودیان آن دوران - چه آنها که در فلسطین خود را در بند می دانستند و چه آنها که بی وطن می زیستند و سرگردان بودند، بزرگ ترین امید و آرزویشان تحول جهان و ظهور حکومت خدا بود تا تحت خود را برقرار سازد و قوم برگزیده خویش را در اسرائیل به دور خود جمع کند. در رسالات عهد عتیق که نزدیک به ظهور مسیحیت تنظیم گردیده اند گاهی به سلطنت مسیح یهوه نیز اشاره می شود، ولی در این حالت نیز حاکم اصلی خداست. در مزمور^۱ دوم که سلطنت مسیح توجیه گشته باز هم این یهوه است که باید از او اطاعت کرد. این مزمور نشان دهنده آرزوی یهودیان دوران ظهور مسیحیت است که مشتاقانه در انتظار شاهی از خانواده داوود بودند تا به نجات آنان اقدام کند. در این مزمور هم فقط یهوه حاکم واقعی است، به همین جهت به پادشاهی خداوند «ملخوت شمائیم» (ملکوت السماوات) با سلطنت آسمان ها نام داده می شود که از نظر دین یهود سلطنت فقط آسمانی و از آن خداست.

مهم ترین هدف رسالت نبی های پس از تبعید، همین بشارت حکومت خدا

۱. مزمور اسم بخش های زیور داوود است.

بیان می‌شد و مسائل دیگر برای توجیه این هدف و نجات قوم یهود مطرح می‌گردید. به این طریق حکومت خدا را می‌توان ایده‌آل مدنی و قومی یهود دانست. در رسالات متأخر عهد عتیق گاهی مردم جهان نیز مورد نظر قرار می‌گیرند و آنها هم در کنار قوم یهود و به یمن تقدس و برگزیدگی آنان از آرامش برخوردار خواهند شد، زیرا یهوه در آغاز به ابراهیم - جلد اسرائیلیان - وعده کرده است که به وسیله فرزندان او دیگر اقوام جهان را نیز رستگار سازد.^۱

در رسالات و ادبیات یهودی مفهوم جدیدی برای پسر انسان ظهور کرده و در رسالهٔ خنوخ،^۲ نام فرزند آدم به موجود روحانی مافوق‌الطبیعه‌ای اطلاق می‌شود که به صورت پیرمردی با موهای سپید ظاهر می‌شود - در حالی که فرشته‌ای در کنارش ایستاده است - از فرشته سؤال می‌شود این شخص کیست؟ فرشته پاسخ می‌دهد، این فرزند آدم است که عدالت و حق نزد اوست. او همهٔ اشکار را آشکار ساخته و تا ابد به اجرای عدالت می‌پردازد، زیرا خدای روح او را برگزیده است تا بر نیروهای ضد خدا غلبه کند. در این رساله پسر انسان را خداوند از روز ازل در ید قدرت خویش حفظ کرده و در هنگام لزوم آشکار خواهد ساخت و هنگامی که او ظاهر شود، عدالت پیشگان و برگزیدگان نجات خواهند یافت و دیگر چهرهٔ گناهکاران و ستمکاران را نخواهند دید. در این دوران نه جامه‌ها کهنه و فرسوده خواهد شد و نه انسان‌ها سالخورده، آنها جلال و درخشش خویش را همیشه حفظ خواهند کرد.

در رسالهٔ دیگری به نام «وصیت‌نامهٔ شیوخ» صفات پسر انسان مشابه همین به کار رفته است.

او کاهن مؤمنی است که خداوند همهٔ کلمات خود را بر او آشکار می‌سازد...

۱. آشتیانی، جلال‌الدین، همان، ص ۲۹۲. ۲. خنوخ، اخنوخ، ادریس

ستاره او چون شاهی برافراشته خواهد شد و چون خورشید، نور دانش و معرفت را پراکنده خواهد ساخت و هیچ کس پس از او نخواهد آمد. از این برداشت‌ها برمی آید که کلمه فرزند آدم کتاب مقدس در جو فکری یهودیان نزدیک به زمان انجیل، موجودی شبیه «جمشید»^۱ زرتشیان با قدرتی مافوق‌الطبیعه اطلاق می‌گردد که منجی یهودیان خواهد شد.

در رساله دیگر یهودی می‌بینیم که یهود برای آخرت و قیامت بیانی روشن ارائه نمی‌کند و پس از تبعید تحت تأثیر دین پارسیان به این اعتقادات توجه پیدا می‌کند. اشارات صریح به پایان جهان را فقط در رسالات نزدیک به ظهور مسیحیت می‌توان مشاهده کرد. این امید به ظهور دارای دو جنبه بود: یکی صورت قومی و ملی داشت که به رهایی قوم یهود و تجدید عظمت «اورشلیم» منجر می‌شد، و در دیگری تحول جهانی مورد نظر بود. این دوران اغلب با ظهور یک منجی یا همان مسیح یهوه توأم بود که به آن می‌پردازیم.

در زمان یهودیان پیش از عیسی ^{الصلوات} معبد به صورت رباخانه، بانک، بازار و مرکز اقامت کاسبان به شمار می‌رفت. شاید یهودیان در برابر نژاد و حفظ آن بیشتر تعصب داشتند تا شریعت و دیانتشان. اما با تمام این احوال درک کرده بودند که حفظ نژاد و قومیت از طریق توسعه شریعت و اهمیت و ارج نهادن به آن میسر است و به همین جهت در حفظ آن کوشایی می‌ورزیدند و این امر کم‌موجب توجهی راستین به شریعت و مذهب گشت. منازعه در پنهان و آشکار با رومیان ادامه داشت و در هر کنار و گوشه‌ای یهودیان سرخورده و ماتم‌زده و مأیوس در انتظار ظهور شخصی بودند که انبیایشان مژده آمدن او را داده بودند؛ مسیحی که سلطان عالم و پسر خداست و هنگامی ظهور می‌کند که پریشانی

۱. در ادبیات اوستا جمشید قرن‌ها قبل از این رسالات دارای چنین هویتی است.

بنی اسرائیل به سرحدّ نهایی سقوط و انحطاط رسیده باشد، مگر نه آن که دیگر رنج و تعبی از این بیشتر و پریشان روزگاری از این مشکل‌تر برای یهود وجود نداشت، پس زمان ظهور فرار رسیده بود. در هر محفل و انجمنی بحث و گفت‌وگو دربارهٔ ظهور سلطان یهود بود که آنان را از قید اسارت رومیان رهانیده و آزادی و سروریشان را در سایهٔ قدرت خود بازگرداند.^۱

بی‌شک باید گفت که اعتقاد یهودیان به ظهور نجات‌دهنده‌ای که قوم بنی اسرائیل را آزاد گرداند، دارای منشأ و پایه‌هایی بوده است. از دو راه انگیزه‌های چنین اعتقادی را بایستی جستجو کرد. راه اول، از دیدگاه روان‌شناسی اجتماعی است. چنین عقیده‌ای میان ملل و اقوام دیگر جز یهودیان نیز وجود داشته است و این ملل نیز در مواقعی خاص از حیات خود به چنین پنداری گرویده‌اند. چون ملتی به سوی انحطاط و باز پس‌نشینی گرایید، مغلوب دیگران شده و به اسارت رفته و نیروی اتکا و مقاومت خود را از دست داده، برای ارضای خود به درون‌گرایی می‌پردازد و می‌کوشد تا آنچه را که فاقد است با روایات، افسانه‌ها، پیشگویی و نظایر این عناصر پر و جبران نماید، به همین جهت است که به گذشته‌گرایی پرداخته و افتخارات و شکوه گذشته را با توسل به چنین اموری جبران و تلافی می‌کند و چون قبول ناکامی و شکست مشکل است، این شکست را به نیروهای فوق طبیعی نسبت می‌دهد و نمایان‌ترین این نسبت سازی، اعتقاد به قهر خدایان است اما خدایان همواره در حال قهر و غضب و انتقام‌جویی باقی نمی‌مانند؛ بلکه چون لهیب خشم و التهاباتشان فرو نشست، کسانی را برگزیده و به وسیلهٔ آنان دگر بار قدرت و عظمت قوم را به آنان باز می‌گردانند. این است انگیزهٔ روانی و روحی اعتقاد به یک نجات‌بخش و ظهور

۵۰ در انتظار خورشید مغرب

منجی میان یک قوم یا ملت: بنی اسرائیل پس از اسارت بابل، منکوب و مقهور قدرت‌های بزرگ شده بودند و مردمی شکست خورده و به اسارت رفته به شمار می‌رفتند. اما این شکست و اسارت و بدبختی را به حساب اعمال خود نگذارند و مطابق معمول، معلول خشم و غضب خدایان پنداشتند. آنان پس از رها شدن از اسارت بابلیان، به وسیله ایرانیان، با معتقدات و آیین ایرانیان آشنایی یافتند. میان ایرانیان عقیده‌ای درباره ظهور یک منجی از نسل زرتشت به نام «سوشیانت» وجود داشت و یهودیان که کاملاً از لحاظ روحی مستعد اخذ چنین موردی بودند، آنرا اقتباس کردند و به صورتی دیگر نمایانده و جامه‌پی دگرگون بر آن پوشانیدند و در واقع این راه دوم پیدایش چنین عقیده‌ای میان مللی است که شکست خورده و برگزیده خود ندیده‌گری می‌کنند. در هر صورت یهودیان آنچه را که از ایران و مصر و یونان این‌گونه یافتند، جمع و آن را به خود تلقین کرده و به ظهور منجی و نجات‌بخشی معتقد شدند که به زودی ظهور خواهد کرد و جلال و شوکت قوم یهود را باز خواهد گرداند. بدون شک اعتقاد به چنین موعودی در میان یهودیان بر اثر همین حالت خاص روحی و شکستشان بوده است.

پیش از اسارت به هیچ وجه در ادبیات عبری، مذهبی و غیر مذهبی نیز در افسانه‌ها و روایات مکتوب و شفاهی بنی اسرائیل، موردی که در آن به ظهور نجات‌بخش اشاره شده باشد مشاهده نمی‌شود. از صد و پنجاه سال پیش از میلاد مسیح، بشارت ظهور یک نجات‌بخش توسعه یافته و همگانی می‌شود. امید به ظهور شخصیتی ایزدی، با ظلم‌های روزافزون و فشار رومی‌ها به نهایت درجه رسید و در ادبیات این زمان به صورت روشن و گنایه و تعبیر و رمز از چنین مسئله‌ای سخن می‌رود و در حقیقت بشارتی است برای آینده درخشان و تابناک.

کتاب دانیال در حدود ۱۶۵ سال پیش از میلاد نوشته شده است. در چنین ایامی قوم یهود از جانب «ایپی فانس» سخت مورد ظلم و تجاوز بود. دانیال ضمن پیشگویی‌هایی در صحیفه گفت:

و در ایام این پادشاهان خدای آسمان‌ها سلطنتی را که تا ابد زایل نشود برپا خواهد نمود و این سلطنت به قومی دیگر منتقل نخواهد شد.

از سال ۱۵۰ به بعد نویسندگانی که به کار بشارت و پیشگویی می‌پرداختند، از زنانی غیب‌گو یاد می‌کردند که پیش‌بینی ظهور ناجی و رستاخیز عظیم یهود و بازیافت مجد و عظمت گذشته را ذکر می‌کنند. مفهوم همه این پیشگویی‌ها ظفر و پیروزی نهایی یهودیان بر دشمنان و خواری دشمنان بود. در نظر یهودیان پیروزی و تسلط شرّ به منتهای شدت خود رسیده و در بشارت، ظهور موعود در چنین هنگامی پیشگویی می‌شد. نیروی شر از طرف یهودیان، جز رومیان محسوب نمی‌گشت که عمری کوتاه داشت. همه پیشگویی‌ها بر اساس اولویت و ترقی و سروری یهود خاتمه می‌پذیرفت و این دوران شر، یا به وسیله دخالت خداوند به طور مستقیم و یا به وسیله پسرش به انجام می‌رسید.^۱ اشعیا گفته بود:

زیرا که ولدی و پسری به ما بخشیده شده و سلطنت بر دوش او خواهد بود و اسم او عجیب و مشیر و خدای قدیر و پدر سرمدی و سرور و سلامتی خوانده خواهد شد، ترقی سلطنت و سلامتی او بر کرسی داوود و بر مملکت وی انتها نخواهد بود تا آن را به انصاف و عدالت برای همیشه استوار سازد.^۲

دانیال در جای دیگری می‌گوید:

۱. رضی، هاشم، همان، ص ۴۶۱. ۲. کتاب اشعای پیامبر، باب ۹، شماره ۶ و ۸.

و در رؤیای شب نگریستم و اینک پسر انسان با ابرهای آسمان آمد و سلطنت و جلال و ملکوت به او داده شد تا جمیع قوم‌ها و ملت‌ها او را خدمت نمایند. سلطنت او جاودانی و بی‌زوال است و ملکوت او زایل نخواهد شد.

اشعیا در جایی دیگر به گونه‌ای از مسیح یاد می‌کند. نجات‌بخش موعود او، نجات‌بخشی است که با الگویی که از عیسی علیه السلام در دست داریم و با روایات عهد جدید قابل انطباق می‌باشد:

و نهالی از تنه عیسی (پدر داوود علیه السلام نبی) بیرون آمده و شاخه‌ای از ریشه‌هایش خواهد شکفت و روح خداوند بر او قرار خواهد گرفت. مسکینان را به عدالت دآوری خواهد کرد و به جهت مظلومان زمین به راستی حکم خواهد راند. کمر بند کمرش عدالت خواهد بود و گرگ بنا بره سکونت خواهد داشت و در تمامی کوه مقدس من ضرری و فسادی نخواهند کرد زیرا که جهان از معرفت خداوند پر خواهد شد.^۱

برخی از غیب‌گویان که با فلسفه رستاخیز عقاید ملل و اقوام دیگر بیشتر آشنایی داشتند، پیشگویی می‌کردند که این روزگار خوشی و بهبودی پایان خواهد یافت و دگرباره شر و بدی در زمین حکمروا شود و سرانجام روز رستاخیز و دآوری باز خواهد رسید و مردگان توسط یهوه یا پسر انسان محاکمه خواهند شد؛ بدکاران به دوزخ رفته و نیکوکاران به فردوس.

به هر حال این امید بزرگ قوم یهود بود. در هیچ نقطه‌ای از جهان احتیاج به چنین امید و انتظاری آنچنان که در یهود وجود داشت مورد نیاز نبود. چون یهودیان بیش از حد تصور تحقیر شده بودند و در شرایط ناهنجاری به سر

می بردند. در هر صورت آنچه همه طوائف یهود بر آن اتفاق دارند یکی بشارت پیغمبری است بعد از موسی (مشیحا) و دیگری خروج شخصی در آخرالزمان که کوكب جهان افروز است و زمین به نور او روشن می شود و یهود به انتظار او می گذرانند.^۱

یهودیان معتقدند که در آخرالزمان منجی و رهاننده‌ای به نام «ماشیح» ظهور خواهد کرد که او را از نسل داوود پیامبر علیه السلام می شمارند. لازم به تذکر است که موعود مسلمانان حضرت مهدی عجل... تعالی فرجه الشریف نیز از طرف مادرشان به حضرت داوود پیامبر علیه السلام می رسند. در زیور حضرت داوود علیه السلام که تحت عنوان «مزامیر» در کتاب عهد عتیق آمده است، نویدهایی در مورد ظهور حضرت مهدی عجل... تعالی فرجه الشریف داده شده تا جایی که می توان گفت در هر بخش زیور اشاره‌ای به ظهور آن حضرت و نویدی از پیروزی صالحان بر شریران و تشکیل حکومت واحد جهانی و تبدیل ادیان و مذاهب مختلف به یک دین محکم و آیین مستحکم موجود است. جالب توجه اینکه مطالبی که قرآن کریم پیرامون ظهور حضرت مهدی عجل... تعالی فرجه الشریف از زیور نقل کرده، در زیور فعلی عیناً موجود و از تحریف مصون مانده است. قرآن کریم می فرماید:

و لقد كتبنا في الزبور من بعد الذكر أن الأرض يرثها عبادي الصالحون.

همانا بعد از ذکر در زیور نوشتیم زمین به صالحان به ارث خواهد رسید.

که طبق روایات متواتر اسلامی این آیه مربوط به ظهور

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می باشد.^۱

- ماشیح موعود یهود

بخش اول: - وقایع عصر گئولا (نجات نهایی):

۱. احیای سنت های اولیه عبادت یهود: اساس عبادت یهود بر تقدیم قربانی ها قرار گرفته است که امروزه این عبادت با خواندن تفیلا (نماز) جایگزین شده است. با ظهور ماشیح آن مراسم دوباره احیا خواهند شد.

۲. پایان بدی و گناه: خداوند صاحب قدرت می فرماید: در آن روز من آسمانی بت ها را از زمین منقطع خواهم کرد و آنها دیگر یادآوری نخواهند شد. زمین از دانش الهی مملو خواهد شد؛ همانند آب هایی که دریا را می پوشاند.^۲

۳. پرستش و ستایش جهانی خداوند: در آن هنگام زبان ملت ها را به زبانی پاک و منزه تبدیل خواهم کرد که آنها نام خداوند را خوانده و او را یکسان عبادت خواهند نمود.^۳

۴. همزیستی مسالمت آمیز و صلح جهانی: آنها شمشیرهای خود را شکسته و به گاو آهن تبدیل خواهند کرد و نیزه خود را به قیچی های شاخه زنی تبدیل خواهند کرد. ملتی بر ملت دیگر شمشیر نخواهد کشید و دیگر جنگ نخواهد کرد.^۴

۵. رستاخیز مردگان: این اصل که آخرین اصل از اصول سیزده گانه یهود است تا حدودی از موضوع ماشیح و گئولا جداست. با این حال چون بعد از نجات

۱. به نقل از سایت «پرسش مهر ۵» تاریخ ۲۸ / ۸ / ۱۳۸۳ به آدرس اینترنتی:

[http:// WWW. pm5. persienblog. com](http://WWW.pm5.persienblog.com)

۳. صفیای تبی.

۲. اشعیای تبی.

۴. اشعیای پیامبر.

نهایی واقع شده و آخرین مرحله گئولا محسوب می شود ذکر گردیده است. «مردگان تو زنده خواهند شد، ای خفتگان خاک، برخیزید و ترم کنید»^۱ بسیاری از خفتگان خاک زمین بیدار خواهند شد و گروهی از اینها (که صالح باشند) برای زندگی ابدی خواهند بود.^۲

۶. برکت و سعادت و پایان بیماری‌ها: در آن زمان چشم نابینایان روشن شده و گوش ناشنوایان باز خواهد شد. در آن زمان فرد لنگ همانند گوزن جست و خیز کرده و زبان انسان لال ترم خواهد کرد.^۳

بخش دوم: - دوره قبل از ظهور ماشیح: زمان ظهور ماشیح که توسط خداوند تعیین شده است، رازی بسیار پوشیده و پنهان است. با این وجود نشانه‌های بسیاری در مورد شرایط آمدن او بیان شده است. بخشی از این شرایط اضطراب آمیز و نگران کننده هستند و در کنار این شرایط سخت و سهمگین علائم و نشانه‌های مسرت بخش و امیدوار کننده‌ای نیز درباره زمان قبل از آمدن ماشیح پیش بینی شده است؛ پیشرفت و خوشبختی نسبتاً زیاد مردم دنیا، تجدید حیات در علوم دینی و مطالعات، باز شدن دروازه‌های عقلانی در بالا و چشمه‌های حکمت در پایین (پیشرفت اکتشافات و تکنولوژی امروز) بسیار مشهود است. همچنین گفته شده است، هنگامی که ماشیح به پاخیزد علائم شگفت‌انگیز و معجزات بسیاری در دنیا به وقوع می پیوندد.

شخصیت ماشیح:

الف) ماشیح، بشر خاکی: طبق آنچه در متون مذهبی یهود آمده است، موضوع ماشیح و گئولا (نجات نهایی) از جمله اهداف اولیه آفرینش جهان است. البته

۲. دانیال نبی.

۱. اشعیای نبی.

۳. اشعیای نبی.

این اشاره‌ای است به موضوع ماشیح و روح او اما از نظر فیزیکی و جسمانی ماشیح انسانی است خاکی از اولاد بشر که به صورت عادی متولد شده است، اصل و نسب او به حضرت داوود و سلیمان می‌رسد، و از دیگر نشانه‌های او این است که صداقت و پارسایی او از بدو تولد به بعد دائماً در حال افزایش بوده و به خاطر فضیلت و اعمال شایسته خود، به عالی‌ترین و والاترین درجات تکامل روحانی دست خواهد یافت.

ب) ماشیح در هر دوره امکان آمدن ماشیح در هر دوره وجود دارد اما نه به این معنی که او در وقت مناسب برای ظهور از آسمان پایین آمده و در زمین ظاهر خواهد شد، بلکه او همیشه روی زمین است؛ بشری خاکی با پایه و مقام بسیار روحانی و مقدس که در هر دوره وجود داشته و حاضر و ناظر است. در هر دوره فرزندی از خانواده یهود به دنیا می‌آید که برای مقام ماشیح برانگیزنده است.

روزی که زمان گئولا (نجات نهایی) فرارسید، «شامای» (روح) مخصوص پایین آمده و به ماشیح صدیق اهدا خواهد شد.

ج) شخصیت و صفات خاص ماشیح: اشعیای نبی در وصف او می‌گوید: «روح خداوند بر او خواهد آمد، روح عقل و فهم، روح تدبیر و توانایی، روح دانش و ترس الهی، او با ترس الهی الهام می‌گیرد، با دید چشمانش قضاوت نخواهد کرد و با شنیده گوش‌هایش فتوی نخواهد داد. تهیدستان را با عدالت داوری کرده و برای افتادگان زمین با تساوی حقوق تصمیم خواهد گرفت و ظالمان را با عصای سخن دهان خود می‌کوبد و شریران را با نفس (نسیم) لب‌های خود از بین خواهد برد. طبق عقیده هارامبام (موسی بن میمون) عقل و دانش او از حضرت سلیمان نیز بیشتر خواهد بود و او از پدران قوم یهود (ابراهیم، اسحاق و یعقوب) و نیز از همه انبیای بنی اسرائیل که پس از حضرت موسی برانگیخته شدند بلند مرتبه‌تر

خواهد بود.^۱

فرازهایی از کتاب‌های مقدس یهودیان: «کیست که کسی را از مشرق

بزانگیخت که عدالت او را نزد پای‌های وی می‌خواند، امت‌ها را به وی تسلیم

می‌کند و او را بر پادشاهان مسلط می‌گرداند و ایشان را مثل غبار به شمشیر وی

و مثل گاه که پراکنده می‌گردد، به کمان وی تسلیم خواهد نمود، ایشان را تعقیب

نموده و از راهی که یا پاهای خود نرفته بود به سلامتی خواهد گذشت.»^۲

«شریران منقطع می‌شوند، امامت‌وکلان به خدا وارث زمین خواهند شد.

خداوند روزهای صالحان را می‌داند و میراث ایشان ابدی خواهد بود. متبرکان

خداوند وارثان زمین خواهند شد، اما ملعونان وی منقطع خواهند گردید.

صدیقان وارث زمین شده و تا ابد در آن ساکن خواهند شد.» عضای قدرت و

سلطنت از یهود، دور نخواهد شد و نه فرمان‌فرمایی از میان پاهای وی، تا

«شیلو» بیاید و او را اطاعت امت‌ها خواهد بود.»^۳

«ای خدا احکام خود را به ملک زاده عطا فرما تا آنکه بر قوم تو به انصاف

حکم نماید، به قوم کوه‌ها سلامت و به کویرها عدالت برساند، فقیران قوم را

حکم نماید و مسکینان را نجات دهد و ظالم را بشکند. بر گیاه باریده شده مثل

باران و مانند بارش‌هایی زمین را سیراب می‌کند. صدیقان خواهند شکفت و

و فور سلامتی خواهد بود تا باقی ماندن ماه و او حکمرانی خواهد نمود از دربار

تا دریا و از نهر تا اقصای جهان، صحرائشینان در حضورش خم نخواهند شد و

دشمنانش خاک را خواهند پوشید. تمام ملکوت به او کرنش خواهند کرد و

۱. به نقل از «ماهنامه موعود»، تاریخ ۳/۹/۸۳ مندرج در آدرس اینترنتی:

[http:// WWW.annajoon.persianblog.com](http://WWW.annajoon.persianblog.com)

۲. کتاب اشعای نبی، باب ۴۱، شماره ۳ و ۲.

۳. تورات، سفر پیدایش، باب ۴۶، شماره ۱۰.

تمامی امم بندگی او را خواهند کرد، زیرا که فقیر را وقتی که فریاد می‌کند و مسکینی که نصرت کننده ندارد خلاصی خواهد داد. اسم او تا ابد مثل آفتاب باقی بماند. مردم از او برکت خواهند یافت و تمام زمین از جلالش پر شود، آمین آمین.»^۱

«خداوند را در زینت و قدوسیت بپرستید. تمامی زمین از حضور وی بلرزید. در میان امت‌ها گویند، خداوند سلطنت گرفته است. ربع مسکون نیز پایدار شد و جنبش نخواهد خورد. قوم‌ها را با انصاف داوری خواهند نمود آسمان شادی کند و زمین مسرور گردد، دریا و پری آن غرش نماید. صحرا و آنچه در آن است به وجد آید. آنگاه تمام درختان جنگل ترنم خواهند نمود به حضور خداوند زیرا که می‌آید، زیرا که برای داوری جهان می‌آید، ربع مسکون را به انصاف داوری خواهد کرد و قوم‌ها را به امامت خود.»^۲

«اینک روز خدا می‌آید و غنیمت تو در میان تقسیم خواهد شد و جمیع امت‌ها را بر ضد اورشلیم برای جنگ جمع خواهد کرد و شهر را خواهند گرفت و خانه‌ها را تاراج خواهند نمود و آن یک روز معروف خواهد بود. «یهوه» بر تمامی زمین پادشاه خواهد بود.»^۳

«خداوند می‌گوید، برای من منتظر باشید زیرا قصد من این است که امت‌ها را جمع نمایم و ممالک را فراهم آورم. در آن زمان زبان پاک را به امت‌ها بازخواهم داد تا جمیع ایشان اسم «یهوه» را بخوانند و به یک دل او را عبادت نمایند.»^۴

«اگر چه تأخیر نماید، برایش منتظر باش زیرا که البته می‌آید و در رنگ نخواهد نمود بلکه جمیع امت‌ها را نزد خود جمع می‌کند و تمامی قوم‌ها را برای

۲. کتاب داوود نبی، مزمور ۹۶، شماره ۶ و ۷.

۴. کتاب صفتیای نبی، باب ۳، شماره ۹ و ۸.

۱. کتاب داوود نبی، مزمور ۷۲.

۳. کتاب زکریای نبی، باب ۱۴.

خویش فراهم می‌آورد.»^۱

«پسر انسان با ابرهای آسمان آمد و سلطنت و جلال و ملکوت به او داده شد تا جمیع قوم‌ها و امت‌ها و زبان‌ها او را خدمت نمایند. سلطنت و جلال و ملکوت به او داده شد تا جمیع قوم‌ها و امت‌ها و زبان‌ها او را خدمت نمایند. سلطنت او سلطنت جاودانی و بی‌زوال است و ملکوت او زوال نخواهد داشت.»^۲

«در آن زمان امیر عظیمی که برای قوم تو «قائم» است خواهد برخاست و چنان زمان تنگی خواهد شد که از زمانی که متی به وجود آمده تا امروز نبوده و در آن زمان هر یک از قوم تو که در دفتر مکتوب یافت شود رستگار خواهد شد و بسیاری از آنان که در خاک زمین خوابیده‌اند بیدار خواهند شد. اما اینان به جهت حیات جاودانی و آنان به جهت حقارت جاودانی و حکیمان مثل روشنایی افلاک خواهند درخشید و آنانی که بسیاری به راه عدالت رهبری می‌نمایند مانند ستارگان خواهند بود تا ابد؛ اما تو ای دانیال کلام مرا مخفی دار و کتاب را تا آخر زمان مهر کن که بسیاری به سرعت تردد خواهند نمود و علم افزوده خواهد گردید.»^۳

مهدویت در آیین زرتشت

ظهور حکومت خدا ایده‌آلی است که باید در اثر تحول جامعه و برقرار شدن عشق و محبت و نیک‌خواهی به جای حسد و دشمنی و خودخواهی تحقق یابد. این بهشت زمینی بهترین وعده‌ای است که به انسان‌ها داده شده است و از نظر

۱. کتاب زکریای نبی، باب ۱۴، شماره ۳. ۲. کتاب دانیال نبی، باب ۷، شماره ۱۵ و ۱۴.

۳. همان، باب ۱۲، شماره ۱ و ۵.

تربیتی واقعی ترین اصلی است که می تواند آرامش و سعادت واقعی جامعه را در زمین نماید.

در همه قرون و اعصار آرزوی یک مصلح بزرگ جهانی در دل خداپرستان وجود داشته است. این آرزو ته تنها در میان پیروان ادیان بزرگ مانند اسلام، مسیحیت، یهودیت و زرتشتیت سابقه دارد، بلکه آثار آنرا در افسانه های یونان، میثرا در ایران، کتاب های قدیمی چینی، هندویان، اهالی اسکانندیناوی و حتی در میان بومیان وحشی مکزیک و نظایر آن می توان یافت.^۱

در آیین «زردوانی» که یکی از مبانی اولیه آیین زرتشتی است روایت شده که عمر دنیا دوازده هزار سال است که به چهار قسمت مساوی تقسیم شده است:^۲

۱. «هرمزد» در جهان نور به سر می برد و خالق موجودات مجرد و روحانی است.

۲. موجودات مجرد روحانی صورت جسمانی پیدا می کنند.

۳. اهریمن از جهان تاریکی خارج می شود و در عالم نور خود را بنا بندی همان طور که امروز به چشم می خورد در می آمیزد.

۴. نجات دهنده و رهایی بخش جهان ظاهر می شود و جهان را به صورت اول پاک و منزّه از فساد و شر می نماید.

نیز در کتاب اوستا زرتشت خبر کرده که در آخر الزمان شخصی ظاهر می شود که او را «اشیزریکا» گویند. یعنی دانایی که عالم را به دین و عدل مزین دارد. در زمان او شخصی ظاهر گردد که او را «بتیاره» می نامند و آفت در ملک او

۱. مجلسی، محمدباقر، مهدی موعود، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۳، ص ۱۷۸.

۲. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، الملل و النحل، تحریر نو مصطفی خالقدار هاشمی، انتشارات اقبال، ۱۳۶۱، ص ۳۹۵.

پیدا آرد و در کار او خلل اندازد و مدت آن بیست سال است. بعد از گذشتن این مدت بر اهل عالم غالب آید و عالم را به عدل و دین مزین گرداند و کارهای نیک که از اصل خویش تغییر پذیرفته باشید به حال خود آورد. جور و طغیان را از عالم محو کند و ملوک فرمان او برند و دین حق را یاری کنند. در آن زمان امن و استقامت زیاد و فتنه و محنت برطرف گردد.

آنگاه پیروزی بزرگ از آن ایزدان می شود و اهریمنان را منقرض می سازد. پس از پیروزی و براندازی بیگانگان عالم، کیهان به سعادت اصلی خود رسیده بنی آدم بر تخت نیک بختی خواهند نشست.^۱

در یشت ۱۹ (زامیاد یشت) که از یشت های بسیار قدیمی است، نام دریاچه «کوسوی» آمده است که به عقیده بعضی از محققان با دریاچه «هامون» فعلی تطبیق دارد. در همین دریاچه است که بنابر روایت زرتشتیان نطفه زرتشت محفوظ است و ۹۹۹۹۹ فروتی آن را نگاهبانی می کنند تا موعود زرتشتیان در دوره آخرالزمان از آن پدید آید.^۲

در جاماسب نامه - کتاب مقدس زرتشتیان - آمده است:

پیامبر عرب آخرین فرستاده است که از بین کوه های بلند مکه ظاهر شود از فرزندان آن شخصی در مکه پدیدار خواهد شد که جانشین آن پیامبر است و پیرو دین جد خود می باشد. از عدل او گرگ یا میش آب می خورد و همه جهان به آیین «مهر آزه ای» [محمد صلی الله علیه و آله] خواهند گروید. «مردی بیرون می آید از تازیان مردی بزرگ سر

۱. بحرینی، هادی، پنجشنبه ۷ آبان ۸۳، به نقل از آدرس اینترنتی:

[http:// WWW . mastane 2000 . persianbgog. com](http://WWW.mastane2000.persianbgog.com)

۲. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، همان.

و بزرگ تن، بزرگ سان به آیین جد خویش و با سپاه بزرگ زو به ایران
می نهد و آبادانی می کند و زمین را پراز داد می نماید.^۱

در دین زرتشت به هر یک از موعودان سوشیانت به معنی نجات دهنده و گاه
پیشوای دین می گویند. در اوستا مکرراً از سوشیانت پیروزگر که پس از ظهور او
رستاخیز خواهد بود نام برده شده که در آخرالزمان ظهور می کند.

آن کسی که سوشیانت پیروزگر نامیده خواهد شد به «استوت ارته» موسوم
است، از آن جهت که آنچه در جهان دارای جسم و جانی است از پرتو او به یک
زندگی فناپذیر می رسد تا آن که پاک دینان در ستیزه ضد دشمنان ایستادگی
توانند کرد. در اوستا در فروردین یشت و برخی قسمت های اوستا معمولاً ابتدا
به فروهر نخستین بشر - کیومرث - درود فرستاده می شود، سپس به ترتیب تا
فروهر آخر سوشیانت موعود مزدیسنا که آخرین آفریده اهورا است؛ و پس از
ظهور او گیتی پر از عدل و داد شده و سعادت روی می آورد، اندیشه و گفتار نیک
ظفر یافته و جهان از دروغ پاک می شود.^۲

در «زند بهمن یسن» می خوانیم:

از زرتشت به سرزمین های ایران که من - اهورامزدا - آفریدم (تازیان)
به جادوگری بتازند، ایقان را پیمان راستین و آسمانی نیست و به عهدی
که می کنند پایبند نیستند. در آن زمان همه مردم فریفتار باشند یعنی بد
یکدیگر را می خواهند، و سپاس و آزرمان و نمک ندارند. مردمان
تندخو و خرد به بزرگی و فرمانروایی رسند، حقیران آواره به حکومت
رسند، گفتار فرومایگان، بدگویان، نابکاران و دلقک ها را باور دارند، همه

۱. بحرینی، هادی، همان.

۲. اوشیدری، جهانگیر، دانشنامه مزدیسنا، نشر مرکز، تهران ۱۳۷۱، ص ۲۳۴.

مردم خریص و ناراست دین باشند، آب چشمه‌ها و رودها بکاهد و افزایش نباشد، ستور و گاو و گوسفند کمتر بژایند، جوانان و کودکان اندیشناک باشند و از دلشان شوخی و بازی و رامش برنیاید، آزاده و دهقان و بزرگان به درویشی و بیچارگی رسند، ایشان چنان فرمانروایان بدی باشند که اگر مرد پرهیزکار یا مگسی را بکشند، هر دو به چشمان یکسان باشد و پادشاهی به کامه دیو خشم برود. پس «ایزد مهر» به «پشتوتن» بانگ کند: دین مزدا و تخت پادشاهی را دوباره بیارای و سپس «سوشیانت» آفرینش را دوباره پاک سازد.^۱

در گاتاهای زرتشت نیز در مورد سوشیانت مطالبی آمده است از جمله:

۱. «کی ای مزدا» بامداد روز فراز آید، جهان دین راستین فراگیرد، با آموزش‌های افزایش بخش پرخره رهانندگان کیانند؟ آنان که بهمن به یاری ایشان خواهد آمد، از برای آگاه ساختن من تو را برگزیدم، ای اهورا.

در پاورقی ذیل عبارت مذکور این‌گونه توضیح داده شده است: یعنی که بامداد رستگاری خواهد دمید و مردم دین راستین را خواهند شناخت. کی خواهد بود آن روزی که از سوشیانت دین و آموزش رواج خواهد گرفت. آن رهانندگانی که بهمن (منش نیک) آنها را در کوششان در راه دین‌گستری یاری خواهد کرد کیانند؟

۲. به بدکیشی تباهی سزد. اینان که آرزومندند ارجمند را خوار کنند. آن پست شمارندگان آیین که به کیفر ارزانی‌اند. کجاست آن داور درست کردار که زندگی و

۱. بهدین، آریایی، شنبه ۲۰ تیر ۸۳ به نقل از آدرس اینترنتی:

آزادی از آنان برناید؟

در پاورقی ذیل عبارت مذکور این گونه توضیح داده شده است: سرانجام بدکیشان و کسانی که خواستارند ارجمندان و برگزیدگان را خوار کنند و دین راستین را پست دارند، به سزای خود خواهند رسید. اما در همین جهان کو آن شهر یاری که از روی آیین و داد آنان را رام و فرمانبردار سازد؟^۱

پیش از ظهور سوشیانت پیمان شکنی و دروغ و بی دینی رواج می یابد و مردم از خدا دوری جسته، ظلم و فساد و فرومایگی آشکار می گردد و همین وضعیت نیز اوضاع جهان را دگرگون ساخته، زمینه را برای ظهور نجات دهنده مساعد می گرداند. علامات شگفت انگیزی که در آسمان پدید می آید دال بر آمدن «خرد شهر ایزد» می باشد و فرشتگان از شرق به غرب به فرمان او فرستاده می شوند و به همه دنیا پیام می فرستند اما اشخاص شرور او را انکار می کنند و کاذب می شمارند و نگهبان پیروزگر آسمانها و زمینها در برابر او سرفرود می آورند.

سوشیانت (نجات دهنده دنیا) دین را به جهان رایج کند و فقر و تنگدستی را تباہ کند و اهریمن را از دامان آفریدگان بازدارد و مردمان گیتی هم منش، هم فکر، هم گفتار و هم کردار باشند.

سه هزاره آخر از زمان کیهانی در تسلط سه فرزند ناجی زرتشت یعنی «اوشیدر» «اوشیدر ماه» و «سوشیانس» است (یا به عبارت دیگر: سوشیانت اول، سوشیانت دوم و سوشیانت پیروزگر) کسانی که از خود اوزاده به طوری معجزه آمیز در دریاچه ای حفظ شده اند تمام این افراد متجی هستند، اما تنها فر

۱. مظفری، احمد، پنجشنبه ۲۸ آبان ۸۳، به نقل از آدرس اینترنتی:

زمان سوشیانت پیروزگر است که اهریمن نهایتاً نابود می‌شود و مردگان دوباره برمی‌خیزند و تمامی آفرینش نو و عاری از مرگ می‌شود. در پایان هزاره‌های سوشیانت اول و دوم دین زرتشت احیا می‌شود و حشرات زهرآگین و دیوان نابود می‌شوند، ولی در هزاره مربوط به سوشیانت پیروزگر، زندگی جاودانه می‌شود و مردگان از خاک برمی‌خیزند.^۱

به هنگام رستاخیز، اهورمزدا خود رستاخیز تن پسین را شروع نمی‌کند، بلکه با نزاکتی خاص آن را به ید یا کفایت سوشیانت می‌سپارد. آخرین فرزند زرتشت که نمایانگر نژاد احیا شده بشری است.^۲

مهدویت در آیین هندو

پادشاهی و دولت دنیا به فرزند سید خلاق دو جهان «کشن»^۳ بزرگوار تمام شود وی کسی شد که به کوه‌های مشرق و مغرب دنیا حکم براند و فرمان کند و بر ابرها سوار شود و فرشتگان کارکنان او باشند و جن و انس در خدمت او شوند و از «سواران» که زیر خط استوا است تا «ارض تسعین» که زیر قطب شمالی است و دور بحار را صاحب شود و دین خدا یک دین شود و دین خدا زنده گردد و نام او «قائم» باشد و «خداشناس» باشد.^۴

پس از خرابی دنیا پادشاهی در آخرالزمان پیدا شود که پیشوای خلاق باشد و نام او «منصور» باشد و عالم را بگیرد و به دین خود آورد و همه کس را از مؤمن

۱. زفر آرسی، طلوع و غروب زرتشتی‌گری، ترجمه تیمور قادری، انتشارات فکر روز، ۱۳۷۵، ص ۵۱۱.

۲. همان، ص ۵۲۹.

۳. کشن به لغت هندی نام پیامبر اسلام ﷺ است که در بشارت فوق فرزند برومندش را به نام «ایستاده» و «خداشناس» نامیده چنانکه شیعیان او را «قائم» می‌خوانند.

۴. کتاب شاکمونی پیامبر آیین هندو.

و کافر بشناسد و هرچه از خدا خواهد برآید.^۱

دور دنیا تمام شود و پادشاه عادل در آخرالزمان که پیشوای ملائکه و پریان و آدمیان باشد و حق و راستی با او باشد و آنچه در زمین و دریا و کوه‌ها پنهان باشد همه را به دست آورد و از آسمان‌ها و زمین و آنچه باشد خبر دهد و از او بزرگ‌تر کسی به دنیا نیاید.^۲

چون مدت روز تمام شود، دنیای کهنه تو شود و زنده گردد و صاحب ملک تازه پیدا شود از فرزندان دو پیشوای جهان یکی «ناموس آخرالزمان»^۳ و دیگری «صدیق اکبر» و صنی بزرگ‌تر وی که «پشن»^۴ نام دارد و نام آن صاحب ملک تازه «راهنما»^۵ است به حق پادشاه شود و خلیفه «رام»^۶ باشد و حکم براند و او را معجزه بسیار باشد. هر که پناه به او برد و دین پدران او اختیار کند سرخ روی باشد و در نزد «رام» و دولت او بسیار کشیده شود و عمر او از فرزندان ناموس اکبر زیاد باشد و آخر دنیا به او تمام شود و از ساحل دریای محیط و جزایر سراتیب و قبر آدم عليه السلام و از جبال القمر تا شمال هیکل زهره تا سیف البحر و اقیانوس را مسخر گرداند و بت‌خانه «سونامنت» را خراب کند و «جگرنات»^۷ به فرمان او به سخن آید و به خاک افتد، پس آن را بشکنند و به دریای اعظم اندازد و هر یکی در خدا باشد بشکنند.^۸

۱. کتاب دید یکی از کتب آسمانی هندو.

۲. کتاب یاسک یکی از کتب آسمانی آیین هندو.

۳. ناموس آخرالزمان همان آیین الهی پیامبر آخرین حضرت محمد صلی الله علیه و آله است.

۴. پشن نام هندی علی بن ابی طالب عليه السلام است.

۵. راهنما نام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

۶. رام خدای هندوهاست.

۷. جگرنات به لغت سانسکریتی ما بتی است که هندوها آن را مظهر خدا می‌دانند.

۸. کتاب پاتیک یکی از رهبران آیین هندو.

مهدویت در آیین بودا

بوداییان در کتاب *دادنک*، از قول «بودا» نقل می‌کنند که او گفته است: بعد از آنکه مسلمانی به هم رسید، در آخر میان عالم از ظلم و فسق و گناه و ریای زاهدی و خیانت امینان و حسودی بخیلان و عمل نکردن دانایان به آموخته خود، دنیا از ظلم و جفا و گناه پر شود. از دین جز نام او نماند، پادشاهان و پیشوایان و ریسان بی‌رحم و ظالم شوند، رعیت بی‌انصاف و نافرمان و متقلب شود و همه در خوابی نظم دنیا بکوشند و همه جا را کفر و ناسپاسی فراگیرد. آنسوقت دست راستین، چنانشین «مماطا» [یعنی حضرت محمد صلی الله علیه و آله] ظهور کند، خاور و باختر عالم را بگیرند و آدمیان را به راه خوبی‌ها رهبری کند. او فقط و تنها حق و راستی را قبول کند و پس.

نتیجه

در پایان با توجه به نتایج حاصل از فرضیات تحقیق دریافتیم که مسئله «موعود» در تاریخ بشر، و در تاریخ ادیان، سابقه‌ای بسیار کهن دارد؛ زیرا بسیار می‌شده است که پیامبران پیشین، برخی آمدن دیگری را وعده می‌داده‌اند. این امر، در میان پیامبران بزرگ و مشهور بسیار مشهود است و از طریق این وعده‌ها و بشارت‌ها، در ذهنتیت هر یک از امت‌ها، موعود خاصی شکل می‌یافته است. در آیات کتب مقدسی (ثا آنجا که تحریف نیافته است) این بشارت‌ها دیده می‌شود که همه و همه، ناظر به قیام الهی آخرالزمان و حرکت بشری - جهانی مصلحی است که هرگاه «موعود» گفته شود، منظور موعود نهائی و منتظر آخرین است؛ که در همه مذاهب بزرگ جهان واجد اهمیت خاصی است و آرزوی مشترک همه معتقدین به مذهب بزرگ را تشکیل می‌دهد، که هر فرد علاقه‌مند به

سرنوشت بشریت و طالب تکامل معنوی وقتی از همه سو ناامید می‌شود و می‌بیند که با وجود این همه ترقیات فکری و علمی شگفت‌انگیز، باز متأسفانه بشریت غافل و بی‌خبر، روز به روز خود را بیشتر به سوی فساد و تباهی می‌کشانند و بیشتر از خداوند بزرگ دوری می‌جوید و بیشتر از او آمر او سرپیچی می‌کند، بنا به فطرت ذاتی خود متوجه درگاه خداوند بزرگ می‌شود و از او برای رفع ظلم و ستم یاری می‌جوید. از این رو در همه قرون و اعصار آرزوی یک مصلح بزرگ جهانی در دل‌های خداپرستان وجود دارد اعتقاد به وجود یک قائم که در آخر دنیا به نحوی خارق‌العاده و معجزه‌آسا ظهور کند و دنیا را پس از آنکه پر از ظلم و جور شده از عدل و داد پر نماید و پایه ایمان را مستحکم سازد. این عقیده یکی از آرزوهای مهم دیرین بشر است.^۱

رسالت عظیم مهدی موعود، یعنی مصلح فاطمی، و انقلابی بزرگ جهان و تاریخ، این است که یک جهان بشری موحد و بالغ پدید آورد، و ضحنه زیست انسان را از همه اوصالت‌های راستین بپاک کند، و جهانی مملو از عدل و داد پدیدار سازد. بنابراین، دولت مهدی، دولت جهانی است، و حکومت مهدی حکومت ارضی، که اعم است از حکومت جهانی. پس عدالتی که او می‌آورد، تنها عدالت اجتماعی نیست بلکه عدالت حیاتی و سیاره‌ای است، یعنی او در همه پدیده‌ها، ارزش‌ها، بهره‌برداری‌ها، بهره‌بخشی‌ها، و در همه شئون و اقتضائات این سیاره آن چنان که خدا خواسته است عدالت را برقرار می‌سازد. آری، مهدی عجل‌الله تعالی فرجه الشریف رهبر یک حیات هماهنگ و یک هماهنگی جاری، و همگونی ژرف و شکفتن سازی، و نبض عادل و نظم جهانی خواهد بود و بلا ظهور او، سرانجام جهان پیرو حکومت فاطمی خواهد شد، و مهدی فرزند

بانوی بزرگ بر سراسر اقالیم بشری حکم خواهد راند. و همه صفات پیامبران و مصلحان، در او تجلی خواهد کرد و قافله سالار بشریت خواهد گشت.

در پایان با توجه به گسترش روز افزون علم و پیشرفت لحظه به لحظه تکنولوژی و وارد شدن به عصر فناوری اطلاعات و از سوی دیگر تهاجم فرهنگی و اشاعه دین گریزی از سوی دشمنان جهت صدمه زدن به عقاید و اصول اساسی مسلمانان، صاحب نظران و متخصصان علوم دینی و دولتمردان پیشنهاد می شود ترتیبی اتخاذ کنند که به طریق مختلف و از راه تشویق و ترغیب جوانان آنان را از نقشه های شوم بیگانگان که قصد صدمه زدن به اسلام را دارند آگاه نموده و ریشه اعتقادات و اصول اساسی دین را در آنان مستحکم نمایند. پیشنهاد ما این است که با ارائه موضوعات تحقیقی مناسب و آزاد در میاخذ اسلامی قشر جوان و نوجوان جامعه را به انجام کارهای تحقیقاتی در مورد اسلام و آنچه که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به دنبال آن بود تشویق نمایند و از آنان بخواهند در مورد همه جوانب دین اسلام به جستجو پرداخته و بدین طریق باورهای آنان را رنگی تازه ببخشند.

مهدویت در ادیان الهی

(یهودیت، مسیحیت و زرتشت)

محمد حسین مردانی نوکنده

چکیده

عقیده به ظهور یک نجات‌دهنده بزرگ آسمانی و امید به یک آینده روشن که در آن، نگرانی‌ها و هراس‌ها مرتفع گردد، و به برکت ظهور یک شخصیت ممتاز الهی همه تاریکی‌ها از پهنه گیتی برچیده شود و ریشه ظلم و جهل و تباهی از روی کره زمین برکنده شود، یک اعتقاد عمومی ثابت است که همواره در همه وقت، در همه جا، و در همه زمان‌ها بین تمام ملت‌ها شایع و رایج بوده است. براساس تحقیقات پژوهشگران مسایل اسلامی، این عقیده در طول دوران زندگی انسان‌ها پیوسته در میان همه ملت‌ها و پیروان ادیان بزرگ موجود بوده و حتی اقوام مختلف جهان چون: اسلاوها، ژرمن‌ها، اسن‌ها و سلت‌ها، نیز معتقدند که سرانجام باید پیشوایی در آخرالزمان ظهور کرده، بی‌عدالتی‌ها را از بین برده، حکومت واحد جهانی تشکیل داده و در بین مردم براساس عدالت و انصاف داوری کند.

آنچه از تاریخ امت‌ها استفاده می‌شود این است که مسئله عقیده به ظهور یک رهبر مقتدر الهی و آمدن مصلحی در آخرالزمان به نام «منجی موعود جهانی» به قدری اصیل و ریشه‌دار است که در اعماق دل ملت‌ها و پیروان همه ادیان الهی، و تمام اقوام و ملل جهان جا گرفته است تا جایی که در طول تاریخ بشریت، انسان‌ها در فراز و نشیب‌های زندگی، با یادآوری ظهور چنین رهبر مقتدری، پیوسته خود را از یأس و ناامیدی نجات داده و در انتظار ظهور آن مصلح موعود جهانی در پایان جهان، لحظه‌شماری می‌کنند.

برای اثبات این مطلب، کافی است بدانیم که عقیده به ظهور یک نجات‌دهنده حتی از نظر یهود و نصارا نیز قطعی است. و حتی این که در میان طوائف یهود و همه شاخه‌های مسیحیت وجود این عقیده، قطعی و مسلم است.

با مطالعه کتاب‌های آسمانی و تاریخ ادیان، به خوبی روشن می‌شود که عقیده به موعود و مصلح کل، اختصاص به اسلام ندارد، بلکه تمام ادیان و مذاهب آسمانی در این عقیده مشترکند. پیروان همه ادیان معتقدند که در یک عصر تاریک و بحرانی که جهان را فساد بیدادگری و بی‌دینی فراگرفته نجات‌دهنده‌ای بزرگ طلوع می‌کند و به واسطه نیروی فوق‌العاده غیبی، اوضاع آشفته جهان را اصلاح می‌کند و خداپرستی را بر بی‌دینی و مادی‌گری غلبه می‌دهد.

آرزوی ظهور یک مصلح در همه مذاهب، امری مشترک و از اصول اعتقادی ادیان به شمار می‌رود. انتظار موعود نه تنها در ادیان زرتشتی، یهودی، مسیحی و اسلام وجود دارد، بلکه در کتب یونان قدیم، افسانه‌های میترا، کتب قدیم چینیان، عقاید هندیان و در بین اهالی اسکانندیناوی و حتی در مصریان قدیم و بومیان وحشی مکزیک و نظایر آن نیز می‌توان یافت.

علایم و مشخصاتی که در سایر ادیان برای آن نجات‌دهنده بزرگ ذکر شده در مورد مهدی عجل‌الله تعالی فرجه الشریف، موعود اسلام نیز قابل انطباق است. در این مقاله پژوهشی، تحقیقی، بحث مهدویت و منجی در سه آیین یهودیت، مسیحیت و دین زرتشت مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

مقدمه

مطالعه سرگذشت جوامع مختلف بشری و بررسی مکتب‌های فکری در طول تاریخ، نشان می‌دهد که انسان‌ها همواره به یک سلسله مسائل بنیادی اعتقاد راسخ داشته‌اند تا جایی که با گذشت قرن‌ها و ظهور کتب جدید فکری و پدیدار شدن تحول‌های شگرف در علم و صنعت، این گرایش‌ها تغییر نکرده و به اصالت خود باقی مانده است.

یکی از این مسائل، اعتقاد به ظهور یک منجی و مصلح جهانی است. گرچه اعتقاد به ظهور این منجی در آخرالزمان، در میان پیروان ادیان الهی فروغ بیشتری دارد ولی بشر همواره در انتظار این مصلح به سر برده است و عقیده دارد که روزی این منجی خواهد آمد و به نابسامانی‌ها و بی‌عدالتی‌ها خاتمه خواهد داد و انسان را به سر منزل مقصود و سعادت و کمال که خواسته دیرینه او بوده، خواهد رساند.

مسئله مهدویت و اندیشه ظهور مهدی موعود عجل الله فرجه الشریف در آخرالزمان، مسئله‌ای اصیل، ریشه‌دار و با سابقه است که هرگز با گذشت زمان، کهنه و فرسوده نمی‌گردد، و با آن که از زمان رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تا کنون مدت چهارده قرن از آن می‌گذرد، نه تنها از فروغ این عقیده کهن و باستانی و ریشه‌دار کاسته نشده است، بلکه با پیشرفت سریع صنعتی و انحطاط اخلاقی جوامع بشری و احساس یأس و نومیدی و زندگی سراسر رنج‌زا و دردآلود، هر آن و هر لحظه، عشق سوزان بشریت نسبت به وجود مقدس حضرت مهدی عجل الله فرجه الشریف بیشتر، و نور امید و آرزو در دل‌های خداپرستان افروخته‌تر و اشتیاق توده‌های محروم و دردمند برای ظهور آن خورشید فروزان شعله‌ورتر می‌گردد.

البته هر ملتی او را با لقبی مخصوص می‌شناسند. زرتشتیان او را به نام «سوشیانس»، یعنی نجات‌دهنده جهان، عیسویان به نام «مسیح موعود»، یهودیان به نام «سرور میکائیلی» و مسلمانان به نام «مهدی موعود» می‌شناسند. هر ملتی نیز آن موعود نجات‌بخش را از خودش می‌داند، مثلاً زرتشتیان او را ایرانی و از پیروان زرتشت می‌دانند، عیسویان او را هم‌کیش خودشان می‌شمرند، یهودیان او را بنی اسرائیل و از پیروان موسی می‌شمرند و مسلمانان او را از دودمان بنی هاشم و فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله می‌شمارند که البته اسلام به طور کامل و مشخص این شخصیت جهانی و موعود کل را معرفی نموده اما در سایر ادیان چنین نیست. نکته قابل توجه این که علائم و مشخصاتی که در سایر ادیان برای آن نجات‌دهنده بزرگ ذکر شده، در مورد مهدی - موعود اسلام - یعنی فرزند بلافصل امام حسن عسکری علیه السلام نیز قابل انطباق است زیرا می‌توان او را از نژاد ایرانی شمرد، زیرا مادر حضرت سجاد علیه السلام که جد امام زمان علیه السلام است، یک شاهزاده خانم ایرانی به نام «شهربانو»، دختر یزدگرد - پادشاه ساسانی - بود. همچنین می‌توان او را از دودمان بنی اسرائیل شمرد، زیرا بنی هاشم و بنی اسرائیل هر دو از نسل ابراهیم هستند. بنی هاشم از نسل اسماعیل و بنی اسرائیل از نسل اسحاق‌اند. با عیسویان نیز نسبت دارد زیرا مادر حضرت صاحب الامر عجل الله فرجه الشریف یک شاهزاده خانم رومی به نام ترچس بوده که به صورت شگفت‌انگیزی خود را به امام حسن عسکری علیه السلام می‌رساند.^۱

عشق به صلح و عدالت در درون هر کسی وجود دارد، همه از صلح و عدالت لذت می‌برند و یا تمام وجود خواهان جهانی سرشار از صلح و عدالت‌اند و بر

۱. طاهری، حبیب‌الله، سیمای آفتاب، نشر مشهور، ۱۳۷۸، صص ۱۲۶ - ۱۲۵.

همین اساس همه اقوام و ملل، منتظر مصلح کل هستند.

بررسی دیدگاه ادیان آسمانی و بلکه همه مذاهب در مورد موعود و مصلح جهانی بسیار قابل توجه است ولی مسلمان کمتر به این مهم توجه کرده‌اند. وقتی بشریت به این مهم توجه پیدا نماید که عقیده به ظهور یک نجات‌دهنده فوق‌العاده جهانی، یک عقیده مشترک دینی است که از مصدر روحی سرچشمه گرفته و همه پیامبران بدان بشارت داده و همه ملل در انتظار او هستند، در این صورت مسلمانان به ویژه شیعیان به خیال باقی، عقاید خرافی و نظایر آن متهم نمی‌گردند.

ضمناً باید توجه داشت که انتظار ظهور یک مصلح بزرگ آسمانی و امید به آینده و استقرار صلح و عدل جاویدان امری فطری و طبیعی است که با ذات و وجود آدمی سر و کار داشته و با آفرینش هر انسانی همراه است و زمان و مکان نمی‌شناسد و به هیچ قوم و ملتی اختصاص ندارد.

بنابراین به رغم افکار بیمارگونه کوتاه‌نظران کج‌اندیش که می‌پندارند مسئله مهدویت و انتظار یک رهبر بزرگ آسمانی در پایان جهان از مختصات مسلمانان و یا از عقاید خاص شیعیان است و می‌کشند تا با تلاش مذبحخانه خود آن را در یک مکتب خاص محصور کنند، این مسئله اختصاص به مسلمانان و شیعیان ندارد و یک اعتقاد عمومی مشترک است که همه امت‌ها و ملت‌ها و پیروان ادیان - حتی مکاتب مختلف، فلاسفه، دانشمندان و اندیشمندان واقع بین جهان - در این عقیده و مرام با هم شریک‌اند.

آری! حقیقت مهدویت در واقع منتهی شدن سیر جوامع بشری به سوی جامعه واحد، سعادت عمومی، تعاون و همکاری، امنیت و رفاه همگانی، حکومت حق و عدل، نجات مستضعفان، نابودی مستکبران، پیروزی جنود الله

بر جنود شیطان و خلافت مؤمنان و شایستگان به رهبری موعود پیامبران و ادیان است و این همان چیزی است که مطلوب هر فطرت پاک و خواست طبیعی هر انسان منالم و وجدان بیدار است.

سرانجام قیام جهانی مهدی ^{علیه السلام} به وقوع خواهد پیوست، و وعده خداوند تحقق خواهد یافت و عالم انسانیت از فسادها و تباهی‌ها و نابسامانی‌ها خلاص خواهد گردید. و عاقبت بشریت نجات پیدا خواهد کرد، و طرفداران ظلم و ستم شکست خواهند خورد و بلندگوهایشان خاموش خواهد شد و قلم‌های نویسندگانشان در هم خواهد شکست.

عقاید اقوام مختلف جهان درباره مصلح موعود

مسئله عقیده به ظهور مصلحی جهانی در پایان دنیا امری عمومی و همگانی است و اختصاص به هیچ قومی و ملتی ندارد. سرمنشأ این اعتقاد کهن و ریشه‌دار علاوه بر اشتیاق درونی و میل باطنی هر انسان - که به طور طبیعی خواهان حکومت حق و عدل و برقراری نظام صلح و امنیت در سرتاسر جهان است - توندهای بی‌شائبه پیامبران الهی در تاریخ بشریت به مردم مؤمن و آزادی‌خواه جهان است.

تمامی پیامبران بزرگ الهی در دوران مأموریت خود به عنوان جزئی از رسالت خویش به مردم وعده داده‌اند که در آخرالزمان و در پایان روزگار، یک مصلح بزرگ جهانی ظهور خواهد نمود و مردمان جهان را از ظلم و ستم بستمگران نجات خواهد داد و فساد، بی‌دینی و بی‌عدالتی را در تمام جهان ریشه کن خواهد ساخت و سراسر جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد.

سیری کوتاه در افکار و عقاید ملل مختلف مانند مصر، باستان، هند، چین،

ایران و یونان و نگرش به افسانه‌های دیگر اقوام مختلف بشری این حقیقت را به خوبی روشن و مسلم می‌سازد که همه اقوام مختلف جهان با آن همه اختلاف آراء عقاید و اندیشه‌های متضادی که با یکدیگر دارند، در انتظار مصلح موعود جهانی به سر می‌برند.

اینک برای این که درباره این موضوع سخنی به‌گراف نگفته باشیم فهرست مختصری از بازتاب این عقیده را در میان اقوام و ملل مختلف جهان در اینجا می‌آوریم:

۱. ایرانیان باستان معتقد بودند که «گراسپه» قهرمان تاریخی آنان زنده است و در کابل خوابیده و صد هزار فرشته او را پاسبانی می‌کنند تا روزی که بیدار شود و قیام کند و جهان را اصلاح نماید.

۲. گروهی دیگر از ایرانیان می‌پنداشتند که «کیخسرو» پس از تنظیم کشور و استوار ساختن شالوده فرمانروایی، دیهیم پادشاهی به فرزند خود داد و به کوهستان رفت و در آنجا آرمیده تا روزی ظاهر شود و اهریمنان را از گیتی براند.

۳. نژاد اسلاو بر این عقیده بودند که از مشرق یک نفر برخیزد و تمام قبایل اسلاو را متحد سازد و آنها را بر دنیا مسلط گرداند.

۴. نژاد ژرمن معتقد بودند که یک نفر فاتح از طوایف آنان قیام نماید و ژرمن را بر دنیا حاکم گرداند.

۵. اهالی صربستان انتظار ظهور «مارکو کراویچ» را داشتند.

۶. برهمنیان از دیرزمانی بر این عقیده بودند که در آخرالزمان «ویشنو» ظهور نماید و بر اسب سفیدی سوار شود و شمشیر آتشین بر دست گرفته و مخالفین را خواهد کشت، و تمام دنیا «برهمن» گردد و به این سعادت برسد.

۷. ساکتان جزایر انگلستان از چندین قرن پیش آرزو مند و منتظرند که «ارتور»

۸۰ در انتظار خورشید مغرب

روزی از جزیره «آوالون» ظهور نماید و نژاد «ساکسون» را در دنیا غالب گرداند و سعادت جهان نصیب آنها گردد.

۸. اسن‌ها معتقدند که پیشوایی در آخرالزمان ظهور کرده، دروازه‌های ملکوت آسمان را برای آدمیان خواهد گشود.

۹. سلت‌ها می‌گویند، پس از بروز آشوب‌هایی در جهان، «بوریان بور وینهم» قیام کرده، دنیا را به تصرف در خواهد آورد.

۱۰. اقوام اسکاندیناوی معتقدند که برای مردم بلاهایی می‌رسد، جنگ‌های جهانی اقوام را نابود می‌سازد، آنگاه «اودین» با نیروی الهی ظهور کرده و بر همه چیره می‌شود.

۱۱. اقوام اروپای مرکزی در انتظار ظهور «یوحنا» می‌باشند.

۱۲. اقوام آمریکای مرکزی معتقدند که «کوتزلکوتل» نجات‌بخش جهان پس از بروز حوادثی در جهان پیروز خواهد شد.

۱۳. چینی‌ها معتقدند که «کرشنا» ظهور کرده، جهان را نجات می‌دهد.

۱۴. زرتشتیان معتقدند که «سوشیانس» (نجات‌دهنده بزرگ جهان) دین را در جهان زواج دهد، فقر و تنگدستی را ریشه‌کن سازد، ایزدان را از دست اهریمن نجات داده، مردم جهان را هم‌فکر و هم‌گفتار و هم‌کردار گرداند.

۱۵. قبایل «ای پوور» معتقدند که روزی خواهد رسید که در دنیا دیگر نبردی بروز نکند و آن به سبب پادشاهی دادگر در پایان جهان است.

۱۶. گروهی از مصریان که در حدود ۳۰۰۰ سال پیش از میلاد، در شهر «ممفیس» زندگی می‌کردند، معتقد بودند که سلطانی در آخرالزمان با نیروی غیبی بر جهان مسلط می‌شود، اختلاف طبقاتی را از بین می‌برد و مردم را به آرامش و آسایش می‌رساند.

۱۷. گروهی دیگر از مصریان باستان معتقد بودند که فرستادهٔ خدا در آخرالزمان در کنار خانهٔ خدا پدیدار گشته، جهان را تسخیر می‌کند.

۱۸. ملل و اقوام مختلف هند، مطابق کتاب‌های مقدس خود، در انتظار مصلحی هستند که ظهور خواهد کرد و حکومت واحد جهانی را تشکیل خواهد داد.

۱۹. یونانیان می‌گویند، «کالویبرگ» نجات‌دهندهٔ بزرگ ظهور خواهد کرد و جهان را نجات خواهد داد.

۲۰. یهودیان معتقدند که در آخرالزمان «ماشیح» (مهدی بزرگ) ظهور خواهد کرد و تا ابدالآباد در جهان حکومت می‌کند. او را از اولاد حضرت اسحاق می‌پندارند در صورتی که تورات کتاب مقدس یهود - او را صریحاً از اولاد حضرت اسماعیل دانسته است.

۲۱. نصارا نیز به وجود حضرت عَلَيْهِ السَّلَام قایلند و می‌گویند، او در آخرالزمان ظهور خواهد کرد و عالم را خواهد گرفت، ولی در اوصافش اختلاف دارند.^۱ آنچه از نظر گذشت - گرچه همهٔ آنها با حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام کاملاً تطبیق نمی‌کند و حتی برخی از آنها اصلاً یا مهدی اسلام وفق نمی‌دهد، از یک حقیقت مسلم حکایت می‌کند و آن این که این افکار و عقاید و آرا که همهٔ آنها یا مضمون‌های مختلف، از آینده‌ای درخشان و آمدن مصلحی جهانی در آخرالزمان خبر می‌دهند، نشانگر این واقعیت است که همهٔ آنها در واقع از منبع پرفیض وحی سرچشمه گرفته است، ولیکن در برخی از مناطق دوردست که شعاع حقیقت در آنجا کمتر تابیده است در طول تاریخ به تدریج از فروغ آن کاسته شده.

۱. او خواهد آمد، ص ۸۷ (به نقل از: ظهور حضرت مهدی عَجَلًا. تعالی فرجه الشریف از دیدگاه اسلام، مذاهب و ملل جهان، سید اسدالله هاشمی شهیدی)

و فقط کلیاتی از نویدهای مهدی موعود و «مصلح جهانی» در میان ملت‌ها به جای مانده است.

البته سالم ماندن این نویدها در طول قرون متمادی، خود بر اهمیت موضوع می‌افزاید، و مسئله «مهدویت» و ظهور مصلح جهانی را قطعی‌تر می‌کند. بنابراین عقیده به ظهور مبارک حضرت مهدی علیه السلام در آخرالزمان یک عقیده عمومی است و اگر کلمه «مهدی» و واژه‌های دیگر را که پیروان سایر ادیان و مذاهب مختلف جهان بر آن حضرت اطلاق می‌کنند از قالب اختصاصی آنها درآوریم، و آن حضرت را نجات‌بخش بزرگ آسمانی و یا رهایی‌بخش غیبی بنامیم، اختلاف اسمی هم رفع می‌شود.

— اسامی مهدی موعود در کتب مذهبی: اینک قسمتی از اسامی مبارک

حضرت مهدی علیه السلام را با الفاظ مختلفی در بسیاری از کتب مذهب اهل ادیان و ملل مختلف جهان آمده است، از نظر می‌گذرانیم: «صاحب» در صحف ابراهیم علیه السلام «قائم» در ژبور سیزدهم، «قیدم» در تورات به لغت ترکوم، «ماشیح» (مهدی بزرگ) تورات عبرانی، «مهمید آخر» در انجیل، «سروش ایزد» در زمرم زرتشت، «بهرام» در ابستاق زند و پازند، «بسنده یزدان» هم در زند و پازند، «لندبطاوا» در هزارنامه هندیان، «شماخیل» در ارماتس، «خوراند» در جاویدان، «خجسته» (احمد) در کندرال فرنگیان، «خسرو» در کتاب مجوس، «میزان الحق» در کتاب اثری پیغمبر، «پرویز» در کتاب برزین آذربایسیان، «فردوس اکبر» در کتاب قبروس رومیان، «کلمه الحق» و در صحیفه آسمانی، «لسان صدق»، «صمصام الاکبر» در کتاب کندرال، «بقیه الله» در کتاب دوهس، «قاطع» در کتاب قنطره، «منصور» در کتاب دید براهمه، «ایستاده» (قائم) در کتاب شناکمونی، «ویشنور» در کتاب زیگودا، «فرخنده» (محمد) در کتاب

و شن چوک، «راهنما» (هادی و مهدی) در کتاب پاتیکل، «پسر انسان» در عهد جدید (اناجیل و ملحقات آن)، «سوشیانس» در کتاب زئسده و همومومن یسن، از کتب زرتشتیان، در کتاب شابوهرگان کتاب مقدس «مانویه» ترجمه «مولر» نام «خرد شهر ایزد» آمده که باید در آخر الزمان ظهور کند و عدالت را در جهان آشکار سازد، «فیروز» (منصور) در کتاب شعیای پیامبر^۱ علاوه بر اینها اسامی دیگر نیز برای حضرت مهدی علیه السلام در کتب مقدسه اهل ادیان ذکر شده است که ما به جهت اختصار از نقل آنها خودداری نمودیم.

اسامی مقدسی چون: صاحب، قائم، قاطع، منصور، و بقیة الله که در کتب مذهبی ملل مختلف آمده است، از القاب خاص وجود مقدس حضرت حجت بن الحسن العسکری عجل الله تعالی فرجه الشریف است که در بیشتر روایات اسلامی، به آنها تصریح شده و ائمه معصومین علیهم السلام در اکثر روایات، از آن حضرت به عنوان «صاحب»، «قائم» و «بقیة الله» یاد کرده‌اند و این خود بیانگر این واقعیت است که موعود همه امت‌ها و ملت‌ها، همان وجود مقدس منتظر غایب، حضرت حجت بن الحسن العسکری علیه السلام است.

و ... گرگ با بره سکونت خواهد داشت و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید و گوساله و شیر پرواری با هم و طفل کوچک آنها را خواهد راند، و گاو یا خرس خواهد چرید و بچه‌های آنها با هم خواهند خوابید، و شیر مثل گاو گاه خواهد خورد و طفل شیرخواره بر سوراخ مار بازی خواهد کرد، و طفل از شیر بازداشته شده، دست خود را بر خانه افعی خواهد گذاشت، و در تمامی کوه مقدس من ضرر و فساد نخواهد کرد زیرا که جهان از معرفت خداوند پر خواهد بود مثل

۱. هاشمی شهیدی، سید اسدالله، ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از دیدگاه اسلام، مذاهب و ملل جهان، صص ۴۶ و ۴۷.

آب‌هایی که دریا را می‌پوشاند.^۱

مهدویت در دین یهود

یهود یکی از اقوام دارای دین بزرگ توحیدی جهان بوده است. کتاب مقدس یهودیان تورات و هر بخش آن به نام «سفر» و هر سفر به چند باب و آیاتی تقسیم شده است، و تفسیری که علمای یهود بر آن نوشته‌اند تلمود نام دارد. پیامبر قوم یهود - یا بنی اسرائیل - حضرت موسی علیه السلام می‌باشد. حضرت موسی در ۱۲۰۰ سال پیش از میلاد قیام نمود.

اسم خاص خداوند در این دین «یهوه» می‌باشد. حضرت موسی علیه السلام در قرآن چهره بسیار روشنی دارد و چندین بار داستان او - تولد، کودکی، پرورش در نزد فرعون، قیام و رهبری و مشکلات - یادآوری شده است، نام آن حضرت در قرآن ۱۳۶ بار آمده است.^۲

در قرآن کریم سوره‌ای به نام بنی اسرائیل آمده و در آن از فراز و تشیب‌ها و از فسادها و گرفتاری‌های بنی اسرائیل و سرکوتی آنان به وسیله ابر قدرت‌ها به طور کلی یاد شده است که تطبیق آن به موارد روشن دچار مشکل تاریخی می‌باشد.^۳ قوم یهود بعد از تفرقه بین خویش، زمینه سلطه رومیان بر خود را فراهم می‌کنند و این ملت مغلوب و شکست خورده را به امید پیدایش نجات‌دهنده غیبی انواع شداید و مظالم قوم غالب را تحمل می‌کردند، و اعتقاد جازم داشتند که خداوند قوم برگزیده خود را چنین خوار و زار نخواهد گذاشت.

۱. تورات، کتاب اشعیای نبی، باب ۱۱، پندهای ۱۰ - ۱، ص ۱۵۴۸.

۲. عبدالباقی، محمد فؤاد، المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الکریم، صص ۶۸۲ - ۶۸۰.

۳. سوره اسراء (۱۷) آیه ۸ - ۲.

صحیفهٔ «دانیال نبی» که مشتمل است بر یاد ایام گذشته و تاریخ باستانی و از دورهٔ اسارت بابلی سخن می‌گوید، بشارت می‌دهد که آن دنیای پر از آفت و شر، به پایان خواهد رسید. درونمایی از این جهان نوین و ظهور مسیحا چنان که در آثار «دانیال نبی» مسطور است، عبارت از بیان این معنا است که در آخرالزمان حق تعالی جهان را دگرگون خواهد فرمود و صالحان و ابرار از ظالمان و اشرار جدا خواهند شد و این روزگار پر از ظلم و جور به پایان خواهد رسید.

بدین ترتیب اندیشهٔ سادهٔ مسیحا از جنگاوری که این قوم را در برابر دشمنان بیگانه حفظ خواهد کرد، تحول یافت و به انتظار قیام پادشاهای بزرگ و شکوهمند از خاندان داوود مبدل گشت. به فرمان الهی و با دمیده شدن روح خدا در او حکومت شایسته‌ای را بر تپهٔ «صهیون» برپا خواهد کرد. آن سرزمین در همهٔ جهان نمونه خواهد گردید و ملت‌ها برای آموختن راههای الهی به آنجا رهسپار خواهند شد.

شور و التهاب انتظار موعود آخرالزمان، در تاریخ پرفراز و نشیب یهودیت موج می‌زند. یهودیان در سراسر تاریخ محنت‌بار خود، هرگونه خواری و شکنجه را به این امید بر خود هموار کرده‌اند که روزی مسیحا بیاید و آنان را از گرداب ذلت، درد و رنج رها کند، فرمانروای جهان گرداند.

هم‌اکنون صهیونیست‌های اشغالگر فلسطین، علاوه بر دعاهای مسیحیایی مرسوم، در پایان مراسم سالگرد بنیانگذاری رژیم غاصب (پنجم ماه ایار عبری) پس از دمیدن در شیپور عبادت، اینگونه دعا می‌کنند:

«ارادهٔ خداوند، خدای ما چنین باد که به لطف او شاهد سیده‌دم آزادی باشیم و نفع صور مسیحا، گوش ما را نوازش دهد.»^۱

۱. کریستون، جولوس، انتظار مسیحا در آیین یهود، ترجمهٔ حسین توفیقی، مرکز مطالعات و

در سراسر تاریخ بنی اسرائیل، کسانی به عنوان موعود یهود برخاستند و با گرد آوردن برخی افراد ساده لوح، بر مشکلات آنان افزودند. اما در این میان حضرت عیسی بن مریم ظهور کرد و با داشتن شخصیتی بس والا و روحی الهی، دین بسیار بزرگی را بنیاد نهاد و گروه بی شماری را به ملکوت آسمان رهنمون شد.

نشانه‌های ظهور نزد یهود: یهود در کتاب‌های خودش علائم و نشانه‌هایی را برای مصلحی که در انتظارش هستند، ذکر کرده‌اند که در این جا به چند نمونه آن اشاره می‌کنیم:

۱. همه سبط‌های ده گانه اجتماع کنند و در مقابل حکومت واحد از بیت داوود، خاضع می‌باشند.
۲. یا جوج و ماجوج شکست می‌خورند.
۳. کوه زیتون شکاف برمی‌دارد.
۴. وادی مصر خشک می‌شود.
۵. آب‌های گوارا در اورشلیم و از بیت المقدس بیرون می‌آید.
۶. ده نفر مرد از قومیت‌های مختلف دنیا به لباس یک یهودی می‌چسبند و از او التماس می‌کنند که با او باشند زیرا ایشان شنیده‌اند که خدا یا یهود است.
۷. شرورهای زمین تابود شوند.

اینان نظرشان این است که مسیح علیه السلام نمی‌آید، مگر بعد از آنکه افرادی که بر دین بنی اسرائیل خروج کرده‌اند، از بین رفته باشند. به همین جهت بر هر یهودی واجب است تا حد امکان کوشش کند که با سایر امت‌ها اشتراک نداشته باشد تا تمام قدرت و حکومت فقط در اختیار یهود بماند. و قیل از آن که یهود به طور

نهایی بر بقیه امت‌ها حاکم شود باید جنگ به پا شود و ثلث دنیا نابود گردد و یهود هفت سال پی در پی بماند و سلاح‌هایی را که بعد از پیروزی به دست آورده‌اند، بسوزانند. در چنین روزی است که یهود به بالاترین مرحله ثروت و سرمایه‌داری رسیده و همه اموال دنیا را مالک شده است و به زودی گنج‌های اینان، خانه‌های بزرگی را پر می‌کند که برای حمل کلیدهای این خانه‌ها سیصد الاغ لازم است و این زمانی است که مردم دسته دسته به یهود داخل می‌شوند و همگان از آن استقبال می‌کنند. غیر از مسیحی‌ها که هلاک می‌شوند زیرا آنان نسل شیطانند.^۱

در تعالیم تلمود راجع به نشانه‌های ظهور مصلح یهود چنین آمده است:

بر هر یهودی واجب است که کوشش کند تا حکومت دنیا را به دست بگیرد و بقیه امم، با کمال خواری و ذلت قرار بگیرد و قبل از سلطه نهایی، باید جنگی به پا شود و دو ثلث عالم از بین برود و یهود هفت سال باقی می‌ماند و سلاح‌هایی را که به دست آورده‌اند، می‌سوزاند و در این هنگام دندان‌های دشمنان بنی اسرائیل به اندازه ۲۲ ذراع شده و از دهن‌ها بیرون آمده است!

زندگی یهود در این دوره، در جنگ با سایر امم است و به زودی مسیح حقیقی می‌آید و شخص منتظر به پیروزی می‌رسد و امت یهود، به اوج سرمایه‌داری و ثروت می‌رسد چون که مالک تمام املاک دنیا می‌شود به طوری که برای حمل کلیدهای گنج‌های آنان، حداقل

۱. البرهان، ص ۲۸ و قصه الدیانات، ص ۳۷۶، به نقل از قریشی، باقر شریف، زندگانی خاتم اوصیاء امام مهدی عجل. تعالی فرجه الشریف، ترجمه ابوالفضل اسلامی، نشر فقاقت، ۱۳۷۶، صص ۲۴۲ - ۲۴۱.

سیصد الاغ لازم است.^۱

با توجه به مطالب یادشده، روشن می‌شود که اصل ظهور منجی جهان در نزد پیروان دین یهود، ثابت و مسلم است. در عین حال بغض و کینه آنان نسبت به همه ادیان و خصوصاً مسیحیت قابل انکار نیست. از آرزوهای یهود آن است که از طریق ظهور موعود منتظر، بر همه بشریت مسلط شوند و همه ملل و اقوام دنیا تسلیم یهود و تحت استعمار آنان باشند. توجه به این نکته ضروری است که مسئله منجی جهانی صبغه یهودیت یا نژاد یهودی ندارد.

- جنگ‌های مذهبی و نشانه‌های ظهور: در آغاز قرن هفدهم، نشانه‌های

بیشتری برای نزدیک بودن قطعی عصر مسیحایی مشاهده شد. چندین جنگ مصیبت‌بار و شرم‌آور، میان کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها در اروپا در گرفت که به نظر می‌رسید آنها دوران مصیبت‌بار قبل از عصر مسیحا را محقق می‌کنند و جنگ‌های سی ساله، (۱۶۴۸ - ۱۶۱۸) اوج آنها بود. در آغاز جنگی میان شهریاران کاتولیک و پروتستان آلمان رخ داد و به تدریج تمام قدرت‌های اروپا را درگیر کرد و سرانجام آشوب و درهم ریختگی در همه ممالک بالا گرفت.

گرچه در این دوران خونین، یهودیان آزار ویژه‌ای ندیدند و شاید برخی از مسیحیان به آنان توجه بیشتری کردند ولی بسیاری از جوامع یهودی ویران شدند و بر اثر آشفتگی عمومی حاکم بر اروپا برخی از زیان‌های مادی برای آنان به بار آمد.

در تاریخ یهود، همیشه وجود آشوب‌ها و جنگ‌های بزرگ، اندیشه انتظار موعود را تقویت نکرده است، بلکه در مواردی که بنا بر یهودیان خوش رفتاری شده و پست‌های مهم را اشغال کرده‌اند این آرمان تقویت شده است. جولینوس

۱. اسرائیل و تلمود، ص ۶۰، به نقل از: قریشی، باقر شریف، همان، ص ۲۴۳.

گریختن در این باره می‌گوید:

یک امر شگفت‌آور این که همین آزادی و خوش‌رفتاری یا یهودیان در بسیاری از کشورها و نیل آنان به مقام‌های بلندی در شوراها و شهر و امور مالی و اقتصادی جهان را از دیدگاه طبقه دیگری از یهودیان، نشانه نزدیک شدن عصر مسیحیان (عصر ظهور) تلقی شد. یهودیان ستم‌دیده اروپای شرقی، طبعاً برای رهایی سریع اشتیاق داشتند و دعا می‌کردند. پیر و جوان، افسانه‌های مسیحا و شگفتی و شکوه آمدنش را می‌گفتند. به دست آوردن حق شهروندی و امتیازات سیاسی در نظر آنان به اندازه بازگشت کامل دولت قدیم تحت رهبری مسیحا آرمایی که «مسیح شده» خداست، اهمیت نداشت.

رنج‌های تبعید، عرصه را بر ایشان تنگ کرده بود و برای رهایی خود از آن وضعیت نکبت‌بار، جز از طریق حوادث فوق طبیعی، چشم‌اندازی نداشتند. هنگامی که اخبار درخشیدن بزرگان و سیاستمداران یهود به این جوامع رسید (و غالباً به شکل مبالغه‌آمیزی نقل می‌شد که قدرت‌های حاکم در اروپا به برادران ایشان علاقه نشان دهند)، مفاهیم بی‌روح یک مسیحا و یک عصر مسیحایی، شکل دقیق‌تری بر خود می‌گرفت. اندیشه رهایی از تنگنای موجود به وسیله جریان طبیعی به طور ناخودآگاه با امید مبهم دوران مسیحایی در هم آمیخت.

آزادی یهودیان در کشورهای اروپای غربی، مقدار معینی از خودآگاهی و غرور ملی را در دل‌های یهودیان مشرق برانگیخت و معماران بعد، پایه‌های جنبش ملی بزرگ یهودیان یعنی صهیونیسم

را بر آن بنا کردند.^۱

از نظر این نویسنده، عدهٔ خیلی از یهودیان بر این عقیده بودند که با تشکیل رژیم اسرائیل در سرزمین‌های مقدس، زمینه‌ساز ظهور مسیح خواهند بود. از اینرو، احساسات یهودیان را برای سرزمین مقدس برانگیختند و شروتمندان را برای ایجاد آبادی‌های یهودی‌نشین تشویق کردند.

در مقابل عدهٔ کثیری از یهودیان، عقیدهٔ یاد شده را زرد می‌گرداند و عقیده داشتند که نجات، تنها از طریق دخالت مستقیم خدا به دست می‌آید. سرعت بخشیدن به دوران رهایی از طریق ایجاد مهاجرنشین‌های یهودی در فلسطین، نقض آشکار شریعت به شمار می‌رود.^۲

در این میان، نباید از نقش استعمارگران در مسئله فلسطین غفلت ورزید. آمریکا، انگلیس و سایر کشورهای اروپایی، در تأسیس این عدهٔ سرطانی در قلب کشورهای اسلامی تلاش گسترده‌ای داشتند. اکنون نیز این حمایت‌ها، در ابعاد سیاسی و اقتصادی، و تبلیغاتی ادامه دارد، برای مثال، آمریکا سالانه حدود چهار میلیارد دلار به صورت کمک بلا عوض در اختیار این رژیم قرار می‌دهد.

یهود و انتظار مسیح: از برخی تعالیم درون یهود روشن می‌شود که شخص منجی و موعود منتظر، کسی جز حضرت عیسی مسیح علیه السلام نیست و در واقع، این عقیده یکی از اشتراکات این دین با مسیحیت می‌باشد.

توماس میشل در این باره می‌گوید:

تعالیم انبیا در برافروختن آتش شوق قیام مسیح در دل‌های قوم عهد عتیق (یهودیان) تأثیر بسزایی داشت. خدا قوم خود را در حالت تکبر و ذلت باقی نخواهد گذاشت بلکه خود او کسی را مسلح کرده، برای

نجات مردم خواهد فرستاد (عنوان «مسیح» از اینجا می‌آید). از کتاب‌های نبوت معلوم می‌شود که آرزوی آمدن مسیح بر گرد سه محور اساسی می‌چرخد که البته این محورهای سه‌گانه به گونه‌ای مشخص از یکدیگر جدا نشده‌اند.

محور اول: ۱. مسیح پسر داوود: برخی از انبیا مانند حزقیال و ملاکی، اعلام داشتند که خدا به زودی یک مسیح را از نسل داوود برای بازگرداندن شکوه بنی اسرائیل خواهد فرستاد. انتظار می‌رود که مسیح یاد شده، قوم خود را از دست حاکمان مشرک رهایی بخشد و قدرت شریعت خدا را برای گروه کوچکی که در زمان تنگی، وفادار و مطیع فرمان خدا باقی خواهد ماند، بسط و اعتلا ارزانی کند. در این سلطنت (یا ملکوت) جدید، عدالت و نیکی به مستمندان و پرستش درست و خالصانه خدا حکم فرما خواهد بود. خدا نیز از طریق مسیح خویش بر قوم خود حکومت خواهد کرد.

برخی از انبیا مؤده دادند که این سلطنت تنها برای یهود نیست. بلکه همه ملت‌های جهان از آن برخوردار خواهند شد.

محور دوم: ۲. بنده خدا: اشعیا نبی از «بنده خدا» که خواهد آمد، سخن گفته است. وی به دور از هر قدرت نظامی و اقتصادی و هر شکوه ظاهری و نفوذ کلمه خواهد آمد. همچنین او از روی ایمان و تسلیم به اراده خدا، مخالف هرگونه شدت عمل، دارای صبر و بردباری برای تحمل دردها و ستم‌ها خواهد بود و بنا تحمل بار

گناهان قوم همچون وسیله‌ای برای نجات عمل خواهد کرد.

محور سوم: ۳. پسر انسان: این شخصیت پیچیده، در کتاب دانیال آمده است. آن کتاب به شیوه ادبی مکاشفات، نوشته شده و فهم شیوه مذکور بسیار دشوار است زیرا اشکال و رموز پیچیده و ناآشنایی در آن وجود دارد. ادبیات مکاشفه به دوره‌ای از تاریخ یهود تعلق دارد که این قوم، زیر ستم بود و به همین دلیل آمال و آرزوهای خود را در قالب اشارات و رموز بیان می‌کرد.

نوشته‌های مکاشفه از «روز خداوند» سخن می‌گویند و اینکه خدا برای اصلاح مفاسد و اشرار و رهایی بخشیدن به کسانی که بر ایمان خود استوار مانده‌اند در جهان وارد عمل می‌شود. به گفته ادبیات مکاشفه، به نشانه فرارسیدن روز خداوند «پسر انسان» از آسمان فرو خواهد آمد و ملکوت الهی را برپا خواهد ساخت.^۱

بحران قبل از ظهور: از نظر یهود، دوران پیش از ظهور همراه با ستم به قوم بنی اسرائیل خواهد بود. امت‌ها در ستم کردن به بنی اسرائیل بر یکدیگر سبقت خواهند گرفت و هر گرفتاری تازه، چنان شدید خواهد بود که گرفتاری‌های قبلی را از یادها خواهد برد.

گفته‌های یهود در این باره قدری خرافه‌گونه است و بعضی از مطالب بیان شده، با افسانه‌های کتب قدیمی شباهت بیشتری دارد، هرچند مطالب مربوط به

۱. میشل، توماس، کلام مسیحی، ترجمه حسین توفیقی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب قم، ۱۳۷۷، صص ۳۸-۳۷ و نیز در مورد پسر انسان مراجعه کنید به: محمد طی، المهدی المنتظرین بین الدین و الفکر بشری، الغدیر، بیروت، ۱۹۹۹، ص ۶۱.

دوران پیش از ظهور، از کتاب مقدس یعنی تورات اخذ شده است. جولینوس گریگورینوس می گوید:

پیش از آمدن مسیحا، یک ستون آتش در جهان ظاهر خواهد شد و چهل روز در برابر چشمان اقوام روی زمین، برپا خواهد بود. آنگاه مسیحی‌های پادشاه برای حرکت از مکانی در فردوس به نام «لانه گنجشک» فرمان خواهد یافت. او نخست در ایالت «جلیل» ظاهر خواهد شد زیرا جلیل نخستین ناحیه‌ای بود که به دست رومیان ویران گردید. یک ستاره تابان در آسمان ظاهر خواهد شد و هفت ستاره دیگر، آنرا محاصره خواهند کرد. آنها به مدت هفتاد روز، روزی سه بار با آن ستاره تابان خواهند جنگید و هر شب بلعیده و هر صبح بیرون افکنده خواهند شد. پس از هفتاد روز آن ستاره از میان خواهد رفت، مسیحا در ستون آتش مذکور پنهان خواهد شد و به دروازه ماه، نامرئی خواهد بود. سپس وی را به آسمان برده، تاج پادشاهی بر سر او خواهند گذاشت و تمام قدرت و شوکت یک پادشاه را به او عطا خواهند کرد. آنگاه وی به زمین فرود خواهد آمد و ستون آتش دوباره مرئی خواهد شد. مسیحا در سراسر عالم معروف خواهد گردید و ملت‌ها، همراه با بسیاری از یهودیان بی‌ایمان، با او به جنگ برخوانند خواست. سپس جهان به مدت پانزده روز تاریک خواهد شد و جمعی از مردم در آن دوره خواهند مرد.

در سال ۷۳ از ششمین هزاره آفرینش جهان (۱۳۱۳ میلادی)، تمام اقوام در روم گرد خواهند آمد و خدا بر آنان باران آتش، تگرگ و سنگ فروخواهد ریخت و ایشان به استثنای پادشاهانی که به رم نیامده‌اند، هلاک خواهند شد. این پادشاهان نیز خواهند خواست با مسیحا جنگ

کنند و (فرزندان) اسماعیل در محاصره کردن اورشلیم به آنان خواهند پیوست. اما «او که بر آسمان تشرسته است، می خندد.» بسیاری در پرسش خدا با یهودیان همراه خواهند شد و بدین گونه، خلقت تازه‌ای خواهند یافت زیرا خدا ارواح تازه‌ای برای بازماندگان ایجاد خواهند کرد و آنان را برای ورود به هزارهٔ هفتم آماده خواهند ساخت»^۱

– کیفیت ظهور مصلح: همان‌طور که گذشت، یکی از اعتقادات یهود، ظهور مصلح در آخرالزمان است. اوست که اخلاق فاسد مردم را تطهیر کرده و اصلاح می‌نماید. یهود منتظرند که قائمی از اولاد داوود پیغمبر علیه‌السلام ظهور کند، به طوری که اگر لب‌هایش به دعا حرکت کند، تمام امت‌ها تابود شوند و این موعود منتظر، به گمان یهود، همان مسیح است که وعدهٔ او به یهود داده شده است.^۲

همچنین در باب کیفیت ظهور مصلح یهود در تعالیم این دین از قول یکی از پیامبران‌شان به نام اشعیا چنین آمده است:

به زودی کسی از اصل و نسب داوود خروج، و روح رب بر او حلول می‌کند و روح حکمت و فهم و قدرت و معرف خوف رب بر او حاکم می‌باشد. او به نفع بیچارگان، حکم به عدل می‌کند و بر آنان انصاف می‌نماید و منافق را نابود می‌کند و امنیت و آرامش برقرار خواهد کرد به طوری که همه به راحتی و در کنار هم زندگی می‌کنند.^۳

– فراوانی نعمت بعد از ظهور مصلح: یهود معتقدند که بعد از ظهور مصلح، نعمت‌های گسترده، همه جای زمین را می‌گیرد و حیات و زندگی مردم قرن‌ها

۱. کریستون، جولوس همان، صص ۱۱۳ - ۱۱۲، مزامیر، ۴ - ۲.

۲. قریشی، باقر شریف، همان، ص ۱۳۳. ۳. همان، ص ۱۲۲.

طول می کشید به طوری که قد یک مرد به مقدار دویست ذراع می شود. نیز معتقدند زمین اسرائیل به زودی نان و قماش می رویاند و بوته گندم مانند درخت خرما در لبنان بلند می شود و به زودی هوارا می وزاند تا آن را آرد خوب و نرم قرار دهد.

و نیز زمین اسرائیل «فطیر» می دهد و هر دانه ای هزار دانه بار می آورد و شراب فراوان می شود و بوته انگور حاصل زیاد می آورد و ساختمان اورشلیم به اندازه سه میل ارتفاع پیدا می کند و درب های آن از لؤلؤ - از سنگهای اصیل - است که هر ضلع آنها سی ذراع می باشد. فقر از بین می رود و مردم تندرست می شوند و به فضیلت گرایش پیدا می کنند و عدالت و صداقت و صلح، حاکم می گردد و این زمان است که یهود بر تمام دنیا مسلط می شود و همه امت ها برای آن مسیح تسلیم می شوند و هر فرد یهودی ۲۸۰۰ نوکر دارد که او را خدمت کنند^۱

- نگاهی به تورات: در ارتباط با جهان آینده به برخی از آیات تورات استناد شده است. از مجموع این عبارات این نکته استفاده می شود که از نظر یهود، جنگ ها و سختی های فراوانی فرا روی بشر است. عده ای رستگار و عده بیشتری بدبخت و نابود می گردند. اگرچه مشکلات و دشواری های فراوانی برای قوم یهود و پیروان حقیقی این آیین وجود دارد اما در نهایت، رستگاری و نجات در انحصار یهودیان خواهد بود. در تورات می خوانیم:

و در آن زمان میکائیل، امیر عظیمی که برای پسران تو ایستاده است، خواهد برخاست و چنان زمان تنگی خواهد شد که از حینی که امتی به وجود آمده است تا امروز نبوده و در آن زمان هر یک از قوم تو که در

۱. همان، ص ۲۴۴، البرهان، ج ۱، ص ۳ و ۱۲۹، التلمود، تاریخ و تعالیمه، صص ۶۱ - ۶۰. قصه الدیانات، ص ۳۷۶، مسیح فی القرآن و التوراه و الانجیل، ص ۵۲۶.

دفتر مکتوب یافت شود، رستگار خواهد شد و بسیاری از آنانی که در خاک زمین خوابیده‌اند بیدار خواهند شد، اما اینان به جهت خجالت و حقارت جاوداتی.^۱

و در جای دیگر از تورات می‌خوانیم:

ای امتی که حیا ندارید! فراهم آید و جمع شوید، قبل از آن که حکم نتایج بیاورید و آن روز مثل کاه بگذرد، قبل از آنکه حدت خشم خداوند بر شما وارد آید، قبل از آن که روز خشم خداوند بر شما برسد، ای جمع حلیمان زمین که احکام او را به جا می‌آورید! عدالت را بطلبید و تواضع را بجویید، شاید که در روز خشم خداوند مستور شوید زیرا که غزّه متروک می‌شود و اَشْقَلُونَ ویران می‌گردد و اهل اشدود را در وقت ظهر اخراج می‌نمایند و عَقْرُونَ از ریشه کنده می‌شود، وای بر امت کریتیان که بر ساحل دریا ساکنند و ای کنعان، ای زمین فلسطینیان! کلام خداوند به ضد شماست و من تو را چنان هلاک می‌کنم که کسی در تو ساکن نخواهد بود و ساحل دریا برای بقیهٔ خاندان یهود خواهد بود تا در آن بچرخند.^۲

در دنیای آینده و در زمان موعود منتظر، نعمت‌های فراوانی روی زمین به وجود خواهد آمد، چیزی که قبلاً سابقه نداشته است. البته همان طور که قبلاً بیان گردید از نظر یهود این نعمت‌ها فقط برای پیروان یهود خواهد بود. و بار دیگر آفتاب در روز، نور تو نخواهد بود و ماه با درخشندگی برای تو نخواهد تابید زیرا که یهوه نور جاودانی تو و خدایت زیبایی تو

۱. تورات، کتاب دانیال نبی، باب ۱۲ ش ۳ - ۱.

۲. همان، کتاب صنیفای نبی، باب ۴، ش ۷ - ۱.

خواهد بود.^۱

و واقع خواهد شد که هر ذی حیات جنبنده‌ای در هر جایی که آن نهر

داخل شود، زنده خواهد گشت (شفا خواهد یافت).^۲

در آن زمان درختان و ادا را می‌شوند تا هر ماه میوه آورند و انسان از آن میوه‌ها

می‌خورد و شفا می‌یابد:

و برکنار نهر به این طرف و آن طرف، هر قسم درخت خوراکی خواهد

روید که برگ‌های آن پژمرده نشود و میوه‌های آنها لاینقطع خواهد بود

و هر ماه میوه تازه خواهد آورد زیرا که آتش از مقدس جاری می‌شود و

میوه آنها برای خوراک و برگ‌های آنها به جهت علاج خواهد بود.^۳

همچنین در آن زمان صلح جاویدان در سراسر طبیعت حکم فرما خواهد شد.

گرگ یا بره بیکونت خواهد داشت و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید و

گوساله و شیر و گاو پروار با هم (خواهند زیست) و طفل کوچک آنها را

خواهد راند و گاو بر خرس خواهد چرید و بچه‌های آنها با هم خواهند

خوابید و شیر مثل گاو، گاه خواهد خورد و طفل شیرخوار بر سوراخ

مار یازی خواهد کرد و کودک از شیر بازداشته شده، دست خود را بر

لانه افعی خواهد گذاشت.^۳

از نظر تورات دورانی که از صلح پایدار و بی‌زوال و شادمانی و خرسندی

پدید خواهد آمد. در جهان کنونی انسان بنایی را می‌سازد و دیگری آن را فرسوده

می‌کند کسی نهال را می‌نشاند و دیگری میوه آن را می‌خورد، اما در مورد جهان

۱. همان، کتاب اشعیا، نبی، باب ۶۰، ش ۱۹.

۲. همان، کتاب حزقیال، باب ۴۷، ش ۹.

۳. همان، کتاب حزقیال نبی، باب ۴۷، ش ۱۱ - ۱۲.

۴. همان، کتاب اشعیا، نبی، باب ۱۱، ش ۸ - ۶.

آینده چنین می خوانیم:

آنها بنا نخواهند کرد تا دیگری در آن ساکن شود و (درخت) غرس نخواهد کرد تا دیگری (میوه آن را) بخورد... زحمت بیهوده نخواهد کشید و اولاد به جهت وحشت و اضطراب به دنیا نخواهند آورد.^۱

مهدویت در دین مسیحیت

حضرت عیسی با تولدی معجزه آسا - بدون پدر - از مادر یا کوره خویش حضرت مریم سلام الله علیها پا به جهان گذارد.^۲ محل تولد وی «بیت اللحم» است، و در منطقه جلیل از شهر «ناصریه» پرورش یافت. با آن که مسیحیت مثل سایر ادیان زنده جهان از آسیا نشأت گرفت، اما از جهت گسترش تاریخی و دایره نفوذ، این دین به طور عمده، در مغرب زمین شیوع یافت.

نام کتاب مقدس مسیحیان «انجیل» می باشد که توسط چهار نفر جمع آوری شده و به نام نویسندگان آن مشهور گشته است. انجیل کنونی مشتمل بر چهار انجیل^۳ می باشد که عبارتند از: انجیل متی، انجیل مرقس، انجیل لوقا، انجیل یوحنا.

از دیدگاه مسیحیان، حضرت مسیح علیه السلام به صلیب کشیده شده و به شهادت می رسد اما قرآن کریم چنین امری را نمی پذیرد و بنا بیان «او به نزد خداوند غروج

۱. همان، اشعیاى نبی، باب ۲۲، ش ۲۳؛ راب، آ، کهن، گنجینه‌ای از تلمود، ترجمه امیر فریدون گرگانی، زیبا، ۱۳۵۰، صص ۳۷۰-۳۵۸.

۲. قرآن کریم به این تولد شگفت‌انگیز پرداخته، و دامان مادر عیسی علیه السلام را از هر گناه پاک می‌داند، سوره مریم، آیه ۳۴-۱۶.

۳. ترجمه انجیل اربعه، میر محمد باقر خاتون آبادی، انتشارات نقطه.

نمود^۱ از خاتمه ماجرای حضرت مسیح علیه السلام بر روی زمین یاد می‌کند، و همان طور که نجات دهنده پایانی بر مبنای معتقدات یهودیان، مسیح (ماشیح) است که جهان را درخشان و با شکوه می‌سازد، به اعتقاد مسیحیان نیز مسیح علیه السلام نجات‌بخش است.

البته برای زمان ظهور حضرت مسیح علیه السلام تاریخ مشخصی در بشارت انجیل نمی‌یابیم و از این جهت شباهت دقیقی با اعتقاد اسلامی دربارهٔ زمان ظهور وجود دارد، در انجیل می‌خوانیم:

اما آن روز و آن ساعت را نمی‌دانند کسی از پسر و فرشتگان آسمان، مگر پدر.^۲

کتاب مذهبی مسیحیان: بر اساس بشارت فزاونی که در کتاب انجیل آمده است، حضرت مسیح علیه السلام پسه دنیهال قیام حضرت قائم عجل‌الله تعالی فرجه الشریف در «فلسطین» آشکار خواهد شد و به یاری آن حضرت خواهد شتافت، و پشت سر حضرتش نماز خواهد گزارد، تا یهودیان و مسیحیان و پیروان وی تکلیف خویش را بدانند و به اسلام بگردند و حامی حضرت مهدی علیه السلام گردند. از این رو در آخرین روزهای زندگی - و شاید در طول دوران حیات - به یاران و شاگردان خود توصیه‌ها و سفارش‌های اکییدی دربارهٔ بازگشت خود به زمین نموده و آنان را در انتظار گذارده و امر به بیداری و هوشیاری و آمادگی فرموده است که ما به جهت اثبات این مدعا و بیداری مسلمانان، آنها را در اینجا می‌آوریم.

اینک متن برخی از آن بشارت‌ها که در انجیل آمده است:

- انجیل متی پس عیسی از هیکل بیرون شده برفت، و شاگردانش پیش آمدند تا

عمارت‌های هیکل را بدو نشان دهند، عیسی ایشان را گفت:

آیا همه این چیزها را نمی‌بینند؟ هر آینه به شما می‌گویم: در اینجا سنگی
بر سنگی گذارده نخواهد شد که به زیر افکنده نشود.

و چون به کوه زیتون نشسته بود شاگردانش در خلوت نزد وی آمده گفتند: به ما
بگو که این آموزگاری واقع می‌شود؟ و نشان آمدن تو و انقضای عالم چیست؟
عیسی در جواب ایشان گفت:

ز نهار کسی شما را گمراه نکند. از آن رو که بسا به نام من آمده خواهند
گفت که من مسیح هستم و بسیاری را گمراه خواهند کرد. و جنگها و
اخبار جنگها را خواهید شنید، ز نهار مضطرب مشوید زیرا که وقوع این
همه لازم است لیکن انتها هنوز نیست زیرا قومی با قومی و مملکتی با
مملکتی مقاومت خواهند نمود و قحطی‌ها و وباها و زلزله‌ها در جای‌ها
پدید آید.... آنگاه اگر کسی به شما گوید: اینک مسیح در اینجا یا در آنجا
است باور مکنید؛ زیرا که مسیحان کاذب و انبیای کذبه ظاهر شده
علامات و معجزات عظیمه چنان خواهد نمود که اگر ممکن بودی
برگزیدگان را نیز گمراه کردند. اینک شما را پیش خبر دادم.

پس اگر شما را گویند: اینک در صحرا است بیرون مروید، یا آن که در
خلوت است باور مکنید زیرا همچنان که برق از مشرق ساطع شده تا به
مغرب ظاهر می‌شود، ظهور پسر انسان نیز چنین خواهد شد....

و فوراً بعد از مصیبت آن ایام، آفتاب تاریک گردد و ماه نور خود را
ندهد و ستارگان از آسمان فرو ریزند و قوت‌های افلاک متزلزل گردد.
آنگاه علامت پسر انسان در آسمان پدید گردد، و در آن وقت جمیع
طوائف زمین سینه‌زنی کنند و پسر انسان را ببینند که بر ابرهای آسمان

با قوت و جلال عظیم می آید....

پس از درخت انجیر مثلش را فراگیرد که چون شاخه‌اش نازک شده، برگ‌ها می آورد می فهمید که تابستان نزدیک است. همچنین شما نیز چون این همه را ببینید بفهمید که نزدیک - بلکه بر در - است. هر آینه به شما می گویم....

آسمان و زمین زایل خواهد شد؛ لیکن سخنان من هرگز زایل نخواهد شد.

اما از آن روز و ساعت هیچ کس اطلاع ندارد حتی ملائکه آسمان جز پدر من و پس، لیکن چنانکه ایام نوح بود ظهور پسر انسان نیز چنان خواهد بود....

پس بیدار باشید زیرا که نمی دانید در کدام ساعت خداوند شما می آید. لیکن این را بدانید که اگر صاحب خانه می دانست در چه پاس از شب دزد می آید، بیدار می ماند و نمی گذاشت که به خانه‌اش نقب زند. پس شما نیز حاضر باشید، زیرا در ساعتی که گمان نبرید پسر انسان می آید پس آن غلام امین و دانا کیست که آقایش او را بر اهل خانه خود بگمارد تا ایشان را در وقت معین خوراک دهد. خوشا به حال آن غلامی که چون آقایش آید او را در چنین کاری مشغول یابد.

اما چون پسر انسان در جلال خود با جمیع ملائکه مقدس خویش آید آنگاه بر کرسی جلال خود خواهد نشست. و جمیع امت‌ها در حضور او جمع شوند و آنها را از همدیگر جدا می کند به قسمتی که شبان میش‌ها را از بزها جدا می کنند و میش‌ها را بر دست راست و بزها را بر چپ

قرار دهد. آنگاه پادشاه به اصحاب طرف راست گوید: بیا بیاید ای برکت یافتگان از پدر من! و ملکوتی را که از ابتدای عالم برای شما آماده شده است. به میراث گیرید.^۱

عیسی ایشان را گفت: «هر آینه به شما می‌گویم: شما که مرا متابعت نموده‌اید، در معاد وقتی که پسر انسان بر کرسی جلال خود نشیند، شما نیز به دوازده کرسی نشسته، بر دوازده سبط اسرائیل داوری خواهید نمود. و هر که به خاطر اسم من خانه‌ها یا برادران یا خواهران یا پدر یا مادر یا زن یا فرزندان یا زمین‌ها را ترک کرده، صد چندان خواهد یافت و وارث حیات جاوداتی خواهد گشت.»^۲

«انجیل مرقس: چون او - عیسی - از هیکل بیرون می‌رفت یکی از شاگردانش بدو گفت: ای استاد! ملاحظه فرما چه نوع سنگ‌ها و چه عمارت‌ها است! عیسی در جواب وی گفت: «آیا این عمارت‌های عظیمه را می‌نگری. بدان که سنگی بر سنگی گذارده نخواهد شد مگر آن که به زیر افکنده شود.» و چون او بر کوه زیتون مقابل هیکل نشسته بود... از وی پرسیدند: ما را خبر ده که این امور کی واقع می‌شود؟ و علامت نزدیک شدن این امور چیست؟

آنگاه عیسی در جواب ایشان سخن آغاز کرد که: «زنهار کسی شما را گمراه نکند. زیرا که بسیاری به نام من آمده خواهند گفت: که من هستم و بسیاری را گمراه خواهند نمود. اما چون جنگ‌ها و اخبار جنگ‌ها را بشنوید مضطرب مشوید زیرا که وقوع این حوادث ضروری است. لیکن آنها هنوز نیست، زیرا که امتی بر امتی و مملکتی بر مملکتی خواهند برخاست، و زلزله‌ها در جای‌ها

۱. همان، ص ۴۴، باب ۲۵، بندهای ۳۴ - ۳۱.

۲. همان، باب ۱۹، بندهای ۲۸ و ۲۹.

حادث خواهد شد و قحطی‌ها و اغتشاش‌ها پدید می‌آید، و اینها ابتدای دردهای زه می‌باشد. لیکن شما از برای خود احتیاط کنید....

ولی از آن روز و ساعت غیر از پدر هیچ‌کس اطلاع ندارد نه فرشتگان در آسمان و نه پسر هم. پس برحذر و بیدار شده دعا کنید. زیرا نمی‌دانید که آن وقت کی می‌شود. مثل کسی که عازم سفر شده خانه خود را واگذار و خادمان خود را قدرت داده هر یکی را به شغلی خاص مقرر نماید و دربان را امر فرماید که بیدار بماند. پس بیدار باشید! زیرا نمی‌دانید که در چه وقت صاحب خانه می‌آید. در شام و نصف شب یا یانگ خروس صبح مبادا ناگهان آمده شما را خفته یابد. اما آنچه به شما می‌گویم به همه می‌گویم بیدار باشید! ^۱

- انجیل لوقا: کمرهای خود را بسته، چراغ‌های خود را فروخته بدارید. و شما مانند کسانی باشد که انتظار آقای خود را می‌کشند، که چه وقت از غروسی مراجعت کند، تا هر وقت آید و در را بکوبد بی‌درنگ برای او باز کنند. خوشا به حال آن غلامان که آقای ایشان چون آید ایشان را بیدار نیابد... پس شما نیز مستعد باشید زیرا در ساعتی که گمان نمی‌برید پسر انسان می‌آید. ^۲

و در آفتاب و ماه و ستارگان علامات خواهد بود و بر زمین، تنگی و حیرت از برای امت‌ها روی خواهد نمود، به سبب شوریدن دریا و امواجش. و دل‌های مردم ضعف خواهند کرد از خوف و انتظار آن وقایعی که بر ربع مسکون ظاهر می‌شود، زیرا قوت آسمان متزلزل خواهد شد. و آنگاه پسر انسان را خواهند دید که بر ابری سوار شده یا قوت و جلال عظیم می‌آید. ^۳

۱. کتاب مقدس، انجیل مرقس، ص ۷۷، باب ۱۳، بندهای ۹-۱ و ۳۷-۳۲.

۲. کتاب مقدس، انجیل لوقا، ص ۱۶، باب ۱۲، بندهای ۳۵ و ۴۰-۳۷.

۳. همان، باب ۲۱، بندهای ۲۷-۲۵.

مقصود از «پسر انسان» حضرت مسیح علیه السلام نیست، زیرا مطابق نوشته مستر هاگس آمریکایی در قاموس کتاب مقدس این عبارت ۸۰ بار در انجیل و ملحقات آن (عهد جدید) آمده است که فقط ۳۰ مورد آن با حضرت عیسی مسیح علیه السلام قابل تطبیق است. و اما ۵۰ مورد دیگر از نجات‌دهنده‌ای سخن می‌گویند که در آخر زمان و پایان روزگار ظهور خواهد کرد و حضرت عیسی علیه السلام نیز با او خواهد آمد، و او را جلال و عظمت خواهد داد، و از ساعت و روز ظهر او جز خداوند - تبارک و تعالی - کسی اطلاع ندارد. که او کسی جز حضرت مهدی عجل، تعالی فرجه الشریف آخرین حجت خدا نخواهد بود.

- انجیل یوحنا: و بدو قدرت بخشیده است که داوری هم بکند زیرا که پسر انسان است. و از این تعجب مکنید، زیرا ساعتی می‌آید که در آن جمیع کسانی که در قبور می‌باشند آواز او را خواهند شنید و بیرون خواهند آمد، هر که اعمال نیکو کرد برای قیامت حیات و هر که اعمال بد کرد به جهت قیامت داوری.^۱

و علامتی عظیم در آسمان ظاهر شد. زنی که آفتاب را در بردارد و ماه زیر پاهایش و بر سرش تاجی از دوازده ستاره است و ایستن بوده، از درد زه و عذاب زاییدن فریاد یرمی آورد. و علامتی دیگر در آسمان پدید آمد که اینک ازدهای بزرگ آتش‌گون که او را هفت سر و ده شاخ بود و بر سرهایش هفت افسر و دمش ثلث ستارگان آسمان را کشیده آنها را بر زمین ریخت و ازدها پیش آن زن - که می‌زاید - بایستاد تا چون بزاید فرزند او را ببلعد. پس پسر نرینه را زاید که همه امت‌های زمین را به عضای آهنین حکم‌رانی خواهد کرد، و فرزندش به نزد خدا و تخت او زبوده شد....

و در آسمان جنگ شد. میکائیل و فرشتگان با ازدها جنگ کردند ولی غلبه

نیافتند بلکه جای ایشان دیگر در آسمان یافت نشد. و اژدهای بزرگ انداخته شد، یعنی آن مار قدیمی که به ابلیس و شیطان مسمی است که تمام ربع مسکون را می فریبد. او بر زمین انداخته شد و فرشتگان با وی انداخته شدند.^۱

مفسران انجیل در مورد آیات فوق می گویند، شخص مورد بشارت در این آیات تا کنون قدم به عرصه وجود ننهاده و تفسیر روشن و معنی واضح آن نیز موکول به زمان آیتده و نامعین است که وی ظاهر گردد. ولی با اندک دقت و تأمل در آیات فوق این نتیجه به دست می آید که شخص مورد بشارت در مکاشفه یاد شده، بزرگترین مولود جهان انسانیت و شخص ممتاز و بی نظیری است که به منظور ایجاد حکومت حقه الهیه و برافکندن بنیاد اهریمنان، به ناچار مدتی از انظار مردمان غایب خواهد گردید، و خداوند عالم آن یگانه مظهر نور الهی و منجی انسانیت را از دیدگان اشرار و شیاطین جنی و انسی مخفی و مستور نگه خواهد داشت تا در یک زمان نامعلومی - آنگاه که خواست خداوند است - از پشت پرده غیبت ظاهر شده، با «عصای آهنین» بر بشریت حکومت کند.

این نتیجه تفصیلی که در نویدهای انبیای گذشته و قرآن کریم و روایات اسلامی آمده است روشن می سازد که مکاشفه یوحنا لاهوتی در بشارت فوق، مربوط به موعود کل ملل حضرت حجت بن الحسن العسکری علیه السلام است که به هنگام ظهور با شمشیر قیام خواهد کرد و با عصای آهنین حکمرانی خواهد نمود. اینک برای روشن شدن مطلب به توضیحی که در این زمینه می آوریم، توجه فرمایید:

«مقصود از آن زن که در مکاشفه فوق، مادر شخص مورد بشارت معرفی شده که خورشید بوده، و ماه زیر پایش و بر سرش تاجی از دوازده ستاره بود، مادر

پاک گهر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نرجس خاتون است و خورشید، پدر والا گهرش حضرت امام حسن عسکری علیه السلام است که تمامی انوار درخشان آسمان نبوت و امامت را بر رحم پاک نرجس بتابید، تا برجسته ترین نماینده و آئینه تمام نمای آنان را از وی نمودار سازد. و فرزندش بیاورد که مجمع همگی آن انوار و حامل لوای انقلاب جهانی گردد.

و مقصود از ماه (که در زیر پای هایش بود)، حکیمه خاتون عمه حضرت امام حسن عسکری علیه السلام است که به هنگام تولد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قابله نرجس خاتون بوده و آماده گرفتن آن مولود مسعود بوده و بر این عمل دقیقه شماری می کرده است.

و دوازده کوکب درخشان که بر تاج پرافتخار نرجس تالو می نمودند حضرت خاتم الانبیاء علیه السلام و دختر یگانه اش صدیقه طاهره علیه السلام و ده امام از علی بن ابی طالب علیه السلام تا علی بن محمد الهادی علیه السلام می باشند که مقام شامخ سلطنت و زعامت روحانی و جهانی حضرت مهدی علیه السلام مرکب از این انوار و مؤسس بر این بتیان های رفیع آسمانی و ملکوتی است. و آن ازدهای بزرگ آتشین، دستگاه شیطان و پیروان اوست که همیشه آماده ویران ساختن کاخ رفیع ادیان و نابود کردن انبیا و اولیای الهی بوده و می باشد و چنانکه در آیه چهار اشاره شده وی پیش از ولادت آن موعود جهانی، با دمش یک سوم ستارگان آسمان را جاروب کرده بود و اکنون به هوس نابود ساختن پرچمداران عدل جهانی که مجمع تمامی ستارگان آسمان ولایت است، افتاده است.

آری! همین شیطان بود که پس از رحلت پیامبر اسلام ﷺ، با لباس خلافت و از مجرای حکومت اسلامی جلوه نموده، و به وسیله دمش و نوکرش، «قتل» که به شدت پهلوی دختر نازنین پیامبر را مضروب ساخته و طفل معصومش

مهدویت در ادیان الهی (یهودیت، مسیحیت و زرتشت) ۱۰۷

«محسن» را ساقط و نابود کرد «ثلث کواکب آسمان را جاروب نمود» و سومین فرزند ذکور وی را که بایستی در آینده پدر گروهی دیگر از ذریه پیامبر گردد، بکشت.

و همین شیطان در زمان ولادت حضرت مهدی علیه السلام در لباس خلفای عباسی، به ویژه معتمد و معتصم عباسی که در عصر حضرت امام حسن عسکری علیه السلام بودند، جلوه نموده، با کمال اهتمام به هوس نابود ساختن آن یگانه مولود مسعود جهانی افتاده بود. چنانچه بر حسب شهادت تواریخ و آثار، نامبردگان جاسوس‌هایی بر حرم محترم آن حضرت گماشته بودند که اگر فرزند ذکوری از حضرت پدید شد حکومت وقت را آگاه سازند تا در نابود ساختن وی اقدام نماید.

ولی چنان که در آیات مکاشفه فوق اشاره شد اراده حتمی الهیه، آن زن و طفلش را از هر گونه آسیب در امان داشت و دستگاه جاسوسی و کنجکاوی اهریمنان که همچون سیل به هر سو روان کرده و برای غافل‌گیر ساختن آن موعود جهانی شب و روز به کار بود، سودی نبخشید.^۱

در قسمت دیگری از مکاشفه یوحنا لاهوتی بشارت ظهور حضرت مهدی علیه السلام چنین آمده است:

«و دیدم آسمان را گشوده و ناگاه اسبی سفید که سوارش امین و حق نام دارد و به عدل داور و جنگ می‌نماید و چشمانش چون شعله آتش و بر سرش افسرهای بسیار و اسمی مرقوم دارد که جز خودش هیچ‌کس آن را نمی‌داند و جامه خون‌آلود - سرخ - دربردارد و نام او را کلمه خدا می‌خوانند. و لشکرهایی که در آسمانند بر اسب‌های سفید و به کتان سفید و پاک ملبس از عقب او

می آمدند. و از دهانش شمشیری تیز بیرون می آید تا به آن امت‌ها را بزند و آنها را به عصای آهنین حکمرانی خواهد نمود... و دیدم قرشته را در آفتاب ایستاده که به آواز بلند تمامی مرغانی را که در آسمان پرواز می کنند ندا کرده می گوید: بیاید و به جهت ضیافت عظیم خدا فراهم شوید تا بخورید گوشت پادشاهان و گوشت سپه سالاران و گوشت جباران...»^۱

با نظری دقیق و اجمالی در تمام احادیثی که در مورد ظهور یکتا بازمانده حجج الهی وارد شده است می توان گفت: همه فرازهای بالا در احادیث اسلامی آمده است.

-رسالة پولس به رومیان: زیرا یقین می دادم که دردهای زمان حاضر نسبت به آن جلالی که در ما ظاهر خواهد شد، هیچ است...^۲ و آن که برای حکمرانی امت‌ها میغوث شود، امید امت‌ها بر وی خواهد بود.^۳

این تعبیر هم تعبیر دقیقی است که در احادیث اسلامی آمده است، و جالب توجه این که همان‌گونه که در بشارات تورات تذکر دادیم در ترجمه عربی انجیل با تعبیر «قائم» آمده است و تعبیر «حکمرانی امت‌ها» و «امید امت‌ها» جالب توجه است.

«زیرا این را به شما از کلام خدا می گویم که ما که زنده و تا آمدن خداوند باقی باشیم بر خوابیدگان سبقت نخواهیم جست زیرا خداوند با صدا و آواز رئیس فرشتگان و با صور خدا از آسمان نازل خواهد شد. و مردگان در مسیح اول خواهند برخاست. آنگاه ما که زنده و باقی با ایشان در ابرها ربنده خواهیم شد تا

۱. کتاب مقدس، مکاشفه یوحنا، ص ۴۱۷، باب ۱۹، بندهای ۱۸-۱۲.

۲. رسالة پولس رسول به رومیان، ص ۲۵۲، باب ۸، بند ۱۸.

۳. همان، ص ۲۶۱، باب ۱۵، بند ۱۲.

خداوند را در هوا استقبال کنیم و همچنین همیشه با خداوند خواهیم بود»^۱.
به طوری که می بینیم این فراز از عهد جدید با روایات اسلامی وجوه مشترک فراوانی دارد که از آن جمله است: نزول حضرت عیسی علیه السلام صیحه آسمانی، زنده شدن گروهی از افراد صالح، آمدن او بر فراز ابر و ربوده شدن یاران حضرت ولی عصر علیه السلام از محراب‌ها و رختخواب‌های خود، و انتقال یافتن آنها بر فراز ابرها، همه این موارد در احادیث اسلامی آمد، و با این فقرات *انجیل* دقیقاً منطبق است.

- اعمال رسولان: و چون این را گفت: وقتی که ایشان همی نگرستند بالا برده شد، و او را از چشمان ایشان در ربود. و چون به سوی آسمان چشم دوخته می بودند. هنگامی که او می رفت ناگاه دو مرد سفیدپوش نزد ایشان ایستاده گفتند: ای مردان جلیل! چرا ایستاده به سوی آسمان نگرانید؟ همین عیسی که از نزد شما به آسمان بالا برده شد، باز خواهد آمد، به همین طوری که او را به سوی آسمان روانه دیدید.^۲

فراز دیگر از *اناجیل* را عبدالله بن سلیمان نقل کرده است که بسیار جالب است. او می گویند: من در *اناجیل* خواندم که خداوند به عیسی علیه السلام فرمود: «من تو را به سوی خود بالا می برم، سپس تو را در آخر الزمان فرو می فرستم تا از امت این پیامبر شگفتی‌ها بینی، و آنها را در کشتن دجال یاری دهی، تو را در وقت نماز می فرستم، تا با آنها نماز بخوانی که آنها امت مرحومه هستند.»^۳

۱. رساله اول پولس به تسالونیکیان، ص ۳۳۰، باب ۴، بندهای ۱۷ - ۱۵.

۲. کتاب مقدس، اعمال رسولان، ص ۱۸۷، باب ۱، بندهای ۱۱ - ۹.

۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۸۱.

فرود آمدن عیسی علیه السلام از آسمان

یکی از عقاید قطعی همه مسلمانان و تمام طوائف اسلامی این است که حضرت عیسی علیه السلام در زمان ظهور حضرت بقیة الله علیه السلام به روی زمین باز می‌گردد، و برخی از آیات قرآنی نیز بر آن دلالت می‌کنند، در این باره صدها حدیث از طریق شیعه و سنی روایت شده است که از بازگشت آن حضرت سخن می‌گویند، اگر برخی از متعصبین اهل سنت به دلایلی در مورد حضرت مهدی علیه السلام تردید می‌کنند، در مورد نزول حضرت عیسی علیه السلام هیچ تردید ندارند.

از نظر شیعه نیز این مطلب قطعی است که حضرت عیسی علیه السلام از آسمان نازل می‌شود و در بیت المقدس پشت سر حضرت مهدی علیه السلام نماز می‌گزارد و او را تأیید می‌کند و در ردیف یکی از معاونان آن حضرت قرار می‌گیرد. در این زمینه، روایات فراوانی در منابع حدیثی شیعه و سنی وارد شده است که برخی از آنها را در اینجا نقل می‌کنیم:

در حدیثی از ابوسعید خدری روایت شده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

مَنْ أَلَدَى يَصَلِّي عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ خَلْفَهُ.

آن کسی که عیسی بن مریم علیه السلام در پشت سر او نماز می‌خواند، از ماست.

در حدیث دیگری از عبداللّه بن عباس آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

لن تهلك امة أنا في أولها، و عيسى بن مريم في آخرها، و المهدي
في وسطها^۱

امتی که من در آغاز آن، عیسی بن مریم در پایان آن، و مهدی
علیه السلام در میان آن است، هرگز هلاک نمی شود.

در کتاب عقد الدرر، در حدیثی از ابوهریره نقل شده که رسول خدا

صلی الله
علیه و آله فرمود:

كيف انتم إذا نزل ابن مريم فيكم، و إمامكم منكم^۲

چگونه خواهید بود هنگامی که عیسی بن مریم در میان شما نازل شود و

پیشوای شما از میان خود شما خواهد بود؟

در صحیح بخاری در باب نزول عیسی بن مریم در حدیثی از ابوهریره نقل

شده که رسول اکرم صلی الله
علیه و آله فرمود:

سوکند به خدایی که جانم در دست قدرت اوست، نزدیک است که پسر

مریم به عنوان داوری دادگر در میان شما فرود آید، صلیب را بشکنند،

خوک را بکشند، جزیه را برمی دارد و مال را آنقدر بریزد که دیگر کسی

آن را نپذیرد.^۳

در سنن ابن ماجه، از ابی امامة باهلی، روایت شده است:

رسول خدا صلی الله
علیه و آله در مورد فتنه دجال و خرابی های آن سخن می گفت، از آن

حضرت پرسیدند: یا رسول الله! پس عرب ها در آن روز کجا هستند؟ فرمود:

آنها در آن روز بسیار اندک اند، و بیشتر آنها در بیت المقدس می باشند، و

۱. صافی گلیپایگانی، لطف الله، همان، فصل ۲، باب ۱، ص ۱۵۵، ج ۴۵ و مجلسی، محمدباقر،

همان، ج ۵۱، ص ۸۵. ۲. عقد الدرر، ص ۲۹۱، باب ۱۰.

۳. صحیح بخاری، ج ۲، ص ۱۰۷۳، کتاب الانبیاء، باب نزول عیسی بن مریم صلی الله
علیه و آله.

امامشان «مهدی» آن مرد صالح است که ناگهان به هنگامی که امامشان آماده نماز صبح شده حضرت عیسی علیه السلام نازل می شود. حضرت مهدی علیه السلام به احترام او عقب می رود. حضرت عیسی دست خود را بر شانه او می گذارد و می گویند: برو جلو و نماز را بخوان که این نماز برای تو تشکیل یافته است، پس حضرت مهدی علیه السلام جلو می رود و امامت می کند.^۱

در حدیث دیگری آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

حضرت عیسی علیه السلام نازل می شود، امیر مسلمانان حضرت مهدی علیه السلام می فرماید: بفرما برای ما نماز بخوان. عیسی علیه السلام می فرماید: برخی از شما بر برخی دیگر امیر هستید و این لطف و کرامت خداوند بر این امت است.^۲

۷. در احادیث دیگری از طریق اهل سنت نقل شده است:

حضرت مهدی و حضرت عیسی علیه السلام اجتماع می کنند، چون وقت نماز فرا می رسد حضرت مهدی علیه السلام خطاب به حضرت عیسی علیه السلام می فرماید: بفرماید جلو - برای اقامه نماز - حضرت عیسی علیه السلام می فرماید: شما برای نماز شایسته تر هستید، آنگاه حضرت عیسی اقتدا می کند و نماز را پشت سر او می خواند.^۳

در یک حدیث دیگر جریان نزول حضرت عیسی علیه السلام چنین آمده است:

عیسی علیه السلام در گردهای به نام «أقیق» در سرزمین مقدس فرود

۱. سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۵۲۶، عقد الدرر، ص ۲۹۴، باب ۱۰.

۲. البرهان، ص ۱۵۸، عقد الدار، ص ۲۹۲، باب ۱۰.

۳. سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۵۲۶، عقد الدار، ص ۲۹۲، باب ۱۰.

می آید، وارد بیت المقدس می شود، در حالی که مردم برای نماز صبح صف کشیده باشند. پس امام - حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف - عقب می رود، ولی عیسی علیه السلام او را جلو می اندازد و خود به او اقتدا کرده، پشت سرش طبق شریعت محمدی نماز می خواند و می فرماید: شما اهل بیتی هستید که احدی نمی تواند بر شما پیشی بگیرد.^۱

در حدیث دیگری که رسول اکرم صلی الله علیه و آله از خروج دجال و کشته شدن او به دست حضرت عیسی علیه السلام خبر داده، چنین آمده است که آن حضرت فرمود: آنگاه خداوند عیسی بن مریم علیه السلام را می فرستد، گویی به صورت عسروة بن مسعود است، دجال را دنبال می کند و او را به هلاکت می رساند. مردم هفت سال بدین حال می مانند که حتی میان دو نفر کینه و عداوت یافت نمی شود.^۲

و در یک حدیث دیگر آمده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

حضرت مهدی علیه السلام یک مرتبه متوجه می شود که حضرت عیسی علیه السلام نازل شد گویی قطرات آب از موهایش می چکد، حضرت مهدی علیه السلام می فرماید: بفرمایید و برای مردم نماز بخوانید. حضرت عیسی علیه السلام می فرماید: نماز برای شما برپا شده است.

آنگاه حضرت عیسی علیه السلام پشت سر فرزندان نماز می خواند.^۳

و در همین رابطه رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

خلفا و اوصیای من که حجتهای پروردگار بر مردمانند دوازده تن

۱. البرهان، ص ۱۵۸؛ عقدالدار، ص ۲۹۲، باب ۱۰.

۲. صحیح مسلم، ج ۱۸، صص ۷۶ - ۷۵. ۳. البرهان، ص ۱۶۰، باب ۹، ج ۹.

می باشند، اول آنها علی - ابن ابی طالب - و آخر آنها پسر مهدی
 علیه السلام است که عیسی بن مریم علیه السلام نازل می شود و پشت سر او نماز
 می خواند. در زمان او زمین با نور پروردگارش روشن می شود و
 سلطنت او شرق و غرب جهان را فرا می گیرد.^۱

به طور خلاصه، روایات وارده از رسول گرامی اسلام و امامان معصوم
 علیه السلام در مورد نزول حضرت عیسی علیه السلام و نماز خواندن آن حضرت در پشت
 سر حضرت ولی عصر بسیار فراوان است، و ما به احادیث یادشده اکتفا کرده ایم.

مهدویت در دین زرتشت

زرتشت جزء پیامبران الهی دارای کتاب می باشد و دین او، دین غالب
 ایرانیان تا قبل از ظهور اسلام بوده است. این دین هنوز پیروانی در ایران و هند
 دارد. زرتشت پیامبر این مذهب بوده، و در حدود ۶۶۰ سال قبل از میلاد، متولد
 شده است. کتاب مقدس او اوستا بوده و بخشی از اوستا به نام گات ها ظاهراً
 کلمات خود زرتشت است. در این دین، یک قدرت کیهانی به نام «اهورامزدا» - که
 عالی ترین درجه پرستش را داراست، اما دارای عالی ترین قدرت نیست - وجود
 دارد. در مقابل وی، یک قدرت کیهانی به نام «اهریمن» یا روح بزرگ شر،
 خودنمایی می کند. این مطلب نشان دهنده دور شدن مذهب زرتشت از توحید
 است.

موجود زرتشت یا «سوشیانتس» - که در فارسی «سوشیانت» و گاه به صورت
 جمع «سوشیانتس ها» آمده است - نجات بخشی که «اهورامزدا» به مردمان نیک
 وعده داده است، وظیفه اش پاییدن و نگهداری جهان راستی است. جهانی که

اندکی پیش از رستاخیز آراسته خواهد شد و در آن راستگو بر دروغگو چیره خواهد شد. جهانی که در آن حق غالب است و باطل و دروغ مغلوب.^۱ از این جهت سوشیانس (نامیده خواهد شد) زیرا که سراسر جهان مادی را سود خواهد داد.^۲

منجی در دین زرتشت: اهمیت بررسی نجات بخشی در ادیان به دلیل افزایش گرایش بشر معاصر به پدیده دین است. یکی از علل اصلی این گرایش ارائه تصویری امیدبخش و نورانی از آینده بشر، توسط ادیان آسمانی است.

محور اصلی بحث در بخش حاضر، ظهور منجی آخرالزمان است که در متون کهن زرتشتی از آن به سوشیانس، یعنی سوددهنده و خیرخواه تعبیر می شود. این برگزیده الهی، زمانی که جهان آکنده از تباهی ها شود، در بخش مرکزی زمین ظهور خواهد کرد. سوشیانس از فرزندان زرتشت است که نطفه اش به شیوه معجزه آسایی در دریاچه نگهداری می شود و مادر او دوشیزه ای است از نژاد زرتشت پیامبر. این شخصیت الهی در صفات و ویژگی ها شباهت خاصی به زرتشت پیامبر خواهد داشت. در انتها به شباهت هایی اشاره شده است که در متون دینی اسلام و زرتشت، میان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و سوشیانس وجود دارد.

دل بستن به جهانی روشن و نورانی و خالی از هرگونه ظلم و ستم، تشکیل اجتماعی که معیارهای معنوی و انسانی بر آن حاکم باشد و رسیدن به جامعه ای که در آن ستمگری و ستم دیدگی و زور و زورمداری بر مردم و سرتوشت آنان معنا و مفهومی نداشته باشد، در پس این جهان پر هرج و مرج و آکنده از ظلم و استثمار، از آمال و آرزوهای دیرینه انسان بوده و هست.

۲. همان، بخشی از بند ۱۲۹ فروردین پست.

۱. یسنا ۴۸، باب ۱ و ۲.

اندیشه جامعه آرمانی در آثار اندیشمندان و فلاسفه بزرگ نیز مشهود است. از زمانی که افلاطون مدینه فاضله را پایه گذاری کرد، تا قرن‌ها بعد که مسئله «مسیانیتسم»، (اصل اعتقاد جامعه به موعود و این که هر جامعه‌ای در نهاد خویش، این اعتقاد را به عنوان عکس‌العمل طبیعی و فطری دارد) ^۱ مطرح گردید، جلوه‌های گوناگون اعتقاد به مسئله نجات‌بخشی و ظهور منجی در دوره پایانی زندگی بشر نزد متفکران نمودار گشت.

در دین مبین اسلام تصریح شده است که آینده از آن مستضعفان است و به عقیده شیعیان، حضرت مهدی عجل‌الله تعالی فرجه الشریف برای استقرار جهانی آراسته به همه فضایل و عاری از هرگونه زشتی و پلیدی پیکار می‌کند تا به وعده الهی تحقق عینی بخشد که: «جاء الحق و ذهب الباطل» ^۲

در آیین زرتشت نیز سوشیانسها رسالت تحقق بخشی عدالت در جهان آینده را برعهده دارند. زرتشت نوید آمدن منجی در دوره پایانی جهان را داده است. دین زرتشت یکی از ادیان الهی است. قرآن کریم و نیز فرموده‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مؤید این مطلب است. در این آیه شریفه آمده است:

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئِينَ وَالنَّصَارَى وَالْمَجُوسَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا إِنَّ اللَّهَ يَفْصَلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. ^۳

منظور از «مجوس» زرتشتیان می‌باشند، خداوند تکلیف ایمان آورندگان و پیروان را از کسانی که مشرک هستند، جدا می‌داند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز زرتشت (مجوس) را اهل کتاب دانسته و فرموده‌اند:

ایشان پیامبری داشتند که او را کشتند و کتابی نیز داشتند که آن را

۱. ر. ک. تاجری، حسین، انتظار بذر انقلاب، ص ۳۴.

۲. سوره اسراء (۱۷)، آیه ۸۱. ۳. سوره حج (۲۲)، آیه ۱۷.

سوزاندند.^۱

«ابراهیم پورداوود» زنده کننده زبان‌های ایران باستان که کتاب یشت‌ها را نیز به رشته تحریر درآورده در مقدمه گات‌ها و سرودهای زرتشت آورده است:
تحقیقاً نمی‌دانیم محل ولادت و زمان زندگی زرتشت کجا و کی بوده است؛ برای اینکه، زرتشت متعلق به زمان بسیار قدیم است که دست تاریخ به آستان بلند آن نمی‌رسد.^۲

درباره عصر زرتشت اختلاف آرا و روایات تاریخی بسیار زیاد است به طوری که اقوال بین سال ۶۰۰ تا ۶۰۰۰ قبل از میلاد مسیح در نوسان است. موافق روایات عامیانه زرتشتیان، زرتشت در حدود ۶۶۰ ق. م. به دنیا آمد و در سال ۵۸۳ ق. م در سن هفتاد سالگی به هنگام هجوم لشکر ارجاشب تورانی در آتشکده بلخ کشته شد.^۳

در میان کتب زرتشتیان، گات‌ها یا سرودهای زرتشت قدیمی‌ترین و معتبرترین آنهاست و بعد از آن، اوستا شامل دستورها و فرمان‌های زندگی است. کتاب بندهش که در قرن سوم هجری نوشته شده، در مورد مسئله «منجی» نظریه‌هایی چون نظریات شیعه دارد. در حالی که در اوستا این موارد به چشم نمی‌خورد. بعد از گسترش اسلام در ایران، گروهی به دین زرتشت باقی ماندند که عده‌ای از آنان به هندوستان مهاجرت کردند و عده‌ای دیگر تحت حکومت اسلامی ماندند و جزیه پرداختند. به مرور زمان آداب و رسوم و خط و زبان اوستا به سبب دشواری، روبه فراموشی گذاشت تا جایی که فقط چند نفر به راز

۱. حرعاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعه، ج ۱۱، باب ۴۹، ص ۹۶.

۲. پورداوود، ابراهیم، گات‌ها و سرودها، ص ۱.

۳. معین، محمد، مزدیسنا و ادب پارسی، ص ۲۵.

و رمز و خط اوستا آگاهی داشتند. با اوج نهضت خاورشناسی، انکتیل دوپرون فرانسوی به هند رفت و با زحمت فراوان خط اوستا و پهلوی را آموخت. حدود دوست سال پیش وی نخستین ترجمه اوستا را در سه جلد بزرگ به زبان فرانسه نوشت و از آن پس زرتشتیان هم شروع به تحقیق کردند.^۱

اوستا شامل دو بخش اوستای گاهانی و اوستای جدید می باشد، لذا تحقیق پیرامون منجی در دین زرتشت از هر دو بخش اوستا و نیز دیگر کتب معتبر زرتشتیان انجام شده است. مسلم این است که اعتقاد به ظهور نجات بخش در دین زرتشت وجود دارد. نجات دهنده از خاندان نبوت و از فرزندان زرتشت است و اصولاً شخصیتی الهی و آسمانی دارد و در صفات و ویژگی ها به پیامبر و دین آور آغازین شبیه و جامع همه خصوصیات اوست. در اوستا می خوانیم:

فروهرهای نیک توانایی پرهیزگاران را که ۹۹۹۹۹ تایی آنها از نطقه
زرتشت پاسبانی می کنند می ستاییم.^۲

هرمزد = سرور جهان هستی - منتظران را به نجات دهنده ای که خواهد فرستاد
چنین نوید می دهد:

کسی که در این راه با دیوان و مردمان، که به نوبه خود با او (زرتشت) مخالفت می کنند، ستیز کرده است؛ یعنی از آن مردمی است که به او (زرتشت) وفادارند چنین کسی با دیتش (وجدانش) تو را دوست، برادر یا پدر است، اهورا مزدا سرور خانه، ما را نجات خواهد داد.^۳

نام منجی دین زرتشت، سوشیانس یا سوشیانت است. این واژه در اوستای گاهانی و اوستای جدید، به صورت مفرد و جمع به کار رفته است که «سودمندم»

۱. رجب نیا، مسعود، زندگی انکتیل دوپرون، ماهنامه فروهر، سال ۸، ش ۶، ص ۲۲.

۲. اوستا، فروردین یشت، بند ۶۲. همان، یسن ۴۵، بند ۱۱.

یا «رهانندگان آیین خیر» یا «خیرخواهان جماعت» معنی می‌شود.

از این جهت سوشیائس نامیده خواهد شد (یعنی استوت ارت) زیرا که

سراسر جهان مادی را سود دارد.^۱

آنجا که زرتشت به پیامبری برگزیده می‌شود و با اهورا مزدا سخن می‌گوید،

آمده است:

ای اهورا! آن راه منش نیک را که به من گفתי [بازنما]. آن راه هموار و

خوب ساخته شده. راستی که روان سوشیائس‌ها از آن به سوی پاداشی

که به نیک‌اندیشان نوید داده شده (پاداشی که بخشش توست) خواهند

خرامید.^۲

سوشیائس آنجا که به صورت مفرد به کار رفته است نامی است برای آخرین

آفریده خداوند. آفریده‌ای از تبار نیکان و پرهیزکاران و فروهرش ستودنی است.

سوشیائس به صورت مفرد در واقع نام دیگر استوت ارت می‌باشد. اما

سوشیائس در کاربرد جمع خود در اوستا به معنی نجات‌دهندگان، بیانگر نقش

سوشیائس‌ها در بازسازی جهان آینده است. آنان همان وظیفه‌ای را به عهده دارند

که زرتشت داشت. آنان از نژاد زرتشت پیامبر و از نطفه اویند. این سوشیائس‌ها

عبارتند از: «هوشیدر»، «هوشیدر ماه» و «سوشیائس» که از نطفه زرتشت هستند.

بنابراین سوشیائس به معنای خاص، کسی است که در پایان جهان ظهور

خواهد کرد. و آن که سوشیائس پیروزگر نام خواهد داشت و استوت ارت نیز

نامیده خواهد شد، در بخش مرکزی زمین یعنی «خونیره سوشیائس» خواهد

بود.^۳

۱. همان، فروردین یشت، بند ۱۲۹. ۲. گات‌ها، یسناها ۳۴، بند ۱۳.

۳. اوستا، فروردین یشت، بند ۱۲۸ - ۱۲۹.

زرتشتیان قائل به ظهور سه منجی هستند که هر یک به فاصله هزار سال از دیگری ظهور خواهد کرد و به ترتیب عبارتند از: «هوشیدر» به معنی پروراندنده قانون و «هوشیدار ماه» به معنی پروراندنده نماز و نیایش، و «استوت ارت» آخرین منجی، که با آمدن او جهان نو می شود و رستاخیز می گردد و مرگان زنده می شوند و زندگان نیز عمری همیشگی خواهند داشت. چگونگی زاده شدن آنان به این نحو است که سه نطفه از زرتشت در آب دریاچه کیانسه یا هامون وجود دارد که تعدادی قروهر از آنها نگهداری می کنند. زمان تولد هر یک که فرا رسد، دوشیزه ای پانزده ساله برای شستن سر، به آب کیانسه وارد شود و آبستن گردد. سی سال به پایان هزاره چهارم، یعنی هزاره زرتشت پیامبر، دختری «نامی پد» نام در آب شستشو کند و به هوشیدر آبستن شود. سی سال پیش از پایان هزاره پنجم دختری «وه پد» نام در آب شستشو می کند و هوشیدار ماه از او زاده شود. و بالاخره سی سال به پایان هزاره ششم دختری «گواگ پد» نام در آب دریاچه شستشو می کند و به سوشیانس، آخرین موعود زرتشتی، آبستن می شود. این سه دختر پانزده سال کامل دارند که باردار می شوند و پیش و پس از آبستنی تا هنگام تولد فرزندان شان با کسی هم بستر نشده اند و در زمان بارداری، کسی جز خودشان از بارداری آنان آگاه نیست.^۱

بارداری مادر سوشیانس شباهت زیادی به مادر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دارد. مادر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دارای بارداری پنهان بود و آثار حمل در او آشکار نبود.

— زمینه‌سازان قیام منجی: ظهور «بهرام ورجاوند» و «پشیوتن» در دین

زرتشت به عنوان زمینه‌سازان قیام منجی مطرح گردیده است و درست شبیه قیام خراسانی و قیام معروف یمانی قبل از ظهور حضرت حجّت عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌باشد. این دو تن زمینه را برای آمدن (هوشیدر) آماده می‌کنند و ناپسامانی‌ها و آشوب‌هایی را که آرامش و آسایش را بر هم زده است، فرومی‌نشانند. خروج بهرام، مژده پایان شب سیاه و طلوع سپید امید گروندگان راست‌کار و درست یمانی است که سال‌ها سرزنش بی‌دینان را تحمل کرده‌اند. او خواهد آمد تا دین زرتشت را سامان دهد.^۱ پشیوتن آخرین قیام نیک‌مردانه‌ای است که اندکی پیش از هزاره هوشیدر رخ می‌دهد و هدف او بازسازی دین و برپاداشتن آیین‌های دینی و گسترش آموزش‌های آن است.^۲

وضعیت جهان در پایان هر یک از هزاره‌ها: جهان در پایان هر یک از هزاره‌ها جهانی است آکنده از تباهی‌ها و پریشانی‌ها، جهان خرابی که در آن، همه کس و همه چیز راه نابودی می‌پیماید بی‌سامانی، سپهر روزی، نابرابری، نامردمی و... گلوی همه را می‌فشارد و این همه گسیختگی و ناپسامانی از نشانه‌های ظهور آنان است که ظهورشان تسکین‌دهنده دردهای بشر است. جهان قبل از ظهور منجی به گونه‌ای است که مردم به موبدان و بزرگان اعتماد نمی‌کنند؛ در حالی که گفتار گناهکاران و فسونگر و شریران را با ارزش می‌دانند و گواهی نادرست و نسبت‌های ناروا در حق دیگران، حتی هر مزد رواج دارد.^۳

پدیده‌های مختلف واژگون می‌شوند و جریان طبیعی خود را از دست

۱. بند هشتم متنی به زبان پارسی میانه، تصحیح و ترجمه رقیه بهزادی، ص ۱۸۱.

۲. اوستا، زند بهمن یسن، فصل ۹، بندهای ۱۲ - ۹.

۳. همان، فصل ۴، بند ۳۸ - ۳۷.

می دهند. ابر که همیشه منشأ برف و باران است، خاصیت ذاتی خویش را ندارد، برفراز آسمان ظاهر می شود اما نمی بارد. گاو، گوسفند، اسب و دیگر چهارپایان ناتوان و کوچک تر می شوند، کمتر می زایند و کمتر شیر می دهند.^۱

آخرالزمان با آمدن سوشیانس یا استوت ارت، که علایم ظهورش شباهت بسیاری به علایم ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در نزد شیعیان دارد، جهان را به تکامل خود می رسد و حالتی مانند از قوه به فعل رسیدن پیدا می کند.

جهانی که پس از ظهور آخرین نجاتبخش ساخته می شود با جهان آغازین، یعنی آنگاه که از اهریمن و یارانش خبری نبود، همانند است در این جهان همه چیز بر مبنای دین است و در زیر قدرت کامل هرمزد (خداوند) اداره می شود. این جهان به مدد تلاش های تیکمردان آراسته خواهد شد و البته از خونریزی نیز خالی نخواهد بود، چون حق در سایه شمشیر حق، استوار می گردد و دروغ و خیانت و معیوبی از جهان برمی خیزد.^۲

سوشیانس که غالباً به صفت پیروزمند ستوده شده، گریزی دارد که فریدون دلیر داشت و با آن بر ضحاک پیروز شد؛ با همین گرز به نبرد با دروغ و کژی و مظاهر آن برمی خیزد و ناراستی را از جهان می راند.^۳

فرکیانی به سوشیانس پیروزمند و به سایر دوستانش تعلق خواهد داشت... که از پرتو ظهور آنان، رستاخیز و جهان مینوی جاودانی روی خواهد نمود.^۴

بتأیر آنچه در اوستا مطرح گردیده است، تفاوتی میان آخرالزمان و وقوع

۱. همان، بند ۴۹ - ۴۷.

۲. اوستا، زامیاد، پشت، بند، ۸۸ - ۸۰.

۳. همان، بند ۸۹.

۴. همان، بند ۹۲.

رستاخیز وجود ندارد. با آمدن سوشیانس، بهشت تحقق خواهد یافت و اهریمن و بدی نابود خواهد شد.

– اوصاف سوشیانس: بطور کلی دو گروه برای زرتشتیان مقدس هستند؛ گروه

اول هوشیدرها یا دانایان، گروه دوم سوشیانس‌ها یا خیرخواهان جماعت.^۱

[فری] که از آن اهورامزدا ست و اهورا مزدا از پرتو آن، آفریدگان را

پدید آورد، بسیار خوب و زیبا و دلکش و درخشان و کارآمد است...^۲

در اینجا مقصود از آفریدگان، سوشیانس‌ها هستند.

سوشیانس‌ها از خاندان زرتشت هستند و مادرشان هم از نژاد زرتشت

می‌باشد. مادر سوشیانس یا استوت ارت، «گواگ پد» نام دارد یعنی پیروز بر همه

چیز. زیرا کسی را به دنیا می‌آورد که بر همه چیز پیروز خواهد شد.^۳

سوشیانس‌ها دارای صفت «اشو» یعنی پرهیزکار و باتقوا هستند. آنان

خردمندترین مردم می‌باشند و به پاکی و بی‌آلایشی توصیف شده‌اند.^۴

او [استوت ارت] با چشم خرد به همه آفریدگان بنگرد و همه آفریدگان را

ببیند. حتی دژچهر است. او همه جهان مادی را با چشم نیک‌بختی (رحم) و

بخشایش ببیند و نگرستش جهان را نیستی ناپذیر کند.^۵

– محل ظهور منجی: متون دینی زرتشتی، سطح زمین را به هفت بخش تقسیم

می‌کند و هر بخش را یک اقلیم یا کشور می‌شمارد. «خونیره» یعنی بخش مرکزی

کره زمین، به تنهایی برابر شش کشور دیگر است و سوشیانس در خونیره آفریده

می‌شود و در همین مکان است که ظهور می‌کند و اهریمن را نابود می‌کند و

۱. همان، بند ۱۰. ۲. همان، بند ۱۲ - ۱۱.

۳. همان، بندهای ۱۱۰ و ۱۱۷ و ۱۲۸. ۴. اوستا، یسناوی ۱۳، بند ۳.

۵. همان، زامیاد یشت، بند ۹۴.

رستاخیز را برپا می‌دارد.^۱

فروهر پاک استوت ارت را که سوشیانس سرزمین خونیره است،

می‌ستاییم.^۲

استوت ارت بر بخش مرکزی زمین یعنی خونیره حکومت خواهد کرد و شش تن از یاران او، هر یکی از شش کشور دیگر زمین، سوشیانس خواهند بود همگی تحت فرمان استوت ارت قرار می‌گیرند و بدین ترتیب جهان آرمائی شکل می‌گیرد.

یثایر اعتقاد شیعیان، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نهضت خود را از کنار خانه خدا آغاز می‌کند و کعبه در مرکز زمین قرار دارد. ظهور سوشیانس در مرکز زمین، با ظهور حضرت مهدی در مرکز زمین مناسبت خاصی دارد و هم‌زمان با ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف جبرئیل امین ندا برمی‌دارد که: اینک حجت خدای در کعبه ظهور کرده است، بشتابید و از او پیروی کنید.^۳

آری آنگاه که جهان در انتظار عدالت و عدالت در انتظار موعود الهی است، او می‌آید در حالی که انسان‌ها را به فرا رسیدن بامدادی روشن و روزی امیدبخش مطمئن می‌سازد.

در منابع زرتشتیان تصریحات زیادی به ظهور حضرت مهدی علیه السلام شده است که قسمتی از آنها را در اینجا می‌آوریم:

در کتاب زند که از کتب مقدس زرتشتیان است درباره انقراض اشرار و وراثت صالحان که پس از در هم شکستن شوکت جباران و بیدادگران، زمام امور

۲. اوستا، فروردین یشت، بند ۱۲۸.

۱. بندهشن، صص ۶۱-۶۲.

۳. صافی گلپایگانی لطف‌الله، همان، ص ۴۴۸.

جامعه بشری را به دست خواهند گرفت، چنین می گویند:

لشکر اهریمنان با ایزدان دایم در روی خاکدان محاربه و کشمکش دارند و غالباً پیروزی با اهریمنان باشد، اما نه به طوری که بتوانند ایزدان را محو و منقرض سازند، چه در هنگام تنگی از جانب اورمزد که خدای آسمان است به ایزدان که فرزندان اویند یاری می رسد و محاربه ایشان نه هزار سال طول می کشد. آنگاه پیروزی بزرگ از طرف ایزدان می شود و اهریمنان را منقرض می سازند و تمام اقتدار اهریمنان در زمین است و در آسمان راه ندارند و بعد از پیروزی ایزدان و برانداختن تبار اهریمنان عالم کیهان به سعادت اصلی خود رسیده، بنی آدم بر تخت نیک بختی خواهند نشست.^۱

در بخش «گات‌ها» که یکی از بخش‌های چهارگانه اوستا است (بندهای ۸ و ۹) نویدهایی در مورد ظهور حضرت مهدی علیه السلام و سیطره جهانی آن حضرت و قیام شکوهمند او که طبق وعده‌های انبیا در آخرالزمان به وقوع خواهد پیوست، چنین آمده است:

و هنگامی که سزای این گناهکاران فرا رسد پس آنگاه ای «مزد» کشورت را «بهمن» در پایان برپا کند، از برای کسانی که دروغ را به دست‌های راستی سپرند، و خواستاریم از آنانی باشیم که زندگی تازه کنند.

باز در همان بخش تحت عنوان «بامداد روز» نوید ظهور یگانه منجی بشریت که در پایان جهان خواهد آمد، چنین آمده است:

کی ای «مزد» بامداد روز فراز آید، جهان را دین راستین فراگیرد، با آموزشهای فزایش بخش پر خرد رهاندگان، کیانند آنانی که «بهمن» به

یاریشان خواهد آمد؟ از برای آگاه ساختن، من تو را برگزیدم ای اهورا.
نویسنده کتاب بشارت عهدین پس از آن که این دو بشارت را از گات‌ها
نقل کرده، چنین می‌نویسد:

مترجم «گات‌ها» در «پاورقی»، «بهمن» را - که در این دو بشارت پرچم‌دار
نهضت آخرین معرفی شده - نماینده توانایی و منش نیک و راستی و
پارسایی دادار اهورامزدا، تفسیر کرده، و روی این اصل، توضیح این
دو فراز از «گات‌های زرتشت» از این قرار است: در پایان جهان و پیش
از رستاخیز عمومی، آغاز سزای گناهکاران است که به دست توانای
نماینده قدرت و راستی و قدس و عدالت الهی - به سزای این جهان
خود خواهند رسید - این دولت یا سعادت تنها برای کسانی است که
دروغ را به دست‌های راستی سپرده، و منش زشت را در بوتۀ فراموشی
نهاده‌اند.

حقاً آن زمان درخشان بامداد روز است که صبح دولت حقه الهیه دمیدن
گیرد و دین راستین - آیین ابدی آخرین - سراسر جهان را فراگیرد.
آیینی که تمامی آموزش‌های پیامبران الهی در آن نمودار است و آن
یگانه نماینده قدرت و عدالت الهی تمامی آموزش‌های صالح و پسندیده
رهبران عالیقدر بشریت را در سراسر جهان منتشر و عملی سازد.

چنان‌که روشن است این دو جمله، بشارت از ظهور موعود اسلام
حضرت قائم آل محمد صلی الله علیه و آله است، گرچه نامی از آن حضرت به میان
نیآورده؛ ولی سلطنت عمومی و عدالت کلی جهانی که پیشگویی کرده
بهترین نشانه آن بزرگمرد الهی است.^۱

۱. بشارت عهدین، استدراکات، بعد از مقدمه چاپ دوم، ص ۱۰ و ۱۱.

جاماسب، در کتاب معروف خود جاماسب نامه که حوادث گذشته و آینده جهان در آن ثبت شده، و احوالات پادشاهان، انبیا اوصیا و اولیا را بیان می‌کند، ضمن مطالبی که از قول زرتشت راجع به پیامبران بازگو می‌نماید در مورد پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و دولت جاودانه حضرت مهدی علیه السلام و رجعت گروهی از اموات چنین می‌گوید:

پیغمبر عرب، آخرین پیغمبر باشد که در میان کوه‌های مکه پیدا شود، و شتر سوار شود و قوم او شتر سواران خواهند بود و با بستگان خود چیزی خورد و به روش بستگان نشیند و او را سایه نباشد و از پشت سر مثل پیش رو ببیند. و دین او اشرف ادیان باشد و کتاب او باطل گرداند همه کتابها را و دولت او تازیک - یعنی پادشاهی - عجم را برباد دهد و دین مجوس و پهلوی را برطرف کند و نار سدیر و آتش کده‌ها را خراب کند، و تمام شود روزگار پیشدادیان و کیانیان و ساسانیان و اشکانیان.

آنگاه درباره ظهور مبارک حضرت مهدی علیه السلام چنین می‌گوید:

و از فرزندان دختر آن پیامبر که خورشید جهان و شاه زنان نام دارد، کسی پادشاه شود در دنیا به حکم یزدان که جانشین آخر آن پیغمبر باشد در میان دنیا که مکه باشد و دولت او تا به قیامت متصل باشد و بعد از پادشاهی او، دنیا تمام شود و آسمان جفت گردد و زمین به آب فرورود و کوه‌ها کنده شود و اهریمن کلان را که صد یزدان و بنده عاصی او باشد بگیرد و در حبس کند و او را بکشد.

و نام مذهب او برهان قاطع باشد و حق باشد و خلیق را به یزدان بخواند و زنده گرداند خلق را از بدان و نیکان را جزا دهد و بدان را سزا دهد و بسیاری از خوبان و پیغمبران زنده شوند و از بدان گیتی و

دشمنان خدا و کافران را زنده گرداند و از پاشاهان اقوام خود را زنده کند که فتنه‌ها در دین کرده باشند و خوبان بندگان یزدان را کشته باشند و همه متابعان و تبه‌کاران را بکشد و نام این پادشاه بهرام باشد.

و ظهور او در آخر دنیا باشد و خروج او در آن زمان شود که تازیان بر فارسین غالب شوند و شهرهای عمان خراب شود و به دست سلطان تازیک، پس از خروج کند و جنگ کند و دجال را بکشد.

و برود و قسطنطنیه را بگیرد و علم‌های ایمان و مسلمانی در آنجا برپا کند و عضای سرخ شبانان باهودار (که موسی علیه السلام باشد) با او باشد و انگشتر و دیهیم سلیمان با او باشد و جن و انس و دیوان و مرغان و درندگان در فرمان او خواهند بود.

و همه جهان را یک دین کند، و دین‌گیری و زرتشتی نماند، و پیغمبران خدا و حکیمان و پیری زادان و دیوان و مرغان و همه اصناف جانواران و ابرها و باده‌ها و مردان سفیدرویان در خدمت او باشند.

جاماناسب در ادبیات ایران و عرب به لقب «فرزانه» و «حکیم» خوانده شده است و پیشگویی‌هایی نیز به او نسبت داده‌اند و ظاهراً حکیمی ستاره‌شناس بوده است، و به قول مؤلف کتاب حبيب السیر:

وی شاگرد لقمان و برادر گشتاسب است، و در علم نجوم مهارت کامل داشته است.

علامه دهخدا در کتاب لغت‌نامه راجع به وی می‌نویسد:

نامه‌ای از او دیده شده که به پارسی قدیم است و نام آن «فرهنگ ملوک و اسرار عجم» است، و عنوان آن به نام گشتاسب شاه است.

و نظرات کواکب را به رمز بیان نموده و مقارنات اختران را طالع وقت نهاده و بر آن زایچه حکم نموده.

گویند: پنج هزار سال از روزگار آینده را باز نموده، از سلاطین و انبیا خبر داده، در آنجا حضرت موسی علیه السلام سرخ‌شبان با هوادار و حضرت مسیح علیه السلام را پیغمبر خرتشین که او را به نام مادر، یازخوانند. و از حضرت رسول عرب به «مهر آزما» تعبیر کرده، و بعضی سخنان وی موافق روزگار گذشته است و برخی مخالف،
والله اعلم بالصواب^۱

مؤلف کتاب بشارات عهدین پس از آن که بشارتی را از کتاب جاماسب

نقل می‌کند ذیل کلمه جاماسب، در پاورقی چنین می‌نویسد:

صاحبان سیر و تواریخ می‌نویسند، ظهور جاماسب برادر گشتاسب بن سهراب به سال ۴۹۹۶ پس از هبوط (حضرت) آدم علیه السلام بوده، وی مدتی در نزد زرتشت کسب معارف نموده و مدتی هم شاگرد چنگر مکهاجه هندی بوده است.

وی در کتاب جاماسب نامه از زمان خود تا پنج هزار سال (آینده را)

پیش‌بینی نموده و قبرش در خفرک فارس است.^۲

باز در کتاب جاماسب، موافق برخی از مضامین بشارات گذشته در مورد دولت یا سعادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و صلح بهائم و برافکندن ریشه ظلم و فساد، و همچنین حکومت واحد جهانی و اجتماعی عمومی بشریت بر دین مسین اسلام، و این که حضرت مهدی

۱. لغت‌نامه دهخدا، ص ۶۴۶۹، ستون ۱.

۲. بشارت عهدین، ص ۲۵۸، به نقل از جاماسب نامه.

عجل الله فرجه الشريف پیرو اسلام و تابع دین جدش پیامبر اکرم
صلی الله علیه و آله می باشد، چنین می گویند:

مردی بیرون آید از زمین تازیان از فرزندان هاشم، مردی بزرگ سرو
بزرگ تن و بزرگ ساق و بر دین جد خویش بود با سپاه بسیار روی به
ایران نهد و آبادانی کند و زمین پر داد کند و از داد وی باشد که گرگ با
میش آب خورد.

و مردم بسیار شوند و عمر دیگر بار به درازی کشد و باز گردد چنان که
مردی بود که او را پنجاه فرزند بود نر و ماده، و کوه و دشت پر از مردم
شود و پر از حیوان شود و همچون غروسی شود، و همه کس به دین
مهر آزمای (یعنی دین حضرت محمد صلی الله علیه و آله باز آیند، و جور و آشوب
از جهان برخیزد، چنانکه فراموشی کنند که چون سلاح باید داشتن و
اگر وصف نیکویی آن کنم تلخ گردد این زندگانی که ما بدو اندریم.^۱

در زند و هومن یسن از ظهور شخصیت فوق العاده ای بنام «سوشیانس»
(نجات دهنده بزرگ) خبر داده و درباره نشانه های ظهور وی چنین می گویند:
نشانه های شگفت انگیزی در آسمان پدید آید که بر ظهور منجی جهان
دلالت می کند، و فرشتگانی از شرق و غرب به فرمان او فرستاده
می شوند، و به همه دنیا پیام می فرستند.^۲

آنگاه به مقاومت شریران در برابر او اشاره کرده و نوید می دهد که سرانجام
همگی در برابر او سر تعظیم فرود می آورند.

هنگامی که «گشتاسب» در مورد کیفیت ظهور «سوشیانس» و چگونگی اداره

۱. بشارت عهدین، ص ۲۵۸، به نقل از جاماسب نامه

۲. او خواهد آمد، ص ۱۰۸.

جهان می‌پرسد، جاماسب حکیم، شاگرد زرتشت توضیح می‌دهد:

سوشیانس - نجات‌دهنده بزرگ جهان - دین را به جهان رواج دهد، فقر

و تنگدستی را ریشه‌کن سازد. ایزدان را از دست اهریمن نجات داده،

مردم جهان را هم‌فکر و هم‌گفتار و هم‌کردار گرداند.^۱

در اینجا لازم است این نکته را یاد آور شویم که اعتقاد به ظهور سوشیانس در

میان ملت ایران باستان به اندازه‌ای رایج بوده است که حتی در موقع شکست‌های

جنگی و فراز و نشیب‌های زندگی با یادآوری ظهور چنین نجات‌دهنده مقتدری،

خود را از یأس و ناامیدی نجات می‌دادند.

شاهد صادق این گفتار این که، در جنگ قادسیه پس از درگذشت رستم

فرخزاد سردار نامی ایران، هنگامی که یزدگرد، آخرین پادشاه ساسانی، با افراد

خانواده خود آماده فرار می‌شد به هنگام خارج شدن از کاخ پرشکوه مدائن، ایوان

مجلل خود را مورد خطاب قرار داده و گفت:

هان ای ایوان! درود بر تو باد من هم اکنون از تو روی برمی‌تابم تا آنگاه

که با یکی از فرزندان خود که هنوز زمان ظهور او نرسیده است به سوی

تو برگردم.

سلیمان دیلمی می‌گوید، من به محضر امام صادق علیه السلام شرفیاب شدم و

مقصود یزدگرد را از جمله «یکی از فرزندان خود» از آن حضرت پرسیدم،

حضرت فرمود:

او مهدی موعود علیه السلام و قائم آل محمد صلی الله علیه و آله است که به فرمان

خداوند در آخرالزمان ظهور می‌کند. او ششمین فرزند دختری

یزدگرد است و یزدگرد نیز پدر او می باشد.^۱

آری، مطابق وعده‌های انبیا و نویدهای کتب مقدس آسمانی، سرانجام روزی فرا خواهد رسید که نماینده قدرت و قدس و عدالت الهی، آخرین جانشین رسول گرامی، بنیانگذار حکومت واحد جهانی، مهدی موعود منتظر عجل الله تعالی فرجه - از پشت پرده غیب ظهور خواهد فرمود و با ظهور مبارک آن ولی مطلق الهی، همه پرده‌های ظلمت به کنار خواهند رفت تاریکی‌ها برچیده شد، از پلیدی‌ها و ناپاکی‌ها اثری نخواهد ماند و جهان یکسره نورانی خواهد گشت.

نتیجه

از روزگاران کهن، داستان ظهور مصلح در آخر الزمان، اصلی اساس بوده است. پیشینیان بشر پیوسته آنرا به یادها می‌آوردند. اسناد و مدارک موجود تاریخی نشان می‌دهد که اعتقاد به مهدویت یک اعتقاد جهانی و همگانی و عالم‌گیر است و منحصر به اسلام و مذهب تشیع و یا حتی منحصر به مذاهب شرقی و غربی نیست. برای اثبات این مدعا کافی است تنها به یک نمونه از اعترافات یکی از خاورشناسان متعصب یهودی اشاره کنیم: گلدزیهر - خاورشناس و یهودی متعصب - درباره جهانی بودن مسئله انتظار و عمومیت انتظار اقوام مختلف برای ظهور یک «منجی بزرگ» می‌گوید:

اعتقاد به بازگشت و ظهور «منجی موعود» اختصاص به اسلام ندارد... پندارهای مشابهی را می‌توان در میان اقوام دیگری نیز، به فراوانی یافت.

بتایر اعتقاد هندوئیسم، «ویشنو» در حالی که بر اسبی سفید سوار است و

۱. مجلسی، محمدباقر، همان، بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۶۴.

شمشیری از شعله آتش به دست دارد، در پایان دوران کنوئی جهان به عنوان «کال کئی» ظاهر خواهد شد و سرزمین آریا را از دست ستمگران غاصب که منظور اقوام فاتح مسلمانند، رهایی خواهند بخشید.

در میان اقوام مغول، تا امروز (۱۹۱۰ م.) این عقیده شایع است که «چنگیزخان» پیش از مرگ خود، وعده کرده است که در هشت یا نه قرن دیگر از نو، باز در زمین ظاهر خواهد شد و مغولان را از زیر یوغ چینیان نجات خواهد داد.

در میان اقوام شرقی و غربی، حتی در میان سرخ پوستان آمریکا، پندار مشابهی درباره بازگشت یا ظهور منجی موعود پدید آمده است.^۱

یهودی - از همه فرقه هایش - در انتظار ظهور مسیح موعود است که عدالت واقعی را در آخرالزمان در سرتاسر جهان برقرار نماید. مسیحی - از همه گروه هایش - در انتظار بازگشت مسیح پاک است که شالوده عدالت را در آخر زمان در پهنه گیتی استوار سازد. زرتشتی در انتظار «سوشیانس» نجات دهنده بزرگ است. مسلمانان - از همه مذاهب مختلفش - در انتظار ظهور حضرت مهدی علیه السلام و بازگشت حضرت عیسی علیه السلام است که حکومت عدل واقعی را در آخرالزمان در سراسر جهان از کران تا کران بشان دهند. اینکه ما می بینیم همه انسان ها در همه زمان ها می جوشند و به دنبال روزی بهتر و زندگی مرفه تر می گردند و در انتظار تحقق پیروزی نهایی به سر می برند و با دیدن ظلم و ستم فریاد بر می آورند و بر ضد جباران و طاغوتیان زمان، طغیان می نمایند و فریادرسی را به یاری می طلبند، خود دلیل قاطعی بر ریشه دار بودن این تمایل

۱. هاشمی شهیدی، سید اسدالله، ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از دیدگاه اسلام، مذاهب و ملل جهان، انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۱.

باطنی و خواست درونی و فطری بودن مسئله مهدویت است.
آیا خدایی که در نظام سنگت‌انگیز جهان هیچ یک از نیازهای موجودات
عالم را از نظر لطف و عنایتش دور نداشته، و به ایشان چشم‌پینا، گوش‌شنوا و
عقل و هوش کافی عنایت فرموده است، می‌توان گفت که بشریت را به حال
خودرها ساخته است تا همچنان در وادی ضلالت و گمراهی گام بردارد، و با
بی‌تظمی و بی‌عدالتی به زندگی خود ادامه دهد؟ و خداوند پاسخ می‌دهد که:
و نريد أن نمنّ على الذين استضعفوا في الأرض و نجعلهم ائمةً و
نجعلهم الوارثين.^۱

و ما اراده کردیم که بر کسانی که در روی زمین به ضعف کشیده شده‌اند
منت نهاده، آنها را پیشوایان و وارثان زمین قرار دهیم.

مهدویت در قرآن

مجید اسوری - مهیار منتظمی نوین

ایمان به مهدی علیه السلام در آیات قرآن

ذَلِكِ الْكِتَابُ لَارِيبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ
وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ.

این کتاب که هیچ شکی در آن راه ندارد هدایتگر تقوا پیشگان است؛
آنانکه به غیب ایمان می آورند و نماز را بر پای می دارند و از آنچه به
ایشان روزی داده ایم انفاق می کنند.

بر طبق این آیه شریفه، انسان های با تقوا آنان اند که به غیب ایمان دارند؛ به
عبارت دیگر ایمان به غیب نخستین صفت ممتاز و مهم متقین است. ایمان به
غیب یعنی چه؟ در پاسخ به این پرسش گروه متعددی از مفسران قرآن و محدثان
شیعه و سنی، ایمان به حضرت مهدی علیه السلام را از روشن ترین افراد و مصادیق
ایمان به غیبت می دانند.

جابر بن عبدالله انصاری، از اصحاب جلیل القدر پیامبر خدا، نقل می کند که آن
حضرت ضمن یاد کرد نام دوازده امام علیهم السلام به حضرت مهدی علیه السلام و
دوره غیبت ایشان اشاره کرده و فرموده است:

«خوشا به حال آنان که در زمان غیبت او شکیباً باشند؛ خوشا به حال آنان که
بر محبت آن حضرت پا بر جا و استوار بمانند، آنان همان کسانی هستند که خدا
در قرآن با عنوان «ایمان آورندگان به غیب» از آنان یاد کرده و آنان حزب خدایند و
حزب خدا پیروز است.»

بر طبق این روایت و روایات مشابه، اعتقاد به امامت حضرت
مهدی علیه السلام ایمان به غیب است.

غیب در زبان عرب به معنای «ناپیدا و پنهان» است و ایمان به غیب در زمره
ارزش های مهم دینی قرار دارد و مقصود از «غیب» در این آیه به مناسبت فرازهای

بعده، خدا و فرشتگان است و از آنجا که حضرت مهدی علیه السلام به امر خداوند در غیبت به سر می برد و از چشم انسان ها پنهان است، بعید نیست یا صرف نظر از روایات یاد شده تیره، این آیه بر ارزش ایمان به آن بزرگوار دلالت کند.

به هر حال با توجه به آن چه درباره آیه آورده ایم و با استمداد از روایات از این آیه نکته های زیر درباره آن حضرت استفاده می شود:

۱. ایمان به حضرت مهدی علیه السلام از مهم ترین وظایف بندگان است؛

۲. ایمان به آن حضرت از اوصاف متقین است و بدون ایمان به ایشان تقوا تحقق نمی یابد؛

۳. در پرتو ایمان به آن حضرت و دستیابی به تقواست که انسان از انوار قرآن بهره برد و به وسیله این کتاب مقدس هدایت گردد.

بسیاری از دانشمندان فرقه های مختلف اسلامی به این نکته اعتقاد دارند که ایمان به امام زمان علیه السلام جزء ایمان به غیب است.

شیخ صدوق رحمه اله از دانشمندان بزرگ شیعه نوشته است:

«ایمان به آن حضرت [در صورتی] صحیح خواهد بود که شأن ایشان را به درستی بشناسیم... زیرا تنها ایمان کسانی به مهدی سودمند و صحیح خواهد بود که شأن ایشان را به درستی بشناسند.»

سفارینی حنبلی از علمای اهل سنت می نویسد:

«ایمان به مهدی واجب است همان طور که علما آن را بیان کرده اند و در عقاید اهل سنت و جماعت طرح شده است.»

شیخ ناصرالدین البانی از علمای فرقه متعصب وهابیت می نویسد:

«اعتقاد به قیام مهدی، اعتقادی است ثابت و به طور متواتر از پیامبر خدا

صلی الله علیه و آله نقل شده است؛ زیرا مهدویت از امور غیبی است و ایمان به آن از صفات

متقین است همان طور که خداوند فرموده است: «الم ذلک الکتاب لاریب فیہ هدی للمتقین الذین یؤمنون بالغیب...» و تنها جاهلان و متعصبان و متکبران این عقیده اسلامی را انکار می کنند. از خداوند می خواهیم مرگ ما را در حالی بفرستد که به مهدی ایمان داشته باشیم.»

نعمت یافتگان: «نعمت» در لغت به معنای روزی، مال، بخشش، نیکی، احسان، شادمانی، لذت و توانگی است. هر یک از ما در نمازهای شبانه روزی خود بارها می گوئیم:

... صراط الذین أنعمت علیهم.

خدایا مرا به راه کسانی که به آنان نعمت داده‌ای هدایت کن.

به راستی خداوند به چه کسانی نعمت داده است و راه آنان چه ویژگی‌هایی دارد؟ خداوند متعال در آیه ۶۹ سوره نساء به این پرسش پاسخ داده است.

و من یطع الله و الرسول فأولئک مع الذین أنعم الله علیهم من النبیین الصدیقین و الشهداء و الصالحین و حسن أولئک رفیقاً.

و کسانی که از خدا و پیامبر اطاعت کنند در زمره کسانی خواهند بود که

خدا بدیشان نعمت داده [یعنی] با پیامبران، صدیقان، شهیدان و

صالحان‌اند و آنان چه خوب دوستان و همدمانی [برای هم] هستند.

بدین ترتیب خداوند در این آیه آنان را که مشمول نعمت او قرار گرفته‌اند،

معرفی فرموده است. بر طبق روایات متعدده، اهل بیت علیهم‌السلام و از جمله حضرت

مهدی علیه‌السلام از مصادیق این آیه است و در زمره کسانی قرار دارد که خداوند آنها را

ارجمند شمرده و بدان‌ها نعمت داده است. این روایات در آثار برخی از

دانشمندان اهل سنت نیز آمده است.

بنابراین انسان همواره باید بکوشد تا گام در راه امام زمان علیه‌السلام نهد و در زمره

کسانی قرار گیرد که یا گام‌هایی استوار در مسیر او در حرکتند.

از مطالبی که درباره تفسیر آیه گذشت، نکته‌های زیر به دست می‌آید:

۱. بر طبق روایات، حضرت مهدی و دیگر ائمه معصومین علیهم‌السلام در زمره

کسانی هستند که خداوند آن‌ها را گرامی داشته و به آنان نعمت داده است؛

۲. یا صرف نظر از روایات، با تأمل در معنای آیه، مطلب یاد شده را می‌توان

دریافت؛ زیرا آنان خود بارزترین افراد از صدیقان، شهیدان، صالحان و شایستگانند؛

۳. این آیه در واقع، آیه «صراط‌الذین أنعمت علیهم» در سوره فاتحه را تفسیر

کرده است، از این رو راه حضرت مهدی علیه‌السلام همان است که هر روز در نماز از خداوند می‌خواهیم ما را بدان راه رهنمون سازد.

- پیروزی حق بر باطل: خداوند انسان را آزاد و با اراده و اختیار آفرید؛ آدمیان

می‌توانند به گونه‌ای زندگی کنند که آرامش، عدالت، فداکاری، درستی و

فضیلت‌های اخلاقی در جامعه استوار گردد و می‌توانند طوری به زندگی خود

ادامه دهند که ستمگری، تبعیض، جفاکاری، دروغ و فریب و رذیلت‌های اخلاقی

نمایان گردد. اما از نگاه قرآن این روند ادامه نخواهد یافت و خداوند روزگاری

دین حق را بر اندیشه‌های باطل غلبه خواهد داد و حق را بر باطل پیروز خواهد

کرد. خداوند متعال می‌فرماید:

هو الذی أرسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و

لوکره المشرکون.

اوست که پیامبر خود را با راهنمایی به راه راست فرستاد تا آن بر همه

دین‌ها [و کیش‌ها] چیره گرداند. هر چند مشرکان خوش نداشته باشد.

از خود این آیه با صرف نظر از روایات استفاده می‌شود که تاریخ بشریت و

آینده شاهد شکست تمام ادیان و پیروزی و حاکمیت مطلق دین اسلام خواهد بود و از آنجا که چنین چیزی در دوران رسالت پیامبر اسلام و ائمه علیهم السلام رخ نداده، بی گمان این پیروزی شکوهمند مربوط به آینده تاریخ بشر خواهد بود. در اینجا این پرسش رخ می نماید که این غلبه حق بر باطل چه زمانی فرا خواهد رسید؟

با بررسی روایات متعددی که محدثان بزرگ شیعه و سنی در تفسیر آیه روایت کرده اند به روشنی می توان به پاسخ به این پرسش دست یافت. روایات فراوانی این پیروزی بزرگ را در زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام ارواحنا فداه - می دانند.

شیخ صدوق رحمه الله به سند خود از ابی بصیر در تفسیر آیه چنین نقل کرده است:

امام صادق علیه السلام درباره آیه «هوآلذی ارسل رسوله بالهدی...» فرمود: به خدا سوگند تأویل آن هنوز نازل نشده و زمان تأویل فرا نخواهد رسید تا اینکه قائم علیه السلام قیام کند و چون آن حضرت قیام کند همه آنان که به خدای عظیم کفر ورزند و به امامت شرکت ورزند خروج او را ناخوش دارند.

محمد بن یوسف گنجی شافعی - از دانشمندان اهل تسنن - در کتاب البیان به نقل از سعید بن جبیر در تفسیر این آیه شریفه چنین نقل کرده است: او مهدی علیه السلام است که از نسل و عترت فاطمه زهرا سلاما... علیها است. وی پس از نقل این حدیث می نویسد:

«برخی گفته اند که این عیسی است که از آسمان فرود می آید و دین حق را پیروز می گرداند. این گفته آنان با روایت بالا منافات ندارد زیرا عیسی در زیر بیرق

مهدی و به عنوان یاور و کمک به او برای پیروزی دین حق، تلاش می‌کند.»

خواجه عبدالله انصاری نیز در تفسیر آیه نوشته است:

«خدا این دین را بر دیگر ادیان برتری دهد چنان که دینی نماند مگر آنکه اسلام بر آن غالب آید و این امر بعد از این خواهد شد و هنوز نشده است و قیامت نخواهد آمد مگر اینکه این کار شود. ابو سعید خدری روایت کرده است که پیامبر اسلام از بلایی یاد فرمود که به این امت رسد تا بدانجا که از بسیاری ظلم و ستم کسی برای خویش پناهی نیابد. چون چنین شود خداوند مردی از خاندان مرا برانگیزد و به دست او زمین را از عدل و قسط پر کند آن سال که از ستم آکنده باشد. هم ساکنان آسمان و هم ساکنان زمین از او خرسند باشند...»

با تأمل در آیه شریفه و روایاتی که در تفسیر آن آمده است، نکته‌های زیر از آن استفاده می‌شود:

۱. تاریخ بشر در آینده شاهد شکست همه اندیشه‌های باطل و پیروزی دین اسلام و حاکمیت حق به دست توانای حضرت مهدی علیه السلام خواهد بود؛
۲. اراده الهی بر آن تعلق گرفته است که دین حق و اسلام بر دیگر ادیان جهان در روزگار امام مهدی علیه السلام چیره گردد و پرچم اسلام بر بلندای عزت و پیروزی افراشته شود و اراده خدا حتمی و قطعی است و هیچ مانعی نمی‌تواند جلو آن را بگیرد؛
۳. مشرکان و کافران همواره در پی آن بوده‌اند که حضرت مهدی علیه السلام را از میان بردارند و نگذارند آن حضرت رهبری جهان را به دست گیرد ولی هرگز به این آرمان پلید دست نخواهند یافت؛
۴. حکومت امام مهدی علیه السلام و غلبه او بر همه اندیشه‌ها و مکاتب باطل از اهداف بعثت پیامبر اسلام و هدایت‌های آن حضرت است.

— **بقیة الله:** حضرت مهدی علیه السلام ذخیره خدا در زمین است، بر طبق روایات متعددی که عالمان شیعه و سنی نقل کرده‌اند، واژه «بقیة الله» در قرآن به آن حضرت اشاره دارد خداوند می فرماید:

بقیة الله خیر لکم ان کنتم مؤمنین.

بقیة الله (ذخیره الهی) برای شما مردم اگر مؤمن باشید [از هر چیز و هر کس] بهتر است.»

کلینی رحمه‌اله در اصول کافی نقل می کند مردی از امام صادق علیه السلام درباره قائم علیه السلام پرسید که آیا می توان به هنگام سلام دادن او را «یا امیر المؤمنین» خطاب کرد؟ امام صادق علیه السلام فرمود: «نه! این اسمی است که خداوند به امیرالمؤمنین علی علیه السلام داده است.»

پرسید: فدایت شوم، به هنگام سلام دادن به او چه بگوییم؟

فرمود: «همه باید بگویند: «السلام علیک یا بقیة الله» سپس امام علیه السلام این آیه را تلاوت کرد:

بقیة الله خیر لکم ان کنتم مؤمنین.

در روایت دیگری در این باره چنین آمده است: «بقیة الله یعنی مهدی که پس از گذشتن این دوران خواهد آمد و زمین را از عدل و قسط پر خواهد کرد همان گونه که از ظلم و جور پر شده باشد.»

فضل بن شاذان از محمد بن حمران، از امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود:

قائم ما علیه السلام به وسیله رعب در دل دشمن همیشه پیروز است. او با نصرت پروردگار مؤید است. زمین در زیر پایش طی می شود. همه گنج های زمین برای او ظاهر می گردد. خداوند به وسیله او دینش را بر

همه ادیان پیروز می گرداند، اگر چه مشرکان خود ندارند. سلطنت او مشرق و مغرب را فرا می گیرد. در روی زمین ویرانه ای نمی ماند جز این که آباد می شود. حضرت عیسی بن مریم علیه السلام فرود می آید و پشت سر آن حضرت نماز می گذارد.

محمد بن حمران (راوی حدیث) عرض کرد: ای فرزند پیامبر! قائم شما کی خروج می کند؟ امام علیه السلام فرمود:

هنگامی که مردان خود را شبیه زنان سازند و زنان خود را شبیه مردان نمایند، مردان به مردان و زنان به زنان بستده کنند. زن ها بر زنی ها سوار شوند. گواهی زورگویان پذیرفته شود و گواهی عادلان رد گردد. مردم ریختن خون، ارتکاب فحشا، ربا و رشوه خواری را سبک شمارند و اشرار بر اخیار چیره شوند. هنگامی که او ظهور کند پشت خود را به دیوار تکیه دهد، ۳۱۳ تن یارانش در محضر مقدسش گرد آیند و نخستین چیزی که به زبان می آورد این آیه شریفه است:

«بَقِيَّةَ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»

سپس می فرماید:

أَنَا بَقِيَّةَ اللَّهِ وَحِجَّتَهُ وَخَلِيفَتَهُ عَلَيْكُمْ.

من بقیه الله و حجّت و خلیفه خدا بر شما هستم.

نزول عیسی از آسمان و اقتدای او به حضرت مهدی علیه السلام محدثان بزرگ اسلام، بر طبق روایات متعددی که از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نقل شده، اتفاق نظر دارند که به هنگام قیام امام عصر علیه السلام حضرت عیسی از آسمان فرود می آید و در نماز به او اقتدا می کند. تعداد این روایات به اندازه ای زیاد است که گروهی آنها را «متواتر»^۱ دانسته اند.

۱. مقصود از روایات متواتر روایاتی است که به اندازه ای نقل کنندگان آن زیاد باشد که هیچ

بخشی از این روایات در تفسیر این آیه شریف آمده است:

وإن من أهل الكتاب ألا ليؤمننَّ به قبل موته و يوم القيمة يكون عليهم شهيداً.

هیچ کس از اهل کتاب نیست مگر آن که پیش از مرگ وی [عیسی علیه السلام] ایمان خواهد آورد و روز قیامت او بر آنان گواه خواهد بود.

بر طبق روایات رسیده در تفسیر این آیه شریفه، حضرت عیسی علیه السلام از آسمان فرود می آید و به امام زمان علیه السلام اقتدا می کند و همه یهودیان به عیسی ایمان می آورند.

علامه طباطبایی رحمه اله در تفسیر المیزان پس از نقل چند روایت، می نویسد:

«روایاتی که عالمان شیعه و اهل سنت درباره فرود آمدن عیسی از آسمان و اقتدای ایشان به امام زمان علیه السلام نقل کرده اند بسیار زیاد (مستفیض) است.» همان طور که مرحوم علامه طباطبایی نوشته اند بسیاری از محدثان بزرگ اهل سنت این حدیث را نقل کرده اند. به عنوان نمونه این مطلب در صحیح بخاری، صحیح مسلم، عقد الدرر، جامع الصغیر و کنز العمال نقل شده است. در اینجا یکی از آن روایات را مرور می کنیم:

شهر بن حوشب می گوید: حجاج از من پرسید این آیه «و ان من اهل الكتاب...» مری بهت زده و متحیر ساخته است. در پاسخ گفتم: مقصود از آیه آن است که حضرت عیسی علیه السلام پیش از قیامت به دنیا فرود می آید، پس همه یهودیان و غیر آنان (مسیحیان) به او ایمان می آورند و او در نماز جماعت به

تردیدی در صحت و درستی آن باقی نماند. روایات رسیده درباره نزول عیسی از آسمان و اقتدای او به امام زمان را از این قبیل دانسته اند.

حضرت مهدی علیه السلام اقتدا می‌کند. حجاج گفت: این مطلب را از چه کسی آموختی؟ در پاسخ گفتم: این را محمد بن علی بن حسین (امام باقر) علیه السلام برایم روایت کرد. گفت: «سوگند به خدا آنرا از چشمه زلالی آورده‌ای.»
 با توجه به آنچه درباره آیه یاد شده آوردیم نکته‌های زیر از آن استفاده می‌شود.

۱. حضرت عیسی علیه السلام پیش از برپایی قیامت و به هنگام ظهور حضرت مهدی علیه السلام از آسمان به زمین فرود خواهد آمد؛

۲. نزول عیسی علیه السلام برای حمایت از ولی عصر علیه السلام است و در برخی از روایات به نحوه حمایت ایشان از حضرت ولی عصر علیه السلام ارواحنا فداء - اشاره شده است؛

۳. وی پس از نزول از آسمان پشت سر حضرت ولی عصر علیه السلام ارواحنا فداء - نماز خواهد خواند؛

۴. همه یهودیان و مسیحیان در آن هنگام که پرده‌های جهل کنار زده شد و واقعیت‌ها رخ نمود و به او ایمان خواهند آورد.

- حکومت صالحان: انسان‌ها همواره آرزو داشته‌اند که روزی ریشه‌های ستم و ستمگری خشکیده شود و به جای فریب، دروغ، باطل و ظلم، صداقت، درست‌ی، حقیقت و شایستگی به حکومت رسد. قرآن با سخنانی روشن و قاطع توید می‌دهد که باطل و ستمگری در جهان پایدار نخواهد ماند و در نهایت از زمین زخت بر خواهد بست؛

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ.
 أَنَّ فِي هَذَا لِبَلَاغًا لِقَوْمٍ عَابِدِينَ.

همانا ما بعد از ذکر تورات در زبور نوشته‌ایم که زمین را بنندگان شایسته

ما میراث خواهند برد و این سخن ابلاغ روشنی است برای عبادت کنندگان.

این آیه به روشنی نشان می‌دهد که در آینده بندگان شایسته خدا بر همه کوره زمین حکومت خواهند کرد. خداوند با این بشارت بزرگ روح امید را در اعماق جان‌های مؤمنان می‌دمد و در آنها انگیزه برای رسیدن به روز موعود را پدید می‌آورد. اکنون سؤال مهم آن است که در چه زمانی و به دست توانایی چه کسی سباط ستم و باطل بر چیده خواهد شد و حکومت صالحان استوار خواهد گشت؟

در پاسخ به این سؤال باید گفت، بی‌گمان بر پایه روایات اسلامی این توید بزرگ الهی جز روزگار حضرت مهدی علیه السلام به وقوع نخواهد پیوست. از امام باقر علیه السلام در این باره چنین روایت کرده‌اند:

بندگان شایسته خدا که زمین را به میراث خواهند برد و صاحب آن خواهند شد حضرت قائم آل محمد و یاران او هستند.

علامه طبرسی رحمه‌الله در مجمع البیان پس از نقل روایت یاد شده، نوشته است:

«حدیثی که شیعه و سنی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده‌اند این سخن امام باقر علیه السلام را اثبات می‌کند، آن حدیث این است: «اگر از عمر دنیا باقی نماند مگر یک روز، خداوند همان یک روز را آن قدر طولانی کند تا مردی صالح از اهل بیت من بپا خیزد او جهان سرریز از جور و ستم را سرشار از عدالت و دادگستری خواهد کرد.»

استاد شهید مرتضی مطهری رحمه‌الله درباره آیه یاد شده، نوشته است:

منجی موعود در قرآن کریم به صورت یک توید کلی و قطعی در کمال

صراحت بیان شده است: «و لقد كتبنا في الزبور من بعد الذكر أن الأرض يرثها عبادي الصالحون.»

وی در ادامه، افزوده است:

اولاً: فکر بزرگ و وسیع است که سخن از تمام زمین است؛ زمین برای همیشه در اختیار زورمندان، ستمکاران و جباران نمی ماند، این یک امر موقت است. دولت صالحان که بر تمام زمین حکومت کند در آینده وجود خواهد داشت. ثانیاً: در قرآن، جهانی شدن دین اسلام و از بین رفتن تمام ادیان ذکر شده است.

نتیجه آن که:

۱. مسئله مهدویت و حکومت صالحان بر جهان، اندیشه ریشه داری است. خداوند آن را در کتاب های پیامبران پیشین نوشته است؛
۲. حکومت واحد جهانی (حکومت صالحان) روزی تشکیل خواهد شد؛ زیرا کلمه «الأرض» بدون هیچ قید و شرطی آمده است؛
۳. این آیه به دنبال آیاتی که پاداش اخروی مؤمنان را بیان کرده قرار گرفته است و در واقع می خواهد با توید به دادن یک پاداش دنیوی آنها را کامل و جامع کند؛ در واقع توید حکومت جهانی امام عصر علیه السلام و یارانش بر زمین پاداشی است که خداوند به مؤمنان می دهد؛

۴. قرآن درباره فرجام جامعه بشری نگرش مثبت و امیدوارانه دارد؛

۵. بندگان خدا باید بکوشند تا زمینه این حکومت واحد جهانی را به منظور

اجرای عدالت، عبادت، صلاح، فضیلت و حقیقت فراهم آورند.

— استوار سازی عدالت: [اعلموا أن الله يحيي الأرض بعد موتها.]

بدانید که خداوند زمین را پس از مرگش زنده خواهد کرد.

در روایتی در تفسیر این آیه شریفه، امام باقر علیه السلام فرمود:

خداوند با ظهور حضرت مهدی علیه السلام زمین را زنده خواهد کرد؛ بدین سان که حضرت در زمین عدالت را اجرا می‌کند و در نتیجه زمین حیات می‌یابد و اهل زمین نیز پس از مرگ، حیات می‌یابند.

در روایت دیگری آمده که آن حضرت زمین را اصلاح می‌کند پس از آنکه با جور و ستم اهل زمین، مرده است.

بر پایه روایات مختلف، جامعه و زمینی که عدالت در آن پا برجا نباشد، به کالبد بی‌جان می‌ماند که نه تحرکی دارد و نه نشاطی، و هیچ‌گونه خیر و برکتی از آن بر نمی‌خیزد و نمی‌تواند زمینه خوشبختی و سعادت انسان را فراهم آورد. در این آیه شریفه، هم زمین و هم اهل زمین آنگاه که مردم در آن به ستمگری، کفر، ناسپاسی و الحاد روی آورند، مرده و پژمرده و فاقد حیات و نشاط انگاشته شده و حرکت و قیام حضرت مهدی علیه السلام که در زمین پر از جور و ستم، روح عدالت را خواهد دمید به حیات و نشاط زمین تشبیه شده است.

آری! مهدی علیه السلام در کالبد مرده و ستم زده بشر و زمین، روح اصلاح و عدالت را خواهد دمید و به آرزوی دیرینه انسان‌های وارسته و آزادگان تاریخ که همراه در پی عدالت بودند و هزاران تن از آنان در این راه جان باختند، جامه عمل خواهد پوشید.

اوصاف یاران حضرت مهدی علیه السلام

یاران مهدی مؤمنانی هستند که ایمان در اعماق دل‌هایشان ریشه دوانیده و تار و پود وجودشان را فرا گرفته است. آنان طعم شیرین ایمان را چشیده و چهره دلپذیر و نورانی مهدی را دیده و از ژرفای دل و جان به او گرویده‌اند. آن پولادین مردان، زیر بیرق مهدی علیه السلام بر دشمنان خدا می‌تازند و انبوه ستمکاران، منخرفانه قدرت پرستان و فریب‌کاران را به خاک سیاه نشانیده و در این راه از سرزنش ملامت گران نهراسیده و زمینه حکومت خورشید آل محمد صلی الله علیه و آله را فراهم می‌آورند.

بر طبق دسته‌ای از روایات، آیه زیر به اوصاف یاران حضرت مهدی علیه السلام اشاره دارد:

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ.

ای مؤمنان، هر کس از شما از دین خود برگردد [زیانی به دین خدا نخواهد رسید زیرا خداوند دین خود را بی‌یاور نخواهد گذاشت.] به زودی خدا مردمی پدید خواهد آورد که آنان را دوست می‌دارد و آنان او را دوست می‌دارند. آنان با مؤمنان فروتن و نرم خو خواهند بود و با کافران با عزت و سرافراز در راه خدا جهاد می‌کنند و از سرزنش هیچ ملامتگری نمی‌ترسند. این فضل خداست، آن را به هر کس بخواهد می‌دهد و خدا گشایبگیر و داناست.

روایات مختلفی از راویان شیعه و اهل سنت این آیه را درباره اوصاف

اصحاب امام زمان علیه السلام دانسته‌اند.

امام باقر علیه السلام پس از اشاره به این نکته که شمشیر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نزد مهدی است، فرمود: به خدا سوگند اگر اهل آسمان و زمین همدست شوند که این امر را از جایگاهی که خداوند معین فرموده تغییر دهند، نخواهد توانست. اگر همه مردم کافر گردند و از حق روی پرتابند و حتی یک نفر بر راه راست نماند، خداوند قیام مهدی را با مردانی که شایسته و سزاوار یاوری ایشانند رقم خواهد زد. آن‌گاه حضرت فرمود: مگر نشنیده‌ای که خداوند می‌فرماید: ای کسانی که ایمان آورده‌اید هر کدام از شماها از دین خود باز گردید خداوند به زودی مردمی را که دوست می‌دارد و آنان نیز خداوند را دوست می‌دارند در برابر مؤمنان فروتن و در مقابل کافران سرفراز و مقتدرند، بر خواهد انگیخت [اسلام را یاری خواهد کرد].

علی بن ابراهیم قمی در تفسیر خود نوشته است:

این آیه در باره قائم و اصحاب او نازل شده است.

با توجه به روایاتی که در تفسیر و تأویل آیه یاد شده آمده است، نکته‌های

زیر از آن استفاده می‌شود:

۱. پشت کردن به اسلام زیبایی به آن نمی‌رساند و دین خداوند همچنان راه خود را ادامه خواهد داد و گسترش خواهد یافت.

۲. یاران حضرت مهدی علیه السلام خداوند را همواره دوست دارند و خداوند نیز

آنان را دوست می‌دارد.

۳. یاوران حضرت مهدی علیه السلام در برابر مؤمنان نرم خو، خوش رفتار،

متواضع و فروتنند و در برابر کافران سرفراز، با صلابت، سخت‌گیر و بی‌گذشت.

۴. جهاد در راه خدا و نه‌راسیدن از سرزنش دشمنان ملامتگر از دیگر

ویژگی‌های یاران حضرت مهدی است.

۵. خداوند متعال به مؤمنان بشارت می‌دهد که دین خود را با یسعی مجاهد مردانی نستوه، با صلابت در برابر کافران و قروتن در مقابل مؤمنان و بی‌پاک از ملامت دشمنان، اعتلا خواهد بخشید و به پیروزی خواهد رسانید و این مردان همان یاوران حضرت مهدی علیه السلام که هنوز نیامده‌اند.

۶. ما باید بکوشیم تا آنجا که ممکن است یاوران حضرت مهدی را الگویی خود قرار دهیم و اوصاف آنان را در خود پدید آورده و استوار سازیم و در این راه از سرزنش بیگانگان و ملامتگران نهراسیم تا خداوند ما را دوست بدارد و زمینه موفقیت‌های بیشتری برای ما فراهم آید.

مهدویت و تشیع

رضوان انباز

زهرا اعتبار

چکیده

جهان به سمت تکامل حرکت می‌کند و از دیدگاه انسانی این تکامل به دست یک ابرمرد و یک ابرقدرت مهیا خواهد شد. هر روز بیشتر از دیروز وجود او را الزامی و آمدنش را واجب‌تر حس می‌کنیم. شیعه به نسبت ادیان دیگر این مرد را بهتر می‌شناسد: حضرت «م ح م د» با کنیه ابوالقاسم، هم نام و هم کنیه جدش رسول خدا ﷺ و معروف‌ترین لقبش، مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، فرزند امام حسن عسکری علیه السلام از فرزندان امام حسین علیه السلام نوه حضرت محمد صلی الله علیه و آله است. آیات قرآنی و احادیث فراوانی چه از اهل سنت و چه شیعه وجود ایشان، آمدنش، انتسایش به حضرت محمد صلی الله علیه و آله و چگونگی غیبت او را تأیید می‌کنند.

شیعه نسبت به پیروان سایر ادیان در زمان غیبت مسئولانه‌تر برخورد می‌کند و وظایف سنگینی را بر دوش می‌گذارد به طوری که در زمان ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف عده کمی از افراد بر دین خود استوار می‌مانند. یکی از مسائل مهم در این دوران مشخص نبودن زمان ظهور است. پایداری بر دین و تقوی و کمک به ولایت از اهم وظایف ایشان است. کلینی در کتاب کافی از امام صادق علیه السلام روایت نموده است که فرمود: «روزی پیامبر را شاد و خندان دیدند، پرسیدند یا رسول الله خداوند شما را شادمان کند، علت مسرت شما چیست؟ فرمود: شب و روزی نیست جز این که خدایم ارمغانی می‌فرستد. همین امروز خداوند ارمغانی برایم فرستاده که هیچ تحفه و ارمغانی مانند آن به من عطا نفرموده بود. جبرئیل نزد من آمد و از جانب پروردگارم سلام رساند و گفت: ای محمد! خداوند عزوجل از میان پنی هاشم هفت تن را برگزیده که در گذشته و آینده نیافریده و نخواهد آفرید. یا رسول الله نخست تو هستی که سرور انبیا

می‌باشی، دوم علی بن ایطالب جانشین تو است که سرور اوصیاء است، سوم و چهارم حسن و حسین دو سیط تو است که سرور اسباط هستند، پنجم عمویت حمزه سیدالشهداء، ششم جعفر پسر عمویت که در بهشت با دو بال هر جا خواهد با فرشتگان پرواز کند و هفتم قائم شماست که چون عیسی بن مریم به زمین فرود آید پشت سر او نماز گزارد و او از نسل علی و فاطمه و از اولاد حسین است.»

مهدی برای پایه‌ریزی یک حکومت جهانی خواهد آمد تا عدل را برقرار کند و جهان از بودنش متنعم گردد.

مقدمه

«مهدی» یعنی هدایت شده و آنچه مسلم است یک هدایت شده می‌تواند هدایتگر باشد، یک مهدی می‌تواند یک هادی هم باشد.

خداوند عادل است و به همین سبب انسان آفریده شده را قبل از نشان دادن صراط‌رها نخواهد کرد و از عدل خدا به دورتر است که انسان را بدون نشان دادن صراط‌رها کند. پس آنچه مسلم است ما رها شده نیستیم.

از خلقت که شروع کنیم خداوند اولین انسان خلق شده را یک پیامبر آفرید تا انسان از هدایت محروم نباشد و چقدر زیبا هر چه انسان بزرگ‌تر شد و قدرت درک و فهم بالاتری یافت جهان را با بلوغ بیشتری دید و از آنچه خداوند خلق کرده بود، بیشتر فهمید. و آنگاه که انسان برای یافتن راه تکامل و فهمیدنش لایق شد، ختم رسال به بعثت رسید.

و وعده داده شد که پس از او کسی برای ارسال پیام او به آدم فرستاده نخواهد شد. اما این بدان معنا نبود که راهنمایی هم نخواهد فرستاد. امامان ادامه دهندگان راه رسولانند و خداوند که قولش حجت است، زمین را از راهنما و هادی خالی نخواهد گذاشت و این یک بشارت است برای جویندگانی که هر لحظه فرصت یافتن دارند. بشریت همیشه به دنبال سعادت بوده و هست و می‌دانیم که چه راه‌های متعددی را برای رسیدن به آن تجربه کرده است. همیشه راه درست اسان‌ترین راه نیست آن سان که حقیقت، اسان به دست نمی‌آید.

در عصری که حجت خدا در زمین مانند خورشیدی که پشت ابر است پنهان شده، گاهی برای پی بردن به وجودش و پی بردن به ذره‌ای از معرفتش انسان سردرگم و حیران می‌ماند. بعضی او را نخواهند یافت و بعضی هر لحظه با او بند. این یکی از بزرگ‌ترین معجزات خداوند به نظر می‌رسد. حجتی که

دوازدهمین امامان است بخاطر شرایط جامعه زمانش مجبور به غیبت می‌شود و خدا عمرش را آنقدر طولانی می‌کند تا زمینه برای آمدنش فراهم شود. خدا نعمتی را از انسان گرفت و به او پس نمی‌دهد تا منتظرانه و مضطربانه و خالصانه او را بخواند ولی از روی رحمتش او هست هر چند غایب. او و برکت وجودش مانند سایه‌ای بر سر اهل زمین است.

گاهی باید حضورش را در ذره ذره وجود موجودات حس کرد که اگر غیر از این باشد مانند بستن پنجره‌ای است که تنها راه ورود نور و هواست به اتاق! این اتاق کوچک با تمام افراد انسانی‌اش تا کی خواهد توانست بدون نور و هوا باقی بماند؟ این ارواح محکوم تا کی پنجره را بسته نگه خواهند داشت؟ و تاریخ با همه رویدادهایش حتی با پنجره بسته، همیشه سخن از هوای تازه می‌زند و در عصر اخیر که انسان برای زیست جای بهتری را می‌طلبد برای گشودن پنجره بسته نیم خیز شده و هوای تازه به درون وزیدن نخواهد گرفت مگر انسان فردا قیام کند بپاخیزد و پنجره را بگشاید تا هوای تازه بوزد، وعده داده شده که از آن پس زیست حقیقی آغاز خواهد شد.

هر کس از این هوای تازه توصیفی دارد، شیعه به مراتب زیباتر از دیگر انسان‌ها او را توصیف می‌کند. او را مهدی می‌خواند با همان نام و کنیه پیامبر صلی الله علیه و آله. و دعا می‌کند برای آمدنش و حتی دعا می‌کند برای قیام جهان و برای گشوده شدن پنجره تمام ارواح بشر.

مهدویت و تشیع

«شیعه» در لغت به معنای پیرو است و شیعیان همان پیروانند. شیعه اعتقاد به امامت دوازده معصوم پس از خلافت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دارد که دوازدهمین فرزند ایشان هم نام و کنیه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است و زنده ولی غایب است که روزی ظهور خواهد کرد.

شیعه از عوامل تاریخی به وجود نیامده است بلکه برنامه تمام عیار اسلام است و از معتقدات مسلمانان از مبداء تا معاد ناشی می شود.

از روایت معروف و متواتر حضرت محمد صلی الله علیه و آله اصول اعتقادی شیعه در جایجایی رهنمودهای پیامبر وجود دارد. مبداء تا معاد ناشی می شود.

از روایت معروف و متواتر حضرت محمد صلی الله علیه و آله اصول اعتقادی شیعه در جایجایی رهنمودهای پیامبر وجود دارد.

کسی که بمیرد و امام زمانش را نشناخته باشد به مرگ جاهلیت از دنیا رفته است.

فکر شیعی در همان سال های ظهور اسلام بر اساس متون اصلی آن پی ریزی شد. ولی در آن عصر در برابر تفکر شیعی فکر و مخالفی قرار نگرفته بود لقب شیعه به پیروان حضرت علی علیه السلام در همان عصر توسط شخص پیامبر داده شد. پیامبر پیروان مخلص او را شیعه نامیده ولی این کار موجب تقسیم مسلمانان به دو گروه شد. زیرا افرادی که پس از رحلت پیامبر مخالفت خود را اعلام کردند قبل از آن واقعه مخالفت نکرده بودند.

اصل دیدگاه شیعه در مورد جانشینی پیامبر مطلبی است که در زمان آن حضرت به دستور خدا و به وسیله شخص پیامبر به همه مردم حتی کسانی که بعدها جریان سقیفه را به وجود آوردند شادی کردند و ضمن بیعت آنرا تبریک

گفتند و در آیات ۳ و ۴ سوره نجم آمده است.

هرگز پیامبر از روی نفس سخن نمی‌گوید [آنچه می‌گوید] چیزی جز
وحي نازل شده نیست.

امام صادق علیه السلام تفکر اصیل شیعه را به همگان شناساند وی با تأسیس آن
مدرسه بزرگ عملی، مردم را با حقانیت راستین اسلام آشنا ساخت این به آن معنا
نیست که امام صادق علیه السلام بنیان‌گذار تفکر شیعی هستند چون تفکر شیعی در
عصر پیامبر صلی الله علیه و آله به طور منسجم و مشخص بود و احادیث متواتر و ارشادات
روشن‌گرایانه پیامبر کم و کیف آن را مشخص کرده بود و گذشت زمان و وقوع
حوادث در تکمیل آن هیچ‌گونه دخالتی نداشت. البته این امر در تبلیغ، ترویج و
آن در گذشته در دوره‌های بعدی و ویژه در عهد امام صادق علیه السلام و امام باقر
علیه السلام مؤثر بوده و یکی از علل پیروزی تفکر شیعی در مسئله امامت این بود که
مردم در دوره حاکمیت بنی امیه اعمال و رفتارهایی را از مدعیان جانشین پیامبر
مشاهده کردند که با هیچیک از احکام و اصول اسلامی همخوانی نداشت.

مواضع شیعه همیشه بر اساس حفظ مصالح اسلام و بقای دین و تقی
مشروعیت حکومت‌های ستمگر و غاصب بوده و در تبیین مفاهیم شریعت تنها
تابع نصوص کتاب و سنت است و اعتقاد به ظهور حضرت مهدی علیه السلام با
اوصاف گفته شده که در نصوص اولیه اسلام مطرح شده است و بر حسب
احادیث متواتر، پیامبر از این واقعه مبارک خبر داده‌اند و به معنای آن نیست که
یک مفهوم استنباطی از مضمون احادیث است. چون اهل ایمان بنا استناد
مستقیم به همین روایت با صراحت از ظهور مهدی و علائم آن خبر گرفته‌اند.
وقتی که معلوم شد مبنای پیدایش این عقیده بشارت‌های علی و نصوص و
متون روایی است می‌توان گفت اوضاع و رویدادهای تاریخی که بعد از پیامبر

رخ داد در پیدایش آن نقش نداشته است زیرا مبدأ این اندیشه عصر رسالت است. ظهور یک منجی در همه ادیان بشارت داده شده اما در هیچ دینی آنچنان که شیعه از مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نشانه دارد از منجی شناخت ندارد.

اصولاً ظهور یک منجی برای روشن کردن آینده بشری لازم به نظر می‌رسد. از آنجا که نظام آفرینش دلیلی بر پذیرش یک نظام صحیح اجتماعی در آینده و در جهان انسانیت خواهد بود واکنش‌های اجتماعی نشان می‌دهند وضع کنونی جهان آستن انقلابی است. و دلیل دیگر تمایل به تکامل جوامع است که از فطرت کامل طلب درون انسان‌ها ناشی می‌شود اصولاً یک مسئله که در تمام ادیان این همه عمومیت پیدا می‌کند نشانه نیازمندی بشریت به آن مطلوب را می‌رساند و دلیلی دیگر بر این پیش‌گویی تاریخی است. از طرف دیگر الزام اجتماعی حکم می‌کند که وضع زندگی بشر هنوز باید کلافه‌تر از این که هست بشود تا به محض شنیدن صدای مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف او را بشناسد و به احترام او قیام کند.

مهدویت و انتظار قرن‌هاست که با هم عجین شده‌اند و انتظار یا آینده‌نگری همیشه در تشیع یک اصل اساسی برای تمام لحظات زندگی یک پیرو حقیقی است. انتظار اکنون در همه جوامع یک حس مشترک ایجاد کرده است. همه منتظرند تا منجی موعود بیاید و جهان را از این منجلاب خودساخته بشری برهاند و این حس مشترک به خاطر فطرت مشترک انسان‌هاست. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

هر یک از شما در حال انتظار و ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بمیرد همچون کسی است که در خیمه آن حضرت در کنار او جهاد کند.

از دیدگاه شهید مطهری انتظار بر دو قسم است:

۱. انتظار سازنده و نگهدارنده و تعهدآور.

۲. انتظار گناه‌آلود و ویرانگر و اسارت‌بخش و فلج‌کننده که در فرهنگ اهل

بیت علیه‌السلام این نوع انتظار صند در صند خلاف عقل و دین است و تلاش و

انتظار فعال راه درست است و باید به نهایت درجه‌ی خلوص رسید و در این

بحث مرحوم شیخ صدوق از امام صادق علیه‌السلام نقل کرد که:

ظهور فرج محقق نخواهد شد مگر اینکه یکی از شقی و سعید به نهایت

کار خود برسند.

مهدی عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف فرزند امام حسن عسکری علیه‌السلام و از یک

مادر رومی مسیحی است و از این جهت مهدی از اقوام غرب و شرق دنیا است که

در سپیده‌دم جمعه نیمه شعبان سال ۲۵۵ ق. در شهر سامرا به صورت پنهانی به

دنیا آمد. مهدی هم‌نام آخرین رسول خداست این هم‌نامی را تشابه این دانسته‌اند

که باز هم محمدی دنیا را از تاریکی به سوی روشنایی هدایت می‌کند. القاب

مشهور ایشان مهدی، قائم، منتظر، حجت، خلف صالح، بقیه‌الله، منصور،

صاحب‌الأمر، ولی‌عصر، صاحب‌الزمان است.

مفهوم لفظ مهدی مفهومی عام است که در عرف و لغت به کار بردن آن به هر

فرد که خدا او را هدایت کرده باشد جایز است یعنی می‌تواند مصداق پیامبر و

امامان باشد و حتی می‌تواند به غیر از انسان هم اطلاق شود و هم به استناد آیه

۵۰ سوره طه:

پروردگار ما همان کسی است که به هر موجودی آنچه را لازمه‌آفرینش

او بوده داده، سپس هدایت کرده است.

به این حالت در بررسی موارد کاربرد این کلمه نتیجه می‌شود، هدایت اغلب

در افرادی که هدایت خدا در آنها مؤثر بوده به کار می‌رود و به واسطه توفیق و

عنایت او نتیجه بخش شده به کار می رود بر حسب اخبار معتبر مهدی لقب همان موعود آخر الزمان است که حتی نسبت و اوصاف او در احادیث معتبر اشاره شده که آن جز فرزند امام حسن عسکری علیه السلام نیست.

و درباره اینکه مادر ایشان کیست باید گفت دختر پسر قیصر روم است و از جهت مادری به شمعون از حواریون حضرت مسیح علیه السلام برمی گردد با نام «ملیکا» و بعد به او اسم های نرجس، ضیقل، سوسن و ریحانه نیز داده شد. مادر مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان یک اسیر جنگی به عراق آورده شد و با نام یک کنیز در خانه حضرت امام هادی علیه السلام تعلیم دید تا مصلح دنیا، تمام طبقات جامعه های انسانی را در هم بشکند.

از زمان تولد امام تا زمان شهادت پدر بزرگوارشان پنج سال بود که حضرت مهدی علیه السلام به طور پنهانی زندگی می کردند و ایشان پس از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام ردای امامت را به تن کرد و به سبب شرایط حکومتی و خفقان جامعه، غیبت صغری به مدت هفتاد سال آغاز شد. محمد بن عثمان عمری، ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی و ابوالحسن علی بن محمد سمری نمایان خاص امام بودند. و پس از نائبان اربعه، امام توقیعی نوشتند که طی آن دیگر نایب خاصی نخواهند داشت و غیبت کبری آغاز شد.

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می فرماید: اگر شیعیان ما بر روی پیمانی که بر دوش دارند هم عهد و استوار می شدند دیدار ما از آنها صلب نمی شد. و این یعنی اینکه آینده روشن مهدی علیه السلام در روایات شیعه است و او باز خواهد گشت.

عقیده به یک مصلح جهانی به نام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در بین جهان اسلام و به خصوص شیعه امامیه موج گسترده ای دارد و به عنوان

ضروریات مذهب شناخته شده است و کتب زیادی در این باره نگاشته شده است. این کتب بر اساس روایات و احادیثی است که جمع آوری شده است. شمار این احادیث بدین ترتیب است:

۹۱ حدیث که نشان می دهد ائمه دوازده تن اند که اولین آنها علی علیه السلام و آخرین آنها مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

۳۸۹ حدیث که بیان می کند مهدی از خاندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است.

۲۱۴ حدیث که مسلم می دارد مهدی از دودمان علی علیه السلام است.

۱۹۲ حدیث که نشان می دهد او از فرزندان فاطمه سلام علیها است.

۱۴۸ حدیث که پیام می کند او نهمین فرزند حسین علیه السلام است.

۱۸۵ حدیث که می گوید او از فرزندان امام زین العابدین علیه السلام است.

۱۴۶ حدیث که مسلم می کند او فرزند امام حسن عسکری علیه السلام است.

۱۳۶ حدیث که می گوید او امام دوازدهم و آخرین امام است.

۳۱۸ حدیث که نشان می دهد او عمر طولانی دارد.

۲۱۴ حدیث که درباره ی ولایت آن حضرت است.

۹۱ حدیث درباره ی غیبت طولانی ایشان است.

۶۵۷ حدیث که بشارت ظهور آن سرور را داده است.

۱۲۳ حدیث که می گوید شخص مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف جهان را

بر از عدل و داد می کند و ۴۷ حدیث که بیان می کند دین اسلام به وسیله او جهانگیر می شود.

از مهدی در احادیث قدسی نیز سخن به میان است و در بحار الأنوار آمده که پیامبر فرمودند:

چون در شب معراج مرا به آسمان هفتم و از آنجا به سدره منتهی و از آنجا به حجاب‌های نور بردند، پروردگارم ندا کرد که: ای محمد! تو بنده من و من پروردگار توام. پس خود را در برابر من کوچک شمار و مرا پرستش کن و بر من توکل نما و به من اعتقاد داشته باش زیرا من دوست دارم که تو بنده و حبیب و رسول و پیامبر من باشی و برادرت علی جانشین و باب مدینه علم تو باشد. او حجت من و پیشوای بندگان من است که به وسیله او دوستان من از دشمنانم شناخته گردند و هم به وسیله او حزب شیطان از حزب الله تمیز داده می‌شود. دین من به وجود او پایدار و حدود آن محفوظ و احکامش جاری می‌گردد. به خاطر تو و او و امامان از اولاد تو، به مرد و زن بندگانم ترحم می‌کنم و به وسیله قائم شما زمین خود را با تسبیح و تقدیس و تهلیل و تکبیر و تمجید ذات مقدسم آباد کنم و از وجود دشمنان پاک گردانم و شهرها و بندگانم را از علم خود باخبر کنم و گنج‌ها و اندوخته‌ها را آشکار سازم و او را بر اسرار و ما فی الضمیر هر کس مطلع گردانم و با نیروی فرشتگانم مدد کنم تا فرمان مرا اجرا کند و دینم را رواج دهد و ولی بر حق من و مهدی حقیقی بندگان من است.

و باز هر کدام از امامان معصوم احادیثی درباره ایشان نقل کرده‌اند که در ذیل تمام احادیث آمده ولی شمار این احادیث اهمیت زنده‌نگه داشتن یاد برای پذیرش آمدن منجی در یک دوران حساس مشخص می‌شود:

امام علی علیه السلام: ۵۱ حدیث، امام حسن علیه السلام: ۵ حدیث، امام حسین علیه السلام:

۱۴ حدیث، امام زین‌العابدین علیه السلام: ۱۱ حدیث، امام باقر علیه السلام: ۶۳ حدیث،

امام صادق علیه السلام: ۱۲۴ حدیث، امام موسی بن جعفر علیه السلام: ۶ حدیث،

امام رضا علیه السلام : ۱۹ حدیث، امام جواد علیه السلام : ۶ حدیث، امام هادی علیه السلام :
 ۶ حدیث، امام حسن عسکری علیه السلام : ۲۲ حدیث.

به نظر می آید سخن راجع به منتجی عالم از سخت ترین حوضه های دینی و
 اجتماعی است. از این رو مستندترین و منظمترین اخبار درباره ایشان از
 بزرگان دین است. رسول خدا می فرماید:

روز قیامت فرا نمی رسد مگر این که از بین ما قائم حقیقی قیام نماید و
 آن قیام زمانی خواهد بود که خدای عز و جل او را اجازه فرماید. هر
 کس پیرو او باشد نجات می یابد و هر که از فرمانش تخلف ورزد هلاک
 شود. ای بندگان خدا، خدا را پر شما یاد که به نزدش آید اگر چه بر
 روی یخ و برف برود زیرا او خلیفه خدای عز و جل و جانشین من
 است.

امام علی علیه السلام به امام حسین علیه السلام می فرماید:

نهمین فرزند تو ای حسین! قیام کننده به حق و آشکار سازنده دین و
 گستراننده عدالت است. امام حسین علیه السلام می گوید: پرسیدم یا
 امیرالمؤمنین آیا حتماً چنین خواهد شد؟ فرمود: آری! قسم به کسی که
 حضرت محمد صلی الله علیه و آله را به پیامبری برانگیخت و او را بر تمام خلائق
 برگزید چنین خواهد شد امام بعد از غیبت و حیرتی که در آن کسی
 ثابت قدم بر دین نمی ماند مگر مخلصین و دارندگان روح یقین، آنان که
 خداوند نسبت به ولایت ما از آنان پیمان گرفته و ایمان را بر صفحه
 دلشان نگاشته و با روحی از جانب خود تأیید فرموده است.

حضرت زهرا سلاما.. علیها فرمود:

رسول خدا به من فرمودند: ای فاطمه! تو را بشارت یاد به این که

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از نسل توست.

امام حسن علیهما السلام فرمود:

هیچ یک از ما اهل بیت نیست مگر این که بیعتی از طاغوت زمانش را به اجبار بر عهده دارد مگر حضرت قائم که عیسی بن مریم - روح الله - پشت سر او نماز می‌گزارد. خداوند ولادت او را مخفی می‌دارد و شخص او را از دیدگان، غایب می‌گرداند تا بیعت هیچ کس را بر گردن نداشته باشد.

امام حسین علیهما السلام می‌فرماید:

دوازده هدایت شده هدایتگر از بین ما هستند اولین آنان امیرالمؤمنین و آخرین آنان نهمین فرزند من است که پیشوای قیام کننده به حق خواهد بود و خداوند به وسیله او زمین را پس از مردنش زنده می‌کند و به دست او دین حق را بر تمامی ادیان پیروز سازد گرچه مشرکان را تاخوشایند باشد.

امام زین العابدین علیهما السلام می‌فرماید:

برای غایب ما دو غیبت است یکی از آن طولانی‌تر از دیگری و آن قدر طول خواهد کشید که اکثر معتقدین به ولایت از او دست خواهند کشید در آن زمان کسی بر امام و ولایت او ثابت قدم و استوار نمی‌ماند مگر آنکه ایمانش قوی و شناختش درست باشد و در نفس خویش نسبت به حکم و قضاوت ما هیچ گرفتگی و کراهتی احساس نکند و تسلیم ما اهل بیت باشد.

امام باقر علیهما السلام می‌فرماید:

مراد از آیه شریفه «فلا أقسم بالخنس الجوار الكنس»^۱ آن است که: مولودی در آخر الزمان است که همان مهدی از این خاندان است او را حیرت و غیبتی است که در آن گروه‌هایی گمراه شوند و گروه‌هایی دیگر هدایت پذیرند. خوشا به حال آنان اگر او را درک کنند.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

همانا برای صاحب این امر غیبتی هست پس بنده خدا در آن دوران باید تقوای الهی پیشه کند و به دینش چنگ زند.

امام موسی کاظم علیه السلام فرمود:

صاحب این امر رانده شده تنها، غریب و دور از اهل جایگاه پدر خویش می‌باشد.

امام رضا علیه السلام فرمود:

و بعد از امام عسکری علیه السلام فرزندش حضرت حجت قائم، امام خواهد بود. آن کسی که در دوران غیبت خود مورد انتظار و در زمان ظهورش مورد اطاعت مؤمنان است. اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، خدا همان روز را آنقدر طولانی کند که قیام فرماید و زمین را از عدالت پر کند چنان که از ستم پر شده باشد.

امام جواد علیه السلام درباره این که چرا مهدی، منتظر نامیده شده فرمود:

او را غیبتی هست که زمانش زیاد است و پایش به طول می‌انجامد. پس مخلصین، چشم انتظار قیام او می‌مانند و شک کنندگان، به انکار او برمی‌خیزند و منکرین، به استهزای او می‌پردازند و تعیین کنندگان وقت ظهور، مورد تکذیب قرار می‌گیرند و عجله‌کنندگان در آن، هلاک

می شوند و تسلیم شدگان، نجات می یابند.

امام علی علیه السلام می فرماید:

زمانی که صاحب و امام شما از دیار ستمگران غائب گشت چشم انتظار

فرج باشید.

امام حسن عسکری علیه السلام می فرماید:

کسی که فرزندم را انکار کند مانند کسی است که تمام پیامبران و رسولان

الهسی را قبول داشته باشد اما نبوت حضرت

محمد صلی الله علیه و آله را انکار کند و انکار کننده رسول الله مانند کسی است که

همه انبیا را انکار کند. چون اطاعت آخرین امام ما به منزله اطاعت

اولین امام است و منکرین آخرین امام ما به منزله منکرین اولین امام

است.

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمود:

من باقیمانده‌ای از آدم و ذخیره نوح و برگزیده ابراهیم و خلاصه محمد

- که درود خدا بر همگی آنان باد - هستم.

شیعیان به منظور تعیین وقت ظهور در زمان غیبت کبری امتحان می شوند.

چنان که شیخ طوسی در کتاب غیبت از فضیل بن یسار روایت نموده که گفت، از

امام محمد باقر علیه السلام پرسیدم: آیا ظهور صاحب الزمان وقت معینی دارد؟

فرمود:

آنها که وقت آن را تعیین می کنند دروغ گفتند. دروغ گفتند، دروغ گفتند.

فقط علائمی آمده که ظلم و ستم فراگیر می شود، ظهور دجال و سفیانی

و ندای آسمانی؛ اینها از علائم مسلم ظهور مهدی

عجل الله تعالی فرجه الشریف هستند.

بر حسب آنچه نویختی در کتاب‌های فرق شیعه نوشته، شیعه‌ها بعد از امام حسن عسکری علیه السلام به چهارده فرقه تقسیم شده‌اند اما به نظر می‌رسد که در این نظریه مبالغه شده زیرا وی و سایر مؤلفان کتاب‌های مربوط به فرق، همه آراء و نظرات مختلف که پیدا شده، به اسم فرقه جمع‌آوری کرده‌اند و چه بسا از فرقه‌هایی یاد کرده‌اند که به کاربردن تعبیر فرقه و گروه در مورد آنها صحیح نیست. شیخ مفید و شیخ طوسی نیز به همین گونه نظر داده‌اند.

انتظار فرج کشیدن در زمان غیبت کبری، باعث مدح شیعیان است چنانچه صفار در کتاب **بصائر الدرجات** از ابوبصیر و او از امام محمد باقر علیه السلام روایت نموده که پیامبر صلی الله علیه و آله روزی در جمعی از اصحاب دو بار فرمود:

خداوندا برادران مرا به من بنمایان. اصحاب عرض کردند: یا رسول الله! مگر ما برادران شما نیستیم؟ فرمود نه. شما اصحاب من هستید. برادران من مردمی در آخر الزمان هستند که به من ایمان می‌آورند. با اینکه مرا ندیده‌اند خداوند آنها را با نام پدرانشان، پیش از آنکه از صلب پدران و رحم مادرانشان بیرون بیایند، به من شناسانده است. ثابت ماندن یکی از آنها بر دین خود از صاف کردن درخت خاردار با دست در شب ظلمانی دشوارتر است و یا مانند کسی است که پاره‌ای از آتش چوب درخت نخضا را در دست نگاه دارد آنها چراغ‌های شب تار می‌باشند. پروردگار، آنان را از هر فتنه تیره و تاری نجات می‌دهد.

وظیفه شیعیان در زمان غیبت کبری:

۱. تمسک به ریسمان ولایت: امام صادق علیه السلام فرمود: «زمانی بر مردم

فرارند که پیشوایشان غائب گردد»

زراره پرسید، در آن زمان مردم چه می‌کنند؟

فرمود: «به همان امر ولایتی که دارند چنگ می‌زنند تا برایشان تبیین شود.»

۲. تمسک به تقوی: امام صادق علیه السلام فرمود: «به یقین اصحاب این امر را

غیبتی است پس هر بنده‌ای باید به تقوای الهی روی آورد و به دینش چنگ زند.»

۳. طلب معرفت: امام صادق علیه السلام در حدیثی به زراره درک کردن مهدی را

این گونه میسر می‌داند:

الف) معرفت‌ها را باید از خدا طلبید.

ب) شناخت پیامبر تابع شناخت خدا و شناخت حجت متفرع بر شناخت

پیامبر است.

ج) اگر چه بدون شناخت خدا و پیامبر شناخت حجت ممکن نیست اما

گمراهی از دین در اثر عدم شناخت حجت لازم می‌آید به عبارت دیگر عدم

گمراهی از دین بدون شناخت حجت ممکن نمی‌شود.

۴. تقیه به عنوان سلاح مقاومت: شیخ مفید در کتاب **اختصاص** روایت

می‌کند که راوی می‌گفت: به امام جعفر صادق علیه السلام عرض کردم: ما بهتر هستیم

یا اصحاب قائم؟ فرمود: «شما بهتر از اصحاب قائم هستید زیرا شما از دولت‌های

ظالم، شب و روز بر جان امام خود و خودتان هراسان می‌باشید. اگر نماز

می‌خوانید با حالت تقیه است و اگر روزه‌ای می‌دارید باز در تقیه است و اگر حج

می‌کنید آن هم در تقیه است و اگر هم در محکمه شرع و حضور قاضی گواهی

دهید (به جرم شیعه بودن) گواهی شما پذیرفته نیست.» و از این قبیل چند چیز

دیگر شمرد سپس عرض کردم: وقتی این طور باشد چه آرزویی به دیدن قائم

دارید؟ فرمود: «سبحان الله! نمی‌خواهی عدالت آشکار شود و راه‌ها امن شود و

مظلوم مورد ترحم قرار گیرد؟»

اما تقیه، هرگز به معنای دم فرو بستن و بی تفاوت ماندن و به مصلحت

اصطلاحی رفتار کردن و نان به نرخ روز خوردن نیست. بلکه امام صادق علیه السلام در تفسیر آیات ۹۵ تا ۹۷ سوره کهف فرمودند:

تقیه، چاره‌ای برای در امان ماندن از دشمن مقتدر و فرصتی برای قدرت یافتن خویش است تا نیروها بیهوده هدر نرود و در موقع مناسب توان ضربه زدن به دشمن پیدا شود.

۵. انتظار آگاهانه: امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «ای ابوبصیر! خوشا به حال شیعیان قائم ما که در دوران غیبت او در انتظار ظهورش به سر می‌برند و در دوران ظهورش به اطاعت از او روی می‌کنند. آنان اولیای خدا هستند که هیچ ترسی و اندوهی برایشان نیست.»

۶. حزن و اندوه بر مصائب غیبت و دعا برای ظهور: امام مهدی عجل الله فرجه الشریف می‌فرماید: «برای تعجیل فرج زیاد دعا کنید زیرا همین دعا کردن، فرج و گشایش شماست.»

مهدی فواید فراوانی از احادیث شیعه و بالاتر از خواست امت اسلام، بلکه به خاطر فطرت همه بشریت و برای شالوده‌شکنی موقعیت انسان و با قلم عدل و معرفت و شمشیر ضمانت‌کننده آن و برای باز کردن راه تنفس و بلکه تعقل بشر به عنوان یک شوک بزرگ تاریخی برای ایجاد یک آرمان شهر اسلامی برای جمع دنیا و آخرت با هم می‌آید. مهدی، جان و عقل جهان است. مهدی برای آزادی بشریت از چنگ تمام ایدئولوژی‌های انسانی و شالوده‌شکنی سنت و مدرنیسم و پست مدرنیسم می‌آید و مهدی برای قیامش بر شعور بشر حساب می‌کند.

نتیجه

اگر مسیحی اعتقاد دارد روح الله به خاطر گناهان بشریت به صلیب کشیده شد و قربانی گشت، در تشیع، مهدی به خاطر زجر گناهان انسانیت امروز، هر

لحظه رنجور خواهد شد. اگر مسیح یک بار بر صلیب رفت، صلیب و مهدی هر روز به خاطر افراد انسانی خونین خواهد شد.

اگر امروز هر کس از هر دینی به امید روز موعود، پاکی راستایش می کند و سعی می کند پاک باشد، شیعه باید به خاطر وعده مسلمی که داده شده و به خاطر منجی که می شناسدش و می داند اگر با اخلاص صدایش کند او می شنود و اگر به مصلحت باشد، اجابت می کند و به خاطر ناظری که پیروانش هر چند از او دوری کنند دوستشان می دارد و به خاطر آلامشان گریان می شود، باید او را و مرتبه وجودش را با دیده بصیرت بینند و گناه را دون شأن خود ببینند تا شیعه واقعی او شود که مهدی آنها را دوست تر بدارد. حالا که شیعه می داند مهدی از او دعای فرج می خواهد، قنوت نمازش را و صبح جمعه هایش را و آخر هر دعایش را مزین کند به نام مهدی و به دعای ندیه و به زیارتش تا خداوند درهای رحمتش را بگشاید و اذن سخن به حضرتش بدهد تا جهان منور شود از قدوم پاکش.

قائم آل محمد صلی الله علیه و آله یا شمشیر ذوالفقار، انتقام خون ریخته شده خدا را می گیرد و دنیا را از ظلمی که آن را فرا گرفته آزاد می کند و بهشتی بر زمین خلق می کند و طرح جهانی نو را می ریزد.

در حدیث قدسی آمده: «در روز عاشورا فرشتگان با دیدن واقعه کربلا گریان شدند و به خدا عرض کردند: خدایا! آیا نمی خواهی از مردمی که این چنین به فرزند رسالت بی حرمتی می کنند انتقام بگیری؟ خداوند فرمود: آری! انتقام می گیرم. اگر چه مدت طولانی به طول بینجامد. فرشتگان خوشحال شدند و خداوند تصویری در برابر چشمانشان نشان داد و دوازده معصوم را نشان داد که همه نشسته بودند جز آخرین نفر که به نماز ایستاده بود و خداوند فرمود: انتقام حسین را از او که ایستاده خواهم گرفت.»

مهدی با پیراهن یوسف، انگشتر سلیمان و عصای موسی در سپیده دم یک

روز جمعه نیمه شعبان در مکه، در حالی که به حجرالاسود تکیه داده ظهور

خواهد کرد.

مهدویت و پایان تاریخ

مقدمه

انسان میان گذشته و آینده و دیروز و فردا زندگی می‌کند و شخصیت و هستی او، به گذشته و آینده بستگی دارد، چنان‌که اگر از گذشته‌اش بریده شود یا از آن بی‌خبر باشد، دچار کمبود می‌شود و نمی‌داند چگونه به وجود آمده و چگونه زندگی کرده است، زادگاهش کجاست و تاریخش چیست؟ همچنین اگر نسبت به آینده خود و همه هم‌نوعان انسانی خود شناختی، اگر چه اندک، نداشته باشد و نداند که او و دیگر انسان‌ها به کدام راه می‌روند و چه سرنوشتی در انتظار آنان است، دچار سردرگمی و سرگردانی می‌شود، اما آینده‌شناسی در پرتو پیش‌بینی‌های دینی راه را برای انسان هموار ساخته و از آینده نویدبخش جهانی خبر می‌دهد و می‌گوید: دیروز اگر فرعون‌ها خدایی می‌نمودند و نمرودها ستم می‌راندند و قارون‌ها گنج می‌اندوختند و هارون‌ها در رؤیای هزار و یک شب غوطه می‌زدند، و امروز اگر عفریت گرسنگی و بیکای و بیماری بر چهره نیمی از مردمان این کره پنجه درمی‌کشید و هیولای تمدن، انسان ماشین‌زده روی زمین را به هراس می‌افکند و زرق و برق فریبندگی‌های تهوع‌آور، سرطان‌وار به خلوت آدمی راه یافته و او را از خود تهی ساخته است و مادیرگی و علم‌گرایی، که در روی یک سکه شده‌اند، جانشین خدای سرشت آشنای آدمیان گردیده‌اند، اما فردا جهانی از روشنی و روشنایی و دریایی از آگاهی و بینش کوهی از امید و آرمان و باغی از گل و بلبل و سیزه‌زاری از نعمت و آسایش فرا روی آدمیان خواهد بود. آنگاه، به بی‌خبری گذشته تاریک خود خواهد گریست و در دل، بر این همه پوچی خواهد خندید. آری، این است غایب تاریخ.

آغاز تاریخ

تشکیل تمدن هایلی در برابر تمدن قاییلی

آغاز تاریخ با آغاز خلقت به نوعی گره خورده، خدا انسان را آفریده و خواست خدا بر این بوده که در زوی زمین، انسان به بهترین شکل ممکن زندگی می‌کند و هدف از خلقت، سعادت انسان و رسیدن به کمال بود. تا این که بنا ظغیان قاییل خواسته‌ای غیر الهی در برابر خواسته خدا قد علم می‌کند. در اینجا بود که دو جریان آغاز شد: جریان هاییل و جریان قاییل.

این جریان با مرگ هاییل از بین نرفت و روند این جریان به گونه‌ای بوده که گاهی اوقات این دو جریان به شدت به هم گره خورده به طوری که انسان ناگاه، ناخواسته متوجه نمی‌شد کدام جریان قاییلی و کدام هاییلی می‌باشد. جریان هاییل و قاییل در طول قرن‌ها و سده‌ها با شدت و ضعف ادامه داشته، گاهی جریان قاییل دچار افت شده و گاهی قوت گرفته است. مثلاً جریان هاییلی که به ظهور اسلام تازه قوت گرفته بود، با جریان سقیفه دچار افت می‌شود و همین علت بود که حسین علیه السلام قیام می‌کند تا با واقعه کربلا جریان هاییلیان را از رکود و مرگ نجات دهد.

آری واقعه کربلا در طول تاریخ پیچ تنگی بود که جریان هاییل را تقویت کرد و آنرا تبدیل به روندی پر شتاب و قدرتمند ساخت. عاشورا پلی است که اول تاریخ را به آخر آن وصل می‌کند، بنا واضح‌تر بگویم آدم علیه السلام را به مهدی علیه السلام و آنرا فرجه الشریف وصل می‌کند. به راستی که حسین علیه السلام وارث آدم علیه السلام است و پس از آن، آدم (بشریت) وارث حسین علیه السلام است. جریان هاییل در برابر قاییل به قبل از کربلا هم برمی‌گردد که در قالب حضرت یحیی و پادشاه روم،

موسی علیه السلام و سامری، ابراهیم علیه السلام و نمرود و ... خود را نشان می دهد. پس از ستیفه و واقعه کریلا، هایلیان و قایلین در نمود خلفای عیاسی و ائمه علیه السلام، سپس استعمار و مسلمین در بنده جلوه گر می شود تا جایی که در عصر جدید نمود این دو جریان خود را در قالب دو قطب مستضعفان عالم و مستکبران جهان نشان می دهد که همچنان پا به تاراج رفتن جهان سوم توسط ابرقدرت هایی مثل آمریکا ادامه دارد.

آنچه که از تاریخ تا کنون شاهد آن بوده ایم غالباً طیف قایلین علی رغم باطل بودن خود بر هایلیان پیروز بوده اند. به طور مثال می توان از ساخته شدن دیوار چین با اجساد انسان های بی گناه و بالا رفتن اهرام ثلاثه مصر بر روی شانه های یابریگان و کشته شدن انسان های بی گناه در میادین گلا دیاتوری روم ذکر کرد که فقط و فقط برای پیشرفت اهداف انسان های قایل صفت و خوش گذرانی و پابرجایی آنها روی می داد، اما این روند به خواست خدا قرار است جریان عکس به خود گرفته و خدا بر مستضعفان زمین منت نهاده و هایلیان را به آقایی برساند. این چنین است که غایت تاریخ سعادت است برای ریشه کن کردن تمامی بدبختی های آغاز تاریخ.

روند تاریخ

- خواست انسان غربی منتهای خدا از حیات در جامعه ای به رهبری قایلین در طول تاریخ (کوشش و زمینه سازی جهت رفاه و سعادت دنیوی)
- خواست انسان خداشناس از حیات در جامعه ای به رهبری هایلیان در طول تاریخ (انتظار و زمینه سازی جهت ظهور برای سعادت دنیوی و اخروی)
- تا آنجا که در حافظه تاریخ به یاد مانده است، هیچ گاه انسان از اندیشه و

روئیای به زیستن فارغ نبوده و همیشه ناگاه او برای یافتن آینده‌ای بهتر و سامان یافته‌تر، دوردست‌ها را نظاره کرده است. روئیای مذکور در زندگی انسان به گونه‌های مختلفی تبلور یافته است و بارزترین نمونه آن را در اندیشه (مدینه فاضله) می‌یابیم، آرمان شهر زمینی که در آن از نابسامانی و دغدغه‌های جوامع موجود اثر و نشانی نباشد.

بهشت موعود زمینی، علاوه بر بهشت آسمانی، روئیای همیشگی انسان بوده است و گمان نمی‌رود که تا پایان تاریخ نیز تغییری بر آن رود، اما همین اندیشه، خود، در میان اوراق تاریخ، تعینات گوناگونی یافته و هر یک از اندیشه‌وران بزرگ تاریخ تصویری ویژه از آن بر صفحه ضمیر انسان‌ها نقش کرده‌اند.^۱ اما اگر به راستی به تشکیل این مدینه فاضله از ابتدای تاریخ بنگریم و این که روند تاریخ برای تشکیل زندگی بهتر چگونه است، به نتوانی کسانی که به نوعی مدعیان اصلاح بوده‌اند، پی می‌بریم. با این که آدمی از گذشته تا به حال همواره در فکر اصلاح جوامع بشری بوده و راه‌های بسیاری برای آن پیشنهاد کرده است. اما همیشه آنچه نصیب وی می‌شود کابوس و وحشتناک یأس و ناامیدی است.

مدینه فاضله افلاطونیان، طرح شهر آفتاب و کشور خورشید از توماس گامپانلا، اندیشه جمهوری جهانی و یکتور هوگو، تشکیل جامعه شوکراتیکی آگوست کنت و بهشت ترسیم شده تامس مور همگی طرح‌های ناکام در راه اصلاح جوامع بشری است.^۲

علت ناکامی این طرح‌ها جز این نیست که طراحان آنها افرادی فیلسوف و نظریه‌پردازند که همه دغدغه آنها یک دغدغه انسانی نیست، بلکه یک نوع

۱. جمعی از نویسندگان حوزه چشم‌به راه مهدی عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
 ۲. موج انتظار، صص ۱۴۳ - ۱۴۱.

دلواپسی فلسفی است و در آن فقط حاله کم‌رنگی از تفکر آسمانی به چشم می‌خورد.

فیلسوف می‌تواند به تحصیل معرفتی نایل گردد که نتیجه‌اش قادر کردن اوست به طرح منشورها و قوانین اساسی کشور بر پایه اصول عقلانی، از این قرار دیگر لزومی نخواهد داشت که نوع بشر در انتظار صدقه الهی بنشیند تا شرایطی که در آن تحصیل فضیلت امکان‌پذیر باشد، به وجود آید.^۱

اعتدال مدینه از دید فیلسوف عبارت است از تبعیت لازم و مقتضی فرمانبرداران از فرمانروایان، همین.^۲

ما در تمام طول تاریخ تمدن یونان و پس از آن تا ابتدای عصر جدید با یک چنین نگرشی مواجه هستیم یعنی یک نوع قرائت فلسفی - سیاسی نسبت به مدینه فاضله که در آن «هدف جامعه سیاسی، نه تنها زیستن، بلکه به زیستن است»^۳.

و اما مدینه فاضله در تفکر عصر نوین و از دوره رنسانس به بعد تصویر و معنای تازه‌ای می‌یابد و از ابعاد انتزاعی و آسمانی آن با اینکه قبلاً نیز کم بود، کاسته می‌شود و بر ابعاد عینی، انسانی و زمینی آن افزوده می‌شود و به قول کارل پکر یک نوع «معاداندیشی معاش‌آمیز، یا آخرت‌اندیشی دنیاپرستانه» و به عبارت دیگر، تجلی و تجسم تازه‌ای از مدینه الهی و آسمانی بر روی زمین، و در آن آیندگان، نه خداوند، در مورد تلاش‌های کنونی بشر، قضاوت خواهند کرد. امید به آینده بود که به کوشش افراد انسانی معنی می‌داد (و انسان کامل) آینده،

۱. فاستر، مایکل، خداوندان اندیشه سیاسی، ترجمه جواد شیخ‌الاسلامی، ج ۱، ص ۱۹۵.

۲. کاپلیسون فردریک، تاریخ فلسفه، ترجمه مجتبیوی، ج ۱ ص ۳۱۳.

۳. ارسطو، سیاست، ترجمه حمید عنایت، ص ۱۲۳.

موضوع عشق و ایثار قرار می‌گرفت.^۱

مدینه فاصله پس از قرن ۱۸ و انقلاب غرب وضع بدتری نسبت به قبل پیدا می‌کند و با پیدایش تفکر سرمایه‌داری و همین‌طور اندیشه‌های سوسیالیستی در کنار آن، همگی در مجموع به ما نشان می‌دهد که انسان عصر جدید (در غرب) بدون باورهای مذهبی، انسانی است که سخت خود و خواسته‌های خویش را باور کرده است و چون انسانی منتظر نیست، در این بحران جامعه غرب خیال می‌کند که به آخر خط رسیده ولی گاهی تیر همین بحران زندگی غرب باعث می‌شود تا به واقعیت پی ببرند و به مهم‌ترین عامل اصلاح جوامع بشری دست پیدا کنند، تا جایی که آلویین تافلر مشاور سیاست‌مداران آمریکا برای حل این بحران و اصلاح جامعه جهانی، «نظریه موج سوم» را ارائه می‌دهد که در آن اعترافات شگفت‌آوری به چشم می‌خورد. او خود چنین می‌گوید:

فهرست مشکلاتی که جامعه ما (غرب) با آن مواجه است، تمامی ندارد. با دیدن فروپاشی بپایی نهادهای تمدن صنعتی در حال نزاع، به درون غرقاب بی‌کفایتی و فساد، بوی انحطاط اخلاقی آن نیز مشام را می‌آزارد. در نتیجه موج ناخشنودی و فشار برای تغییرات، فضا را انباشته است. در پاسخ به این فشارها، هزاران طرح ارائه می‌شود که همگی ادعا دارند اساسی، بنیادی و حتی انقلابی‌اند اما بارها مقررات و قوانین طرح‌ها و دستورالعمل‌های جدید - که همگی به منظور حل مشکلات ما تهیه و تدوین شده‌اند - کمانه می‌کنند و بز و تخامت مشکلات ما می‌افزایند و این احساس عجز و یأس را دامن می‌زنند که هیچ فایده‌ای ندارد و مؤثر نیست. این احساس برای هر نظام دموکراتسی خطرناک است و نیاز

شدید به وجود مرد سوار بر اسب سفید ضرب المثل ها را هر چه بیشتر

دامن می زنند.

آری افرادی نیز هستند که به این باور رسیده اند که فقط با آمدن یک مصلح، جوامع بشری اصلاح خواهند شد؛ اما در صورتی که غرب به آنها چنین اجازه ای بدهد.

البته وقتی که می گوئیم غرب، مراد مردم مغرب زمین نیستند. مردم مغرب زمین، آنها که مذهبی و مسیحی اند نیز به نوعی منتظرند و علی رغم همه بیماری هایی که علیه فطرت آنان اعمال شده است که در غرب، در آمریکا و اروپا اقلیت هستند، هنوز لطافت باطنی خود را حفظ کرده اند، به طوری که هنوز هم هستند افرادی مانند یک دانشجوی دختر که در هفت کلیسای تو در تویی در واشنگتن هر صبح یکشنبه بر در کلیسای بی می نوازد و می گوید که تذر کرده ام که در انتظار موعود و به عشق او هر صبح یکشنبه تا زنده ام، بر در کلیسای بی بزنم.

پس وقتی که می گوئیم غرب، منظور مردم عادی یا ناآگاه و ساده مغرب زمین به خصوص محرومان، که حتی فاسدانشان نیز به نحوی مظلوم و قربانی هستند، نیست و مراد هژمونی سرمایه داری لیبرال و حاکمیت هسته های سرمایه داری یهود است که امروزه بر آمریکا و از طریق آمریکا بر دنیا حکومت می کنند، می باشد.

مخافظه کارترین هسته قدرت در طول تاریخ بشر همین هسته تفکر لیبرال است که آمریکا و غرب را رهبری می کند و حال چرا مخافظه کار هستند؟ زیرا وضع موجود در دنیا باید به نفع آنها حفظ بشود و این وضع چگونه حفظ شود،

این است که ابتدا باید بیاورانند که وضع موجود در جهان و اتفاقاتی که در دهه‌های اخیر در دنیا افتاده و ایدئولوژی لیبرالیسم در ذیل منافع سرمایه‌داری جهانی و صهیونیسم که معادله قدرت و ثروت را تعریف می‌کند، عین عقلانیت است و همه باید باور کنند و به ما بیاورانند که اتفاقی که اسم آن را مدرنیته می‌گذارند، آخر خط تاریخ است، آنها می‌خواهند بگویند که هیچ مدینه فاضله‌ای برتر و پیش‌روتر از وضع کنونی در جامعه جهانی که ما آن را رهبری می‌کنیم، نه فقط وجود خارجی ندارد، بلکه حتی وجود ذهنی هم نمی‌تواند داشته باشد. به طوری که پوپر در مصاحبه‌اش با «اشپیگل» چند سال پیش از مرگش گفت:

امروز مدینه فاضله در کل تاریخ بشر جامعه ایالات متحده است.

جامعه‌ای که در هر ۸ ثانیه یک قتل و در هر ۹ ثانیه یک تجاوز جنسی صورت می‌گیرد و جامعه‌ای که بزرگ‌ترین منبع درآمدش مواد مخدر و سلاح کشتار جمعی هسته‌ای، شیمیایی و میکروبی است، چگونه مدینه فاضله و پایان تاریخ است؟ پوپر در پاسخ به این سؤال می‌گوید:

اصل ضرورت فکر کردن به مدینه فاضله دروغ بزرگی بوده که به ما گفته‌اند و هیچ مدینه فاضله‌ای در انتهای تاریخ وجود ندارد و نباید به آن فکر کرد و این فکری انحرافی در ذهن بشر و باوری اساطیری است که باعث می‌شود تا «فوکویولی» نظریه پرداز سرمایه‌داری آمریکا بگوید اگر تاریخ پایانی هم دارد، پایان آن همین جامعه فعلی ایالات متحده آمریکا است. این است تفکر کنسرواتیو (محافظه‌کاری) دفاع از وضع موجود جهانی و دفاع از هرم قدرتی که هم‌اکنون بر دنیا حکومت می‌کند و در رأس آن سرمایه‌دارها هستند و همه ملل دیگر، ملت‌های شرق و جنوب، همه در قاعده این هرم، بردگانی هستند که باید رأس هرم قدرت

را بر دوش خود بکشند. امروزه ثروت در دنیا چگونه تقسیم شده است؟ چند درصد بشریت، چند درصد ثروت و زمین را در دست دارند و این آمار مبین چیست؟ و اگر کسی بگوید این وضع باز ادامه پیدا کند، به چه معنی است؟^۱

آری! روند غرب و سرمایه‌داری غرب برای اینکه بتواند پانچا بماند، بشریت را در مسیری جز سعادت بشر به پیش می‌برند. آنها افراد را مصرف‌گرا بار می‌آورند تا اینکه خود از بین نروند و ادعا می‌کنند که رفاه را برای مردم به ارمغان می‌آورند. بالین حال کار به جایی رسیده است که غربی‌ها خود فریاد برمی‌آورند که غرب و تمدن غرب به ساختن همه چیز عالی و دست اول قادر است مگر ساختن انسان.

در غرب، انسان تربیت نمی‌شود و اگر هم تربیتی در کار باشد، تربیت زمینی است. در غرب تفکر امت واحده در بین انسان‌ها وجود ندارد. انسان غربی منتظر نیست و برای انتظارش زمینه‌سازی نمی‌کند. در غرب انسان‌ها شهروند بار می‌آیند و شهروند به این معنی که انسان غربی انسانی است مفرد، طلب‌کار از دنیا و انسانی که به دنبال حق است نه تکلیف. انسانی که آمده، زندگی می‌کند و خواهد رفت. پس باید در طی این زندگیش در رفاه کامل بوده و به نوعی حق خود را، حتی اگر شده یا ظلم به دیگران، بستاند.^۲

در یک نگاه عمیق و از زاویه اسلام، کاملاً واضح است که روند زندگی در طول تاریخ توسط غرب کاملاً بی‌هدف و پوچ است و تقریباً بدون سرانجام و به نوعی، زندگی فقط در دنیا است. روند زندگی در طول تاریخ در اسلام، تشکیل

۱. نشریه اطلاع‌رسانی معارف، ش ۱۹، مهر ماه ۱۳۸۳.

۲. پناهیان، علی‌رضا، سخنرانی در جمع دانشجویان جامعه اسلامی سراسر کشور.

امت واحد است و باید انسان‌ها در روی زمین برای پرچیده شدن فساد، منتظر باشند و خواهان شرایط بهتر و آرماتی خویش باشند. به قول دکتر علی شریعتی که می‌گویند:

انسان منتظر به نوعی معترض است.^۱

باید که انسان منتظر، معترض باشد و اعتراض او به شرایط کنونی جامعه است. به بی‌عدالتی‌ها و نابرابری‌هاست، به خرد شدن کمر مستضعفان و بیچارگان عالم در زیر چکمه‌های ظلم و استکبار جهانی است. پس اگر معترضیم باید به انتظار بنشینیم، اما منتظری که بیکار تنبسته باشد و برای ظهور زمینه‌سازی کند تا علاقه بر سعادت دنیوی، به سعادت اخروی و بالاتر برسیم و بدانیم که خلقی که در انتظار ظهور مصلح بسر می‌برد، باید خود صالح باشد؛ مگر نه اینکه قرآن خود می‌گوید:

حکومت زمین سرانجام به دست پندگان صالح ما خواهد افتاد.^۲

در اینجا روشن است که انتظار چه تعهد بزرگ و چه تکلیف عظیمی است و اینکه انتظار چه خودسازی‌ها و آمادگی‌هایی را می‌طلبد، انسان منتظر باید آماده باشد، نه آماده‌طلب و در مکتب انتظار باید که بسیج عمومی شکل گیرد. چرا که به قول ویکتور هوگو:

آینده از آن هیچ کس نیست، بلکه آینده از آن خود است. آنچه از ما ساخته است، این است که برای آینده آماده شویم و خود را برای اجرای آنچه آینده از ما چشم دارد، مهیا سازیم.^۳

۱. شریعتی، علی، انتظار، مکتب اعتراض، ۲. سوره انبیاء (۲۱)، آیه ۱۰۵.

۳. مجله سخن، دوره ۲۰، ص ۱۲۶.

این آمادگی عمومی و همیشگی، جوهر اصلی انتظار است. این است که باید ماهیت انتظار شناخته شود تا انتظار، انتظاری اسلامی باشد و شیعی و سازنده، نه یک تنبلی و تکلیف رهایی و وادادگی. انتظار پدیده‌ای عظیم و جریانی مهم است و یقیناً انتظار به اندازه خود فرج اهمیت دارد و خود پاره‌ای و بخشی از فرج کلی الهی خوانده شده است و نمی‌تواند امری سیاده و حالتی بی تفاوت و روزگاری خالی از تعهد و شور باشد.^۱

انسان منتظر باید بداند که همین که منتظر باشد، کافی نیست و در این میان باید مراقب بود که انتظاری سالم داشت نه اینکه دچار برداشت‌های انحرافی از انتظار شد. به طور مثال بعضی‌ها انتظار فرج را به این می‌دانند که در مسجد، در حسینیه و یا در منزل بنشینند و دعا کنند و فرج امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را از خداوند بخواهند یا یک دسته‌ای که می‌گفتند انتظار فرج این است که ما کار نداشته باشیم به اینکه در جهان چه می‌گذرد و اینکه بر ملت‌ها و بر ملت ما چه می‌گذرد، ما تکلیف خودمان را عمل می‌کنیم و برای جلوگیری از این امور هم خود حضرت بیایند انشاء الله درست می‌کنند. پس دیگر ما تکلیفی نداریم و تکلیف ما همین است که دعا کنیم تا ایشان بیایند. دسته‌ای می‌گفتند باید عالم پر از معصیت بشود تا حضرت بیاید، ما باید نهی از منکر نکنیم، امر به معروف هم نکنیم تا مردم هر کاری می‌خواهند بکنند، گناهان زیاد شود که فرج نزدیک شود. یک دسته از این‌ها هم بالاتر رفته و می‌گویند باید به این گناهان دامن بزنیم و مردم را هم به این گناهان دعوت کنیم تا دنیا پر از ظلم و جور شود و حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف تشریف بیاورند.^۲

۱. حکیمی، محمدرضا، خورشید مغرب.

۲. امام خمینی رحمه‌الله، صحیفه نور، ج ۲۱، صص ۱۴ - ۱۳.

این گونه زمینه‌سازی‌ها برای ظهور باطل بوده و اصلاً زمینه‌سازی نیستند و باید بدانیم که در طول تاریخ، کسانی این چنین بوده‌اند که ادعای انتظار می‌کردند و همین ادعای آنها بود که آنها را از آن سوی بام به زمین می‌انداخت. پس مراقب باشیم که فقط ادعای انتظار نکنیم و هر کاری که در زندگی می‌کنیم، از ما بیانگر یک انتظار منتظر باشد. منتظر واقعی نه در حرف، که در عمل است.

باید بدانیم که انتظار، یک هدیه الهی است برای ما و انتظار یک صفت و ویژگی است که باید در خودمان پیورانیم و تجربه کنیم و مورد بحث قرار دهیم. خداوند این هدیه الهی را با توفیقاتش به انسان‌ها عنایت کرده است و باید که انسان منتظر به آینده بیاندیشد، آماده باشد، به آینده جهان امید داشته باشد، یاد او زندگی کند و در نهایت جهانی باشد. یعنی انسانی که از خود خارج شود و غم‌های جهانی داشته باشد.^۱

اگر بیشتر فکر کنیم خواهیم یافت که انتظار مکتبی است، نه تک‌بعدی که سعادت بشری را در دنیا خواسته باشد، بلکه مکتبی همه‌جانبه است که خواهان سعادت انسان در هر دو عالم می‌باشد.

در اینجا معادله‌ای شکل می‌گیرد، که در یک طرف آن، مظلومان و مستضعفان عالم قرار داشته با تفکر تشکیل امت واحده، منتظر، معترض به شرایط استبدادی حاکم و در نهایت خواهان بالاترین سعادت بشری که همانا رسیدن به بهشت برین است، می‌باشد.

اما در طرف دیگر این معادله، انسان‌هایی قرار دارند، سرگردان، اباییسته، شهروند صفت، غیر منتظر، راضی به هر شرایطی چه خوب و چه بد، و در کل رسیدن به سعادت فقط در این دنیا.

و چقدر نابرابر است این معادله. آری با تشکیل چنین معادله‌ای است که دو گونه انسانی با دو تفکر، یکی این جهانی و دیگری آن جهانی به وجود آمده است.

غایت تاریخ

از نظر غرب: جهانی شدن و نظم توین جهانی به سرکردگی آمریکا.
 از نظر اسلام: ظهور و تشکیل حکومت جهانی به رهبری حضرت مهدی علیه السلام تقابل بین دو تمدن غرب و تمدن اسلام است که یکی جهانی سازی را به پار آورده و دیگری تشکیل حکومت جهانی را. تشکیل هر یک از این دو حکومت با غایت تاریخ بی ارتباط نیستند و اینکه آینده تاریخ چه خواهند شد و به کجا خواهد کشید - کدام تفکر درست است - چه کسی در غایت سود می برد - و اصلاً کدام یک؟ جهانی سازی یا تشکیل حکومت جهانی؟
 همین باعث می شود تا هر انسان متفکری به اندیشیدن و ادار شود. اندیشه‌ای که سبب می شود تا در سایه آن، تمام زندگی تحت تأثیر قرارگیرد.
 درباره آینده جهان و پایان کار بشر نظریه‌های مختلفی ارائه شده که همواره یکی از دغدغه‌های اصلی انسان بوده، پاره‌ای دیدگاه‌ها طیف بدفرجام انگاری را تشکیل می دهند، اصحاب این نظریه معتقدند که نهایت تاریخ، بسیار تلخ و فرجام حیات بشر بسیار نازیباً صورت خواهد بست و در توجیه بدفرجام انگاری حیات و هستی بعضی می گویند خلقت، ذاتاً شر مرام و در نتیجه شرفرجام است و فرآیند و برآیند گردش روزگار به پیراهه، تاریک و تیره است و گاه می گویند انسان موجودی هنجارپذیر، بی رحم و جانی بالطبع است و حتی به همین نوع خود رحم نمی کند و ممکن است روزی انسان قلدری بر سرنوشت بشر حاکم شود و

جهان را با اعمال ستم و ارتکاب جنایات به سقوط پیکشاند. عده‌ای می‌گویند چه بسا فرد بی‌خردی با اشاره انگشت، یک سیستم پیچیده و بسیار ویرانگر را فعال کند و گیتی به یک باره ویران شود. در آن صورت یک خودکشی جهانی روی داده و همه بشریت نابود خواهد شد. برخی دیگر می‌گویند چنان‌که روزی انفجاری بزرگ، جهان و از جمله کره زمین را پدید آورده، ممکن است روزی انفجار بزرگ دیگری اوضاع جهان را عوض کند و در این میان کره زمین نیز نابود شود.

اما در کنار آن طیف دیگری از مکاتب و متفکران، به فرجام حیات انسان و تاریخ خوشبین‌اند و می‌گویند که آینده جهان، روشن و امیدبخش است و سرانجام حیات و هستی، خوش و دلپذیر می‌باشد و پایان شب تیره تاریخ صبح قام خواهد بود. نظریه‌های خوش سرانجام‌انگار در یک مسئله مشترکند و آن مسئله موعودگرایی است. آنها می‌گویند مردی ظهور خواهد کرد که حیات بشر را دگرگون کرده و روزگاری فراخواهد آورد روشن و آینه‌سان، که جهان سیمای دلپذیر و زیبایی عدالت را در آن مشاهده خواهد کرد و جور و جفا را ریشه کن و عدل و رفاہ را شکوفا خواهد ساخت.

در فلسفه تاریخ، فقط سرنوشت جمعی انسان‌ها مطرح است و سخن از وضع فرد فرد و آحاد انسانی در میان نیست. اما در فلسفه فرج، آحاد نیز مطرح است و سخن در این است که عقول آحاد آدمی به کمال خواهد رسید، در اینجا است که تشکیل حکومت جهانی به وسیله فرج معنا خواهد یافت.

اما در اینجا مانعی سر راه است و آن قدرتمندانی که راه استکبار را در پیش گرفته و از حق و عدل گریزانند خود را خدا دانسته و به امر و نهی می‌پردازند و حتی در جان و مال و آبروی مردم دست‌درازی می‌کنند و از طریق استثمار افراد نمی‌گذارند که آنها در جنبه شکم، آسایش و فراغت نسبی داشته باشند و بتوانند

درست بیندیشند. همین‌ها هستند که برای اینکه حذف نشوند دم از جهانی سازی می‌زنند. غرب در ابتدا مدعی بود که می‌خواهد عقل و آزادی را جهانی کند، اما اکنون جهانی شدن، جهانی شدن اقتصاد و سیاست شده. غرب می‌گفت که با جهانی سازی، مدیریت واحدی تشکیل خواهیم داد که از هرگونه جانبداری، نژادگرایی، طبقه‌پروری و... به دور باشد و بر پایه قانون عدل و مساوات با همگان رفتار کند و تلاش می‌کردند که با شکستن مرزهای جغرافیایی و نژادی و زبانی و... هر چه را که مانع یکی شدن و یگانگی عالم انسان‌ها می‌شود از سر راه اجتماعات انسانی بردارند، عجب دروغ بزرگی، جهانی سازی آنها تقسیم‌بندی جهان به دو قطب بوده، هان فرادست سرمایه‌داری و قاره اروپا و امریکا و نژاد سفید و جهان فرودست آسیایی و آفریقایی و نژاد رنگین.

انگیزه کلی دعوت گران و نظام سرمایه‌داری که خواستگاهی سودطلبانه دارد، بر منافع و رشد روزافزون سرمایه‌داری جهان استوار است که جز به خود و دار و دسته خود به چیزی نمی‌اندیشند و همواره و همه روزه از مقدس‌ترین شعارها و آرمان‌ها سوء استفاده می‌کنند. آنها جنگ‌طلبی را صلح دوستی و نابود کردن انسان‌ها را حقوق بشر و به بزرگی کشیدن را آزادی و آزادسازی می‌نامند. آنها حتی مؤسسات جهانی چون بانک جهانی شعبه حقوق بشر و سازمان ملل، تجارت جهانی و... را برای گسترش روزافزون خویش تشکیل می‌دهند و بدینسان دیگر شعارها و آرمان‌های زیبا و انسانی واژه‌گونه و از محتوا تهی می‌گردد و از جهانی سازی نیز مفهوم می‌ضد آن اراده می‌شود. یعنی جهانی سازی

می‌گویند و منظور آنان سلطه بلوک غرب بر دیگر بخش‌های جهان است.^۱ آنها با تأسیس شرکت‌های چند ملیتی در هر چه فقیرتر شدن جهان سوم دست داشتند. این شرکت‌ها با جلوگیری از دست‌یابی کشورهای جهان سوم به تکنولوژی‌های تولیدی و سوق دادن مشترک در صنعت مونتاژ، با کنترل فعالیت‌های صنعتی جهان سوم و از مدار خارج نمودن تولیدات استراتژیک این جوامع، امکانات رشد و توسعه آنان را فلج می‌کنند. و کار به جایی رسیده که اکنون جهان سوم نیازمند محصولات کشاورزی کشورهای صنعتی شده است. تازه این آغاز ماجراست و خطر سهمگین‌تر، شکل‌گیری دو طبقه فقیر و ثروتمند جهانی است زیرا با جهانی شدن اقتصاد و یکی شدن بازارها در سراسر جهان و تشدید وابستگی اقتصاد کشورهای، سیر تحولات بدان گونه است که فقیران فقیرترند و ثروتمندان ثروتمندتر خواهند شد.^۲

با بررسی بیشتر طرح جهانی سازی در غرب متوجه مسائل مهمی از این قبیل می‌شویم که این طرح جهانی خواری نه جهانی سازی برای سرمایه‌داران - جهانی سازی نه جهانی سازی برای جهان سومی‌ها - پایمالی حقوق بیچارگان و سلطه جهان شمول آمریکا است. جهانی شدن این جهانی در غرب است نه آن جهانی، خزیدن زیر سایه غرب است و تشکیل امپراطوری جدید به رهبری آمریکا است که پرداختن به هر یک مباحث جداگانه‌ای را می‌طلبد.

در نهایت جهانی سازی غرب، توجیه ستم غرب بر جهان است. اینان با جهانی شدن مهدوی مخالفند و به جهانی شدن سرمایه‌داری آمریکا فرامی‌خوانند، اگر جهانی شدن عبارت باشد از جهانی کردن آمریکا و

۱. حکیمی، محمد، جهانی سازی اسلامی - جهانی سازی غربی، فصل‌نامه انتقادی، فکری جهانی سازی، ش ۲۴ و ۲۵. ۲. همان.

منافع سرمایه‌داری حاکم بر آمریکا، صهیونیسم و انگلیس، این جهانی شدن فقط به نفع آنهاست و همان را ترویج می‌کنند. این نوع جهانی شدن، همه فرهنگ‌ها و ایدئولوژی‌های مقاوم را می‌بلعد و هضم می‌کند. اگر بگوییم که ما جهانی شدن را قبول داریم ولی نه با معیارهای سرمایه‌داری یهود، بلکه با معیارهای امام مهدی عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف که می‌گوید در تمام دنیا هیچ انسان گرسنه‌ای نباید باشد. نباید در گوشه آفریقا بچه‌های یازده ساله و زنان به اندازه بچه‌های شش ماهه و اشنگتن و نیویورک باشند. نباید استخوان دنده‌ها و پهلوهایشان پوست آنها را بشکافد و از زیر پوستشان بیرون بزند. آنها این جهانی شدن مهدوی، یعنی عدالت جهانی را پس می‌زنند و آن را توهم و یوتوپیا می‌دانند.^۱ پس از بررسی جهانی‌سازی غربی به سرکردگی آمریکا و غرب توبت به تشکیل حکومت جهانی به رهبری حضرت مهدی عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف می‌رسد و اینکه مهم‌ترین حجت بر صدق تشکیل حکومت جهانی با ظهور حضرت در برابر پوچ بودن حکومت جهانی غرب چیست؟ امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

هر جمعیتی در انتظار دولتی هستند اما دولت ما در آخر الزمان نمایان

می‌گردد.^۲

با وجود این همه مشکل، کمبود، نارسایی، ظلم و ستم، فساد و تباهی، خودکامگی و استبداد دولت‌ها، سازمان‌ها و نهادهای فراملی و بین‌المللی نتوانسته‌اند پاسخگوی نیازها و احتیاجات بشر باشند و با وجود خطر جنگ‌های هسته‌ای، نابودی زیست‌محیطی، تباهی فرهنگ‌ها و هنجارها، ستیزه‌جویی و

۱. رحیم پور ازغندی، حسین، نشریه معارف، مهر ماه ۱۳۸۳.

۲. ینابیع المودة، ص ۴۴۷.

پرخاشگری میان سیاستمداران، گسست‌های فکری و اندیشه‌ای بشر، رشد ناهمگون و غول‌آسای شرکت‌های چند ملیتی و بازارهای بورس... و تنها می‌توان به حاکمیت فراگیر و بدون نقص و حکومت خوب چشم داشت.

این حاکمیت باید فرا ملی، جهانی و عدالت‌گستر باشد و بتواند پاسخگوی نیازها و احتیاجات مادی و معنوی، اقتصادی، علمی و... در جهان باشد. این حاکمیت نه تنها در سایه وجود امنی معصوم و آگاه و شجاع (مهدی موعود) امکان دارد و چندین قرن زندگی بشر نشان داده است که امکان تشکیل یک مدینه قاضله به دست بشر وجود ندارد و باید که منتظر موعود آسمانی باشیم.^۱

با آمدن مهدی موعود است که حکومت واقعی جهانی تشکیل می‌گردد و مهم‌ترین خصوصیات این حکومت از این قرار است:

۱. دولت جهانی: به قلمرو جهانی آن اشاره دارد.
۲. دولت عدالت: به گسترش عدالت در زمان حاکمیت این دولت اشاره می‌کند.
۳. دولت کریمه: با اشاره به محور بودن کرامت انسان در این دولت، به طور مشخص بیان می‌کند که کرامت‌مداری یعنی عزت اسلام و مسلمانان از یک سو و ذلت و نفاق و منافقان از سوی دیگر.
۴. دولت صالحان: اشاره‌ای است به صالح بودن زمامداران این دولت.
۵. دولت حق: به حق‌مداری این دولت و نتیجه آن، یعنی گسترش حق و نابودی باطل اشاره می‌کند.
۶. دولت مستضعفان: به حاکمیت یافتن کسانی اشاره دارد که از سوی صاحبان زر و زور و تزویر به استضعاف کشیده شده‌اند.

۷. دولت امنیت: از امنیت فراگیر در این دولت، امنیت اجتماعی و ایمانی سخن می‌گویند.

۸. دولت رفاه: نشانه فراگیری رفاه در پهنه زمین است. به طوری که کسانی که می‌خواهند انفاق کنند ولی فقیری پیدا نمی‌کنند و همه می‌گویند که بی‌نیازیم.

۹. آخرین دولت: یعنی آخرین نظریه‌ای که حکومتی بر مبنای آن تشکیل می‌شود و پس از آن نظریه دیگری وجود نخواهد داشت.^۱

با مراجعه به آیات و روایات می‌توان فهمید که وقتی می‌گوییم حکومت حضرت مهدی عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف آخرین دولت است. هم به معنای این است که آخرین و مترقی‌ترین اندیشه در عرصه حکومت و زمامداری است و هم به این معنی است که پس از آن، دولت دیگری حاکم نمی‌شود و این دولت تا پایان تاریخ ادامه می‌یابد.

آری، این است پایان تاریخ در اندیشه اسلامی و مهدویت و جهانی شدن و چقدر تفاوت در آن بارز است نسبت به جهانی سازی غربی.

خاتمه

در اینجا به این سؤال پاسخ خواهیم داد که مهم‌ترین حجت، بر صدق تشکیل حکومت جهانی یا ظهور حضرت مهدی عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف در برابر پوچ بودن حکومت جهانی غرب و غایت تاریخ چیست؟

جهان وقتی به نظم و غایت خود می‌رسد که در آن چند گروه وجود نداشته باشد، مثلاً در آن واحد وجود دو تمدن اسلامی و از طرفی غربی باعث بی‌نظمی است چرا که در تقابل یکدیگر قرار گرفته و مهم‌ترین منشأ بی‌نظمی‌ها را در جهان

۱. پسندیده، عباس، آخرین دولت، نشریه اطلاع‌رسانی معارف.

سبب می شوند.

از نظر هانگینگتون نظم هنگامی حاکم می شود که در نهایت فقط یک قدرت باقی باشد و حاکمیت کند. او این چنین می گوید:

تمدن های ریز و درشت و غیر شاخص آنقدر مقابل هم می ایستند و می جنگند تا در آخر دو تمدن اسلام و غرب مقابل یکدیگر قرار بگیرند که شاخص ترین تمدن ها هستند. او می گوید: تمدن غرب جوان است و پیراثری و تمدن اسلام ضعیف گشته و کهنه، پس در این جنگ تمدن غرب به پیروزی می رسد و در اینجا است که نظم نوین جهانی به رهبری آمریکا و شبکه سرمایه داری عنکبوتی او بر جهان حاکم می شود.^۱

از نظر غرب این غایت تاریخ است. قرار گرفتن تمدن خدا محور و انسان محور در مقابل هم یک واقعیت اجتناب ناپذیر است. اما برخلاف نظر هانگینگتون فاتح نهایی این جنگ آمریکا و نظم نوین جهانی او نیست، بلکه مستضعفان و پابرهنگان و منتظران ظهورند.

تمدن اسلام از آنجا که یک تمدن الهی است، هیچ گاه کهنه نمی شود و در برابر تمدن غرب که ساخته دست انسان هاست، شکست نمی خورد. مهم ترین حجت تمدن اسلامی در کتاب آسمانی قرآن راجع به غایت تاریخ و به آقایی رسیدن محرومان و مستضعفان عالم در آیه پنجم سوره قصص، می باشد که می گوید:

و تريد أن تمنّ علی الذین استضعفوا فی الأرض و نجعلهم ائمة و نجعلهم الوارثین.

۱. هانگینگتون، ساموئل، پی، برخورد تمدن ها و بازسازی نظم جهانی، ترجمه محمد علی رفیعی، تهران، دفتر پژوهش های فرهنگی.

و از آنجا که باز هم خداوند در قرآن می گوید: «إِنَّكَ لَا تَخْلَفُ الْمِيعَادَ»
نمی توان هیچ شکی نسبت به تشکیل حکومت جهانی به رهبری حضرت
مهدی علیه السلام به آقای رسیدن محرومان در غایت تاریخ کرد.

مهدویت باوری شخصی یا طرحی

برای آینده

فرانگ انصاری

مقدمه

این مقاله پاسخی است به این پرسش که آیا مهدویت باوری شخصی است یا طرحی برای آینده؟ برای بررسی این موضوع باید به تعریفی از مهدویت رسید. تمام ادیان و مذاهب مختلف جهان از مصلحتی خیر می‌دهند که در آخرالزمان، زمانی که جهان در جنگ و کشمکش به سر می‌برد، ظهور خواهد کرد و جهان سرشار از ظلم را به سویی هدایت می‌کند که در آن اثری از جثایت و ظلم نباشد. او شالوده حکومت واحد جهانی را براساس عدالت و آزادی انسان‌ها استوار خواهد کرد. این منجی در دین اسلام به عنوان آخرین دین آسمانی، امام دوازدهم مسلمانان بوده و مهدی نام دارد که هم‌اکنون در دوران غیبت به سر می‌برد. بررسی این مطلب به وسیله اسنادی از کتب آسمانی مشخص می‌کند که همه ادیان بلااستثنا در انتظار ظهور منجی عدالت‌گستر به سر می‌برند. وجود منجی حتی قبل از وجود ادیان مختلف به عنوان باوری شخصی در دل انسان‌ها وجود داشته اما بعد از ظهور ادیان، این باور رسمیت یافته و به عنوان مصلح دینی و جهانی پذیرفته شده است. در همه ادیان آمده است: منجی موعود روزی ظهور خواهد کرد و ظلم و ستم را نابود کرده، عدالت واقعی را برپا می‌کند. اما برای بررسی این که انسان‌ها ظهور منجی را به عنوان طرحی برای ساختن آینده خود پذیرفته‌اند، باید زمینه‌های ظهور، نشانه‌های آن و قیام منجی پرداخت. همچنین ضروری است که توجه به این مسئله بدون پرداختن به این زمینه‌ها و مقدمات تحقیق فاقد ارزش بوده و باید از مسائلی سخن گفته شود که وجود چنین طرحی را برای آینده مشخص کند. با این حال سعی شده برای پاسخ دادن به سؤال مورد نظر جواتب کار بررسی شود، و در نهایت به نتیجه‌ای که عین حقیقت است، برسد و بدین منظور از حداکثر منابعی

استفاده شده که در دسترس بوده است.

فلسفه مهدویت

انسان بر اساس قطریّت خویش وقتی از روزمرگی جنگ‌ها، عادات ناپسند جامعه، ظلم و ستم ظالمان خسته می‌شود، امید به ظهور کسی دارد که از راه برسد و جامعه را از تباہی و نیستی نجات دهد تا دوباره آرامش و امنیت را به سرزمین خویش بازگرداند. با مطالعه و بررسی می‌توان فهمید که این انتظار و اعتقاد به مصلح آخرالزمان در میان تمام مذاهب آسمانی وجود داشته و دارد. انسان از گذشته تا کنون به دنبال تسکین دردهای خود، چشم به راه مصلحی بوده که بیاید و ظلم و جور حاکمان را به عدالت تبدیل کند و امنیت را به ارمغان بیاورد. در واقع مهدویت یا همان اعتقاد به ظهور مصلح جهانی، برای درمان بسیاری از دردهای بشری است که مدت‌هاست انسان را آزار می‌دهد. پیشرفت علم و استفاده نادرست انسان از علم برای تولید تسلیحات هسته‌ای، ایجاد جنگ‌های خون‌بار، ظلم و ستم استعمارگران بر مردم نمونه‌هایی هستند از صدها دلیل بر اعتقاد به ظهور مصلح که پیام‌آور صلح و دوستی است، تا با ظهورش ظلم را از ریشه برکنند و جامعه را به حدی از تکامل برسانند که در آن فضیلت‌های اخلاقی رشد کنند و عدل و انصاف، مساوات و برابری در جهان حکمفرما شود. این مسئله گرچه در بیشتر مذاهب غرب و شرق وجود دارد، ولی در اسلام تأکید بیشتری بر آن شده است. اسلام در انتظار مصلح جهانی است که مهدی موعود نام دارد و امام دوازدهم شیعیان و منجی تمام انسان‌های جهان می‌باشد و روزی به امر خدا ظهور خواهد کرد و جهان را به نور خویش روشن خواهد نمود.

علاقه به پیشرفت و تکامل، دانایی و زیبایی، نیکی و عدالت، علاقه‌ای است

اصیل و جاودانی. و انتظار ظهور مصلح بزرگ، آخرین نقطه اوج این علاقه است

و عمومیت این اعتقاد در همه مذاهب، نشانه‌ای است بر اصالت و واقعیت آن. از آنجا که می‌توان گفت: «این انتظار یک مسئله فطری است که از زبان سرشت آدمی در جان او طنین افکنده شده است. انسان از دو راه عاطفه و راه خرد در برابر چنین مسئله‌ای قرار می‌گیرد. و سرورش این ظهور را با دو زبان فطرت و عقل می‌شنود. ایمان به ظهور مصلح جهانی جزئی از عشق به آگاهی، عشق به زیبایی، عشق به نیکی (سه بعد از ابعاد چهارگانه روح انسان) است که بدون چنان ظهوری، این عشق‌ها به ناکامی می‌گراید و به شکست محکوم می‌شود.»^۱ «از طرفی دلیل دیگر این اعتقاد را می‌توان تحقق آرزوی بزرگ انسان فیلسوف گذشته برای داشتن جامعه‌ای عاری از تمام نیروهای شر و اخلاق ناپسند دانست. و این آرزو همان آرزوی مدینه فاضله افلاطون است که نتیجه حس آرمان‌خواهی و کمال‌گرایی آدمی است و در سایه فضیلت ایمان و اخلاق امکان‌پذیر است؛ مدینه‌ای که تهی از ستم، جنگ، ظلم و نابرابری‌ها باشد و این مهم تحقق نمی‌یابد مگر با وجود هادی و راهنمایی که انسان را برای رسیدن به این آرزو کمک کند.

مثلاً کشور خورشیدی که «توماس کامپانلا» طرح‌ریزی کرده مثل مدینه فاضله برای پایان بخشیدن به دردها و ناهنجاری‌هایی است در کشور خورشید و این انتظار و آرزو در این نهفته است که تضاد و کشمکش از میان برود، کار مساوی باشد، درآمدها تقسیم شود و...»

بهشتی که تامس مور ترسیم کرده نیز برای رسیدن به همان جهان آرمانی است که در سایه عدالت منجی آخرالزمان تحقق یافتنی است.»^۲

در مذهب‌های مختلف که رهبری کننده مردم زمین به فلاح و رستگاری

۱. دوانی، علی، جهان در انتظار موعود. ۲. حکیمی، محمدرضا، در فجر ساحل.

واقعی هستند، وعده رجعتی به مردم داده شده از قبیل رجعت حسینی، ظهور امام غایب و بازگشت عیسی. این وعده‌ها حکایت از یک نوع سلطه زشتی بر زیبایی و غلبه ناحق بر حق است که با رجعت منجی، باطل نابود شده و نور بر ظلمت غلبه خواهد کرد. این خوش بیتی در پایان یک سلسله جنگ‌ها به نام نبرد آرماگدون قرار گرفته و در واقع نقطه آخرین ظلمت است که به یأس‌ها پایان می‌بخشد و آینده‌ای طلایی را نوید می‌دهد.

منجی در اسطوره‌ها و ملل

«انتظار منجی محدود به ادیان نمی‌شود بلکه در عصر پناستان نیز چنین اعتقادهایی در بین مردم وجود داشته است. مردمان عصر پناستان معتقد به دوره‌ای به نام عصر طلایی بوده‌اند که در آن مردمان عصر آهن که انسان‌هایی ستیزه‌جو و جنگ‌جو بوده‌اند منتظر ظهور کسی بوده‌اند که آنها را به امنیت و آسایش برساند. آنها بر این عقیده بودند که برای رسیدن به عصر طلایی در آخرالزمان، جهان خاکستر می‌شود و از خاکستر آن جهانی آرام پدید می‌آید.»^۱

آموزه‌های آخرالزمانی در ذهن بشر از آغاز وجود داشته است. این باور از انگیزه‌ای شخصی تبدیل به باوری شده که در وجود او اثر گذاشته تا آن‌جا که دست به ساختن اسطوره‌هایی می‌زند که در واقع نشان کمال‌گرایی و آرمان‌خواهی اوست. مثلاً مردمان یونان پناستان از همین باور شخصی، اسطوره‌هایی چون هرکول، هراکلیوس و... را خلق می‌کنند که تمام این قهرمانان پس از دوران جنگ نیروی شر یا خیر به پیروزی می‌رسند. در باورهای ایران پناستان نیز می‌توان به این نکته رسید که همین اعتقاد باعث شده بود تا مردم،

دوران زمین را به چند دوره تقسیم کنند. آنها معتقد بودند که در ابتدای هر هزاره، یک منجی از راه می‌رسد از نسل زرتشت که سوشیانس نام دارد. و در نبرد با اهریمن و بدی، پیروز می‌شود. او فساد را نابود می‌کند و در فردای آن روز، مردمان تمامی اعصار را داوری می‌کند و آمرزیدگان را به بهشت رهنمون می‌سازد. «عده‌ای از ایرانیان باستان، کیخسرو، پادشاه ایران را منتظر بودند تا آن جا که می‌گفتند روی نهان کرده و باز خواهد آمد.»^۱

اعتقاد به ظهور منجی در میان اقوام مختلف جهان حتی غرب نیز وجود داشته و دارد. پاره‌ای از افراد از چنین انتظاری بهره‌برداری می‌کرده و افرادی مثل جیمز تیلور، یوخنا سوتکات، ریچارد بردار، جان نیکولز تام، هنری جیمز پرینس به عنوان مدعیانی از انگلیس برخاستند. برنارد باربر جامعه‌شناس آمریکایی در رساله «نهضت منجی‌گری» وجود چنین اعتقادی را میان سرخ‌پوستان تأیید می‌کند.

علاوه بر این اقوام مختلف در کشورهای مختلف در انتظار مصلح آخرالزمانی می‌باشند که به آنها اشاره می‌کنیم:

- مصریان باستان معتقد بودند که فرستاده خدا در آخرالزمان، در کنار خانه خدا پدیدار گشته و جهان را تسخیر می‌کند.

- چینی‌ها معتقدند که «گرشنا» ظهور کرده و جهان را نجات می‌دهد.

- اقوام اسکاندیناوی معتقدند که برای مردم بلاهایی می‌رسد، جنگ‌های جهانی

اقوام را نابود می‌سازد. آنگاه «ادوین» با نیروی الهی ظهور کرده و بر همه چیره می‌شود.

- اقوام اروپای مرکزی در انتظار ظهور «بوخص» می‌باشند.^۱
- در ژاپن شخصی به نام «میروکومساتسو» ناجی ژاپنی‌ها نام دارد که به اعتقاد مردم ۱۶۷۰ میلیون سال بعد از رفتن بودای اول ظاهر می‌شود و جهان را پر از عدل می‌کند.
- برهمنیان هند از دیرباز بر این عقیده بودند که در آخرالزمان «ویشنو» ظهور می‌کند، مخالفان را خواهد کشت و تمام دنیا برهنم خواهد شد.

مهدویت در ادیان

از روزگار کهن، داستان ظهور مصلح در اواخر تاریخ از جمله جریان‌هایی بوده که پیوسته وجود داشته و دارد. در واقع فتوریزم (Fotorism) یعنی اعتقاد به دوره آخرالزمانی و انتظار ظهور منجی، عقیده‌ای است که علاوه بر ملل مختلف، دین‌های آسمانی نیز مثل یهودیت، دین زرتشت، مسیحیت، در سه مذهب آن (کاتولیک، پروتستان، ارتودوکس) و دین اسلام به آن پرداخته‌اند. در ادامه فقط به آوردن اسناد و عباراتی از کتب ادیان گفته شده، بسنده می‌کنیم و تنها به این نکته توجه داریم که مهدویت از باوری شخصی به باوری دینی تبدیل شد که این باور در وجود و متن تمام ادیان وجود دارد.

- مهدویت در دین زرتشت:^۲ در جاماسب نامه سیاگرد زرتشت می‌گوید:

مردی بیرون می‌آید از زمین تازیان، از فرزندان هاشم، مردی بزرگ سر و بزرگ تن و بزرگ ساق و به دین جد خویش و با سپاه بسیار، روی به ایران نهد و آبادانی کند و زمین را پر از داد کند.

۱. مؤسسه تحقیقاتی الغدیر، طلوع آفتاب مهدی.

۲. دوانی، علی، جهان در انتظار موعود.

همچنین در منابع زرتشتی آمده است:

پیوسته دو نیروی متضاد خیر و شر یا نور و ظلمت یکی به نام اورمزدای یزدان منبع روشنایی و دانش و نیروی دیگری به نام اهریمن، منشأ جهل و تاریکی دائماً در کشمکش و جنگ هستند تا زمانی که سوشیانس یعنی نجات‌دهنده دنیا که در هزاره سوم بعد از زرتشت می‌آید، ظهور می‌کند و این زد و خورد سرانجام با شکست کامل اهریمن به پایان می‌رسد و ظلم و ستم برای همیشه از جهان ریشه کن خواهد شد.

وقایعی که مصادف با ظهور سوشیانس اتفاق می‌افتد عبارتند از: علامات شگفت‌انگیزی که در آسمان پدید می‌آید، دال بر آمدن فرد شهر ایزد می‌باشد. فرشتگان از شرق و غرب به فرمان او فرستاده می‌شوند و به همه دنیا پیام می‌فرستند اما اشخاص شرور او را انکار می‌کنند و نگهبانان پیروزگر آسمان‌ها و زمین در برابر او سر فرود می‌آورند. در جاماسب نامه آمده است:

سوشیانس دین را به جهان روا کند و آرویناز همه را تباه کند و اهریمن را از دامان آفریدگان بازدارد و مردمان گیتی هم‌منش و هم‌گفتار و هم‌کردار باشند.

هم‌چنان که برق از شرق ساطع شود تا به مغرب ظاهر شود. ظهور پسر انسان نیز چنان خواهد شد. آن‌گاه علامت پسر انسان در آسمان پدید می‌آید و در آن وقت جمیع طوایف زمین، پسر انسان را ببینند که بر ابرهای آسمان با قوت و جلال می‌آید. اما از آن روز و ساعت هیچ‌کس اطلاع ندارد.

- مهدویت در یهودیت: منجی در کتب عهد عتیق: پیروان تورات و انجیل

یعنی ملت یهود و نصارا نیز از قرن‌ها پیش مطابق کتب آسمانی خود در طول

تاریخ در انتظار چنین زمانداری به سر می‌برند.

منتجی در زبور داوود: از آمدن مصلحی توید می‌دهد که دریا تا دریا داد کند و
جمع امت‌های جهان اطاعتش کنند.^۱

مزامیر داوود جزء کتب عهد عتیق و ملحق به تورات از کتب مقدس یهود و
نصارا است.

در مزمور ۳۷ آمده است: خداوند به او تسلی می‌دهد که از کثرت شرایع و احمه
نداشته باش زیرا سرانجام همه آنها نابود خواهند شد.^۲

در مزمور ۴۵ درباره پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ سخن گفته و در پایان می‌گوید: به عوض
پدرانت، پسرانت خواهند بود و ایشان را بر تمامی جهان سروران خواهیم
ساخت. نام تو را در همه جا ذکر خواهیم کرد. پس قوم‌ها قوم احمد خواهند گفت
تا ابد.

در مزمور ۹۷ آمده: آسمان‌ها عدالت او را اعلام می‌کنند و جمیع قوم‌ها جلال او
را می‌ستایند.

در آیه‌ای از قرآن کریم درباره امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام آمده است:

و لقد كتبنا في الزبور من بعد الذكر أن الأرض يرثها
عباد الصالحون.

ما در زبور بعد از ذکر نوشتیم که زمین را بستگان صالح ما وارث
خواهند شد.

«ذکر» در این آیه به معنای تورات می‌باشد که پس از زبور بر موسی

۱. جمعی از نویسندگان، خورشید پنهان، نشر آفاق.

۲. دوانی، علی، جهان در انتظار موعود.

علیه نازل شد. ما این خیر مهم قرآنی را در زبور عیناً می بینیم و هر دو آینده درخشان دنیا ظهور یک مسیح بزرگ را خیر می دهند.

- در کتاب صغنیای نبی (عهد قدیم) آمده: خداوند می گوید برای من منتظر باشید زیرا که قصد من این است که امت‌ها را جمع نمایم و ممالک را فراهم آورم. و در آن زمان زبان پاک امت‌ها را باز خواهم داد تا جمیع ایشان اسم یهوه (خدا) را بخوانند و یک دل او را عبادت نمایند.

- در کتاب حیقوق نبی (عهد قدیم) آمده: اگر چه تأخیر نماید برایش منتظر باش زیرا که البته خواهد آمد و درنگ نخواهد نمود. بلکه جمیع امت‌ها را نزد خدا جمع می کند و تمامی قوم‌ها را برای خویش فراهم نمی آورد.

- در کتاب ذکریای نبی آمده است: اینک روز خدا می آید و غنیمت تو را در میان تقسیم خواهد شد. و جمیع امت‌ها را به صد اورشلیم برای جنگ جمع خواهد کرد و شهر را خواهد گرفت و خانه‌ها را تاراج خواهد نمود. و آن یک روز معروف خداوند خواهد بود، نه روز و نه شب اما در وقت شام روشنایی خواهد بود و یهوه بر تمامی زمین پادشاه خواهد بود.

اینها از خرابی اورشلیم به امر خدا آن هم با غلبه جمیع امت‌ها بر ضد آن و شکست فاحش قوم یهود سخن می گوید که رفاه و آسایش عمومی را به دنبال دارد. اینها همان علایم و نشانه‌های پیش از ظهور است که همگی در اخبار اسلامی راجع به آن حضرت رسیده است. خداوند در قرآن می فرماید:

در تورات به بنی اسرائیل اعلام کردیم که دوبار در زمین دست به فساد عظیم خواهید زد و سخت سرکشی می کنید. چون فتنه نخستین برسد پتدگان بسیار نیرومند خود را بر شما مسلط می گردانیم تا شما را در میان خانه‌ها جستجو نموده و به قتل رسانند و بدانید که وعده خداوند

انجام پذیر است.^۱

در کتاب زکریای نبی، روز ظهور را به نام روز خداوند ذکر می‌کند که در قرآن نیز این‌گونه آمده:

موسی را با آیات خود فرستادیم و گفتیم که قوم خود را از تاریکی به روشنایی بیرون آورد. روزهای خدا را به یاد آورد در این خصوص نشانه‌هایی است برای هر بردبار شکرگزاری.^۲

این آیه جزء آیات مربوط به ظهور مهدی صلی الله علیه و آله است و در تفسیر آن روایت شده روزهای خداوند که در این آیه آمده، سه روز است: روز قیامت، روز مرگ و روز ظهور قائم آل محمد صلی الله علیه و آله.^۳

همچنین خداوند در آیه دیگری فرموده:

فانتظروا إني معكم من المنتظرين.

که همین معنی در عهد قدیم نیز آمده است.

مهدویت در مسیحیت: در دین مسیحیت نیز مانند ادیان دیگر این عقیده

وجود دارد. مسیحیان معتقدند متجی آنها مسیح می‌باشد که در آخرالزمان ظهور خواهد کرد. در بعضی فصول انجیل مانند: مکاشفات یوحنا و کلمات متی و کتاب سدره عیسویان نقل شده است: در آخرالزمان پس از آنکه جهان پر از ظلم و جور شود و از اسلام جز نامی به علت فسق عالمیان و حسد حاسدان نماند، پادشاهی که از امت و نسل محمد صلی الله علیه و آله است ظهور می‌کند و مشرق و مغرب عالم را می‌گیرد و بسیار کسان را می‌کشد و بتخانه‌ها را خراب می‌کند و بدعت‌ها را از میان برمی‌دارد و عصای موسی و انگشتر و دیهیم سلیمان با او خواهد بود و همه خلائق مطیع او می‌شوند و دیگر جزیه از یهودیان قبول

۱. سوره اسراء (۱۷)، آیه ۴. ۲. سوره ابراهیم (۱۴)، آیه ۵.

۳. دوانی: علی، همان.

نمی‌کنند و مسیح از آسمان به کمکش فرود می‌آید و همه خلائق را به دین واحد درمی‌آورد.

در بعضی دیگر از فصول انجیل از پادشاهی سخن می‌گویند که کلیه جهان را مسخر می‌کند و مرغان جهان از پاره‌های گوشت دشمنانش سیر می‌شوند.^۱ پس از بررسی‌هایی که در مورد ادیان مسیحیت و اسلام کردیم، متوجه شباهت‌هایی در بعضی از روایت‌ها شدیم که این شباهت‌ها را ذکر می‌کنیم:

- مسیح ظهور می‌کند.

- قبل از آمدن پسر انسان جنگ‌های عالمگیری در منطقه فلسطین روی می‌دهد که همه را به وحشت می‌اندازد.

- پسر انسان به کمک ایرها با جلال عظیم خواهد آمد، یاران خود را توسط فرشتگان به سرعت از نقاط مختلف به نزد خود فرا می‌خواند.
- بیش از همه، قوم یهود آسیب می‌بینند و اورشلیم به کلی ویران می‌شود و مردم به کلی به آرامش می‌رسند.

- سلطنتی و حکومتی خواهد داشت که جمیع اقوام و ملل فرمانبردار او باشند.

- مهدویت در اسلام: همان‌طور که قبلاً گفتیم همه فرقه‌ها، ملل و ادیان بدون استثنا در انتظار قیام یک مرد بزرگ انقلابی هستند که روزی ظهور می‌کند و جهان را پر از عدل و داد می‌کند. نام چنین مصلحی در اسلام مهدی موعود نام دارد. که از دودمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌باشد.

شیعه معتقد است که ائمه بعد از پیغمبر، دوازده نفرند که یازده نفر از آنها بدست شریک‌ترین مردان عصر خود کشته می‌شوند و دوازدهمین آنان زنده است

و باقی و درانتظار ظهور می باشد. حضرت مهدی علیه السلام به امر خدا از نظرها پنهان و غایب است تا روزی که به امر خدا ظهور کند و جهان را تحت حکومت خویش پر از عدل نماید.

بقیه فرقه های اسلامی - جز معدودی - عقیده دارند که او در آخر الزمان متولد می شود و از دودمان پیغمبر است. بنابراین عمر و غیبت طولانی برای او قایل نیستند. در واقع می توان گفت که اصل عقیده به ظهور و انقلاب آخر الزمان و خروج مصلح موضوعی است که در تمام ادیان به آن اشاره شده و اختصاص به شیعه و سنی ندارد. این مطلب را می توان از احادیثی که از دانشمندان راجع به مهدی علیه السلام ذکر شده و پیش از حد تواتر است فهمید. این عقیده اختصاص به تمام مسلمانانی دارد که به پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله ایمان داشته اند.

امام محمد باقر علیه السلام می فرماید:

پروردگار عالم از زمانی که آسمان ها و زمین را آفریده هرگز جهان را خالی از امام عادل که حجت خدا در زمین بر خلائق عالمند قرار نداده و تا قیامت هم خالی نخواهد گذاشت.^۱

حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام در خطبه ۹۹ نهج البلاغه می فرماید:

آگاه باشید! مثل آل محمد صلی الله علیه و آله مانند ستارگان آسمان است که هر زمان ستاره ای ناپدید شد، ستاره ای آشکار می گردد. پس چنان است که نعمت های خداوند در شما کامل گشته و آنچه آرزو دارید به شما ارائه داده است.^۲

ابن خلدون مورخ و جامعه شناس معروف اسلامی می گوید:

۱. راجعی، محمد، خصایص مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یا ویژگی های مهدی، نشر حسینیه.
 ۲. نهج البلاغه، فیض الاسلام، خطبه ۹۹.

آنچه در میان تمام مسلمانان در تمام قرون معروف است این است که
ناچار باید در آخر الزمان مردی از خاندان
پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ظهور کند و دین را تأیید می‌کند و عدل و داد را
آشکار می‌سازد. مسلمانان از او پیروی کرده و او را مهدی می‌نامند.^۱

نکته‌ای که در اسلام درباره ظهور مصلح آخر الزمان دیده می‌شود قابل توجه
است، توجه به تشکیل حکومتی است که همه توده‌های مردم جهان را
دربرمی‌گیرد و اختصاص به ملت یا قوم خاصی ندارد. حکومتی که توسط
حضرت مهدی پیش‌بینی شده یک حکومت جهانی است که در سایه آن صلح
عمومی به فرمان خدا در سراسر گیتی حکمفرما می‌شود. همچنین همه به این
امر معتقدند که سرانجام بشر ناگزیر می‌شود دعوت یک فرد برگزیده و شایسته را
که برای رهایی حتمی او از این همه مصایب قیام نموده پذیرد و در برابر تعالیم
اسلامی و حکومت واحد وی سر تسلیم فرود آورد. این شخص همان مهدی
موعود است که ظهور می‌کند و بشر سرگردان را در یک مرز و بوم یک پرچم
[اسلام] گرد می‌آورد.

«نهضت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یک نهضت انقلابی
است. نهضت او نهضت مستضعفان است که با وجود همه توانایی‌های
قدرتمندان، مستکبران و اربابان زور، پیروزی از آن مستضعفان
خواهد بود. در واقع شیعه در انتظار روزی است که در سایه رهبری
و امامت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف جامعه‌ای عاری
از فساد و بی‌عدالتی داشته باشد.»

۱. خراسانی، محمدجواد، مهدی منتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف، تحقیق سید جواد
میرشفیعی خراسانی.

زیرا او امامی است که عاقل، مصون از خطا و هوی و هوس است.^۱

چنانکه شیخ اشراق می‌گوید:

بهترین رهبر کسی است که در حکمت و علم و توجه به خداوند، نمونه کامل باشد و این‌گونه شخصی در هر زمانی لازم است اگر چه پنهان باشد.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می‌فرمایند:

مهدی امام شما است. مهدی امیر شما است. عیسی به او اقتدا می‌کند، مخالفت او را نکنید. من اول این امتم و عیسی آخر اوست و مهدی در وسط هلاک نمی‌شود امتی که من اول او باشم و مهدی وسط او و عیسی

در آخر.^۲

همچنین می‌فرمایند:

در آخر الزمان ظهور می‌کند، ابر سفیدی بالای سرش حرکت می‌کند و در برابر خورشید به وجود مقدسش سایه می‌اندازد. از میان ابر فرشته یانگ برمی‌آورد. این مهدی است و از او پیروی کنید.^۳

با یکا بررسی می‌توان فهمید که همه ادیان در انتظار منجی مشترکند، هر چند که در مبانی مذهب‌ها با هم متفاوت می‌باشند و در بعضی جزئیات با هم فرق دارند. مثلاً یهودیان و عیسویان چشم به راه رجعت مسیح می‌باشند. در صورتی که در اسلام این امام غائب است که ظهور می‌کند و دنیا را پر از عدل و داد می‌کند. یهودیان معتقدند با ظهور منجی، یهود نجات پیدا می‌کند. در صورتی که اسلام معتقد به نجات تمام بشریت از دست ظلم و جور می‌باشد.^۴ در مذاهب یهودی و مسیحی و زرتشتی قبل از ظهور نجات‌دهنده و منجی،

۱. همان.

۲. مؤسسه تحقیقاتی الغدیر، همان.

۳. مؤسسه تحقیقاتی الغدیر، همان.

۴. راجی، محمد، همان.

قوای بدی ظاهر می شوند که این قوای بدی در نزد یهود یا جوج و ماجوج، نزد عیسویان اژدها یا جانور یوحناپی (Apocal Ypsc) یا پیغمبر کذاب، نزد زرتشتیان مار ضحاک، و نزد مسلمانان به دجال معروف است. نزد هر سه ملت نجات دهنده از دودمان عالی مرتبه خواهد بود که آن دودمان در یهودیان و عیسویان نژاد پادشاه اسرائیل، در زرتشتیان سوشیانس پسر زرتشت و در مسلمانان امام زمان اولاد پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می باشد.^۱

حضرت باقر عَلَيْهِ السَّلَام می فرماید:

او را مهدی می نامند از آن جهت که راهنمایی خواهد کرد به تورات و انجیل و کتب سماویه. آنها را از غازی در انطاکیه بیرون خواهد آورد. و بین اهل تورات و اهل انجیل و اهل زبور حکم خواهد کرد.^۲

- مهدویت در قرآن کریم: مسئله مهدویت و مسایل مرتبط به حضرت مهدی عَجَلِ ا.تعالی فرجه الشریف از مهم ترین مسائل اسلام است که فرقه های مختلف اسلامی کتاب های متعددی درباره آن نوشته اند. طبیعی است موضوعی با این اهمیت در قرآن ریشه های عمیقی داشته باشد. قرآن کریم درباره آینده انسان و حوادث آخرالزمان و به قدرت رسیدن صالحان و پابرجا شدن عدالت و خوبی و برپایی حکومت جهانی و مسائلی از این قبیل به طور صریح سخن گفته است. از این رو با توجه به تفاسیری که از آیات قرآن کریم توسط ائمه علیهم السلام شده می توان به این نکته پی برد که شماری از آیات قرآن کریم درباره امام زمان عَجَلِ ا.تعالی فرجه الشریف می باشد. از آنجا که قرآن، کتاب خدا و مهم ترین سند حقایق عقاید اسلامی است. ضروری می باشد که دیدگاه قرآن در این باره

۲. خراسانی، حاج شیخ محمد جواد، همان.

۱. دوانی، علی، همان.

بررسی شود تا در پرتو انوار الهی شبهه‌های مرتبط به مهدویت رخت بپوشند. پس به شماری از این آیات همراه با تفاسیر آن توجه کنید:

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لِيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ^۱

خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده‌اند و اعمال شایسته انجام دادند، وعده کرده است که حتماً آنها را در زمین جایگزین و خلیفه قرار دهد همان طوری که پیشینیان را جایگزین کرده است.

این آیه اشاره به آینده درخشان و جایگزینی حق بر باطل و حکومت صالحان دارد.

وَاللَّيْلِ إِذَا يَخْشَىٰ وَ النَّهَارِ إِذَا تَجَلَّىٰ.

سوگند به شب چون پرده افکند، سوگند به روز چون جلوه‌گری آغازد.^۲

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «شب اشاره به آن است که سد راه علی شود و خروج روشنی بخش حکومت قرآنی او را فرو پوشاند و سوگند به روز، اشاره به هنگامی است که قائم ظهور کند و دولتش بر همه دولت‌های باطل چیرگی یابد.»

قال رب فأنظرنی إلى یوم یبعثون قال فإنك من المنظرین إلى یوم الوقت المعلوم.^۳

حضرت امام صادق علیه السلام فرمود:

مراد از وقت معلوم قیام قائم است که گردن‌کشان را می‌زند.

یعرف المجرمون بسیماهم فیؤخذ بالنواصی و الأقدام.^۴

به نقل از حضرت امام صادق علیه السلام مراد از این آیه، عرقان به حال قائم آل

۱. سوره نور (۲۴)، آیه ۵۴. ۲. سوره لیل (۹۲)، آیه ۱ و ۲.

۳. سوره حجر (۱۵)، آیه ۳۸ - ۳۶. ۴. سوره رحمن (۵۵)، آیه ۴۱.

محمد صلى الله عليه وآله و اصحاب اوست.

یریدون لیظفؤوا نور الله بأفواههم والله متم نوره ولو كره الكافرون.^۱

از معصوم عليه السلام روایت می‌کنند که فرمود:

منظور از اتمام نور، تکمیل امامت است تا قیام قائم که خداوند به نور

وجود قائم نور ولایت را کامل می‌فرماید اگرچه کافرین مکروه دانند.

سئل سائلٌ بعذابٍ واقعٍ للكافرين ليس له دافعٌ

من الله ذي المعارج.^۲

از حضرت امام باقر عليه السلام از معنی این آیه سؤال شده فرمودند:

مراد مهدی آل محمد است که از ستمکاران آل محمد

صلى الله عليه وآله انتقام خواهد کشید.

لترکبن طبقا عن طبق.^۳

حضرت ابی عبدالله عليه السلام فرمود:

مراد قائم ما می‌باشد که طول غیبت او زیاد است.

بقیت الله خیر لکم ان کنتم مؤمنین.^۴

بقیة الله برای شما مردم اگر مؤمن باشد از هر چیز و هر کس بهتر است. بقیة

الله نام و لقب حضرت مهدی عليه السلام است که خود حضرت در هنگام ظهور با این

نام ظهور خواهد کرد.

والفجر و لیلٍ عشر و الشفع و الوتر و اللیل اذا یسر.^۵

حضرت ابی عبدالله عليه السلام فرمودند:

۲. سوره معارج (۷۰)، آیه ۱ تا ۳.

۴. سوره هود (۱۱)، آیه ۸۶.

۱. سوره صف (۶۱)، آیه ۸.

۳. سوره انشقاق (۸۴)، آیه ۱۹.

۵. سوره فجر (۸۹)، آیه ۱ تا ۴.

مراد از فجر ظهور قائم است و شب‌های عشر دولت ائمه تا دولت قائم است.

سلامٌ هي حتى مطلع الفجر.^۱

مراد از مطلع فجر تابندگی صبح دولت آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است.

و قضينا إلى بني إسرائيل في الكتاب لتفسدن في الأرض مؤتین و لتعلن علواً كبيراً ثم رددنا لكم الكرة عليهم و أمددناكم بأموالٍ و بنین و جعلناكم أكثر نفيراً.^۲

حضرت ابی عبدالله عَلَيْهِ السَّلَام می فرمایند:

فَسَادَ دُوبَارَهُ دَر زَمِينِ، يَكِي قَتَلَ امِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَام اسْتِ و طَعَنَ حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ و (لَتَعْلَنَ عَلَواً كَبِيراً) قَتَلَ سَيِّدَ الشَّهِدَا اسْتِ و دِيْكَرَ رَجَعْتَ و خَرُوجَ حَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ رَا دَر تَفْسِيرِ صَافِي نُوْشْتَه كَه بَا هَفْتَادِ نَفَرٍ اَز اصْحَابِش كَه حَجَّتْ قَائِمٌ دَر حَضُورِ او خَوَاهِدَ بُوْد.

و قل جاء الحق و زهق الباطل إن الباطل كان زهوقاً.^۳

حضرت امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام می فرمایند:

هر وقت قائم قیام کند دولت باطل از میان می‌رود و دولت حق حکومت می‌کند.

أذن للذين يقاتلون بأنهم ظلموا و أن الله على ناصرهم لقدير.^۴

حضرت ابی جعفر عَلَيْهِ السَّلَام می فرماید:

این آیه درباره قائم آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است و مفسرین اهل بیت می‌گویند: مراد خروج مهدی است که خون حسین علیه السلام را مطالبه کند.

۲. سوره اسراء (۱۷)، آیه ۴ تا آخر

۱. سوره قدر (۹۷)، آیه ۵.

۴. سوره حج (۲۲)، آیه ۳۹.

۳. سوره اسراء (۱۷)، آیه ۸۱.

غلبت الزّوم فی أدنى الأرض و هم بعد غلبهم سیغلبون^۱

امام حسین علیه السلام می فرماید:

مراد از مغلوبیت، بنی امیه است و منظور از «یفرح المؤمنین» ییروزی

زمان قیام قائم است.

هو الذی أرسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الذین کله ولو کره

المشركون.^۲

این آیه نوید می دهد که روزی خواهد آمد که آیین اسلام همه جهان را تحت

لوای خود قرار خواهد داد و آن روز، روز حکومت امام زمان علیه السلام خواهد بود.

ونريد أن نمنّ علی الذین استضعفوا فی الأرض و نجعلهم ائمةً و نجعلهم

الوارثین.^۳

ما می خواهیم سپاس و منت نهیم بر آن کسانی که ناتوان گرفته شدند در

زمین و ایشان را پیشوایانی می کنیم و میراث بر آن زمین.

و لقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر أنّ الأرض یرثها عبادی الصّالحون.^۴

ما در زبور از پس ذکر قرآن نوشتیم که سرانجام زمین را بندگان نیک ما

به ارث می برند و صاحب می شوند.

فسوف یأتی الله یقوم یحبّهم و یحبّونه أذلةً علی المؤمنین أعزةً علی

الکافرین یجاهدون فی سبیل الله.^۵

آری خداوند قومی آرد که ایشان را دوست دارد و ایشان او را دوست

دارند. اینان با مؤمنان خوشند و نرم و بر کافران سختند و نابخشاینده و

۲. سوره صف (۶۱)، آیه ۹.

۴. سوره انبیا (۲۱)، آیه ۱۰۵.

۱. سوره روم (۳۰)، آیه ۲ تا ۳.

۳. سوره قصص (۲۸)، آیه ۵.

۵. سوره مائده (۵)، آیه ۵۴.

ممواره می کوشند و جهاد می کنند در راه خدا.

و يقولون لولا أنزل اليه آية من ربه قفل إنما الغيب لله. ^۱

امام صادق عليه السلام می فرماید:

مراد از غیب قائم ما می باشد.

و اشرققت الأرض بتور ربها. ^۲

مراد از تور، نور امام مهدی عليه السلام است.

وجعلناه كلمة باقية في عقبه لعلهم يرجعون. ^۳

حضرت علی عليه السلام فرمود:

این آیه درباره محبت اهل بیت تا قائم آل محمد عليه وآله نازل شده است.

والكتاب المبين إنا أنزلناه في ليلة مباركة إنا كنا منذرين فيها يفرق

كل أمر حكيم. ^۴

حضرت امام صادق عليه السلام فرمود:

مراد از شب مبارکه ایام ظهور مهدی است که در آن عصر حق و باطل

روشن گردد.

فهل ينظرون إلا الساعة أن تأتيهم بغتة وهم لا يشعرون. ^۵

جائتهم ذكريهم. ^۵

حضرت امام صادق عليه السلام فرمود:

مراد از ساعت، ساعت ظهور مهدی است و علم آن نزد خدا است.

و أستمع يوم ينادي المناد من مكان قريب يوم يسمعون الصيحة

۲. سورة زمر (۳۹) آية ۶۹

۴. سورة دخان (۴۴)، آية ۲ تا ۴

۱. سورة يونس (۱۰)، آية ۲۰

۳. سورة زخرف (۴۳)، آية ۲۸

۵. سورة محمد (۴۷)، آية ۱۸

بالحق ذلك يوم الخروج^۱

امام صادق علیه السلام:

منادی به اسم قائم و پدرش ندا می‌کند و صیحه روز خروج مهدی است

که از آسمان به گوش همه اهل زمین می‌رسد.

اقتربت الساعة و انشق القمر^۲

مراد ساعت ظهور مهدی است.

مهدی در دعاها، در دعاها و زیارت‌هایی که از امامان آمده، به ظهور حضرت،

نقش ایشان در جامعه و تشکیل حکومت عدل اشاره شده است. در زیر به

تعدادی از آنها اشاره می‌شود.

در دعای ندبه آمده است:

كجاست بقية الله، آن که جز او عترت پیغمبر که راهنمایانند، نیست. کجاست

آن که آماده برای قطع دنباله ستمکاران است. کجاست آن که چشم‌ها به راه او است

برای استوار ساختن پستی‌ها و کجی‌ها.

جانم به قربانت که تو غایب هستی که دور نیستی از ما. جانم به قربانت که

بدر رفتی ولی از ما بیرون نیستی.

خدایا پیادار به وسیله او حق را و نابود کن به وسیله آن باطل را و نیرومند

گردان به او دوستان را و یاری کن ما را که حقوق آن حضرت را ادا کنیم و در

طاعتش کوشش نماییم.

... و جاری گشت برای آنها قضا به آنچه امید می‌رود و برایش حسن ثواب

چون زمین برای خدا بوده و به ارث می‌گذارد به هر که خواهد از بندگان خود و

خیر، عاقبت پرهیزگاری است و منزّه است خدای ما. هر آینه وعده خدای ما

۲. سوره قمر (۵۴)، آیه ۱.

۱. سوره ق (۵۰)، آیه ۴۱ و ۴۲.

انجام شدنی است.

در این دعا آمده است که حضرت مهدی علیه السلام خواهد آمد و خون حضرت امام حسین علیه السلام را مطالبه خواهد کرد و آرام نگیرد تا قصاص نماید به این جهت حضرت تائر نامیده می شود.

در دعای عدیله آمده است: دنیا به بقای او باقی است و به برکتش به خلق روزی می رسد و زمین و آسمان به برکت وجودش برقرار است. بر اساس این تشبیه امام زمان علیه السلام به خورشید فروزان توصیف می شود.

در دعای افتتاح می خوانیم: پروردگارا، همانا ما انتظار برپایی دولت قدرتمند را می کشیم که اسلام و مسلمین با گسترش این دولت عزت یابند و متافقان به ذلت برسند.

در دعای ام داوود:

از جمله ادعیه ایام البیض ماه رجب، منظور از ابدال و اوتاد و مخلصین، اشاره به کسانی است که خدا را از روی تقوی پرستش می کنند و آنها یاوران واقعی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هستند.

داشتن آمادگی حتی آمادگی نظامی و سلاخی به اندازه‌ای اهمیت دارد که در «زیارت سرداب مقدس» آن را طلب می کنیم.

در «دعای عهد» می خوانیم: خدایا برطرف کن این گرفتاری درهم را از این امت (غیب) به حضور او و تعجیل کن برای ما در ظهورش زیرا آنرا دور دانند و ما او را نزدیک می دانیم.

غیبت مهدی: حضرت حجت علیه السلام قائم به حق و داعی برای قیام است، قیامی مسلحانه و مجهز به شمشیر. قیام برای ایصال به مطلوب و رهبری به کمال و مقصود. و این حجت است که دارای تمام شرایط گذشگان است. همان منجی

که تا امروز در پرده غیبت قرار دارد، تا روزی که به امر خدا ظهور کند و حکومت جهانی تشکیل دهد. ولی زمان آن را کسی جز خدا نمی داند، همان طور که دلیل واقعی غیبت را جز خدا کس دیگری نمی داند.

با این که دلیل واقعی غیبت برای ما آشکار نیست ولی از روی احادیث و روایاتی که از امامان روایت شده می توان دلایلی را برای غیبت ایشان ارائه داد:

۱. محافظت امام در برابر حاکمان ظلم و جور زمانه و مدعیان خلافت و کراهت از مجاورت ظالمین، امام زمان در ملاقات یا علی بن مهزیار فرمودند:

پدرم به من وصیت کرده که مجاورت نکنم قومی را که خداوند بر ایشان غضب کرده و ایشان را لعن کرده و برای ایشان در دنیا و آخرت عذاب دردناک خواهد بود.

به هر حال اراده خداوند به گونه ای است که از ولی خود حمایت کند اگر چه با تظاهر باشد. چنانکه ایزاهیم را از سوختن در آتش حفظ کرد.

۲. غضب خداوند: حضرت باقر علیه السلام می فرماید:

هرگاه خداوند غضب کند بر خلق خود، ما را دور می سازد از جوار ایشان.

۳. خوف و تقیه و نبودن ناصر: چون مردم کم ایمان و ضعیف و کم طاقتند و مثل حضرت نمی توانند ساکت بنشینند و قهراً ایجاد فساد می کردند. پس غیبت حضرت بهتر از حضور با سکوت بود.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

خداوند برای شما در حسین بن علی علیه السلام افضاء قرار داد و چون او را یاری نکردند به تأخیر افتاد.

۴. همچنان که غیبت برای برخی از انبیا و اوصیای الهی اتفاق افتاده

برای امت محمد صلی الله علیه و آله نیز غیبت ولسی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف واقع شده است.

پیامبرانی مثل ابراهیم (در هنگام ولادت و مسافرت)، موسی، عیسی، ایوب (فرج بعد از شدت)، ادریس، صالح و... دارای غیبت بوده‌اند پس خدا این سشت را در امت پیامبر هم حفظ کرده است.

۵. یکی از دلایل آمادگی مردم برای پذیرش حکومت است، و این مستلزم آن است که استعداد های افراد از قوه به فعالیت درآیند.^۱

۶. تشبیه و تأدیب و ایجاد شوق و قدردانی از نعمت امام.

۷. فرار از بیعت با طاغوت.

۸. امتحان و آزمایش مردم و جدا شدن مؤمن از کافر و مشرک.

چنانکه خداوند در قرآن می‌فرماید:

و ليمحصن الذين آمنوا و يمحق الكافرين.

تا این که خدا خالص کند کسانی را که ایمان آورده‌اند و تا بود کند کافرین را.^۲

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

او منتظری است که مردم در ولادت او شک می‌کنند. بعضی می‌گویند پدر او

ببین عقب از دنیا رفته. بعضی می‌گویند مرده و این همه از جهت آن است که خدا

می‌خواهد مردم را امتحان کند.^۳

رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

امام زمان کسی است که از یاران و شیعیان غایب می‌شود، غیبتی که در

آن غیبت کسی در اعتقاد به امامت حضرت ثابت نمی‌ماند، مگر کسی که

۲. سورة آل عمران (۳)، آیه ۴۱.

۱. خراسانی، محمد جواد، همان.

۳. خراسانی، محمد جواد، همان.

خدا قلبش را به ایمان آزموده باشد.^۱

غیبت آزمایشی است که خداوند، یزدگانش را بدان می آزماید. یا غیبت حضرت، کسانی که از ایمانی قوی و محکم برخوردار نیستند حقیقت باطنشان آشکار می شود و به عکس، افرادی که از ایمان محکم برخوردارند و در جهت فراهم شدن زمینه ظهور آن حضرت، خالصانه تلاش می کنند و برای نابودی باطل و اقامه حق و عدل از هیچ کوششی دریغ نمی ورزند، ارزششان معلوم می شود و به درجاتی که برای منتظران واقعی در نظر گرفته شده می رسند.^۲

نشانه های قبل از ظهور

نشانه هایی قبل از ظهور حضرت به وقوع می پیوندد اما زمان آن فرق می کند. وقوع پاره ای از آنها متصل به زمان ظهور است، یا با ظهور فاصله بسیار کمی دارد. پاره ای علامت ها است که در طول زمان غیبت واقع می شود و هر چه بگذرد و زمان ظهور نزدیک تر شود، این علایم به مرور واقع می شود اما متصل به ظهور نیست. پاره ای از علایم ظهور، علایم حتمی است که بدون وقوع آنها ظهوری نیست و پیش از وقوع آنها هر کسی هر چه ادعا کند یاوه است و قبول هر ادعایی سادگی و سفاکت است. و برخی از علایم، غیر حتمی است، یعنی ممکن است واقع بشود و ممکن است واقع نشود.^۳

پنج علامت است که در احادیث، حتمی شمرده شده است:

- خروج یمانی (یمانی سرداری از یمن خواهد بود).

۱. راجی، محمد، همان.

۲. مرکز اطلاعات و تحقیقات حوزه نمایندگی ولی فقیه، جهاد کشاورزی، ۵۹ نکته درباره امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف.

۳. حکیمی، محمدرضا، خورشید مغرب، نشر دلیل.

- قتل نفس زکیه به نام «سید حسن» میان رکن و مقام (در کعبه معظمه)
 - خسف در بیداء (یعنی نابود شدن لشکر و فرو رفتن آن در زمین، در جایی
 به نام بیداء میان مکه و مدینه).
 - خروج سفیانی (سفیانی کسی است که نصب او به اولاد ابوسفیان می‌رسد).
 - صیحه آسمانی (فریادی که از آسمان به گوش می‌رسد که امام زمان و
 شیعیان او برخیزند).^۱

در علایم ظهور از جمله سخن از طلوع خورشید از مغرب رفته است. در
 برخی از احادیث این امر این گونه بیان شده است:
 - خورشید به هنگام ظهر، در آسمان راکد شود (آسمان به سختی تیره گردد و
 خورشید ناپدید شود، چنان که گویی غروب کرده است)، و ساعتی چند، تا به
 هنگام عصر، پیدا نباشد، آنگاه از مغرب ظاهر گردد.
 در برخی روایات این مطلب نیز آمده است که: آیت و نشانه‌ای و سیمایی در
 خورشید پدیدار نگردد. و در برخی آثار رسیده است که «مهدی» خود همان
 خورشیدی است که از مغرب خویش طلوع خواهد کرد.

امام جعفر صادق علیه السلام می‌فرماید:

هر صبح و شام منتظر فرج باشید.

منظور حضرت این است که در چنان اوضاع و احوالی همواره در انتظار
 وقوع واقعه باشید، از طریق پدیدار شدن علایم حتمی آن. پس انتظار فرج در هر
 صبح و شام با لزوم پدیدار شدن علایم حتمی منافاتی ندارد. منتظر باشید یعنی
 منتظر علایم حتمی باشید و سپس ظهور و فرج کلی.^۲

۱. دین پرور، سید جمال الدین، جهانگشای عادل.

۲. حکیمی، محمد رضا، همان، ص ۱۰۴.

اما نشانه‌هایی که حضرت علی علیه السلام به امام مجتبی علیه السلام می‌فرماید:
فرزندیم! زمانی که غلبه کند ترک و به هیچان آیند، منتظر باش و لایق
مهدی را که برمی‌خیزد و به عدالت در میان مردم رفتار می‌کند. زمانی
که ذلیل و خوار شمرده شوند، پادشاهان روی زمین از آل هاشم بیعت
گیرد، کسی که از خواهش‌های نفسانی لذت برد و لهو و لعب نماید طفلی
است از اطفال که رأی و فکر و تدبیر در او نیست و او صاحب اجتهاد و
عقل و رای نباشد و کسانی که با او محبت کنند عقل و شعوری ندارند و
با طفل بی شعوری بیعت کنند. در این هنگام برمی‌خیزد قائم و به حق و
راستی عمل می‌فرماید و عالم را پر از عدل و داد می‌کند.

اما نشانه‌هایی در آخر الزمان قبل از ظهور پیدا خواهد شد: مردان شبیه زنان و
زنان شبیه مردان می‌شوند، مردان به مردان اکتفا کنند و زنان به زنان و
شهادت‌های دروغین پذیرفته می‌شود ولی شهادت‌های مردم عادل پذیرفته
نمی‌شود، خونریزی سبک شمرده می‌شود، روابط نامشروع رایج می‌شود. اشرار
را از ترس زیانشان احترام می‌کنند. دسیسه چینی، فریب، تقلب فراگیر شود به
گونه‌ای که مردم هر آن منتظر آمدن متجی می‌نشینند.^۱

حضرت علی علیه السلام در خطبه ۱۰۷ نهج البلاغه درباره احوال مردم

آخر الزمان می‌فرماید:

پس هنگامی که بیرق ضلالت برپا گردد، باطل و نادریستی در مواضع
خود جای گرفته جهل و نادانی بر مرکب‌هایش سوار شود و طغیان و
فتنه بسیار و دعوت کننده برای حق کم شود، و روزگار حمله آورد مانند
حمله درنده گزنده و شتر نر باطل پس از خاموشی به صدا درآید و

مردم بر اثر معاصی با یکدیگر برادر شده و بر اثر دین از هم دور گردند
و بر اثر دروغ با یکدیگر دوست گشته و بر اثر راستی دشمن شوند. پس
در آن روزگار فرزندان سبب خشم و باران موجب حرارت و گرما گردد. و
مردمان پست فراوان و نیکان کمیاب شوند و اهل آن زمان چون گرگان و
پاشاهان، درنده و مردمان میانه و ضعیف الحال، طعمه‌ها و فقرا، مردگان
باشند. و راستی از بین رفته و دروغ شایع می‌شود. عفت و پاکدامنی
موجب شگفتی و اسلام مانند پوستین وارونه پوشیده شود.^۱

ایشان همچنین در خطبه ۱۳۸ نهج البلاغه می‌فرمایند:

سوگند به خدا شما را در اطراف زمین می‌پراکند تا اینکه بر جا نماند از
شما مگر اندکی مانند سرمه در چشم. پس سختی و بیچارگی همواره
برقرار خواهد ماند تا اینکه برگردد به سوی عرب عقل‌های پنهان شده
ایشان. پس سنت‌ها و راه‌های پاینده و برقرار و نشانه‌های آشکار و
پیمان نزدیک را که اتمام نبوت بر آن استوار است. راهنمای خود
گردانیده و بدانید که شیطان راههای خود را برای شما آسان می‌نماید تا
به جای قدمش گام نهاده و از او پیروی کنید.^۲

ظهور و قیام مهدی علیه السلام

بعد از ظاهر شدن نشانه‌ها، حضرت ظهور می‌کنند، در حالی که قائم پشتش را به دیوار کعبه می‌کند و ۳۱۳ نفر مرد اطراف آن حضرت جمع می‌شوند و سخنی که می‌فرماید این آیه است:

بقیه الله خیر لکم ان کتم مؤمنین.

سپس می‌فرماید: منم بقیه الله در روی زمین.^۱

در روایات است که حضرت قائم علائم تشریحی خاصی را در هنگام قیام دارد که عبارتند از: ماه و خورشید در فرمان حضرت باشند، مثل سلیمان، به نام او از آسمان ندا شود و در هنگام قیام شمشیرها برای جنگ از آسمان نازل می‌شوند.^۲

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: در آخر الزمان ظهور می‌کند و ابر سفیدی بالای سرش حرکت می‌کند و در برابر خورشید به وجود مقدسش سایه می‌اندازد از میان ابر، فرشته بانگ بر می‌آورد: این مهدی است از او پیروی کنید.

حضرت در حالی که شمشیر ذوالفقار در دست دارد به سمت کوفه حرکت می‌کنند و آنجا را مرکز حکومت خویش قرار می‌دهند، آنگاه به فرموده امام علی علیه السلام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به بیت المقدس باز می‌گردند و چند روزی با مردم نماز می‌خوانند چون روز جمعه شود نماز برپا گردد، عیسی بن مریم در آن ساعت فرود آید به هنگام نزول جامه سرخ بر تن او خواهد بود. او به سوی مهدی می‌آید و با او مصافحه می‌کند و به او نوید پیروزی می‌دهد؛

آنگاه عیسی علیه السلام پشت سر مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نماز می‌خواند.^۳

۲. موسسه تحقیقاتی الغدیر، همان.

۱. راجی محمد، همان.

۳. راجی، محمد، همان.

ایشان قیام خویش را آغاز می‌کنند و تمام فتنه‌ها را دفع خواهند کرد و انتقام خون امام حسین علیه السلام و یارانش را خواهند گرفت و مدعیانی مثل دجال را خواهند کشت. «پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند:

یاران امام علیه السلام هنگام خروج مهدی عجل الله، تعالی فرجه الشریف بین ۱۲ تا ۱۵ هزار نفرند، ترس و وحشت پیشاپیش مهدی علیه السلام در حال حرکت است هیچ دشمنی مقابل حضرت قرار نمی‌گیرد مگر اینکه تابود می‌شود.^۱

آری قیام مهدی قیام الهی است برای غلبه نیکی‌ها و خرابی‌ها بر بدی‌ها و انقلاب مهدی به حقیقت انقلابی ضروری بر پیکر نظام فساد و طرفداران آن است. تمام ستمکاری‌هایی که در طول تاریخ در جهان بوده به دست آن حضرت از بین می‌رود. نهضت ایشان، نهضت انقلابی است که در پی آن مستضعفان وارث واقعی زمین می‌گردند. آن روز، روز نابودی باطل و آشکار شدن حق و حقوق‌ها است.^۲

خداوند در قرآن به این روز است که قسم یاد کرده است:

وَالْعَصْرَ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خَسْرٍ.

سوگند به عصر قائم، همانا آدمی در زیانکاری است.

آری آن روز، روز زده شده شدن تاریکی‌ها و دوران روشنایی‌ها است. آن روز

روز غلبه مهدی عجل الله، تعالی فرجه الشریف بر تمام حکومت‌های دنیا است.

حضرت علی علیه السلام در خطبه ۱۸۱ نهج البلاغه می‌فرماید:

امام زمان سپر حکمت را پوشیده و آن را با شرایطش که عبارت است

از توجه و شناختن و فارغ ساختن خود را برای آن فراگرفته، پس

حکمت نزد آن حضرت گم شده‌ای است که آن را طلبیده و آرزویی
است که آن را درخواست نموده.

تمام ادیان در برابر اسلام از حدت خود فروکش می‌کنند و تسلیم اسلام و
حکومت قائم می‌شوند. مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف جامعه را به سوی
حق و عدل سوق می‌دهد. دنیایی می‌سازد که در آن، دولت واحد و مقررات
واحدی حاکم می‌شود. حضرت به شیوه جدش امیرالمؤمنین علیه السلام حکومت
خواهند کرد. اوضاع جهان بعد از ظهور حضرت آنقدر تغییر خواهد کرد که گویی
پیش از آن جهان همیشه در آرامش بوده است.

جهان بعد از ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از هر جنبه متحول
می‌شود:

«اقتصاد: امام باقر علیه السلام می‌فرمایند: «قائم ما را تایید می‌رسانند، زمین را
برای او در نوردند و گنج‌ها را به او بنمایانند. حکومت او شرق و غرب را فراگیرد.
در روزگار مهدی در زمین، هیچ‌جا ناآباد نخواهد ماند.»^۲

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «متنعم می‌شوید امت من در زمان مهدی
علیه السلام به نعمتی که هرگز مانند آن متنعم نشده بودید. آسمان پرایشان می‌بارد باران
پی در پی و ذخیره نمی‌کند زمین چیزی از گیاهان خود را»

امام صادق علیه السلام پی‌نیازی همگانی را در عصر حضرت مهدی
عجل الله تعالی فرجه الشریف چنین توصیف می‌کند: «به منادی دستور می‌دهد که
در میان مردم اعلام کند که هر کس نیازی به مال دنیا دارد برخیزد.»^۳

«علم و دانش: امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «علم و دانش بیست و هفت

۱. نهج البلاغه، فیض الاسلام، خطبة ۱۸۱. ۲. حکیمی، محمدرضا، همان.

۳. محمد، همان.

حرف است تمام آنچه را پیامبران الهی برای مردم آوردند دو حرف بیش نبود و مردم تا کنون جز آن دو حرف را نشناختند اما هنگامی که قائم ما قیام کند، بیست و پنج حرف دیگر را آشکار می سازد و در میان مردم منتشر می کند.^۱

امام باقر علیه السلام می فرماید: «قائم ما، به هنگام رستاخیز خویش، نیروهای عقلانی توده ها را تمرکز دهد. خرده ها و دریافت های خلق را به کمال می رساند. در زمان مهدی به همه شما حکمت و علم بیاموزد تا آنجایی که زنان در خانه های خویش به کتاب خدا و سنت پیامبر قضاوت کنند.

وقتی مردی از یکی از ائمه علیهم السلام درباره انسان های بزرگ، فضایل انسانی و تکامل بشر سؤال می کند، پاسخ داده می شود که شکل کامل آن زمانی است که قائم ظهور کند».^۲

علی علیه السلام می فرماید: «ای کمیل هیچ علمی نیست مگر اینکه من افتتاح کردم و قائم آل محمد صلی الله علیه و آله ختم آن می کند».^۳

«عدل» در روایت آمده است:

يَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَجورًا.

خداوند به وسیله امام زمان جهان را پر از عدل و داد می کند همچنان که پر از ظلم و ستم شده بود.

از خصوصیات آخر الزمان، زمانی که حضرت مهدی علیه السلام ظهور می کند، این است که جهان در اثر ظلم و جوری که قبلاً وجود داشته، آماده پذیرش حکومت عدل جهانی امام زمان علیه السلام می شود. چنان که در روایات آمده است: هنگامی که مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام کند زمین باقی نمی ماند مگر آنکه به

۱. همان. ۲. محمدرضا حکیمی، در فجر با حل.

۳. خراسانی، محمدجواد، همان.

یگانگی خدا و توحید و رسالت حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ شهادت می دهند.^۱

در حدیث دیگری آمده است، به منادی دستور می دهد که اعلام کند، این مهدی عجل است. تعالی فرجه الشریف است که بر اساس داوریه های حضرت داوود و حضرت سلیمان عَلَيْهِمَا السَّلَام داوریه می کند و مطالبه شاهد نمی کند.^۲

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام می فرماید: هنگامی که قائم قیام کند حکومت را بر اساس عدالت قرار می دهد و ظلم و جور در دوران او برچیده می شود. زمین برکاتش را خارج می سازد و هر حقی به صاحبش می رسد. در میان مردم مانند داوود و محمد داوریه می کند. در این هنگام زمین گنج های خود را آشکار می سازد و برکات خود را ظاهر می کند و کسی موردی را برای انفاق و صدقه نمی یابد.^۳

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام می فرماید: برای هر قومی دولتی است که فرا رسیدن آن را انتظار می کشند ولی دولت ما در آخر الزمان خواهد بود. آری حکومت مهدی عجل است. تعالی فرجه الشریف حکومتی که همه جهانیان در انتظار تحقق آن به سر می برند، بهترین ملت ها در طول تاریخ خواهد بود. چنانکه امام باقر علیه السلام می فرمایند:

دولت او آخرین و بهترین دولت ها است. پس از پایان همه دولت ها می آید. هیچ خاندانی نیست که حکومتی برای آن مقدر باشند جز اینکه پیش از او به حکومت می رسد.^۴

۱. مرکز مطالعات حوزه نمایندگی ولی فقیه در جهاد کشاورزی، همان.

۲. روزنامه جام جم، ۲۸ شهریور ۸۴. ۳. جمعی از نویسندگان، همان.

۴. راجی، محمد، همان.

انتظار فرج منجی

مهدویت همان طوری که گفتیم، یک مسئله جهانی است هرچند که در بعضی از جزئیات و اسامی با همدیگر تفاوت داشته باشد اما می توان گفت که ظهور منجی مصلح که در آخر الزمان ظهور می کند، امید ی شیرین در دل انسان ها می افکند و موجب می شود انسان ها در هر نقطه از زمین با هر نژادی و با هر دینی که باشند، این باور را دارند که منجی آنها روزی ظهور خواهد کرد. و جهان را از منطق و عدل پر خواهد نمود. این مسئله در دین اسلام با هدایت پیامبر گرانقدر اسلام و ائمه علیه السلام مسیری منطقی را پیموده و با امداد و هدایت آنها به درجه ای رسیده است که امروزه تمام مسلمانان در انتظار ظهور امام آخرین و مصلح آخر الزمانی یعنی مهدی موعود به سر می برند. آری این مسئله مانند آموزه های دینی دیگر و حتی بیشتر از آن به صورتی ارزشمند درآمده است تا آنجا که انتظار از ارزشمندترین امور و حتی عبادت به شمار می آید و ضرورت آن به عنوان بدیهی ترین امور، باور ظهور منجی را تقویت می کند.

در ضرورت وجود شاخص امام تنها نباید از جهت تربیت اجتماعات، مورد لحاظ قرار داد. حجت و ولی از نظر ناموس تکوین و پیوست های درونی آفرینش نیز لازم است و وجود داشته باشند. زیرا خداوند مبنای عالم هستی را بر اسباب و وسایط قرار داده است. حتی فیض وجود و اصول نعمت ها باید به وسیله ای از مبدأ عالم کسب شود و به کاینات برسند. بنابراین تربیت مردم یکی از چندین اثر وجود امام و حجت است.^۱

چنانکه حضرت علی علیه السلام در کلام ۱۲۹ نهج البلاغه می فرماید:

آری زمین از حجتی قائم، خالی نتواند بود چه این حجت آشکار باشد

و شناخته شده و چه نگران و پنهان.

بنابراین حتی در زمانی که امام از نظرها غائب است، امامت ایشان همواره بر سر ما وجود داشته و دارد که ایشان ادامه دهنده راه یازده امام پیش از خود است و وجود ایشان چون خورشیدی است که از پس ابر پنهان شده است ولی همچنان نور ایشان به زمین می‌رسد و الطاف و کرامت‌های ایشان به بندگان خدا می‌رسد. چنانکه ارتباط مردم با امام زمان علیه السلام در غیبت صغری از طریق نایبان خاص به نام‌های: عثمان بن سعید، محمد بن عثمان، ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی و علی بن محمد سمری صورت می‌گرفت و در زمان غیبت کبری این ارتباط از طریق ولایت فقیه صورت می‌گیرد.

برای تحقق یک انقلاب جهانی و برای قیام و مبارزه در راه تحکیم عدالت جهانی و حفظ حقوق انسان‌ها، آمادگی افراد اهمیت بسزایی دارد. شیعه در زمان غیبت باید همواره چنین هدفی باشد و در راه تحقق آن بکوشد. و همواره برای این نهضت بزرگ آمادگی خود را تجدید کند. باید توجه داشت که برنامه قیام و انقلاب حضرت مهدی علیه السلام همانند برنامه قیام همه پیامبران الهی با استفاده از اسباب و وسایل طبیعی انجام می‌گیرد و هیچ‌گاه اعجاز اساس آن را تشکیل نمی‌دهد. به همین دلیل همه اینها از سلاح روز، تربیت افراد شایسته، مشورت‌های لازم، طرح نقشه‌های مؤثر، تاکتیک‌های نظامی حساب شده استفاده می‌کردند و در انتظار معجزه نمی‌نشستند. حضرت مهدی علیه السلام آیین و مذهب جدیدی با خود نمی‌آورد بلکه طرح‌های انقلابی اجرا شده الهی را به اجرا می‌گذارد و اجرای تمام برنامه‌های ایشان بدون ایجاد آمادگی ممکن نیست. این آمادگی‌ها را می‌توان در ابعاد زیر خلاصه کرد:

- آمادگی روانی: مردم جهان باید به قدر کافی تلخی این وضع تابسامان و

بی عدالتی‌ها را درک کنند. و این حقیقت را دریابند که تنها در سایه اصول پیوندهای مادی و ضمانت‌های اجرایی و مقررات خود ساخته انسان، مشکل حل نمی‌شود. در واقع باید احساس تشنگی کنند.

- آمادگی فرهنگی: گردآوردن تمام مردم جهان در زیر یک پرچم و کوتاه ساختن دست زورمندان و ابرقدرت‌ها، در آخرین سطح ممکن دلیل آن نیست که مردم جهان بتوانند در صلح و برادری و عدالت زیست نمایند. نیاز به گذشت زمان و ایجاد آمادگی‌های فرهنگی دارد. از این رو لازم است مردم از جهت فکری و علمی تکامل یابند تا هنگام ظهور آن حضرت آمادگی پذیرش دعوت جهانی ایشان را داشته باشند.

- آمادگی نیروهای انقلابی: برای تشکیل حکومت لازم است گروهی هرچند در اقلیت پرورش یابند که هسته اصلی ارتش انقلابی آن مصلح بزرگ را تشکیل دهند. این افراد باید شجاع، مؤمن، آگاه، فداکار و از جان گذشته باشند. و این افراد تربیت نمی‌شوند مگر در سایه توجه و عنایت امام. یکی از وظایف شیعیان و معتقدان به حضرت، انتظار ظهور حضرت و دعا برای فرج ایشان می‌باشد.

در واقع در این انتظار، اصلاح و خودسازی برای قیام حضرت اولین هدف می‌باشد. در این انتظار است که لیاقت و شایستگی افراد آشکار می‌شود. انتظار مصلح موعود و عشق به او، دو چیز را در بر دارد:

۱. عشق به عدالت

۲. عشق به مجری عدالت.

انتظار نماینده آن است که شخص منتظر، دوستدار اقامه عدل و پریاگشتن

حق و عملی شدن احکام الهی است. امام رضا علیه السلام می‌فرماید:

انتظار الفرج من الفرج.

انتظار فرج جزء فرج است.

و حضرت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می فرمایند:

برترین اعمال امت من انتظار فرج است.

اگر می خواهیم که امام ما را از شیعیان خود بدانند باید ظاهر و باطن خود را

اصلاح کنیم و بنده صالح خدا گردیم. حضرت امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام می فرماید:

هر که دوست دارد از اصحاب قائم باشد در حال انتظار باید به

پرهیزگاری و اخلاق نیکو رفتار نماید. پس چنانچه در حال خودسازی

بمیرد و در آن حال قائم عَجَّلَ .. تعالی فرجه الشریف قیام نماید پاداش او

همچون پاداش کسی است که آن حضرت را درک کرده است.

شیعه منتظر در دوران غیبت هرگاه اهداف و آرمان های مکتب انتظار را به

همان اهداف ارزش های اصیل اسلامی در مخاطره و تهاجم دشمن بیند از پای

تنشسته و به دفاع جانانه می پردازد.^۱

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام می فرماید:

آن کسی که منتظر امر دولت ما است چو کسی است که در راه خدا در

خون خود غوطه ور باشد.

امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَام می فرماید:

بی تردید مردمان زمان غیبت مهدی که امامت او را باور دارند و منتظر

ظهور اویند از مردمان دیگر زمانها برتر و افضل می باشند چون خدای

متعال به آنها عقل و درک و قدرت شناختی داده است که غیبت برایشان

سهمچون ظهور است. خداوند آنان را در آن زمان همپایه مجاهدان با

شمشیر در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله قرار داده است و اینانند خدمتگزاران واقعی و شیعیان راستین ما.^۱

برای داشتن انتظاری صحیح و دلخواه حضرت، شخص منتظر باید از امام زمان خود شناخت داشته باشد. چنانکه در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است:

من مات و لم یعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة.^۲

یعنی هر کس بمیرد و نشناسد امام زمان خود را، مرده است مردنی شبیه جاهلیت.

شناخت قائم حاصل نمی‌شود مگر آن که شخص منتظر دل خود را به مهر امام بدهد و به دستورات اسلام عمل کند و او را الگوی اعمال خود قرار دهد. در واقع جهاد با نفس کند و کنترل شدیدی برای اندیشه و اعمال خویش داشته باشد که این جهاد افضل است در این صورت است که از یاران حقیقی امام محسوب می‌شود. چنانکه امام صادق علیه السلام می‌فرمود:

هر کس از شما که چشم به راه این امر از دنیا برود مانند کسی است که در خیمه او همراه او باشد؛ نه بلکه مانند کسی است که در کنار او شمشیر بزند.^۳

مهدویت در دنیای امروز

مهدویت از گذشته به عنوان باوری شخصی در قلب انسان‌ها جوانه گرفت اما با فرود آمدن ادیان مختلف از جانب خدا این اندیشه به عنوان باوری مذهبی درآمد و با دین اسلام شاخ و برگ یافت و تنومند شد. باور ظهور مصلح جهانی

۲. جمعی از نویسندگان، همان.

۱. خراسانی، محمد جواد، همان.

۳. همان.

که همه جهان از پرتو حکومت پر از عدلش در امنیت و آزادی زندگی می‌کنند. آنچنان در اذهان مردم جای گرفت که بسیاری از قیام‌های مردم در قرن‌های گذشته بر اساس این اندیشه الهی صورت گرفت انقلابی چون انقلاب اسلامی ایران نمونه‌ای واضح و آشکار از باوری است که در آن، امام با مورد توجه قرار دادن ارزش‌های واقعی اسلام و توجه ویژه به مسئله انتظار و حکومت امام زمان ^{علیه السلام} روح عدالت‌خواهی را در مردم زنده کردید و باعث شدند تا با توسل به تعالیم اسلامی و مکتب تشیع باوری در دل مردم تقویت می‌شود که سال‌ها به دست استکبار و طاغوت به فراموشی سپرده شده بود. رهبری بی‌نظیر امام رحمة‌اله در مقابل رژیم‌هایی که با زور سلطنت کرد متجر به انقلابی شد که در آن مردم به اهداف اولیه خود که تشکیل حکومت اسلامی بود رسیدند و تا رسیدن به هدف آرمانی خود که تشکیل حکومت عدل امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف است در انتظار می‌مانند. مسئله انتظار چنان در ذهن‌ها جای گرفته که امام، رزمندگان خود را در هشت سال دفاع مقدس، سربازان امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف می‌نامیدند. و مأموریت آنها را برای جهاد با دشمن مقدمه ظهور امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف می‌خواندند. یا همین شعارها بود که رزمندگان در هر مرحله از عملیات در میدان جنگ در پرتو امداد غیبی حضرت بر دشمن پیروز می‌شدند.

اما امروزه آنچه که باعث به چالش کشیدن هویت دینی و اسلامی شده، پدیده جهانی شدن است. جهانی شدن عملاً با فرایند همگون‌سازی خود و سیطره فرهنگ‌ها و هویت‌های مسلط در جهان که عمدتاً فرهنگ غربی است، فرهنگ‌های دیگر را به چالش می‌کشد و در برابر چنین چالش‌هایی هویت اسلامی می‌تواند به عنوان هویت مقاومتی و بدیل

هویت رو به افول مدرنیسم غربی، خود را مطرح کند. و کانون چنین هویتی در عصر حاضر گرایش به مهدویت است. چالش اخیر جهانی شدن فرصت‌ها و زمینه‌های جدیدی را برای احیای هویت اسلامی، فراهم کرده است.^۱

در جهان امروز با وجود گسترش علم و فراهم شدن تسهیلات و امکانات زندگی برای بشر، همچنان انسان در جنگ و خونریزی به سر می‌برد. هر یک از ادیان امروزی با مشاهده نشانه‌های مشخص در انتظار متجی موعود خود هستند. در این میان، گروه‌هایی نیز پیدا می‌شوند که با سوء استفاده از موضوع مهدویت و ظهور مسیحی، دست به نظریه پردازی درباره موعود آخرالزمان می‌زنند. از جمله این گروه‌ها، گروه‌های صهیونیستی هستند که اعتقاد دارند آنها خود نجات‌دهنده یهودیان از دست مسلمانان می‌باشند. یهودیان معتقدند یک دوره نبرد‌هایی به نام نبرد آرماگدون (آخرالزمان) میان نیرو‌هایی که خیر هستند و میان نیرو‌های شر (اعراب) رخ می‌دهد. این جنگ با پیروزی سپاه خیر به پایان می‌رسد و مسیح به زمین برمی‌گردد و حکومت هزار ساله خویش را بر جهان آغاز می‌کند که آن هزاره را هزاره خوشبختی می‌دانند که تا روز قیامت ادامه می‌یابد.

از جمله گروه‌هایی که به این امر معتقدند گروه مسیحیت صهیونیستی است که در سال ۱۹۶۷ در انگلستان شکل گرفته است. آنها عقیده دارند ویرانی مسجدالاقصی و ساخت معبد سوم سلیمان به جای این مسجد، شرط ظهور حضرت مسیح است و بدون ساخت این معبد، مسیح هرگز ظهور نخواهد کرد. یکی از مورخان آمریکایی احیای اصول‌گرایی را تفسیری از جنگ میان جامعه

مدرن و نظام عقیدتی می‌داند که اساس و پایه‌های آن را تدبیرگرایی و هزاره‌گرایی تشکیل می‌دهد. به عبارت دیگر خداوند تاریخ را در مسیر ظهور مسیح به حرکت وا می‌دارد تا ظهور کرده هزار سال بر جهان حکومت می‌کند. تدبیرگرایی در پایان قرن نوزده تبدیل به مکتب و جریان مستقلمی شد و جریان تاریخ بی‌ارادگی را به چند مرحله تقسیم کرد. آخرین مرحله ظهور مسیح، جهت نجات مسیحیان و بردن آنها به بهشت قبل از فرجام تاریخ یعنی قیامت است که با نبرد آرماگدون میان نیروهای شیطان شروع شود. پس از آن حضرت مسیح و پیروانش هزار سال با کامیابی بر جهان حکومت می‌کنند. اما مرحله ماقبل آخر، مرحله‌ای است که جهان در حال حاضر در آن به سر می‌برد و از آن جا که پیشگویی‌های کتاب مقدس به بازگشت یهود به فلسطین و ساخت هیکل اشاره دارد، اصول‌گرایان آمریکا تا آنجا پیش رفته‌اند که تشکیل اسرائیل را مقدمه ظهور مسیح می‌دانند.^۱

با نگاهی به اوضاع جهان به راحتی می‌توان فهمید که جهان اسیر ظلم و ستم سیاستمدارانی است که به بهانه نجات قومی، سرزمینی را تسخیر کرده و در آن به جنگ و خونریزی مشغولند تا با آن کار به خیال خود، زمینه ظهور منجی خود را فراهم کنند. در واقع، جهان دچار آشوبی است که تنها به دست مصلحی بزرگ - حضرت امام زمان علیه‌السلام - نجات می‌یابد که پرچم عدالت را در سراسر گیتی به اهتزاز درمی‌آورد.

- مدعیان دروغین مهدویت: در طول تاریخ همواره افرادی بوده‌اند که از مفاهیم شیعه همچون انتظار و مصلح جهانی سوء استفاده می‌کردند و با ادعایی واهی و با فریب افکار عمومی، خود را موعود آخرالزمانی می‌خواندند و سعی

در جلب توجه مردم و تطمیع آنها داشتند. به گونه‌ای که از میان این مدعیان، افرادی نیز دست به ابداع فرقه‌ای جدید زدند. فرقه‌هایی چون «وهابیت» و «بابیت» نتیجه ادعای این افراد بوده است. این مدعیان دروغین در مناطق خراسانی چون ایران و هندوستان قدم علم کردند تا به مردم این مناطق تلقین کنند که ظهور منجی موعود سپری شده و دیگر آمیدی به آینده ندارند. و با این کار اثر روح بخش اسلام را خنثی کنند.

در زیر به نمونه‌هایی از افرادی اشاره شده که به دروغ برای همراه کردن مردم با خویشتن خود را مهدی موعود نامیده‌اند:

- گروهی از مسلمانان مانند کیسانیه «محمد حقیقه» را مهدی دانسته‌اند و معتقدند که در «کوه رضوی» غایب می‌باشد.

- گروهی از جارودیّه «محمد بن عبدالله بن حسین» را مهدی غایب دانسته‌اند و در انتظار ظهورش به سر می‌برند.

- ناووسیّه گروه دیگری هستند که حضرت امام صادق علیه السلام را هنوز زنده و مهدی موعود می‌دانند.

- واقفیه حضرت موسی بن جعفر علیه السلام را امام زنده و غایب می‌دانند که در آینده ظاهر می‌شود و دنیا را پر از عدل و داد می‌سازد.

- اسماعیلیه به مهدویت حضرت اسماعیل، فرزند امام صادق علیه السلام معتقدند و می‌گویند او نمرده است.

- باقریه حضرت امام باقر علیه السلام را مهدی موعود می‌دانند.

- «مهدی مصر» در سال ۱۲۱۳ هجری ۱۷۶۸ میلادی ادعای مهدویت کرد و

گروهی را دور خود جمع کرد ولی با هجوم ناپلئون شکست خورد و متواری شد.

- «ابن مقنن» نقابدار معروف خراسان که در علوم از جمله شعبده و طلسم

و... مهارت داشت، مدعی مهدویت بود.»^۱

آری مهدویت نیز در طول تاریخ مانند سایر مسائلی که وجود دارند، مورد سوء استفاده قرار می‌گیرد. و هر روز در هر گوشه‌ای از جهان مدعیانی به پا می‌خیزند و خود را مهدی موعود می‌نامند. و با اشاره به نشانه‌های ظاهری و وعده‌های دروغین، مردم را فریب می‌دهند. اما خدا مکر آنها را به خودشان برمی‌گرداند به امید روزی که مهدی موعود و قائم منتظر به امر خدا، از پس پرده غیبت ظهور کند.

نتیجه

مهدویت از مسائل مهم ادیان مختلف است و در زمینه‌های مختلف، ایمان به ظهور منجی عدالت‌گستر در زندگی فرد تأثیر بسزایی دارد. چنانکه رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای می‌فرمایند:

مهدویت و اعتقاد به منجی عامل تحرک، ایمان و اعتقاد انسان‌ها است. اعتقاد به ظهور مصلح آخرالزمان از باوری شخصی به باوری دینی و مذهبی درآمده و آنقدر در وجود انسان‌ها شاخ و برگ گرفته که انسان امروز همواره در حالت انتظار به سر می‌برد و هر نشانه‌ای را که مشاهده می‌کند، نشانه ظهور منجی تلقی می‌کند.

آری انتظار برای ظهور مصلح آخرالزمان که جهان با وجودش دوباره زنده می‌شود شیرین است. زیرا که خداوند در آیه‌ای می‌فرماید:

إعملوا أن الله يحيي الأَرْض بعد موتها.

بدانید که خداوند زمین را پس از مردنش زنده خواهد کرد.

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه می فرماید: خداوند زمین را به وسیله قائم آل محمد صلی الله علیه و آله زنده می کند یعنی جهان که به بیدادگری مرده است به دادفرمایی امام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف روح تازه ای پیدا می کند. با وجود امام زمان علیه السلام که مصلح زمان است، ظلم و جور از بین می رود و عدالت مطلق حکمفرما می شود. آن وقت است که دولت کریمه الهی برپا می گردد و جهان را از هر جنبه متحول می سازد.

مهدویت مدینه فاضله افلاطون را نوید می دهد. مدینه ای که همه انسان ها در آرامش و امنیت به سر می برند. امام جعفر صادق علیه السلام می فرماید:

همانگونه که رسول خدا با خرافات و نادرمستی زمان جاهلیت مبارزه کرده و آنها را ویران ساخت. امام زمان همه پیرایه ها و تعریف هایی را که به دست ستمگران به اسلام بسته شده ریشه کن نموده و اسلام راستین را از نو خواهد ساخت.

بنابراین با توجه به تمام آنچه که در این تحقیق به آنها اشاره کردیم و روایات مختلفی که از آنچه در آخر الزمان اتفاق می افتد، خبر می دهند. می توان گفت: مهدویت از باوری شخصی به باوری مذهبی رشد کرد (به کمک ادیان) و طرحی کامل برای آینده جهان و بشریت دارد؛ طرحی که در آن همه انسان ها از هر نظر برابری و حقوق آنها مساوی است.

آسیب‌شناسی مهدویت

در عصر کنونی

نادر حاتمی خواجه

چکیده

مهدویت و نظام مهدوی پدیده‌ای سیاسی و مدنی است. همچنین پدیده‌ای حقیقی و یقینی محسوب می‌گردد. پدیده‌ای عینی و عملی و تحقق‌یافتنی نیز می‌باشد. بدین ترتیب پدیده مدنی مهدوی دارای مراتب سه‌گانه وجودی - حقیقت، ماهیت و واقعیت است.

مهدویت امتداد امامت و تجلی آخرین حلقه از سلسله حلقات آن است. مهدویت ذخیرهٔ آخرین هستی، ثمره همه رسالت‌ها، منبع همه کمالات، سرچشمه همه خیرات و جلوه‌گاه همه نیکی‌ها و زیبایی‌هاست.

یکی از مباحث مهم در حوزه مهدویت، اثبات وجود امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف است. این نکته بسیار مهم و زیربنایی است. اساس حرکت تخریبی مخالفان نیز برای ایجاد شبهه و شک در این زکن رکن است و در روایات نیز اشاراتی شده است که در طول غیبت حضرت باعث بوجود آمدن شک و شبهه در قلوب افراد متزلزل می‌شود تا آنجا که عده‌ای می‌گویند اصلاً امامی نیست و چنین فردی متولد نشده است. لذا اثبات وجود امام و بلکه اثبات اضطرار به او، نکته مهمی است که در حوزه مهدی‌شناسی نقش بسزایی دارد.

به نظر می‌رسد مهم‌ترین علت کم‌رنگ شدن اعتقادات مردم در دوران معاصر نسبت به مهدویت همین ضعف شناخت مردم می‌باشد که این عامل نیز خود شامل چند اصل است نظیر، نداشتن تصویری روشن از موضوع مورد اعتقاد، مقایسه مطالب عقلی با مطالب حسی، تلاش دشمنان اسلام برای دور کردن جامعه از معنویت و ارکان هدایت و ...

همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد از جمله فراوان‌ترین بحث‌ها و نظریات غالب در جهان معاصر «جهانی‌سازی» است. جهانی‌سازی به این معناست که تحولی

در جهان جریان دارد و بدنبال فرآیندی است که در آن اقتصاد، فرهنگ، و سیاست غرب جهانی شوند و در عرصه جهانی ظهور و بروز یابند. جهانی شدن در پی یک تحول اجتماعی گسترده و فرآیندی است که بنیاد جامعه را تغییر داده، یک تحول تاریخی به وجود آورد. یکی از مباحث مهمی که نباید از آن چشم پوشید، رابطه میان «جهانی شدن» و «مذهب» و گسترش عمومی به دین در عصر حاضر و فعالیت و تحرک پردازانه ادیان آسمانی است. برای نخستین بار ایده‌های جهان شمول نیز از سوی دین ارائه شده است و تمامی ادیان بزرگ و مردم را برای تشکیل یک ملت واحد دعوت کرده است.

در دوران معاصر دین اسلام به عنوان کامل‌ترین دین به نحو احسن می‌تواند پاسخگوی نیازهای جهان و از بین برنده کاستی‌ها و مشکلات باشد. با توجه به این مشکلات نارسایی‌ها و کاستی‌ها و نیز با دقت و تأمل در نیازها و خواسته‌های بشر در حرکت به سوی یکپارچگی و اتحاد جهانی که متناسب با فطرت آنان است، به این نتیجه روشن و بدیهی دست می‌یازیم که اینک بهترین فرصت و موقعیت برای ترمیم چهره‌ای روشن و گویا از نظام جهانی مهدی عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف فرا رسیده است و بایسته است که شیعه این نظریه پیشینه‌دار را با تبیین مبانی، اهداف، پیامدها و ویژگی‌های آن در اختیار بشر قرار دهد.

یعنی در حال حاضر وضعیت جهان به گونه‌ای است که به روشنی و با جرئت می‌توان تصویری جامع و شفاف از حکومت جهانی مهدی عجله الله ارائه داد و ساختار و بنا و کارهای اجرایی و عملی دولت کریمه را بیان نمود. با تحقق انقلاب صنعتی، فزونی اختراعات و اکتشافات، پیشرفت علم و تکنولوژی و دانش، بالا رفتن سطح آگاهی و اندیشه، رشد فن‌آوری و اطلاعات،

گسترش ارتباطات رسانه‌ای و تصویری، فزونی اطلاعات و اخبار نزدیکی جوامع و مردم به یکدیگر جریان جهانی سازی نه آمادگی برای ظهور آن حضرت نیز فراهم شده است. در این عصر متأسفانه آسیب‌هایی به وجود آمده که انتظار ظهور فرج را نیز کم‌رنگ ساخته است. نظیر:

- ترویج فساد، بی‌بند و باری، فحشا و فرهنگ منحط غربی و از بین رفتن آموزه‌های اخلاقی و معنوی در پرتو این فرایند.
- به وجود آمدن نابرابری‌های اقتصادی در برخی از کشورها و به وجود آمدن شکاف بین کشورهای شمال و جنوب و گسترش و تعمیق فقر و نابرابری و بهره‌کشی از مستضعفان.

- رواج فرهنگ تجمل‌پرستی و مصرف‌گرایی در گوشه و کنار زمین.

- زوال تنوع و گوناگونی فرهنگ و اشاعهٔ یک فرهنگ سطحی و مبتذل در

جهان.

- جهانی شدن جرایم و خلاف‌ها (قاچاق مواد مخدر، قاچاق زنان و کودکان

و...) و بیماری‌ها (مثل ایدز و...)

- کم‌رنگ شدن معنویات در زندگی و تعاملات اجتماعی و متعاقب آن

بی‌مفهومی زندگی اجتماعی نزد افراد و نهایتاً پدیده‌هایی نظیر خودکشی، و خود

زنی و...

مقدمه:

آری، و زمین هیچ‌گاه از حجت الهی تهی نیست، او یا آشکار و
شناخته و یا پنهان است، [او باید باشد] تا حجت خدا باطل
نشود و نشانه‌هایش از میان نرود.

مهدویت و نظام مهدوی پدیده‌ای سیاسی و مدنی است. همچنین پدیده‌ای
حقیقی و یقینی محسوب می‌گردد و پدیده‌ای عینی و عملی و تحقق‌یافتنی نیز
می‌باشد. بدین ترتیب پدیده مدنی مهدوی دارای مراتب سه‌گانه وجودی -
حقیقت، ماهیت و واقعیت - است.

این مراتب سه‌گانه پدیده و پدیده‌شناسی مهدویت عبارت است از:

۱. حقیقت یا هستی و چرایی مهدویت و نظریه آن (اعم از ضرورت، مبادی
و غل و غایات).

۲. ماهیت یا چیستی، مفاهیم و حدود آن.

۳. واقعیت عینی و وقوع عملی.

تسیر مهدویت و نظام و ساختار مهدوی یا اعتقاد به مهدویت اعتقاد به
فراگیری نیکی‌ها و مکارم انسانی، عدل و قسط‌گستری، پایان خوب تاریخ،
استقرار حکومت و دین واحد جهانی و... است اندیشه مهدویت همان خواسته
اصیل مسلمانان و امید و آرزوی یکتاپرستان در دستیابی به حکومت جهانی
عدل و از بین رفتن ظلم و ستم و بی‌دینی و فساد است. اندیشه مهدویت اندیشه
شورآفرین و تعالی بخش انسان‌های آزاده‌ای است که منتظر پایان خوش تاریخ با
پیروزی صالحان و نیکان هستند و به کرامت و عزت انسان‌ها اعتقاد دارند. نقطه
اوج و حساس این اندیشه پایان یافتن حکومت‌های زر و زور دنیایی و تأسیس
حکومت واحد جهانی است. حکومتی که با امدادهای معنوی، یاری صالحان و

خواست قبلی مردم تأسیس خواهد شد و با ظهور منجی بشریت، قیامی فراگیر علیه ظالمان و ستمگران روی خواهد داد. اما باید توجه داشت که مهدویت آسیب‌هایی دارد که باید این آسیب‌ها شناسایی و از میان برداشته شوند.

آسیب‌شناسی اثبات وجود امام زمان عجل‌ا... تعالی فرجه الشریف

یکی از مباحث مهم در حوزه مهدویت، اثبات وجود امام زمان عجل‌ا... تعالی فرجه الشریف است. این نکته بسیار مهم و زیربنایی است. اساس حرکت تخریبی مخالفات نیز برای ایجاد شبهه و شک در این رکن رکین است. در روایات ما نیز اشاره شده است، که در طول غیبت حضرت باعث به وجود آمدن شک و شبهه در قلوب افراد متزلزل می‌شود تا آنجا که عده‌ای می‌گویند، اصلاً امامی نیست و چنین فردی متولد نشده است لذا اثبات وجود امام و بلکه اثبات اضطرار به او، نکته مهمی است که در حوزه مهدی‌شناسی نقش بسزایی دارد. راه‌های اثبات وجود امام، متعدد و مختلف است. در هر حوزه بحثی با همان زبان این استدلال‌ها بررسی می‌شود. تاریخ، عقل و تجربه و کشف برای خود طرق خاصی دارند که باید مورد مطالعه دقیق قرار گیرد.

قرآن مجید، این حقیقت را که هر زمانی، امامی الهی برای مردم وجود دارد و جریان هدایت، اضطرار به وجودش دارد، به بیان‌های مختلف طرح کرده است. فهم این نکته محتاج آن است که نخست، تعریف امام از دیدگاه قرآن بر ایمان روشن شود. امامت از دیدگاه قرآن تحلیل و تبیین خاصی دارد و با آنچه در عرف مردم و حتی عرف متکلمان مطرح است، فرق می‌کند. قرآن مجید می‌فرماید:

وَإِذْ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبَّهُ بِكَلِمَاتٍ فَاتَمَّهَنَّ قَالَ إِنَّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ

ذَرِیْتِنِ قَالَ لَا یُنَالُ عَهْدِی الظَّالِمِینَ^۱

مرحوم علامه طباطبایی رحمه‌الله می‌گوید:

الإمام هو الذی یقتدی و یأتم به الناس، إماماً أی مقتدی به الناس و یشعونه فی أقوالهم و أفعالهم؛

امام کسی است که مردم به او اقتدا می‌کنند و در افعال و اقوال؛ از او پیروی می‌کنند.

از آیاتی که در حوزه امامت نقل شده چنین استفاده می‌شود که امامت واقعیتی است که هستی لحظه‌ای بدون آن نمی‌تواند یمانند و تا انسانی بر روی زمین هست و تا تکلیف است وجود چنین امامی ضروری است، لذا آیات قرآن و توحی که از منابع مهم شناخت و معرفت است، این نکته را به طور مسلم بیان می‌کند که وجود امام معصوم در عصر ما امری مسلم و غیر قابل تردید است. امام زمان از منظر قرآن دو رسالت مهم را بر عهده دارد: در جامعه بشری نقش هدایت را - آنها به گونه ایصال به مطلوب - و در کل هستی نقش لنگر اطمینان بخش و حافظ و نگهدار و واسطه دریافت فیض را ایفا می‌کند.

با تبیین رسالت امام و تعیین قلمرو فیض بخششی اش، دیگر سئوالات کوتاه بینانه‌ای که غیبت را متخل امامت می‌داند، پیش نمی‌آید. سئوالاتی از قبیل اینکه فائده امام غائب چیست، و امام در غیبت چه می‌کند؟ زیرا تنها حاکی از عدم درک واقعی و صحیح از مسئله امامت و ابعاد وجودی گسترده آن است که در یک تشبیه محسوس همان‌طور که خورشید عالم تاب که منبع فیض و گرمابخشی و مرکز و محور تنظیم حرکات دیگر کرات است. لکه ابری آن را بی‌کار نمی‌کنند تا بپرسیم که فائده خورشید در پس ابر چیست؟ غیبت نیز امام را بی‌کار نمی‌کند تا

پیرسیم فائده او چیست.

مهدی عجل‌ا. تعالی فرجه‌الشریف در حوزه هدایت جامعه بشری فعال و مجاهد است و کاروان بشری را به سوی خدای متعال سوق می‌دهد و نه تنها بیکار نیست که سنگین‌ترین کارها را برعهده دارد و در حوزه تکوین و جهان هستی مدار و قطب عالم امکان و واسطه فیض است.

قرآن مجید به مسئله غیبت حضرت نیز اشاره کرده است. در آیه سی‌ام سوره ملک آمده است:

قل أرأیتم إن أصبح ماؤکم غوراً فمن ینسئکم بماء معین.

حضرت علی علیه السلام فرموده‌اند:

خدا مهدی علیه السلام را مبعوث می‌فرماید و عزت را به اهل بیت برمی‌گرداند و دشمنان را ذلیل می‌کند.

جدای از اصل حکومت حضرت، آیات مختلف قرآن اشاره به خصوصیات حکومت حضرت و حتی علائم و نشانه‌های آن نیز دارد، فی‌المثل یکی از نشانه‌های حکومت و ظهور آن حضرت فرود آمدن عیسی و سخن گفتن و دعوت از اهل کتاب برای تبعیت از مهدی علیه السلام است.

اما آسیب‌شناسی شناخت امام زمان عجل‌ا. تعالی فرجه‌الشریف، به طور کلی می‌توانیم علل ضعف شناخت مردم را معلول چند امر بدانیم:

۱. نداشتن تصویری روشن از موضوع مورد اعتقاد
۲. نداشتن دلیل یا دلایل کافی برای عقیده خود
۳. مقایسه مطالب عقلی با مطالب حسی و انتظار پیدا کردن دلایل حسی برای همه مطالب عقلی.
۴. سست بودن برخی از دلایل اراره شده یا عدم هضم آن دلایل برای مقطع

سنی معین یا مقطع زمانی مورد نظر.

۵. غفلت از آثار و نتایج و برکات امام معصوم در حالیکه انسان در آن برکات غرق شده باشد (الیه جهان و جامعه هیچوقت بدون وجود امام معصوم تجربه نشده است).

۶. شبهه پراکنی های پیاپی و ضعف پاسخ های داده شده.

۷. تلاش دشمنان اسلام برای دور کردن جامعه از معنویت و ارکان هدایت و غرق شدن در لذت های مادی و در نتیجه از دست دادن حساسیت لازم نسبت به حضور امام معصوم در جامعه.

علل ضعف ایمان به امام در دوران غیبت کبری

آسیب شناسی دوران غیبت کبری:

ضعف ایمان نیز جدای از ضعف شناخت می تواند معلول چند امر باشد:

۱. ضعف شناخت و کافی نبودن اطلاعات موجود درباره امام غایب.
۲. ناقص بودن استدلال یا کافی نبودن دلایل ضرورت و اهمیت وجود امام معصوم علیه السلام در جامعه در تمام دوران ها.

۳. عدم احساس به حضور او در صحنه زندگی.

۴. عدم احساس به آثار وجودی امام غایب.

۵. جهل به فوائد وجود امام علیه السلام در دوران غیبت.

۶. ضعف ارتباط روحی با امام معصوم در دوران غیبت و استتار.

۷. اعتقاد به امکان ادامه زندگی فردی و اجتماعی منهای وجود امام معصوم.

۸. شبهات مطرح شده درباره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف گاهی

اصل شناخت را زیر سؤال می برد و گاهی ایمان به او را متزلزل می سازد.

۹. فقدان عنصر صبر و بردباری و یا فقدان روحیه تلاش و تحقق که در فرض طولانی شدن غیبت می‌تواند انسان را از حضور امام زمان مأیوس گرداند.

۱۰. فراموشی کردن وجود امام معصوم غایب، منتظر نبودن ظهور او، قطع ارتباط روزانه با او، ترک صلوات فرستادن بر او، ترک دعای تعجیل فرج برای او، می‌تواند ایمان انسان را به او سست کند و انسان را از آمادگی برای ظهور او محروم گرداند.

از نظر نگارنده، مهم‌ترین عنصر در تقویت ارتباط معنوی با امام غایب علیه السلام دعاها و روزانه و هفتگی ویژه امام زمان علیه السلام است که یک برنامه حساب شده و منظم را در پیش روز منتظران قرار دهد تا طبق این الگو، زندگی خود را تنظیم کنند و به سوی روزهای ظهور، یک حرکت جدی و حساب شده و یا شتاب داشته باشد.

انتظار، پیوند و قرابت برجسته‌ای با «حرکت» دارد. حرکت از برآیندهای انتظار و انتظار از جهت دهنده‌های حرکت است.

برخی دوست دارند حالت انتظار را یک مسئله روانی ناشی از حرمان در اقبال محروم جامعه و تاریخ تفسیر کنند، یعنی حالت فرار از واقعیت گران‌بیار مشقت‌ها به سوی تصویر آینده‌ای که محرومان در آن بتوانند تمام حقوق از دست رفته خویش را بازپس گیرند. این نوعی خیال‌باقی یا نوعی گریز از دامن واقعیت به آغوش تخیل است.

اعتقاد به انتظار

== انتظار در مکاتب فکری غیر دینی: مسئله انتظار از محدوده دین فراتر رفته و مذاهب و رویکردهای غیر دینی نظیر مارکیسم را نیز شامل شده است.

چنانکه «برترند راسل» می‌گوید:

انتظار تنها به ادیان تعلق ندارد، بلکه مکاتب و مذاهب نیز ظهور نجات‌بخشی که عدل را بگستراند و عدالت را تحقق بخشد، انتظار می‌کشند.

انتظار نزد مارکسیست‌ها - چنان‌که راسل می‌گوید - درست همانند انتظاری است که مسیحیان بدان اعتقاد دارند.

نیز انتظار نزد «تولسوی» در واقع به همان معنایی است که مسیحیان عقیده دارند، جز آنکه این داستان‌نویس روسی از زاویه‌ای دیگر مسئله انتظار را مطرح کرده است.

- ارزش فرهنگی انتظار: انتظار مفهوم اسلامی، ارزشی و فرهنگی است که از آن، رفتار فرهنگی معینی سرچشمه می‌گیرد. گاه مردم از انتظار برداشت منفی می‌کنند و گاه نیز از آن برداشت مثبت دارند که در این صورت عاملی از عوامل حرکت و قیام و انگیزش در زندگی مردم خواهد بود.

انتظار یک فرهنگ و مفهوم فرهنگی است که در ساختار ذهنی، اسلوب اندیشه، شیوه زندگی و چگونگی نگرش ما به آینده به شکل فعال و موثری دخالت داشته و در ترسیم خط سیاسی که برای حال و آینده خود رقم می‌زنیم تأثیر گذار است.

قریب به ۱۱۰۰ سال است که انتظار در زندگی ما ریشه فرهنگی خود را گسترده است زیرا غیبت صغری در سال ۳۲۹ ق. به پایان رسیده و از آن تاریخ تقریباً ۱۱۰۰ سال گذشته است. در طول این مدت، مسئله انتظار به گونه مؤثری در ساختار اندیشه سیاسی و انقلابی ما دخالت داشته است. اگر بدون عامل انتظار به تاریخ سیاسی و انقلابی خود بنگریم این تاریخ بلند جایگاه دیگری خواهد داشت.

انتظار بر دو نوع است: نوع اول، انتظار نجاتی که در توان انسان نیست آن را جلو یا عقب بیندازد همانند انتظاری که شخص غریق در رسیدن گروه نجات مستقر در ساحل به سوی خود دارد، حال آن که وی آنان را می‌نگرد که برای نجات او به راه‌افتاده‌اند، بی‌گمان غریق را یارای آن نیست که زمان رسیدن گروه نجات را به خود نزدیک‌تر کند.

نوع دوم، انتظاری است که انسان می‌تواند آن را نزدیک گرداند و طلب کند؛ مانند بهبودی از بیماری، اجرای طرحی عمرانی یا علمی یا تجاری یا پیروزی دشمن و رهایی از فقر.

با این حال، انتظار از نوع دوم یا انتظار از نوع اول تفاوت خواهد داشت و در محدوده قدرت و اختیار انسان هست که در تحقق آنچه انتظارش را می‌کشد شتاب ورزد یا درنگ و سستی روا دارد و یا عطایش را به لقایش بخشد. از این رو انتظار از نوع دوم علاوه بر امید و مقاومت به انسان حرکت نیز می‌بخشد و حرکت مخصوص انتظار است.

بنابراین اگر انتظار از نوع اول به انسان تنها امید و مقاومت می‌بخشد انتظار از نوع دوم به وی علاوه بر امید و مقاومت، حرکت و پویایی نیز خواهد بخشید. در مفهوم انتظار با علل نومییدی از انتظار و مایوس شدن از آن ناشی از عقب‌ماندگی اقتصادی علمی، شکست نظامی و سوء مدیریت حاکمیت مادیات بر زندگی و سستی و نومییدی و جهل نهفته در وجودمان و فقدان جسارت و شجاعت را شمرد.

جهانی شدن حکومت جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

فرایند جهانی شدن در سال‌های اخیر به عنوان واقعیتی غیر قابل انکار بیان شده است. جهانی‌سازی یا جهانی شدن (globalization) از تیمه دوم سده بیست میلادی از ادبیات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی اندیشمندان و روزنامه‌نگاران مغرب یافت و بتدریج به دیگر مناطق زمین نیز سرایت کرد. افرادی چون «مارشال کاندایی» هنگامی که از «دهکده جهانی» سخن می‌گفتند، چنان احساس می‌کردند که گویی با تشکیل این دهکده پهناور زمین‌گیر، بهشت متعود شکل گرفت اما اندکی نگذشت که برای بسیاری از متفکران روشن شد که تشکیل چنین دهکده‌ای چندان هم امید بخش نیست. جهانی‌سازی روند یا برنامه‌ای است برای رسیدن به همان دهکده جهانی مکالوهانی، اما دیگر این «برنامه» یا «روند» شعفی در دل‌ها بر نمی‌انگیزد و حتی برعکس اینک پیگیری این برنامه برای اهالی علم، ترسناک و دلهره‌آمیز می‌نماید. آنچه اندیشمندان پست مدرن آن را وحشت مدرن می‌نامند و از طریق جهانی‌سازی توسعه می‌یابد و این وحشت ناشی از یکسان شدن فرهنگ‌ها در یک طبقاتی جهانی است.

به این ترتیب جهانی شدن آینده‌ای را نشان می‌دهد که در آن تصمیمات سیاسی و اجتماعی در مقیاس جهانی ناگزیر بر ساخت‌هایی مبتنی خواهد شد که بتواند با پیچیدگی‌های وضعیت جهانی هماهنگ شود. یک دستگاه پیچیده مدیریت و یک بازار بسیار منعطف و پویا که ضمن صرف نظر کردن از مشارکت مستقیم شهروندان، صرفاً با تلقی آنها به عنوان مشتری و مصرف‌کننده، می‌تواند با کارایی هر چه بیشتر عمل کند.

به علت وقوع این تغییر و تحولات گسترده و ژرف در جهان و اهمیت و جذابیت موضوع جهانی شدن نمی‌توان آنرا نادیده گرفت و از بحث و گفت‌وگو درباره آن چشم‌پوشید. الان مدعیان و نظریه‌پردازان جهانی شدن رو به فزونی گذاشته است. شیعه نیز با ارائه نظریه حکومت جهانی حضرت مهدی عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف در طول قرن‌ها و سال‌های متمادی داعیه‌دار اصلی حکومت جهانی در عرصه‌های فرهنگی، سیاسی و... بوده است.

وضعیت کنونی جهان، با ضعف‌ها و قوت‌ها، نقاط مثبت و منفی نظریه‌ها و آرمان‌ها و خواسته‌ها و نیازها و طرح‌ها و برنامه‌ها، بهترین و روشن‌ترین دلیل و برهان بر اثبات ضرورت حکومت جهانی مهدی علیه السلام و نیاز به آن است، یعنی فطریات ارائه شده درباره جهانی شدن و تصمیم‌گیری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و راه‌کارهای عملی در این رابطه می‌تواند فهم و درک ما را از مهدویت آسان کند، حقیقت آیات و روایات «ظهور منجی» را بهتر تبیین نماید، نیاز و احتیاج بشر به حکومت مقتدر و عدالت‌گستر را تعمیق بخشد، زمینه را برای ظهور او فراهم سازد، سطح آگاهی و بینش مردم را بالا برد، آنان را آماده پذیرش دولت کریمه و حکومت جهانی او گرداند، عصر موعود را بهتر نشان دهد و اندیشه مهدویت را فراگیرد و جهانی کند. حکومت جهانی مهدی عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف خط بطلانی بر انواع گوناگون حکومت‌ها، نظریات و برنامه‌ها و طرح‌های ارائه شده در عصر جهانی است به طوری که تمامی این نظریات و حکومت‌ها امتحان خود را پس خواهند داد و مردم به یوچی، ضعف و بطلان آن پی خواهند برد و با آغوش باز پذیرایی دولت مهدوی خواهند بود.

مشکلات دائمی جهان (جنگ‌ها، عداوت‌ها و کینه‌ها و نابرابری‌ها، نابسامانی‌ها، ظلم‌ها و ستم‌ها) نیازها و احتیاجات ضروری بشر (در زمینه

اقتصاد، سرمایه‌گذاری، ارتباطات و بهداشت، رفع فقر و... الزامات و بایسته‌های جهانی (در زمینه همگونی و نزدیکی فرهنگ‌ها، علوم، افکار و اندیشه‌ها، تربیت اخلاقی و...) ایده‌ها و آرمان‌های همیشگی همگان (صلح، دوستی، عدالت، نیکی، آرامش...) تجارب گذشته انسان‌ها (در نقص و ضعف دولت‌ها و حکومت‌های خود، جنگ‌ها و ستیزه‌جویی‌ها) و... باعث خواست و طلب آگاهان و عاشقانه (ظهور منتجی و صالح الهی) از سوی بیشتر انسان‌ها خواهد شد، چنان‌که امام صادق علیه السلام فرمود:

هر جمعیتی در انتظار دولتی هستند... اما دولت ما در آخر الزمان نمایان می‌گردد.

حتمی بودن انقلاب جهانی مهدی عجل الله فرجه الشريف: از

بایسته‌های مهدویت بیان حتمی بودن انقلاب جهانی مهدی و ظهور منتجی بشریت و مصلح کل است. این وعده قطعی خداوند به مردم جهان است که حکومت را در برهه حساسی از زمان بدست بندگان صالح و برگزیده خواهد داد و به وسیله او عدالت، رفاه، علم، بهداشت، آسایش، قسط و داد، آبادانی، یکتاپرستی و نیکی را در پهنه گسترده زمین ارزانی خواهید بخشید. چالش‌ها، ستیزه‌جویی‌ها و کاستی‌های موجود در دنیا و نیازها و اختیاجات فراروی بشر روز به روز به بطلان نظریات و فرضیات جهانی شدن به شکل کنونی و سایر نظریات و اندیشه‌های دنیوی گرایانه «سیاست» صحنه می‌گذارد. با ابطال این آرا و نظریات و یا اصلاح و بازسازی آنها زمینه برای اثبات نظریه جامع و کامل حکومت جهانی قائم آل محمد صلی الله علیه و آله فراهم می‌شود. قابل پذیرش بودن این نظریه در اذهان و افکار بشر و محافل علمی و دانشگاهی آسان می‌گردد.

پس تنها نظریه قبول در عرصه جهانی، نظریه حکومت جهانی مهدی

عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف است که اشکالات و اتهامات سایر نظریات را ندارد و خود کامل‌ترین دقیق‌ترین و جامع‌ترین نظریه برای اداره جهان به شمار می‌آید. روشن و بدیهی است که علت و فلسفه اصلی قیام مصلح کل و جنگ و ستیز با ستمگران و مفسدان تشکیل حکومت جهانی و دست یافتن به حاکمیتی مقتدر و الهی است. برنامه‌ها و راه‌کارهای اجرایی و بنیادین این دولت تماماً در راستای جهان و جهان‌گستری است. و شامل تمام نقاط روی زمین می‌شود، به طوری که هیچ نقطه‌ای از جهان از فیض وجود این حکومت بی‌بهره نخواهد بود و مردم با آغوش باز پذیرای آن خواهند بود. این حکومت تحت عناوین دولت عدل و داد، دولت کریمه، حکومت جهانی، حکومت مصلح جهانی و... معرفی شده است و ویژگی‌ها و خصایص آن به روشنی در روایات بیان گشته است.

اهداف حکومت جهانی مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف: مهم‌ترین

و اصلی‌ترین اهداف و خواسته‌های حکومت جهانی حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف که عمدتاً با اهداف جهانی شدن و جهانی‌سازی فرق دارد، عبارتست از:

۱. رساندن جامعه بشری به کمال مطلوب و رشد بالندگی.
۲. برقراری عدالت اجتماعی و گسترش قسط و عدل در سراسر گیتی.
۳. اداره و سازماندهی نظام جهان بر اساس ایمان به خدا احکام دین اسلام.
۴. تثبیت و گسترش صلح و امنیت جهانی و از بین بردن جنگ‌ها، ستیزه‌جویی‌ها، کینه‌ها، زیاده‌خواهی‌ها.
۵. نجات دنیا و مردم از چنگال ستمکاران، جباران و مفسدان و اهتزاز پرچم یکتاپرستی و دین‌خواهی در پهنه زمین خاکی.
۶. زنده و احیا کردن آیین توحیدی و تعمیق برابری و مساوات اسلامی.

۷. تأسیس حکومت جهانی اسلام و تشکیل دولت کریمه.
۸. بسط و گسترش دین اسلام و غلبه آن بر کلیه ادیان باطل و منحرف.
۹. به کمال نهایی رساندن علم و دانش بشری و رشد و شکوفایی اندیشه‌ها و افکار انسان‌ها.
۱۰. تصحیح امور و کارهای زندگی بشری و استفاده از امکانات و منافع مالی و معنوی جهان.
۱۱. از بین بردن امتیازات و تبعیضات نژادی و طبقه‌ای.

- ویژگی‌ها و برنامه‌های حکومت جهانی امام قائم عجله الله

۱. تشکیل حکومت فراگیر جهانی
 ۲. دین و آیین واحد جهانی
 ۳. عدالت فراگیر جهانی
 ۴. امنیت و صلح جهانی
 ۵. ملت واحد جهانی
 ۶. پیشرفت و رفاه جهانی
 ۷. کمال علم و عقل
 ۸. نوسازی و احیاگری
 ۹. رضایت و خشنودی جهانی
- در عصر حاضر بیشترین آسیب‌ها و ضربه‌ها زمانی است که تیروهای خالص از تیروهای ناخالص جدا نشده‌اند و دوستان از دشمنان تمیز داده نشده باشند و در حقیقت دشمنان واقعی در لباس دوستان نزدیک در آمده باشند، زیرا در جهانی شدن که مترادف با همگون شدن جهان می‌باشد تفکیک ملل مختلف و همچنین اقوام متعدد معتقد به حکومت جهانی مهدی عجله الله مشکل به نظر

می‌رسد.

پنابراین بالا رفتن سطح آگاهی و بالا بودن ذخیره تجربیات سخت در دوران غیبت و اصل اجتناب‌ناپذیر برای رسیدن نیروهای تحت امر حضرت مهدی علیه السلام بوضع مطلوب است.

برخی از آیات و روایات در دربارهٔ وجود و ظهور امام زمان عجل... تعالی فرجه الشریف

عبدالرحمن بن خلدون صاحب مقدمه مشهوری که بر کتاب العبر نوشته

می‌گوید:

بدان که مشهور اهل اسلام در طول اعصار بر این عقیده‌اند که به ناچار در آخرالزمان مردی از اهل بیت ظهور خواهد کرد که دین را تأیید کند و عدالت را ظاهر سازد و مسلمانان از وی پیروی کنند. او بر ممالک اسلامی استیلا یابد و نام مقدسش مهدی عجل... تعالی فرجه الشریف است. خروج دجال و حوادث دیگر پس از آن، و اینکه عیسی علیه السلام در پی او خواهد آمد و دجال را خواهد کشت یا با او خواهد آمد و در کشتن دجال یاور وی خواهد بود و در نمازش به مهدی علیه السلام اقتدا خواهد کرد از نشانه‌های ثابت ظهور است که در منابع روایی صحیح ذکر شده است.^۱

خواجه نصیر طوسی نیز می‌گوید: طول عمر در غیر مهدی علیه السلام اتفاق افتاده و محقق شده است. چون چنین است. بعید شمردن طول عمر در مورد مهدی علیه السلام جهل محض است.^۲

۱. ابن خلدون، عبدالرحمن، العبر، مقدمه، ص ۳۱۱.

۲. حکیمی، محمدرضا، خورشید مغرب، ص ۲۱۴.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند:

يُخْرِجُ الْمَهْدِيَّ مِنْ وَوَلِيدِ الْحُسَيْنِ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ، لِيُاسْتَقْبَلَهُ الْجِبَالُ
لِهَدْمِهَا وَاتَّخِذْ فِيهَا طَرِيقاً.

مهدی از فرزندان امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام از جانب مشرق خروج می‌کند. اگر گوه‌ها در
مقابل او بایستند آنها را نابود و هموار می‌کند.

حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید:

أَرَى، زَمِينَ هَيْجِ گَاهِ از حِجَّتِ الْهَيْ تَهِي تَيْسَتْ، [أَوْ] يَا أَشْكَارًا وَ شَنَاخْتَه شُدَّة
و يَا بَيْمَنَّاكَ وَ پِنهَانِ اسْتِ [أَوْ بَايِدْ بَاشِدْ] تَا حِجَّتِ خُدَا بَاطِلْ نَشُودُ وَ تَشَانَه هَايِش
از میان تروود.^۱

امام عصر عَجَلُ... تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفِ زَمِينَ رَا از عَدَلْ وَ دَادِ پَرِ مِي كُنْدِ چنان
که از ظلم و جور پور شده است، نه بعد از آن که از ظلم و جور پور شده باشد.^۲
«لئلا يكون للناس على الله حجة»

تا برای مردم در مقابل خداوند [بهبانه و] حجتی نباشد (نساء: ۱۶۵)
- من مات و لم يعرف إمام زمانه مات ميتة جاهليّة:

«هرکس بيمرد و امام زمان خود را نشناسد بمرگ جاهليت مرده است»

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید:

هنگامي که حضرت قائم قيام کند، خانه خدا را به اندازه نخستين آن باز
می‌گرداند.^۳

۱. نهج البلاغه، خ ۱۴۷. ۲. حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۳۵۵.

۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۸.

همان حضرت علیه السلام می‌فرماید:

وقتی قائم ما قیام کند ایشان را بگیرد و دستانشان را قطع کند و به خواری در
کوی و برزن بگرداند و بگوید: اینان دزدانی هستند که از خدا می‌دزدند.
پیروان حق همیشه در ناراحتی به سر می‌برده‌اند، آگاه باشید که ناراحتی اندک
و زمان دولت قائم طولانی خواهد بود.
هنگامی که قائم خروج کند، امر تازه، کتاب تازه، روشی تازه و دابوری تازه یا خود
می‌آورد.

آیندهٔ جهان و انتظار منتظر

چکیده

آمادگی عمومی و همیشگی، جوهر اصلی انتظار است. این است که باید ماهیت انتظار شناخته شود. منتظران، مبشران آزادی و منادیان رهایی اند. منتظران، فریادگرایان رسیدن روز و استقبال کنندگان طلوع خورشیداند. پیامبر

اکرم صلی الله علیه و آله

برترین عمل امت من، در انتظار فرج الهی بودن است.

انتظار انقلابی است سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اخلاقی. کسانی که در انتظار چنان انقلابی به سر برند اگر در دعوی خود صادق باشند به طور مسلم آثار ۱. خودسازی فردی ۲. حل شدن فساد در محیط در آنها آشکار خواهد شد؛ چون قائم آل محمد صلی الله علیه و آله قیام می کند، می فرماید که «ای گروه خلائق، ما بیم آنان که خدای تعالی در کتاب خود ایشان را به شما وعده داد» یعنی: ایشان آنانند که اگر در روی زمین به ایشان تمکین بدهیم، هر آینه نماز را برپا می دارند و زکات را می دهند و به معروف، امر می کنند و از منکر نهی و عاقبت کارها برای خداست. امام صادق علیه السلام فرمود:

او کسی است که زمین را پر از عدل می کند چنان که پر از ظلم شده، هر آینه در وقتی می آید که امامی علیه السلام در روی زمین نمی باشد. چنان که پیامبر آمد وقتی که در روی زمین پیامبری نبود.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

ایام خدا سه تا است: روز قائم علیه السلام روز مرگ و روز قیامت.

ما (آل محمد) و هر مسلمانی امروز شاهد و (گواهیم) که به ما ظلم شده و آواره شده ایم و به ما تعدی شده و از خانمان و وطن خود بیرون شده ایم و اموال ما را ضبط کرده اند و مقهور دشمنان واقع شده ایم. آگاه

باشید که امروز از خداوند و از هر مسلمانی یاری می‌طلبیم.

اصل انتظار فرج از یک اصل کلی اسلامی و قرآنی دیگر استنتاج می‌شود و آن اصل «حرمت یأس از روح‌الله» است.

کسی از امام صادق علیه السلام سؤال کرد درباره کسی که دارای ولایت پیشوایان است و انتظار ظهور حق را می‌کشد و در این حال از دنیا می‌رود، فرمودند:

«او همانند کسی است که با رهبر این انقلاب در خیمه بوده است، مانند کسانی است که با پیامبر در مبارزاتش همراه بوده است، مانند کسی است که در راه خدا شمشیرزنی نماید، مانند کسی است که در خدمت رسول خدا با شمشیر بر منفر دشمن بکوبد، مانند کسی است که در زیر پرچم قائم یوده باشد، مانند کسی است که پیش روی پیامبر جهاد کند و مانند کسی است که با پیامبر شهید شود.

انتظار دو گونه است: انتظاری که سازنده و نگهدارنده، تعهدآور، نیرو آفرین و تحرک‌بخش است، به گونه‌ای که می‌تواند نوعی عبادت و حق‌پرستی شمرده شود و انتظاری که گناه، ویرانگر، اسارت‌بخش، فلج‌کننده است و نوعی «اباحی‌گری» محسوب می‌گردد امام باقر علیه السلام فرمود:

وقتی قائم قیام کند، دست عنایت و مهر پروردگار بر سر تمام انسان‌ها گذارده می‌شود، در این زمان، عقل‌ها به رشد کامل خویش می‌رسند و اندیشه و تفکر بشری کاملاً شکوفا خواهد شد.

در حکومت عادلانه مهدی ساکنان آسمان و زمین راضی و خشنود بوده و از عدالت و رفاه و آسایش حکومتش برخوردار خواهند شد. قیامت به پانمی‌شود، تا این که مردی از قحطان به پا خیزد که مردمان را با عصایش رهبری می‌کند. او احیاگری است که دگر باز دین را زنده می‌سازد و بخشهایی از دین را که حاکمان جور میرانده‌اند و از اندیشه‌ها زدوده‌اند، به عرصه حیات می‌کشد. آنچه از قرآن و

سنت که بر زمین مانده و به فراموشی سپرده شده است برپا می‌دارد. از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ روایت کرده که آن حضرت فرموده: مهدی، طاووس اهل بهشت است.

مقدمه

موضوع مهدی و اینکه او در آخرالزمان ظهور می‌کند و عیسی عَلَيْهِ السَّلَام بهشت سر او نماز می‌گزارد، و اسلام دیگر بار به دست توانای او حیاتی دوباره می‌یابد، یکی از مسائل مهم دین اسلام است.

باری، سخنان کسانی که اعتقاد به ظهور مهدی را تضعیف کرده‌اند، درست و مستند نیست و در برابر اجماع و اذعان بزرگان اهل سنت، بر وجوب اعتقاد به ظهور مهدی، چیزی به حساب نمی‌آید، و بیشتر سستی باورهای دینی این گونه افراد را می‌نمایاند. زیرا گذشته از آیین اسلام، اعتقاد به آمدن مصلح در آخرالزمان و زیست منتظرانه، در بلندای تاریخ حیات آدمی موج می‌زند.

بنابر احادیثی که از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به ما رسیده است، مهدی منادی عدالت، برپادارنده دین، و احیاگر معارف قرآنی است. او مسلمانان را در زمانی که زمین پر از ظلم و تباهی گشته است نجات می‌دهد. با کفر و ستم می‌ستیزد، و عرصه گیتی را با برداشتن حکومت عدل و داد، از نامردی‌ها و انحرافات و انواع آلودگی‌ها پاک می‌سازد. به سنت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ عمل می‌کند، و آرمان‌های او را عینیت می‌بخشد و دیگر یار عزت و شوکت اسلام را باز می‌گرداند.

او [خدا] کسی است که پیامبر خود را برای مردم فرستاد، با دینی درست و بر حق، تا او را بر همه دین‌ها پیروز گرداند، هر چند مشرکان را خوش نیاید.

بعد آمادگی نظامی

امر بسیار جالب و بسیار مهم و بسیار معقول، امر آمادگی نظامی در عرصه انتظار است. انسانی منتظر قیامی بزرگ، انقلابی خونین و شورشی شعله‌ور و درگیری عظیم و جهانی است، آیا ممکن است که خود هیچ‌گونه آمادگی برای حضور در این درگیری و کمک به این انقلاب نداشته باشد؟

مسلمان باید همیشه آمادگی نظامی و نیروی سلحشوری داشته باشد تا به هنگام طلوع طلایع حق به صف پیکارگران رکاب مهدی علیه السلام پیوندد و در آن تیرد بزرگ حق و باطل، حماسه آفریند و کمک رساند و حضور فعال داشته باشد. در این باره تعلیمی خورشید ساق و دستوری درخشان از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است. امام در این تعلیم، حوزه منتظران را فرا می‌خواند تا همواره تیرومند و مصلح باشند و دوره انتظار مهدی علیه السلام را با دست پر به سر آورند.

باید هر یک از شما برای خروج قائم اسلحه تهیه کنند، اگرچه یک نیزه، چون وقتی خداوند ببیند کسی به نیت مهدی اسلحه تهیه کرده است، امیداست عمر او را دراز کند تا ظهور را درک نماید و از یاوران مهدی باشد [یا برای این آمادگی، به ثواب درک ظهور برسد].

و در گذشته شیعیان به این امر توجه بیشتری داشته‌اند، تا جایی که برخی اسلحه در خانه نگه می‌داشتند و این چنین آماده شرکت در استقرار عدل بزرگ بوده‌اند. به بعد انسانی و عمیق و والای همین سنت بنگرید. انسان‌هایی در طول قرون و اعصار، در مدت عمر، اسلحه داشته باشند که به هنگام ظهور متجلی انسانیت و گسترنده اصول عدالت و در هم کوبنده جباران و خوار سازنده مستکبران، به او پیوندند و برای نجات بشریت مظلوم و انسانیت محروم به پا

خیزند. این چه زلال جاری و چه عصمت پاک و چه باور تابناکی است؟

انتظار بسیج عمومی: انتظار یک بسیج عمومی است. مکتب تشیع علوی در عصر انتظار پیروانی می‌خواهد همیشه آماده و همواره در سنگر همیشه آماده از نظر قدرتهای ایمانی و روحی، نیروهای بدنی و سلاحی، تمرینات عملی و نظامی، پرورش‌های اخلاقی و اجتماعی و سازماندهی‌های سیاسی و مرامی و همواره در سنگر، سنگر میارزه با ذلت‌پذیری و استعماز زندگی، مبارزه با تمایلات نفسانی، با سیستم‌های تکلیفی، با فتورهای موضعی، مبارزه با تطاول و ستم و تبعیض و استثمار و انحرافات، مبارزه با زیر بار کفر رفتن، و برده دیگران شدن و سلطهٔ یهود و نصارا و ملحدان را پذیرفتن، و قدرت‌های ناحق را تحمل کردن.

این آمادگی عمومی و همیشگی، جوهر اصلی انتظار است. این است که باید ماهیت انتظار شناخته شود تا انتظار، انتظاری اسلامی باشد و شیعی و سازنده. نه یک تنبلی و تکلیف‌رهبایی و «وادادگی». انتظار پدیده‌ای عظیم و جریانی مهم است. همه می‌دانیم که ظهور مهدی موعود و رسیدن فرج اعظم و فتح اکبر، امری بسیار بزرگ و بسیار مهم است. نشر عدالت در همه آفاق، و نشر حق در همه نفوس منتظران این امر بزرگ شیعه خود را برای چنان هدفی عظیم، آماده می‌دارد.

نقش نیروهای مردمی: مهدی می‌آید تا به کمک انسان و انسانیت برخیزد و دست انسان را بگیرد و جهان انسانی را پدیدار سازد و انسان موجودی است که در قلمرو تکلیف و اختیار حرکت می‌کند. بنابراین در دوران ظهور نیز همین تکلیف و اختیار هست. انسان در آن جریان بزرگ نیز حضور دارد، آنهم حضور اختیاری و تکلیفی.

و همین است که در هنگام ظهور نیز برخی از مردم حق را اختیار می‌کنند و

در پی مهدی به راه می افتند و برخی باطل را اختیار می کنند و رو در روی مهدی می ایستند. البته اینان تابود می شوند، چه در روزگار ظهور حق بزرگ به بدان و بدخواهان و باطل و باطل گرایان مهلت داده نمی شود تا چونان خار در گلستان انسانیت بمانند و بیالند و جان انسان و انسانیت را بگزند و رتجه دارند و از یالیدن جوانه های حق و قضیلت در آفاق حیات بشری جلوگیری کنند، دیگر هرگز چنین نخواهد بود. یاری این را می گفتیم که عنصر تکلیف اختیار در آن روزگار نیز حضور کامل دارد. و انسان در کنار مهدی وارد صحنه می شود و عدل جهانی به رهبری مهدی و با کمک انسان های مقاوم و مبارز تحقق می پذیرد. بنابراین اصل یاد شده، یعنی نقش نیروهای مردمی در تحقق یافتن حکومت مهدی ^{الشیخ} باید همواره در یادها باشد تا آمادگی ها را فراهم آورد. در احادیث می خوانیم مهدی از مردم یاری می طلبد. یکی از یاران خود را می خواهد، به او می فرماید:

به نزد مردم مکه برو و بگو: ای مکیان! من فرستاده مهدی ام، مهدی می گوید: ما خاندان رحمتیم، ما مرکز رسالت و خلافتیم. ما ذریه محمد و سلاله پیامبرانیم. مردمان به ما ستم کردند. و بر ما جفا روا داشتند، و از هنگام درگذشت پیامبر تا هم امروز حق ما را از ما ستاندند، اکنون من از شما یاری می طلبم. به یاری من بشتابید! ای مردمان، ما از خدا یاری می طلبیم و از هر کس از مردم که دعوت ما را بپذیرد و در صف یاران ما درآید. ما امروز از خدا یاری می طلبیم و از هر مسلمانی که در جهان هست.

- حضور شیعه در صحنه:

هنگامی که قائم قیام کند، خداوند شیعیان را از همه شهرها نبرد او گرد می آورد. هنگامی که قائم قیام کند خداوند هر عیب و نقصی را از شیعیان بر طرف می کند و دلهای آنان را چنان پاره های پولاد می گرداند و قدرت هر مرد از آنان را به اندازه قدرت چهل مرد قرار می دهد و آن گاه آنان جا کمان و فرمانروایان زمین خواهند بود و سران بزرگوار جهان.

کسانی که آماده طلبند، و تصور می کنند که با حضور امام دوازدهم علیه السلام همه چیز به سرعت رویه راه می گردد و بدون هیچ رنج و گرفتاری و جهادی مصائب انسان رفع می شود و مشکلات بشریت حل می گردد و دین خدا به همه سوی می رسد و این همه قدرت های شیطان و وسایل و ابزار و ارتش ها به آبی از پای در می آیند و سپس جهان آماده و مرید و سراسر عدل و احسان را بر آقایان عرضه می دارد، این کیان در اشتباهند و این کسان، به واقع منتظران نیستند، منتظران به مفهوم اسلامی و تعلیم شیعی. در حدیثی از امام رضا علیه السلام نیز این گونه روایت شده است:

هنگامی که قائم آل محمد صلی الله علیه و آله خروج کند، خون است و عرق [ریختن] و سوار مرکب ها بدون در میدان های مبارزه و قائم علیه السلام جز جامه درشتناک نخواهد پوشید و جز خوراک درشتناک نخواهد خورد. داشتن آمادگی، حتی آمادگی نظامی و سلاح داری به اندازه ای اهمیت دارد که از طریق تعلیمات دعا و زیارت نیز ما را متوجه آن کرده اند.

- حوزه منتظران: منتظران میسران آزادی و منادیان رهایی اند. منتظران،

فریادگر رسیدن روزند، و استقبال کنندگان طلوع خورشیدند. آری، منتظران مردمی اند که تمام وجودشان شناخت حق است و همه دلشان

بصیرت و همه لحظاتشان انتظار رهایی انسانیت. مردمی که تمامی آرمانشان طلوع صبح عدالت است تا نور حق دینی‌اند و اعجاب‌انگیز و تحسین‌آفرین.

قیام زمینه‌سازان ظهور از مشرق

پس از اشاره به ابعاد عمیق پدیده انتظار و ویژگی‌های ضروری برای حوزه منتظران و یادآوری نقش نیروهای مردمی در ظهور و اهمیت بسیج عمومی و وجود آمادگی و مترصد بودن لازم است به حدیثی اشاره بکنیم که از سر، سستی و سادگی و عدم تأمل در مسائل اجتماعی و بشری و حکمت‌های موزون الهی را بیندازد که به هنگام ظهور همه جای جهان غرق در فساد و بی‌خبری است حتی سرزمین‌های اسلامی و شهرها و آبادی‌های شیعی و دیگر احدی که روی به حق و فضیلت داشته باشد به هم نمی‌رسند و در چنین شرایطی ظهور بزرگ اتفاق می‌افتد.

درست است که جهان عصر ظهور جهان آکنده از ستم و بیداد است لیکن در گوشه و کنار جهان بزرگ - به ویژه در آبادی‌های اسلامی و شیعی - مردمی هستند که اگر چه در مقیاس با مردم سراسر جهان و نفوس کل بشر بسیار اندکند اما معتقدند به حق، و بصیر در امر حقند و چشم به راه مهدی‌اند و آماده پیوستن به او و کمک و یاری او می‌باشند.

در چند روایت که سنی و شیعه نقل کرده‌اند آمده است که پیش از ظهور مهدی علیه السلام مردمی قیام می‌کنند و مقدمات حکومت مهدی علیه السلام را فراهم می‌سازند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیثی نقل می‌کند:

مردمی از مشرق قیام می‌کنند و زمینه حکومت مهدی را فراهم

می سازند.

خلقی که در انتظار ظهور مصلح به سر می برد باید خود صالح باشد. آری، روزی گروهی از مردم جهان به امامت و رهبری مهدی موعود علیه السلام و ارثان زمین و حاکمان گیتی و خلفای ارض خواهند شد. اما چه کسانی؟ صالحان.

إِنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ.

پس خلقی که در انتظار ظهور مصلح به سر می برد باید خود صالح باشد.

انتظار فرج، دوران غیبت و قیام حضرت مهدی علیه السلام در روایات:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یرترین عمل امت من، در انتظار فرج الهی بودن است.

امام باقر علیه السلام کسی که در انتظار امر فرج ما بپردد، از این که در میانه خیمه گاه

و لشکر مهدی علیه السلام نمرده است زیان نمی کند.

حضرت علی علیه السلام آنکه منتظر امر فرج ماست همچون کسی است که در راه

خدا در خون خود تپیده است.

امام حسین علیه السلام آنگاه که قائم ما به پا خیزد، عدالتش بر نیکوکار و بدکار

سایه افکند.

امام کاظم علیه السلام خوشا به حال شیعیان ما که دوران غیبت قائم ما به ریسمان

چنگ زنند و بر ولایت ما استوار مانند، آنان از ما آیند و ما از آنانیم.

زمان و مکان ظهور: ظهور آن حضرت در یکی از سال های فرد، در روز

شنبه دهم محرم (روز عاشورا) خواهد بود.

مکان ظهور شریف آن حضرت در مکه و بین رکن کعبه و مقام ابراهیم علیه السلام

است و از آنجا به همراه یارانشان حرکت خویش را آغاز کرده و ابتدا به کوفه

می روند..

کسانی که به آن امام غائب معتقدند و به انتظار ظهورشان نشسته اند، باید

خود را برای ظهور ایشان مهیا سازند و آمادگی‌های لازم را در خود ایجاد کنند. گروهی را عقیده بر این قرار است که چون باید دنیا پر از ظلم و ستم شود تا امام زمان علیه السلام ظهور نمایند پس از هر گونه حرکت اصلاحی باید پرهیز شود تا از ظلم و ستم جهانی کاسته نگردد و...

این طرز تفکر کاملاً اتحرافی است و بی پایه و اساس. زیرا آماده‌سازی زمینه قیام و ظهور آن متجی بزرگ بایستی به دست شیعیان و پیروانشان انجام شود، اصولاً اگر دوستان و مؤمنان به آمادگی‌های جسمی، روحی، سیاسی، نظامی و اجتماعی نپردازند، پس چه کسانی در رکاب آن حجت خدا باید بجنگند و از اهداف حمایت کنند و به یاری امام برخیزند.

انتظار فرج که به گواهی روایات ما از مهم‌ترین و پر اجرت‌ترین عبادت محسوب می‌شود، معنایی جز حرکت‌های شخصی و عمومی در راستای اهداف متعالی امام زمان علیه السلام که همان آرمان‌های مقدس دینی است ندارد. پس هر کس به میزان توانمندی خویش باید استعدادهای تهفته‌اش را پرور دهد و آمادگی‌های اخلاقی و روانی، و نیز رزمی و اجتماعی را در خود ایجاد کند تا در گروه منتظران واقعی آن امام بزرگ به حساب آید.

ما هر قدر خوش بین و امیدوار باشیم باز باید بدانیم رسیدن به مرحله‌ای از تاریخ که در آن همه انسان‌ها زیر یک پرچم گرد آیند و سلاح‌های وحشتناک از جهان برچینده شود، مستلزم آمادگی عمومی فراوان است.

۱- آثار سازنده انتظار:

اگر اعتقاد و انتظار حکومت جهانی مهدی به صورت ریشه دار حلول کند، سرچشمه دو رشته اعمال دامنه دار خواهد شد زیرا اعتقادات سطحی ممکن است اثر آن از گفتار و سخن تجاوز نکند اما اعتقادات عمیق همیشه آثار عملی گسترده‌ای به دنبال خواهد داشت. این دو رشته اعمال عبارتند از: ترک هر گونه همکاری و هماهنگی با عوامل ظلم و فساد و حتی مبارزه و درگیری با آنها از یک سو و خودسازی و خودباوری و جلب آمادگی‌های جسمی، روحی، مادی و معنوی برای شکل گرفتن آن حکومت واحد جهانی و مردمی از سوی دیگر.

کسانی که انتظار قیام یک مصلح بزرگ جهانی را می‌کشند در واقع انتظار انقلاب و دگرگونی و تحولی را دارند که وسیع‌ترین و اساسی‌ترین انقلاب‌های انسانی در طول تاریخ بشر است. انقلابی که برخلاف انقلاب‌های اصلاحی پیشین جنبه منطقه‌ای نداشته و نه اختصاص به یک جنبه از جنبه‌های مختلف زندگی دارد، بلکه علاوه بر اینکه عمومی و همگانی است، تمام شئون و جوانب زندگی انسان‌ها را شامل می‌شود. انقلابی است سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اخلاقی. کسانی که در انتظار چنان انقلابی به سر برند اگر در دعوی صادق باشند به طور مسلم آثار زیر در آنها آشکار خواهد شد:

۱. خودسازی فردی.
۲. حل شدن فساد در محیط.

آینده جهان

اصل اندیشه مهدویت و وجود موعودی برای اصلاح جهان تنها توسط آیین اسلام طرح نشده است بلکه این بشارتی است که خدای متعال به همه انبیا داده و تمامی ادیان توحیدی منادیان این اندیشه بوده‌اند و آینده جهان را از آن صالحان

خوانده‌اند و حاکمیت عدالت را بر سراسر گیتی حتمی قلمداد کرده‌اند. این اندیشه آنقدر در ادیان توحیدی مهم و پر رونق بوده که به ادیان غیر توحیدی نیز رنگ داده است و ادیانی که به ظاهر منشأ الهی نداشته‌اند نیز اعتراف به وجود مصلح جهانی کرده‌اند.

تمدن آینده جهان در لوای حکومت مهدی علیه السلام

و ارستگی‌ها و صلاحیت‌های رهبری

رهبری حکومت واحد جهانی را خدای متعال بر عهده صالح خود و حضرت حجت بن الحسن علیه السلام قرار داده است و او یگانه انسان است که امروز خدای متعال، معصوم بودن او را امضا فرموده است و اوست که از هر پستی و آلودگی، اشتباه کاری و خطا برکنار است و هیچ پلیدی و ناپاکی در او یافت نمی‌شود. خدای متعال درباره او و پدران گرامیش و ناموس کبریا، صدیقه کبری، فاطمه زهرا علیه السلام فرموده است:

همانا خداوند چنین خواسته است که تمامی ناپاکی‌ها را از شما اهل

بیت بزداید و شما را از همه پلیدی‌ها پاک نماید.

نیروهای کار آزموده و بی‌آلایش

یاران مهدی علیه السلام همانانی که حکومت جهانی حضرتش را به دوش خواهد کشید. بزرگانی هستند که بسان آنان در تاریخ بشر کم پیدا شده است. آنان افراد والا گهری می‌باشند که از همه ویژگی‌های نیکو بهره‌ای دارند. امیرالمؤمنین علیه السلام درباره یاران امام زمان علیه السلام می‌فرماید:

آنها قوی هستند که با صبر و شکیبایی خود بر خدا منت نمی‌نهند و جانپازی خود را در راه حق بزرگ نمی‌شمارند، هنگامی که حادثه‌ای روی دهد و زمینه یأس پیش آید دیده‌هایشان را از برق شمشیر جلا می‌دهند و به فرمان امامشان به

پروردگار خود تقرب می جویند، آنها همگی شیرهای ژنایی هستند که از جنگل های خود بیرون آمده اند. اگر اراده کنند که کوه ها را از جای خود برکنند، بی تردید انجام می دهند. آنها به حقیقت توحید خدا راه یافته اند. برای آنها در دل شب از ترس خدا ناله هایی است. چون ناله مادران داغ پسران دیده. شب زنده داران در دل شب و روزه داران در طول روزها هستند. گویی اخلاق و آداب آنها یکی است. در دل های آنها محبت و شفقت و خیرخواهی گرد آمده است.

در تفسیر عیاشی از امام باقر علیه السلام در خصوص قول خدای عزوجل روایت شده که آن حضرت فرمود: در وقت قائم امر به نوعی می شود که احدی باقی نمی ماند مگر این که به نبوت محمد صلی الله علیه و آله اقرار می کند. چون قائم آل محمد صلی الله علیه و آله قیام می کند می فرماید که: ای گروه خلائق ما ایم آنانکه خدای تعالی در کتاب خود ایشان را به شما وعده داده:

ایشان آنانند که اگر در روی زمین به ایشان تمکین بدهیم، هر آینه نماز را برپا می دارند و زکات را می دهند و به معروف امر می کنند و از منکر نهی می کنند و عاقبت کارها برای خداست.

شیخ طوسی در کتاب الفیة از امام صادق علیه السلام روایت نموده که آن حضرت فرمود:

پیش از قیام قائم علیه السلام پنج علامت ظاهر خواهد شد و آنها صیحه و خروج سفایانی و خسف زمین در بیدا و خروج یمانی و قتل نفس زکیه است. «بقیة الله خیر لکم ان کتمم مؤمنین؛ باقی ماندن خدا را در روی زمین از حجت های خود بهتر است. اگر به او ایمان بیاورید» هر آینه از او خیر و نفع می بینید. بعد از آن می فرماید که منم باقی مانده خدا روی زمین. پس وقتی که ده هزار نفر مرد در خدمتش جمع شدند، آن وقت

خروج می‌کند و به یمن وجودش در روی زمین جز خدای عزوجل معبودی مانند صنم و غیر آن باقی نمی‌ماند مگر اینکه آتشی به آن واقع می‌شود و آنرا می‌سوزد، و این خروج بعد از غیبت طولانی است. برای این که خدای تعالی از میان خلائق تمییز بدهد کسانی را که حال غیبت به او ایمان می‌آورند و به امرش اطاعت می‌کنند.

ائمه علیهم السلام این طور گفتند که ظهور ما نزدیک است و به زودی واقع خواهد شد برای این که تالیف قلوب شیعیان نمایند. تا دل‌هایشان را به دست آورند و آنها را از قساوت و ارتداد نگه بدارند. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

منتظر فرج باشید و از رحمت خدا نومید مشوید زیرا درست‌ترین عمل‌ها نزد خدای تعالی انتظار فرج است.

بعد از آن فرمود:

کندن کوه‌ها از بیخ آسان‌تر است از مدارا و رفتار نمودن با پادشاهی که مدت سلطنتش طول یافته باشد. پس در این باب از خدای یاری بطلبید و صبر کنید، زیرا زمین ملک خداست و او وارث آن می‌گرداند. از بندگان خود کسی را که می‌خواهد و عاقبت امر برای متقیان است، و به این امر پیش از رسیدن وقتش تعجیل نکنید که پشیمان می‌شوید و این مدت را به طولانی‌شمارید که موجب قساوت دل‌های شما گردد. هر که به امر ما چنگ بزند، هر آینه در جایگاه قدس با ما می‌باشد، و هر که منتظر ظهور امر ماست مانند کسی است که در راه خدا به خون خود غلطیده است.

امام صادق علیه السلام فرمود:

آن کس از شما که در اثنای انتظار این امر، وفات می‌یابد، به منزله کسی

است که در راه خدا شمشیر بکار برد.

رسول خدا ﷺ فرمود که:

افضل عمل های ائمه منتظر بوده است، به فردی که از جانب خدا است، به درستی که خدای تعالی می فرماید: پس هر که امام خود را پیشناسد، مانند کسی می شود که در خیمه منتظر باشد.

حضرت صادق علیه السلام فرمود:

کسی است که زمین را پر از عدل می کند چنان که پر از ظلم شده، هر

آینه در وقتی که ائمه الشیخ روی زمین نمی باشند، چنان که پیامبر وقتی

آمد که در روی زمین، پیامبر نبود.

روایت است که آن حضرت فرمود:

مابین مکه و مدینه نخلستان ها به هم متصل می شوند [یعنی در وقت

ظهور].

از امام صادق الشیخ پرسیدم، آن حضرت فرمود:

«مراد از متقین شیعیان علی الشیخ است و مراد از غیب حجت غایب

است، و شاهد مدعا قول خدای تعالی است.

هرگاه قیام کند قائم ما، هر آینه کسی که او را درمی یابد به زودی مصداق این

آیه را می بیند و دین محمد صلی الله علیه و آله می رسد به جایی که خواهد دید که در روی

زمین شرک به خدا نمی باشد.»

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

علی الشیخ امام امت من و خلیفه من است بر ایشان بعد از من. از اولاد

اوست قائم منتظر که خدا با او پر می کند دنیا را به عدل و قسط چنان که

با ظلم و جور برگردیده، سوگند یاد می کنم به خدایی که مرا به راستی

در انتظار خورشید مغرب

مبعوث گردانیده، کسانی که به او در زمان غیبت اعتقاد دارند کمیاب ترند

از کبریت احمر.

امام صادق علیه السلام فرمود:

در طقف [کربلا]، ملائکه گریه و زاری به درگاه پروردگار کردند و گفتند

که: خدایا! ظالمان کردند به پسر پیامبر تو، حسین، آنچه که کردند، پس

خدای تعالی صورت قائم علیه السلام را به ایشان نمود و فرمود: یا این از

ظالمان انتقام خواهم کشید.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

می آید از امت من مهدی، اگر مدت ملکش کوتاه باشد، هفت سال است

و اگر طولانی می باشد، نه سال. امت من در زمان او به طوری مستنعم

می شوند و مثل او را ندیده اند. آنگاه زمین مأكولات خود را می دهد و

چیزی نگه نمی دارد، و اموال در این وقت مانند دانه هایی است که زیر

پا افتاده.

زمین را پر از عدل گرداند چنان که پر از ظلم شده. هفت سال سلطنت

می کند، بعد از آن وفات می یابد، و مسلمین بر او نماز می کنند.

از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده اند که آن حضرت فرمود:

مهدی طاووس اهل بهشت است.

رسول خدا فرمود:

مهدی به اصحاب کهف سلام می کند و ایشان را زنده می گرداند بعد از

آن به خوابگاه خود رجوع می کنند و تا روز قیامت بر نمی خیزند.

هنگام ظهور

خطبه امام علیه السلام در هنگام ظهور: در تتمه روایت سابق است که حضرت قائم علیه السلام در بین رکن و مقام نماز می خوانده و زیرش هم یا او می باشد، در آن وقت می گوید:

ایها الناس، ما از خدا طلب می کنیم که ما را بر کیانی که به ما ظلم کرده اند و حق ما را گرفته اند نصرت دهد. هر کس می خواهد درباره خدا با من سخن بگوید (بیاید) زیرا من از همه کس به خدا سزاوارترم و هر کس درباره آدم با من سخنی دارد بگوید زیرا من به آدم از همه کس سزاوارترم و هر کس درباره نوح با من سخنی دارد بگوید که من از هر کس به نوح سزاوارترم و هر کس درباره ابراهیم با من سخنی دارد بگوید زیرا من از همه کس به ابراهیم سزاوارترم و هر کس درباره حضرت محمد با من سخنی دارد بگوید زیرا من از همه کس به محمد سزاوارترم. و هر کس درباره پیغمبران با ما سخنی دارد بگوید زیرا ما از همه کس به پیامبران سزاوارتریم و هر کس درباره کتاب خدا (قرآن کریم) با ما سخنی دارد بگوید زیرا ما از همه کس به کتاب خدا سزاوارتریم.

ما آل محمد صلی الله علیه و آله و هر مسلمانی امروز شاهد و (گواهیم) که به ما ظلم شده و آواره شده ایم و به ما تعدی شده و از خانمان و وطن خود بیرون شده ایم و اموال ما را ضبط کرده اند و مقهور دشمنان واقع شده ایم. آگاه باشید که امروز از خدا و از هر مسلمانی یاری می طلبیم.

دعا برای تعجیل فرج حضرت حجت علیه السلام اولاً هر وقت بر محمد و آل محمد صلوات می خوانی، بعد از آن برای تعجیل ظهور امام زمان هم دعا کن و همیشه این جور صلوات بخوان:

اللهم صلّ علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم.

ثانیاً روزهای جمعه بخوان دعای تدبیه را که دعا برای تعجیل ظهور آن حضرت است.

حال طبقات مختلف مردم آخرالزمان: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

زمانی به امت می رسد که کار امیران آنها جور و ستم است و بنای زنهای آنها بر زینت دنیا، پس در این هنگام بدان ایشان برایشان مسلط می شوند و خوباتشان هم دعا می کنند ولی دعای آنها مستجاب نمی شود.

یعنی چون مستحق بلا و عذاب و شکنجه شده اند دعای آنها مستجاب نمی شود و گرفتاری و بلا از آنها دور نمی گردد.

حال زنان آخرالزمان: در آخر زمان و موقع نزدیک شدن ساعت (یعنی ساعت ظهور امام)، آن زمان بدترین زمانهاست. ظاهر می شود زنانی که سر و صورتشان باز است و تنشان برهنه است و بیا زینت و آرایش خود را جلوه دهند و از دین خدا بیرون رفته اند و در فتنه ها (یعنی در امور جامعه) داخل می شوند و به شهوات راغب می باشند و به سوی لذت ها شتاب و سرعت می کنند و احرام های دین خدا را حلال می شمارند. رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

در آخر این امت مردانی می باشند که بر می اثر سوار می شوند (و می اثر یعنی تشک ها) و تا به درب مسجد می آیند زنان آنها هم پوشیده اند و هم برهنه. بالای سر آنها مانند کوهان شتر [به گونه ای سرهای خود را

درست می‌کنند که به شکل کوهان شتر دیده می‌شود | می‌باشد. بر آن زنان لعنت کنید که آنها لعنت شده هستند.

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرموده‌اند:

از شرط‌های آمدن ساعت این است که ظاهر می‌شود یخچل و فحشاء و خیانت‌کار امین شمرده می‌شود و امین را خائن شمارند و لباس‌هایی که چون می‌پوشند، هم پوشیده‌اند و هم برهنه‌اند. و اشخاص پست، مقامشان بالا رود و اشخاص شریف و نجیب مرتبه ایشان پست شود. ای خواهر و برادر مسلمان اگر به حقیقت می‌خواهی مسلمان باشی مواظب باش خودت و دخترت مثل این مردم نباشی که رسول خدا و امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام آنها را لعنت کرده و فرموده‌اند از دین اسلام خارج و همیشه اهل جهنم می‌باشند.

در جلد سیزدهم بحار الأنوار علامه مجلسی از ائمه طاهرين عَلَيْهِمُ السَّلَام نقل کرده که آن حضرت در روز عاشورا قیام می‌کند و در سال طاق خروج می‌کند و از کتاب مه مهذب این فهد حلی است که امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمودند:

آن حضرت روز نوروز ظاهر می‌شود و هیچ نوروزی نیست مگر آنکه ما در آن روز انتظار قریح داریم. عجم احترام آن روز را حفظ کردند و عرب ضایع گذاردند.

و فرمودند:

اول کسی که با آن حضرت بیعت می‌کند جبرئیل است.

و حضرت سجاد عَلَيْهِ السَّلَام فرمودند:

اولین مرتبه‌ای که جبرئیل به صورت مردی می‌آید و می‌گوید ای مرد برای چه نشسته‌ای؟ می‌فرماید منتظرم امشب بگذرد و فردا در مکه

خروج کنم. پس جبرائیل خنده می‌کند و آن حضرت او را می‌شناسد.
 پس جبرائیل سلام می‌کند و مصافحه می‌کند و دست آن حضرت را
 گرفته و بر براق سوار می‌کند و به کوه رضوی می‌برد و در آنجا حضرت
 محمد و علی علیهما السلام حاضر می‌شوند و نامه‌ای می‌نویسند که آن حضرت
 برای مردم بخواند. آن وقت به مکه می‌آید و در اجتماع مردم یک نفر
 می‌گوید این است همان کسی که او را می‌خواستید. پس مردم از جای
 برمی‌خیزند و آن حضرت می‌ایستد و می‌فرماید: منم فلان پسر فلان
 فرزند پیغمبر خدا. شما را دعوت می‌کنم به همان چیزی که پیغمبر اکرم
صلى الله عليه وآله شما را به آن دعوت کرده است پس مردم خمله می‌کند که آن
 حضرت را بکشند ولی آن سیصد و سیزده نفر از اصحاب مخصوص،
 از مردم جلوگیری می‌کنند. پنجاه نفر اهل کوفه اند و بقیه از سایر شهرها
 که یکدیگر را نمی‌شناسند.

انتظار فرج

امید و آرزوی تحقق این نوید کلی جهان انسانی در زبان روایت اسلامی
 انتظار فرج خوانده شده است و عبادت بلکه افضل عبادات شمرده شده است.
 اصل انتظار فرج از یک اصل اسلامی و قرآنی دیگر نتیجه می‌شود و آن اصل
 حرمت یأس از روح الله است.

انسان مؤمن به عنایات الهی هرگز و در هیچ شرایطی امید خویش را از دست
 نمی‌دهد و تسلیم یأس و ناامیدی و بیهوده‌گویی نمی‌گردد. چیزی که هست این
 انتظار فرج و این عدم یأس از روح الله در مورد یک عنایت عمومی و بشری
 است، نه شخصی یا گروهی. و به علاوه توأم است با نویدهای خاص و مشخص

که به قطعیت داده است. در قرآن کریم آمده است:

آنها می خواهند نور خدا را با دهان خاموش کنند ولی خدا جز این نمی خواهد که نور خود را کامل کند هر چند کافران کراهت داشته باشند^۱.

مفهوم این آیه، پیروزی همه جانبه اسلام بر همه ادیان جهان است و معنی این سخن آن است که سرانجام، اسلام همه جهان را فرا خواهد گرفت و بر همه جهان پیروز خواهد شد. پیامبر صلی الله علیه و آله در این باره می فرمایند:

بر صفحه زمین هیچ خانه‌ای باقی نمی ماند، نه خانه‌ای که از سنگ و گل ساخته شده نه خیمه‌هایی که از مو و کرک بافته‌اند، مگر این که خداوند نام اسلام را در آن وارد کند.

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

به خدا سوگند هنوز محتوای این آیه تحقق نیافته و تنها زمانی تحقق می پذیرد که قائم عجل عجل... تعالی فرجه الشریف خروج کند و هنگامی که خروج کند کسی که خدا را انکار کند در تمام جهان باقی نخواهد ماند.

کسی از امام صادق علیه السلام سؤال کرد، چه می گویند درباره کسی که دارای ولایت پیشوایان است و انتظار ظهور حکومت حقیقی را می کشد و در این حال از دنیا می رود؟ فرمودند: همانند کسی است که: ۱. با رهبر این انقلاب در خیمه بوده است؛ ۲. مانند کسی است که با پیامبر اسلام در میارزاتش همراه بوده است؛ ۳. مانند کسی است که در راه خدا شمشیر زنی می کند؛ ۴. مانند کسی است که در خدمت رسول خدا با شمشیر بر مغز دشمن بکوبد؛ ۵. مانند کسی است که در زیر پرچم قائم بوده باشد؛ ۶. مانند کسی است که پیش روی پیامبر جهاد کند؛ ۷.

مانند کسی است که با پیامبر شهید شود.

انتظار معمولاً به حالت کسی می‌گویند که از وضع موجود ناراحت باشد و برای ایجاد وضع بهتر تلاش می‌کند. انتظار حکومت حق و عدالت مهدی عجل‌الله تعالی فرجه الشریف مرکب از دو عنصر نفی و عنصر اثبات است که نفی، همان بیگانگی با وضع موجود و اثبات، خواهان وضع بهتری بودن است که اگر این دو جنبه در روح انسان، خلول کند سرچشمه و ریشه عمل است که عبارتند از:

الف) ترک هرگونه همکاری و هماهنگی با عوامل ظلم و فساد و حتی درگیری و مبارزه با آنها.

ب) خودسازی و خودیاری و جلب آمادگی‌های روحی و جسمی و مادی و معنوی برای شکل گرفتن آن حکومت واحد جهانی و مردمی.
پس انتظار یعنی آماده‌باش.

انتظار فرج و امید و دل بستن به آینده، دو گونه است:

انتظاری که سازنده و نگهدارنده، تعهدآور، نیرو آفرین و تحرک‌بخش است، به گونه‌ای که می‌توان نوعی عبادت و حق پرستی شمرده شود و دیگر انتظاری که گناه، ویرانگر، اسارت‌بخش و فلج‌کننده است و نوعی «اباحی‌گری» محسوب می‌گردد.

این دو نوع انتظار فرج، معلول دو نوع برداشت از ظهور عظیم مهدی موعود است و این دو نوع برداشت به توبه خود از دو نوع پیش‌دربارۀ تحولات و انقلابات تاریخی ناشی می‌شود.

اندیشه پیروزی‌تهایی تیروی حق و صلح و عدالت بر تیروی باطل و ستم و ظلم و گسترش جهانی ایمان اسلامی، استقرار کامل و همه‌جانبه ارزش‌های

که به قطعیت داده است. در قرآن کریم آمده است:

آنها می خواهند نور خدا را با دهان خاموش کنند ولی خدا جز این نمی خواهد که نور خود را کامل کند هر چند کافران کراحت داشته باشند.^۱

مفهوم این آیه، پیروزی همه جانبه اسلام بر همه ادیان جهان است و معنی این سخن آن است که سرانجام، اسلام همه جهان را فرا خواهد گرفت و بر همه جهان پیروز خواهد شد. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در این باره می فرمایند:

بر صفحه زمین هیچ خانه‌ای باقی نمی ماند، نه خانه‌ای که از سنگ و گل ساخته شده نه خیمه‌هایی که از مو و کرک یافته‌اند، مگر این که خداوند نام اسلام را در آن وارد کند.

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام می فرمایند:

به خدا سوگند هنوز محتوای این آیه تحقق نیافته و تنها زمانی تحقق می پذیرد که قائم عَجَلُ تعالی فرجه الشریف خروج کند و هنگامی که خروج کند کسی که خدا را انکار کند در تمام جهان باقی نخواهد ماند.

کسی از امام صادق علیه السلام سؤال کرد، چه می گویند درباره کسی که دارای ولایت پیشوایان است و انتظار ظهور حکومت حق را می کشد و در این حال از دنیا می رود؟ فرمودند: همانند کسی است که: ۱. با رهبر این انقلاب در خیمه بوده است، ۲. مانند کسی است که با پیامبر اسلام در میارزاتش همراه بوده است، ۳. مانند کسی است که در راه خدا شمشیر زنی می کند، ۴. مانند کسی است که در خدمت رسول خدا با شمشیر بر مغز دشمن بکوبد، ۵. مانند کسی است که در زیر پرچم قائم بوده باشد، ۶. مانند کسی است که پیش روی پیامبر جهاد کند، ۷.

مانند کسی است که با پیامبر شهید شود.

انتظار معمولاً به حالت کسی می‌گویند که از وضع موجود ناراحت باشد و برای ایجاد وضع بهتر تلاش می‌کند. انتظار حکومت حق و عدالت مهدی عجل‌الله تعالی فرجه الشریف مرکب از دو عنصر نفی و عنصر اثبات است که نفی، همان پیگانگی با وضع موجود و اثبات، خواهان وضع بهتری بودن است که اگر این دو جنبه در روح انسان، حلول کند سرچشمه و ریشه عمل است که عبارتند از:

الف) ترک هرگونه همکاری و هماهنگی با عوامل ظلم و فساد و حتی درگیری و مبارزه با آنها.

ب) خودسازی و خودیاری و جلب آمادگی‌های روحی و جسمی و مادی و معنوی برای شکل گرفتن آن حکومت واحد جهانی و مردمی.
پس انتظار یعنی آماده‌باش.

انتظار فرج و امید و دل بستن به آینده، دو گونه است:

انتظاری که سازنده و نگهدارنده، تعهدآور، نیرو آفرین و تحرک بخش است، به گونه‌ای که می‌توان نوعی عبادت و حق پرستی شمرده شود و دیگر انتظاری که گناه، ویرانگر، اسارت بخش و فلج کننده است و نوعی «اباحی‌گری» محسوب می‌گردد.

این دو نوع انتظار فرج، معلول دو نوع برداشت از ظهور عظیم مهدی موعود است و این دو نوع برداشت به نوبه خود از دو نوع بینش درباره تحولات و انقلابات تاریخی ناشی می‌شود.

اندیشه پیروزی نهایی نیروی حق و صلح و عدالت بر نیروی باطل و ستم و ظلم و گسترش جهانی ایمان اسلامی، استقرار کامل و همه جانبه ارزش‌های

انسانی، تشکیل مدینه فاضله و جامعه ایده آل و بالاخره اجرای این ایده عمومی و انسانی به وسیله شخصیتی مقدس و عالی قدر که در روایات متواتر اسلامی از او به مهدی تعبیر شده است اندیشه‌ای است که کم و بیش همه فرق و مذاهب اسلامی - با تفاوت‌ها و اختلاف‌ها - بدان مؤمن و معتقدند.

زیرا این اندیشه به حسب اصل و ریشه، قرآنی است. این قرآن مجید است که با قاطعیت تمام پیروزی نهایی ایمان اسلامی، غلبه قطعی صالحان و متقیان، کوتاه شده دست ستمگران و جباران برای همیشه و آینده درخشان و سعادت‌مندانه بشریت را نوید داده است.

- مشخصات انتظار بزرگ:

۱. خوش بینی به آینده بشریت.
۲. پیروزی نهایی صلاح و تقوا و صلح و عدالت و آزادی و صداقت پرزور و استکبار و استبداد و ظلم و اختناق و دجل.
۳. حکومت جهانی واحد.
۴. عمران تمام زمین در حدی که نقطه خراب و آباد نشده باقی نمایند.
۵. بلوغ بشریت به خردمندی کامل و پیروزی از فکری و ایدئولوژی و آزادی از اسارت شرایط طبیعی و اجتماعی و غرایز حیوانی.
۶. حداکثر بهره‌گیری از مواهب زمین.
۷. برقراری مساوات کامل میان انسان‌ها در امر ثروت.
۸. منتفی شدن کامل مفاصد اخلاقی از قبیل زنا، ربا، شرب خمر و... و خالی شدن روان‌ها از عقده‌ها و کینه‌ها.
۹. منتفی شدن جنگ و برقراری صلح و صفا و محبت و تعاون.
۱۰. سازگاری انسان با طبیعت.

امام باقر علیه السلام وضعیت مردم دوران ظهور را چنین ترسیم کرده است:
 وقتی قائم قیام کند، دست عنایت و مهر پروردگار بر سر تمام انسان‌ها
 گذارده می‌شود، در این زمان عقل‌ها به رشد کامل خویش رسیده و
 تفکر بشری کاملاً شکوفا خواهد شد.

مردم می‌پرسند: چرا امام زمان قرن‌ها پیش از ظهور خودش تولد یافته و باید
 عمری طولانی داشته باشد، و سپس ظهور نماید؟ مگر خداوند قدرت ندارد که
 چند سال قبل از زمان ظهور کسی را که صالح و شایسته این مقام باشد، خلق
 کند؟

علمای شیعه، سختی را که از امام زین‌العابدین علیه السلام رسیده است، نقل
 می‌کنند:

به وجود ما، آسمان برقرار است... به خاطر ما خاندان وحی است که
 باران فرو می‌بارد و رحمت و برکات عالم را نمایان می‌سازد. و اگر کسی
 از ما خاندان بر زمین باقی نماند، زمین مردمی را که بر خودش نگه
 داشته است، فرو بلعیده و آنها را نابود می‌سازد.

از هنگامی که خداوند، آدم علیه السلام را خلق فرمود، زمین را از حجت
 خویش خالی نگذاشته است. حجت پروردگار گاهی ظاهراً آشکار
 می‌باشد و زمانی غایب و پنهان خواهد بود. آری تا روز قیامت حجت
 پروردگار بر زمین باقی خواهد بود.

علمای شیعه همگی بر این واقعیت اتفاق دارند که راز بزرگ و حقیقی غیبت
 برای هیچ‌کس معلوم و آشکار نیست. بعد از ظهور آن امام می‌باشد که حکمت
 این کار هویدا خواهد شد همچنان که کارهای خضر پیامبر در همراهی
 موسی علیه السلام بعد از پایان سفر آنها هویدا گردید.

رسول خدا ﷺ می فرماید:

بهترین اعمال امت من، انتظار فرج پروردگار است.

روزگار غیبت طولانی امام دوازدهم، صدها سال است که به درازا کشیده شده است و شاید صدها سال دیگر نیز، طول بکشد. در چنین سال‌هایی، انتظار فرج پروردگار را کشیدن، کاری سخت و پراز طاقت بوده و پاداشی عظیم را در پی دارد. امام زین العابدین علیه السلام درباره مردم این روزگار اعلام داشته است:

مردم زمان او - امام غایب - از مردم تمامی زمان‌ها برتر هستند، زیرا خداوند عقل و فهمی به آنها داده که غیبت در نزدشان حکم مشاهده را دارد. خداوند این مردم را مثل کسانی می‌داند که با شمشیر در پیش چشم پیامبر صلی الله علیه و آله و در مقابل دشمنان پیکار کرده‌اند. آنها مخلصان حقیقی و شیعیان راستگوی ما هستند که مردم را به طور آشکار و پنهان، به دین خدا می‌خوانند.

شیعیان بیدار دل و معتقد به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف که مشتاق زیارت مولای خویش هستند در روزگار غیبت طولانی، می‌توانند دل امام را شاد سازند! چگونه؟

یکی از شاگردان امام صادق علیه السلام ابتدا این آیه را مطرح کرده بود:

درست کار باشید که خدا و رسولش و مؤمنین، کردار شما را می‌بینند.^۱

امام می‌فرماید: در حکومت عادلانه مهدی، ساکنان آسمان و زمین، راضی و خشنود بوده و از عدالت و رفاه و آسایش در حکومتش برخوردار خواهند شد. زمین آنچه در دل دارد به برکت وجود او و حکومت عادلانه‌اش، همه را بیرون می‌ریزد و آسمان، باران رحمت خویش را پیاپی خواهد بارید.

ـ فلسفه انتظار فرج: فلسفه اول، خودسازی فردی است. فلسفه دوم، خودیاری‌های اجتماعی: منتظران راستین علاوه بر اصلاح خود به اصلاح دیگر نیز می‌پردازند زیرا انتظار یک برنامه فردی نیست. فلسفه سوم، منتظران راستین در فساد محیط حل نمی‌شوند یعنی هرچند که اکثریت جامعه فساد و تباهی را دنبال کنند آنها هرگز از پاک‌سازی خود و دیگران دست برنمی‌دارند و ناامید نمی‌شوند زیرا یأس از آموزش، یکی از گناهان شمرده می‌شود.

ویژگی آشکار انسان، اختیار اوست که از یک سو به مسئولیت او می‌انجامد و از سوی دیگر زمینه کرامت اکتسابی او را فراهم می‌کند و این اختیار بر پایه دانش و قدرت بنا شده است. هم شناخت راه برای انتخاب لازم است و هم قدرت بر انجام آنچه که اختیار کرده است. قدرت انسان را از یک دید به چهار قسم می‌توان بخش کرد:

۱. قدرت طبیعی یا فیزیکی: که با پیکار گرفتن آنها، انسان می‌تواند تصرفاتی در خارج از وجود خود، انجام دهد، تنها به اتکای نیروی بدنی.
۲. قدرتهای تکنیکی: که به کمک ابزارهای صنعتی و با بهره‌گیری از شناخت قوانین حاکم بر طبیعت، در بخش دیگری از طبیعت تصرف می‌کند.
۳. قدرت اجتماعی: که با استفاده از شرایط اجتماعی و با بهره‌گیری از مایه‌های روانی حاصل می‌شود و براساس آن از انسان‌های دیگر استفاده می‌کند.
۴. قدرت متافیزیکی: که از همه قدرتهای دیگر، متمایز و ممتاز است و از روح و عنصر ماوراء طبیعی انسان ناشی می‌گردد و در طبیعت و غیرطبیعت تأثیر می‌گذارد.

سیمای کلی دوران ظهور

سیمایی را که روایات از اوضاع جهان در زمان ظهور ترسیم می‌کند به ویژه از منطقه ظهور آن حضرت مانند یمن، حجاز، ایران و... سیمایی است کامل که بسیاری از حوادث کوچک و بزرگ و نام‌های اشخاص و اماکن را در بر می‌گیرد. روایات شریفه حاکی از این است که انقلاب و حرکت ظهور حضرت مهدی علیه السلام بعد از فراهم شدن مقدمات و آمادگی‌های منطقه‌ای و جهانی از مکه آغاز می‌گردد.

در این هنگام نشانه‌های ظهور حضرت مهدی علیه السلام آشکار شده و شاید بزرگ‌ترین نشانه آن، ندای آسمانی است که به نام او در ۲۳ ماه رمضان شنیده می‌شود. طبق روایات پس از این ندادی آسمانی، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به طور سری با برخی از یاران و هواداران خود ارتباط برقرار می‌نماید. درباره آن بزرگوار در سراسر گیتی سخن بسیار به میان آمده و نام وی زیانزده همگان گشته، و محبتش در دل‌ها جای می‌گیرد. بعد از فتح غرب توسط امام علیه السلام و درآمدن آن تحت فرمانروایی آن حضرت و اسلام آوردن بیشتر مردم آن سامان، حضرت مسیح علیه السلام رحلت نموده و حضرت مهدی علیه السلام و مسلمانان بر پیکر او نماز می‌گزارند، و آن طور که روایات می‌گویند، امام علیه السلام مراسم دفن و نماز خواندن بر بدن وی را آشکارا در حضور مردم انجام می‌دهد تا همچون بار اول درباره او سخن ناروا نگویند. سپس پیکر پاک او را با پارچه‌ای که دست یافت مادرش مریم صدیقه علیها السلام است کفن نموده و در جوار مزار شریف مادرش در قدس به خاک می‌سپارد. آغاز مقدمات و زمینه ظهور آن حضرت به دست طرفداران سلمان فارسی و یارانش درفش‌های سیاه انجام پذیرفته و

نهضت آنان به دست مردی از قم به وجود می آید.

- حکومت جهانی و رهبری فراگیر: در صحیح مسلم به نقل از

پیامبر ﷺ آمده است:

همانا خدا زمین را برای من جمع (و کوچک) کرد، شرق و غرب آنرا

دیدم، و فرمانروایی امت من در آینده بر آنچه برایم عیان گشت (همه

سرزمین ها و کل کره زمین) فرا می رسد.

در صحیح بخاری و مسلم حدیثی به نقل از ابی هریره چنین است:

قیامت به یا تمی شود تا این که مردی از قحطان به پاخیزد که مردمان را

با عصایش رهبری می کند.

- گسترش آیین حق: همیشه در حدیث صحیحی از پیامبر ﷺ چنین نقل

می کند:

چنانچه با گردش روز و شب زمان سپری می شود و روزگار جدید پدید

می آید، به یقین دعوت به اسلام نیز در آینده فراگیر می شود. زمانی فرا

می رسد که خدا هیچ خانه گلی (شهری) و کرکی (روستایی و عشایری)

را بدون این دین باقی نمی گذارد (و در هر نقطه ای از گیتی اسلام را

حاکم می سازد).

دینداران عزت می یابند، و بی دینان خوار می گردند. این همان نویدی است

که خدا با آن اسلام و مسلمانان را عزت می دهد و کفر و بی دینی را در مذلت

می افکند.

او احیاگری است که دگر بار دین را زنده می سازد و بخشهایی از دین را که

حاکمان جور میرانده اند و از اندیشه ها زدوده اند، به عرصه حیات می کشد، و

آنچه را از قرآن و سنت که بر زمین مانده و به فراموشی سپرده شده است برپا

می‌دارد. به این ترتیب قرآن، سنت و عترت به یک حقیقت فرا می‌خوانند و در یک محور قرار می‌گیرند. این سه مردمان را به توحید دعوت می‌کنند، به دادگری، ظلم ستیزی، حق، امر به معروف و نهی از منکر، معاشر نیک و... و این واقعیت بار دیگر سخن پیامبر را به یاد می‌آورد که در حدیث ثقلین فرمود:

قرآن و عترت هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا اینکه در حوض بر من وارد آیند.

حضرت مهدی علیه السلام خواسته‌ها را تابع هدایت وحی می‌کند هنگامی که مردم هدایت را تابع هوس‌های خویش قرار می‌دهند در حالی که به نام تفسیر نظریه‌های گوناگون خود را بر قرآن تحمیل می‌کنند! او نظریه‌ها و اندیشه‌ها را تابع قرآن می‌سازد.

در آینده، آتش جنگ میان شما فروخته می‌گردد و چنگ و دندان نشان می‌دهد، با پستان‌هایی پرشیر که مکیدن آن شیرین اما پایانی تلخ و زهرآگین دارد به سوی شما می‌آید. آگاه باشید! فردایی که شما را از آن هیچ شناختی نیست. زمامداری حاکمیت پیدا می‌کند که غیر از خاندان حکومت‌های امروزی است. (حضرت مهدی عجل الله فرجه الشریف) اعمال و کارگزاران حکومت‌ها را بر اعمال بدشان کيفر خواهد داد. زمین میوه‌های درون خود را برای او بیرون می‌ریزد و کلید گنج‌هایش را به او می‌سپارد. او روش عادلانه در حکومت حق به شما می‌نماید و کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله را که تا آن روز متروک مانده‌اند، زنده می‌کند.

آینده بشریت به راه‌های چپ و راست رفتند و راه ضلالت و گمراهی پیمودند و راه روشن هدایت را گذاشتند، پس درباره آنچه که باید باشید شتاب نکنید و آنچه

را که در آینده باید بیاید دیر بشمارید، چه بسا کسی برای رسیدن به چیز شتاب می‌کند اما وقتی به آن رسیده دوست دارد که ای کاش آن را نمی‌دید و چه نزدیک است امروز به فردایی که سپیده آن آشکار شده است، ای مردم اینک ما در آستانه تحقق وعده‌های داده شده و نزدیکی طلوع آن چیزهایی که بر شما پوشیده و ابهام‌آمیز است قرار داریم.

وصف حضرت مهدی علیه السلام زره دانش بر تن دارد و با تمام آداب و با توجه به معرفت کامل آنرا فرا گرفته است، حکمت گمگشته اوست که همواره در جستجوی آن باشد و تیار اوست که در به دست آوردنش می‌پرسد. در آن هنگام که اسلام غروب می‌کند و چو نان شتری در راه ماند، دم خود را به حرکت در آورد، گردن به زمین می‌چسباند. او پنهان خواهد شد (دوران غیبت کبری و صغری) او باقی مانده حجت‌های الهی و آخرین جانشین از جانشینان پیامبران است.

راه‌آورد حکومت حضرت مهدی علیه السلام بدانید آن کس از ما (حضرت مهدی عجل الله فرجه الشریف) که فتنه‌های آینده را در باید با چراغی روشنگر در آن گام می‌تهد و بر همان سبیره و روش پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام رفتار می‌کند تا گره‌ها را بگشاید، بردگان و ملت‌های اسیر را آزاد سازد، جمعیت‌های گمراه و ستمگر را پراکنده و حق‌جویان پراکنده را جمع‌آوری کند. حضرت مهدی عجل الله فرجه الشریف سال‌های طولانی در پنهانی از مردم به سر می‌برد آن چنان که اثر شناسان، اثر قدمش را نمی‌شناسند، گرچه دریافتن اثر و نشانه‌ها تلاش فراوان کنند. سپس گروهی برای درهم کوبیدن فتنه‌ها آماده گردند و چو نان که شمشیرها ضیق می‌خورند، دیده‌هاشان با قرآن روشنایی گیرد و در گوش‌هاشان تفسیر طنین افکند و در صبحگاهان و

شامگاهان جام‌های حکمت سر می‌کشند.

شمه‌ای از تکالیف بندگان نسبت به امام عصر علیه السلام

خدای عزوجل فرمود:

شما انتظار برید، به درستی که من یا شما از انتظار برندگانیم.

یعنی انتظار برید فرج مرا و من انتظارم می‌برم آن وقتی را که برای این امر صلاح می‌دانستم که آن وقت در رسد. و نیز از محمد بن فضیل روایت کرده که فرمود: چه نیکوست صبر و انتظار فرج! آیا شنیده‌ای قول خداوند را که فرمود: پس بر شما باد به صبر زیرا که فرج می‌آید بعد از ناامیدی و به تحقیق افرادی بودند پیش از شما که از شما صبر کننده‌تر بودند.

چنانچه در زیارت مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله است:

سلام بر مهدی آن چنانی که وعده داده خداوند به این، جمیع امت‌ها را که جمع کند به وجود او کلمه‌ها را (یعنی اختلاف را از میان ببرد و دین یکی شود) و گرد آورد به او پراکندگی‌ها، و پر کند به او زمین را از عدل و داد، و انفاذ فرماید به سبب او وعده فرجی که به مؤمنین داده.

از حضرت باقر علیه السلام روایت شده است که به عبدالله بن ظبیان فرمود:

هیچ عیدی نیست برای مسلمین نه قربان و نه فطر مگر آنکه تازه می‌کند

خداوند بر آل محمد صلی الله علیه و آله خزنی را.

راوی پرسید: چرا؟ فرمود:

که ایشان می‌بینند حق خود را در دست غیر خودشان.

و نیز روایت کرده از امیرالمؤمنین علیه السلام که فرمود:

منتظر امر ما مانند کسی است که در خون خود غلطیده باشد در راه

خداوند.

و از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود:

والله هر آینه شکسته خواهید شد، شکستن شیشه و به درستی که شیشه

هر آینه برمی‌گردد، پس عود می‌کند، والله هر آینه شکسته می‌شوید،

شکستن گوزه و گوزه چون شکست بر می‌گردد، چنانچه بوده. قسم به

خدا که بخشیده خواهید شد و قسم به خدا که جدا خواهید شد و قسم به

خدا که امتحان خواهید شد تا آن که نماند از شما مگر اندکی، و کف

مبارک را خالی کردند.

نتیجه

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام با تعلیمات خویش، منتظران را فرا

می‌خواند تا همواره نیرومند و مصلح باشند، و دوره انتظار مهدی علیه السلام را با

دست پر به سر آورند.

ظهور مهدی موعود و رسیدن فرج اعظم و فتح اکبر، امری بسیار بزرگ و

بسیار مهم است تشر عدالت در همه آفاق و نشر حق در همه نفوس. شیعه منتظر

این امر بزرگ است. شیعه خود را برای چنین هدفی آماده می‌دارد.

و انسان در کنار مهدی، وارد صحنه می‌شود، و عدل جهانی به رهبری مهدی

و یا کمک انسان‌های مقاوم و مبارز، تحقق می‌پذیرد. بنابراین نقش نیروهای

مردمی در تحقق یافتن حکومت مهدی علیه السلام باید همواره در یادها باشد تا

آمادگی‌ها را فراهم آورد.

شامگاهان جام‌های حکمت سر می‌کشند.

شمه‌ای از تکالیف بندگان نسبت به امام عصر علیه السلام

خدای عزوجل فرمود:

شما انتظار برید، به درستی که من با شما از انتظار بندگانم.

یعنی انتظار برید فرج مرا و من انتظارم می‌برم آن وقتی را که برای این امر صلاح می‌دانستم که آن وقت در رسد. و نیز از محمد بن فضیل روایت کرده که فرمود: چه نیکوست صبر و انتظار فرج! آیا شنیده‌ای قول خداوند را که فرمود: پس بر شما باد به صبر زیرا که فرج می‌آید بعد از تا امید و به تحقیق افرادی بودند پیش از شما که از شما صبر کننده‌تر بودند.

چنانچه در زیارت مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله است:

سلام بر مهدی آن چنانی که وعده داده خداوند به این، جمیع امت‌ها را که جمع کند به وجود او کلمه‌ها را (یعنی اختلاف را از میان ببرد و دین یکی شود) و گرد آورد به او پراکندگی‌ها، و پرکند به او زمین را از عدل و داد، و انفاذ فرماید به سبب او وعده فرجی که به مؤمنین داده.

از حضرت باقر علیه السلام روایت شده است که به عبدالله بن ظبیان فرمود:

هیچ عیدی نیست برای مسلمین نه قریان و نه فطر مگر آنکه تازه می‌کند خداوند بر آل محمد صلی الله علیه و آله حزن را.

راوی پرسید: چرا؟ فرمود:

که ایشان می‌بینند حق خود را در دست غیر خودشان.

و نیز روایت کرده از امیرالمؤمنین علیه السلام که فرمود:

منتظر امر ما مانند کسی است که در خون خود غلطیده باشد در راه
خداوند.

و از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود:

والله هر آینه شکسته خواهید شد، شکستن شیشه و به درستی که شیشه
هر آینه برمی‌گردد، پس عود می‌کند، والله هر آینه شکسته می‌شوید،
شکستن کوزه و کوزه چون شکست برمی‌گردد، چنانچه بوده. قسم به
خدا که پخشیده خواهید شد و قسم به خدا که جدا خواهید شد و قسم به
خدا که امتحان خواهید شد تا آن که نماند از شما مگر اندکی، و کف
مبارک را خالی کردند.

نتیجه

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام با تعلیمات خویش، منتظران را فرا
می‌خواند تا همواره تیر و مند و مصلح باشند، و دوره انتظار مهدی علیه السلام را با
دست پر به سر آورند.

ظهور مهدی موعود و رسیدن فرج اعظم و فتح اکبر، امری بسیار بزرگ و
بسیار مهم است نشر عدالت در همه آفاق و نشر حق در همه نفوس، شیعه منتظر
این امر بزرگ است، شیعه خود را برای چنین هدفی آماده می‌دارد.

و انسان در کنار مهدی، وارد صحنه می‌شود، و عدل جهانی به رهبری مهدی
و با کمک انسان‌های مقاوم و مبارز، تحقق می‌پذیرد. بنابراین نقش نیروهای
مردمی در تحقق یافتن حکومت مهدی علیه السلام باید همواره در یادها باشد تا
آمادگی‌ها را فراهم آورد.

هنگامی که قائم آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ خروج کند، خون است و عرق ریختن و سوار مرکب‌ها بودن در میدان‌های مبارزه.

آری، منتظران مردمی اند که تمام وجودشان شناخت حق است و همه دلشان بصیرت و همه لحظاتشان انتظار‌رهایی انسانیت. مردمی که تمام آرمانشان طلوع صبح عدالت است. تا نور حق به سراسر گیتی بتابد و همه جای جهان آکنده از داد و دادگری گردد. به راستی این چنین مردمی دیدنی اند و اعجاب‌انگیز و تحسین‌آفرین. «پس، خلقی که در انتظار ظهور مصلح به سر می‌برد، باید خود صالح باشد.» کسانی که انتظار قیام یک مصلح بزرگ جهانی را می‌کشند در واقع انتظار انقلاب و دگرگونی و تحولی را دارند که وسیع‌ترین و اساسی‌ترین انقلاب‌های انسانی در طول تاریخ بشر است.

امام علی عَلِيٌّ می‌فرماید:

منتظر فرج باشید و از رحمت خدا نومید مشوید، زیرا که درست‌ترین

عمل‌ها نزد خدای تعالی انتظار فرج است.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید:

علی عَلِيٌّ امام امت من و خلیفه من است برایشان بعد از من، از اولاد

اوست قائم منتظر که خدا به او پیر می‌کند زمین را با عدل و قسط، چنان

که با ظلم و جور پرگردیده. سوگند یاد می‌کنم به خدایی که مرا با راستی

مبعوث گردانیده، هر آینه کسانی که به او در زمان غیبت اعتقاد دارند

کمیاب‌توند از کبریت احمر.

از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ روایت شده که آن حضرت فرمود:

مهدی طاووس اهل بهشت است.

همچنین پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند:

بر صفحه زمین هیچ خانه‌ای باقی نمی‌ماند، نه خانه‌ای که از سنگ و گل ساخته شده و نه خیمه‌هایی که از مو و کرک بافته‌اند؛ مگر اینکه خداوند نام اسلام را در آن وارد می‌کند.

قرآن می‌خیزد است که با قاطعیت تمام پیروزی نهایی آسمان اسلامی، غلبه قطعی صالحان و متقیان، کوتاه شدن دست ستمکاران و جباران برای همیشه و آینده درخشان و سعادت‌مندانه بشریت را نوید داده است.

رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید:

بهترین اعمال امت من، انتظار فرج پروردگار است.

در حکومت عادلانه مهدی، ساکنان آسمان و زمین، راضی و خشنود بوده و از عدالت و رفاه و آسایش حکومتش برخوردار خواهند شد.

زمین آنچه در دل دارد، به برکت وجود او و حکومت عادلانه‌اش همه را بیرون می‌ریزد و آسمان باران رحمت خویش را پیاپی خواهد بارید.

تنها خدا پر غیب آسمان زمین آگاه است و بس، و کار ساعت قیامت (در سرعت و آسانی) مانند چشم برهم زدن یا نزدیک‌تریش نیست که خدا البته بر هر چیزی تواناست. او احتیاجی است که دگر بار دین را زنده می‌سازد و بخش‌هایی از دین را که خاکمان جور می‌رانده‌اند و از اندیشه‌ها زدوده‌اند، به عرصه حیات می‌کشد، و آنچه را از قرآن و سنت که بر زمین مانده و به فراموشی سپرده شده است برپا می‌دارد.

به این ترتیب قرآن، سنت و عترت به یک حقیقت فرا می‌خوانند و در یک محور قرار می‌گیرند. این سه مردمان را به توحید دعوت می‌کنند، به دادگری، به ظلم‌ستیزی، به حق، به امر به معروف و نهی از منکر، به معاشر نیک و ...

سیمای جامعه منتظر در نگاه

قرآن و حدیث

رستمی زاده

مقدمه

اسلام دینی اجتماعی است و احکام فردی آن نیز آهنگ اجتماعی دارد و از آنها در جهت اصلاح و تقویت روابط اجتماعی و اجرای اهداف مقدس جامعه بهره می‌گیرد. اسلام میان عبادات فردی و اجتماعی پیوند برقرار کرده است. مثلاً: نماز که تبلور عینی ایمان و اعلام نیاز و وابستگی به پروردگار یگانه است هر چند در آغاز به صورت فردی تشریح گردید ولی در مراحل بعدی بعد اجتماعی آن به صورت اکید از مسلمانان خواسته شد. یا روزه که عبادتی به غایت فردی و خالی از نمود خارجی است، با عید عمومی (فطر) و نماز عید بعدی اجتماعی یافته است. پس هدف اسلام تنها ساختن «فرد دین‌دار» نیست، بلکه ساختن «جامعه دین‌دار» نیز هست، جامعه‌ای که روابط اجتماعی آن بر اساس اهداف و احکام دین سامان گیرد، جامعه‌ای ارزشمند و عظیم و جهانی که در آن سعادت فرد با سعادت جامعه پیوند خورده و میان مسئولیت‌های اجتماعی و ایمان اسلامی ارتباطی قوی و غیر قابل انفکاک به وجود آمده باشد. در این نوشتار از سیمای جامعه مطلوب اسلامی به صورتی ساده و منسجم سخن به میان آمده و راه کارهایی برای حل معضلات اجتماعی برای تحقق چنان جامعه‌ای ارائه گردیده است.

جامعه مطلوب و جهانی

جامعه مطلوب، از آرزوهای دیرین بشر است، جامعه‌ای سرشار از عدالت، آرامش، صفا و صمیمیت که کرامت انسان در آن تأمین شود و همه اعضایش در مسیر رشد مادی و معنوی به دور از خطا و لغزش گام بردارند. اندیشه جامعه آرمانی همواره ذهن متفکران و مصلحان را به خود مشغول داشته، هر یک به فراخور آگاهی و سلیقه خویش ویژگی‌هایی برای آن برشمرده‌اند.^۱

اهداف و ویژگی‌های جامعه جهانی اسلام

رهتموده‌های قرآن کریم در بیان ویژگی‌های جامعه آرمانی اسلام، اهدافی همچون عدالت، مودت و همدلی، آرامش و امنیت، احسان و نیکی به هم نوع و خدا محوری را نمایان می‌سازد.

۱. عدالت: عدالت از شاخصه‌هایی است که در مباحث گوناگون همچون سیاست، اقتصاد، اجتماع و حقوق مطرح می‌شود. عدالت از یک سو به عنوان فلسفه تشکیل حکومت دینی مورد توجه قرار می‌گیرد و از سوی دیگر شاخصه توزیع بهره‌برداری مردم از نعمت‌ها و امکانات، و مبنای قانون‌گذاری و شاخص ارتباط و تعامل مردم با یکدیگر می‌باشند. از دیدگاه اسلام نظام تکوین بر پایه قسط و عدل استوار بوده و نظام تشریح نیز عادلانه است.

یکی از اهداف بعثت پیامبران صلی الله علیه و آله و فرستادن کتاب‌های آسمانی،

۱. برخی از طرح‌هایی که در این زمینه ارائه شده بدین قرار است: الف) افلاطون در رساله جمهوریت، ب) اگوستین قدیس در شهر خدا، ج) فارابی در آراء اهل المدینه الفاضله، د) ابوالحسن عامری در السعادة و الاسعاد، ه) نظامی گنجوی در استکبرنامه و توماس مور در تاکجا آباد.

برقراری روابط اجتماعی عادلانه است:

همانا ما پیامبران خود را با معجزات روشنگر فرستادیم و بنا آنان گناب (شریعت) و میزان (تراوزی عدل) نازل کردیم تا مردم به راستی و عدالت گرایند.^۱

سفارش و رهنمود قرآن کریم به مردم نیز رعایت عدالت در روابط اجتماعی است:

ای اهل ایمان بر پای دارنده و استوارکننده عدالت باشید.^۲

در جامعه آرمانی و جهانی اسلام روابط اجتماعی بر پایه عدل استوار است. از جمله مواردی که در اسلام، عدل در آن مورد تأکید قرار گرفته عبارت است از:

- ثبت قراردادهای و باید میان شما نویسنده به دادگری معامله را بنویسند.^۳
- داد و ستدها، کیل و وزن را از روی عدل و قسط به طور کامل انجام بدهید و ادا کنید.^۴ ای قوم در وزن و کیل عدالت کنید.^۵

- اصلاح میان دو گروه: پس میان دو گروه را با عدالت صلح دهید.^۶

- داوری میان مردم: و چون میان مردم حاکم و داور شدید به عدالت داوری کنید.^۷

- رفتار با غیر مؤمنان: بلکه با آنها (غیر مؤمنانی که با شما دشمنی نکرده‌اند) به عدالت رفتار کنید.^۸

- رفتار با دشمنان: و عدالت گروهی نباید شما را بر آن دارد که از راه عدل

۱. سوره حدید (۵۷)، آیه ۲۵. ۲. سوره نساء (۴)، آیه ۲۵.
۳. سوره بقره (۲)، آیه ۲۸. ۴. سوره انعام (۶)، آیه ۱۳۵.
۵. سوره هور (۱۱)، آیه ۸۵. ۶. سوره حجرات (۴۹)، آیه ۹.
۷. سوره نساء (۴)، آیه ۵۸. ۸. سوره ممتحنه (۶۰)، آیه ۸.

بیرون روید، عدالت کنید که به تقوا نزدیکتر است.^۱

۲. مودت و همدلی: از دیگر ویژگی‌های جامعه شایسته ایمانی، مودت،

برادری و رحمت است و بر همین اساس قرآن همه مؤمنان را با هم

برادر می‌داند: «بی تردید مؤمنان برادر یکدیگرند»^۲

پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «مؤمنان در آفرینش و رحمت و

عظوفتشان به مانند یک پیکرند که چون یکی زجر و ناراحتی پیدا کند دیگران نیز

همچون او در زجر و ناراحتی باشند»^۱

خداوند، دشمنی میان مردم را از برجسته‌ترین ویژگی‌های جامعه جاهلیت

پیش از اسلام خوانده و الفت و برادری را از معانی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و دین اسلام

می‌داند: «و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و متفرق نشوید و نعمت خدا را بر

خود یادآور شوید، آن‌گاه که با هم دشمن بودید پس خدا در دل‌های شما الفت و

مهربانی انداخت و به لطف نعمت الهی برادر یکدیگر شدید»^۳

محبت و الفت زمینه اتحاد و همدلی را فراهم می‌کند. نعمت همدلی و الفت

میان قلب‌ها، برترین نعمت و بهترین پشتیبان جوامع است، نعمتی که با نعمات

۱. سوره مائده (۵)، آیه ۸.

۲. سوره حجرات (۴۹)، آیه ۱۰.

۱. «المؤمنون فی تبارهم و تراجمهم و تعاطفهم کمثل الجسد اذا اشتكى تداعى له سائرُه بالسهر و الحمى»، متقی هندی، علی، الهندی البرهان فوری، علی، کنز العمال فی سنن الاقوال و الأفعال، ج ۱، ص ۱۴۳، مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۲۷۴. می‌توان گفت که این

شعر سعدی ترجمه منظوم این روایت یا روایاتی از این قبیل است:

بنی آدم اعضای یکدیگرند که در آفرینش ز یک پیکرند.

چو عضوی به درد آورد روزگار دگر عضوها را نماند قرار.

تو کز محبت دیگران بی غمی نشاید که نامت نهند آدمی.

۳. در این باره حضرت علی عَلِيٌّ نیز در سخنان خود در نهج البلاغه اشارات شایسته‌ای دارند:

ر.ک: نهج البلاغه، صبحی صالح، خطبه ۲۶، ص ۶۸.

دیگر قابل مقایسه و معاوضه نیست و با هیچ سرمایه مادی نمی توان آنرا به دست آورد؛

«و (خداوند) میان دل های مؤمنان را الفت داد که اگر همه آنچه را که در زمین است در این راه خرج می کردی نمی توانستی میان دل های آنان را الفت دهی؛ لیکن خدا میان آنها را الفت داد به راستی او عزیز و شکست ناپذیر و فرزانه است.»^۱

در آداب اجتماعی اسلام الفت، همدلی و دوستی یا یکدیگر مورد تشویق بسیار قرار گرفته است به طوری که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می فرماید: «بهترین مؤمنان کسی است که یا مؤمنان الفت گیرد و در آن کس که الفت نگیرد و یا زمینه الفت دیگران را فراهم نکند خیر و برکتی نیست.»

آن حضرت ویژگی همنشین خود را در رستاخیز چنین معرفی می کند: «آن کس از میان شما که اخلاق نیکوتر داشته و به مردم نزدیک تر باشد در جایگاه رستاخیز از همه شما به من نزدیک تر است.»

و امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام در این باره می فرماید: «(آن گاه) که دو مؤمن با هم ملاقات کردند، تنها از میان این دو آن کس که برادر ایمانی اش را شدیدتر دوست می دارد ارزشمندتر است.»^۲

۳. آرامش و امنیت: یکی از نیازهای فطری انسان برخورداری از امنیت و آرامش است. برخورداری از آرامش و امنیت الفبای جامعه جهانی و آرمانی اسلام است که خداوند به آن وعده داده است و می فرماید:

خداوند به آنان که از میان شما ایمان آورده و عمل صالح انجام دهند

۱. سوره انفال (۸)، آیه ۶۳.

۲. مجلسی، محمدباقر مجلسی، همان، ج ۷۵، ص ۲۶۵ و ج ۷۷، ص ۱۵۰ و ج ۷۴، ص ۳۹۸.

وعده داده است که آنان را در زمین خلافت (و جانشینی خود) دهد، همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند به خلافت زمین رسانید و دین آنان را که برایشان پسندیده است بر همهٔ ادیان چیره بگرداند و حتماً به دنیال خوف و هراسشان، ایمنی بیاورد.^۱

اسلام امنیت را در گستره‌ای فزاینده از آسودگی خاطر از هجوم دشمنان خارجی و داخلی مورد توجه قرار می‌دهد و بر لزوم تحقق آن در حریم خصوصی زندگی مردم نیز تأکید می‌کند. از این رو، مواردی همچون سوءظن، تجسس، غیبت، تهمت، قذف و... را که حریم زندگی خصوصی مردم را با خطر روبه‌رو می‌سازد حرام کرده است تا آن حد که برای رعایت حریم آرام و خصوصی مردم چنین آموزش می‌دهد:

ای اهل ایمان! به خانه‌هایی به غیر از خانه‌های خودتان وارد نشوید تا آن‌گاه که راه انسی پیدا کنید و (به هنگام ورود) به آن خانه‌ها بر اهلیش سلام کنید (چون اجازه یافتید وارد شوید) که این برای شما بهتر است شاید یادآور شوید. پس اگر در خانه کسی را نیافتید، پس وارد آن خانه نشوید مگر آن‌گاه که به شما اجازه داده شود و اگر به شما گفته شد برگردید، پس بازگردید که این برای شما پاک‌تر و بهتر است و خداوند به هر آنچه انجام می‌دهید بسیار داناست.^۲

۴. احسان و نیکی به هم‌نوع: در تفکر اسلامی، همه مردم بندگان خدایند

و برترین آنها کسی است بیش از همه به دیگران احسان کند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «مردم، نان خور خدایند پس محبوب‌ترین مردم نزد خدای عزیز و

۲. سوره نور (۲۴)، آیه ۲۷ و ۲۸.

۱. سوره نور (۲۴)، آیه ۵۵.

بلند مرتبه کسی است که به تان خوران خدا شود رساند.»^۱

بنابراین برای رسیدن به جامعه مطلوب و آرمانی افزون بر عدالت، احسان نیز لازم است. عدالت حقوق مردم را تأمین می‌کند و ریشه‌های تعدی و خصومت را از بین می‌برد و احسان دل‌های آنان را به هم نزدیک می‌سازد. قرآن کریم در کنار سفارش به عدالت، به احسان و نیکی به هم‌نوع نیز توصیه نموده است:

در راه خدا انفاق کنید و خود را با دستان خود به هلاکت نیفکنید و

نیکی کنید که خدا نیکوکاران را دوست می‌دارد.^۲

و در جایی دیگر با صیغه مضارع از فعل «أمر» می‌فرماید:

بی‌تردید خداوند شما را به دادگری و احسان فرمان می‌دهد.^۳

دایره احسان و نیکی مسلمانان حتی غیر مسلمان را هم در بر می‌گیرد:

خداوند شما را از دوستی و احسان با آنان که با شما در دین به جنگ و

دشمنی پرداخته و شما را از دیارتان بیرون نکرده‌اند نهی نمی‌کند.^۴

احسان، نوعی احساس مسئولیت در برابر هم‌نوع می‌باشد و پیامبر صلی الله علیه و آله

آنها شرط مسلمانی می‌داند:

هر کس صدای مردی را بشنود که از مسلمانان درخواست کمک کرده و پاسخش

ندهد مسلمان نیست.^۵

با آنکه دامنه احسان و نیکی گسترده است و همه گروه‌های مردم را در

برمی‌گیرد ولی احسان به نیکوکاران، پدر و مادر، خویشاوندان، معلم و مربی

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۲، ص ۱۶۴.

۲. سوره بقره (۲)، آیه ۱۹۵.

۳. سوره نحل (۱۶)، آیه ۹.

۴. سوره ممتحنه (۶۰)، آیه ۸.

۵. کلینی، محمد بن یعقوب، همان.

دلسوز بیشتر مورد تأکید قرار گرفته است. نکته جالب توجه اینکه در قرآن کریم احسان به پدر و مادر در مرتبه‌ای نزدیک به عبادت خالصانه خدا قرار داده شده است:

و خداوند واجب حتمی کرده است که جز او را نپرستید و به پدر و مادر خود احسان کنند.^۱

و از این جالب‌تر اینکه نیکی به پدر و مادر به زمان حیات آنها اختصاص ندارد و بر اساس سفارش‌های اهل بیت علیهم‌السلام فرد باید به پدر و مادر خود که آنها را از دست داده نیز احسان کند.^۲ باید گفت حق پدری منحصر به پدر و مادر ظاهری و نسبی نیست بلکه افرادی هستند که حق پدری، حتی بالاتر از پدر ظاهری، پیدا می‌کنند که باید به آنها نیز احسان نمود. حضرت علیه‌السلام در این باره می‌فرمایند: «پدران ستم نگر هستند؛ پدری که تو فرزند او هستی و آن کس که اسباب ازدواج تو را فراهم کند، و آن کس که به تو علمی می‌آموزد.»^۳

این سخن نشان‌دهنده حق بزرگ معلم است. پیامبر اسلام و اهل بیت علیهم‌السلام بزرگ‌ترین معلمان و دلسوزترین آموزگاران واقعی مسلمانان و شیعیان به حساب می‌آیند که دریچه‌های علم را به روی همه گشودند. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرمایند: «من و علی دو پدر این امت هستیم.» پس شایسته است که آنها را به درستی بشناسیم و بزرگشان شماریم و سخنانشان را خوب بشنویم و به آنان روی آوریم و از هر خویشاوند نزدیک‌تر به خود بدانیم هم از آن جهت که معدن و سرچشمه دانش هستند و هم از آن جهت که چنان ظهارتی کامل و مورد

۱. سوره اسراء (۱۷)، آیه ۲۳ و ۲۴.

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ترجمه سید جواد مصطفوی، ج ۳، ص ۳۳۲، ح ۲۰۷.

۳. مجلسی، محمدباقر، همان، ج ۷۷، ص ۱۶۵.

تأیید خدا دارند که الگوی شایسته‌ای برای همه مردم در هر زمانی هستند. چنین بینشی که خویشاوندان حقیقی را ارج نهم و به آنان احسان کنیم، موجب فراوانی روزی، طولانی شدن عمر، دفع بلا، جلوگیری از مرگ ناگهانی، تصفیه و رشد اعمال انسان، جلوگیری از گناه و آسان شدن حساب در قیامت می‌شود که در سخنان پیشوایان معصوم علیهم‌السلام به آنها اشاره شده است.^۱

نکته مهم و کلیدی در احسان آن است که قرآن کریم احسان و نیکی به نیکوکاران را در قالب چنین قاعده‌ای قرار می‌دهد:

آیا جزای نیکی جز نیکی (چیز دیگری) است؟^۲

۵. حق محوری (خدا محوری): آنچه گذشت، اهداف متوسط جامعه مطلوب اسلامی است که می‌توان آنرا مقدمه اهداف والاتر به شمار آورد. هدف نهایی، عبادت پیراسته از شرک است که خداوند آن را در عبارتی به صورت انحصار چنین بیان داشته است:

جن وانس را جز برای عبادت کردن خودم، نیافریدم.^۳

به عبارت دیگر، اهدافی همچون مودت، عدالت، احسان و امنیت مقدمه خدا محوری و عبادت خالصانه خداست و گرنه جامعه برخوردار از نعمت‌های مادی و تهی از شکر و ذکر خدا نامطلوب و سزاوار عذاب الهی است: «و خداوند مثل شهری را نمونه آورد که در آن امنیت اطمینان بخش حکم فرما بود و از هر جانب روزی فراوان به آنها می‌رسید تا آنکه اهل آن شهر نعمت خدا را کفر ورزیدند و خدا هم به دلیل کاری که انجام می‌دادند لباس گرسنگی و بیمناکی را به آنها پوشانید.^۴

۲. سوره رحمن (۵۵)، آیه ۶۰.

۴. سوره نحل (۱۶)، آیه ۱۱۲.

۱. همان، ج ۷۴، ص ۱۰۴.

۳. سوره ذاریات (۵۱)، آیه ۵۶.

قرآن کریم دورنمای جامعه جهانی اسلام را بر اساس حق محوری چنین ترسیم می‌کند: «خداوند آنان را که از میان شما ایمان آورده و کارهای شایسته انجام دادند و عهده داده است که در زمین پیشوا و خلیفه خود قرارشان دهند، همان‌گونه که صالحان پیشین را وعده خلافت داده و پیشوا قرار داد و علاوه بر این دینی را که برای ایشان پسندیده است بر همه ادیان تسلط و تمکین عطا کند و پس از گذراندن دوره خوف و ترسشان، ایمنی کامل عطا کند، تمامی اینها برای آن است که در چنین فضایی مرا به یگانگی و بدون هیچ گونه شرکی پرستند.»

اصول و راه کارهای اساسی برای رسیدن به جامعه مطلوب و جهانی اسلام

پس از آشنایی اجمالی با اهداف و ویژگی‌های جامعه جهانی و مطلوب اسلام، اکنون این پرسش مطرح می‌شود که اسلام چه اصول و روش‌هایی را برای رسیدن به جامعه مطلوب و جهانی ارائه می‌دهد؟ در ذیل به برخی از اصول و راه کارهایی که در قرآن و سنت آمده اشاره می‌شود:

۱. آموزش و پرورش: اسلام، تعلیم و تزکیه را در صدر برنامه‌های خود قرار داده است، به گونه‌ای که از همان آغاز نزول وحی، آنرا از وظایف اصلی و حتمی پیامبر صلی الله علیه و آله به حساب آورد:

او خدایی است که در میان مردم امی و بی سواد^۲ پیامبری بزرگوار از همان مردم برانگیخت تا بر آنان آیات خدا را تلاوت کند، او مردم را

۱. سوره نور (۲۴)، آیه ۵۵.

۲. اسلام در محیطی ظهور کرد که مردم از نظر فرهنگی و اجتماعی در پایین‌ترین سطح قرار داشتند. بر اساس گزارش‌های تاریخی، تعداد باسوادان در میان قریش ۱۷ تن و در میان دو قبیله اوس و خزرج تنها ۶۱ تن بود و حتی در بعضی مناطق دیگر تحصیل علم انحصاری بود. (ر.ک: سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، ج ۱، ص ۶۸ و ۱۳۴)

پاک و تزکیه می‌کند و کتاب (شریعت) و حکمت الهی را به آنان یاد می‌دهد، هر چند پیش از این در جهالت و گمراهی آشکار بودند.^۱

از نظر قرآن، جایگاه دانش و دانشمندان بسیار والا و ارزشمند است:

خداوند آنان را که از میان شما ایمان آورده و کسانی که دانش را دریافت کردند در جاتی بالا می‌برد.^۲

مولا علی علیه السلام یکی از حقوق مردم بر زمامدار را آموزش و پرورش آنان می‌شمارد:

اما حقی که شما بر من دارید آن است که شما را آموزش دهم تا نادان نمانید و در اصلاح رفتارتان بکوشم تا جاهلانه و ناخردانه عمل نکنید و راه و رسم زندگی را بدانید.^۳

اسلام آموزش و پرورش را تنها یک حق ندانسته، بلکه وظیفه هر مسلمان می‌داند. پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «به دنبال دانش و آموزش بودن وظیفه (هر کس) و بر هر مسلمانی واجب است.»^۴

بنابراین آموزش و پرورش در سرنوشت جامعه نقش اساسی دارد زیرا بدون افراد صالح و سالم، جامعه صالح و شایسته پدید نمی‌آید و مردم در صورتی راه صلاح را می‌پیمایند که علاوه بر داشتن زمینه فردی درست در درون خود زمینه‌هایی خوشایند و جذاب را در جامعه ببینند. پس افزون بر طرح و برنامه ساختن افراد شایسته از راه کارهای ضروری رسیدن به جامعه مطلوب جهانی اسلام است. بر این اساس است که آموزش و دانش‌اندوزی مقدمه پرورش و

۱. سوره جمعه (۶۲)، آیه ۲. ۲. سوره مجادله (۵۸)، آیه ۱۱.

۳. نهج البلاغه صبحی صالح، خطبه ۳۴، ص ۷۹.

۴. طوسی، محمدبن حسن، امالی، ص ۴۸۸.

خودسازی است و رستگاری در سایه خودسازی به دست می‌آید:

بی‌تردید آن کس که به تزکیه و پاکی نفس خود پرداخت، رستگار گشت.^۱

۲. تقویت بنیان خانواده: از آنجا که خانواده می‌تواند نقطه آغازین هر صلاح

یا فساد باشد و اجتماع از ترکیب خانواده‌ها پدید می‌آید، به همین دلیل اسلام نیز

بیشترین توجه خود را به خانواده معطوف داشته است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در

این باره می‌فرماید:

در اسلام هیچ بنایی نزد خدا محبوب‌تر از تشکیل خانواده نیست.^۲

مسلم است که بقای خانواده نیز همچون شکل‌گیری آن مهم و ضروری است.

امام صادق علیه السلام مردم را به تلاش برای حفظ خانواده فرا خوانده، می‌فرماید:

هیچ چیز نزد خدای عزیز و بلند مرتبه مبغوض‌تر از خانه‌ای نیست که

به خاطر تفرقه خراب شود.^۳

طبیعی است هنگامی که خانواده بر اساس مودت و تفاهم متقابل شکل گیرد

و پدر و مادر با تفاهم و تعاون و آگاهی، قضایی آرام و مطلوب برای رشد

فرزندان پدید آورند، حرکت عمومی جامعه به سوی صلاح و سعادت خواهد

بود. بدین سبب اسلام برای پدر و مادر به عنوان دو رکن سرنوشت‌ساز خانواده،

مقامی والا و ارزشمند در نظر گرفته، آنان را دارای مسئولیتی حساس و ویژه

می‌داند.

۳. تعاون و همکاری گروهی: برای تحقق جامعه مطلوب و جهانی اسلام،

تعاون و همکاری گروهی سه عنوان یکی از اصول

۱. سوره شمس (۹۱)، آیه ۹.

۲. مجلسی، محمدباقر، همان، ج ۱۰۳، ص ۲۲۲.

۳. حرعاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۶۶.

و راه‌کارهای مهم مطرح می‌شود، خداوند متعال در قرآن می‌فرماید:

بر نیکی و پرهیزکاری یکدیگر را یاری کنید و با همدیگر همکاری کنید.^۱

و در جایی دیگر می‌فرماید:

ای اهل ایمان! شکیبا باشید و یکدیگر را به صبر و بردباری دعوت کنید و با هم رابطه و همکاری داشته و پرهیزکار باشید، باشد که رستگار گردید.^۲

و در جایی دیگر مشارکت در کارهای اجتماعی را از نشانه‌های مؤمن می‌داند: منحصرأ مؤمنان کسانی هستند که به خدا و رسولش ایمان (قلبی) داشته و آن‌گاه که با آن حضرت بر امر جامعی همراه شدند بدون اجازه نروند (و شانه خالی نکنند).^۳

پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ با بیان‌های گوناگون، مسلمانان را به تعاون و یاری رسانیدن به یکدیگر تشویق و ترغیب کرده است از جمله: «خداوند، تا زمانی که بنده در کمک و یاری هم نوعش کوشاست، بنده‌اش را یاری می‌کند»^۴

امیر مؤمنان علی عَلِيهِ السَّلَام تعاون و همکاری را یکی از حقوق واجب الهی برمی‌شمارد: «لیکن هر کس باید به مقدار توان حقوق الهی را رعایت کند که یکی از واجبات الهی یکدیگر را به اندازه توان نصیحت کردن و پریداشتن حق و یاری

۲. سوره آل عمران (۳)، آیه ۲۰۰.

۱. سوره مائده (۵)، آیه ۲.

۳. سوره نور (۲۴)، آیه ۶۲.

۴. ابن ابی جمهور، عوالمی اللغالی، ج ۱، ص ۳۷۵. قریب همین مضمون در کتاب کنز العمال، حدیث ۴۳۵۶۰ نیز آمده است.

دادن به یکدیگر است.^۱

۴. تحریم عوامل فساد جامعه: از دیگر راه‌کارهای اسلام برای سلامت جامعه و اعتماد متقابل مردم به یکدیگر در جهت تحقق جامعه جهانی اسلام، تحریم اعمالی است که پاکی و سلامتی جامع را به خطر می‌افکند. اسلام از یک سو با تحریم اعمالی همچون دروغ، غیبت، تهمت، قمار، سرقت و مقرر کردن کیفر برای برخی از آنها حد و مرزی برای رفتارهای اجتماعی قرار داده و از سوی دیگر، افشای گناهانی را که سبب دریده شدن پرده غفت عمومی می‌شود جرم دانسته است:

به راستی کسانی که دوست دارند که فاحشه و بدکاری در کسانی که ایمان آورده‌اند شایع گردد، برای چنین کسانی در دنیا و آخرت عذابی دردناک مهیاست.^۲

از دیدگاه اسلام، توبه کردن از گناهانی که با حقوق مردم مرتبط نیست بلکه از حقوق الهی است، بر اعتراف نزد قاضی و حاکم شرع ترجیح دارد. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله درباره شخصی که نزد وی به گناه اعتراف و تقاضای پاک شدن کرد، فرمود: «اگر پوشانده بود و توبه می‌کرد برایش بهتر بود»^۳.

البته تحریم عوامل فساد و امر به اجتناب از آنها بدان معنا نیست که فرد گوشه‌گیری را اختیار کند و از جامعه دور شود. حضرت محمد صلی الله علیه و آله در سخنان خود گوشه‌گیری را فاقد ارزش دانسته و جدا شدگان از جماعت مسلمانان را از دایره اسلام خارج شمرده است: «هیچ رهبانیت و گوشه‌گیری در اسلام نیست، به

۱. نهج البلاغه صبحی صالح، خطبه ۲۱۶، ص ۲۲۶.

۲. سوره نور (۲۴)، آیه ۱۹.

۳. حر عاملی، محمد بن حسن، همان، ج ۱۸، ص ۴۴۸، ح ۵.

راستی خداوند بلند مرتبه بر ما رهنمایت قرار نداده است، رهنمایت امت من همان جهاد در راه خداست.»^۱ و در جایی دیگر می فرماید: «هر کس از جماعت مسلمانان جدا شود، قید اسلام را از گردن خود برداشته است.»^۲

۵. تحکیم روابط اجتماعی: خداوند برای تحقق این اصل مهم، آداب

اجتماعی ویژه‌ای وضع کرده است که برخی از آنها عبارتند از:

(الف) سلام کردن و دست دادن در آغاز ملاقات: حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ می فرماید: «آن‌گاه که همدیگر را ملاقات می‌کنید، پیش از هر گونه کلامی اول به همدیگر سلام کنید و مصافحه نمایید.»

(ب) رفق و مدارا: رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ می فرماید: «مدارا کردن با مردم نیمی از ایمان است و ملایم و نرم بودن با آنان نیمی از خوشی در زندگی.»^۳

(ج) گشاده‌رویی: از سخنان پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ است که فرمود: «با گشاده‌رویی با برادرت روبه‌رو شو.»^۴

(د) فروتنی: پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فرمودند: خداوند به داوود وحی کرده: «به راستی نزدیک‌ترین مردم به خدا متواضعان هستند همان‌طور که دورترین مردم از خدا متکبرانند.»^۵

(ه) احترام به دیگران، به ویژه سالخورده‌گان: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ در این باره می فرماید: «گرامی داشتن مسلمان پیر و سالخورده، بزرگ شمردن خداست.»^۶

(و) زیارت و دید و بازدید برادر مؤمن فقط به خاطر خدا: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

۱. دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۱۹۳، ج ۷، ۱: سید مرتضی، اصفالی، ج ۱، ص ۶۳، مجلسی.

۲. محمدباقر، همان، ج ۱، ص ۱۱۵. ۳. حکیمی، محمد رضا، الحیاة، ج ۱، ص ۲۲۶.

۳. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ج ۲، ص ۱۱۷.

۴. همان، ج ۲، ص ۱۰۳. ۵. همان، ج ۲، ص ۱۲۳.

۶. همان، ج ۱۲، ص ۱۷۶.

می فرماید: «هر کس برادرش را به خاطر خدا و در راه خدا زیارت کند، خداوند عزیز و بلند مرتبه گویند: مرا زیارت کردی ثواب و پاداشت به عهده من است.»^۱
 (ب) عیادت بیماران: امام صادق علیه السلام فرمودند: «هر کس به خاطر خدا به عیادت برادر ایمان روزه، گرفتار مکر و شیرنگ نمی شود و مشمول عذاب نمی گردد و خداوند هفتاد هزار فرشته را در معیت او قرار می دهد که به دنبال او می گویند: پاک گشتی و بهشت برایت گوارا باد، شما زایران خدایید شما نماینده خدایید، تا زمانی که به منزلش برسند.»^۲

(ج) برآوردن نیازهای مادی و معنوی دیگران: امام صادق علیه السلام می فرماید: «هر کس از مؤمنی مشکلی را برطرف کند، خداوند در روز رستاخیز برای قلبش گشایش ایجاد می کند.»^۳

۶. نظارت و مسئولیت همگانی: امر به معروف و نهی از منکر دو اصل

مهمی است که اجرای قوانین فردی و اجتماعی و سلامتی جامعه را ضمانت می کند. در دیدگاه اسلام هر فرد همان گونه که مسئول اعمال خویش است، در برابر سلامت جامعه نیز مسئول شناخته می شود. قرآن در توضیح جامعه ایمانی می فرماید: «زنان و مردان مؤمن، برخی از آنان ولی و سرپرست برخی هستند، به معروف و نیکي و امان دارند و از زشتی باز می دارند.»

پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله می فرماید: «همه شما (در برابر یکدیگر) همچون

چوپانی هستید که نسبت به رعیت خود مسئول است.»

پیامد طبیعی نظارت و مسئولیت همگانی آن است که چنین جامعه‌ای بهترین جامعه‌ها باشد. قرآن کریم جامعه پرخوردار از دو اصل مقدس امر به

۲. همان، ج ۲، ص ۲۰۰.

۱. همان، ج ۳، ص ۲۵۶.

۳. سوره توبه (۹)، آیه ۷۱.

معروف و نهی از منکر را چنین وصف می‌کنند:

شما بهترین امتی هستید که برای مردم نمایان شدید، چرا که به نیکی و
می‌دارید و از زشتی باز می‌دارید.^۱

در پرتو امر به معروف و نهی از منکر، قوانین الهی اجرا می‌شود و اهداف
شریعت تحقق می‌یابد. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «قوام و استواری شریعت
خدا، امر به معروف و نهی از منکر است.»^۲

مناسب است که دیدگاه امام خمینی رحمه‌الله در بیان مراتب، شرایط و آداب
امر به معروف ذکر شود:

الف) مراتب امر به معروف: امر به معروف و نهی از منکر دارای مراتبی است که
اگر مقصود با مرتبه پایین‌تر تأمین گردد، نمی‌توان به مرتبه بالاتر گام نهاد. امر به
معروف و ناهی از منکر باید در مرتبه اول کاری انجام دهد که ناراحتی قلبی اش از
منکر آشکار گردد. این مرتبه خود دارای مراحل است: برهم نهادن چشم، در هم
کشیدن صورت، برگردانیدن صورت یا پشت کردن به انجام دهنده کار زشت،
ترک معاشرت با وی. مرتبه دوم امر و نهی با زبان است. این مرتبه نیز خود دارای
مراحل است: زبان نرم و بیان جذاب، با زبان غلیظ و شدید اما مرتبه سوم، انکار
با دست و اعمال قدرت است. در این مرتبه ابتدا باید شیوه‌های آسان‌تر را
برگزید، مثلاً در مرحله اول ابزار را از دست وی گرفت، اگر نمی‌شود وی را در
جایی حبس کرد یا دست و پایش را بست و اگر دفع یا ضرر مالی یا جسمی
ممکن نیست، با این شیوه اقدام کرد. در مواردی که امر به معروف و نهی از منکر

۱. سوره آل عمران (۳)، آیه ۱۱۰.

۲. آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ج ۲، ص ۸۰، شماره ۱۰۴. در همین ردیف است سخن امام
یاقر علیه السلام آنجا که می‌فرماید: «فریضه عظیمه بها تقام الفرائض»، امر به معروف و نهی از منکر
واجبی است که دیگر واجبات با آن استوار شده و قوام می‌یابند. حر عاملی، همان، ص ۳۷۵.

به جراحت یا کشتن می انجامد، جز با اجازه حکومت اسلامی جایز نیست.
 ب. شرایط و جوب امر به معروف: ۱. امر کننده و نهی کننده بداند آنچه شخص مکلف ترک کرده یا انجام داده معروف یا منکر است، ۲. احتمال تأثیر امر یا نهی را بدهد، ۳. شخص گناهکار اصرار بر استمرار گناه داشته باشد، ۴. در امر یا نهی مقسده‌ای نباشد.

۳. آداب امر به معروف و نهی از منکر: متناسب است امر کننده به معروف و نهی کننده از منکر از روی لطف و دلسوزی به شخص و جامعه اسلامی به این کار اقدام کند و هدفش رضایت خداوند بوده و از هوس و اظهار برتری پیراسته باشد.^۱

آیات و روایات فراوان درباره جایگاه و اهمیت امر به معروف و نهی از منکر نشان می‌دهد که تحقق جامعه جهانی اسلامی رابطه تنگاتنگ و مستقیم با این اصل دارد: «و از میان شما امتی باید باشند که به نیکی فرا می‌خوانند و به معروف امر می‌کنند و از منکر باز می‌دارند، ایقان همان رستگارانند»^۲

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «به راستی امر به معروف و نهی از منکر سیره انبیا و راه صالحان و ضامن اجرای نعمه قوانین و واجبات است»^۳ بنابراین امر به معروف و نهی از منکر به عنوان دو وظیفه اساسی مسلمانان در سالم‌سازی جامعه اسلامی و در نهایت جهانی شدن آن به شمار می‌رود و هر کس از این دو اصل فاصله بگیرد از قطرت پاک و الهی دور می‌شود زیرا علی علیه السلام می‌فرماید: «به راستی امر به معروف و نهی از منکر دو خصلت از خلق و خوی خداوند پاک

۱. ر.ک: موسوی خمینی، سیدروح‌الله، *تحریر الوسیله*، ج ۱، ص ۴۸۱.

۲. *سوره آل عمران* (۳)، آیه ۱۰۴.

۳. *خرع‌املی*، محمدبن حسن، *همان*، ج ۱۱، ص ۳۹۵.

منزّه هستند»

۷. خودکفایی و عدالت اقتصادی: زیباترین نمایه جامعه جهانی

اسلام، حالتی است که در آن هر فرد یا خانواده خودکفا بوده، از توان تأمین کریمانه نیازهای ضروری خویش برخوردار باشد. اعتدال اقتصادی از ضروریات دین و عبادت‌های مهم به حساب می‌آید و نه تنها موجب پاکی و وارستگی فرد می‌شود بلکه داروی بسیار مؤثری در پاک‌سازی جامعه و دفع آفاتش چون فقر و بیکاری است. بدین سبب قرآن کریم تأمین نیاز تهی‌دستان و ناتوانان را یکی از مصارف زکات و خمس می‌داند:

منحصراً صدقه‌ها (خمس، زکات و...) برای نیازمندان، مسکینان و...

است که از جانب خدا (بر شما) واجب گشته است.^۱

و در جایی دیگر می‌فرماید:

و بدانید آنچه به دست می‌آورید (غنیمت‌ها)، پس خمس آن از آن

خدا و رسول و خویشاوندان و یتیمان و درماندگان، و در راه

مانده‌هاست اگر به خدا ایمان دارید.^۲

برپایی قسط و عدل در عرصه اقتصاد از بیش‌ترین و مؤگدترین سفارش‌های

خدا و پیشوایان معصوم علیهم‌السلام است. در قرآن کریم چنین آمده است:

وزن (پیمانه و سنجش) را از روی قسط و عدل برپا دارید و در ترازوی

سنجش کاستی قرار ندهید.^۳

و امام صادق علیه‌السلام اجرای عدالت را برای فقرزدایی و خودکفایی، کافی دانسته

۲. سوره انفال (۸)، آیه ۴۱.

۱. سوره توبه (۹)، آیه ۶۰.

۳. سوره رحمن (۵۵)، آیه ۹.

است: «به راستی مردم آن‌گاه که عدالت میانشان برقرار باشد بی‌نیاز می‌شوند.»^۱

۸. عبادت فردی و جمعی: پرستش چشمه جوشانی است که از جان انسان

سرچشمه می‌گیرد و بر همه شعبه‌ها و شاخه‌های وجود آدمی، آب زندگانی نثار می‌کند، آبی که دل را به عشق و محبت و زبان را به ذکر و ستایش، بدن را به تعظیم و کرنش و عقل را به خاکساری و سجده در پیشگاه معبود می‌کشاند. انسان با عبادت و نیایش خویشتن را در پستری عنایت الهی قرار می‌دهد و از هدایت و رحمت و لطف او بهره می‌گیرد و قرب حق را با تمام وجود احساس می‌کند.

جامعه بریده از نیایش و پرستش همچون ذره‌ای پرتاب شده در جهان بی‌انتهاست؛ که در محاصره موج‌های بیثبات کن‌یوچی و آشفتگی قرار می‌گیرد و افرادش سرانجامی جز خواری و سرنگونی در دوزخ ندارند. خداوند متعال می‌فرماید: «به راستی کسانی که از عبادت و پرستش من متکبرانه استکاف می‌ورزند با خواری و پستی به جهنم وارد خواهند شد.»^۲

اسلام به منظور نظم‌دهی به زندگی و عبادت انسان مسلمان، نظم در عبادات واجب را الزامی کرده است، نظمی هماهنگ با جهان طبیعت، جهان شمول و جاودان که نه گذر زمان بر او گرد کهنگی و تغییر می‌پاشد و نه نشانی از اختصاص و منطقه‌ای بودن در آن دیده می‌شود، مانند اوقات نمازهای واجب و وقت روزه واجب، نماز جمعه و ...

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ج ۲، ص ۵۶۸.

۲. سوره غافر (۴۰)، آیه ۶۰.

زامنداری و رهبری جامعه مطلوب و جهانی اسلام

دین اسلام تنها به بیان پیام‌ها، هدف‌ها و قانون‌های خویش اکتفا نکرده، بلکه برای اجرای قوانین و تحقق اهدافش «نظام امامت و ولایت» را بنیان نهاده است. پیشوایان معصوم علیهم‌السلام امامت و ولایت را پایه اسلام بالنده معرفی کرده‌اند. امام رضا علیه‌السلام در این باره می‌فرماید:

امامت پایه نامی و بالنده اسلام است.^۱

اسلام برای اجرای احکام الهی و تحقق اهداف خویش نظام رهبری شایسته را ضروری می‌داند. در نظام حکومتی اسلام دو موضوع مهم مورد توجه قرار گرفته است:

۱. شرایط و صفات زمامدار. ۲. حد و مرزهای دین برای عملکرد حکومت جامعه مطلوب.

۱. شرایط و صفات زمامدار: یکی از پیام‌های عمومی قرآن کریم این است که امانت‌ها را به کسانی که اهلش هستند بسپارید:

خداوند به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبانش بسپارید.^۲

حکومت نیز امانتی است که باید به شایستگانش سپرده شود. رسالت اصلی حکومت در اسلام اداره جامعه طبق اهداف، آموزه‌ها و قوانین دین است. به همین خاطر رهبر جامعه اسلامی باید از ویژگی‌های زیر برخوردار باشد.

الف. اجتهاد و توانایی لازم: زمامدار جامعه اسلامی باید اجتهاد و توانایی لازم را برای شناخت اهداف و آموزه‌ها و قوانین دین متناسب با شرایط و مقتضیات زمان داشته باشد.

۱. کلینی، محمدبن یعقوب، همان، ج ۳، ص ۲۹.

۲. سوره نساء (۴)، آیه ۵۸.

این شرایط به بیان‌های مختلف در قرآن و سنت مشاهده می‌شود، به عنوان نمونه در وصف طالوت و در پاسخ خرده‌گیران نسبت به انتصاب وی می‌فرماید: «به راستی خداوند او را بر شما برگزید و دانش و توانایی جسمانی او را افزود و گسترش داد.»^۱

امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام با اشاره به مضمون آیه ۸۳ سوره نساء یروخورداری از توان استنباط را از ویژگی‌های زمامدار می‌داند: «و بی‌تردید خداوند به شما فرمان داده است که امر (حکومت و فرمانروایی) را به خدا و رسولش و اولوالامر از خودتان برگردانید که توان استنباط علمی دارند.»^۲

امام حسین علیه السلام در این باره می‌فرماید: «راه‌های درست اجرای فرمان‌ها و احکام خدا به دست دانشمندان خداشناسی است که پاک و مخلص بوده و امین در حلال و حرام الهی هستند.»^۳

ب) دادگستری و استقامت: عدالت با استقامت و قدرت عملی برای اجرای درست اهداف و آموزه‌ها و قوانین دین، شرط دیگر زمامدار جامعه اسلامی است.

در تعریف عدالت، حق نهفته است، در جامعه هر یک از افراد به توبه خود دارای حقی است که در مقام اعطا باید رعایت شود، نه کمتر و نه بیشتر، و منشأ حق افراد، استعداد و تلاش و فعالیت‌های آنهاست و زمامدار عادل یعنی عطاکننده حق هر کس که برترین و محبوب‌ترین فرد نزد خداوند می‌شود. رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «به راستی محبوب‌ترین مردم در روز رستاخیز نزد

۱. سوره بقره (۲)، آیه ۲۴۷.

۲. مجلسی، محمدباقر مجلسی، همان، ج ۳۲، ص ۹۶.

۳. همان، ج ۳۲، ص ۸.

خداوند، که از همه به خدا نزدیک‌تر است، پیشوای عادل است.»^۱

پس رهبر جامعه اسلامی عهده‌دار تأمین حقوق همه افراد جامعه است و نظام قضایی و اجرایی باید فضایی را فراهم آورد که ستم‌دیدگان و افراد ناتوان در کمال امنیت و آرامش، حق خویش را مطالبه کنند و اختلاف در ثروت، قدرت، مقام، نژاد، مذهب و... نیاید. بهانه‌ای برای اجرا نکردن قانون درباره صاحبان قدرت، ثروت و موقعیت اجتماعی باشد.^۲

ج. مدیریت و کفایت: مدیریت یا کفایت و توانایی برای اداره امور مردم در پرتو اهداف، آموزه‌ها و قوانین دین سومین و آخرین شرط اصلی زمامدار جامعه ایمانی اسلام است. پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله درباره شرایط زمامداری سخنی بسیار گره‌گشا و اصولی دارند که در آن اشاره به قدرت اجرایی نیکو و مدیریت شایسته زمامدار دارد:

«امامت و رهبری تنها شایسته کسی است که سه خصلت در وی باشد: پارسایی، که وی را از سرکشی و نافرمانی خدا باز دارد، حلم و بردباری که بدان وسیله غضبش را منکوب کند، نیکویی در ولایت و سرپرستی نسبت به کسی که رهبریش را به عهده دارد.»^۳

برنامه‌ریزان و کارگزاران نظام اسلامی مطلوب، پیوسته این سه ویژگی را شاخص محوری برنامه‌های خویش قرار می‌دهند و امام و زمامدار این جامعه با این ویژگی‌های شایسته سیر کمال، رستگاری و بهروزی را برای اتحاد جامعه فراهم می‌کند. در حقیقت می‌توان گفت جامعه جهانی و مطلوب اسلام وقتی

۱. سنن صحیح ترمذی، حدیث ۱۳۲۹۱؛ حاکن نیشابوری، الجامع الصحیح، ج ۳، ص ۶۱۷

خسروجردی، ابوبکر احمد بن حسین، سنن بیهقی، ج ۱۰، ص ۸۸

۲. با استفاده از اصل ۲۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

۳. حر عاملی، محمد بن حسن، همان، ج ۱۱، ص ۳۹۵.

واقعیت پیدا می‌کند که رهبر آن دارای این ویژگی‌ها می‌باشد و این شرایط در نهایت معصوم بودن رهبر جامعه اسلامی را رقم می‌زند.

۲. حد و مرزهای دین برای عملکرد حکومت: اگر کسی که از نظر شریعت

شایستگی فرمان‌روایی دارد به حاکمیت برسد، مورد رضایت الهی نیز خواهد بود و عمران و آبادانی، تأمین منافع مردم و برقراری نظم و امنیت را در جهت تبلور ربوبیت خداوند در عرصه‌های گوناگون اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، حقوقی و... به ارمغان می‌آورد. حداقل مرز مقبول چنین حکومتی دو چیز است: عدالت، استقلال و عزت اسلامی.

الف) عدالت و دادگستری: منظور از عدالت در اینجا دادگری به تمام معنای آن است. همان دادگری که فرمان خداوند و هدف بعثت انبیا علیهم‌السلام است^۱ و پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مأموریت خویش را اجرای عدالت اعلام می‌دارد: «بگو پروردگار من، مرا به دادگری فرمان داده است یا من مأمورم تا میان شما عدل برقرار کنم»^۲

عدالت در مقایسه با ارزش‌های دیگر بسیار برتر شمرده شده است. رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در مقایسه عدالت و عبادت می‌فرماید:

یک ساعت دادگری بهتر از عبادت هفتاد سالی است که فرد در آن شب‌ها را به نماز سپری کند و روزهایش را روزه بدارد.^۳

و یا در جایی دیگر می‌فرماید:

بی‌تردید عمل یک زمامدار و امام دادگر درباره امتش در یک روز بسی

۱. سوره نحل (۱۶)، آیه ۹۰؛ سوره حدید (۵۷) آیه ۲۵.

۲. سوره اعراف (۷)، آیه ۲۹؛ سوره شوری (۴۲)، آیه ۱۵.

۳. مجلسی، محمد باقر، همان، ج ۷۵، ص ۳۵۲.

برتر و شایسته‌تر از عبادات پنجاه تا صد ساله یک پرهیزکار است.^۱
 عدالت روح کلی حاکم بر همه قوانین اسلام است. گزینش بر اساس معیارها
 و ضوابط و مقدم داشتن اصل بر صالح در تمامی سطوح سیاسی و اداری
 جامعه و مبتنی بر حق از اصول اساسی نظام جهانی اسلام است. در فرهنگ
 اسلامی، مراعات نکردن این اصل و تقدیم روابط بر ضوابط هم خیانت به
 خداست و هم به رسول خدا ﷺ و هم به تمامی مسلمانان. پیامبر
 اسلام ﷺ می‌فرماید:

هر کسی فرماندهی مسلمانان را به دست گیرد در حالی که می‌داند در
 میان مردم شایسته‌تر از او وجود دارد، و داناتر از او نسبت به کتاب خدا
 و سنت پیامبر خدا هست، پس بی‌تردید به خدا و رسول خدا ۹ و همه
 مسلمانان خیانت کرده است.^۲

این نکته باید در آغاز انتصاب‌ها و انتخاب‌های خویش این مهم را مورد
 توجه قرار دهند تا دامن آنها از خیانت پیراسته ماند و جامعه در گرداب
 نابسامانی‌ها فرو نغلند. پیامد طبیعی تسلط ناشایستگان بر امور اجرایی و
 مدیریتی مردم، عقب ماندگی جامعه خواهد بود. پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید:
 «بی‌تردید اگر مردم امور خویش را به دست کسی سپارند که داناتر از او در
 میانشان وجود دارد، کارهایشان به پستی منجر می‌شود و ذلت و عقب‌ماندگی
 خود را رقم زده و به عصر جاهلیت برمی‌گردند.»

ب. استقلال و عزت اسلامی: ارمغان نظام حکومتی مطلوب و ایده‌آل در اسلام،
 استقلال، سربلندی و عزت اسلامی است، همان عزت و سربلندی که به طور
 کامل از آن خداست:

۱. ابو عبید، الاموال، ص ۳۹. ۲. بحرانی، سید هاشم، غایة المرام، ص ۲۹۹.

به راستی عزت، به تمام معنای آن، از آن خداست.^۱ این بزرگواری و عزت در حقیقت از آن خدا و رسول خدا بوده و در نهایت هم مخصوص رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و مؤمنان می شود. [عزت] مخصوص خدا و رسولش و مؤمنان است.^۲

جامعه مسلمانان و نظام اسلامی در صورت ایمان و پای بندی کاملی به اصول و ارزش های دینی راه عزت و سر بلندی پیموده، لباس سروری می پوشند و مستی نکنند و اندوهناک مباشید، زیرا شما بلند مرتبه ترین مردم هستید به شرط آن که در ایمان ثابت و استوار باشید.^۳

آیه ۲۹ سوره فتح، استقلال و خود اتکایی جامعه ایمانی و مطلوب و جهانی اسلام را چنین ترسیم می نماید:

محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرستاده خداست و یاران و همراهانش بر کافران بسیار سخت و با یکدیگر بسیار مشفق و مهربانند. آنان در حال رکوع و سجود قراوان بسیار بنگری که فضل و رحمت خدا و خشنودی او را می جویند (بر) رخسارشان از اثر سجده نشانه های توراتیت پدیدار است. این وصف حال آنها در کتاب تورات و انجیل است که مثل حالشان مانند دانه ای است که چون آغاز سراز خاک برآرد شاخه ای نازک و ضعیف باشد، پس از آن قوت یابد تا آن که قوی گردد و بر ساق خود محکم بایستد که دهقانان در آن حیران می مانند تا کافران را به خشم آورد. خداوند کسانی را که ایمان آورده و کردار شایسته انجام دهند وعده مغفرت و پاداش عظیم فرموده است.

۲. سوره منافقون (۶۳)، آیه ۸.

۱. سوره یونس (۱۰)، آیه ۶۵.

۳. سوره آل عمران (۳)، آیه ۱۳۹.

پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نیز این معیار را چنین بیان می‌دارد: «اسلام بی‌الا می‌رود و بلند مرتبه می‌شود و هیچ چیز بر او برتری نمی‌یابد»^۱

بنابراین، باید استقلال و عزت اسلامی در انواع روابط اجتماعی حفظ گردد تا حرکت به سوی جامعه اسلامی معنا پیدا کند و هر ارتباطی که به این اصل مهم خدشه وارد سازد ناپسند و فاقد اعتبار است.

و هرگز خداوند بر مؤمنان برای کافران هیچ راهی قرار نداده است.^{۲ و ۳}

نتیجه

ظهور جامعه مطلوب و جهانی اسلام در سایه رهبری امام معصوم عَلَيْهِ السَّلَام با اهداف مذکور از دیدگاه قرآن و حدیث، سعادت عمومی و صلح جهانی و خیر و برکت را برای همگان به ارمغان خواهد آورد و کمال از خلقت و هستی در تجلی جامعه‌ای است.

در بینش اسلامی نیز چنین نویدی داده شده است. قرآن کریم بشارت داده است که دین حقی که خاتم پیامبران صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ واسطه ابلاغ آن است روزی فراگیر خواهد شد^۴ و سرانجام نور خدا در منتهای ظهور و حد اعلای خود خواهد درخشید.^۵ و باطل منحور و نابود شدنی است. به راستی باطل از بین رفتنی شد.^۶ این وعده الهی پیش از این نیز در زبور داوود داده شده است که پندگاران صالح

۱. صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۳۴؛ شیخ طوسی، محمد بن حسن، المبسوط، ج ۲، ص ۴۶. ۲. سوره نساء (۴)، آیه ۱۴۱.
 ۳. فقهای اسلام قاعده نفی سبیل را براساس این آیه پایه‌گذار کردند برای اطلاع بیشتر، ک به: سید حسن موسوی بجنوردی، القواعد الفقیه، ج ۱، ص ۱۵۷؛ موسوی خمینی، روح‌الله، تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۷۵.
 ۴. «هو الذی أرسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کلّه» سوره توبه (۹)، آیه ۳۳؛ سوره فتح (۴۸)، آیه ۲۸.
 ۵. سوره توبه (۹)، آیه ۳۲.
 ۶. سوره اسراء (۱۷)، آیه ۸۱.

خدا، وارث زمین خواهند شد و سلطه خود را بر آن می‌گسترانند.^۱ این حاکمیت که همان خلافت خدا و اجرای حاکمیت خداوند بر زمین است، سرانجام از آن مؤمنان صالح خواهد بود و بدین ترتیب تلاش پیامبران و جتود الهی و همه حجت‌های خداوند در نهایت ثمر خواهد داد و منجی موعود اسلام آن عزیز شکست‌ناپذیر، ظهور خواهد کرد.

آخر الزمان، جهان معاصر

و

انسان معاصر

سارا محمد علی زاده - رضوان انباز

چکیده

در جهان معاصر همه انسان‌ها از هدایت‌های انسانی برای رسیدن به سعادت ناامید شده‌اند و از طرفی دیگر همه ادیان بشارت منجی موعود را می‌دهند. در این مقاله سعی شده پیرامون مسئله انتظار و آنچه قبل از آن دنیا را فرا می‌گیرد بحث شود. در این فرصت دربارهٔ مباحثی نظیر: مقدمات ظهور، تعریف واژه‌های مقدمات، مقدمه و مقدمات ظهور سخن گفته شده است. وقایع پس از ظهور آن حضرت نیز به صورت وقایع عمومی و مخصوصه بیان شده است.

وقایع مخصوصه عبارتند از: خرابی مسجد براءت و قطع حج، متع طعام و درهم از عراق، قم مرکز علم شود، ظهور آتش در حجاز و آب در نجف، ظاهر شدن آب بر روی زمین در شهر قم، مسلط شدن کفار بر پنج نهر، اختلاف دو صنف از عجم در کلمه عدل، دعوی نبوت و امامت، شهادت دوازده نفر بر رؤیت آن حضرت، قطعی غبراء، حادثه بین مکه و مدینه، خروج شرولی از ارمینه و آذربایجان، همچنین از تحریفات دینی به استناد روایات و بدعت‌های آشکار شده در اسلام و فسادهای دینی، اجتماعی، اخلاقی و تربیتی سخن گفته شده است و در ادامه زمینه‌های اجتماعی و دولت حضرت مهدی علیه السلام بیان گردیده است که عبارتند از:

۱. محبوبیت اجتماعی

۲. عطش و شیفتگی

۳. اضطراب از چگونگی ظهور آن حضرت

علامات دو سال آخر ظهور با استفاده از روایات و اولین سخنانی که آن

حضرت بیان خواهند نمود و بیان تکالیف و وظایف شیعه در زمان غیبت امام

زمان الشیخ آخرین بخش این مقاله را تشکیل خواهند داد.

مقدمه

یکی از مهم‌ترین و با ارزش‌ترین وظایف و تکالیف شیعه در عصر غیبت موعود جهان، مسئله انتظار است. انتظار در لغت به معنای «انتظار کشیدن و مراقب بودن است. معمولاً به حالت کسی گفته می‌شود که از وضع موجود نازاحت است و برای ایجاد شرایط بهتری تلاش می‌کند. بنابراین مسئله انتظار حکومت حق و عدالت مهدی علیه السلام و قیام مصلح جهانی، در واقع مرکب از دو عنصر است: عنصر نفی و عنصر اثبات عنصر نفی همان بیگانگی با وضع موجود، و عنصر اثبات خواهان وضع بهتر بودن است.

با توجه به معنای لغوی انتظار، گاهی چنین تصور می‌شود که وظیفه ما در دوران غیبت تنها آن است که به انتظار روزی بکشیم که امام منتظر علیه السلام بیاید، کفر را از بین ببرد و اسلام و مسلمین بتوانند در سایه قیام او در امن و امان زندگی کنند. و ما در دوران زندگی خود به منظور برقرار کردن حکومت اسلامی در تمام زمینه‌ها به ویژه در امور سیاسی هیچ‌گونه مسئولیت دینی برای قیام نداریم. چرا که برقرار ساختن حکومت همه‌جانبه اسلامی وظیفه امام منتظر علیه السلام است، پس ما اکنون مکلف به قیام نیستیم.

بعضی خیال کرده‌اند این عقیده شیعه است و با این‌گونه توهم‌های پی‌جا اعتقاد شیعه به امام زمان علیه السلام را که فکری سازنده و انقلابی است به اندیشه‌های تخیلی‌گشته تبدیل کرده‌اند تا به پنهان‌های واهی خود را از زیر بار مسئولیت قیام بر ضد باطل بیرون کشند.

اما وقتی که درست تحقیق کنیم، متوجه می‌شویم که علت این توهم‌های نابجا این است که مخالفان شیعه یا نمی‌خواهند حق را درک کنند و یا این که درست نمی‌فهمند زیرا وقتی ما کلمه انتظار را در معنای واقعی‌اش یکی از لوازم

اعتقاد به امام بدانیم با این‌گونه توهمات، بسیار منافات خواهد داشت و با حقیقت اعتقاد اسلامی که عقیده به امامت را جزء مهمی از اجزای خود می‌داند، در تضاد خواهد بود.

استاد مظفر در این باره می‌گویند:

«از چیزهایی که در این زمینه باید بدانیم این است که معنای انتظار ظهور آن مصلح تجات‌بخش این نیست که مسلمانان در امر دین و احیای حق از یاری او دست بردارند و جهاد در راه دین و عمل به احکام آن را ترک کنند و دست روی دست بگذارند و وظیفه امر به معروف و نهی از منکر و مانند آنرا فقط به خود آن حضرت واگذار نمایند، بلکه هیچ وقت تکلیف عمل به احکام شرعی از دوش مسلمانان برداشته نمی‌شود و پیوسته بر آنان واجب است بکوشند حقیقت را درک کنند و راه‌های صحیح وصول به آنرا به دست آورند و تا جایی که قدرت دارند از زیر بار مسئولیت امر به معروف و نهی از منکر شانه خالی نکنند. بر هیچ مسلمانی روا نیست که به بهانه این که مهدی منتظر علیه السلام و اصلاحگر کل و راهنما و بشارت دهنده است از آنچه بر او واجب است دست بردارد؛ زیرا این امر نه تکلیفی را ساقط می‌کند و نه انجام وظیفه‌ای را به تأخیر می‌اندازد و نه انسان را مانند جانوران چرنده، بی‌مسئولیت و مهمل می‌سازد. آری، هیچ‌کس نمی‌تواند منکر اصل انتظار شود زیرا چنانچه این اصل از وجود انسان برداشته شود، یک موجود بی‌روح و بی‌معنی و بی‌حرکت و ساکت و آرام و در رکود محض خواهد بود. انسان منتظر انسانی است امیدوار، پویا، گویا، در تلاش، دشمن‌شکن، جوّ‌شکن، تعالی‌جوی، در سوز و گداز، حساب‌گرو حسابرس، دقیق، آگاه، خودآگاه، زمان‌آگاه، با مردم و در میان مردم، با شرح صدق و وسیع، مؤمن و معتقد به راه محبوبی که در طلب آن می‌سوزد و می‌گذارد

و بالاخره زمینه‌ساز موعود «منتظر»، مؤمنی که منتظر آمدن مولایش می‌باشد هر قدر انتظارش شدیدتر باشد، تلاشش در آمادگی برای آن به وسیله پرهیز از گناه و کوشش در راه تهذیب نفس و پاکیزه کردن درون از صفات نکوهیده و بیخ دست آوردن خوی‌های پسندیده بیشتر می‌گردد، تا به فیض دیدار مولای خویش و مشاهده جمال دل‌ربای او در زمان غیبتش دستگاز شود. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

هر کس که خواسته باشد از یاران قائم علیه السلام شود، باید که منتظر باشد و با پرهیزکاری و خوی‌های پسندیده عمل کند و اوست منتظر؛ پس هرگاه بمیرد و قائم پس از مردنش به پاخیزد پاداش او مثل کسی خواهد بود که دوران حکومت آن حضرت را درک کرده باشد.

سخن آخر این که انتظار، امید و آرمان فردای تابناک را نوید می‌دهد و منتظر در امید و با امید زندگی می‌کند و در نتیجه سدها را در هم می‌شکند، موانع را کنار می‌زند، راه‌ها را هموار می‌کند، با حرامیان و دزدان و نیرنگ‌بازان و دروغ‌پردازان می‌ستیزد و به مشاهده دولت کریمه «امام منتظر» امیدوار می‌باشد.^۱

ساحل امن

در قرن گنونی که از لحاظ پیشرفت‌های علمی و صنعتی بشر به حد بسیار بالایی رسیده تا جایی که اکنون می‌تواند بیماری‌های گوناگون را شناخته و برای آن داروی خاصی را اختراع کند و بیماری‌هایی را که تا دیروز به قدری برای بشر دهشتناک بود و حتی نام آن نیز باعث فرار کردن مردم از اطراف آن بیمار می‌شد،

۱. رجالی تهرانی، علی‌رضا، یکصد پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان علیه السلام، ۱۳۷۹، نشر تبوع.

به آسانی درمان کند. اکنون وسایل و ابزار صنعتی و وسایل دیگری که در جهت آسایش و آرامش بشر اختراع شده، خارج از شمارش است. بشری که حتی برای روشن کردن ده متر جلوتر از خود وسیله‌ای نداشت، هرگز نمی‌توانست تصور کند که پیشرفت صنعت برق که از اختراع یک لامپ ساده شروع شد، اکنون چه تحولی یافته است. انقلاب انفورماتیک در جهان و تحولات روزافزون آن با سرعت غیر قابل تصویری در حال صعود است. حتی می‌توان گفت: پیشرفت پله به پله را نپذیرفت و گاهی با اختراع یک ریزپردازنده کوچک می‌بینیم که چندین پله از تردیان ترقی را می‌پیماید. بشر برای حفظ آرامش خود، دست به اختراعی زد که باعث سلب آسایش خود و دیگران شد حتی کلاهک‌های هسته‌ای خطرناکی که هر یک قدرت تخریب چندین برابر زمین را دارند، آنهم در چنین عصری که دلهره در ذات نهفته است، خواد تاخواه مبارزه با تاریکی‌ها و زشتی‌های زندگی باید از طریق صحیح و اصولی صورت گیرد. تا زندگی سالم سعادتمندانه هر فرد تضمین گردد. فهمیدن بسیاری از اسرار طبیعت به ما در راه شناخت هر چه بیشتر خداوندی که خالق آنهاست کمک می‌کند یا اینکه ما فقط به عنوان یک تردیان با آنها برخورد می‌کنیم؟ یا توجه به اختراعات عالم‌گیر در زمینه‌های هوا و فضا آیا بشر در ساحل امن آرمیده است؟ آیا اکنون بشر از آرامش نسبی برخوردار است؟ دنیای امروز با ضعف جهات ایمانی و اخلاقی به صورت ماشین بدون ترمزی درآمده که غیر مطمئن به راه خود ادامه می‌دهد و مردم جهان عمری را با نگرانی و اضطراب طی می‌کنند. هر لحظه خائفند از اینکه جهان بر لب پرتگاهی برسند و زمامداران فرمان آتش دهند و قدرت علمی بشر، جهان را به آتش و خون کشد و ظرف چند ساعت |یا ثانیه| کره زمین را ویران نماید.

- از آغاز قرن بیستم تا کنون بیش از یک میلیارد نفر دست به خودکشی زده‌اند و جوانان بیش از دیگران خودکشی می‌کنند.

- یک چهارم مردم اسکاندیناوی، یک سوم مردم فرانسه، دو پنجم مردم شوروی و نیمی از مردم آمریکا گرفتار بیماری بی‌خوابی در اثر نگرانی هستند.
- تلفات نظامی آمریکا در میدان‌های جنگ جهانی دوم سیصد هزار نظامی بود، ولی در همان مدت دو میلیون آمریکایی بر اثر بیماری قلبی تلف شد که نیمی از این تعداد به سبب نگرانی بوده است.

- در آلمان روزانه یک میلیون قرض خواب آور مصرف می‌شود.

این آمار مربوط به سال‌ها قبل است. باید از خود پرسیم اکنون وضعیت روحی و روانی مردم دنیا چگونه است؟ آیا بشر نسبت به ده سال قبل، از آرامش روانی بیشتر برخوردار است؟ به راستی چرا بشر با وجود قدرت صنعت و تکنولوژی نتوانسته است زندگی آرامی برای خود به ارمغان بیاورد و در ساحل امن و آسایش زندگی کند؟ مگر این همه پیشرفت‌های علمی و صنعتی به خاطر آرامش و آسایش روحی و جسمی بشر نیست؟

با اندکی تأمل می‌توان فهمید که بشر کنونی در کنار همه اختراعات و اکتشافات از اصل مهمی دور است و آن دوری او را لحظه به لحظه بیمار و بیمارتر می‌کند. یکی از روانشناسان معاصر و استاد کرسی روان‌شناسی به نام پرفسور کارل یونگ چنین می‌گوید:

بیماری قرن ما بیماری مذهبی است. در اثر تکنولوژی و جمود تعالیم و کوله نظری و تعصب، بشر قرن بیستم لا مذهب شده و سرگشته در جستجوی روح خود است و تا مذهبی نیابد آسایشی ندارد. بی‌مذهبی حتماً باعث پوچی و بی‌معنا شدن زندگی می‌شود. داشتن مذهب و

آرمان، به زندگی مفهوم و معنا می بخشد. آن کس که با شهامت در راه خودشناسی گام گذاشت، به خداشناسی می رسد و در مرحله آخر به تکامل نفس فردیت خود واصل می گردد.

بدیهی است که بدون مذهب و ایمان واقعی، آرامش به وجود نخواهد آمد، قرآن کریم در این زمینه تعبیری بسیار لطیف دارد:

هر که از یاد خدا غفلت ورزد و از ایمان و دین رو برتابد، حتماً زندگی او تنگ و رنج آور و دردآلود و ناگوار خواهد بود، و روز قیامت کور محسور خواهد شد.

نگرانی در تفکر بسیاری از صاحب نظران علم روان شناسی بزرگ ترین بیماری قرن شناخته شده، برخی بیان می کنند که نگرانی سرچشمه تمام یا اغلب بیماری های روحی و جسمی می باشد. سوء هاضمه، زخم معده، زخم اثنی عشر، سرطان ها، ناراحتی های قلبی، بی خوابی، سردردها، فلج، ورم و درد مفاصل، رماتیسم و حتی دندان درد و کرم خوردگی دندان و یک سوم از امراض پوستی ناشی از نگرانی ها و دلواپسی ها و هیجانات روحی است.

متأسفانه پیشرفت علم و تکنولوژی و وسایل رفاه و آسایش به جای آن که انسان ها را سعادتمند کند، فرسوده و نگران و بسیار مضطرب نموده است. بدیهی است که نسل نگران و مضطرب امروز به دنبال گمگشته ای است تا در پناه آن دمی بیاساید و راحتی را تجزیه کند. چه بسیارند افرادی که حاضرند همه اینها را بدهند ولی بتوانند وقتی سر بر بستر نهادند راحت بخوابند. واقعاً آن ساحل امن کجاست و کدامین کشتی نجات می تواند ما را به آن ساحل برساند. متأسفانه بسیاری از جوامع چون به دنبال گمگشته حقیقی که عبارت از ایمان به خدای یکتا و اطاعت فرامین اوست، نمی گردند لذا سعی می کنند با وسائط مختلفی

برای خود سرگرمی‌هایی ایجاد کنند تا شاید برای لحظاتی آرام گیرند. متأسفانه به الکل و مواد مخدر و قرص‌های مسکن و خواب‌آور رو آورده و به دلیل نبود ساختار عقیدتی و یا سست شدن آن به دامن خودکشی پناهنده می‌شوند.

اکنون که طوفان‌های ستمگین گناه و ردائل اخلاقی باعث فاصله گرفتن ما از مسیر حق و حقیقت می‌گردد و ظلمت و تاریکی گناه، مشعل‌های هدایت را که در جای جای عالم سو سو می‌زند یکی پس از دیگری خاموش می‌کند، اکنون که سراب‌های رنگارنگ سعی در جلب نظر افرادی می‌کند که زندگی این دنیا را بر زندگی جاوید اخروی ترجیح می‌دهند، آیا وقت آن نرسیده که از خود بپرسیم که چه باید کرد؟ و چه شیوه‌ای را باید دنبال نمود؟ آیا وقت آن نرسیده که به سراغ «ابواب الایمان» و «أمناء الرّحمن» و «مجال معرفة الله» برویم؟ لذا امام صادق علیه السلام فرمودند:

خوشا به حال کسی که در زمان غیبت قائم ما به فرمان ما چنگ زند و قلب هدایت شده‌اش به طرف باطل متمایل نشود.

ما وظیفه داریم که بنا به سفارش معصومین علیهم السلام در زمان غیبت، خود را با تفکر و متش زبجای ایشان بالأخص وجود مقدس امام زمان علیه السلام هماهنگ کرده و همواره دعا به آن سرور را در سرلوحه اعمال خود قرار دهیم. امام صادق علیه السلام در خصوص غیبت حضرت صاحب‌الزمان علیه السلام به زراره فرمودند:

ای زراره اگر زمان غیبت را درک کردی بر این دعا مداومت داشته باش:

خداوندا خودت را به من بشناسان که اگر خود را به من نشناسانی پیامبرت را نخواهم شناخت، خداوندا! رسولت را به من بشناسان که اگر رسولت را به من معرفی نکنی حجت تو را نخواهم شناخت.

خداوند ا حجت را به من بشتاسان که اگر حجت را به من نشناسانی از
دین منحرف خواهم شد.

مقدمات ظهور

دنیا میدان تنازع حق و باطل و سرای پیروزی‌ها و شکست‌های گذرای این
دو جبهه بوده و خواهد بود:

تلك الأيام نداولها بين الناس.

این روزگار را که گاهی فتح و غلبه و گاهی شکست و مغلوبیت
است، میان خلائق می‌گردانیم.

آنچه در این میان امید بخش دل خسته مؤمن است، فرجام گرم و شیرینی
است که قرآن کریم برای این درگیری نوید داده است:

إِنَّ الَّذِينَ يُحَادُّونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ فِي الْأَذْلَى كَتَبَ اللَّهُ
لَاغْلِبُنَا أَنَا وَرَسُولُنَا.

کسانی که با خدا و رسولش مخالفت می‌کنند، آنان در پست‌ترین مرتبه
ذلت‌اند. خداوند چنین حتم گردانید که البته من و فرستادگانم [بر
دشمنان] غالب شویم.

زبان کتاب‌های آسمانی نشانه اراده حتمی خداست. گویا مسیر سربلندی و غلبه
حق و تحقق این فرجام روشن، تنها از راه آن میدان درگیری و نزاع می‌گذرد که در
آیه دیگری چنین آمده است:

بل نقذف بالحق على الباطل فيدمغه فإذا هو زاهق.

بلکه ما همیشه، حق را بر باطل پیروز می‌گردانیم تا باطل را

محور و نابود سازد.

در این باره آنچه حائز اهمیت است، این است که آیا توید چنین فرجام زیبایی، کشتنده مسئولیت‌های انسانی و تاریخی پیروان حق خواهد بود و یا اینکه هواداران جنبه حق، در عین امیدواری و دل‌دادگی به این قبیل بشارت‌ها، باید حرکتی هماهنگ با قانون‌ها و سنت‌های حاکم بر هستی، در جهت فراهم آوردن و زمینه‌سازی آن روز موعود داشته باشند؟ ایتجاست که ضرورت بحث از عوامل، مقدمات و زمینه‌های ظهور، آشکار می‌شود و آدمی را در پی کنکاش از آنها وادار می‌سازد.

لذا سعی کردیم در اینجا با استناد به آیات و روایات و سنت‌های الهی حاکم بر هستی، گامی در این جهت برداریم.

تعریف: واژه «مقدمات» که جمع «مقدمه» می‌باشد، در لغت عبارت است از «اموری که برای شروع در امری لازم هستند؛ و در اصطلاح «مقدمات ظهور» به اموری گفته می‌شود که وجود آنها پیش از ظهور منجی موعود، حضرت حجت بن الحسن العسکری علیه السلام بایسته است، چرا که با فراهم آوردن این مقدمات، مقتضیات ظهور فراهم گشته و موانع آن برطرف می‌گردد. گفتنی است عرصه پژوهش در نوشته حاضر، در دایره فرهنگ لغات عربی رقم خورده است، بر همین اساس باید دانست که واژگان زیر در بردارنده معنای مورد نظر می‌باشند:

۱. وطاء: که در بردارنده معنای هموارسازی است. و عبارت «وطاء الشی» به معنای «آن چیز را آماده و مهیا ساخت» آمده و در حدیث نیز چنین آمده است:
 ینخرج أناس من المشرق فیوطنون للمهدی یعنی سلطانه.

از مشرق زمین مردانی خروج می‌کنند و برای حضرت مهدی علیهما السلام، حکومتش را آماده می‌سازند.

۲. مهند: که در بردارنده معنای آماده سازی است. و عبارت «مهدت الأمر»

یعنی «آن کار را آماده کردم» چنانکه این آیه شریفه می فرماید:

من عمل صالحاً فلا لنفسهم يمهدون.

آنها که کار شایسته انجام می دهند، سود خود را آماده می سازند.

۳. هیء: که متضمن معنای اصلاح و بر طرف کردن نواقص، حاضر نمودن و

فراهم سازی است. همان طور که در آیه شریفه آمده است:

فقالوا ربنا آتنا من لدنك رحمة و هبنا لنا من أمرنا رشداً.

و گفتند: پروردگارا ما را از سوی خودت رحمتی عطا کن و راه نجاتی

برای ما فراهم ساز.

وقایع مخصوصه: این وقایع عبارت است از حوادثی که از باب «ملاحم و

فتن» و اخبار داده شده است یعنی چنین فتنه ها و حادثه هایی رخ خواهد داد ولی

مانند وقایع عامه که نه جنبه علامتی دارد و نه تصریح به وقت حدوث آنها شده

نمی باشد. نهایت فرق این است که آنها جنبه عمومی و نوعی داشته و اینها جنبه

خصوصی و اختصاصی دارد و از این گونه وقایع یعنی واقعه های خاص بسیار

است که هر یک از ائمه علیه السلام از آن اخبار کرده اند و کتب مبسوطه ای که در

شرح حال ائمه علیه السلام نوشته اند و جمع همه آنها به تنهایی کتاب بزرگی

خواهد شد، الا اینکه قسمتی از اینها را نظیر آن وقایع عامه در باب علامات

نوشته شده اند به همان نظر که آنها را نوشته و اینها هم نوعاً واقع شده و گذشته و

بعضی هم مبهم و محتمل الوجود است.

- خرابی مسجد براتنا و تعطیلی حج: پیغمبر صلى الله عليه وآله فرمود:

شما خرابی این مسجد بزرگ را شمردید با این که او تعمیر خواهد شد.

ولی هرگاه مسجد پراثا خراب شود حج تعطیل شود.

گفته شد: یا رسول الله مسجد پراثا کجاست؟

فرمود: در طرف غربی بغداد از ارض عراق، هفتاد پیغمبر و وصی در

وی نماز گزارده و آخرین کسی که در وی نماز گزارد این مرد خواهد

بود و اشاره به امیرالمؤمنین علیه السلام کرد.

- منع طعام و درهم از عراق

- ظاهر شدن آب بر روی زمین در شهر قم

- قم مرکز علم شود: حضرت صادق علیه السلام فرمود:

زود است بیاید زمانی که شهر قم و اهل او حجت باشند بر سایر

شهرها.

- ظهور آتش در حجاز و آب در نجف: حضرت زین العابدین علیه السلام فرمود:

هرگاه آتش در حجاز ظاهر شود و نجف را سیل و باران پر کند و بغداد

را تاتار مالک شوند، پس منتظر قائم باشید.

خراب شدن بصره - مسلط شدن کفار بر پنج نهر: الزام الناصب از کتاب

الصراط المستقیم از حدیثی از جابر از پیغمبر صلی الله علیه و آله نقل فرمود:

قائم علیه السلام ظاهر نخواهد شد تا اینکه کفار پنج نهر را مالک شوند:

سیحون، جیهون، فرات، نیل و دجله، خداوند اهل بیت پیغمبر خود را

یاری خواهد کرد بر همه گمراهان تا این که هیچ ریشی برای ایشان بلند

نشود تا روز قیامت.

- اختلاف دو صنف از عجم در کلمه عدل: الزام الناصب از عبدالله بن بشیر

نقل کرده که فرمود: «در اختلاف دو صنف از عجم در لفظ کلمه عدل هزارها نفر

گشته خواهند شد و شیخ طبرسی به دار آویخته خواهد شد».

- دعوی نبوت و امامت: عبدالله بن عمر گفت: پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود:

قیامت برپا شود تا این که مهدی خروج کند و مهدی خروج نکنند تا

این که شصت دروغگو پیدا شوند که همه بگویند من پیغمبرم.

- شهادت دوازده نفر بر رویت آن حضرت: از حضرت صادق عَلَيْهِ السَّلَام روایت

است که فرمود:

قائم قیام نکنند تا اینکه دوازده نفر مرد بپا خیزند و همه همگی بگویند که

او را دیده‌اند، پس مردم تکذیب ایشان کنند.

- قبه غبراء: در آن هنگام فتنه غبارآلود و قلاده سرخ که کنایه از جنگ است و

فتنه عمومی دامن‌گیر مردم شود.

- حادثه بین مکه و مدینه: حضرت رضا عَلَيْهِ السَّلَام فرمود:

از علامات فرج (مراد فرج شیعه است، نه فرج اهل بیت)

حادثه‌ای است که واقع شود بین حرمین یعنی مکه و مدینه.

بزنطی گفت: چه حادثه‌ای است؟

فرمود: مصیبتی است که بین حرمین ظاهر شود و فلان از اولاد فلان

یا نزه کیش بکشد.

- خروج شروسی از ارمینیه و آذربایجان.^۱

دین در آخرالزمان:

اوصاف اهل آخرالزمان: اسلام غریب شود چنان که در اول غریب بود، دین از

مردم جا خالی کند چنانکه آب از ظرف خالی شود هنگام وارونه کردن. به دین

استخفاف کنند، خود را مسلمان بنامند اما دروثرین مردم باشند از وی. صبر

کننده بر دین مانند کسی است که اخگر آتش در کف خود گرفته باشد.

دین را به دنیا بفروشند. اگر دنیایشان سالم باشد هرچه از دین تلف شود پروا نکنند. دیشان، درهمشان و همشان، شکمشان و قبلهشان زنانشان باشد و برای نان خم شوند و برای درهم سجده کنند. حیران و سرگردان، تبه نصاری و تبه مسلمانان.

رای و بدعت و تغییر حلال و حرام: احکام باطل شود و اسلام رو به

ضعف نهد. بدعت‌ها ظاهر و زیاد شود. بدعت سنت شود و سنت بدعت. حرام حلال شود و حلال حرام. فتنه‌ها و بدعت‌ها در دین چنان شایع شود که نوزادان بروی نشو و نما کنند و کودکان بروی بزرگ شوند و بزرگان بروی پیر گردند تا اینکه سنت شود و چنان مستحکم گردد که اگر چیزی از او تغییر داده شود، یا تگ برآید که سنت تغییر داده شده.

ترک امر به معروف و نهی از منکر: منکرات نمایان گردد و مردم امر به

منکر کنند، امر به معروف ترک شود، از معروف نهی کنند، منکر معروف و معروف منکر شود، پیرانشان امر به معروف و نهی از منکر نکنند، در ترک امر به معروف و نهی از منکر و نشمردن او را از دین همه با هم مساوی باشند، در هیچ بلدی چیزی منکرتر از معروف و معروف‌تر از منکر نباشد، امر کننده به معروف دلیل باشد، مؤمن قدرت بر انکار و نهی ندارد مگر به دل خود، اگر کسی به حق تکلم کند یا امر به معروف و نهی از منکر کند دیگری به سوی او خیزد و او را نصیحت کند که این امر از تو برداشته است.

فرائض و تکالیف شرعیه: نماز را بمیرانند، به نماز استخفاف شود، نماز

را برای ریا و نشان دادن به مردم بگزارند، نماز عشا را نخوانده بخوابند و نماز با اجرت پیا شود، مردم ترک جماعت و نماز جماعت کنند، نمازگزار در روز و شب

نماز می‌گزارد اما نمازش مقبول نیست زیرا در همان حال که نماز می‌گزارد در نیت او این است که ظلم به مردم کند و همان حال در نفس خود فکر می‌کند که چگونه ظلم کند و چگونه حيله و مکر کند بر مسلمین، زکات را قطع کنند، زکات را غرامت شمرند، حج و جهاد را برای غیر خدا کنند، حج خدا تعطیل شود، اغنیا برای تنزه و تفریح حج کنند و اوساط برای تجارت و کسب و فقرا برای ریا و گوشزد مردم.

حال قرآن در نزد مردم: نماند از قرآن مگر رسم او، و به قرآن استخفاف

کنند، شنیدن قرآن بر مردم سنگین و شنیدن باطل سبک و آسان باشد. قرآن را نشناسند مگر با صدای نیک، غنا و آوازه‌خوانی به قرآن کنند، قرآن را میزامیر خود سازند (یعنی مانند تصنیف آلت غنای خود قرار دهند). قرآن را زینت و زیور کنند (یعنی جلد و کاغذش را)، قرآن کهنه گردد و در وی احداث کنند چیزی که در او نیست و بر وفق هواها توجیه و تأویل کنند، هیچ جنسی و قماشى بايرتر از قرآن نباشد [اگر] که او را چنان که حق است و سزاوار اوست تلاوت کنند، و هیچ جنسى و قماشى پرفروش‌تر و پربهاتر از قرآن نباشد، اگر او را از مورد خود تحریف و به غیر مورد تأویل کنند، قرآن را حاسنین او پشت سرافکنند و حفاظ او را فراموش کنند، و از یاد ببرند تا این که هواها ایشان را از راه خدا میل دهد و همان را اعقاب از پدران به میراث بیاموزند. و قرآن را به تحریف و از روی دروغ و تکذیب عمل کنند. پس قرآن و اهل او در آن زمان مطرود و رانده شده و با هم دو رفیق همسفر در یک راه خواهند بود. هیچ کس حرمت این دو را حفظ نمی‌کند. ای خوشا بر این دو رفیق و زهی بر این دو مصاحب، پس قرآن و اهل قرآن در میان مردمان باشند، اما مردم با ایشان همراه نیستند و این از جهت آن است که هدایت با گمراهی هرگز موافقت نکند، اگر چه با هم در یک جا

جمع شوند. هنوز در جای خود قرا نگرفته و مطمئن ننشسته که از دین خارج می شود، او را از دین پادشاهی به دین پادشاه دیگر، از حکومت شاهی به عهد و پیمان شاه دیگر منتقل سازند. پس خداوند ایشان را به عذاب استدراج بگیرد از آن جایی که نمی دانند و گمان ندارند، زیرا که کید و مکر خداوند مبین است. مقصود آن است که مجالسشان اسمش قرآن و تفسیر قرآن است و باطنش دعوت به این و آن با تأویل بر مقاصد و هواها است.

وضع علم و روحانیت: علم برداشته شود و جهل آشکار گردد. دنیا را بالای

سر و علم را زیر پا نهد. فقه و علم دین را برای غیر دین بیاموزند. علما را تشنه مگر به جامه نیک، عالم نزد مردم پست و فاسق مکرم باشد. علما را بکشند چنان که دزدان را می کشند. از علما فرار کنند چنان که گوسفند از گرگ فرار می کند، پس هرگاه چنین کنند خداوند ایشان را به سه چیز مبتلا کند: اول، برکت را از اموال ایشان بردارد. دوم، سلطان جائر بر ایشان مسلط کند. سوم، از دنیا بی ایمان بروند.

وضع معیشت و کسب: از مال حرام اجتناب نکنند، حرام را غنیمت

شمرند. مال ایتم را حلال شمرند. آن که من ایتم می خورد مردم او را مرد صالح می گویند و از صلاح او صحبت می کنند. کمتر چیزی که پیدا شود در هم حلال است. ربا و مال های شبهه ناک را حلال شمارند. به رشوه و ربا رفتار کنند. پول های سحت، قاش^۱ و آشکار شود و بر یکدیگر سبقت گیرند.

یا شریکان خود به خیانت رفتار کنند. زنان به کار مشغول شوند و با شوهران

۱. منظور از سحت از قبیل ربا و رشوه و قمار و قرعه کشی و کم فروشی و پول شراب و مسکرات و پول قضاوت و پول سنگ و پول خوک و پول آوازه خوانی و زن های رقاصه و آوازده خوان و پول زنا و قیادت و پول تار و طنبور و آلات غنا و پول میته و نجس فروشی و هر چه در شرع حرام است.

در کسب و تجارت شرکت کنند از جهت حرص بر دنیا. تجار زیاد و ربح و سود کم باشد. بازار همه (در کسادی) یکسان و به هم نزدیک باشد، در آن هنگام بینی که آن بگوید چیزی نفروختم و این بگوید سودی نکردم، پس بینی به جز مذمت کننده خدا.

حکومت و هیئت حاکمه: وای بر این امت از پادشاهان جبار ستمگر که

چگونه می کشند. می ترسانند کسانی را که اطاعت خدا کنند مگر آن کسی که اطاعت ایشان کند. پس مؤمن پرهیزکار با ایشان مسالمت کند به زبان و از ایشان فرار کند به دل. امور به دست کسی افتد که اگر مردم حرف بزنند ایشان را بکشد و اگر ساکت باشند حق ایشان را میاج خود شمرد، حقوق ایشان را برای خود جلوگیری کند و برای خود جلب کند. حرمتشان را لگد کوب و خونشان را بریزد و دل هایشان را پر از خوف و رعب کند. مالک دولت شود کسی که مالک آن نبوده و اهلیت آن را ندارد لکنی از لکنها^۱ سلطان شود، مؤمن را ذلیل کند برای خاطر کافر، سلطان احتکار طعام کند.

اموال ذوی القربی (از خمس و انفال و اوقاف خاصه ایشان) قسمت شود به راههای باطل و صرف قمار و شراب شود. شرابی بیشتر منظور شود از آبی چیزی از مشرق و چیزی از مغرب بیاورند (از مرامها و روش ایشان) و امت اسلامی را به آن آلوده کنند. ای وای به حال ضعیفان امت از ایشان و ای وای بر ایشان از خدا.

ریاست را بطلبند برای ظلم کردن و فخر بر نکندنگر. والیان برای دادن حکم، رشوه گیرند. حکومت و ولایت را در مازاد گذارند. هر کس بیشتر رشوه دهد یا عهده دار امر بیشتری شود به ریاست و منصب رسند. مردم حریص خواهند شد بر

۱. لکن یعنی لثیم، احمق، غاری از منطق.

حکومت و امارت، پس هر کس که او را بدوشند حال او در امارت نیک خواهد بود و آن کس که از او بهره‌ای نباشد روزگارش بد باشد و به امارت نرسند. و الیان مردان خائن را امین کنند از جهت طمعی که وی دارند.

مکاران را مقرب سازند، نزدیک‌تر به والیان کسانی هستند که مدح خود را در بدگویی و فحش دادن به ما (اهل بیت) می‌بینند و آن کس که ما را دوست می‌دارد سخن او را تزویر، و شهادت او را نمی‌پذیرند. و الیان میراث را به اهل فسق و جرات بر خدا می‌دهند، از ایشان چیزی می‌گیرند و ایشان را به خود وامی‌گذارند که آنچه خواهند بکنند. صاحب منصب که مردم از جهت منصب و تسلط او می‌ترسند، مرد شریف را ذلیل می‌کند و به ذلت به او می‌نگرد و همواره در پی قتل اوست.

رواج فساق و فجار: فاسق پیسنده و ستایش شود و صاحب قوت و

قدرت در چیزهایی که خداوند دوست ندارد گردد. شخص را به فسق مدح می‌کنند و او را خوش می‌آید و می‌خندد و برگزیده رد نمی‌کند. صداهای مردم فاسق به دعوت بلند شود و از ایشان شنیده شود و پذیرفته گردد. از اخبار غفلت کنند و اشرار را بر خود مقدم کنند. پادشاهان مناقصین و زنده و پرباران و پادشاهان اهل دین ساکت و بی‌حرکت است (یعنی دنیا به کام آنها است و بادیه نفع آنها می‌وزد). هر جاهلی نزد مردم، مرد دانایی با اطلاع شمرده می‌شود و هر حيله‌گر مکار را مرد افتاده و درویش خوانند. بین شخص با خلوص و اهل شک و رینه تمیز ندهند. گرگ را از میش نشناسند.

شعرا زیاد شوند (مانند دوران جاهلیت) و قبرهای ایشان را مردم مساجد خود اتخاذ کنند. (صوفیه این عمل را کرده‌اند، قبور شعرای خود را خانقاه ساخته و معبد خود قرار داده‌اند.

غنی و فقیر: مال و صاحب مال را بزرگ شمرند، اغنیاء توشه فقرا را

بزدند. غنی بخل ورزد به آنچه در دست اوست. فقیر آخرت خود را به دنیا بفروشد. فقیر میغرض و مهجور، و غنی محبوب و به کرامت مخصوص باشد. شخص معسر (نادار) حقیر شمرده شود و به او تحقیر شود. ای وای بر فقرا از آنچه بر او وارد شود از خسران و زیان و ذلت و خواری، و زود باشد که فقیران دست‌آویز شوند و طلب کنند آنچه بر ایشان حلال نیست، پس چون چنین کنند رو آورد بر ایشان فتنه‌هایی که نتوانند بر خود هموار کنند.

فسادهای عموم جامعه: تا اینجا راجع به فساد اصناف و طبقات بود،

اینک فسادهای عمومی که اختصاص به صنفی خاص ندارد تفصیل داده می‌شود. این فسادها چند نوع است: فسادهای دینی، اجتماعی، تربیتی و اخلاقی.

۱. فسادهای دینی:

- ظهور فواحش و منکرات شراب و قمار: شراب را حلال شمرند. قمار ظاهر شود. شراب را آشکار بنوشند و بفروشند. اطباء شراب را برای مریضان توصیف بر به شراب تداوی و استشفاء کنند.

- زنا: زنا شایع شود. زنا را دوست دارند. زنا را حلال شمرند. زنا را سهل شمرند. اولاد زنا بسیار شوند. زنان مدح خود را در زنا بینند. زنان به مردان خود رشوه دهند تا ایشان را رخصت به مجامعت با مردم دهند. با محارم خود جمع شوند و به محارم اکتفا کنند. شب‌ها پرده حیا برداشته شود و هیچ از حریت بر خدا حیا نکنند.

- لواط و مساحقه: پسران بدهند آنچه زنان می‌دهند. بر یکدیگر غیرت به خرج دهند و بر پسران. چنانکه غیرت به خرج می‌دهند بر دخترانی که در خانه

پدرانند. مرد را سرزنش کنند که چرا با زنان جمع می‌شود و با مردان دفع شهوت نمی‌کند. مردان خود را برای مردان قریه کنند و زنان برای زنان. مرد از پس خود و زن از جلو معیشت کند. زن برای خود زن را جفت گیرد و خود را برای زن زفاف کند. چنانکه عروس را برای شوهر زفاف می‌کنند.

- غنا و موسیقی و رقص: غنا و آوازه را دوست دارند. رقص و ظرب و غنا را حلال شمرند. تار و طنبور زنی را مستحسن شمارند و تیکویبیا موزند. زن‌های آوازه‌خوان و رقاصه آشکار شوند. لهنو و آلات لهنو ظاهر شود. عابرین بر وی بگذرند و احدی احدی را منع نکند. برای غنا و آوازه مال‌ها خرج کنند. آلات غنا و موسیقی در حرمین (مکه و مدینه) ظاهر شود.

- شهور و تجری در معاصی و هتک محارم: محارم خدا هتک شود. از هیچ چیز نمی‌گذرند و پروا ندارند. پیروی از شهوات نفس‌گنند. عمل‌های جرم‌دار و جرم‌آور آشکارا و گناه‌های بزرگ آسان شود. مانند حیوانات در منظر مردم بر روی یکدیگر بجهند. و از ترس، هیچ‌کس انکار نکند. با حیوانات مجامعت کنند. مرده را از قبر بیرون بیاورند و کفن او را بشروشد. اگر یک روز بر وی بگذرد و گناه عظیم از وی صادر شود محزون و غمگین باشد و آن یک روز را روز پستی از عمر خود بگمارد. در حرمین یعنی مکه و مدینه عمل کنند به آنچه خدا دوست ندارد و هیچ‌کس منع ایشان نکند و بین ایشان و اعمال قبیح حائل نشود. دروغ و شهادت دروغین و غیبت و بهتان: دروغ را حلال شمارند. زبان راستگو گم و تالیاب باشد. قسم‌های دروغ به خدا بسیار شود. فاسق دروغ بگوید و دروغ او را رد نکنند. دروغ‌گو را تصدیق و خائن را امین کنند. افسانه‌ها را حلال شمارند. راستگوترین مردم نزد آنها دروغ‌گویی افترایند است. به ملاحظه نسبت و خصوصیت و رفاقت، شهادت دهند بدون این‌که حق را بشناسند. دروغ

حدیث ایشان و غیبت میوه ایشان باشد. بعضی، بعضی را مژده دهند به غیبتی که آورده یا به مجلس غیبت. (این امور بلکه کلیه فسادهای دینی و آنچه گذشت در فساد اجتماعی نیز تأثیر دارد.)

۲. فساد اجتماعی:

- قتل و خونریزی، خونریزی را سهل شمارند، آدم‌کشی بسیار شود.
- تفرقه و اختلاف و اتحاد بر ضد دین و اجتماع فتنه‌ها ظاهر شود. بر فرقت اجتماع کنند و بر ضد اجتماع، فرقه فرقه شوند. اتحاد و یشتیبانی به یکدیگر می‌کنند. در غیر ذکر خدا صداها بلند شود.
چنان سرگرم تفرقه و مخالفت و عصیان و ضلالت و طغیان باشند، تا اینکه بر وی توالد و تناسل کنند و اولادها بزرایند که به معصیت تربیت‌گشته و به جور دیانت کنند. افکارشان منکر و دل‌هایشان مختلف. درس باطل به یکدیگر پیامورزند. در کارها تقلید از یکدیگر کنند و همگی تقلید اهل شر کنند.
- ترک خیرات و عدم اهتمام به ضعفها و به امور جامعه. بر یکدیگر عظوفت ندارند، بلکه ادبار و پشت از یکدیگر می‌کنند. شام می‌کنند در نشئه و صبح می‌کنند مست. هیچ در غم مردم و آنچه به او مبتلایند نیستند. معروف (هدیه و قرض و احسان و صدقات خیریه) کم شود. راه خیر منقطع گردد و کسی بر وی نرود و راه شر رهروانش بسیار باشد. صدقه به مسکین داده نشود. به محتاج چیزی دهند به جهت خنده بر او، برای خدا بر وی ترحم نکنند.

۳. فسادهای تربیتی:

- زیندگانی و حدود زن و مرد، بزرگی و کوچکی، شهوت پرستی و شکم پرستی و تجملات از لباس و خانه و مرکب: همت مردم شکم و شهوتشان باشد. پروا ندارند از کجا بخورند و با چه دفع شهوت کنند. دنیا هم در عین حال

برایشان اقبال کند. نخواهند ماند مگر متناقض که دین خود را به رأی خود و خدای خود را شکم خود قرار داده، هر چه اشتها کنند از حلال و حرام امتناع از وی ندارند و به زندگی دنیا خرمند و فرحنا کنند، خوراکیشان تیهو و مرغان چاق و لباسشان خزیمانی و ابریشم است. خدامشان اولاد فرس و روم باشد. کتاب خدا را بر غیر تأویلش تأویل کنند و بگویند: که حرام کرده زینت خدا را! بناها را محکم و زیبا بسازند. بر مرکب‌های نیک و سریع سوار شوند و خود را زینت و آرایش کنند مانند زن که برای شوهر خود زینت می‌کند.

- بی حیایی و بی ادبی پیر و جوان، کوچک و بزرگ، زن و مرد: زنان فاسد شوند. جوانان فاسق شوند. کودکان فاقد حیا و ادب باشند. جوان‌ها تصنیف خواندن و آوازه و شرب خمر را حلال شمرند. کودکان بی حیا و پیران فاجر و زن‌ها سبک و شوخ و شنگ. زن‌ها زینت کرده و آرایش کرده از خانه بیرون آیند و سیر و گردش کنند و به خارج شهر به تفریح روند. همت زنان زینت دنیا باشد. مردان خود را به جامه زنان زینت کنند، مردان طلا بپوشند و لباس حریر و ابریشم و دیبا و پوست پلنگ در تن کنند.

- بی عفتی و بی غیرتی شوهران، بی عفتی پسران و دختران و بی غیرتی پدران: مرد اطاعت زن خود کند، مرد از زن خود قبیح می‌پسند، نه او را نهی می‌کند و نه قبیح را از او دور می‌کند. بهترین خانواده در نظر مردم کسانی هستند که زنان خود را کمک و مساعدت کنند بر فسق ایشان. مرد از کسب فجور زن خود می‌خورد و می‌داند و اقامه بر آن می‌کند. آنچه زن برای شوهر می‌آورد از بهای فرج خود و بی عفتی‌های خود می‌گیرد. حتی اینکه اگر عرضا و طولا بدهد اهمیت نمی‌دهد و هرگونه بدی که درباره او گفته شود از کسی نمی‌پذیرد. این است آن دیوث که خداوند از او قبول نمی‌کند نه قولی و نه عملی و نه عدلی و نه از وی عذری

می پذیرد. خوراک او حرام و منکح او حرام، پس واجب است قتل او در شرع اسلام و واجب است رسوایی او در بین انام و ورود او در آتش برافروخته است در روز قیامت. مرد، زن و جاریه خود را (دختر و کنیز) به کرایه می دهد و به طعام و شراب کم و پستی راضی می شود. پدران خوشحالند به آن چه قبیح از اولاد خود می بینند، نه آن قبیح را از ایشان دور می کنند و نه ایشان را از آن نهی می کنند. طلاق بسیار شود (این نتیجه آن فسادهاست).

۴. فسادهای اخلاقی:

- ارحام و پدر و مادر: قطع رحم ها کنند. صله رحم را با منت کنند. پدران و مادران را فحش دهند. فحش و بدگویی به پدر و مادر را شعار خود کنند. مرد، پدر خود را سب کند و برادر خود را حسد برد. پسر بر پدر افترا زند و بر پدر و مادر نفرین کند و به مرگشان خوشحال باشد. به پدر و مادر جفا کنند و به رفقیان نیکی.

- خیانت و بی امانی: امانت را ضایع کنند. اول چیزی که برداشته شود از مردم امانت و خشوع است.

- وفاداری و پیمان داری: وفا کم شود. پیمان نقص شود. آشنایان در وقت حاجت با یکدیگر ناشناسی کنند. بعضی از بعضی رو پنهان کنند. کمتر چیزی که پیدا شود برادری است که بتوان به او وثوق پیدا کرد.

- تمامی و سخن چینی: سعی در تمامی ظاهر شود. حرف کسی را امضا نمی کنند، مگر این که تمام و سخن چین باشد. بالا می برند قدر هر تمام و سخن چین دروغگو را، خداوند آنان را به زیر می افکند.

- کبر، حسد، حرص، بخل، فرومایگی و پستی: کبر و تکبر در دل ها به حرکت آید و نفوذ کند مانند نفوذ زهر در بدن. حرص بیش از اندازه و حسد

آشکاره از خود ظاهر کنند. مردمان پست و لثیم بسیار و مردم شریف کم شوند. غنی و ثروتمند نمی ترسند مگر از فقر، حتی این که روز جمعه مابین دو نماز سائل سؤال می کند و کسی در کف او چیزی نمی گذارد.

زمینه های اجتماعی دولت حضرت مهدی علیه السلام:

۱. محبوبیت اجتماعی: در دوران پیش از ظهور که یأس، سایه خویش را بر وجود بشریت می گسترانند، خصیصه آینده نگری انسان، حسن امید را تا خود آگاه، از دل انسانیت های مدفون می رویاند و آدمی را به «روزی دیگر» بشارت می دهد. بی گمان، تسلی که دچار یأس ها و سرخوردگی ها است، در پی دیدن روزی خواهد بود که تمامی استعداد های نهفته اش شکوفا شود، و همه انسان ها در پهنه زمین به جایگاه حقیقی شان برسند.

ره آورد بررسی ها نشان می دهد که تمام تلاش امامان هدایت علیه السلام، در این جهت مصروف می شده که در زمانی که یأس از دنیا و حاکمان آن بر شیعیان سیطره پیدا می کرده، مراقب باشند تا نه تنها این ناامیدی به تاحیه رحمت الهی سرایت نکند، بلکه چراغ امید به کارسازی و فرج و گشایش امور از جانب پروردگار متعال را در دل پیروانشان فروزان تر کنند. در روایتی از امام هشتم علیه السلام چنین رسیده:

چه نیکو است صبر و انتظار گشایش امور را کشیدن... پس بر شما است که صبر پیشه کنید؛ به درستی که فرج آن گاه می آید که ناامیدی فراگیر گشته باشد.

در قضای مآمال از یأس و ناامیدی و سرخوردگی انسان ها آشنایی با آینده سبز و پر نشاط از مجرای بشارت ها و پیش بینی های قطعی و تخلف ناپذیر انبیا و

اولیای الهی آدمی را در پی رسیدن به منجی و مصلحی حقیقی می‌دارد. در این حالت در مرحله نخست تمایلی بیش نیست، اما با شناخت بیشتر نسبت به اوصاف متعالی و آرمانی آن مصلح موعود و حکومتش، در کنار رویارویی با واقعیت‌های وحشتناک و تلخ و ناپهناجار عصر پیش از ظهور، رفته رفته به «محبت» و «دوست داشتن» رکن اصلی آن حکومت اصلاحگر، یعنی قائل و رهبر نهضت، مبدل می‌شود. اینجا است که این سخن در جایگاه معنا و مفهوم واقعی خویش قرار می‌گیرد. به درستی که مهدی موعود علیه السلام قیام نمی‌کند تا زمانی که هیچ غایبی نزد مردم محبوب‌تر از وی نباشد. و این به خاطر شرارت‌ها و ناروایی‌هایی است که مردم دیده‌اند.

اهمیت عنصر محبوبیت اجتماعی تا به آنجا است که وقتی به تاریخ می‌نگریم، هیچ حکومتی را نمی‌یابیم که گفته باشد، متکی بر ستم و سرکوب، بر مردم اعمال حاکمیت می‌کند. محبوبیت اجتماعی که آمد، به دنبال خود مقبولیت را می‌آورد و با آمدن مقبولیت، مردم ملتمسانه، حاکم را بر اعمال حکومت بر خویش دعوت می‌کنند. نمونه بارز این مطلب را در ماجرای بیعت مردم با حضرت علی علیه السلام مشاهده می‌کنیم. البته متون رسیده دوباره نحوه بیعت مردم با حضرت مهدی علیه السلام نیز خالی از این معنا نیست. به خاطر فراهم بودن همین زمینه اجتماعی مناسب، وقتی امام عصر علیه السلام ظهور می‌کند، مردم با تمام خوشحالی و در نهایت احترام، از آن حضرت استقبال می‌کنند. مرحوم سید بن طاووس، رحمه‌الله، در نقلی چنین آورده:

حضرت مهدی علیه السلام قیام نمی‌کند تا زمانی که بر قاتلان او نفس زکیه به شهادت می‌رسد. پس هنگامی که نفس زکیه کشته شد، اهل آسمان و زمین، خشمناک می‌شوند. در این هنگام است که مردم، گرد حضرت

مهدی علیه السلام جمع می‌شوند و او را همانند عروسی که شب زفاف به سوی خانه‌ی شوهر می‌برند برای حکومت می‌آورند.

مرور روایاتی که در این باره وارد شده‌اند می‌نمایاند که عنصر محبوبیت، در بسترسازی برای حکومت حضرت مهدی علیه السلام از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. در پیانی از قتاده چنین رسیده است:

المهدی خیر الناس... محبوب فی الخلاق.

حضرت مهدی علیه السلام بهترین مردم است... او، محبوب نزد خلاق است.

در تعبیر دیگری از اهل سنت این طور آمده است:

هنگامی که ندا دهنده‌ای از آسمان فریاد زند «حق در آل محمد صلی الله علیه و آله است». پس در آن زمان مهدی ظاهر می‌شود و محبت او در دل مردم جای می‌گیرد به طوری که در یاد هیچ‌کس غیر او نخواهد بود.

در نقل دیگری، مقدار اشتیاق مردم به آن حضرت، شبیه به شدت شوق و دل‌بستگی شتر ماده‌ای به فرزندش بیان شده:

هنگامی که خیر خروج مهدی علیه السلام به انسان‌های مؤمن می‌رسد، از هر سرزمینی به سوی او روانه می‌شوند و با اشتیاق به سوی او می‌شتابند، همان‌طور که شتر ماده به طرف فرزند خود می‌رود.

۲. عطش و شیفتگی: انسان که برای رسیدن به سعادت و خوشبختی به هر

دری زده و هر زاهنی را پیش رو گرفته، ولی هر چه بیشتر تلاش کرده، بسته بودن درها و بین بست بودن راه‌ها برایش یقینی‌تر گشته است، اشتیاق به برپایی حکومت متجی موعود علیه السلام در وجودش شعله‌ورتر می‌شود. تداوم این حالت، روح آدمی را به مرحله‌ای جدید می‌رساند که آن عطش و شیفتگی است.

اگر در جامعه بشری این عطش پدید آید، مرحله‌ای مهم از زمینه‌های اجتماعی ظهور فراهم شده است. شاید بتوان سبب تکرار جمله:

يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا.

را در همین نکته داشت زیرا پسر از روزی که پا به عرصه زمین گذاشته و در پرتو زندگی اجتماعی خود، برای پیش برد اهداف انسانی خویش سر به فرمان حاکمان و زمامداران نهاده است، امیدوار بوده که این حاکمان زورمند جلوی تعديات را بگیرند و جامعه‌ای صالح و به دور از هرگونه ظلم و ستم پیدا و پنهان بسازند. اما نه تنها به این خواسته برخاسته از عمق جان خویش نرسیده، بلکه روز به روز شاهد گسترش ظلم و ستم‌های گوناگون بوده است. از این رو، هرگاه که با پدیده ناروایی روبرو شود، از اعماق وجود آرزوی درک روزگاری را می‌کند که با روی کار آمدن مردی الهی، روح عدالت در کالبد جامعه بشری دمیده شود. این همان زمینه مساعد و بستر مناسب برای پذیرش حکومت جهانی حضرت مهدی موعود علیه السلام است که باید در وجود تمامی جامعه بشری رسوخ کند.

هر چند که روبه‌رو شدن با پدیده ناپهناچار ظلم و جور، انسان را از سوایی آزرده خاخر و رنجور می‌کند، اما از سوی دیگر، نور امید و عطش زندگی در آینده حتمی و موعود که اثری از ظلم و جور نخواهد داشت را در دل و قروزان می‌کند و همین امر سبب می‌شود تا لحظه به لحظه، محبت و دوستی و انس با حضرت مهدی علیه السلام و حکومت او در جان آدمی شدت یابد و رفته رفته این شدت به عطش و شیفتگی مبدل شود. در روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین آمده:

در آخرالزمان بر امت من بلای شدیدی که تا آن زمان بلایی شدیدتر از

آن شنیده نشده، از جانب سلطان و حاکم ایشان وارد می‌شود به حدی

که زمین با آن همه گستردگی بر آنان تنگ می‌شود و مالا مال از ستم

آشکار و پنهان می‌گردد. انسان مؤمن پناهگاهی پیدا نمی‌کند که بدان پناه برد. در این وقت است که خداوند عزوجل، مردی از خاندان مرا برمی‌انگیزد تا زمین را پر از قسط و عدل سازد همان‌گونه که لبریز از ظلم و جور گشته بود، به طوری که ساکنین آسمان و زمین از وی راضی می‌شوند.

۳. اضطراب: از بررسی روایات می‌توان چنین به دست آورد که اضطراب تبلور فراهم آمدن همه آمادگی‌ها و زمینه‌ها است. انسان مضطرب، دنیا را با تمام وسعتش، تنگ احساس می‌کند و زرق و برق فریبنده ظاهری قدرت‌های شیطانی او را غافل نمی‌کند. برعکس انسان‌هایی که زندگی در کاخ‌های سر به فلک کشیده و بهره‌مندی از مال و منال فانی و عیش و نوش زودگذر دنیا، خط پایان آرزوهایشان را ترسیم کرده است، کجا به دنبال جایگاهی در کنار مهدی موعود علیه السلام خواهند بود؟

انسانی که خود را یافت و ارزش جان خویش را بیشتر از آن دید که در چند روزه دنیا تباهش سازد، قدم نهادن در خیمه محبوب دل‌ها و زندگی شیرین ظهور را پایان آرزوهایش قرار می‌دهد و این حالت، نه فقط یک آرزوی بی‌ریشه، بلکه فراتر از عطشی است که جان آدمی را به لرزه درمی‌آورد و لحظه به لحظه او را در پی رها شدن از وضعیت کنونی می‌دارد.

انسان‌های منتظر، باید به مرحله‌ای برسند که به تحقیق یقین کنند برای نجات از گرداب مهالک، هیچ پناهی جز حکومت مهدی آل محمد علیه السلام نیست. این مطلبی است که با تعبیرهای گوناگونی در روایات مورد تأیید قرار گرفته است. در روایتی ابوسعید خدری از وجود مقدس پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله اسلام چنین نقل می‌کند:

امت حضرت مهدی علیه السلام به سوی او پناه می‌برند، همان‌طور که زنیور

[از ترس دیگران] به ملکه خویش پناه می‌برد.

بنابراین رسیدن جامعه به مرحله‌ای که در آن، همه مردم یک دل و یک صدا، خواهان حکومت حضرت مهدی علیه السلام باشند و یا تمام وجود، اضطراز خویش را به حضرت‌اش فریاد زنند و آماده یاری و جانبازی در رکاب او برای رسیدن به اهداف والای وی باشند، از جمله عواملی که توقع ظهور بدون آن امری است نه چندان نزدیک به واقع. بر همین اساس است که وجود مبارکش در توفیق شریف چنین می‌فرماید:

اگر دل‌های شیعیان - که خدا بر اطاعت خویش موفقشان دارد - بر وفای به عهدی که بر آنان بود، متحد و استوار می‌شدند، هرگز یمن دیدار او همشینی [ما از ایشان به تأخیر نمی‌افتاد و به تحقیق که خوشبختی دیدار ما با معرفتی ثابت و پایرجا به سوی آنان روی می‌آورد.

این در حالی است که اگر زمینه مردمی مناسب به وجود نیاید، به طور کلی، جامعه، لیاقت و قابلیت بهره‌مندی از این نعمت بس بزرگ الهی را به دست نمی‌آورد زیرا قانون حتمی الهی این‌گونه استقرار یافته که نعمت و رحمت خداوند بر حسب اقتضای محل و بر وفق استعداد و متناسب با قابلیت دریافت‌کننده، فرود آید. ظهور زمامدار عادل مانند امام زمان علیه السلام بزرگ‌ترین نعمتی است که تاکنون هیچ امتی لیاقت دریافت آن را نداشته و اگر قرار باشد که آن حضرت بدون وجود زمینه‌ی لازم اجتماعی ظهور کنند، به تحقیق که از مردم همان چیزی را خواهد دید که دیگر پیشوایان الهی دیدند و همین مردمی که در صورت ایجاد زمینه پذیرش حکومت امام زمان علیه السلام از یاران و هواداران آن حضرت می‌شوند، در صورت عدم وجود زمینه لازم میانشان، آلت دست

حاکمان جابر و ستم‌پیشه گشته و علیه آن امام همام به مقاومت برخوانند
خواست!

بنابراین، یکی از مهم‌ترین زمینه‌های ظهور امام زمان علیه السلام، و برپایی
حکومت عدل جهانی، فراهم آمدن بستر اجتماعی لازم است. و در همین راستا،
یکی از با اهمیت‌ترین وظایف انسان‌های صالحی که در انتظار برپایی دولت
کریمه امام عصر - ارواحنا لربنا مقدمه القداء - هستند. این است که زمینه‌های
اجتماعی لازم برای پذیرش و درخواست حکومت حضرت مهدی علیه السلام را در
میان توده‌های مردم پدید آورند.^۱

چگونگی ظهور در آیات و روایات

امام صادق علیه السلام درباره چگونگی ظهور آن حضرت می‌فرماید:

او به تنهایی ظاهر می‌شود، به تنهایی به مسجد الحرام می‌آید، به تنهایی
وارد کعبه می‌شود و در حال تنهایی شب را سپری می‌کند. چون پاسی
از شب گذشت و چشم‌ها در خواب فرورفت، جبرئیل و میکائیل و
فرشتگان در حالی که صف کشیده‌اند بر او فرود می‌آیند، جبرئیل
می‌گوید: ای سرور من! فرمان تو مطاع و امر تو نافذ است.
امام عصر علیه السلام دست مبارکش را به صورت او می‌کشد و این آیه را
تلاوت می‌فرماید:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَعَدَهُ وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَبَوَّأُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ
نَشَاءُ فَنَعْمَ أَجْرُ الْعَالَمِينَ.^۲

۱. فصل‌نامه انتظار، ۱۳۸۲، سال سوم، ش ۷.

۲. استاد آقایی، عباس، انصراف آفرینش اهل بیت علیهم السلام - اسفند ۸۳، نشر یاران مهدی علیه السلام.

علائم نزدیک به ظهور:

- شدت یافتن فتنه و فساد و اختلاف و ظلم و جور.
- بنای قصر عتیق و بنای عمارت‌ها در اطراف مسجد کوفه.
- خندق برای کوفه و کشف هیکل و تعطیلی مساجد به مدت چهل روز.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

علامتی است: اول آن‌که حصاربندی کوفه است به خندق و رصد و خراب کردن زاویه‌ها است در کوچه‌های کوفه و تعطیل مسجدها چهل شبانه روز و کشف هیکل (مجسمه) و به اهتزاز در آمدن سه بیرق در اطراف مسجد اکبر (مسجد کوفه).

- بغداد بار دیگر پایتخت شود یا تشکیل دارالشوری.

- شکستن جسر بغداد و کشته شدن بسیاری بر آن.

- ظهور آتشی در ثوبه کوفه تا کناسه بنی اسد.

- جفا و تعدی‌های بنی هاشم.

- ظهور یأس و نومیدی.

حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود:

قیام او در هنگام تغیر بلاد و ضعیف شدن عباد و یأس از فرج خواهد

بود.

- سال‌های فریبنده.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

بین یدی القائم سنین خداعة.

پیشاپیش قیام قائم سال‌هایی است فریبنده.

- نوع مردم شریر باشند.

شدت اختلاف در شیعه و تبری از یکدیگر.

سالهای پر اختلاف و سرعت زوال حکومت‌ها.

حوادثی که بیشتر علامت نزدیکی است: خوف و جوع و نقص

ثمرات، سده سال خشکی و کمی باران، اختلاف و خوف و زلزله و اضطراب

مردم در اثر آن، هرج و مرج، ظهور جزام و بواسیر و مرگ ناگهانی، دوازده رأیت

مستتبه بلند شود، فرار کردن یازده نفر از مؤمنین و پناهنده شدن به روم.

وقایع و علامات یک سال یا دو سال قبل از ظهور: ملخ سرخ در دو موقع:

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

در جلو قیام قائم علیه السلام ظاهر خواهد شد ملخ سرخ به رنگ خون در دو

وقت از سال، یکی در موقع ظهور ملخ و دیگری در غیر وقت.

فساد خرما بر درخت حضرت صادق علیه السلام فرمود:

پیشاپیش قائم علیه السلام خرما بر درخت فاسد می‌شود، پس شک نکنید در

آن.

جنگ و قتل که منقطع نشود، شروع جنگ از صفر تا صفر، در ماه رجب

صورت و دست‌ها پیدا شود، خسوف ماه در شب چهاردهم رجب و ظاهر

شدن مردی در زیر آسمان، ظهور سرخی در آسمان، باد سرخ، ظهور آتشی در

آسمان.

علامات سال ظهور: جاری شدن فرات در شهر کوفه، زلزله و زلزله بزرگ در

شام، ظهور خسوف و قذف یعنی سنگ باران شدن، خسف - یعنی فرورفتن به

زمین - در آن سال بسیار خواهد بود. خسفی در مشرق و خسفی در مغرب و

خسفی در جزیره العرب، خسف جایه و قریه‌ای دیگر از دیگر قرای دمشق،

خسف یا خرابی در مسجد جامع دمشق، خسفی در بلاد جبل، خسفی در بغداد،

خسفی در بصره و خرابی آن و خونریزی بسیار، خسف پیدا، خسف و زلزله و قذف در مصر، ظهور مسخ، بیست و چهار باران، فتنه‌ها و جنگ‌ها در شرق و غرب:

عبداللہ بن مسعود می‌گوید: رسول خدا ﷺ به ما فرمود:

من شما را از آن هفت فتنه‌ای که بعد از من برپا شود می‌ترسانم: فتنه‌ای که از مدینه آغاز می‌شود، فتنه‌ای که از شام برپا می‌شود، فتنه‌ای که در مکه برپا می‌شود، فتنه‌ای که از یمن برپا می‌شود، فتنه‌ای که از شرق پیدا می‌شود، فتنه‌ای که از طرف مغرب آشکار می‌شود، فتنه‌ای که از مرکز شام برپا می‌شود و آن فتنه سفیانی است.

ابن مسعود می‌گوید، فتنه مدینه همان بود که از طرف طلحه و زبیر اتفاق افتاد و فتنه مکه همان فتنه ابن زبیر بود. و فتنه یمن از طرف نجده که مربوط به نجده بود و فتنه شام از طرف بنی امیه پیدا شد و فتنه مشرق از طرف این گروه است. ولید بن عیاش می‌گوید، شاید منظور از این گروه، بنی عباس باشد زیرا که سلطنت آنها از طرف مشرق بوده.

ابن زبیر خائفی می‌گوید، از علی بن ابی طالب رضی اللہ عنہ شنیدم که می‌فرمود:

فتنه‌ها چهار نوع‌اند: اول، فتنه نیزه و عصا، دوم فتنه کذا (آنگاه) معدن

طلا را ذکر کرد تا این که مردی از عترت پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم خروج کند و خدا

کار این امت را به دست او اصلاح فرماید.

عاصم بن صمره نیز از آن حضرت رضی اللہ عنہ روایت کرده که فرمود:

در پنجمین فتنه که کور و تاریک است، مردم مانند چهارپایان (مطیع و

بی عقل) می‌شوند.

نعیم بن حماد ذکر کرده که زمانی می‌آید که در فتنه‌های آن، انسان آرزوی مرگ دارد و چون چهارپایان خود را بر قبر می‌مالد و می‌گوید، ای کاش من به جای تو مرده بودم.

حفصه زوجه رسول خدا صلی الله علیه و آله از آن حضرت روایت کرده که فرمود:

وقتی که شنیدید مردمی از طرف مشرق می‌آیند که دارای رأی نیکی هستند و مردم از هیکل آنها شگفت زده می‌شوند قیامت شما فرا رسیده است.

حدیفة بن یمان می‌گوید: «مردی از طرف مشرق خروج می‌کند و مردم را به سوی آل محمد صلی الله علیه و آله فرا می‌خواند در صورتی که دورترین مردم به آل محمد صلی الله علیه و آله است علامت‌های سیاهی نصب می‌کند که اول آنها کفر است: پست‌ترین افراد عرب و غلام‌های زرخریدی که از اطراف جهان گرد آمده‌اند تابع او خواهند شد. علامت آن سیاهی است و دین آنها شرک است و بیشتر آنها جده خواهند بود.» گفتم: جده یعنی چه؟ گفت: «یعنی ختنه نشده.» آنگاه حدیفة به ابن عمر گفت: «تو زمان آن مرد را درک نخواهی کرد.» عبدالله بن عمر گفت: «ولی به شما خبر می‌دهم که بعد از من فتنه برپا خواهد شد و سال خطرناکی خواهد آمد که عرب خالص و مردم نیکوکار و صاحب گنج‌ها و فقها در آن تابود می‌شوند. و این حادثه به زودی به وقوع خواهد پیوست.»

حسن و ابن سیرین روایت می‌کنند: «یرقی از طرف خراسان برافراشته می‌شود که پیوسته چیره و پیروزند تا این که نابودی آنها از همان مکانی که ظاهر شده بودند آغاز می‌شود.»

کعب می‌گوید: (فتنه) غریبه‌ای است و اهل آن پاره‌ننه و لخت خواهند بود و هیچ دینی را به خاطر خداوند نمی‌پذیرند. زمین را با پا می‌کوبند همان‌طور که

گاو، خرمن را می‌کوبید، اگر آنها را درک کردید به خدا پناه ببرید.

حسان می‌گوید: «چنین رسیده که وقتی بترق‌های زرد به مصر رسیدند فرار کن وقتی آنها به وسط شهر شام رسیدند اگر بتوانی لازم است که تردبانی را تهیه کنی و به آسمان بالا روی یا به زمین فرو روی» (حاکی از شدت ظلم و ستم و طاقت‌فرساست).

ابو زاهر از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ روایت کرده که فرمود:

بعضی از اهل ذمه (یهودیانی که در پناه حکومت اسلامی زندگی می‌کردند و مالیات می‌پرداختند) رفتارشان نسبت به شما سخت‌تر از اصحاب شرق نیست. زنی از زنان آنها با انگشت خود به شکم زنی از زنان مسلمان می‌زند و با تحقیر و سرزنش به او می‌گوید: جزیه دهید.

یزید بن جابر و دیگران از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ روایت کرده‌اند که فرمود:

برای طایفه ترک دو قیام است. نخست آذربایجان را خراب و ویران می‌کند که حضرت فرمود: قربانی بزرگ خدا در میان قوم ترک است و بعد از آنها ترکی نخواهد بود.

شاید مراد از «ذبح الله الاعظم» همان نفس زکیه باشد که قبل از ظهور حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام کشته می‌شود. سید بن طاووس می‌گوید: «شاید منظور ترک بنی عباس باشد که مسلمان بودند، و نظیر آن ترکی نبود و انسان‌های زیادی به دست آن دولت ستمکار قربانی شد.»

ابن مسعود از حضرت رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ روایت کرده که فرمود:

وقتی که در ماه رمضان (صیحه‌ای) (یعنی صدای شدیدی) واقع شد، در ماه شوال جنگ و خونریزی و فتنه‌هایی برپا خواهد شد و در ذیقعدہ قبیله‌ها متفرق می‌شوند و در ماه ذیحجه و محرم خون‌ها ریخته

می شود، آنگاه سه مرتبه فرمود: چه حرمتی؟ هیئات، هیئات، در آن موقع مردم کشته می شوند.

این مستعود می گویند: از آن حضرت پرسیدیم، آن صبحه در چه وقتی خواهد بود؟ فرمود:

آن صبحه در نیمه رمضان در ظهر روز جمعه خواهد بود و این حادثه وقتی پیش می آید که شب (اول) ماه رمضان جمعه باشد، این فتنه است که شخص خواب را بیدار کند و شخص ایستاده را به ستوه می آورد.

در آن شب جمعه، زنان عقیقه آرایش کرده از خانه های خود خارج می شوند، پس موقعی که نماز روز جمعه را خواندید وارد خانه های خود شوید و درهای خانه خود را قفل کنید و پنجره (طاق) خود را ببندید و خود را پیوشانید و گوش های خود را ببندید، موقعی که آن صبحه را احساس کردید خدا را سجده کنید و بگویید:

«سبحان القدوس، ربنا القدوس» کسی که این دستور را انجام دهد نجات می یابد و کسی که ترک نماید هلاک خواهد شد.

جابر جعفی از ابو جعفر علیه السلام روایت کرده که گفت: «موقعی که بنی عباس به خراسان رسیدند ستاره ای از مشرق در نزدیکی (دوشنقا) طلوع کرد و آن اول ستاره ای بود که طلوع می کرد و خدا به غرق و هلاکت قوم نوح امر کرد، و در آن وقتی که حضرت ابراهیم را در آتش انداختند آن ستاره نیز طلوع کرد و آن وقتی بود که خداوند فرعون و یاران او را هلاک کرد و نیز هنگام کشته شدن یحیی بن زکریا دوباره طلوع نمود، پس هرگاه این ستاره را دیدید از شر فتنه ها به خدا پناه ببرید و طلوع آن ستاره بعد از گرفتن آفتاب و ماه خواهد بود و زمانی نخواهد گذشت که مردی پس در مصر ظهور خواهد کرد.»

ابوهریره می گوید:

در رمضان صدای شدیدی شنیده می شود که خفتگان را بیدار می کند، زنان آرایش کرده و از منزل های خود بیرون می روند و در ماه ذی قعدة بعضی از قبيله ها به سوی یکدیگر حرکت می کنند و در ماه ذیحجه خون ها ریخته خواهد شد و سه مرتبه گفت: محرم چه محرّمی. آن محرم پایان حکومت آن گروه است.

شخصی کوفی بنام مسافر از علی علیه السلام روایت کرد که فرمود:

مؤمنی که خواب باشد از آن فتنه نجات می یابد.

و حدیث دیگری است که پرسیدند:

منظور از خواب چیست؟ فرمود: «کسی که در آن فتنه سکوت کند و حرفی

نزند.»

ابن حنیفه می گوید: «خروج بیرق سیاه از خراسان و سعید بن صالح و خروج مهدی عجل الله فرجه الشریف و واگذاری حکومت به او در مدت هفتاد و دو ماه خواهد بود.»

ابان بن ولید از ابن عباس شنید که می گفت: «سفیانی خروج می کند و می جنگد و جنگ طوری سخت می شود که شکم زن ها شکافته می شود و اطفال در دیگ های مسی جوشانده می شوند.»

حسن می گوید: «مرد کوسه گندمگون و متوسط القامتی که شیعب بن صالح نام دارد و غلام بنی تمیم است با چهار هزار نفر که لباسشان سفید است و بیرق هایشان سیاه است از ری قیام می کنند، او مقدمه [خروج] مهدی عجل الله فرجه الشریف است، با کسی برخورد نمی کند مگر این که آنرا خواهند کشت.»

محمد بن جعفر از حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام روایت کرده که فرمود:

سفیانی برای آن کسی که وارد کوفه شده و با سواران خود آنجا را کوبیده
 نامه‌ای می‌نویسد و به او فرمان می‌دهد که به طرف حجاز رود، پس به
 سوی مدینه می‌رود و با شمشیر خود چهارصد نفر از قریش و انصار را
 می‌کشد و شکم‌ها را پاره کرده و بچه‌ها را هم خواهد کشت و یک برادر و
 خواهر را که نام آنها محمد و فاطمه است، در مسجد مدینه به دار
 می‌آویزد.

کعب می‌گوید: «در این زمان خون اهل مدینه مباح می‌گردد و نفس زکیه^۱
 کشته می‌شود.

احمد بن یحیی بن زکریای صوفی نقل می‌کند: «گروهی که چشم آنها کوچک
 و صورتشان پهن مانند سپرهای آهنین است مرکب‌های خود را به درخت خرما
 می‌بندند.»

جابر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده که فرمود:

منادی از آسمان فریاد می‌زند آگاه باشید که حق با آل محمد صلی الله علیه و آله
 است و منادی دیگر از زمین فریاد می‌زند آگاه باشید که حق با عیسی یا
 از آل عبس است. من درباره آن منادی زمین شک دارم، جز این نیست
 که صدای برخاسته از زمین از شیطان است او می‌خواهد امر را بر
 مردم مشتبه نماید.

زهری می‌گوید: موقعی که سفیانی و مهدی علیه السلام برای جنگ با یکدیگر
 برخورد کردند در آن روز صدایی از آسمان شنیده می‌شود که می‌گوید: آگاه باشید
 که اولیای خدا اصحاب فلانند، یعنی مهدی علیه السلام و عجل علیه السلام فرجه الشریفه این عین
 لفظ حدیث است.

۱. نفس زکیه مراد پسری است از آل محمد صلی الله علیه و آله که بین رکن و مقام شهید می‌شود.

اسماء بنت عمیس می گویند: «علامت آن این است که کف دستی از آسمان ظاهر می شود که اشاره به او دارد و مردم به آن می نگرند.»

عبدالله بن عمر می گویند: «مردم اعمال حج و عرفات را با یکدیگر بدون امام به جا می آورند و در آن موقعی که به منا وارد می شوند دیوانه وار به یکدیگر حمله می کنند و می کشند تا آنکه خون همه جا را فرا می گیرد. بعد از آن به شخصی که بهترین آنهاست پناه می برند. وقتی تزد او می آیند که او صورت خود را به طرف کعبه کرده و گریه می کند. گویا من اشک های جاری او را می بینم. به او خواهند گفت: بیا تا ما تو را ولی و رئیس خود قرار دهیم. او می گوید: وای بر شما چه عهد و پیمان هایی که شما شکستید و چه خون هایی که ریختید؟ پس با اکراه با او بیعت می شود. چنانچه او را ملاقات کردید با او بیعت کنید زیرا که او مهدی در زمین و آسمان است.»

جابر از امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده که فرمود:

مهدی عجل الله فرجه الشریف در مکه موقع عشا ظهور می کند و بirq و پیراهن و شمشیر رسول خدا صلی الله علیه و آله با او خواهد بود و علامت ها و نور و بیان با آن حضرت باشد. پس از آن که نماز عشا را خواند با صدای بلند می گویند: «ایها الناس من شما را به یاد خدا می اندازم خدایی که با شما اتمام حجت کرده و انبیا و کتاب فرستاده و به شما دستور داده که برای او چیزی را شریک قرار ندهید و از او و پیامبرش فرمان برید و آنچه را قرآن احیا کرده، احیا کنید و آنچه را که قرآن از بین برده از بین ببرید و (راه) هدایت را یاری کنید و برای تقوا و پرهیزگاری یار هم باشید، زیرا که نابودی دنیا نزدیک است. من شما را به سوی خدا و رسول او فرا می خوانم تا به کتاب خدا عمل کنید و

باطل را نابود ساخته و سنت و شریعت را احیاء نماید.

سپس با سیصد و سیزده نفر که تعداد اهل بدر بودند بدون این که از یکدیگر وعده بگیرند نظیر یک قطعه ابر یا ییزی ظاهر می شوند و در شب از خدا ترسان و در روز همچون شیرند، پس خدا (به وسیله او) زمین حجاز را فتح می کند و افرادی از بنی هاشم را که در زندانند، آزاد می سازد. گروهی با پرچم های سیاه وارد کوفه می شوند و لشکرهایی برای بیعت با مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به اطراف جهان می فرستد. ستم و ستمکاری را از بین می برد و در شهرها عدالت برپا خواهد نمود و خدا قسطنطنیه را به دست او فتح خواهد کرد.

کعب می گوید: «مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف میغوث می شود تا با روم بجنگد، آگاهی ده نفر را دارد. (این تعبیر حاکی از کثرت و زیادتی علم اوست) و تابوت سبکته را که حاوی تورات و انجیلی است که خداوند بر موسی و عیسی نازل کرده از غار انطاکیه بیرون می آورد و آن حضرت در بین اهل تورات با توراتشان و در بین اهل انجیل با انجیلشان داوری می کند.

نوف یکالی می گوید: بر پیرق مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نوشته شده است: «بیعت (فقط) برای خداست.»

ابو سعید خدری از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود:

ساکنین آسمان و زمین از مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف راضی خواهند بود. آسمان قطره های از قطره های (باران) خود را و او نمی گذارد مگر این که آن را فرومی ریزد و زمین هم گیاهی از گیاهان خود را نگه نمی دارد جز آن که آن را خارج می سازد تا آنجا که اموات آرزوی زنده شدن را دارند.

ابوسعید خدری از حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود:

مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد همان طور که قبل از او پر از ظلم و ستم شده است و هفت سال حکومت می کند.

و به روایتی آن حضرت هفت سال و دو ماه و چند روز حکومت خواهد کرد. و در حدیث دیگر است که حذیفه بن یمان از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود:

عیسی علیه السلام از آسمان نازل می شود و مردم از آمدن او خوش وقت می شوند زیرا که عیسی علیه السلام حدیث رسول خدا را تصدیق می کند، آنگاه به مؤذن می گوید: نماز را اقامه کن، مردم به عیسی می گویند جلو بایست تا ما به تو اقتدا کنیم. حضرت در جواب آنها می گوید: شما بروید و با امام خود نماز بخوانید زیرا که او نیکو امامی است، مسلمین با امام خود نماز می گزارند و عیسی بن مریم به آن حضرت اقتدا می کند. حذیفه می گوید: «عجم از رسیدن پول و غذا به مردم عراق جلوگیری می کنند. و رومیان از رسیدن پول و آذوقه به مردم شام جلوگیری می نمایند.»

کعب می گوید: «عیسی بن مریم در حالی که به صورت جوان سرخ رنگی است، درب دروازه شرقی دمشق نزدیک مناره ظاهر می شود و دو ملک آن حضرت را با دو بازوی خود حمل می کنند.»

نفس و بوی امام علیه السلام را هیچ کافری درک نمی کند مگر این که خواهد مرد، زیرا که نفس آن حضرت تا آنجا که چشم کار کند برد دارد. موقعی که دجال نفس آن حضرت را درک نماید مثل شمع آب شده و می میرد. سپس عیسی بن مریم علیه السلام به سوی مسلمانانی که در بیت المقدس هستند می رود و

آنها را از قتل دجال آگاه می‌سازد و پشت سر امیر آنها به نماز می‌ایستد، سپس حضرت عیسی پشت سر امیر آنها تنها یک نماز می‌خواند سپس خود برای آنها نماز می‌خواند در حالی که او کشته شده آنهاست و بقیه نصارا تسلیم می‌شوند و عیسی در آنجا می‌ماند ولی به کار خود ادامه می‌دهد و آنها را به درجات بهشتی بشارت خواهد داد.

حارث بن عبدالله از رسول خدا ﷺ روایت کرده که فرمود:

عیسی بن مریم علیه السلام از آسمان فرود می‌آید و دجال را می‌کشد مردم به شادمانی می‌پردازند و تا صبح بیدار می‌مانند و بعد از قیام دجال مدت چهل سال خوش‌اند، در آن زمان احدی نخواهد مرد و کسی مریض نخواهد شد. شخص به گوسفندان و حیوانات خود می‌گوید: بروید و فلان جا بچرید و در فلان ساعت بازگردید، حیواناتی که در مزرعه دیده می‌شوند از خشوشه آن نمی‌خورند و با پای خود شاخه آنها را نمی‌شکنند. مار و عقرب‌ها ظاهر می‌شوند و هیچ‌کس را آزار نمی‌دهند و کسی هم مزاحم آنها نمی‌شود. حیوانات درنده درب خانه‌ها می‌آیند و غذا می‌طلبند و هیچ‌کس را آزار نمی‌دهند.

یک من یا یک چارک، گندم یا جو را که شخص در زمین بپاشد بدون نیاز به ابزار زراعتی و زیر و رو کردن زمین یک چارک هفتصد چارک می‌دهد.

و در حدیث دیگری از عبدالله بن عمرو چنین رسیده که گفت: «به مکه می‌نگرم گویا مرد حبشی را می‌بینم که موی سرش ریخته و ساق پاهایش باریک است و مشغول خراب کردن کعبه است.

مجاهد گفت: «پس وقتی ویران شدن کعبه را به دست فرزند زبیر دیدم، آمدم

تا بینم چه می‌گوید و او هیچ چیزی را نگفت.»

کعب از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ روایت کرده که فرمود:

داته (مرد امام زمان عَجَلُ .. تعالی فرجه الشریف است) در حالی خارج

می‌شود که عصای موسی و انگشتر حضرت سلیمان با او خواهد بود.

صورت مؤمن را با عصا درخشنده می‌سازد و بینی کافر را با انگشتر

مهر می‌کند.^۱

خصوصیات شخصی امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام

اسم مبارک آن حضرت: «م ح م د» و این نامی است که پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

برای او گذارده و فرمود:

اسم او اسم من است و کنیه او کنیه من است.

کنیه مسلم آن حضرت کنیه پیامبر و به «ابا صالح» نیز معروف است. القاب آن

حضرت بسیار است، از جمله مهدی، منصور، قائم بامر الله، حجت الله،

ولی الله، صاحب الامر، صاحب الزمان، المنتقم، بقیه الله، گرامیشان پدر آن

حضرت: الحسن العسکری بن علی الهادی بن محمد الجواد بن علی الرضا بن

موسی الکاظم بن جعفر الصادق بن محمد الباقر بن علی زین العابدین بن

الحسین الشهید بن علی بن ابی طالب امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام مادرشان نرجس

خاتون دختر یشوعا نواده قیصر روم و لقب او ملیکه است از آن جهت که

شاهزاده بوده، و به سوسن و صیقل نیز ملقب شده است.

سال تولد آن حضرت عَلَيْهِ السَّلَام بنابر مشهور سال ۲۵۶ ق. موافق عدد کلمه نور

و بنا به قولی سال ۲۵۵ می‌باشد. محل تولدشان شهر سامراء در منزل ملکی

۱. آیت‌اللهی، مهدی، نشانه‌های ظهور امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام، ۱۳۸۳، نشر جهان‌آرا.

پدری، که الان صحن و حرم عسکریین علیه السلام می باشد بوده است.

در سحر نیمه شعبان ولد شب جمعه، در حالی که قابله بزرگوارشان، عمه پدرشان - یعنی حکیمه خاتون - بودند متولد گردیدند.

حمل ایشان مخفی بود تا هنگام ولادت، مانند موسی بن عمران. یعنی به طوری بود که تا ساعت تولد هیچ کس اثر حمل در ترجس نمی دید، حتی قابله های متخصصی که معتمد گماشته بود که هرگاه در خانواده امام عسکری علیه السلام اثر حمل ببینند فوراً اطلاع دهند.

امام علیه السلام تا سال ۲۶۰ که پنج سال یا چهار سال و اندی از سن شریفش گذشته بود، در کفالت پدر بزرگوارش بود و به روح القدس سپرده شده بود و در این مدت مخفی می زیست، مگر بعضی از خواص که از ولادتش مطلع گشته و ایشان را در ایام کودکی مشاهده کردند.

ابتدای امامت حضرت علیه السلام از سال ۲۶۰ که پدر بزرگوارش به زهر معتمد عباسی شهید شد، امامت به ایشان منتقل گردید.^۱

اولین خطبه امام پس از ظهور: هنگامی که خداوند اذن ظهور به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بدهد، آن حضرت برای اصلاح جهانی قیام می کند و در کنار خانه خدا بین رکن و مقام از سیصد و سیزده یار بناوفایش که فرماندهان لشکری و کشوری حکومت حقه هستند، بیعت می گیرد و نخستین جمله ای که بر زبان جاری می فرماید، آیه «بقیه الله...» است. چنان که امام باقر علیه السلام می فرماید:

هنگامی که مهدی علیه السلام ظاهر شود پشت خود را به خانه کعبه تکیه می دهد و اولین سخنی که می گوید، این آیه شریفه است: «بقیه الله خیر لکم ان کنتم مؤمنین» سپس

می فرماید: من بقية الله، خليفة الله و حجة الله هستم در میان شما. و در آن حال احدی بر او سلام نمی کند، جز این که می گوید: «السلام عليك يا بقية الله».

و نیز مفضل از امام صادق علیه السلام روایت می کند که فرمود:

قائم علیه السلام پشت خود را به دیوار کعبه تکیه داده مردم جهان را مخاطب قرار می دهد و می فرماید: «هر کس بخواند آدم و شیث را ببیند اینک منم آدم و شیث. هر کس بخواند نوح و یاسام را ببیند اینک منم نوح و سام. هر کس بخواند ابراهیم و اسماعیل را ببیند اینک منم ابراهیم و اسماعیل. هر کس بخواند موسی و یوشع را ببیند اینک منم موسی و یوشع. هر کس بخواند عیسی و شمعون را ببیند اینک منم عیسی و شمعون. هر کس بخواند محمد و علی علیه السلام را ببیند اینک منم محمد و علی. هر کس بخواند حسین و حسن را ببیند اینک منم حسن و حسین. هر کس بخواند امامان را از اولاد حسین ببیند، اینک منم آن امامان معصوم از نسل پاک حسین. به سخنانم گوش فرا دهید تا شما را از آنچه شنیده و می دانید و آنچه تا کنون نشنیده و نمی دانید، خبر دهم... هر کس کتاب های آسمانی را می شناسد گوش فرا دهد...» آنگاه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به خواندن کتاب های آسمانی می پردازد، و صحیفه آدم و شیث و نوح و ابراهیم علیه السلام را می خواند، و هم تورات و انجیل و زیور را... و سپس قرآن کریم را.^۱

تکالیف شیعه در زمان غیبت امام زمان عجل ا. تعالی فرجه الشریف

با توجه به احادیث بخاندان وحی، در عصر غیبت وظایف و تکالیفی برای شیعه مشخص و معین نموده‌اند که بخشی از آنها بدین ترتیب است:

۱. معرفت و شناخت آن حضرت: یکی از وظایف شیعه نسبت به امام زمان عجل ا. تعالی فرجه الشریف شناخت صفات و ویژگی‌های آن جناب و علایم حتمی ظهور او می‌باشد، زیرا آن حضرت، امامی است که واجب‌الاطاعة می‌باشد و هر کس که اطاعتش واجب است باید صفاتش را شناخت تا با شخص دیگری که مقام او را به دروغ ادعا می‌کند، اشتباه نگردد. بنابراین شناخت و دانستن صفات مولایمان حضرت حجت علیه السلام واجب است. امام صادق علیه السلام فرموده است:

به درستی که بهترین و واجب‌ترین فریضه‌ها بر انسان، شناخت پروردگار و اقرار به بتدگی اوست... و پس از آن شناخت فرستاده خدا است و گواهی دادن به پیغمبری او... و بعد از آن شناختن امامی است که به صفت و نامش در حال سختی به او اقتدا می‌نماید.

۲. انتظار فرج و ظهور آن حضرت: که اهمیت آن بر هیچ مسلمان حقیقی پوشیده نیست.

۳. محزون بودن از فراق آن حضرت.

۴. دعا کردن برای آن حضرت: که وظیفه هر شیعه واقعی است.

۵. صدقه دادن به نیابت از آن حضرت: این امر نشانه مودت و دوستی آن

جناب و پذیرش ولایت اوست. سید بن طاووس - رحمه الله - در کتاب کشف

المحججه به فرزندش چنین سفارش می‌کند:

در پیروی و وفاداری و تعلق خاطر و بستگی نسبت به آن حضرت به گونه‌ای باش که خداوند و رسول او ۹ و پدران آن حضرت و خود او از تو می‌خواهند، و حاجات آن بزرگوار را برخواسته‌های خود مقدم بدار، هنگامی که نمازهای حاجت را به جای می‌آوری، و صدقه دادن از سوی آن حضرت را، پیش از صدقه دادن از سوی خودت و عزیزانت قرار ده، و دعا کردن برای آن حضرت را مقدم بدار، که سبب می‌شود به سوی تو توجه فرماید و به تو احسان نماید.

۶. حج رفتن به نیابت آن حضرت.

۷. قیام هنگام شنیدن نام آن حضرت؛ شایسته است که یک شیعه واقعی هرگاه نام مبارک آن حضرت، خصوصاً «قائم» برده می‌شود، برخیزد و به احترام آن امام، تمام قد بایستد. چنان‌که سیره بعضی از امامان معصوم علیهم‌السلام ما چنین بوده است.

۸. دعا برای حفظ ایمان؛ چون در عصر غیبت خطرات بسیار و امواج خطرناکی خانه دل انسان را تهدید می‌کند، لازم است که ضمن تلاش جدی برای تخلق به اسلاق الهی، دست به دعا بلند کرد و از خداوند استمداد نمود. دعایی است که سید بن طاووس در کتاب *مهج الدعوات* آورده، در حدیثی که غیبت حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف در آن یاد شده، راوی گوید: عرض کردم: شیعیانت چکار کنند؟ فرمود:

بر شما باد به دعا کردن و انتظار فرج کشیدن.

سپس گوید: عرضه داشتم: به چه چیزی دعا کنیم؟ فرمود:

می‌گویی: بار خدایا! تو خودت و فرستاده‌ات و فرشتگانت و پیغمبرت و والیان امرت را به من شناساندی، بار خدایا! من نگیرم جز آنچه که تو

عطا کنی و هیچ نگهدارنده‌ای جز تو برایم نیست؛ بارخدا یا! مرا از منازل دوستان خود دور مگردان، و دلم را پس از آن‌که هدایت‌گرفته‌ای منحرف منمائی؛ خدا یا! مرا به ولایت کسی که اطاعتش را بر من واجب شناخته‌ای هدایت فرمای.

۹. سعی در اصلاح جامعه، و امر به معروف و نهی از منکر؛ از جمله وظایف شیعیان و شیفتگان حضرت حجج علیهم‌السلام اصلاح جامعه خود است. البته بدیهی است که امتی می‌تواند در رابطه این امر مهم موفق باشد که خودسازی را مقدم بر دیگرسازی بداند و به خود بیشتر بپردازد. سعی و تلاش در راه اصلاح دیگران و مبارزه با کجروی‌ها و فسادها و اهتمام به امر به معروف و نهی از منکر به منظور اصلاح جامعه و تربیت انسان‌های صالح و شایسته و وظیفه عاشقان در عصر غیبت است. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید:

هر کس صبح کند و به امور مسلمانان اهتمام نورزد، مسلمان نیست. و کسی که بشنود فریاد انسانی را که از مسلمانان کمک می‌طلبد و به ندای او پاسخ مثبت ندهد، مسلمانان نیست.

آری بزرگ‌ترین امر به معروف و نهی از منکر در عصر ظهور، خود امام مهدی علیه‌السلام است. پس چگونه ممکن است جامعه منتظر، خستودی مهدی علیه‌السلام را بخواهد، و در این بعد به مهدی علیه‌السلام اقتدا نکند؟

۱۰. تزکیه و خودسازی: پاک‌سازی درون از صفات پلید، و زیور دادن آن به وسیله اخلاق پسندیده، از جمله وظایفی است که در هر زمان واجب است، ولی یاد کردن آن به طور خصوص، در زمان غیبت حضرت ولی عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف، از این جهت است که درک قضیلت صحبت او و فرار گرفتن در شمار اصحاب آن جناب، بستگی به آن دارد.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

هر کس که دوست می دارد از اصحاب قائم علیه السلام باشد، می بایست منتظر باشد و در این حال به پرهیزگاری و اخلاق نیکو رفتار نماید، پس چنانچه بمیرد و پس از مردنش قائم علیه السلام به پاخیزد، پاداش او همچون پاداش کسی خواهد بود که آن حضرت درک کرده است. پس کوشش کنید که در انتظار بمانید، گوارا باد شما را ای گروه مشمول رحمت خدا. همچنین وظایفی از قبیل: اظهار اشتیاق به دیدار آن حضرت، حضور قلبی در مجالس حضرتش، درخواست معرفت او از خدا، اهتمام و تصمیم قلبی بر یاری وی، زیارت و سلام آن حضرت در هر مکان، هدیه ثواب نماز به آن جناب، دعوت مردم به او، دعا برای جلوگیری از تسیان یاد آن سرور، اهتمام در ادای حقوق برادران دینی و ...

۱. امر به صبر و استقامت: حضرت رضا علیه السلام از پیغمبر صلی الله علیه و آله نقل فرمود:

به آن کس که مرا به پیغمبری مبعوث کرده برای بشارت، که هر آینه قائم علیه السلام از اولاد من غیبت خواهد کرد به عهدی که از من برای او مهبود است و آن قدر طولانی شود که بسیاری از مردم بگویند خدا را حاجتی به آل محمد صلی الله علیه و آله نیست و عده دیگر در ولادت او شک کنند. به طور کلی انتظار فرج در هرامری یکی از اعمال صالحه است و انتظار فرج کلی که فرج آل محمد و شیعیان ایشان و فرج دین است، افضل انتظار فرجها است.

حضرت رضا علیه السلام از پیغمبر صلی الله علیه و آله نقل فرمود:

افضل اعمال امت من انتظار فرج است.

حضرت باقر علیه السلام فرمود:

هر مؤمنی شهید است و اگر در رختخواب خود بمیرد شهید است و او
مانند کسی است که در عسکر قائم علیه السلام مرده باشد.

حضرت صادق علیه السلام فرمود:

چون عذاب و شکنجه فرعون بر بنی اسرائیل طول کشید به ضجه در
آمدند و گریه کردند. چهل روز به درگاه خداوند زاری کردند، پس
خداوند به موسی و هارون وحی فرمود: که ایشان را از چنگال فرعون
خلاصی دهد، پس ۱۷۰ سال از ایشان برداشت.

حضرت صادق علیه السلام فرمود:

هر که چهل صباح این عهد را بخواند از یاوران امام قائم علیه السلام شود و
اگر پیش از او بمیرد خداوند او را از قبرش برون می آورد.^۱

۱. برای نگارش این مقاله از سایت‌های اینترنتی زیر نیز استفاده شده است.

WWW. iman. Mahdi. net

WWW. Montazar. net

WWW. Yamahdi. Homepage. com

WWW. Almahdi. com

آخرالزمان، جهان معاصر و انسان معاصر
بررسی وضعیت سیاسی جهان
معاصر در زمان ظهور

فرزانه نیکویرش

چکیده

اعتقاد به ظهور منجی در همه ادیان نشانه مشترکی است که می‌تواند موجب وحدت ادیان شود. منتهی هر یک از ادیان از دیدگاه خود به روایتی ظهور موعود راستین را نوید داده‌اند و شاخص‌هایی برای آن در نظر گرفته‌اند، در این میان شیعه با حرکت در مسیر امامت، ستاره‌های درخشانی را مسیر راه خویش قرار داد که نور هر یک راه‌بخش و راهبر شیعیان در طول تاریخ بوده است تا امام دوازدهم که ایشان در پس پرده غیبت کبری به سر می‌برند و با انتخاب نایب و فقها در دوران غیبت از جانب خداوند راه دیگری را در پیش روی مسلمانان قرار داد تا فرد مسلمان با شناخت و آگاهی و بلوغ کامل، آمادگی لازم را برای ظهور حضرت مهدی علیه السلام و همراهی با او در خویش و جامعه خود فراهم آورند.

امید به ظهور منجی عدالت‌گستر که محوکننده باطل در جهان خواهد بود، خود نقطه شروع پر قدرتی است که در طول تاریخ به عنوان یک استراتژی سیاسی برای شیعیان تا زمان ظهور مطرح بوده و هست. این اعتقاد فرصت مناسبی را برای شیعیان فراهم آورده است تا معتقدان راستین با عشق و ایمان به مقتدای خویش و وعده الهی به دور هم جمع شده و با انجام وظایف، بستر ساز ظهور حضرت گردند.

از این رو ظهور امام مهدی علیه السلام و اعتقاد به آن به عنوان یک نقطه پرتحرک و پتانسیل قوی محسوب می‌شود که می‌توان این موضوع را از ابعاد گوناگون مورد بحث و بررسی قرار داد و طبیعی است که هر قدر مبحث مهدویت از ابعاد و زوایای مختلف به صورت مستند و مستدل بررسی شود، باز تنها قطره‌ای از اقیانوس بیکران معرفت الهی در بحث مهدویت است. بر این اساس در این مقاله موضوع «وضعیت سیاسی جهان در دوران ظهور» انتخاب مورد ارزیابی و

بررسی قرار گرفته است.

در این مقاله «سیاست» به معنی قدرت و اعمال زور و اقتدار دولت‌ها معنی شده است که وضعیت جهان و قدرتمندان در شرق و غرب و نقش اعراب و ترکان و یهودیان و شیوه‌های تجاوزطلبی آنها و نقش ایرانیان را در دوران ظهور در بعد سیاسی و برخورد آنها با مسئله مهدویت را مورد بحث و بررسی قرار داده‌ام، که امید است مقبول حضرت مهدی علیه السلام قرار گیرد و ما را در زمره دوستداران و یاران خویش قرار دهد.

امامت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سازنده امید و اراده منتظران

در میان ادیان الهی «اسلام» به عنوان کامل‌ترین و جامع‌ترین دین از پتانسیل‌های خاصی برخوردار است که تمام ادیان دیگر را به حیرت واداشته است و بسیاری از تاریخ‌نویسان غربی بر این امر صحه گذاشته‌اند. از اعجاز «قرآن» کتاب آسمانی و شیوه پیامبر صلی الله علیه و آله در تسخیر قلوب و محتوای تعالیم اسلامی و مسیر هدایت آن از زمان ظهور تاکنون سخن‌ها گفته‌اند، چنان‌که «لورا واکلیری» استاد دانشگاه ناپل در کتابی با عنوان ندای اسلام از قلب ایتالیا درباره عظمت آیین اسلام و ابعاد فطری آن اعتراف می‌کند و می‌تویسد:

من خود را در برابر آئینی مشاهده می‌کنم که راستی اسلوب آن شگفت‌انگیز و حیرت‌انگیز است، زیرا این آیین فلسفه حیات فرخنده را برای بهتر زیستن به اجتماع تقدیم می‌کند. آری این آیین اسلام است که می‌تواند عالی‌ترین ارتقاء را در مسیر وجدان و خرد نصیب انسان سازد و این خود بزرگ‌ترین برهانی است که باید با قلبی آکنده از

اطمینان اقرار کنیم که به راستی اسلام دینی است الهی و آسمانی.^۱

امامت، چراغ راستین هدایت: مسلمانان با پیروی از چنین دینی است که

توانستند در مقابل چالش‌های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی زر و زور و تزویر و جهان‌گشایان و معاندین در طول تاریخ ایستادگی و مقاومت کنند. دینی که مسیر هدایت و رساندن به سعادت و کمال انسان‌ها را تا رستاخیز به تصویر کشانده است. در این میان شیعیان با تشبّث به سرچشمه‌های الهی به عنوان «امامت» که چراغ فروزان هدایت بودند،^۲ مسیر راستین را انتخاب کردند که راه خویش را در تاریخ از کج راه‌ها و بیراهه‌ها جدا نموده تا به آخرین مشعل هدایت و رستگاری امام دوازدهم حضرت مهدی علیه‌السلام رسید که هم‌اکنون در پس پرده غیبت هدایت انسان‌ها را بر عهده دارد. عقیده به امامت و ظهور منجی همچون منبع پرفیض و رحمتی است که همواره چراغ راه شیعیان بوده است.

امید به ظهور منجی عدالت‌گستر که در آینده‌ای نزدیک ظهور می‌کند و بساط ظلم و بی‌عدالتی را برخواهد چید و در این دنیای هزار رنگ یا عقاید باطل به مبارزه برمی‌خیزد و با بسیج مؤمنین و متقین با استکبار جهانی به مقابله برمی‌خیزد و در نهایت فجر و پیروزی را بر شیعیان و تمام جهانیان به ارمغان خواهد آورد، عامل پر قدرتی است که شور و شوق حرکت را فراهم سازد.

۱. واگلیری، لورا، ندای اسلام از قلب ایتالیا، ترجمه محمد باقر انصاری، پیام اسلامی، ۱۳۴۷، ص ۹۲.

۲. صافی، گلپایگانی، توید امن و امان، سپهر، ۱۳۷۵، ص ۱۷۵؛ قزوینی، سید محمد کاظم، امام مهدی علیه‌السلام از ولادت تا ظهور، ترجمه علی کرمی و سید محمد حسینی، الهادی، ۱۳۷۶، ص ۳۲۰.

رابطه مهدویت با امید: اگر به معنا و جایگاه مهدویت، که به معنی «اعتقاد به دوره آخرالزمان و عقیده به ظهور منجی غیبی و مصلح جهانی بزرگ»^۱ است و از جمله مسائلی است که در اصول عقاید شیعه جایگاه بسیار مهم و سازنده‌ای داشته و با محور امامت عجین شده است، نظر بیفکنیم، متوجه خواهیم شد که چرا دشمنان اسلام با آگاهی از این اعتقاد و جایگاه آن نزد مسلمانان، مهدویت را نشانه رفتند و از آغاز امامت تاکنون به خصوص پس از غیبت صغری و کبری به سوی مهدویت و ظهور منجی آخرالزمان حمله می‌کنند.

در این میان همراهی آگاهانه و ناآگاهانه عده‌ای از دوستان نادان هم به این اصل ضربه زده است. در حالی که مهدویت در ذات خود خصوصیتی دارد که «این خصوصیات برای هر ملتی، در حکم خون در کالبد و در حکم روح در جسم است»^۲ و می‌تواند شور و شعور و امید و حیات به جامعه ببخشد. از این رو استعمارگران در طول تاریخ همواره سعی کرده‌اند تا با ایجاد روحیه یأس و ناامیدی، این نقطه حرکت و جوشش را در نزد ملل مسلمان سیاه و تاریک جلوه دهند و یا ضعیف کردن ملت‌های مسلمان به چپاول و غارتگری خود ادامه دهند. چنان که رهبر معظم انقلاب اسلامی فرموده‌اند:

امروز استکبار جهانی مایل است که ملت‌های مسلمان و از جمله ملت عزیز ایران دچار این حال [روح ناامیدی] بشوند... با یک ملت زنده که نمی‌توانند هرکاری که بخواهند انجام دهند. یک جسم بیهوش مدهوش که بی‌حسن آنجا افتاده است، هر کس هرچه دلش خواست، می‌تواند به

۱. خسروشاهی، سید هادی، مصلح جهانی، اطلاعات، ۱۳۷۲، ص ۵۵.

۲. نائینی، مرتضی، «جان و جانان از نگاه مقام معظم رهبری»، فصل‌نامه انتظار، سال اول، ۱۳۸۰، ش ۲، ص ۳۴.

او تزییق کند. با او هر کاری می‌تواند بکند اما به یک موجود سرحال، زنده، باهوش، متحرک و فعال که نمی‌توانند هر کاری را انجام بدهند! امروز هر نفسی، هر حنجره‌ای که برای ناامید کردن مردم بدمند، بدانند که این حنجره در اختیار دشمن است، چه خودش بداند، چه خودش نداند. هر قلمی که کلمه‌ای را در جهت ناامید و مأیوس کردن مردم روی کاغذ بیاورد، این قلم متعلق به دشمن است. چه صاحب این قلم بداند، چه نداند! دشمن از او استفاده می‌کند... اعتقاد به مهدی موعود علیه السلام شیعه را تا به امروز از آن همه پیچ و خم‌های عجیب و غریبی که در سر راهش قرار داده بودند عبور داده است... به همین خاطر، یکی از اساسی‌ترین کارهای استعمار و استکبار و ایادی آنها، این بوده است که عقیده امید و مبارزه را در دل مردم از بین ببرند. بارها خواسته‌اند این چراغ را خاموش کنند، ولی نتوانسته‌اند.^۱

امید، سازنده اراده: در حقیقت مهدویت و اعتقاد به آن همان روح امیدی است که می‌تواند جامعه‌ای را به حرکت وادارد، روح زنده‌ای که قدرت اراده و ایمان را تقویت و هرگونه جمود و خشکی و تحجر را از معتقدان راستین دور می‌سازد و آنها را به عناصری سازنده در جامعه و انسان‌هایی با نشاط و امیدبخش و قدرتمند تبدیل می‌کند که هر یک عامل و راهبر سازنده در جامعه خواهند شد و بدین گونه، هر فردی با فعالیت‌های خویش می‌تواند بستر مناسبی را برای ظهور منجی موعود فراهم سازد و در مقابل استکبار و جهان‌خواران برای تحقق عدالت تلاش کند.

این در حالی است که نقطه مقابل آن یأس و ناامیدی و ذلت را در جامعه به

ارمغان می آورد که قدرت هرگونه اعتراض و حرکتی را از انسان سلب می کند و او را به عنصری خشک و جمود و متحجر و بی حرکت تبدیل می سازد که آمادگی پذیرش هر نوع ذلت، خواری و حقارت و زبونی را نخواهد داشت. در این میان مهم شناخت مرزهای اعتقادی است که مسلمانان ناب محمدی صلی الله علیه و آله را از مسلمانان آمریکایی و طالبانی متمایز می سازد.

در این مورد روایت ها و شواهد مستندی مانند نامه امام به شیخ مفید رحمه الله^۱ وجود دارد که در این نامه امام مهدی علیه السلام^۲ بر هرگونه مصلحت اندیشی و توجیه قدرت های منحرف خط بطلان کشیده است و مسلمانان حقیقی و منتظران واقعی را به عنوان یاوران مهدی علیه السلام به مبارزه و جهاد با شرک و کفر و باطل در سطح جهان فرا می خواند تا زمینه ساز ظهور آن حضرت گردند. این مسئله از بعد استراتژیک سیاسی در زمان ظهور برای پیروان حقیقی آن حضرت اهمیتی حیاتی دارد که با ایمان و اعتقاد راسخ و امید و پایداری برای ظهور هرچه زودتر امام برحق تلاش کنند. زیرا آنها ایمان دارند این وعده الهی حتماً محقق خواهد شد که خداوند فرموده است:

۱. شیخ مفید از مراجع دینی و مقام های دینی بزرگ زمان خویش بود که به علت یرتری های فقهی و ویژگی های (اخلاقی، علمی، پارسایی و عدالت و بزرگ منشی او، توفیق ارتباط و دریافت نامه را از امام عصر علیه السلام یافت که در سال های آخر زندگی شان هر سال نامه ای از امام علیه السلام دریافت می کرد. سید محمد کاظم قزوینی، همان، ص ۳۵۲.

۲. همان، ص ۳۵۷ و ۳۵۹.

و نريد أن نمنّ على الذين استضعفوا في الأرض و نجعلهم ائمةً و
نجعلهم الوارثين^۱

و می خواستیم که منت بگذاریم بر آنان که ضعیف داشته شده بودند در
زمین و بگردانیم ایشان را وارثان.

وضعیت سیاسی غرب در دوران ظهور

با دقت در آیات قرآن کریم و بررسی در سرگذشت اقوام پیشین، به روشنی
درمی یابیم که در سنت الهی چنین مقرر شده که ایجاد هرگونه تغییر و تحوّل
برای جوامع انسانی، به دست خود انسان‌ها و با اراده و خواست آنان امکان پذیر
است. همان طور که سرنوشت یک انسان در گرو چگونگی فعالیت‌ها و کارهای
او است، سرنوشت یک جامعه نیز بستگی به عملکرد جمعی افراد دارد. بنابراین
یکی از مهم‌ترین زمینه‌های ظهور امام مهدی علیه السلام و برپایی حکومت عدل
جهانی، فراهم آوردن بستر اجتماعی لازم است. در این مبحث سعی شده است تا
حدودی وضعیت سیاسی جامعه جهانی در دوران ظهور مطرح و مورد بحث
قرارگیرد.

بروز فتنه در سطح جهان: «فتنه» در لغت به معنی امتحان کردن، آزمودن،
اختلاف میان مردم، گمراهی و کفر^۲ معنا شده است. و در معنای اصلاحی، فتنه
عبارت است از امتحان و اختیار، یعنی شخص را در کوره امتحان قرار دهند تا
جوهره و ذات او آشکار و راستی یا کژی وی معلوم شود.^۳ فتنه هم به خدا نسبت

۱. سوره قصص (۱)، آیه ۴.

۲. عمید، حسن، فرهنگ عمید، ج ۲، امیرکبیر، ۱۳۴۵، ص ۴۵۹.

۳. نمایندگی ولی فقیه در سپاه، یکصد آیه، یکصد درس، ۱۳۷۸، ص ۱۱۶.

داده می‌شود و هم به دیگران. زمانی که فتنه از جانب خدا یا از سوی دیگران ولی به اذن خدا باشد، به معنای اختیار و امتحان است و مصلحت امتحان آنرا اقتضا می‌کند. اما فتنه خلق بدون اذن و دستور خدا گناه و فساد بوده، خداوند این فتنه‌گری را نهی کرده است. فتنه خلق یعنی «گمراه کردن، از ایمان بیرون بردن، آزار و شکنجه دادن، به شبهه انداختن و چتین اعمالی مورد نهی خدا بوده و گناه است»^۱ اما در دیدگاه قرآنی فتنه را با وجود معناها و اصطلاحات مختلف در دو بعد اصلی می‌توان تقسیم کرد. این واژه فتنه در قرآن کریم و سنت به دو معنای عام و خاص آمده است: معنی عام عبارت است از «هر امتحان و آزمایشی که برای انسان پیش آید، خواه از ناحیه خود انسان باشد یا از ناحیه شیطان و یا از سوی مردم و خواه از امتحان، گامیاب و روسفید بیرون آید و از فتنه و آشوب برهد و یا در آن سقوط نماید»^۲ و معنی خاص عبارت است از «حوادث و پیشامدهایی است که مسلمانان را در بوته امتحان قرار داده و از مرز دیانت خارج و منحرف می‌سازد»^۳ و مقصود از آشوب‌های داخلی و خارجی که پیامبر صلی الله علیه و آله هشدار داده همین معنی است.

آشوب‌های دوران ظهور: البته صحابه و تابعین با تفاوت آراءشان، روایت‌های متعددی را نقل نموده‌اند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مردم را از فتنه و آشوب‌های بعد از خود بر حذر داشته است. و در میان صحابه، خدیفه بن یمان در علم و آگاهی به روایات فتنه‌ها معروف بوده است. از این زو بسیاری از روایت‌های مربوط به فتنه‌ها را در منابعی می‌یابیم که با ذکر سند و نسبت به

۱. همان، ص ۱۱۷.

۲. طباطبایی، سید محمدحسین، تفسیر المیزان، ترجمه سید باقر موسوی همدانی، ج ۴، انتشارات اسلامی، بی‌تا، ص ۸۹؛ مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۸، دارالکتب اسلامی،

۳. همان

ص ۳۶۷.

حدیقه از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و یا از امیرالمؤمنین عَلِيٍّ ع نقل شده است، زیرا حدیقه از یاران خاص آن حضرت نیز بوده است. چنانکه از او روایت کرده‌اند که می‌گفت:

هیچ فتنه جویی نیست که تعدادشان به سیصد تن برسد مگر این که اگر بخواهم نام او و پدر و محل سکونتش را تا روز قیامت یادآور شوم می‌توانم. زیرا تمام آنها را رسول گرامی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به من آموخته است.^۱

و می‌گفت:

اگر تمام آنچه را که می‌دانم برای شما بازگو می‌کردم، مرا تا شب مهلت نداده و فوری می‌کشیدید.^۲

توجه مسلمانان به روایت‌های فتنه و آشوب‌ها به حدی بود که در نزد بعضی از آنان به اخبار حضرت مهدی عَلِيٍّ ع و ظهور آن بزرگوار علیه پیدا نمود، «از این رو گردآوردندگان مجموعه‌های روایی، باب‌ها و فصل‌هایی را تحت عنوان «فتن»، «آشوب‌ها» یا «ملاحم و فتن» یا به عبارتی دیگر پیشامدها و آشوب‌ها تدوین نموده‌اند و کلمه ملاحم به معنی جنگ‌ها و رویدادهای مهمی است که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وقوع آنها را خیر داده است.»^۳

فتنه غرب: آنچه در اینجا مهم است، بررسی تعداد فتنه‌ها^۴ و آغاز آنها با تاریخ مسلمانان نیست بلکه مهم شناخت آخرین فتنه‌ای است که همگی اتفاق نظر دارند که با ظهور حضرت مهدی عَجَلِ اللهُ تعالی فرجه الشریف از بین خواهد رفت. همان فتنه‌ای که ویژگی‌های آن منطبق بر فتنه غرب است که اثر آن در این قرن بر ملت‌های مسلمان آشکار شده و دشواری‌های بسیاری را به دنبال داشته است و

۱. کورانی، علی، عصر ظهور، ترجمه عباس جلالی، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵، ص ۳۹.

۲. همان، ۳. همان، ص ۴۰.

۴. مجلسی، محمد باقر، مهدی موعود، ترجمه علی دوانی، ج ۲۹، دارالکتب اسلامیة، ۱۳۸۱،

ص ۹۸۸؛ کورانی، علی، همان، ص ۴۱.

در این میان دشمنان شرقی ما نیز با آنان همکاری کرده‌اند.

ایتک به نمونه‌هایی از روایت‌های شریفه که در زمینه آشوب‌های خونین دوران ظهور در جوامع روایی آمده است، اشاره می‌کنیم. از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که ایشان فرمودند:

چهار فتنه و آشوب بر امت من وارد می‌شود که در فتنه اول خونریزی و در فتنه دومی، خون‌ها و اموال و در فتنه سومی خون‌ها و اموال و زنان حلال شمرده می‌شوند. چهارمین فتنه و آشوب، کور و کر و همه‌گیر و همچون حرکت کشتی در دریای متلاطم خواهد بود به گونه‌ای که هیچ‌یک از مردم پناهگاهی نمی‌یابند. آن فتنه از شام برخاسته و عراق را فرا می‌گیرد. (جزیره) را زیر دست و پای خود به شدت کوبیده و بلا و گرفتاری مردم را مانند پوست دباغ‌خانه گوشمالی می‌دهد و هیچ‌کس قادر نیست بگوید، بس کنید و دست نگه‌دارید! اگر آن‌را از ناحیه‌ای برطرف سازند از ناحیه‌ای دیگر سربرآورده شده و ظاهر می‌گردد.^۱

و در روایتی دیگر می‌فرماید:

سوکنند به آن کس که جنابم در دست اوست، بر امت من قومی فرمائروایی کنند که اگر دم برآورند آنها را کشته و اگر سکوت نمایند همه چیز آنها را مباح می‌شمرند، اموال آنان را از آن خود گردانده و با زیر پا گذاشتن نوامیس آنها، خویشان را ریخته و دل‌هاشان را مالا مال از کینه و وحشت می‌گردانند. آنان را پیوسته هراسان و پریشان و بیمناک می‌بینی. در این هنگام گروهی از مشرق و جمعی از مغرب آمده و بر امت من

۱. طبیرسی توری، اسماعیل، کفایة الموحدين، ج ۳، علمیه اسلامیة، ص ۱۱۴؛ کورانی، علی، همان، ص ۴۲.

فرمانروایی کنند، پس وای بر حال ضعیفان امت من از دست آن ستم‌پیشگان و وای بر ستمگران از عذاب الهی زیرا آنها نه به کوچک رحم نموده و نه حرمت بزرگ و پیر را نگاه می‌داند و از هیچ‌کاری روی گردان نیستند. اندامشان آدمیان، اما دل‌هایشان، دل‌های شیاطین است.^۱

این روایت گرائمایه از ارتباط دو جانبه استبداد داخلی و استعمار خارجی برده برداشته و علت سلطه کفار شرق و غرب بر امت اسلامی را فشار ستم و تجاوز حاکمان داخلی بر امت‌های مسلمان نظیر حکومت‌های مصر و الجزایر و اکثر کشورهای عربی و اسلامی و ایجاد جو اختناق و سلب آزادی آنان می‌داند.

تلاش برای سلطه جهانی: ترقند و حيله خاصی نیز که استعمار خارجی به کار می‌برد، این‌گونه است که به بهانه آزادی مردم به سرزمین آنان آمده و سلطه خود را بر ملت‌های مسلمان با زور یا تطمیع حاکم می‌سازند. نمونه عینی این مسئله در افغانستان و عراق اتفاق افتاد و آمریکا به بهانه آزادی ملت‌های افغان و عراقی به کشور آنها حمله کرد و کشورشان را اشغال نمود و زمام امورشان را در دست گرفت.

با بررسی اوضاع و احوال جامعه جهانی امروز به این نتیجه می‌رسیم که منظور این روایت و روایت‌های مشابه از استعمار خارجی چیزی جز کشورهای اروپایی سلطه‌گر و آمریکا و روسیه نیست که هر کدام به هر بهانه‌ای کشورهای مسلمان یا ضعیف‌تر (جهان سوم) را تحت سلطه اقتصادی، نظامی، فرهنگی و سیاسی خود قرار می‌دهند.

از حضرت علی علیه السلام نقل شده است که:

حکومت اهل بیت پیامبر شما که دارای غلامات و نشانه‌هایی است در

آخر الزمان پدیدار می آید... از جمله زمانی که رومیان و ترکان، دیگران را علیه شما بشورانند و تیروها بسیج گردند... و ترک ها با رومیان به مخالفت برخاسته و جنگ در روی زمین افزایش یابد.^۱

روشن است که سخن امام علی^{علیه السلام} درباره فتنه و آشوب رومیان و ترکان و حرکت آنان در یورش علیه سرزمین های اسلامی در جهت آشوب، از نشانه های ظهور حضرت مهدی^{علیه السلام} می باشد و منظور از استعمار سرزمین های اسلامی، همان سلطه یافتن رومیان و ترکان است که خوی استبدادی آنها نشان می دهد کشمکش و اختلاف آنها (با وجود این که با یکدیگر هم پیمان بوده اند) بر سر تقسیم و سلطه یافتن در قلمروهای تحت نفوذشان می باشد. اما در همان حال در دشمنی با ما متحد شده و در تجهیز تیروها علیه مسلمانان با یکدیگر همکاری می نمایند.

از پیامبر اکرم^{صلی الله علیه و آله} در مورد وضعیت دوران ظهور روایت شده که فرمودند: وای بر عرب از شری که به آنها نزدیک است بآل ها، چیست آن بآل ها؟ بادی که وزش آن نابود کننده است و بادی که وزش آن برانگیزاننده است و بادی که وزش آن سستی آور است، وای بر آنها از گشتار سریع و مرگ آنی، و گرسنگی دردناک، بلا و گرفتاری بر سر آنان فرو ریزد فرو ریختنی.^۲

ممکن است مراد از بآل ها هواپیما باشد که هم چون باد سریع و آرام می آید و سبب گشتار زیاد و باعث مرگ و میر آنی می گردد. و یا این که بادی است که از موج بمب های قوی و ضعیف ناشی می گردد؛ هم چنان که احتمال دارد که این

۱. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ج ۵۲، دار احیاء التراث العربی، ص ۲۰۸.

۲. کوزانی، علی، همان ص ۵۱.

بال‌ها همان چیزی باشد که در روایت‌های دیگر آمده است که حضرت مهدی عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف از این بال‌ها در نبرد با سفیانی و یهودیان و رومیان در آزادی قدس استفاده خواهد نمود.

بحران هویت در جوامع غربی: در جامعه کنونی اروپا و آمریکا فساد و

تباهی موج می‌زند. بحران هویت از مشکلات اصلی جامعه آنها است. بر این اساس، مردم این جوامع روز به روز به پوچی می‌رسند و تنها راه نجات خود را در اسلام می‌بینند. از این رو، گرایش مردم به سوی اسلام گسترش یافته است. «جهان غرب با وجود تلاش‌های فراوانی که در راستای حاکمیت ارزش‌های مادی انجام داده است، اما در حال حاضر با دو بحران اصلی و محوری درگیری جدی دارد که نحوه رفتار آن با این دو بحران کیفیت ادامه حیات جهان غرب را تعیین می‌کند. رشد گرایش عمومی به مذهب و اعتقاد نظریه‌پردازی به کارکرد اجتماعی دین در کنار تلاش ایشان بر استمرار قوانین غربی که یک پارادوکس عملی می‌باشد، دو بحران اصلی است که با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران اقبال عمومی جهانی به مسائل اعتقادی و الهی رشد چشمگیری یافت و در این امر و حرکت مهم جهانی اراده مادی‌گرایانه متوئیان تمدن غرب بی‌اثر بوده است. این احیای مجدد دینداری در عالم بزرگ‌ترین چالش را برای جهان مادی به وجود می‌آورد که با عقب‌نشینی آنها نیز همراه بود.»^۱

این امر به گونه‌ای واضح و آشکار است که بسیاری از نظریه‌پردازان غربی به آن اعتراف کرده‌اند: «در چند سال اخیر در سراسر آمریکا رویکرد دویارهای به مذهب در بین عموم مردم به وجود آمده است. آنها در ادامه پروژه خود آورده‌اند

۱. جامعه مورخین حوزه علمیه قم، «وضعیت فعلی مذهب در آمریکا»، نشریه نصر، سال اول،

که شکست راد حا های لیبرال و سکولار واضح می باشد و به این خاطر بسیاری از مردم به سمت کمک به مؤسسات مذهبی روی آورده اند. به خصوص در جولای ۱۹۹۹ «مؤسسه گالوپ» که یکی از مؤسسات معروف آمارسنجی در آمریکا است، در گزارشی آورده است که در نتیجه تیراندازی اخیر در مدارس دولتی افراد زیادی درخواست بازگشت به ارزش های سنتی خانوادگی مانند تپایش در کلاس های مدارس را دارند و همان مؤسسه در یک نظرسنجی که به کمک شپه «سی.ان.ان.» و روزنامه «یو. اس. ای تودی» انجام داده است تأکید می کند که ۷۰ درصد مردم آمریکا طرفدار تپایش در مدارس هستند.^۱

نظریه پردازان آمریکایی با اعتراف به عجز تبلیغاتی خود در این گزارش پیرامون وضعیت معنوی جامعه می نویسند:

در ادامه پروژه با آمارهای مهمی که توسط مؤسسات نظرسنجی آمریکایی مخصوصاً مؤسسه گالوپ تهیه شده است، استناد می کنند و آورده اند که: ۹۲ درصد مردم آمریکا اعتقاد به خداوند یکتا و قدرتمند دارند، ۸۸ درصد اعتقاد به معجزه، ۸۵ درصد اعتقاد به بهشت و ۷۲ درصد اعتقاد به جهنم دارند. حدود ۱۰۰ میلیون انسان بالغ آمریکایی قسمتی از عید پاک روز یکشنبه سال ۱۹۹۹ را در کلیسا گذراندند، ۶۱ درصد از افراد بین ۱۸ تا ۲۹ سال گفته اند که عضو یک کلیسا یا کنیسه هستند و این میزان برای سنین بین ۳۰ تا ۴۹ سال به ۶۶ درصد و افراد بالای ۵۰ سال به ۷۶ درصد می رسد. گذشته از بحران رشد معنویت که به طور فزاینده و از منبعی خارج از مرزهای جغرافیایی دو محدوده تمدن غرب، آنها را تهدید می کند، تمدن غرب از درون نیز با

چالش مهمی درگیر است و آن مواجه شدن با یک پارادوکس عملی در نحوه رفتار در برابر رابطه دین و مسائل اجتماعی می باشد که خود این امر به تنهایی حیات تمدن الحادی را با تهدید جدی مواجه ساخته است.^۱

جامعه جهانی و ویژگی های سیاسی دوران ظهور

به طور کلی در حال حاضر جایگاه دین در عرصه اجتماع غرب را از دید نظریه پردازان و عامه مردم می توان به دو گروه و دو دیدگاه فکری و فرهنگی تقسیم کرد:

اول، گروه های بسیاری از طبقه متفکران و عامه مردم در کشورهای غربی که اعتقاد راسخی به کارکرد اجتماعی دین پیدا کرده اند و برای به عینیت رساندن آن تلاش می نمایند. دوم، آن گروه از سردمداران و نظریه پردازان غربی که کاملاً توجه دارند به این که اگر قرار باشد به طور مطلق به ترویج اثرات مثبت مذهب در اجتماع بپردازند به مرور زمان جایگاه دین در امور اجتماعی رشد چشمگیری خواهد داشت و این به معنی شکست دیدگاه های مادی گرایی و سکولار غرب و در نتیجه باعث سرعت پیدا کردن نابودی غرب خواهد شد. از این رو است که به شدت به مخالفت با حضور مذهب در عرصه اجتماع و ترویج تفکرات سکولار می پردازند، مسائلی مانند تصویب قوانین اخیر دیوان عالی آمریکا نشان می دهد که این مخالفت ها اثر اولیه خود را به مرور از دست داده است.^۲

به طور قطع سردمداران آمریکا و اروپا می دانند که اسلام تنها دین الهی است

۱. همان.

۲. جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، همان، صص ۱۰ - ۱۲.

که می‌تواند باعث نابودی جهان غرب گردد زیرا که عصاره اصلی و عامل محرک آن مذهب تشیع می‌باشد. البته کافران در کفر خود سعه صدر فراوانی دارند و چون می‌دانند نام بردن از فرهنگ شیعی به عنوان خطر اصلی جهان غرب باعث ترویج و گسترش قدرت شیعیان خواهد شد، از این جهت سعی می‌کنند تا آنجا که ممکن است از ذکر مستقیم و بی‌پرده نام تشیع خودداری کنند و برای رساندن مقصود خود معمولاً اصطلاحاتی نظیر: «اسلام سیاسی»، «تروزیست‌های بنیادگرا» و مانند آنرا استفاده می‌کنند. امید است که مسلمانان با تشخیص به موقع و برگزیدن راه کارهای مناسب، نقشه دشمنان را خنثی سازند.

رومیان: منظور از روم در روایت‌های مربوط به آخرالزمان و ظهور حضرت مهدی علیه السلام کشورهای اروپایی و آمریکایی می‌باشند که فرزندان روم و وارثان امپراطوری تاریخی رومیان هستند. «گاهی گفته می‌شود، رومیانی که خداوند متعال سوره‌ای درباره آنان نازل فرموده و پیامبر صلی الله علیه و آله و مسلمانان بعدها با آنان پیکار نمودند، غیر از اینان هستند زیرا آنان بیزانس‌ها بودند که پایتخت آنان ابتدا شهر «رم» در ایتالیا و سپس شهر «قسطنطنیه» گردید تا این که مسلمانان حدود ۶۰ سال پیش آنرا فتح نموده و «اسلامبول» نامیدند و مردم آن را استانبول تلفظ نمودند.»^۱

در صورتی که در پاسخ به این دلیل‌ها می‌توان گفت:

«صحیح است که رومیان هنگام نزول سوره مبارکه روم و صدور روایات درباره آنان، از طرفداران امپراطوری روم یا بیزانس [معروف] بودند اما غربی‌های امروز، افرادی غیر از آنها نیستند، بلکه ادامه سیاست و تمدن آنها به حساب آمده و بخشی از آنان شمرده می‌شوند و منتهی فرانسه و بریتانیا و آلمان و غیر آن، از

لحاظ فرهنگ و سیاست و دین، ارکان حقیقی امپراطوری روم می‌باشند و این‌که آنها در آن زمان مناطق تحت نفوذ روم و (مستعمرات آن) نامیده می‌شدند، این حقیقت را نفی نمی‌کند.^۱

در مورد ریشه و نژاد اروپایی‌ها می‌توان گفت:

«سرداران بیزانس روم که به مدت ۲ هزار سال پایتختشان رم و قسطنطنیه بوده، از نژاد ایتالیایی و ریشه واحدی نبودند، بلکه از ریشه و نژادهای متعدد اروپایی بودند و بعد از آن‌که یونان جزئی از امپراطوری روم گردید، گاهی در میان آنان یونانیان نیز به چشم می‌خوردند و شاید به همین دلیل باشد که وقتی امپراطوری تقلیدی روم به ضعف گرایید و به قسطنطنیه و پیرامون آن محدود گردید و در محاصره دریایی ملت‌های مسلمان قرار گرفت، اروپاییان به ادعای میراث‌خواری به پاخواستار و عده‌ای از سزای کشور آلمان و غیر آن را «قیصر» (سزار) نامیدند. این نوع تغییر و تحول در امپراطوری‌ها و دولت‌ها امری طبیعی است، چراکه حکومت از کشوری به کشور دیگر و از ملتی به ملت دیگر انتقال می‌یابد و این با باقی ماندن نام و خصوصیت‌های اصلی آن مناقات ندارد.»^۲

الب) وضعیت رومیان در دوران ظهور: روایات شریعه‌ای که از آینده رومیان یا به تعبیر عرب‌ها «بنی‌اصفر» (زرد پوستان) خیر می‌دهد مرادشان فقط رومیان بیزانس ایتالیایی مثنای ملل و قبیله‌های فرهنگی و سایر قبایل وابسته به آنها نیست.»^۳

نام روم در بسیاری از روایت‌های زمان ظهور آمده، از جمله در روایت‌های مربوط به فتنه و آشوب و تسلط آنان بر مسلمانان ذکر شده است. روایت‌های

بسیاری درباره حرکت ناوگان‌های جنگی آنها بر سواحل سرزمین‌های غربی پیش از ظهور حضرت مهدی علیه السلام وجود دارد، از حضرت علی علیه السلام روایت شده که فرموده‌اند:

در ماه رمضان به هنگام صبح از ناحیه مشرق ندا دهنده‌ای بانگ برمی‌آورد که: ای اهل ایمان گرد هم آید، و از ناحیه مغرب پس از ناپدید شدن شفق، ندا کننده‌ای ندا برمی‌دهد: ای اهل باطل گرد هم جمع شوید... و رومیان به ساحل دریای نزدیک غار اصحاب کهف روی آورده و خداوند، آن جوانان را با سنگشان از غارشان برمی‌انگیزد، در بین آنان دو مرد به نام ملیخا و حملاها بوده که این دو تسلیم اوامر حضرت قائم علیه السلام خواهند بود.^۱

فلسفه ظاهر شدن آنان به هنگام فرود آمدن نیروهای غربی در آن مقطع حساس، این است که معجزه‌ای خصوصاً برای مسیحیان باشند، زیرا طبق روایت‌ها، یاران حضرت مهدی علیه السلام نسخه‌های اصلی تورات و انجیل را از غار انطاکیه بیرون آورده و به وسیله آن با رومی‌ها و یهودیان به بحث و گفت و گو می‌پردازند.

از جمله روایت‌های دیگر در این زمینه، روایت‌های مربوط به فرود آمدن حضرت عیسی علیه السلام و دعوت نمودن مسیحیان به اسلام توسط آن حضرت و پیروی از حضرت مهدی علیه السلام است، که به صورت متواتر در کتاب‌های معتبر روایی به آن اشاره شده است، چنان‌که خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

و لما جاء عيسى بالبينات قال قد جئتكم بالحكمة و لأبين لكم
بعض الذي تختلفون فيه فاتقوا الله و أطيعون^۱

و چون عیسی با معجزات برای هدایت خلق آمد گفت: من آمده‌ام با
حکمت و بعضی احکامی را که در آن اختلاف می‌کنید، از تورات بیان
سازم، پس پرهیزگار شوید و مرا اطاعت کنید.

خداوند در قرآن کریم به طور مستقیم و روشن می‌فرماید:

و إن من أهل الكتاب إلا ليؤمننَّ به قبل موته و يوم القيامة يكون
عليهم شهيداً^۲

و هیچ کس از اهل کتاب نیست جز آن‌که پیش از مرگ به وی
[عیسی علیه السلام] ایمان خواهد آورد و روز قیامت، او بر نیک و بد گواه
خواهد بود.

در حقیقت در زمان ظهور، ایمان به حضرت عیسی علیه السلام یکی از علائم
رستاخیز بوده و هنگامی که خداوند او را به دنیا فرود آورد، تمام مسیحیان و
یهودیان به او ایمان آورده و خود و معجزه‌هایش را قبل از آن‌که از دنیا برود،
می‌بینند. آن حضرت پس از معجزه فرود آمدنش از آسمان، در دگرگونی اوضاع
سیاسی و شورانیدن ملت‌های غربی بر ضد حکومت‌هایشان، نقش مهم و
اساسی خواهد داشت.

ترکان: در روایت‌ها به ترکان و نقش آنها در دوران ظهور اشاره‌های زیادی شده
است. اما درباره این‌که ترک‌ها مشخصاً چه کسانی هستند، وحدت نظر وجود
ندارد. برخی از کارشناسان معتقدند: «منظور از ترک‌ها در روایات جنبش خجسته
ظهور حضرت، روس‌ها و اطرافیان آنان از ملت‌های اروپای شرقی هستند، هر

۲. سوره نساء (۴)، آیه ۱۵۹.

۱. سوره زخرف (۴۳)، آیه ۶۳.

چند از لحاظ تاریخی مسیحی‌اند و از ملت‌های مستعمره امپراطوری روم به شمار می‌روند تا جایی که مدعی وراثت آنها شده و شاهان خود را مانند آلمانی‌ها و غیر آنها، قیصر (سزار) نامیده‌اند.^۱

باید توجه داشت که ترک‌های مورد نظر: «اول، این که از قبیله‌های گوناگون منطقه شرق آسیا - اروپا هستند که در زبان روایات و تاریخ «قبیله‌ها و ملت‌های ترک» نامیده شده‌اند و این نام علاوه بر ترک‌های ترکیه و ایران، شامل قبیله‌های تاتار و مغول و بلغارستان و روسیه و غیر آنان نیز می‌گردد.

دوم، این که مسیحیت، اخیراً به آنها سرایت نموده و اصالتاً در بین آنان رایج نبوده لذا مسیحیت آنها قشری و سطحی بوده و وضعیت ناپسامان‌تری نسبت به غرب بر آنها حاکم است زیرا مادی‌گرایی شرک‌آمیز بر آنان چیره گشته و شاید به همین دلیل است که تسلیم نظریه کمونیسم مادی‌گرا و الحادی شده و در برابر نفوذ آن مقاومت نکردند.

سوم، این که روایات مربوط به جنبش ترکان علیه مسلمانان، اگرچه پاره‌ای از آنها بر یورش ترک‌های مغول و تاخت و تاز آنها به سرزمین ما در قرن هفتم هجری منطبق می‌گردد، اما برخی از روایات، حرکت‌های آنان را که به حوادث ظهور حضرت مهدی علیه السلام متصل می‌گردد و همچنین همکاری آنها با رومیان علیه ما و اخلافتان با یکدیگر در همان زمان را بیان می‌کند و این ماجرا جز بر روس‌ها منطبق نگشته و یا این که اگر قصیه به درازا کشیده شود، بر وارثان دولت آنها از اقوامی که ریشه و تبار ترکی دارند در روسیه و اروپای شرقی منطبق است.^۲ را در بر می‌گیرد.

نمونه‌هایی از روایاتی که به نقش ترکان در دوره ظهور اشاره شده را می‌توان

۲. کورانی، علی، همان، ص ۶۱

۱. کورانی، علی، همان، ص ۶۱

ذکر کرد که از جمله این روایت‌ها، به روایت مربوط به جنگ سفیانی با ترک‌ها می‌توان اشاره کرد؛ و احتمالاً مراد از ترکان، همان روس‌ها هستند، برای این‌که سفیانی هم‌پیمان روم و یهود بوده و در روایت‌ها آمده که حرکت سفیانی در منطقه سوریه و اردن به دنبال سلطه ترکان بر سوریه پدید می‌آید.

- جنگ‌های داخلی در منطقه ترکان: از دیگر روایت‌ها، روایت مربوط به انقلاب آذربایجان در نبرد با ترکان می‌باشد. از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود:

آذربایجان برای ما لازم است، چیزی در مقابل آن یارای مقاومت ندارد و چون انقلاب‌گر ما قیام کند به سوی او بشتابید، اگر چه با رفتن چهار دست و پا بر روی برف باشد.^۱

احتمال دارد که منظور از ترکان در آن روس‌ها باشند و اولین خروج آنها قبل از جنگ جهانی دوم و بعد از آن و قبل از نشانه‌های نزدیک ظهور و اشغال آذربایجان توسط آنان خواهد بود.

برخی دیگر از روایت‌ها مربوط به حمله مغولان است. از حضرت علی علیه السلام نقل شده که فرمود:

گویا قومی را می‌بینم که چهره‌هایشان همچون سیرهای چکش خورده جلوه‌گر است، لباس‌های حریر و دیبا پوشیده و اسب‌های اصیل را یدک می‌کشند. در آنجا چنان کشتار زیاد است که مجروحان از روی بدن کشتگان عبور می‌کنند و در آن کارزار تعداد فراریان از اسیران کمتر است. یکی از یاران عرض کردند: ای امیر مؤمنان، شما به علم غیب

۱. شیخ مفید، محمد بن نعمان، الإرشاد، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، علمیه، بی‌تا، ص

آگاهید؟ حضرت خندید و به آن مرد که از بنی کلب بود فرمود: ای برادر کلبی، این علم غیب نیست، بلکه این یک نوع، آگاهی است که از صاحب دانش رسول الله آموخته‌ام زیرا علم غیب تنها علم رستاخیز و آنچه را که خداوند در آیه بر شمرده است، می‌باشد... بنابراین علم غیبی که جز خدا کسی از آن آگاه نیست، همین است و غیر از آنچه گفته شد، علمی است که خداوند به پیامبرش آموخته، پیامبر مرا بر آن آگاه ساخت و در حق من دعا فرمود تا خداوند آنرا در دل من جایگزین و درونم را از آن سرشار سازد.^۱

ویرانی سرزمین ترک‌ها، دسته‌ای دیگر از این احادیث، روایت‌هایی است که بر برخی از این روایت‌ها تا کنون به وقوع پیوسته است. چنانچه در ترکیه امروز نیز حوادثی نظیر زلزله و جنگ به وقوع پیوسته که بیشتر آنها نیز بر اثر کثرت گناه مخصوصاً در ترکیه است. سردمداران ترکیه که لائیک می‌باشند قوانین بی‌مذهبی را در جامعه رواج می‌دهند و حتی حجاب مسلمانان را نیز منع می‌کنند.

البته در تحریک عاملان دست‌نشانده در کشور ترکیه برای اجرای قوانین ضد اسلامی و جدایی دین از سیاست، استعمار انگلیس نقش مهمی داشت. به عبارت دیگر «انگلیس پس از شکست در شیوه‌های استعماری کهن، به استعمار نامرئی روی آورد تا با انتخاب مهره‌های مناسب از سرزمین‌های مستعمره، بدون هزینه و زحمت به اهداف استعماری خود نائل آید. از این رو برای اجرای مقاصد خویش با متلاشی نمودن نظام سیاسی قدیم ایران و ترکیه، آتاتورک را در

۱. شهیدی، سید جعفر، نهج البلاغه، انتشارات علمی و فرهنگی، ص ۱۲۶، خطبه ۱۲۸.

۲. طبرسی نوری، اسماعیل، همان، ص ۴۱۲.

ترکیه و رضاخان را در ایران برای استقرار نظام نوین به ظاهر مترقی در نظر گرفت تا آن دو در رأس برنامه‌های خود اسلام را که همواره مانع اغراض استعماری غربیان بود از سر راهشان بردارند. همان‌گونه که معروف است پیش از آن گلاستون وزیر امور خارجه انگلیس در مجلس عوام گفته بود: تا این قرآن در میان مسلمانان وجود دارد ما نمی‌توانیم به اهداف استعماری خود در مناطق اسلامی برسیم و باید بساط قرآن را از جوامع اسلامی برباییم»^۱

اسلام‌ستیزی جزء سیاست‌های لاینفک استعمار انگلیس است که همواره توسط عوامل دست‌نشانده خود در سرزمین‌های اسلامی اجرا کرده است. در کشور ترکیه نیز با کمک عوامل داخلی یعنی ترکان جوان در جهت حذف اسلام گام برداشت.

«انگلیس این سیاست را در جنگ جهانی اول و پس از فروپاشی عثمانی با سوء استفاده از نقاط ضعف آن امپراطوری به دست مزدور خود، آتاتورک تحقق بخشید»^۲

یهودیان:

بسیاری از آیات قرآن دلالت بر قوم یهود دارد. اولین نتیجه‌ای که از آیات در قرآن کریم گرفته می‌شود، این است که، تاریخ یهودیان بعد از حضرت موسی علیه السلام تا پایان زندگانی آنها به این صورت خلاصه می‌شود که: آنها در جامعه فساد نموده تا وقتی که هنگام مجازات و عذابشان فرا رسد و خداوند افرادی را از ناحیه خود برمی‌انگیزد تا بر آنان چیره شوند، سپس خداوند

۱. ذبیح‌زاده، علی نقی، «ترکیه لاییک، پیامد اصلاحات در دولت عثمانی»، مجله معرفت، سال دهم، ش ۴، ۱۳۸۰، ص ۷۶. ۲. همان، ص ۷۷.

بنابر مصلحت‌هایی، یهودیان را بر آنان پیروز می‌گرداند و اموال و اولاد به آنها عطا نموده و طرفدارانشان را در جهان بیشتر از آن قوم می‌گرداند. اما یهود از این اموال و یاران بهره‌برداری صحیح نمی‌نماید بلکه سوء استفاده نموده و بار دوم در روی زمین فساد به بار می‌آورند. البته این بار علاوه بر فساد، گرفتار خوی تکبر و برتری طلبی شده و خود را برتر از سایر مردم می‌پندارند و زمانی که وقت کیفرشان فرا می‌رسد، خداوند بار دیگر آن قوم را بر آنان چیره ساخته و گوشمالی سخت‌تری را بر آنان وارد می‌سازد. یعنی اولین کیفر یهودیان در برابر فسادشان در صدر اسلام به دست مسلمانان انجام پذیرفته و آنگاه که مسلمانان از اسلام فاصله گرفتند، خداوند یهودیان را بر آنان چیره ساخت و در این مرحله برای دومین بار، یهودیان در زمین ایجاد فساد و طغیان نمودند و هرگاه که مسلمانان دوباره به اسلام روی آوردند، زمان کیفر دوم فرا رسیده و به دست حضرت مهدی علیه السلام و مسلمانان انجام خواهد شد.

یهود و آشوب طلبی: تاریخ گذشته و حال یهودیان نشان می‌دهد که آنها همواره در پی آتش افروزی بسیاری از آشوب‌ها و جنگ‌ها بوده‌اند اما خداوند وعده خود را نسبت به مسلمانان و بشریت با عنایت خویش تحقق بخشیده است و مکرر حيله یهود را باطل و نقشه‌هایشان را خنثی کرده و آتش جنگ را فرونشانده است.

شاید بزرگ‌ترین آتش جنگ و آشوبی که آنان علیه مسلمانان برافروخته‌اند، همین مسئله اشغال فلسطین است که به طور مستقیم در آن وارد شده و در اکثر کشورهای جهان به طور غیر مستقیم آتش افروزی می‌کنند. البته منظور ما از افراد فرصت طلب قوم یهود «صهیونیسم بین‌المللی» می‌باشد، زیرا بسیاری از یهودیان، افکار و اعمال نژادپرستانه صهیونیسم را قبول ندارند. چنان‌که رهبر معظم

انقلاب اسلامی در یکی از خطبه‌های خود فرمودند:

در حدود یک صد سال قبل، یک هسته صهیونیستی با هدف انتقام‌گیری از نوع بشر، در اروپا به وجود آمد تا به تلافی زیر فشار بودن و سرکوب و تحقیر یهودیان در ۲۰ قرن گذشته که برخی به حق و برخی ناحق بوده است، با ایجاد فتنه و فساد و دور ساختن مردم از فرهنگ انسانی فعالیت کنند، که از جمله وسایل کار این هسته صهیونیستی روزنامه‌های نیویورک تایمز، واشنگتن پست، مجله نیویورکر، وال استریت ژورنال و ده‌ها رادیو و تلویزیون وابسته به فیلم‌سازان و کارگردانان مختلف می‌باشند که از این طریق، این مخالفت علنی و تبلیغی خود را علیه جنبش‌ها و انقلاب‌های مردم - به خصوص مسلمانان - عملی سازند.^۱

- رسانه و سلطه اقتصادی عامل قدرت: یهود با دست‌اندازی بر رسانه‌های جهانی و شریان‌های اقتصادی و ترویج مکاتب سرمایه‌داری با تمام توان به مقابله با اسلام برخاسته است تا در پس پرده حقوق بشر و شعارهای جهانی اهداف خویش را علیه اسلام و مسلمانان عملی سازد. در حقیقت «مسئله یهود در دنیای امروز» خصوصاً به شکلی که در آمریکا و اسرائیل جلوه‌گر شده مسئله تازه‌ای نیست و سوابق دیرینه‌ای دارد. شکی نیست که این مسئله در دوران ما ابعاد بسیار وسیعی یافته و به اشکال بی‌سابقه و متنوعی ظاهر شده است اما ریشه‌ها و علل بروز آن در تصویری که قرآن کریم از قوم یهود ارائه می‌دهد قابل جستجو است. بسیاری از خصایص و ویژگی‌هایی که قرآن کریم به قوم یهود نسبت می‌دهد در جهان امروز به صورت مکاتب گوناگون فکری، فلسفی، سیاسی و اقتصادی

۱. صدا و سیما جمهوری اسلامی، صدا و سیما در کلام مقام معظم رهبری، ص ۶۴ (در

درآمده و در قالب نظام‌های حکومتی و نهادها و سازمان‌های ملی و بین‌المللی استقرار یافته است. شرایع الهی و تعالیم انبیا علیهم‌السلام در دوران کنونی یا مسخ و تحریف شده و یا به کلی نفی و تکذیب گردیده است و دنیا پرستی و مادی‌گرایی، در اشکال مختلف سیانیسم، کاپیتالیسم، سوسیالیسم، اومانیسم، لیبرالیسم و هزاران ایسم دیگر، جایگزین آن شده است.^۱

صهیونیسم با سلطه اقتصادی سعی کرده است جریان سرمایه جهانی را در راستای اهداف خود هدایت کند. در حقیقت «نظام فاسد سرمایه‌داری با استفاده از مؤسسات بانکی و تراست‌های عظیم بین‌الملل، کنترل جریان‌های اقتصادی و به تبع آن نظام‌های سیاسی و حکومتی را در کشورهای مختلف به دست گرفته و جهان را به سوی مقاصد استکباری خود سوق می‌دهد. جنگ و صلح، شکوفایی اقتصادی و صنعتی، فقر و قحطی و عقب‌ماندگی، تحولات سیاسی و اجتماعی و جریان‌های فرهنگی و هنری، رسانه‌های ارتباطی و خبری و افکار عمومی، همه و همه به شکلی با این شبکه جهانی مرتبط بوده و از آن تأثیر می‌پذیرد. اسلام یگانه حقیقت‌زنده و پویای جهان، آماج کینه‌ها و خصومت‌ها قرار گرفته و روزی نیست که خون پاک مسلمانان به تیغ دشمنان دین خدا بر خاک جاری نشود. از پس سیمای کنونی جهان خطوط اصلی چهره یهود را آن‌گونه که قرآن کریم ترسیم نموده می‌توان دید، حتی اگر نقاب حقوق بشر و نظم نوین جهان را بر چهره داشته باشد.^۲

اسلام ستیزی یهود: در ذات یهود، ستیز با اسلام و مسلمانان نهفته است همچنان که شیطان خصم و کینه را علیه انسان تا رستاخیز به جان خرید: «اگر پذیرفته

۱. قوزد، هنری، یهود بین‌الملل، ترجمه سید محمد آویسی، مؤسسه فرهنگی پژوهشی ضیاء

۲. همان، ص ۲.

اندیشه، ص ۱.

باشیم که دشمن‌ترین دشمنان در مقابل ادیان الهی و مخصوصاً اسلام، یهود مادی ماده پرست دنیادار است و اگر قبول کنیم که بسیاری از جریانات دنیای مادی امروز، لافل در بخش عظیمی از جهان در چنگ یهود است، مثل استعمار و اقتصاد و ترویج مادیگری، سینما و تلویزیون و وسایل خبری و ارتباط جمعی آن وقت ضروری است که وضع اینها را هم نسبت به تفاوت دو بیان کلامی و تصویری، مورد نظر و توجه قرار دهیم. یهود، فرهنگ ملموس محسوس قابل اندازه‌گیری و شمارش و دیدنی و تصویری را می‌پسندد و می‌فهمد و ترویج می‌کند. یهود، امروز قهرمان هنر تصویری سینماست. اما در تمام طول تاریخش، حتی یک شاعر که سرش به تنش ببرزد نداشته است.^۱

ارائه الگوهای خاص برای جذب جوانان از اهداف اولیه صهیونیست‌ها است در حالی که ما مسلمانان در این زمینه با وجود الگوهای ناب کار نکرده‌ایم. و اگر امروز ما «هنر سینما و فرهنگ تصویری نداریم - علاوه بر دلایل دیگر - از نظر فرهنگی به آن علت است که مسلمانیم و اگر آمریکا دارد، به دلیل حضور یهود در «هالیوود» است. آلمان هم سینما ندارد اما همین آلمان فاقد سینما و حتی فاقد نقاشی، هم فلسفه دارد و هم موسیقی؛ یعنی نوعی کلام و معنی و صدا. یهود اگر شاعر ندارد ولی قصه‌نویس دارد و داستان‌نویس‌های یهودی به شدت در پی تصویرسازی هستند. همچنان که موسیقی دانان و آهنگ‌سازان آنها در این زمینه بسیار فعال هستند.^۲

- سلطه اقتصادی: گذشته از مسائل فرهنگی که یهودیان به نفع خود در جهان امروز تلاش می‌کنند، مسائل اقتصادی آنها نیز بسیار قابل توجه است که حربه اصلی در مقابله با مسلمانان است که در ذات و ماهیت نژاد یهودی نهفته است.

هدف اصلی یهود نابودی ادیان الهی از جمله اسلام است. زیرا «یهود از زمانی که در کشورهای مختلف وارد کار تجارت شده است همان توانایی و لیاقتی را که توسط آن طی قرون خود را حفظ و تثبیت نموده از خود نشان داده است. توانایی او در تجزیه و تحلیل جریان‌های پولی، استعدادی غریزی است. استقرار یهود در یک کشور همیشه به منزله پایگاهی برای فعالیت هم‌توآدان او محسوب می‌شد. همه جوامع تجاری یهود به حکم نوعی موهبت ذاتی یا بر طبق برنامه‌ای از پیش تعیین شده مبتنی بر وفاداری و وحدت نژادی، با یکدیگر مرتبط بودند»^۱

هر قدر سلطه اقتصادی یهود بیشتر می‌شد، همچنان که این مجامع ثروتمند، قدرت و اعتبار بیشتری کسب کرده و با حکومت‌ها و مؤسسات تجاری بزرگ در کشورهای محل فعالیت خود ارتباط برقرار می‌کردند، مجمع مرکزی را در هر کشوری که بوده، در اسپانیا، هلند یا انگلستان، بیش از پیش تقویت می‌نمودند، آنها به واسطه پیوند نژادی بیش از بختی‌های مختلف یک واحد تجاری با هم اتحاد پیدا می‌کردند. علقه اخوت نژادی ماهیتاً نمی‌تواند آن‌گونه که در میان یهودیان وجود دارد در بین غیر یهود وجود داشته باشد. غیر یهود، هرگز به خود به منزله غیر یهود نمی‌نگرند و احساس نمی‌کنند که از این بابت چیزی به هم می‌پوشند. آسیب‌پذیری آنان در همین نکته نهفته است و نیز از این روست که آنان هر جا و هر زمانی که سلطه گران یهودی منصلحت نمی‌دانسته‌اند که مورد شناسایی قرار گیرند، به صورت عوامل متناسبی در خدمت توطئه‌های یهود به کار گرفته شده‌اند.^۲

کنترل مراکز اقتصادی، یهود یا کنترل مراکز اقتصادی و تجاری، تبض اقتصادی کشورهای را در دست گرفته است تا در مواقع لزوم در جهت سیاست‌های

استعماری خویش کشورها را وادار به اطاعت سازد و آنها را از اتخاذ سیاست‌های ضد یهودی بازدارد. یهود با گرفتن نیروها از داخل کشورها از میان بانکداران و تحلیل‌گران ارزشد کشورها و هدایت و نفوذ آنها در کشورهای مورد نظر در راستای سیاست‌های خویش گام برداشته است.

هر ملتی که به یهودیان بی‌مهری می‌کرد در رنج و سختی واقع می‌شد و کشوری که در برابر خواسته یهود سر تسلیم فرود می‌آورد، مورد عنایت قرار می‌گرفت. یهودیان طعم ناخشنودی خود را به بسیاری از ملت‌ها چشاندند و این سیستم امروز هم قدرتمندتر از گذشته وجود دارد. هماهنگی فعالیت‌های یهود برای جهان زیان‌بخش بوده است. این چیزی است که مسئله یهود را به محکمه افکار عمومی می‌کشاند. آیا یهود بین‌الملل می‌تواند راه گذشته را هم‌چنان ادامه دهند یا این که وظیفه او در قبال جهان ایجاب می‌کند که او موفقیت خویش را در مسیر دیگری به کارگیرد؟^۱

استفاده از سیستم جاسوسی: از نظر سیاسی و جاسوسی نیز صهیونیسم شیوه خاصی را برگزیده است. همکاری میان وزارت جنگ آمریکا و سازمان‌های یهودی و صهیونیستی دیرپا و اسوار است. در موارد بسیاری، مسئولان آن وزارتخانه از رهبران یهودی خواسته‌اند که در تصویب بودجه سنگین وزارتخانه‌شان در کنگره آمریکا به آنان کمک کنند و در برابر، تعهد سپرده‌اند که کمک‌های نظامی نامحدودی به اسرائیل ارائه دهند.^۲

حمایت‌های مستقیم آمریکا از فرزندان نامشروع خویش (اسرائیل) در

۱. همان، ص ۷۷.

۲. لیلیانتال، آلفرد، ارتباط صهیونیستی، ترجمه سید ابوالقاسم حسینی (ژرفا)، مؤسسه فرهنگی پژوهشی ضیاء اندیشه، ص ۱۵۶.

زمینه‌های مالی، بخصوص نظامی و تسلیحاتی در هر دو حزب جمهوری خواه و دمکرات همواره مدنظر بوده است. هرمان بوکبايندر نماینده «کمیته یهود آمریکا» در واشنگتن با رقم‌های سنگین بودجه نظامی آمریکا مخالفت کرد. اما هنگامی که مسئولان وزارتخانه به وی یادآوری کردند که یک سوم ذخایر سلاح‌های آمریکا در جنگ اکتبر ۱۹۷۳ (مهر ۱۳۵۲) به اسرائیل روانه شده، بوکبايندر از موضع خود بازگشت و از تأییدکنندگان همان بودجه نظامی تنظیم شده به وسیله نظامی‌ها شد. یکی از رهبران یهود با اشاره به همکاری پیشین دولت آمریکا و سازمان‌های یهودی گفت: رهبران یهود از سوی دولت‌های زمان ریاست جمهوری جانسون و نیکسون زیر فشار بودند تا از شدت مخالفت خود با جنگ ویتنام بکاهند. در برابر دولت آمریکا تعهد سپرده بود که سخاوتمندانه به اسرائیل کمک کند.^۱

این مسائل تنها گوشه‌ای از حرکات مودیان اسرائیل در جهان می‌باشند. در اینجا به جااست که تاریخچه مختصری از اشغال سرزمین فلسطین در جهت توسعه فعالیت‌های خویش و تحقق ایده‌های صهیونیستی اسرائیل بیان کنیم، تا اندکی از ماهیت متجاوزانه صهیونیسم سیاسی و حامیان آن در غصب حق و حقوق ملتی مظلوم آشکار شود.

سرزمین موعود (اشغال فلسطین): طرح سرزمینی برای تشکیل حکومت یهود از شکل‌گیری پروتکل‌های یهود تا چاپ آن در ۱۹۵۰ مطرح بود^۲ به صورت انتقال مداوم یهودیان از نقاط مختلف جهان به فلسطین شروع شد و تا قرن ۱۹

۱. همان، ص ۱۵۷.

۲. مجموعه مقالات پژوهش صهیونیست، به کوشش محمد احمدی، مؤسسه فرهنگی ضیاء اندیشه، ص ۲۸.

دوره‌های مختلف را پیمود. به دنبال انتقال یهودیان و خرید زمین‌ها توسط استعمار انگلیس در اواخر قرن نوزدهم، شورش‌هایی در فلسطین برپا شد و انگلستان که در این سال‌ها مدافع عثمانی بود، ناگهان تغییر روش داد و در برابر عثمانی قراز گرفت و از شورشیان حمایت کرد. زیرا در این میان هندوستان، مهم‌ترین مستعمره انگلیس و منبع قدرت و ثروت آن بود و لذا برای حفظ هندوستان ناگزیر از تسلط بر ممالک آسیا و جلوگیری از خطر تهاجم روسیه و فرانسه (دو رقیب مقتدر) اروپایی به هند بود و باید بر کاتال سوئز که دست عثمانی بود، مسلط می‌شد.^۱

دولت انگلیس با سیاست‌های دوگانه خود اعراب را به شورش علیه ترک‌های عثمانی تحریک می‌کرد. از جمله - حسین - امیر مکه را که نماینده عثمانی در حجاز و مردی جاه‌طلب بود تحریک کرد که با حمایت انگلیس از عثمانی جدا شود. در ۱۹۱۶ (۱۳۳۴ ق) قرار داد «ساینکی - پیکو» و «سازونف» میان روسیه، فرانسه و بریتانیا، سه قدرت اصلی اروپا به امضا رسید که سرزمین‌های تجزیه‌شده عثمانی را میان خویش تقسیم کنند. اما انگلستان که چندی بعد آن پیمان را متایر با سلطه خود بر کاتال سوئز دید در ۱۹۱۷ (۱۳۲۵ ق) با استفاده از ضعف روسیه و انقلابی که در آن کشور به وقوع پیوست، از پیمان سرباز زد و فلسطین را تحت قیمومیت خویش درآورد.^۲

در همین راستا بود که دولت انگلیس به کمک یهود آمد و با ادعای موهوم وحدت نژادی یهودیان عالم که به لحاظ واقعیت‌های تاریخی به شدت مخدوش و مردود است در انگلیس مطرح و دامن‌زده شد و عده‌ای از یهودیان، اندیشه

۱. امام خمینی رحمه‌الله، فلسطین از دیدگاه امام خمینی. چاپ سوم، تهران: موسسه تنظیم و

نشر آثار امام خمینی، ص ۱۸۶. ۲. همان، ص ۱۸۷.

ملت واحد یهود را مطرح و جهت تشکیل کشوری مستقل برای استقرار آن ملت، اقداماتی را شروع کردند که مورد تشویق و حمایت جدی دولت انگلیس قرار گرفت. این عده گرفتن کمک‌های مالی از یهودیان ثروتمند را آغاز نموده و برای پیشبرد مقاصد خود، حزبی را تشکیل دادند و نام صهیون را که نام کوهی در فلسطین است و آرامگاه حضرت داوود و حضرت سلیمان و عده‌ای از انبیای یمنی اسرائیل در بالای آن قرار دارد بر خود نهادند.^۱

این اقدام با مخالفت عده‌ای از روحانیون یهود که از اهداف سیاسی آن آگاه شدند، روبه‌رو گردید، اما در اوایل قرن بیستم با حمایت استعمار پیر انگلیس، راه حل تشکیل یک کشور یهودی در برابر ضدیت با مسلمانان جهان مطرح شد و به این ترتیب نطفه شوم اسرائیل در فلسطین منعقد گردید.^۲

پرسش اصلی در اینجا این است که «چرا فقط فلسطین؟» در پاسخ به این سؤال می‌گوییم که مجموعه‌ای از عوامل، به انتخاب فلسطین انجامید. از این مجموعه عوامل، دسته‌ای به خود یهود مربوط است و دسته‌ای با استعمار اروپایی پیوند دارند. دلیل این انتخاب در سطح یهود این بود که فلسطین دارای بیشترین جاذبه برای یهودیان است، زیرا که احساسات دینی و عاطفی یهود می‌تواند با آن مرتبط شود. که در غیر فلسطین به دشواری می‌توان تا این اندازه یافت. بنابراین انتخاب فلسطین، موفقیت برنامه‌های صهیونیستی را دربرداشت، هم‌چنان که «هرتزل» می‌گفت: نام فلسطین به تنهایی «فریاد جامعه بزرگ است». روزنامه‌نگار فرانسوی، اریک رولو مشاهده کرده است که: وقتی از قدس یاد

۱. همان.

۲. رک: حکیمی، محمود، نگاهی به تاریخ معاصر جهان یا بحران‌های عصر ما، امیرکبیر، ص

می‌شود، پدیده‌ای شبیه به جنون شیدایی و هیستری بر صهیونیست‌ها مستولی می‌شود، در نتیجه همه ارزش‌های منطق سیاسی را فراموش می‌کنند تا خود را تسلیم معرکه عاطفی برافروخته و خروشان کنند. اگر چه آن دوره‌هایی که در فلسطین حکومت یهودی یا حکومت صلیبی ایجاد شده است، یک تاریخ نیست بلکه از نوادر و نقطه‌هایی از تاریخ است که نمی‌توان بر مبنای آن قیاس کرد.^۱

ماهیت تجاوزطلبانه، نقشه و برنامه رسیدن صهیونیست‌ها به اهداف جهان خواری خود توسط هرترزل در پروتکل یهود تهیه و تنظیم شده است. در این پروتکل مقاصد و اهداف یهودیان را در طی چند قرن فاش می‌کند. وی در پروتکل چهارم به وضوح اهداف و نیت شوم یهودیان را آشکار می‌سازد. در این سند آورده است:

برتری ما به عنوان امت برگزیده و انسان‌های برتر در مقابل غیر یهودیان، که صرفاً ذهن غریزی و حیوانی دارند، به وضوح مشاهده می‌شود... روشن است که خود طبیعت از پیش مقدر ساخته است که ما بر جهان حکومت کنیم و آن را رهبری نماییم.^۲

بر این اساس مشاهده می‌شود که نقشه واقعی یهود و درک استعمارگر از ابتدا شعاعی وسیع‌تر از این داشته است و هنوز هم برای اجرای آن دنبال فرصت هستند. [چنان‌که] از گفته‌ها و نوشته‌های آنها برمی‌آید، هدف این است که تمام یهود عالم که تقریباً پانزده میلیون نفرند در این منطقه جمع شوند و حکومتی مستقل و محکم تشکیل دهند و برای این منظور مساحتی چندبرابر خاک

۱. توفیق عطاری، عادل، تعلیم و تربیت صهیونیستی در فلسطین اشغالی و دیاسپورا، ترجمه مجتبی بردبار، مؤسسه زیتون، ص ۵۴.

۲. پژوهش صهیونیست، همان، ص ۳۸.

اسرائیل را لازم دارند. نقشه‌هایی که برای اسرائیل ایده‌آل آنها به صورت رسمی از طرف دولت منتشر شده، شامل تمام فلسطین و اردن، سوریه، لبنان، مقدار زیادی از عراق، قسمت وسیعی از مصر (تمام صحرای سینا و دلتای نیل) و قطعه‌ای از حجاز که مشتمل بر مدینه منوره است، می‌باشد. و مکرر دم از اراضی خبیر می‌زنند. در نقشه‌های مدارس یهود، کنار اردن و بقیه فلسطین نوشته شده است:

اسرائیل فعلاً در دست اعراب است.

در خصوص تصرف مسجد الاقصی و آرزوی بنای هیکل سلیمان بر قبه صخره مقدس بسیار سخن می‌گویند.^۱ و چه زیبا امام خمینی رحمه‌الله بنیانگذار جمهوری اسلامی با هوشمندی و دشمن‌شناسی خاص خویش به اهداف پلید اسرائیل در تصرف اراضی به طور وسیع اشاره داشته و فرمودند:

من کرازا تذکر داده‌ام که اسرائیل از نیل تا فرات را از آن خود می‌داند و

شما را غاصب سرزمین‌های خودش می‌شمرد.^۲

فلسطین یا فراز و تشیب‌های تاریخی خود از ظهور مسیح تا اشغال صهیونیسم و مبارزات مردم بی‌دفاع و مسلمان همواره زخم کهنه‌ای است که همیشه از آن خون می‌چکد و با این که مبارزان آن کمتر طعم پیروزی را چشیده‌اند، اما همچنان خون مبارزه در نسل سوم این مبارزان می‌جوشد^۳ و چه ساده‌لوح هستند افرادی که به خیال صلح با اسرائیل می‌پندارند که مشکل فلسطین حل خواهد شد. امروز ملت فلسطین تنها راه نجات خود را در

۱. هاشمی رفسنجانی، اکبر، اسرائیل و فلسطین، جهان‌آرا، ص ۴۲ و ۴۳.

۲. مجموعه مقالات هشتمین کنفرانس بین‌المللی اندیشه‌های امام خمینی، ج ۱، سازمان تبلیغات اسلامی، ص ۴۴۸.

۳. یوالاری، حمید پاشا، امام خمینی و انتفاضه فلسطین، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ص ۶۹.

«انتفاضه»^۱ یافته است. در این میان جنگ‌های بسیاری میان اعراب و فلسطین درگرفته است مانند: «جنگ شش روزه (۱۹۶۷) و نبرد کرامه (۱۹۶۸) و جنگ رمضان (۱۹۷۳)^۲ در حالی که مردم فلسطین در خاک و خون می‌غلطیدند، سازمان ملل متحد به عنوان منجی جهانی تنها به صدور چند قطع‌نامه علیه اسرائیل بسنده کرده است تا افکار عمومی جهان را نسبت به ماهیت سازمانی خود توجیه کرده باشد. و از زیر بار مسئولیت شانه خالی کرده باشد.

«سازمان ملل متحد و ارگان‌های تابعه با وجود صدور بیش از ۷۵۰ قطع‌نامه درباره فلسطین به دلیل حمایت‌های آشکار آمریکا از رژیم صهیونیستی نتوانسته‌اند این قطع‌نامه‌ها را اجرا کنند. مجمع عمومی سازمان ملل تا پیش از قطع‌نامه‌های گذشته، جمعاً ۶۰۲ قطع‌نامه صادر کرده بود که آمریکا ضمن مخالفت با ۳۰۵ قطع‌نامه تنها ۵۱ قطع‌نامه را تأیید کرد اما در عین حال از اجرای آنها ممانعت به عمل آورد. براساس گزارش مرکز مطبوعاتی و بین‌المللی هیئت عمومی اطلاعات در غزه، آمریکا در صدر مخالفین قطع‌نامه‌های بین‌الملل قرار دارد و علاوه بر استفاده از حق وتو، حمایت بلا منازع خود را از اسرائیل اعلام کرده است»^۳

از شکل‌گیری صهیونیسم تا اشغال فلسطین و اعلام دولت اسرائیل در سال ۱۹۴۸ تا کنون بیش از ۵۷ سال می‌گذرد، و هر روز با کشتار وسیع مسلمانان

۱. انتفاضه در لغت به معنای حرکت دادن شیئی برای ریختن غبار آن می‌باشد و اصطلاحاً در فرهنگ سیاسی عرب به حرکت قبل از انقلاب (ثوره) و یا به عبارتی مقدمه سرنوشت‌ساز پیروزی یک انقلاب گفته می‌شود. امور تربیتی تهران، «انتفاضه»، رویداد و تحلیل، «یادواره فلسطین»، سال اول، ش ۱، ۱۳۷۰، ص ۱۹.

۲. امام خمینی، همان، ص ۱۸۸.

۳. «صهیونیسم سیاسی و چالش‌های فرا روی آن» روزنامه جمهوری اسلامی، سال ۲۵، ش ۱۸، ۷۰۸۰، آذر ۱۳۸۲، ص ۶.

مظلوم فلسطینی، شکاف اعتقادی یهود از صهیونیسم سیاسی بیشتر شده است. در حقیقت صهیونیسم سیاسی از اعتقادات صهیونیسم مذهبی سوء استفاده کرد. بر خلاف صهیونیسم مذهبی، هر تزل استیسا متکر خداوند و لامذهب بود. وی حتی با کسانی که به یهودیت به عنوان یک مذهب می نگریستند، مبارزه می کرد.^۱

با نگاه به اندیشه امام خمینی رحمه‌اله «باید دشمنی امام با اسرائیل و صهیونیسم را از مذهب یهود و یهودیان جدا کرد تا شبهه یهودستیزی امام از اذهان رفع گردد.»^۲ حضرت امام خمینی رحمه‌اله در تمام دوران مبارزات خویش، مسلمانان را تشویق می کرد که برای آزادی قدس و فلسطین و محور رژیم نامشروع صهیونیستی بکوشند. از دیدگاه امام، مسئله فلسطین همواره در رأس مسائل و مشکلات مسلمین و بزرگ‌ترین مصیبت جهان اسلام است. هم‌چنانکه فرمودند:

از مصیبت‌های بزرگ مسلمین، قضیه اسرائیل تجاوزکار است. ما می‌گوییم اسرائیل باید از صفحه روزگار محو شود و بیت المقدس مال مسلمین و قبله اول مسلمین است.^۳

به دلیل اهمیت قضیه فلسطین، امام خمینی رحمه‌اله آخرین جمعه ماه مبارک رمضان را به عنوان «روز قدس»^۴ معرفی کردند. تا مردم جهان ضمن راهپیمایی خود، حمایت‌شان را از مردم مظلوم فلسطین و مستضعفان جهان اعلام کرده و بی‌زاری خود را از اسرائیل

۱. گارودی، روزه، ماجرای اسرائیل، صهیونیسم سیاسی، ترجمه متوجه‌بیات مختاری، آستان قدس رضوی، صص ۱۳ - ۱۰.
 ۲. یوالاری، حمید پاشایور، همان، ص ۶۲.
 ۳. اندیشه‌های امام خمینی، ص ۴۶۴.
 ۴. همان.

و حامیانش اعلام کنند، و فریاد برآورند که:

روز قدس، یک روز جهانی است، روزی نیست که فقط اختصاص به قدس داشته باشد، روز مقابله مستضعفین با مستکبرین است، روز مقابله ملت‌هایی که در زیر فشار ظلم آمریکا و غیر آمریکا بودند در مقابل ابرقدرت‌ها است. روزی است که باید مستضعفین مجهز بشوند در مقابل مستکبرین و دماغ مستکبرین را به خاک بمالند. روزی است که بین منافقین و متعهدین امتیاز خواهد شد، متعهدین این روز را روز قدس می‌دانند و عمل می‌کنند به آنچه باید بکنند و منافقین، آنهایی که با ابرقدرت‌ها در زیر پرده آشنایی دارند و با اسرائیل دوستی، در این روز بی تفاوت هستند، یا ملت‌ها را نمی‌گذارند که تظاهرات کنند. روز قدس روزی است که باید سرنوشت ملت‌های مستضعف معلوم شود.^۱

این تیزبینی امام موجب شد که همه ساله در این روز راهپیمایی‌های عظیمی در همه جای جهان برگزار شود؛ و با حضور و اعتراض مردم آزادی‌خواه جهان و مسئله اشغال فلسطین هیچ‌گاه به فراموشی سپرده نشود.

اعراب (مصر، عراق و...): روایت‌های بسیاری درباره اعراب و اوضاع و احوال آنها و حکومت‌هایشان در زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام آمده است. از آن جمله، روایت‌های جنیش مصریان است که بیان می‌دارد که برخی از یاران امام مهدی علیه السلام از مصر می‌باشند.^۲ در کتاب ارشاد مفید و غیبت طبرسی از حسن بن جهم روایت کرده‌اند که گفت:

۱. امام خمینی، امام در برابر صهیونیسم، دفتر سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ص ۱۰۹.

۲. شیخ مفید، محمدبن محمدبن، نعمان مقید، همان، ص ۳۶۴.

مردی از امام موسی بن جعفر علیه السلام پرسید: کسی فرج آل محمد قرا می‌رسد؟ فرمود: می‌خواهی مفصل بیان کنم یا مجمل؟ عرض کردم به طور اجمال بفرمایید. امام فرمودند:

هنگامی که پرچم‌های شهر قیس در مصر و پرچم‌های کنده در خراسان به حرکت آمد، موقع فرج است.^۱

و روایت‌های دیگری که مصر را به عنوان پایگاه اندیشه و تبلیغات جهان اسلام بیان کرده و از مصر به عنوان پایگاه سخنرانی امام (متبر امام) یاد نموده است، در این میان به فرمانروایان ظالم آنها اشاره کرده است که مردم را زیر سلطه جبارانه خویش قرار می‌دهند. امام صادق علیه السلام فرمودند:

چون قائم قیام نماید، مردم را از تو به اسلام دعوت می‌کند و آنان را به امری که متروک مانده است و عموم مردم از آن جدا شده و به گمراهی رفته‌اند، راهنمایی می‌کند و او از این جهت مهدی نامیده شده است که مردم را به سوی امری گم‌شده هدایت می‌کند و قائم خوانده شده است زیرا قیام به حق می‌کند.^۲

علت این که اسلام، بر فرمانروایان و بسیاری از مردم سخت می‌باشد، این است که آنها به دوری و جدایی از آن عادت کرده‌اند. از این رو، بازگشت به قرآن و اسلام راستین و بیعت با حضرت مهدی علیه السلام و عمل به احکام اسلام برای آنان سخت و دشوار است.

اختلاف میان اعراب: روایت‌های دیگری نیز بر اختلاف میان اعراب در زمان ظهور اشاره دارد که منجر به تیرد میان بعضی از آنها می‌شود.

۱. مجلسی، محمد باقر، مهدی موعود، ص ۹۸۸.

۲. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۳۱.

از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمودند:

حضرت قائم قیام نمی‌کند مگر در حالی که ترسی شدید و فتنه و بلایی بر مردم فرارسد و قبل از آن گرفتار طاعون شوند، آنگاه شمشیر برنده میان اعراب حاکم می‌شود و اختلاف میان مردم و پراکندگی در دین و دگرگونی در حال آنان به وجود می‌آید به گونه‌ای که هرکس در اثر مشاهده درنده‌خویی که در میان برخی از مردم نسبت به بعضی دیگر وجود دارد، صبح و شام آرزوی مرگ می‌کند.^۱

مانند این روایت، روایت‌های دیگری وجود دارد که به فاصله گرفتن اعراب از عقاید و ارزش‌های خود و ابراز رأی نمودن هر صاحب‌اندیشه‌ای نسبت به اندیشه خود و دعوت کردن دیگران به سوی آن اشاره دارد.

پیمان سازش با یهود: امروزه بسیاری از حکام عرب، افرادی سست اراده و مزدور دولت‌های غربی و آمریکایی هستند و با اسرائیل روابط ضمیمانه‌ای برقرار کرده‌اند. همان‌طور که در بحث فلسطین به آن اشاره شد، به خاطر رفاه و آسایش چندروزه دنیایی خود، دست به صلح و سازش با اسرائیل زده‌اند و پیمان‌ها و قراردادهای تنگین و خفت‌بار صلح با این رژیم اشغالگر بسته‌اند. از جمله مهم‌ترین این پیمان‌ها که حکام مزدور مصر به آن تن داده‌اند، پیمان «کمپ دیوید» است.

یکی از مهم‌ترین حوادثی که در تاریخ انقلاب فلسطین روی داد و نقطه عطفی در روابط اعراب و اسرائیل بود، پیمان کمپ دیوید در سال ۱۹۷۸ می‌باشد. مصر پس از جمال عبدالناصر از اوایل دهه هفتاد و به ویژه پس از جنگ رمضان خط سازش را آغاز کرد. انور سادات در سال ۱۹۷۲ مستشاران

نظامی شوروی را از مصر اخراج کرد و در سال ۱۹۷۵ نیز قرارداد سینا را با اسرائیل منعقد ساخت و سرانجام در سال ۱۹۷۸ در محل کمپ دیوید با مناخیم بگین نخست وزیر اسرائیل و جیمی کارتر رئیس جمهور آمریکا، پیمان صلح با اسرائیل را منعقد ساخت.

در حقیقت مصر اولین رژیم عرب بود که موجودیت رژیم غاصب را به رسمیت شناخت و شکافی در میان دولت‌های عربی به وجود آورد. این واقعه در آستانه پیروزی انقلاب ایران روی داد. گرچه حوادث قبلی و خیانت کمپ دیوید آثار یأس و انفعال گسترده‌ای در میان اعراب و مسلمانان به وجود آورده بود، اما پیروزی انقلاب ایران در سال ۱۹۷۹ (۱۳۵۷ ش) و سرنگونی مقتدرترین ژاندارم غرب در منطقه و بزرگ‌ترین حامی اسرائیل یعنی رژیم شاه، روح دوباره‌ای به کالبد مبارزات ضد صهیونیستی دمید و نشاط غریبی در لبنان و فلسطین به پا خاست، به ویژه که شعار «امروز ایران، فردا فلسطین» سرلوحه شعارهای انقلاب اسلامی ایران بود.^۱

- اوضاع عراق در زمان ظهور: از دیگر کشورهای عرب که در روایت‌ها تاکید زیادی بر آن شده است کشور عراق است بنا به روایت‌های نقل شده، اشغال عراق برای سفیانی هدفی استراتژیک و فوری است که تأثیر ژرفی بر جهان اسلام می‌گذارد.

یکی از مسائل مهم امروز، بحث عراق است. آمریکا به بهانه مبارزه با تروریسم و در پی حادثه ۱۱ سپتامبر به طور جدی، عراق را تهدید به حمله نظامی کرد. در ابتدا چندین ماه، حمله به عراق را به تعویق انداخت که دلایل

چندی برای این کارش وجود داشت.^۱ ولی با این وجود، پس از سپری شدن چندین ماه بوش - رئیس جمهور جنگ طلب و مصداق بارز تروریسم دولتی - حمله به عراق را آغاز کرد و صدام در پشت پرده خیانت، عراق را به آمریکایی ها تسلیم کرد. اما در این میان وظیفه شیعیان عراق بسیار حساس و دقیق می باشد، آنها باید در موضع گیری و کسب اطلاعات و با اتکاء به ایمان و توکل به خدا و اطاعت از رهبران دینی خود مانند آیت الله سیستانی، مهاجران و اشغالگران آمریکایی و انگلیسی و سایر متحدان شان را از کشور عراق بیرون برانند و زمام کشورشان را خود در اختیار بگیرند. عملکرد آمریکا در عراق از مواردی است که خشونت و سفاکی سقیانی را در اذهان زنده می سازد.

در بین روایت های مربوط به اعراب در زمان نزدیک به ظهور و مصداق عینی آنها در جهان امروز، کشورهای فلسطین، مصر و عراق از مهم ترین آنها هستند. که

۱. پس از اظهارات «رامسفلد» در نشریه «افیرز» که گفت: بهترین دفاع، حمله خوب است و پس از زوی کار آمدن کرزای در افغانستان، یکی از روش هایی که طرفداران جنگ با عراق مطرح کرده اند، الگوی افغانستان است. در این طرح مهم ترین مسئله، وجود نیروهای معارض قوی و تاثیرگذار در عراق خواهد بود. اما به مرور زمان معلوم گشته که خود آمریکایی ها نیز به وجود این نیروهای قوی در داخل عراق بسیار مشکوک هستند. در گزارشی که سرویس تحقیقات کنگره، پس از زوی کار آمدن کرزای در افغانستان در مورد اوضاع عراق به کنگره آمریکا ارائه کرده است، نکات مهمی در مورد نظر آمریکایی ها نسبت به گروه های معارض عراقی وجود دارد. با این که در این گزارش تاکید می کند: که در سال ۱۹۹۹ حدود ۸ میلیون دلار به گروه های معارض از طرف آمریکا داده شد و بعضاً در سال های بعد این مقدار بودجه اضافه گشته است و با این که تاکید می کند: از همان سال در پایگاه هوایی هرل برت فلوریدا، این گروه ها تحت آموزش روش کشورداری قرار گرفته و آموزش های لجستیکی، کامپیوتری، ارتباطات، خبررسانی، تولید تیرو و مانند آن را فرا گرفتند. چهارم: نگرانی از بالا رفتن قیمت نفت که پس از بی ثبات شدن منطقه و با اقدامات احتمالی عراق در حمله به چاه های نفت عربستان و کویت امکان پذیر خواهد بود. بنابر گزارشاتی که خود آمریکایی ها داده اند، جنگ نفت در زمان بوش پدر حدود ۶۰ میلیارد دلار هزینه داشته است که حدود ۴۸ میلیارد دلار آن را از کشورهای منطقه و سایر متحدان آمریکا تأمین کرده اند؛ جامعه مدرسین حوزه علمیه قم معاونت جامعه و نظام، تعلق در حمله به عراق: پیروزی در جنگ با تروریسم و شکاف در عالم تشیع، صص ۲۲ - ۲۴.

امروزه در معرفی تهاجم آمریکا به عنوان رهبر لیبرال دموکراسی به عنوان مبارزه با تروریسم و دفاع از حقوق بشر صورت گرفته است که جز قتل و غارت و توحش برای سرزمین‌های اشغال شده ارمغانی به بار نیاورده است. حمله آمریکا به کشورهای منطقه تحت عنوان طرح «خاورمیانه بزرگ» را شاید در همین راستا بتوان ارزیابی کرد.

جنگ جهانی در زمان ظهور

روایت‌های بسیار زیادی بر وقوع جنگ جهانی نزدیک ظهور حضرت مهدی علیه السلام دلالت دارد و بعید است که بتوان آن را بر دو جنگ جهانی اول و دوم که در گذشته، در عصر ما اتفاق افتاده است، تطبیق نمود. زیرا خصوصیتی که برای جنگ در روایت‌ها ذکر شده است یا اوصاف دو جنگ قبلی تفاوت زیادی دارد، مخصوصاً در تعداد قربانیان این جنگ و زمانش که نزدیک به ظهور حضرت خواهد بود، حتی از برخی، از روایت‌های زیر استفاده می‌شود که این نبرد در همان سال ظهور و یا بعد از آغاز نهضت مقدس آن بزرگوار به وقوع می‌پیوندد.

امام صادق علیه السلام به نقل از امیر مؤمنان علیه السلام نقل فرمودند:

نزدیک زمان قائم دو نوع مرگ وجود دارد: مرگ سرخ و مرگ سفید و

ملخ‌هایی که به رنگ خون بوده و گاه و بی‌گاه آشکار می‌شوند، اما مرگ

سرخ یعنی شمشیر و مرگ سفید، طاعون است.^۱

و نیز امام باقر علیه السلام فرمودند:

قائم قیام نمی‌کند مگر در پی ترس و وحشت و زلزله‌ها و فتنه و آشوب و

۱. شیخ مفید، محمد بن محمد بن عثمان، همان، ص ۴۰۵.

بلاهایی که مردم گرفتار آن شوند که پیش از آن گرفتار طاعون و بعد از آن، جنگ و خونریزی بین اعراب و ایجاد اختلاف بین مردم و پراکندگی در دین شان و دگرگونی احوال آنان، به گونه‌ای که در اثر مشاهده به جان هم افتادن مردم و یکدیگر را خوردن، هر کس در صبح و شام، آرزوی مرگ می‌نماید.^۱

این مطلب دلالت دارد که مرض طاعون قبل از ترس شدیدی که عبارت از همان درگیری و جنگ عمومی است، نخواهد بود و اختلاف بین اعراب، بعد از وجود طاعون می‌باشد. البته از این مطلب فهمیده می‌شود که برای مردم عرب، دوره‌ای سخت از لحاظ ایمنی و سیاسی و اقتصادی خواهد بود و ممکن است منظور از سال گرسنگی و قحطی که در روایت‌های بعدی از امام صادق نقل علیه السلام می‌شود، همین سال باشد؛ آنجا که فرمودند:

ناگزیر قبل از قیام قائم، سالی خواهد بود که مردم در آن از گرسنگی رنج می‌برند و ترس و وحشتی سخت در اثر کشتار آنان را فرامی‌گیرد.^۲

روایت بعدی دلالت دارد که شدت نبرد و حالت جنگ تا زمان صیحه آسمانی که در ماه مبارک رمضان نزدیک ظهور حضرت مهدی علیه السلام می‌باشد، ادامه خواهد یافت. از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمودند:

اهل شرق و غرب با یکدیگر اختلاف پیدا می‌کنند، آری و اهل قبله نیز (مسلمانان) و مردم با ترس و وحشت طاقت‌فرسایی روبرو خواهند شد و به همان حال به سر برده تا زمانی که منادی از آسمان ندا دهد؛ زمانی

۱. شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، همان، ص ۴۰۵؛ طبرسی نوری اسماعیل، همان،

ص ۴۰۳؛ مجلسی، محمد باقر، مهدی موعود، ص ۹۸۱.

۲. کورانی، همان، ص ۲۱۲.

که بانگ زد پس کوچ کنید.^۱

خسارت‌های وارده از جنگ: این روایت نیز دلالت دارد که خسارت‌های این جنگ به طور اساسی بر ملت‌های غیر مسلمان وارد می‌شود و از جمله اهل شرق و غرب و اهل قبله یا هم اختلاف پیدا می‌کنند. در این عبارت به صورت دقیق اشاره شده است که اختلاف مسلمان‌ها را بعد از اختلاف شرق و غرب بیان می‌کند که این اختلاف بین مسلمان‌ها نتیجه اختلافات شرق و غرب است. البته این امر در جنگ جهانی آینده طبیعی است، زیرا اهداف آن جنگ، مراکز حکومت کشورهای بزرگ و پایگاه‌های نظامی آنان بوده و به طور غیر مستقیم به مسلمانان نیز سرایت می‌کند.

هم‌چنان که امام صادق علیه السلام فرمودند:

این امر (جنگ) نخواهد بود تا دو سوم مردم از بین بروند. سوال شد: وقتی دو سوم مردم از بین رفتند پس چه کسی باقی می‌ماند؟ حضرت فرمودند: آیا دوست ندارید که در یک سوم باقی مانده باشید؟^۲

این روایت‌ها نشان می‌دهد که جنگ‌های زیادی در مناطق مختلف روی می‌دهد، اما زمان جنگ بزرگ، بنابر آنچه از روایت‌ها استفاده می‌شود، آن است که زمان آن بسیار نزدیک به ظهور حضرت مهدی علیه السلام می‌باشد. اگر بخواهیم بین روایت‌هایی که این جنگ و صفات آن را بیان کرده است، جمع کنیم بهتر است بگوییم جنگ، طی چند مرحله شروع خواهد شد زیرا این جنگ، اندکی قبل از ظهور حضرت آغاز و سپس بقیه مراحل آن بعد از نهضت ظهور آن بزرگوار خواهد بود.

آزادسازی حجاز به دست آن حضرت، در اثنای آن جنگ می‌باشد، سپس آن

جنگ بعد از فتح عراق پایان می پذیرد و نبرد حضرت با روس ها و یاقایای آنها بعد از جنگ جهانی خواهد بود زیرا در روایت ها آمده است که نخستین نیرویی را که حضرت تدارک می بیند برای نبرد با ترکان است، که آنها را برای نبرد با ترکان (روس ها) اعزام نموده تا آنها را نابود کنند.

ایرانیان، زمینه سازان ظهور

قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، این کشور در تصور غربی ها، پایگاهی مهم و حیاتی، آن هم در مرز شوروی و در قلب جهان اسلام به حساب می آمد و از دیدگاه مسلمانان، کشوری اسلامی و اصیل محسوب می شد که شاه، سرسپرده غرب و هم پیمان اسرائیل بر آن حکومت می کرد و برای خوش خدمتی به اربابانش، کشورش را در دست در اختیار و خدمت آنان قرار داده بود و به عنوان ژاندارم منطقه به اطاعت از اوامر آنها مشغول بود تا این که با خواست خداوند متعال و اراده مردم و با رهبری امام خمینی رحمه الله و حمایت اقشار مختلف مردم ایران، انقلاب اسلامی به پیروزی رسید و از چنگال بیگانه و استبداد رها شد. و با ارائه الگوی حکومت اسلامی در جهان و هم انگیز و غبار آلود سکولار، ندای حق خواهی و استقلال طلبی را سرداد که مأمنی برای رنج کشیدگان و پایگاه امیدبخشی برای مسلمانان جهان شد.

در بسیاری از روایت های مربوط به حضرت مهدی علیه السلام و زمینه سازان حکومت آن بزرگوار از «ایرانیان» یاد شده است که دارای سهم بوده و بسیاری از یاران آن حضرت در زمره ایرانیان هستند. روایت هایی که درباره ایرانیان آمده، تحت این عناوین هستند: طرفداران سلمان فارسی، اهل مشرق زمین، اهل خراسان، یاران درفش های سیاه، فارسیان، سرخ رویان، فرزندان سرخ رویان، اهل

قم و اهل طالقان.^۱

در روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله ایرانیان به «شیران بی فرار» تشبیه شده‌اند و در روایتی دیگر می‌فرماید:

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: امشب خواب دیدم گوسفندانی سیاه، پشت سرم در حرکتند، سپس گوسفندان سفیدی به آنها پیوستند، به طوری که دیگر گوسفندان سیاه را ندیدم. فرشته وحی تعبیر این خواب را چنین بیان کرد که: این گوسفندان سیاه، اعراب هستند که از شما پیروی می‌کنند و گوسفندان سفید عجم هستند که از شما پیروی می‌کنند و آن قدر تعداد آنان زیاد می‌شود که عرب‌ها در بین آنها دیده نمی‌شود و به شمار نمی‌آیند.^۲

مطلب مهمی که درباره ایرانیان وجود دارد، بحث «ایرانیان و آغاز زمینه‌سازی آنها» برای ظهور حضرت مهدی علیه السلام است. کلیه منابع روایی شیعه و سنی، پیرامون حضرت مهدی علیه السلام اتفاق نظر دارند که آن بزرگوار بعد از نهضتی مقدماتی که برایش به وجود می‌آید، ظهور می‌کند و یاران درفش‌های سیاه، ایرانیان هستند که زمینه‌ساز حکومت آن حضرت و آماده‌کننده مقدمات فرمائروایی ایشان می‌باشند. در این روایت‌ها، اتفاق نظر وجود دارد که دو شخصیت وعده‌داده شده یعنی «سید خراسانی»^۳ و یاور او «شعیب بن صالح» هر دو ایرانی هستند.

۱. کورانی، همان، ص ۲۱۹؛ مجلسی، محمد باقر، همان، ص ۹۸۸.

۲. همان.

۳. قمی، عباس، منتهی الآمال، سپهر، ص ۹۱۵؛ کورانی، علی، همان، ص ۲۲۸.

امام موسی کاظم علیه السلام فرمودند:

مردمی از اهل قم، مردم را دعوت به حق خواهد کرد، جمعی با او جمع خواهند شد که در محکمی مانند پاره‌های آهن باشند که نه بادهای وزنده، ایشان را بلغزاند و نه از جنگ خسته خواهد شد و نه در ایشان ترسی هست و بر خدا توکل می‌کنند و عاقبت برای متقین است.^۱

و آنها امام بر حق را یاری و یآوری خواهند کرد.

در عصر حاضر، مصداق این روایت، حضرت امام خمینی رحمه‌الله می‌باشد که با ایجاد انقلاب اسلامی در ایران تحولی جدید آغاز کرد و کلیه معاملات سیاسی جهان را بر هم زد و منظور از مردمی که ایمانشان به محکمی پاره‌های آهن است، همین مردم مخلص و بسیجیان و نیروهای مسلح کشور ایران است که تا آخرین قطره خون خود در برابر بیگانگان ایستادند. کسانی که با استناد به برخی از روایت‌ها یاور انقلاب پیش از حکومت امام مهدی علیه السلام می‌باشند. و مانند برخی از افراد نیستند که فکر می‌کنند، باید تا ظهور امام مهدی علیه السلام دست روی دست بگذارند و زیر بار ظلم و فساد بروند (که این افراد سخت در اشتباه‌اند).^۲ حضرت امام خمینی (قدس سره) به عنوان پیاده کننده اندیشه حکومت اسلامی در علم و عمل می‌فرماید:

علم قیامی که در روایات، باطل اعلام شده است، علم قائم به نام حضرت مهدی علیه السلام است. نه هر قیامی... (بلکه قیام زید و امثال آن، در روایات کاملاً تأیید شده است).^۳

۱. خراسانی، محمد جواد، مهدی منتظر، ص ۱۱۳.

۲. کوزانی، علی، همان، ص ۲۱۹.

۳. قاسمی، محمد علی، «نقد و بررسی روایات نافی حکومت و قیام در عصر غیبت» فصل‌نامه انتظار، سال سوم، ش ۷، ص ۳۸۱.

وقوع انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی رحمه الله خط بطلان بر افکار باطنی کشید که هر نوع مبارزه و حضور جدی در صحنه را برای تحقق حکومت اسلامی نفی می‌کردند. «منکران تلاش برای حکومت، به روایت‌های «تقیه» نیز استدلال کرده‌اند. آنان از این احادیث چنین برداشت کرده‌اند که تا فرا رسیدن ظهور حضرت حجت علیه السلام زمان ما زمان تقیه است چه این که طیف وسیعی از روایات به مدح تقیه می‌پردازد و آن را «أحب شیء عند الله = محبوب‌ترین چیزها نزد خدا» معرفی می‌کند و نیز کسی که تقیه را رعایت نکند، بی‌ایمان و تقیه را روش امامان معصوم علیه السلام معرفی می‌کند؛ در پاسخ باید گفت که بسیاری از عالمان شیعی، تقیه را تنها در فروع جایز می‌دانند، همان‌گونه که در بعضی از موارد، تقیه واجب است، در برخی موارد دیگر، تقیه حرام است. آن وقتی که انسان دید که دین خدا در خطر است نمی‌تواند تقیه کند، آن وقت هر چه پیش آید باید برود. تقیه در فروع است و در اصول نیست، زیرا تقیه برای حفظ دین است جایی که دین در خطر است جای تقیه نیست و جایی برای سکوت نیست.^۱

مشروعیت قیام‌های قبل از ظهور

در مجموع پس از بررسی روایت‌ها، نتیجه می‌گیریم که هیچ‌کدام از روایت‌ها نمی‌تواند مشروعیت قیام و حکومت در عصر غیبت را زیر سؤال ببرد. بلکه این‌گونه روایت‌ها، قیام‌هایی را ممنوع و محکوم به شکست می‌داند که دارای شرایط لازم نیست و به خاطر اغراض و اهداف فاسد و هواهای نفسانی انجام می‌شود. در نتیجه اگر قیامی با شرایط بیان شده در شرع زیر نظر رهبر عادل (فقیه زمان) انجام پذیرد و اهداف و اغراض آن نیز الهی و معنوی باشد، زمینه ساز قیام

حضرت مهدی علیه السلام خواهد بود. مصداق عینی این حرکت الهی، انقلاب شکوهمند اسلامی ایران به رهبری امام خمینی رحمه الله می باشد که انشاء الله زمینه ساز قیام و انقلاب جهانی حضرت مهدی علیه السلام خواهد بود.

این بحث را با روایت دیگری پیرامون ویژگی هایی که در مرجع دینی ایرانیان وجود دارد به نقل از امام خمینی رحمه الله به پایان می بریم. ایشان اشاره داشتند که در حدیثی از امام صادق علیه السلام درباره قیام قبل از قیام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف چنین آمده است:

ای ابو بصیر، امت پیامبر صلی الله علیه و آله تا زمانی که خاندان فلان (بنی عباس) بر مسند حکم هستند، هیچ گاه به گشایشی نخواهد رسید تا آن که فرمانروایی آنان منقرض شود. با تمام شدن آن، خداوند آن را به مردی از اهل بیت ارزانی می دارد که روش او بر اساس تقوی و عمل وی هدایت گر مردم است. در مقام قضاوت و حکم بر مردم، اهل رشوه نیست. به خدا سوگند من، او و نام او و پدرش را می دانم، آنگاه آن مرد تنومند و کوتاه اندام که دارای علامت خال بر صورت و دو نشانه دیگر بر پوست بدن دارد می آید، او پیشوای عادل است که حافظ و نگهبان آنچه که نزد او به ودیعه گذاشته شده است می باشد، دنیا را پر از عدل و داد می نماید، آن گونه که بدکاران، آن را پر از ظلم و جور کرده اند.^۲

این روایت کاملاً روشن می سازد که انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی رحمه الله زمینه ساز حکومت واحد جهانی حضرت امام مهدی علیه السلام خواهد بود.

۱. طبرسی نوری، اسماعیل، همان، ص ۳-۴.

۲. مجلسی، محمد باقر، همان، ص ۹۸۸؛ خراسانی، محمد جواد، همان، ص ۱۱۴.

نتیجه

هدف از خلقت انسان، تکامل اوست و تحقق این هدف در سطح جهانی بستگی دارد به وجود برنامه صحیح الهی که انسان‌ها را از جنبه‌های اعتقادی و اخلاقی سیراب کند و آن منحصرأ در دین مقدس اسلام تحقق می‌یابد که بر پایه عدل مطلق پی‌ریزی شده و تجسم یافته است. این هدف الهی به وسیله پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به بشر ابلاغ گردیده است.

وجود رهبری الهی که توانایی پیاده کردن عدل مطلق را در سطح جهانی داشته باشد، کسی جز امامی معصوم از نسل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نمی‌باشد که در قرآن کریم به عنوان «بقیة الله» یعنی ذخیره الهی مطرح گردیده است؛ یعنی همان وجود مقدس امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که جهان به وسیله او متحول و آباد می‌گردد. امام مهدی علیه السلام قبل و بعد از ظهور با انجام وظایف خویش مانند برآورده کردن حوائج مردم، حل نمودن مشکلات علمی و معرفتی، دعا کردن در حق شیعیان و... سیره سیاسی خود را به بهترین شکلی به انجام می‌رساند.

از نمونه‌های بارز این تیزبینی سیاسی و الهی امام علیه السلام در عرصه عمل، سیابت عامه امام علیه السلام می‌باشد که در عصر غیبت بر عهده ولی فقیه جامع‌الشرایط گذارده شده است، تا به این ترتیب، مقاصد شوم منافقان و کافران نقش بر آب شود و جامعه تا زمان ظهور امام علیه السلام طبق روال عادی خود پیش رود.

در زمان نزدیک به ظهور امام علیه السلام اوضاع سیاسی جهان از مباحث مهم این دوران می‌باشد، آشوبگری شرق و غرب علیه مسلمانان که با انواع و اقسام نیروها و امکانات صورت می‌پذیرد و همچنین اوضاع کشورهای اروپایی و

آمریکایی و نقش آنان در زمان ظهور از مسائل اصلی و مورد توجه است. نقشی که کشورهای ترک و عرب نیز ایفا می‌کنند و بعضی از آنها باعث تسلط بیشتر کشورهای اروپای و به خصوص آمریکا و اسرائیل بر مسلمانان می‌شوند، که این مسئله از نکته‌های قابل توجه است که می‌تواند توسط منتظران راستین و محققان مورد بررسی قرار گیرد.

بر طبق روایت‌های اشاره شده، زمینه‌سازی ایرانیان به رهبری امام خمینی رحمه‌الله و اتصال این انقلاب به انقلاب بزرگ امام مهدی علیه‌السلام راه‌گشای بسیاری از تحولات و مسائل امروز جهانی می‌تواند قرار گیرد.

اعتقاد قلبی مسلمانان بر این امر، یقینی است که امام مهدی علیه‌السلام در زمانی ظهور خواهد کرد که اسلام در غربت به سر می‌برد و دجال و سفیانی ظاهر شده و امام علیه‌السلام با فعالیت‌های سیاسی بی‌نظیر خویش هدایت این حرکت عظیم را بر عهده می‌گیرد و با هر یک از دشمنان دین خدا با شیوه سیاسی مناسب برخورد می‌کند و همه قدرت‌ها در برابرش سر تسلیم فرود می‌آورند تا وعده الهی تحقق یابد. چنان که از قول امام برحق حضرت مهدی عجل‌الله‌فرجه‌الشریف نقل شده است که فرمودند:

أنا الذي أملاها عدلاً كما ملئت جوراً^۱

منم که زمین را از عدالت لبریز می‌کنم چنان که از ستم آکنده است.

عصر ظهور، آمادگی و زمینه‌سازی

زهرا نقدی - مریم نقدی

چکیده

مسئله مهدویت و اندیشه ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یکی از مسایل بسیار مهم دینی و مشهور اسلامی است. در آیین اسلام مهدویت مسئله‌ای اصیل و ریشه‌دار، با سابقه چهارده قرنه است که رنگ کهنگی نگرفته، بلکه با پیشرفت سریع صنعتی و انحطاط اخلاقی بشری و زندگی پررنج و درد، هر آن و لحظه عشق سوزان بشریت نسبت به وجود مقدس حضرت مهدی بیشتر و نور امید برای ظهور آن خورشید قروزان شعله‌وتر می‌گردد.

مسئله مهدویت و اندیشه ظهور حضرت مهدی که به عنوان یک شخصیت ممتاز الهی در پایان جهان ظهور خواهد کرد و بر سرتاسر کره خاکی استیلا خواهد یافت، اندیشه‌ای است که تمام فرق اسلامی از آن دفاع می‌نمایند. گسترش جهانی ایمان اسلامی و پیروزی حق بر باطل و استقرار کامل و همه جانبه ارزش‌های انسانی و بالاخره تشکیل مدینه فاضله و حکومت واحد جهانی در میان مسلمانان ریشه قرآنی دارد.

در آیین مقدس اسلام کمتر مسئله‌ای را می‌توان یافت که به اندازه مسئله مهدویت بدان اهمیت داده شده باشند. شاید بتوان گفت: در مورد هیچ مسئله از مسایل حیاتی اسلام به اندازه مسئله مهدویت روایت نرسیده است.

از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و ائمه اهل بیت نویدهایی برای ظهور مهدی موعود برای امت اسلامی بازگو شده است و در کمال صراحت از ظهور مردی از خاندان پیامبر که با فرمان مدبر جهان هستی در پایان جهان ظهور خواهد نمود سخن گفته‌اند.

مهدویت یکی از اعتقادات مهم و اصیل در مکتب تشیع می‌باشد. این عقیده که در آن تحقق حکومت جهانی بر مبنای عدل و قسط انتظار می‌رود باعث زنده

ماندن امید به آینده و مجاهدت شیعیان در ظهور آن می‌گردد و از این جهت پشتوانه اعتقادات دینی و خاستگاه غلبه دین و خداوند بر دیگر افکار و اندیشه‌های غیر دینی است. در این اعتقاد شیعیان خود را تنها نمی‌دانند، بلکه تنها منجی آخرالزمان و ظهور مدینه فاضله را امری ریشه‌دار و به وسعت تمام ملل و ادیان می‌شمارند.

تردیدی نیست که از نظر جامعه اسلامی کلیه مفاهیم و معتقدات اصیل اسلامی ریشه در کلام الهی دارد و عقیده به ظهور حضرت مهدی علیه السلام نیز یکی از معتقدات اصیل اسلامی است. صورت کلی و مایه اساسی آن در قرآن کریم تجلی یافته و در یاب ظهور حضرت مهدی نیز به تمام پیروان اسلام بشارت داده است.

نویدهای مصلح بزرگ جهانی و بشارت ظهور حضرت مهدی علیه السلام علاوه بر قرآن در تمام کتب مذهبی ادیان نیز وارد شده است به نحوی که اصالت و حقیقت مهدویت را تأیید می‌کنند.

روایات ائمه معصومین ظهور چنین مصلحی را تیز تأیید می‌کند، پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

دنیا به آخر نمی‌رسد مگر این‌که مردی از اهل بیت من تمام جهان را مالک شود، او سراسر زمین را پراز عدل می‌کند، همچنان که پراز ستم شده باشد.

انقلاب جهانی حضرت مهدی عجل الله فرجه الشریف که از مهم‌ترین و وسیع‌ترین انقلابات جهانی است و مربوط به همه جهان است، نیز باید در ابعاد مختلف زمینه‌سازی شده باشد زیرا بدون آن به پیروزی نخواهد رسید و به طریق اولی به دلیل جهانی بودنش باید برای آن زمینه‌سازی کرد.

مقدمه

مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف حقیقت‌ناب و بی‌نظیری است که اراده الهی او را ذخیره کرده تا این‌که در زمان ظهور خود جامعه نمونه انسانی مورد رضای خدا را برقرار سازد، عدالت را به معنای واقعی کلمه اجرا نماید و فساد و تباهی را ریشه کن کند. او وارث انبیای الهی و ادامه‌دهنده خط توحیدی است که آن مردان خدا به یسر نمایانند و مردم را به سوی خود فراخواندند. او بقیه الله است:

بقیه الله خیر لکم ان کنتم مؤمنین.^۱

نام و یاد مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف - مصلح کل - همواره آرام‌بخش جان‌های فرسوده و دل‌های سوخته بوده است. دیر زمانی است که همه مظلومان و مغضوبان تاریخ، زخم‌های آشکار و پنهان خویش را با نام او و امید دیدارش التیام می‌بخشند.

شیعیان همیشه در انتظار اجرای عدل و قسط هستند و از این جهت برای برقراری این مهم همت نموده و زیربنای لازم را برای برقراری چنین حکومتی فراهم می‌نمایند.

زمینه‌سازی حکومت‌های اسلامی یا توجه به مسلمان بودن زمینه‌سازان آن امری محقق‌شدنی و مسلم است زیرا مسلمانان - به ویژه شیعیان - از رهروان طریق ائمه هستند، و در این زمینه با یکدیگر همکاری کامل دارند و صحنه مجاهدت و ایثار را ترک نمی‌کند.

وجود چنین مسئله‌ای در بین شیعیان زمینه‌های پی‌ریزی حکومت عدل را فراهم می‌کند.

اعتقاد به مهدی موعود و ظهور ایشان و انجام مأموریت الهی او و تشکیل دولت حق مورد اتفاق همه فرقه‌های اسلامی و حتی غیر اسلامی است. نشانه‌هایی که برای آن موعود برشمرده‌اند با حضرت حجت بن الحسن علیه السلام شیعیان همخوانی دارد، شیعه با عشق مهدی نفس می‌کشد و با نام مهدی انس گرفته و آرمان والای او تشکیل دولت حق مهدی است.

ضرورت تشکیل حکومت عدل جهانی

هر فرد عاقلی که نگران سرنوشت بشر است می‌گوید، برای رفع نابسامانی‌ها و جلوگیری از جنگ‌های خائنانه سوز و رهایی یافتن از کشمکش‌های موجود جهان لازم است یک حکومت واحد جهانی بر اساس عدالت و آزادی تشکیل شود. آری مردمان مطابق فطرت ذاتی خود در همه جا و همه وقت در اثر فشارهایی که ستمگران در حق آنها روا می‌دارند، از خواب گران بیدار می‌شوند و تشنه عدالت و آزادی می‌گردند و به دنبال نجات‌دهنده‌ای که آنها را از وضع موجود نجات دهد و آزادی را برایشان به ارمغان بیاورد می‌گردند. این همان چیزی است که پیامبران، صلح‌جویان، آزاداندیشان و خیرخواهان جهان در طول تاریخ بشر پیوسته به دنبال آن بوده‌اند و تا کنون محقق نگشته است.^۱

با این‌که اساسی‌ترین وظیفه انبیا و اولیا و حجج‌های الهی را هدایت جامعه بشری به سوی کمال مقصود و رهایی از منجلاّب پست حیوانی و نجات از چنگال حاکمان ستم‌پیشه شیطان‌مدار باید ارزیابی کرد و یکی از مهم‌ترین راه‌های رسیدن به پیشرفت در جهت نیل به آن را از طریق به دست گرفتن زمام

۱. هاشمی شهیدی، اسداله، ظهور حضرت مهدی از دیدگاه اسلام و مذاهب و ملل جهان، انتشارات مسجد جمکران، چاپ اول، ۱۳۸۰، ص ۴۱۱.

امور جامعه باید دانست، اما باز هم مشاهده می‌شود که وقتی برای برخی امامان معصوم مسئله عهده‌داری حکومت به وجود می‌آید، از پذیرش آن امتناع می‌کردند و علت آن عدم وجود زمینه مناسب بوده است، زیرا اقدام به تشکیل و برپایی حکومت پیش از فراهم آمدن زمینه‌های مناسب و مقدمات لازم آن جزیر بادرفتن طرح و نقشه‌های سری و روبه‌رو شدن با شکست می‌شد و در نهایت نخبگان نهضت از بین می‌رفتند و ستمگران قدرت پیدا می‌کردند.

امام باقر علیه السلام می‌فرمایند:

قیام قائم ما اهل بیت همانند رسول خداست و به روشنی وجود زمینه برای اقدام جهت به دستگیری زمام جامعه بشری از ضرورتی انکارناپذیر برخوردار بوده و دست‌زدن به هرگونه اقدام نابجا ثمره‌ای جز ناکامی به دنبال نخواهد داشت.

اعتراف دانشمندان به لزوم حکومت جهانی: دانشمندان بزرگ تنها راهی که برای جلوگیری از جنگ‌ها و از بین بردن خصومت‌ها و بحران‌های منطقه‌ای پیدا کرده‌اند، این است که باید فکر پوسیده‌تر را از مغزها بیرون ریخت و جهان‌وطنی را جایگزین تبلیغات ناسیونالیستی قرار داد، و مرزهای جغرافیایی را درهم ریخت و شالوده حکومت جهانی را بر اساس عدالت و آزادی استوار ساخت.

آلبرت انیشتین می‌گوید:

حکومت‌های متعدد خواه‌ناخواه به نابودی بشر منجر خواهد شد و مردم جهان یکی از دو راه را باید انتخاب کنند، یا باید حکومت جهانی با کنترل بین‌المللی انرژی تشکیل شود و یا حکومت‌های ملی جداگانه فعلی همچنان باقی بماند و منجر به انهدام بشر گردد.

پروتراندراسل می‌گوید:

مادام که یک حکومت جهانی در دنیا وجود ندارد، رقابت برای کسب قدرت مابین کشورهای مختلف وجود دارد و چون از دیاد جمعیت، خطر گرسنگی را به بار می‌آورد قدرت ملی تنها راه جلوگیری از گرسنگی است این حقایق را ثابت می‌کند که دنیای علمی بدون یک حکومت جهانی ثبات و دوامی نخواهد داشت.

دانته ادیب شهیر ایتالیایی می‌گوید:

واجب است که تمام زمین و جماعتی که در آن زیست دارند به فرمان یک امیر باشند که آنچه را مورد حاجت است مالک باشد تا جنگ نشود و صلح و آشتی برقرار شود.

سطیح کاهن می‌گوید:

اواز چشمه زلال عدالت چشم روزگار را از خس و خاشاک و ظلم و ستم پاک کند و حق را به اهل حق برگرداند و میهمانی را در میان مردم افزون گرداند و با عدالت خود غبار ضلالت و گمراهی را از میان ببرد پس زمین را پراز عدل و داد کند و عالم را پراز برکت نماید.

کانت در این باره می‌گوید:

ایجاد نظم جهانی منوط به وضع یک قانون جهانی است این همان است که مذاهب آن را خواسته‌اند و این همان است که پیامبران از دوران پس کهن برای تحقق بخشیدن آن به پا خاستند و خروش‌ها برآوردند و بدین‌گونه خواستند روشنگر تاریکی‌ها باشند.^۱

نظرات دانشمندان فوق نشان می‌دهد که مسئله مهدویت و ظهور مهدی

۱. هاشمی شهیدی، اسداله، همان، برداشتی از صص ۴۱۷ - ۴۱۲.

موجود ایجاد حکومت عدل اختصاص به گروه خاص یا ملت خاص ندارد بلکه این ندای فطری آنهاست که نوید برپایی حکومت واحد عدل جهانی را می‌دهد تا در پرتو آن مردم به آرامش واقعی برسند.

مهدویت در قرآن

از آنجایی که قرآن جامع همه مطالب مورد نیاز انسان‌هاست و در هر مسئله‌ای می‌توان به قرآن مراجعه کرد، این کتاب عظیم در رابطه با مهدویت نیز آیاتی را بیان می‌دارد.

در آیه ۱۰۵ سوره انبیا می‌خوانیم:

و لقد كتبنا في الزبور من بعد الذكر أن الأرض يرثها عبادي الصالحون.

ما در زبور پس از تورات نوشته‌ایم که این زمین را بتدگان صالح من به میراث خواهند برد.

در واقع یکی از پاداش‌های دنیوی صالحان این است که تلاش آنان در تاریخ بی‌نتیجه نمی‌ماند و زمینه‌ساز نجات جوامع بشری می‌شود و آیه مذکور به این حقیقت اشاره دارد که این وعده جدید نیست بلکه در مذاهب گذشته نیز سابقه داشته است و از آنجا که حکومت جهانی صالحان در گذشته تحقق نیافته است در خود آیه اشاره روشنی به قیام امام مهدی عجل‌ا. تعالی فرجه‌الشریف شده است. علاوه بر آن روایاتی که در تفسیر این آیه از معصومین نقل شده است صراحتاً دلالت بر این دارد که تحقق این آیه شریف در برپایی حکومت مهدی عجل‌ا. تعالی فرجه‌الشریف است.^۱

در این آیه به یکی از روشن‌ترین پاداش‌های دنیوی آنها که حکومت روی

۱. اسکندری، حسین، آیه‌های زندگی، انتشارات صدا و سیما، چاپ اول ۱۳۸۱، ص ۷۳.

زمین است یا بیان شیوایی اشاره کرده است که سرانجام یندگان صالح من وارث زمین خواهند شد.

هنگامی که یندگان با ایمان شایستگی‌ها را برای خود فراهم سازند خداوند نیز کمک و یاری می‌کند تا آنها بینی متکبران را به خاک بمالند، دست‌های آلوده‌شان را از حکومت زمین کوتاه کنند، و وارث میراث‌های آنها گردند. بنابراین تنها مستضعف بودن دلیل بر پیروزی بر دشمنان و حکومت روی زمین نخواهد بود بلکه از یک سو ایمان لازم است و از سوی دیگر کسب شایستگی‌ها و مستضعفان جهان مادام که این دو اصل را زنده نکنند به حکومت روی زمین نخواهند رسید.^۱

در تفسیر این آیه از امام باقر علیه السلام روایت است که فرمود:

منظور از صالحان در این آیه اصحاب حضرت مهدی در آخرالزمان هستند.^۲

اشاره قرآن به پیشگیری حکومت یندگان شایسته خداوند در روی زمین در کتاب تورات و زبور نشان می‌دهد که این موضوع از چنان اهمیتی برخوردار است که در کتب آسمانی پیامبران پیشین یکی پس از دیگری مطرح می‌شده است.

تعبیر به زبور و تورات به این دلیل است که داوود یکی از بزرگ‌ترین پیامبرانی بود که تشکیل حکومت حق و عدل و داد و بنی اسرائیل نیز مصداق روشن قوم مستضعفی بودند که بر ضد مستکبران قیام کردند و دستگاه آنها را

۱. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ بیستم، ۱۳۸۰، ج ۱۳، ص ۵۱۷-۵۱۵.

۲. طبری، محمدبن جریر، تفسیر مجمع‌البیان، ج ۷، ص ۶۶.

برچیدند و وارث حکومت و سرزمین آنها شدند.^۱

آیه دیگر در قرآن می‌فرماید:

و نريد أن نمُنَّ على الذين استضعفوا في الأرض و نجعلهم ائمة و نجعلهم الوارثين.

این آیه بیانگر یک قانون کلی برای همه اعصار و قرون و همه اقوام و جمعیت است. می‌گوید ما اراده داریم که بر مستضعفان منت بگذاریم و آنها را پیشوایان و وارثان حکومت روی زمین قرار دهیم.

این بشارتی است در زمینه پیروزی حق بر باطل و ایمان بر کفر.

نمونه‌ای از تحقق این مشیت الهی حکومت بنی اسرائیل و زوال حکومت فرعونیان بود.

و نمونه کامل ترش حکومت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و یارانش بعد از ظهور اسلام بود. حکومت پابرهنگه‌ها و تهی‌دستان و مظلومان پاک‌دل که پیوسته از سوی فراعنه زمان خود مورد تحقیر و استهزا بودند و تحت فشار و ظلم و ستم قرار داشتند. نمونه گسترده‌تر آن ظهور حکومت حق و عدالت در تمام کره زمین به وسیله مهدی است.

این آیه از جمله آیاتی است که به روشنی بشارت ظهور چنین حکومتی را می‌دهد لذا در روایات اسلامی می‌خوانیم که ائمه اهل بیت در تفسیر این آیه اشاره به این ظهور بزرگ کرده‌اند.^۲

در این آیه خداوند بر سه مسئله تکیه نموده است که عبارتند از:

۱. می‌خواهیم مستضعفان را مشمول نعمت‌های خود سازیم.

۱. مولوی نیا، جواد، سیمای مهدویت در قرآن، انتشارات امام عصر، چاپ اول ۱۳۸۱، ص ۹.

۲. مکارم شیرازی، ناصر، همان، ج ۱۶، صص ۱۷ - ۱۵.

۲. آنان را پیشوایان قرار دهیم.

۳. می‌خواهیم آنان را وارثان حکومت روی زمین مقرر داریم.

این بشارتی است در زمینه پیروزی حق بر باطل و ایمان بر کفر و این بشارتی است برای همه انسان‌های آزاده و خواهان حکومت عدل و داد و برچیده شدن پساظلم و جور. در روایات و اخبار معصومین این آیه درباره ظهور و بروز چنین حکومتی تفسیر شده است.^۱

- نویدهای ظهور حضرت مهدی علیه السلام در قرآن: تردیدی نیست که از

نظر جامعه اسلامی کلیه مفاهیم و معتقدات اصیل اسلامی ریشه در کلام الهی دارد و عقیده به ظهور حضرت مهدی نیز که یکی از معتقدات اصیل اسلامی است صورت کلی و قیامه اساسی آن در کتاب خدا قرآن کریم تجلی یافته است.

در این زمینه آیاتی در قرآن وجود دارد که به نظر مفسران دلالت بر مسئله مهدویت می‌نمایند،^۲ که به چند مورد آن اشاره می‌شود.

خداوند در قرآن در آیه پنج سوره قصص می‌فرماید:

و نريد أن تمنّ على الذين استضعفوا في الأرض و نجعلهم ائمة و نجعلهم الوارثين.

و ما ازاده کردیم بر آنانکه در روی زمین به ضعف کشیده شده‌اند مثل نهاده و آنها را پیشوایان و وارثان قرار دهیم.

۱. مولوی نبیا، جواد، همان، ص ۱۱ - ۱۰.

۲. تعدادی از این آیات عبارتند از سوره بقره (۲)، آیه ۲ و ۳؛ سوره آل عمران (۳)، آیه ۸۳؛ سوره نساء (۴)، آیه ۱۵۹؛ سوره انفال (۸)، آیه ۳۹؛ سوره توبه (۹)، آیه ۳۳؛ سوره هود (۱۱)، آیه ۸۶؛ سوره ابراهیم (۱۴)، آیه ۵؛ سوره حجر (۱۵)، آیه ۲۸-۳۶؛ سوره اسراء (۱۷)، آیه ۳۳؛ سوره مریم (۱۹)، آیه ۷۵؛ سوره نور (۲۴)، آیه ۵۵؛ سوره قصص (۲۸)، آیه ۵؛ سوره سجده (۳۲)، آیه ۲۹؛ سوره فتح (۴۸)، آیه ۲۸.

از امام محمد باقر و امام صادق علیهما السلام روایت شده است که فرمودند:
این آیه مبارکه مخصوص صاحب الامر است که در آخر الزمان ظاهر
می‌شود و فرعونیان و جباران را نابود می‌سازد و شرق و غرب جهان را
به تصرف خود درمی‌آورد و آنرا چنان که پر از ظلم و جور شده است
مالا مال از عدل می‌سازد.

علامه قندوزی نیز در ضمن حدیثی روایت کرده است:

ابو محمد - امام حسن عسکری - در هفتمین روز ولادت فرزندش
مهدی به او گفت: سخن بگویی ای فرزند کوچکم! پس شهادتین را به
زبان جاری نمود و بر پدران خویش یکی پس از دیگری صلوات
فرستاد و این آیه را تلاوت فرمود.

آیه دیگر در زمینه ظهور حضرت مهدی آیه ۸۶ سوره هود می‌باشد.
آنجا که خدا می‌فرماید:

بقية الله خير لكم ان كنتم مؤمنين.

یکتا بازمانده خدا برای شما بهتر است اگر مؤمن هستید.

امام باقر علیه السلام در تائویل این آیه شریفه می‌فرماید:

هنگامی که مهدی ما ظاهر شود به خانه کعبه تکیه می‌دهد و ۳۱۳ تن
یاران خیالصر او به دورش گرد آیند، اولین سخنی که به زبان
مبارکش جاری شود این آیه است، سپس می‌فرماید: «من بقية الله،
خليقة الله، و حجة الله» هستم بر شما، آنگاه احدی بر آن حضرت
سلام نمی‌کند جز این که می‌گویند: «السلام عليك يا بقية الله
في الارض» سلام بر تو ای بازمانده خداوند در زمین. بعد
از آن چون یاران دیگر آن حضرت که یک گروه ده هزار نفری
باشند به دور او گرد می‌آیند، یهودی و نصرانی و

کسی که غیر خدای تعالی را پرستش نموده باقی نمی ماند جز این که ایمان می آورد و او را تصدیق می نماید و همه ملت ها یکی می شود و آن هم ملت اسلام است و پس از آن برای هر معبودی که به جز خدای تعالی مورد پرستش بوده آتشی از آسمان می آید و او را می سوزاند.^۱

ظهور حضرت مهدی علیه السلام

روایات دال بر ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نزد دانشمندان اسلامی چنان است که چمکنگی به صحت آن یقین دارند و به متواتر بودن آن تصریح کرده اند.

نکته واحدی که در بیشتر روایات ظهوریه چشم می خورد این است که مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظلم ستیز است و عدالت ساز همچنان که جهان پر از عدالت سوزی و ظالم سازی.

انقلاب جهانی مهدی موعود وقتی خواهد بود که ظلم و فساد و بی بند و باری، بی تفاوتی و لایابالی گری فراگیر شود و مردم از زندگی مدرن و روزمرگی خود به ستوه آمده آماده اصلاحات معنوی باشند؛ تا مزاج بشریت آماده پذیرش معنویت نگردد و سیر بشر به سوی تحمل انسانیت و تکامل قرار نگیرد و پایه و اساس خواهش ها و خیرش ها برابری و برادری نباشد زمینه ظهور آن حضرت فراهم نگشته است.^۲

از مسائلی که شرایع آسمانی بر آن اتفاق نظر دارند مسئله مصلح جهانی است

۱. هاشمی شهیدی، استداله، همان، صص ۲۶۰-۲۵۹ و ۲۶۶.

۲. مهدوی راد، محمد علی، مشغل جاوید، با مقدمه محمد رضا حکیمی، انتشارات دلیل ما، چاپ ۱۳۸۱، ص ۴۸۳.

که در آخر الزمان ظهور می‌کند، و نه تنها جامعه اسلامی بلکه جامعه‌های یهود و نصارا نیز منتظر آمدن این عدل‌گستر هستند.

در این مورد پیامبر گرامی نیز گفتاری دارد که محدثان اسلامی آنرا نقل کرده‌اند:

لو لم یبق من الدهر إلا یوم لبعث الله رجلاً من أهل بیتی یملاها عدلاً
کما ملئت جوراً.

اگر از روزگار به جز یک روز باقی نماند همانا خداوند مردی از
خاندان من برمی‌انگیزد تا جهان را پر از عدل و داد کند چنانکه پیر از
بستم گردیده است.

بنابراین اعتقاد به چنین مصلحی مورد اتفاق صاحبان شرایع آسمانی است و نیز
روایات فراوانی پیرامون مهدی موعود در کتاب‌های صحاح و مسانید اهل سنت
وارد شده است. محدثان و محققان اسلامی از فریقین (شیعه و سنی) نیز درباره
آن حضرت کتاب‌های فراوانی به رشته تحریر درآورده‌اند.^{۱ و ۲}

روزی که اراده آفریننده جهان تحقق بر ظهور ولی عصر و حجت خود
گیرد امام زمان ظهور می‌کند و انقلابی عظیم در عالم بشریت روی
زمین برپا می‌نماید.

حسن بن سلمان در کتاب منتخب البصائر که از کتب معتبره احادیث است
روایت می‌کند که مفضل بن عمر از ملازمین حضرت امام جعفر صادق علیه السلام بود
و از داستان ظهور سؤال کرد، آن حضرت مطلب را برای او تشریح فرمود و

۱. حسینی نسب، سید رضا، شیعه پاسخ می‌دهد، زیر نظرات آیت‌الله جعفر سبحانی، نشر شعر،
چاپ ۱۳۸۳، صص ۳۹-۴۰.

۲. علی بن حسام الدین، البیان فی اخبار آخر الزمان

جزئیات آینده را طبق نقشه جامعه توصیف و تعریف و تعیین نمود:

ای مفضل، قائم آل محمد علیهم السلام بی خبر و بی مقدمه ظهور می کند و به زودی نامش در دنیا منتشر می گردد او ظاهر می شود در حالی که میان رکن و مقام می ایستد و با صدای بلند می گوید که همه مردم جهان بشنوند خود را معرفی می کند و اعلامیه صادر می نماید و به دیوار خانه کعبه تکیه می زند و مانند مردی چهل ساله قیام به حق می نماید و پیغمبران او را یاری می کنند، او صحایف آسمانی انبیا را می خواند و آثار نبوت را نشان می دهد و با موعظه و اندرز و نصیحت مردم دعوت به قیام عدل می نماید و ۳۱۳ نفر در رکاب او حاضر می شوند.

و طبق روایات دیگر حضرت صادق علیه السلام فرمود:

خداوند دین را به هزار مرد نامی زنده نگه دارد، ۳۱۳ نفر برای طالبوت از پیغمبران سلف، ۳۱۳ نفر اصحاب بدر کبری، ۳۱۳ نفر هم ملازمین رکاب امام زمان عجل الله فرجه الشریف خواهند بود که با منتقم حقیقی از مکه به مدینه و از آنجا به نجف و کربلا خواهند آمد و انقلابی عظیم اخلاقی برپا می کند و صلح کل مصداق واقعی پیدا می کند و امام زمان سازمان تشکیلات دولت خود را براساس عدل و داد خواهند گذاشت و فرمانروایی خواهند فرمود و انتقام مظلومان را از بیدادگران خواهند گرفت.^۱

اصالت اعتقاد به ظهور منجی: عقیده به ظهور یک نجات دهنده بزرگ

آسمانی و امید به یک آینده روشن که در آن نگرانی ها و هراس ها مرتفع گردد و به

۱. اصفهانی، حسین، عمادالدین مشهور به عمادزاده، زندگانی چهارده معصوم، نشر طلوع، پاییز ۱۳۷۶، ص ۱۳۱۱.

برکت ظهور یک شخصیت ممتاز الهی همه تاریکی‌ها از پهنه گیتی برچیده شود و ریشه ظلم و جهل و تباهی از روی گره زمین برکنده شود یک اعتقاد طوبائی ثابت است که همواره در همه وقت و در همه جا و در همه زمان‌ها بین تمام ملت‌ها شایع و رایج بوده است.

بر اساس تحقیقات پژوهشگران مسایل اسلامی این عقیده در طول دوران زندگی انسان‌ها پیوسته در میان همه ملت‌ها و پیروان ادیان بزرگ موجود بوده و حتی اقوام مختلف جهان چون اسلاوها، ژرمن‌ها، اسین‌ها و... نیز معتقدند که سرانجام باید پیشوایی در آخرالزمان ظهور کرده بی عدالتی‌ها را از بین برده، حکومت واحد جهانی تشکیل داده و در بین مردم به انصاف داوری کند.

مسئله ظهور و اعتقاد به آن به قدری اصیل و ریشه‌دار است که در اعماق دل ملت‌ها و پیروان همه ادیان الهی جاگرفته است به نحوی که در طول تاریخ بشریت انسان‌ها در فراز و نشیب زندگی با یادآوری چنین رهبر مقتداری پیوسته خود را از یأس و ناامیدی نجات داده و در انتظار ظهور آن مصلح و موعود جهانی لحظه‌شماری می‌کنند. نویسنده آمریکایی کتاب قاموس مقدس درباره شیوع اعتقاد به ظهور و انتظار پیدایش یک منجی بزرگ جهانی در میان قوم یهود چنین می‌نویسد:

عبرانیان منتظر قدم مبارک مسیح نسل بعد نسل بودند و غده آن وجود مبارک مکرراً در زبور و کتب انبیا علی‌الخصوص در کتاب اشعیا داده شده است. تا وقتی که یحیای تعمید دهنده آمده به قدم مبارک وی بشارت داد لیکن یهود آن نبوت (پیشگویی‌ها) را نفهمیده با خود همی اندیشیدند که مسیح (سلطان زمان) خواهد شد و ایشان را از دست جورپیشگان و ظالمان رهایی خواهد داد و به اعلا درجه مجد و جلال ترقی خواهد کرد.

مسیحیان با این که حضرت عیسی علیه السلام را مسیح موعود یهودیان می دانستند چون نسبت به پیروزی او احساس ناامنی می کردند یکباره امیدشان از زمان حال برکنده شد حماسه انتظار را از سر گرفتند و در انتظار مسیح و یازگشت وی از آسمان در پایان جهان نشستند.^۱

مسئله مهدویت و اعتقاد به ظهور حضرت مهدی اصل مسلم است در منابع اسلامی به ویژه شیعه و حتی در اهل سنت مانند مستند احمد حنبل و صحاح سته روایات فراوانی مربوط به آن حضرت آمده است.

با این حال برخی از متعصبان و مغرضان و کج اندیشان و یا افراد عنود و لجوج و یا بالاتر از آن تحصیل کرده هایی از خود راضی اهل سنت که علم و دانش خود را بالاتر از حق و حقیقت می پندارند هرچه با معلومات آنها سازگار نباشد به دیده تردید و انکار می نگرند. بعد از چهارده قرن تمام مطالب کتاب های خود را نادیده گرفته و عقیده به ظهور حضرت مهدی را افسانه ای پنداشته اند که فقط شیعه به آن معتقد است. در صورتی که اعتقاد به مهدویت و مسئله ظهور اختصاص به شیعه ندارد و یک اعتقاد اسلامی است.

ظهور مبارک حضرت مهدی از وعده های حتمی پروردگار است و خداوند در وعده هایش تخلف نمی ورزد و بی شک قیام شکوهمند آن مصلح پیروز تحقق خواهد یافت.

همچنین اعتراض مغرضان که بدون توجه به دلایل روشن و براهین آشکار بی مهتابا به پیش می تازند و از شنیدن حق و پذیرفتن آن امتناع می ورزند و در تحقق ظهور آن مصلح الهی هیچ گونه اثری نخواهد داشت.

فَوَرَّبَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ مِّثْلَ مَا أَنَّكُمْ تَنْطِقُونَ.^۱

به پروردگار آسمان و زمین سوگند که این وعده همانند این که شما با یکدیگر سخن می‌گویید حق و حقیقت است.

تفاوت جهان قبل و بعد از ظهور: وضعیت جهان و جهانیان از نظر اقتصادی

و مادی و از نظر معنوی و حکومتی تفاوت‌هایی دارد. بر طبق نظر چند تن از علما و روحانیون یکی از این عوامل تفاوت‌ها برقراری عدالت واقعی در سراسر جهان می‌باشد و قبل از ظهور اوضاع ناپسامان است و بعد از ظهور حقوق و حقایق اتمام شده و به سامان می‌شود.

قبل از ظهور، جهان پر از ظلم و جور است و بعد از ظهور مینا قانون عدل می‌باشد. افکار مردم در بعد از ظهور بالا رفته و مردم به هر لحاظی به کمال می‌رسند و وسایل و اطلاعاتی پیشرفته‌تر می‌شود. در بعد از ظهور جهش فوق‌العاده علمی و کامل شدن عقل مردم پدیدار شده چنانکه تحولی به میزان دوازده برابر در علوم پدیدار می‌شود.

وسایل سریع‌السیر برای مسافرت‌های فضایی و زمینی و وسایل انتقال صدا و تصویر و همگانی شدن آن به وجود می‌آید. حدیث امام صادق علیه السلام گویای آن است که مؤمن در زمان حضرت قائم علیه السلام در حالی که در مشرق است برادر خود را در مغرب می‌بیند. همچنین کسی که در غرب است برادرش را در شرق می‌بیند. بعد از ظهور پیشرفت عظیم اقتصادی و عدالت اجتماعی است جهانی که امروزه اقتصادش نظام استعماری است و یک نظام ظالمانه را پرورش می‌دهد و بیشتر نیروی فکری برای به‌سازی زندگی انسان‌ها و جستجوی منابع جدید است. زمین را می‌بلعد و نابود می‌کنند اما در بعد از ظهور برکات و گنج‌های زمین

ظاهر می شود و جای ویرانی در جهان باقی نخواهد ماند. شهرها آباد می شود و جاده‌ها و مساجد وسعت پیدا می کنند و کینه‌ها و بدی دل‌ها به خدا قائل می رسد و فتنه‌ها تمام می شود. ملت‌های زوی زمین تسلیم او می گردند و او را به عنوان رهبر و راهنمای جهان بشریت قبول می کنند. حضرت مهدی علیه السلام مردم را به عدالت ملزم می کنند و خود به عدالت داور می خواهند کرد. حکما و علمایی که در زمان غیبت ضعیف بوده و مورد توجه ظالمین نبوده عزیز می شود. قلب‌ها مملو از معرفت خدا می شود و تنها او را عبادت می کنند و احساس امنیت و راحتی و سعادت مردم را فرامی گیرد و مردم توانگر می شوند و فقر از بین می رود.

حکومت حضرت مهدی علیه السلام حکومت واحد جهانی یا بهترین وضعیت حکومتی و اقتصاد مادی و معنوی است و در حقیقت بهشتی که آدم و حضرت خوا در آن بودند و از هر نعمتی متنعم بودند با تمام خصوصیاتش برمی گردد و تمام جهانیان به برکت امام مهدی از آن متنعم می شوند. تمام انحرافات حذف می شود و همه علوم مورد نیاز مخلوقات فراهم می شود.

در زمان غیبت شخصیت‌شناسی و شخصیت‌گرایی به وسیله مقام به ثروت و ثجملات مختلف می باشد ولی در ظهور حکومت حضرت به وسیله معنویت و ایمان خواهد بود. در زمان ظهور همه جهان و آنچه در آنست اعم از جاندار و بی جان در خدمت مؤمنین عادل قرار می گیرد. و همه امکانات معنوی و مادی در دسترس مؤمنین قرار می گیرد. و همه ترس‌ها در بعد معنوی و مادی تمام می شود. وضعیت جهان در قبل و بعد از ظهور تفاوت‌های بی شماری دارد اما ارزش و برکت کاری که تحت لوای اهل بیت علیهم السلام باشد به گونه‌ای

بالاست که می‌توان به تحقیق در صددش را فاصله خدا تا غیر خدا تلقی نمود.^۱

ظهور از دیدگاه جامعه اسلامی: مسئله مهدویت و اندیشه ظهور حضرت مهدی علیه السلام در آخر الزمان یکی از مسائل بسیار حیاتی اسلام و از اعتقادات قطعی عموم مسلمانان است که شیعه و سنی در طی قرون متمادی همه بر این عقیده اتفاق نظر داشته و آن را جزء عقاید قطعی خود می‌دانند.

گرچه وجود این عقیده در اسلام - به خصوص در میان شیعیان - از مسائل بسیار جایز اهمیت و از اعتقادات بنیادی محسوب می‌شود و از این رهگذر در میان همه مذاهب اسلامی شیعیان بیش از همه با این عقیده شناخته شده‌اند، این عقیده اختصاص به شیعه ندارد، بلکه مورد اجماع همه مسلمین بوده و بلکه فرق اسلامی در این عقیده با هم اتفاق نظر دارند و حتی فرقه ساخته شده وهابیت نیز آن را جزء عقاید قطعی و مسلم خود می‌دانند و به طور جدی از آن دفاع می‌نمایند و معتقدند که اعتقاد به ظهور حضرت مهدی بر هر مسلمانی واجب است و جز افراد نادان و بی‌اطلاع و بدعت‌گزار منکر آن نخواهند بود.

عموم مسلمانان - به ویژه شیعیان - عقیده دارند که اعتقاد به ظهور حضرت مهدی از ضروریات مذهب است و اخبار و روایات مربوط به آن حضرت از طریق شیعه و سنی به حد تواتر رسیده است.

عموم مسلمانان عقیده دارند که ظهور مبارک حضرت مهدی موعود که در روایات مشواتر اسلامی با اوصاف قرشی، هاشمی، فاطمی، علوی، حسینی، حسینی، معرفی گردیده و نویدهای ظهور مبارک آن حضرت سال‌ها پیش از ولادت یا سعادتش از زبان مبارک پیامبر عظیم‌شان و خاندان پاکش برای امت

۱. آیا ظهور نزدیک است، واحد تحقیقاتی گل نرگس، انتشارات گل نرگس، چاپ چهارم ۱۳۸۴. برداشت از صص ۱۵۴ - ۱۱۰.

اسلامی بازگو شده، یک امر قطعی و مسلم است.

عموم مسلمانان عقیده دارند که ظهور مبارک حضرت مهدی در آخر الزمان و عده قطعی خداوند است و تویدهای ظهور آن موعود جهانی در قرآن کریم و روایات اسلامی به صورت گسترده در نهایت وضوح و روشنی بیان شده است، به نحوی که دین را تأیید و عدل و داد را آشکار خواهد نمود و دشمنان دین و انسانیت چه بخواهند و چه نخواهند سرانجام او ظاهر می شود و بر همه کشورهای مسلط می گردد. بشارت و حتمی بودن حکومت حضرت در آیه پنجم سوره قصص به وضوح آشکار است:

و نريد أن نمنّ على الذين استضعفوا في الأرض و نجعلهم أئمةً و نجعلهم الوارثين.

و ما ار داده کردیم که بر کسانی که در روی زمین به ضعف کشیده شده اند

منت نهاده آنها را پشویان و وارثان زمین قرار دهیم.^۱

عدم اختصاص عقیده ظهور حضرت مهدی به اسلام: اسناد و مدارک موجود تاریخی نشان می دهد که این اعتقاد یک اعتقاد جهانی و همگانی و عالم گیر است و منحصر به اسلام و مذهب تشیع و یا حتی منحصر به مذاهب شرقی و غربی نیست.

«گلدزیهر» خاورشناس و یهودی متعصب درباره جهانی بودن مسئله انتظار و

عمومیت انتظار اقوام مختلف برای ظهور یک منجی بزرگ می گوید:

اعتقاد به بازگشت و ظهور منجی موعود اختصاص به اسلام ندارد و

پندارهای مشابهی را می توان در میان اقوام دیگری نیز به فراوانی یافت.

بنابر اعتقاد هندوئیسم «ویشنو» در حالی که بر اسبی سفید سوار است و

۱. هاشمی شهیدی، اسداله، همان، برداشتی از صص ۱۹-۲۹.

شمشیری از شعله آتش به دست دارد در پایان دوره کنونی جهان به عنوان «کال کی» ظاهر خواهد شد و سرزمین آریا را از دست ستمگران غاصب که منظور اقوام فاتح مسلمانند رهائی خواهد بخشید.

عقیده به ظهور یک مصلح بزرگ جهانی در نزد بسیاری از جوامع قدیمی دیده می‌شود.

یهودی از همه فرقه‌هایش در انتظار ظهور مسیح موعود است که عدالت واقعی را در آخرالزمان در سراسر جهان برقرار نماید.

مسیحی از همه گروه‌هایش در انتظار بازگشت مسیح پاک است که شالوده عدالت را در آخرالزمان در پهنه گیتی استوار سازد. مسلمانان از همه مذاهب مختلفش در انتظار ظهور حضرت مهدی و بازگشت حضرت عیسی است که حکومت عدل واقعی در آخرالزمان در سراسر جهان از کران تا کران بشیان نهند.^۱ عقیده به ظهور یک مسئله عقلی و منطقی و فطری؛ با توجه به جنگ‌ها و خوتریزی‌ها در سراسر جهان این سؤال که آیا نابسامانی‌ها تمام می‌شود یا باید گفت از نظر عقل و اندیشه سالم روزنه امیدی برای نجات و اصلاح بشر وجود دارد. و سرانجام‌روزی فراخواهد رسید که این ایرهای سیاه از میان خواهد رفت چه آن که جهان در انتظار یک مصلح بزرگ الهی است که بشریت را از تیرگی ظلم و فساد و تباهی نجات خواهد داد. از نظر عقل به دو دلیل می‌توان استفاده کرد: الف) نظام آفرینش به ما این درس را می‌دهد که جهان بشریت سرانجام باید به قانون عدالت تن دردهد و خواه‌ناخواه تسلیم یک نظم عادلانه و پایدار گردد. یا یک نگاه ساده به جهانی که در آن زندگی می‌کنیم به این حقیقت می‌رسیم که جهان هستی درهم و برهم نیست بلکه تمام پدیده‌ها بر یک خط سیر معینی

حرکت می‌کنند و همه دستگاہ‌های جهان هستی همچون لشکر انبوهی که به واحدهای منظمی تقسیم شده باشند به سوی مقصد معینی به پیش می‌روند.

تردیدی نیست که از نظر عقل و اندیشه برای برقراری نظم و قانون و جلوگیری از هرج و مرج و ریشه کن شدن فتنه و فساد و اجرای قسط و عدالت وجود رهبری الهی و آسمانی لازم و ضروری است.

به همین دلیل است که امیر مؤمنان علیه السلام در یکی از سخنان خود در نهج البلاغه می‌فرماید:

آری بارخدا یا زمین هرگز از حجت خدا خالی نخواهد بود که یا ظالم و آشکار و یا ترسان و نهان خواهد بود تا حجت‌ها و دلایل روشن پروردگار باطل نگردد.

بنابراین سرانجام جهان بشریت و جامعه انسانی نیز در برابر نظم و عدالت سر تسلیم فرود خواهد آورد و به مسیر اصلی آفرینش بار خواهد گشت.

تب) سیر تکامل جامعه‌ها نیز دلیل دیگری برآینده روشن جهان بشریت است زیرا ما هرگز نمی‌توانیم این حقیقت را انکار کنیم که جامعه بشریت از روزی که خود را شناخته است پیوسته در حال پیشرفت بوده و روبه کمال و ترقی حرکت نموده و هیچ‌گاه در یک مرحله توقف نکرده است. قانون تکامل سرانجام شامل جنبه‌های اخلاق و معنوی و اجتماعی نیز می‌شود و انسان را به سوی یک قانون عادلانه و صلح و عدالت پایدار و فضایل اخلاقی و معنوی به پیش می‌برد.

بنابراین عقیده به ظهور حضرت مهدی یک مسئله عقلی و منطقی است که نیاز به هیچ بیان ندارد زیرا هر انسان عاقل آن را تصدیق و هر خردمندی آن را تأیید می‌نماید.^۱

از دیدگاه مذاهب و ادیان عقیده به ظهور حضرت مهدی مسئله‌ای کاملاً فطری و طبیعی است که با سرشت آدمی آمیخته شده و عمری به درازی عمر آفرینش انسان دارد.

همه انسان‌ها در همه زمان‌ها به دنبال روزی بهتر و زندگی مرفه‌تر بوده‌اند و در انتظار تحقق پیروزی نهایی به سر می‌برند و با دیدن ظلم و ستم فریاد برمی‌آورند که این خود دلیل قاطعی بر ریشه‌دار بودن این تمایل باطنی و خواست درونی و فطری بودن مهدویت است. زیرا فطرت الهام و درک درونی و خواست طبیعی و تمایل باطنی انسان است که نیاز به دلیل ندارد و هر انسانی بدون دلیل و برهان آن را می‌پذیرد و به آن ایمان دارد.

حقیقت مهدویت در واقع منتهی شدن سیر جوامع بشری به سوی جامعه واحد سعادت عمومی تعاون و همکاری امنیت و رفاه همگانی حکومت حق و عدل و... این همان چیزی است که مطلوب هر فطرت پاک و خواست طبیعی هر انسان سالم و وجدان بیدار است.^۱

مهدی موعود از دیدگاه شیعه: از نظر شیعه مسئله مهدویت و نوید ظهور مهدی موعود یکی از مسایل بسیار مهم و حیاتی اسلام به شمار می‌رود و به اندازه‌ای اهمیت دارد که اعتقاد به ظهور حضرت مهدی علیه السلام در ردیف وقوع قیامت و تکذیب و تصدیقش در ردیف تکذیب و تصدیق رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌باشد.

در این باره روایات فراوانی از معصومین رسیده است. پیامبر اکرم می‌فرماید: هرکس که قائم از فرزندان مرا انکار کند به راستی که مرا انکار کرده است.

امام حسن مجتبی علیه السلام می فرماید:

امامان دوازده گانه از ما هستند و خلافت جز برای ما شایسته نیست و
خدای تعالی ما را در کتب خود و سنت پیامبر اهل خلافت قرار داده
است.

امام حسین علیه السلام می فرماید:

قائم این امت همین فرزندان من است اوست که از دیده ها غایب می شود
و در حالی که زنده است میراثش تقسیم می شود.

امام باقر علیه السلام می فرماید:

قیام قائم ما از وعده های حتمی خداوند است. هر کس در این گفتار که
می گویم شک و تردید به خود راه دهد خدا را به حال کفر و انکار
ملاقات خواهد کرد.

خود حضرت در روایتی می فرماید:

کسی که مرا انکار نماید از من نیست و راه او راه فرزندان حضرت نوح
است.

به اعتقاد شیعه علاوه بر آیات متعددی که در قرآن وارد شده و پیشوایان دینی
آنها را به وجود مقدس مهدی موعود تفسیر کرده اند صدها حدیث معتبر و
متواتر از حضرت رسول اکرم و جانشینان آن حضرت صادر شده است. شیعیان
طبق وعده های انبیای سلف و تویدهای کتب مذهبی و وعده های صریح قرآن
کریم عقیده دارند که آنگاه که اخلاق و معنویت از میان بشر رخت بر بندد و ظلم و
ستیز فراگیر شود و اسباب ظهور مهیا می گردد حضرت مهدی به فرمان حق قیام
می کند و دنیا را پر از عدل و داد می نماید. و در سرتاسر جهان هستی تنها یک
نظام حکومت می کند که آن هم نظام عادلانه اسلام و احکام نجات بخش آسمانی

قرآن کریم است.^۱

- مهدی موعود از دیدگاه اهل سنت: عقیده به ظهور مبارک حضرت مهدی از مختصات شیعه و منحصر به او نیست و بسیاری از فرقه‌های اسلامی در این عقیده و مرام با هم اتفاق دارند و آن را جزء عقاید قطعی و مسلم خود می‌دانند. دانشمندان و بزرگان اهل سنت نیز مانند شیعیان ظهور مهدی را یکی از ضروریات دین مبین اسلام می‌دانند و متکر آن را از آیین اسلام بیرون می‌دانند. روایاتی از اهل سنت رسیده است من جمله:

شیخ سلیمان قندوزی حنفی از جابر بن عبدالله انصاری روایت کرده است که پیامبر اکرم فرمود: «هر که ظهور مهدی را انکار کند به آنچه بر محمد نازل شده کفر ورزیده است.»

احادیث حضرت مهدی علاوه بر کتب شیعه در بسیاری از کتب معروف اهل سنت نیز آمده است به علاوه در ۳۵ کتاب از کتب این دانشمندان تصریح شده که مهدی فرزند یافضل امام حسن عسکری علیه السلام است و حتی عده زیادی از آنها نیز اعتراف کرده‌اند که این احادیث از احادیث مشهور و یا متواتر است.

در کتاب مسند احمد بن حنبل، سنن ابن ماجه و صحیح بخاری و صحیح ترمذی روایاتی در زمینه ظهور حضرت مهدی علیه السلام وارد شده است.

بخاری در کتاب صحیح خود از سعید بن مسیب از ابوهریره نقل می‌کند که پیامبر اکرم فرمود:

به خدای بزرگ سوگند به یقین پسر مریم به عنوان داوری دادگر در میان شما نازل خواهد شد، صلیب را خواهد شکست و خوک را از میان خواهد برد و جزیه را کنار خواهد گذاشت و به قدری ثروت خواهد

بخشید که دیگر کسی نپذیرد. در آن روزگار یک سجده برای خدا بهتر از همه دنیا و هرچه در آن است خواهد بود.

در کتاب سنن ترمذی از عبدالله بن عمر از پیامبر اکرم نقل می‌کند که فرمود: «دنیا به آخر نمی‌رسد تا این که مردی از اهل بیت من عرب را مالک شود او هم نام من است.» همچنین ترمذی در کتاب سنن خود از ابوهریره نقل می‌کند که پیامبر اکرم فرمود: «اگر به پایان دنیا چیزی یک روز باقی نماند خداوند آن روز را به خدی طولانی می‌سازد تا مردی از اهل بیت من که هم نام من است زمام امور را به دست بگیرد.»

روایات از اهل سنت در زمینه ظهور حضرت بسیار است که در کتاب‌های معتبر خود از آن نام برده‌اند و این پاسخی برای کسانی است که مسئله مهدویت را افسانه‌ای پنداشته‌اند که تنها شیعیان به آن معتقدند.^۱

- مهدی موعود از دیدگاه صحابه و تابعین: اصالت مهدویت و ظهور حضرت مهدی در میان مسلمانان همیشه مطرح بوده است. صحابه بزرگ رسول خدا و سپس تابعین و سایر طبقات روایت از آن زمان تا امروز روایات مربوط به آن حضرت را با تمام مشخصات و اوصاف و نشانه‌ها روایت نموده و علما و محدثان بزرگ اسلامی نیز آنها را در کتاب‌های خود گردآوری نموده‌اند. در این زمینه شواهد بسیار زیادی از کتب حدیث، تاریخ، تفسیر، لغت، جغرافی، رجال و عقاید و... در دست داریم که نشانه اصالت مهدویت و حقیقت این اعتقاد بزرگ اسلامی است.

ابن عباس می‌گوید: «شب‌ها و روزها سپری نمی‌شود و جهان به پایان نمی‌رسد جز این که جوانی از ما اهل بیت زمام امور را به دست می‌گیرد که

دستخوش فتنه‌ها نمی‌شود و خود فتنه بر نمی‌انگیزد.»

گفته شده چگونه است که پیرمردان تمام از آن محروم می‌شوند و جوانان شما به آن می‌رسند؟ گفت: «آری، این امانت خداست به هرکس بخواهد عطا می‌فرماید.»

عثمان بن عفان می‌گوید، از رسول خدا شنیدم که می‌فرمود: «امامان بعد از من دوازده نفرند که نه نفر آنها از فرزندان حسین هستند و مهدی این امت از ما اهل بیت است. هرکس بعد از من به آنها تمسک جوید با ریسمان الهی تمسک جسته و هرکس از آنها دوری گزیند از خدای تعالی دوری گزیده است.»

کعب الاحبار می‌گوید: «من مهدی را در در اسفار - کتاب‌های - همه پیامبران می‌یابم که در داوری او هیچ ستم و تباهی وجود ندارد.»^۱
ضعفة بن صوحان می‌گوید:

آن شخص بزرگواری که حضرت عیسی پشت سر او نماز می‌گذارد و دوازدهمین نفر از عترت رسول خدا و نهمین نفر از فرزندان امام حسین علیه السلام است، اوست خورشید فروزانی که از مغرب طلوع می‌نماید در بین رکن و مقام در کنار کعبه ظاهر می‌شود و زمین را از وجود ستمگران پاک می‌سازد. و ترازوی عدل را برقرار می‌نماید به طوری که هیچ فردی به فرد دیگری ستم نخواهد کرد.^۲

مهدی موعود از دیدگاه اقوام و ادیان: انتظار ظهور یک مصلح بزرگ

آسمانی امری فطری است که با ذات وجود آدمی سر و کار داشته و با آفرینش هر انسانی همراه است و زمان و مکان نمی‌شناسد و به هیچ قوم

۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۲۶.

۲. هاشمی شهیدی، اسداله، همان، صص ۳۷-۳۱.

و ملتی اختصاص ندارد.

از این رو همه افراد طبق فطرت ذاتی خود مایلند روزی قرارند که جهان بشریت در پرتو ظهور رهبری الهی و آسمانی و با تأیید و عنایت پروردگار از ظلم ظالمان و ستم ستمگران نجات یافته و انسان‌ها از وضع فلاکت‌بار موجود نجات یابند و از نابسامانی خلاص می‌شوند و به کمال مطلوب انسانی نایل آیند.

به همین دلیل در تمام ادیان و مذاهب مختلف جهان از مصلحی که در آخرالزمان ظهور خواهد نمود و به جنایات‌ها و خیانت‌های انسان‌ها خاتمه خواهد داد و شالوده حکومت واحد جهانی را براساس عدالت و آزادی واقعی بنیان خواهد نهاد سخن به میان آمد و تمام پیامبران و سفیران الهی در این زمته به مردم با ایمان جهان نویدهایی داده‌اند.

عقیده به ظهور یک مصلح بزرگ آسمانی در پایان جهان یکی از مسائل بسیار مهم و حساسی است که نه تنها در آیین مبین اسلام بلکه در همه ادیان آسمانی و نه تنها در میان پیروان ادیان و مذاهب بلکه در نزد بسیاری از مکاتب مختلف جهان سابقه دیرین دارد و تمامی پیروان ادیان بزرگ عالم از مسیحیان و کلیمیان و زرتشتیان گرفته تا پیروان مکتب‌های الحادی همه و همه بدان عقیده دارند.

در این اواخر نیز این عقیده در بین گروهی از دانشمندان و فلاسفه بزرگ جهان به عنوان لزوم تشکیل حکومت واحد جهانی در سطح وسیعی مطرح گردیده است.

در عصر اخیر دوشادوش پیشرفت همه‌جانبه‌ای که در تمام مسائل علمی نصیب بشریت شده است ایده و عقیده نیز از مرد ادیان و مذاهب فرائد نهاده و به عنوان یکی از مهم‌ترین مسائل حیاتی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

پس برای رهایی از اوضاع نابسامان کنونی تشکیل حکومت واحد جهانی بر اساس عدالت و آزادی لازم و ضروری است.^۱

- مهدی موعود از دیدگاه کتب مقدس ادیان: مسئله ظهور حضرت مهدی در آخرالزمان و پایان دادن به ظلم و ستم‌ها از مسائل اساسی ادیان و اسلام است و تمامی ادیان و مذاهب گوناگونی که در کره زمین حکومت می‌کنند وقوع حتمی و قطعی آن را خیر داده‌اند.

براساس تعالیم انبیا و نویدهای کتب آسمانی علی‌رغم عوامل بدبینی بی‌شماری که نسبت به آینده بشر در جهان دیده می‌شود اوضاع کنونی جهان قابل دوام نیست و چهره جهان دیر یا زود دگرگون خواهد شد.

نگاه کوتاهی به کتاب‌های مذهبی اهل ادیان این امور را به خوبی نشان می‌دهد که وقتی جهان دچار فتنه و آشوب گردد و آتش ظلم و بیدادگری همه جهان را فراگیرد و زمامداران جهان از اداره امور کشور عاجز و ناتوان گردند در چنین موقعیت حساس و بحرانی یک مصلح بزرگ جهانی با اتکا به قدرت لایزال الهی قیام خواهد کرد و به یک اصلاح عمومی در تمام جهان دست خواهد زد و قدرت‌طلبان افسارگسیخته عالم را به جای خود خواهد نشاند.

هنگامی که به ادیان آسمانی مراجعه می‌کنیم کتب آسمانی را سراسر مملو از امید و سرشار از نویدهای بهروزی و وعده‌های ظهور آن مصلح جهان می‌بینیم. در تمامی ادیان و مذاهب بزرگ جهان اعم از وثنیت، کلیمیت، مسیحیت و... آیین مبین اسلام از مصلحی که در پایان جهان ظهور خواهد کرد و به جنایت‌ها و خیانت‌های انسان خاتمه خواهد داد و شالوده حکومت واحد جهانی را براساس عدالت و آزادی بنیان خواهد نهاد.

اینک برای اثبات این مدعا قسمتی از نویدها و بشارتهای ظهور مهدی موعود را که در کتب مذهبی اهل ادیان آمده است از کتب مقدسه هندیان، یهودیان، مسیحیان و سایر کتاب‌هایی که در میان پیروان خود به عنوان کتاب آسمانی شناخته شده نقل می‌کنیم تا اصالت مسئله مهدویت و جهانی بودن اعتقاد به ظهور حضرت مهدی عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف به خوبی روشن شود. کتاب‌هایی که ظهور مهدی را بشارت داده‌اند بسیار می‌باشند در اینجا به چند نمونه آن اشاره می‌شود.

۱. مهدی موعود در کتب مقدس هندیان: در کتاب‌های مذهبی مقدسی که در میان هندیان به عنوان کتاب‌های آسمانی شناخته شده و آورندگان این کتاب‌ها به عنوان پیامبر شناخته می‌شوند.

در کتاب اوپانیشاد که یکی از کتب معتبره و از منابع هندوها به شمار می‌رود بشارت ظهور مهدی موعود چنین آمده است: «این مظهر «ویشنو» (مظهر دهم) در انقضای کلی یا عصر آهن سوار بر اسب سفیدی در حالی که شمشیر برهنه درختانی به صورت ستاره دنباله‌دار در دست دارد ظاهر می‌شود و شیرازان را تماماً هلاک می‌سازد.» از مطالب بالا به دست می‌آید که مقصود از مظهر ویشنو همان وجود مقدس حجت بن الحسن العسکری است. در این زمینه اخبار و احادیث بسیار زیادی در کتب شیعه و سنی از پیامبر گرامی اسلام و ائمه معصومین روایت شده است در کتاب عقد الدرریاب سوم از قول ابوسعید خدری از رسول خدا نقل کرده است آن حضرت فرمود: «در آخر الزمان مردی جوان با چهره‌ای زیبا و بینی کشیده که از عترت من است قیام می‌کند و زمین را پر از عدل و داد می‌نماید. همان گونه که پر از ظلم و جور شده باشد.»

در کتاب یاسک که از کتب مقدسه هندوهاست، بشارت ظهور حضرت

مهدی چنین آمده است:

دور دنیا تمام شود و به پادشاه عادل در آخرالزمان که پیشوای ملائکه و پریان و آدمیان باشد و حق و راستی با او باشد و آنچه در دریا و زمین‌ها و کوه‌ها پنهان باشد همه را به دست آورد و از آسمان‌ها و زمین و آنچه باشد خبر دهد و از او بزرگ‌تر کسی به دنیا نیاید.

ناگفته پیداست که منظور از آن پادشاه عادل موعود همان وجود مقدس حجت بن الحسن العسکری است. به هر حال در این بشارت و بشارت دیگری که در سایر کتب مقدسه مذهبی اهل ادیان آمده موضوع ظهور مبارک حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به قدری واضح و روشن است که هیچ‌گونه نیازی به توجیه و تفسیر ندارد. در روایات فراوانی که در مورد روزگار شکوهمند آن یگانه پیشوای دادگر به ما رسیده چنین آمده است پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله ضمن حدیثی راجع به زمان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمود:

و تخرج له الأرض کبدها.

زمین به برکت وجود او پاره‌های جگرش را آشکار می‌سازد.

همچنین در کتب دیگر هندوها مانند پاپیکل، وشن جوک، دید، دادتگ، ریگ و داوشاکمونی نیز مژده به ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف داده شده است.^۱

۲. مهدی موعود در کتاب تورات: در کتاب تورات که از کتب آسمانی به شمار می‌رود و هم‌اکنون در دست اهل کتاب و مورد قبول آنهاست بشارت زیادی چون در کتاب عهد عتیق اشاره به بازگشت عیسی شده و این مطلب رابطه

۱. همان، برداشتی از صص ۳۰۴ - ۲۷۳. حکیمی، محمد رضا، خورشید مغرب، انتشارات دفتر و فرهنگ اسلامی، چاپ هفتم ۱۳۷۱، ص ۵۴.

مستقیم با ظهور حضرت مهدی دارد. یهود نیز همچون مسلمانان به رجعت و بازگشت حضرت عیسی معتقدند به قسمی از بشاراتی که از تورات و ملخقات آن آمده است اشاره می‌شود.

بشارت ظهور در زبور داوود: در زبور حضرت داوود که تحت عنوان مزامیر در لابه لای کتب عهد عتیق آمده تویدهایی درباره ظهور حضرت مهدی به بیان‌های گوناگون داده شده است. در هر بخش از زبور اشاره‌ای به ظهور مبارک آن حضرت و تویدی از پیروزی صالحان بر شریران و تشکیل حکومت واحد جهانی و تبدیل ادیان و مذاهب مختلف به یک دین محکم و آیین جاورید و مستقیم موجود است.

قرآن کریم چنین می‌فرماید:

و لقد كتبنا في الزبور من بعد الذكر أن الأرض يسرئها عبادي
الصالحون^۱.

ما علاوه بر ذکر (تورات) در زبور نوشتیم که در آینده بندگان صالح من
وارث زمین خواهند شد.

این آیه مبارکه از آینده درخشانی بشارت می‌دهد که شر و فساد به کلی از
عالم انسانی رخت برینسته و آشراز و ستمکاران نابود گشته‌اند و وراثت زمین به
افراد پاک و شایسته منتقل گردیده است.

مهدی موعود در کتاب بوئیل نبی: در کتاب بوئیل نبی که از پیامبران پیرو
تورات است بشارت ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و نزول
عیسی علیه السلام و محاکمه اسرائیل در آن روز سرنوشت ساز چنین آمده است: در
آن‌گاه جمیع امت‌ها را جمع کرده و به وادی «یهوت فاظ» (صحرایسی نزدیک

بیت المقدس) فرود خواهیم آورد و در آن حال با ایشان درباره قوم خود و میراث خویش اسرائیل را محاکمه خواهیم نمود. زیرا که ایشان را در میان امت‌ها پراکنده ساختند و زمین را تقسیم نموده‌اند و بر قوم من قرعه انداخته‌اند و پسری را در عوض فاحشه داده و دختری به شراب فروخته‌اند تا بنوشند.

در همین زمینه در کتاب عاموس نبی آمده است که می‌گوید:

بنابر این ای اسرائیل به این طور با تو عمل خواهم نمود و چون که به

این طور با تو عمل خواهم نمود پس ای اسرائیل خویشتن را مهیا ساز

تا با خدای خود ملاقات نمایی.

این فرازها همچنان که ملاحظه می‌شود از نزول حضرت عیسی و داوری آن

حضرت در یوم الله ظهور خبر می‌دهند. کتاب‌های اشعیا نبی، خرقیال نبی،

حجی نبی، صغنیای نبی، دانیال نبی نیز به ظهور حضرت مهدی

عجل الله فرجه الشریف در آخر الزمان اشاره شده است که برای هر مطلب آن

از روایات معصومین سندی ذکر شده است که همگی دلالت بر ظهور حضرت

دارند.^۱

۳. مهدی موعود در انجیل: پراساس بشارات فراوان که در کتاب انجیل آمده

است حضرت مسیح به دنبال قیام حضرت قائم عجل الله فرجه الشریف در

فلسطین آشکار خواهد شد و به یاری آن حضرت خواهد شناخت و پشت سیر

حضرتش نماز خواهد گزارد تا یهودیان و مسیحیان و پیروان وی تکلیف خویش

را بدانند و به اسلام بگردند. در انجیل‌های مختلف به این مطلب اشاره شده است

از جمله:

۱. هاشمی شهیدی، اسداله، همان، برداشتی از صص ۳۲۸-۳۰۴، حکیمی، محمدرضا، همان،

- انجیل متی: پس عیسی از هیکل بیرون شده برفت و شاگردانش پیش آمدند تا عمارت‌های هیکل را بدو نشان دهند؛ عیسی ایشان را گفت: «آیا همه این چیزها را نمی‌بینند؟ هرآینه به شما می‌گویم در اینجا سنگی بر سنگی گذارده نخواهند شد که به زیر افکنده نشود.»

عیسی در جواب ایشان گفت: «زنتهار کنی شما را گمراه نکنند. زان رو که بسا به نام من آمده خواهند گفت که مسیح هستم و بسیاری را گمراه خواهند کرد. و جنگ‌ها و اخبار جنگ‌ها را خواهید شنید. زنتهار مضطرب نشوید زیرا که وقوع این همه لازم است لیکن انتها هنوز نیست.»

در انجیل مرقس و یوحنا نیز مانند این تعبیر آمده است.

- رساله پولس به رومیان: زیرا یقین می‌دانم که دردهای زمان حاضر نیست به آن جلالی که در ما ظاهر خواهد شد هیچ است و آن که برای حکمرانی امت‌ها مبعوث شود امید امت‌ها بر وی خواهد بود.

این تعبیر هم تعبیر دقیقی است که در احادیث اسلامی آمده است و این تغایر از عهد جدید یا روایات اسلامی وجوه مشترک فراوانی دارد که از آن جمله است:

۱. نزول حضرت عیسی.

۲. صیحه آسمانی.

۳. زنده شدن گروهی از افراد صالح.

۴. آمدن او بر فراز ابن.

۵. ربوده شدن یاران حضرت ولی عصر علیه السلام از محراب‌ها و رختخواب‌های

خود و انتقال یافتن آنها بر فراز ابرها.

همه این موارد و احادیث اسلامی آمده و بنا این فقرات انجیل دقیقاً

منطبق است.^۱

۴. مهدی موعود در منابع زرتشتیان: در کتاب زند که از کتب مقدسه زرتشتیان است درباره انقراض اشرار و وزائت صلحا که پس از درهم شکستن شوکت جباران و بیدادگران زمام امور جامعه بشری را به دست خواهند گرفت چنین می‌گویند لشکر اهریمنان با ایزدان دایم در روی خاکیدان محاربه و کشمکش دارند و غالباً پیروزی با اهریمنان باشد اما نه به طوری که بتوانند ایزدان را محو و منقرض سازند. چه در هنگام تنگی از جانب او رمز ذکر خدای آسمان به ایزدان که فرزندان اویند یاری می‌رسد و محاربه ایشان نه هزار سال طول می‌کشد آنگاه پیروزی بزرگ از طرف ایزدان می‌شود و اهریمنان را منقرض می‌سازند و تمام اقتدار اهریمنان عالم کیهان به سعادت اصلی خود رسیده بتی آدم بر تخت نیک‌بختی خواهد نشست.

در بخش «گات‌ها» که یکی از بخشهای چهارگانه اوستا است نویدهایی در مورد ظهور حضرت مهدی علیه السلام و سیطره جهانی آن حضرت که قیام شکوهمند او طبق وعده‌های انبیا در آخرالزمان به وقوع خواهد پیوست چنین آمده است:
او هنگامی که سزای این گنهکاران فرارسد پس آنگاه ای مزداکشورت را بهمن در پایان برپا کند از برای کسانی که دروغ به دست‌های راستی بسپرنند و خواستاریم از آنانی باشیم که زندگی تازه کنند.

همه این مطالب دلالت بر نوید بشارت‌های جاوید در کتاب مقدسه ادیان بود که همه با مضامین مختلف آمدن یک مصلح بزرگ جهانی را به نام مهدی موعود در آخرالزمان نوید داده و به روشنی گواهی می‌دادند که مسئله ظهور حضرت مهدی اختصاص به اسلام ندارد بلکه از نظر همه امت‌ها و ملت‌ها یک

۱. هاشمی شهیدی، اسداله، همان، صص ۳۳۸-۳۵۰؛ حکیمی، محمدرضا، همان، صص ۵۷-۵۸.

امر قطعی و مسلم است که بدون تردید تحقق خواهد یافت.^۱

احتمال ظهور در عصر کثونی:

ظلم و ستم و تباہی هر روز در جهان بیشتر می‌شود و همین‌طور با توجه به رشد فکری جهانیان نسبت به اسلام واقعی و با به وقوع پیوستن اکثر علامات که در ظهور امام زمان آمده است نظر روحانیون و علما درباره اینکه آیا احتمال ظهور در عصر کثونی می‌رود یا خیر، چنین است؛ ما امیدواریم که خداوند فرج آن بزرگوار را نزدیک گرداند و می‌دانیم احتمال قوی و روشن است ولی یقین نیست زیرا نصاب قنناد را نمی‌دانیم اما باید دل‌ها گرم تقرب ظهور باشند. ظهور هم در این زمان محتمل است هم در زمان‌های آینده، و فقط خدا می‌تواند یقین کند ظهور چه زمانی است، اما انسان‌ها باید تکالیف دوران غیبت را انجام دهند و خود را برای ظهور آماده سازند. ما موظفیم در هر عصر و زمان منتظر ظهور آن حضرت باشیم و مسئله انتظار حقیقی خود گویای آن است که احتمال ظهور آن حضرت در همه اوقات می‌رود. امروز بسیاری از علائم ظهور دیده می‌شوند و انتظار مشاهده شدن سایر نشانه‌ها نیز می‌رود، مثل ظلم، جور، فساد، تجاوز به حقوق دیگران و مفاسد اجتماعی اما علائم بسیاری هنوز ظاهر نشده‌اند. مثلاً این علامت که مردها می‌دانند زنانشان به دنبال فحشا می‌روند و نه تنها جلوگیری نمی‌کنند بلکه آنها را تشویق کرده و از پول آن برای زندگیشان استفاده می‌کنند.^۲ ظهور هم به مانند غیبت دو قسم صغری و کبری دارد و ظهور

۱. هاشمی شهبیدی، اسداله، همان، ص ۳۵۱؛ حکیمی، محمدرضا، همان، صص ۵۴ - ۵۳.

۲. قائمی، علی، نگاهی به مسئله انتظار، انتشارات شناخت اسلام، ص ۹۹؛ آیا ظهور نزدیک است، صص ۲۵۲ - ۱۸۸.

صغری از سال ۱۳۴۰ قمری شروع شده است و دلیل محکم مبنی بر آن وجود دارد.

۱. از سال ۱۳۴۰ قمری استعدادها زیاد شد و صنایع به نتیجه رسیده است (تحول ماشینی).

۲. معجزات هر یک از انبیا و ائمه اطهار مطابق [سطح] علوم و هنر هنرمندان اهل آن عصر می‌باشد.

۳. مردم شیعه قبلاً نسبت به مردم این زمان کمتر به یاد حضرت ولی عصر علیه السلام بوده‌اند.

۴. شصت سال قبل حتی سواد خواندن و نوشتن را مردم جهان نداشتند اما حال ۹۰ درصد مردم دنیا باسوادند و در همه علوم کمپانی به وجود می‌آید.

۵. در گذشته شیعه به دادن سهم امام بی توجه بود اما امروزه علاوه بر همه مشکلات سهم امام زیاد داده می‌شود.

۶. در گذشته مردم به فکر موضوعی بودند که وجود مقدسش را اثبات کنند و یکی از دلایل اثبات ملاقات با ایشان بود اما امروزه با استقرار کامل و دقیق می‌توان بیان کرد که کمتر کسی از افراد شیعه با امام ملاقات خواهند کرد.

۷. در نشست‌های علمی کنونی علمای ممالک اسلامی و اهل سنت یک روز در مکه در این رابطه جلسه تشکیل داده و به آنچه شیعه اعتقاد دارد اعتراف می‌کنند.

۸. ایجاد انقلاب اسلامی و گسترش نور مقدس آن در سراسر گیتی.

اما مردم باید باور کنند که اگر بخواهند می‌توانند موجب ظهور آن حضرت شوند. در حقیقت وقتی نیاز به مصلح کل ضروری شود ظهور حتمی می‌شود و اگر ۳۱۳ نفر از صاحب حضرت تکمیل شوند ظهور صورت می‌گیرد. اما به طور

کلی ظهور دو بخش است ظهور صغری و کبری که ظهور صغری با ظهور «سید حسنی» اتفاق می‌افتد و آنچه که مانع رؤیت امام می‌شود کنار می‌رود. با ظهور سید حسنی شمارش معکوس ظهور کبری شروع می‌شود و بعد از قریب چند ماه ظهور صورت می‌گیرد.^۱

احادیث ظهور حضرت مهدی علیه السلام

روایات و احادیث در باب ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در کتب روایی بسیار می‌باشد که ذکر همه آنها موجب اطاله مقاله و خروج از موضوع می‌گردد و به همین دلیل به چند حدیث در این زمینه اشاره می‌شود. سالار شهیدان در این زمینه می‌فرماید: دوازده مهدی از ما هست که نخستین آن علی بن ابیطالب و آخرین آنان نهمین فرزند من است که او امام قائم به حق است خداوند زمین مرده را به وسیله او زنده می‌کند و دین حق را بر تمام ادیان پیروز می‌گرداند.

عبداله بن عمر می‌گوید: از حسین بن علی شنیدم که می‌فرمود، اگر از عمر دینا جز یک روز باقی نمانده باشد خداوند آن روز را به قدری طولانی می‌فرماید تا آن که مردی از فرزندان من خروج نماید و زمین را پر از عدل و داد می‌نماید چنانکه پر از ظلم و جور شده باشد من از رسول خدا چنین شنیدم.^۲

فضل بن شاذان یا یک واسطه از امام حسن عسکری حدیثی نقل کرده است که وارد محضر امام شده و در حضور آن حضرت پسری بوده و سؤال کرده این پسر کیست؟

فرمود: او پسر و جانشین من پس از من خواهد بود، او غیبت طولانی خواهد

۱. آیا ظهور نزدیک است، صص ۲۵۲ - ۱۸۸.

۲. فصل نامه علمی تخصصی انتظار، ش ۲، زمستان ۱۳۸۰، ص ۱۷۵.

داشت و از آن پس ظهور خواهد کرد و زمین را پس از آن که از جور و ستم پر شده است از عدل و داد پر خواهد کرد.^۱

اسحاق بن سعد نقل می‌کند که:

از ابی محمد حسن بن علی علیه السلام شنیدیم که می‌فرمود:

خدا را سپاسگزارم که مرا از دنیا نبرد تا جانشین بعد از مرا به من بنمود او شبیه‌ترین مردم است به رسول خدا در سیرت و صورت. خدا او را در مدت غیبت حفظ فرماید پس ظاهر سازد و زمین را پر از عدل و داد کند بدان گونه که از ظلم و جور پر شده است.^۲

از حسن بن محمد صالح از امام حسن عسکری علیه السلام روایت کرده است که فرمود: «فرزند من بعد از من قیام می‌کند و دل‌ها با غیبت قساوت پیدا می‌کند».^۳

حتمیت ظهور: ظاهر شدن امام قائم علیه السلام در آخر الزمان و تشکیل حکومت

واحد جهانی براساس عدل و ایمان به اندازه‌ای قطعی و حتمی است که اگر مثلاً از عمر دنیا فقط یک روز مانده باشد باید این پیشگویی تحقق یابد و حداقل بشر یک روز شیرینی دادگری و امنیت و آسایش عمومی را بچشد و پرچم یکتاپرستی و انسانیت بر دنیا سایه‌اندازد و بانگ توحید طنین افکند و هدف اصلی پیامبران که گسترش عدالت در میان توده‌هاست در آن روز انجام یابد. این بنیان‌گذار عدالت عالمگیر و به وجود آورنده حکومت واحد جهانی و فرزند پاک پیامبر اسلام است که به پشتیبانی خدا قیام خواهد کرد و همه ضد مردمی‌ها را

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمة، مؤسسة النشر الإسلامی، ج ۲، ص ۱۰۵.

۲. الخزاز قمی، محمد بن علی، کفایة الاثر، انتشارات بیدار، ص ۳۲۶.

۳. التجلیل، ابوطالب، مهدی کیست؟، ترجمه دکتر جلیل تجلیل، انتشارات سروش، ۱۳۸۱، ص ۲۶۴.

ریشه کن خواهد ساخت به طوری که پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند:

اگر از عمر دنیا فقط یک روز باقی بماند خدا در همان روز مرده‌ی از خاندان مرا برانگیزد که پهنه زمین را به عدل و داد گستراند همان‌گونه که از بیداد و ستم پرشده باشد.^۱

جهانی بودن ظهور: ظهور و امامت امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام مربوط به کل جهان است و پس از ظهور اسلام حقیقی با تمام ابعادش در همه جهان به دست یا کفایت آن حضرت حاکم و محقق می‌شود. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید:

وقتی که قائم عجل عَلَيْهِ السَّلَام تعالی فرجه الشریف قیام کرد، هیچ نقطه‌ای از زمین نخواهد بود مگر این که آوای توحید و پذیرش رسالت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در آن بلند است.

بنابراین در این برنامه‌ریزی باید همه جهان با انواع فرهنگ‌ها و سنت‌ها و انحرافات و عقاید گوناگون را در نظر گرفت و طرحی جامع برای براندازی فسادها و انحرافات همه جهان که از آن گاهی تعبیر به صدور انقلاب اسلامی می‌شود ارائه داد. با توجه به این که جهان همچون حلقه‌های زنجیر در شئون مختلف به هم ارتباط دارد و همین ارتباطات تأثیرات مثبت و منفی نسبت به همدیگر دارند. اگر ما نقطه‌ای را از انحراف بیرون آوردیم کافی نیست، زیرا خواهد تاخواه تأثیرات اطراف این نقطه مانع وصول به هدف در آن نقطه خواهد شد.^۲

۱. دین بزور، سید جمال الدین، جهانگشای عادل، نشر مؤسسه امام المهدی، سال ۶۱، ص ۲۹.
 ۲. محمدی اشتهاردی، محمد، حضرت مهدی فروغ تابان ولایت، انتشارات مسجد مقدس جمکران، بهار ۷۸، ص ۱۸۶.

شرایط ظهور: ظهور مهدی آل محمد نیازمند شرایط خاص خود می‌باشد

به نحوی که تا آن شرایط موجود نباشد ظهور دولت حق امکان ندارد از همین رو روایات ظهور را در شرایطی ذکر کرده‌اند که در آن به دو نکته باید توجه شود:

۱. امکانات روز: غرض این است که وضع به گونه‌ای باشد که در آن محیط برای ظهور مساعد گردد و وسایل برای فتح و ظفر و سازندگی فراهم شود. وقوع چنین امکانی در عین حال هنگامی خواهد بود که فسادها در جامعه عملی گردد، ناسازگاری‌ها به اوج رسد، مردم از وضع نابسامان در رنج و عذاب باشند و بالاخره زمینه برای انفجار فراهم شود. مردم باید دریابند که جتیش‌های اصلاحی قادر به اصلاح وضع نیست و روز به روز بر شدت اوضاع و وخامت آن افزوده‌تر و شرور مقاوم‌تر می‌گردند.

۲. آمادگی مردم: برای ظهور، مردم نیز باید آمادگی یابند هم به صورت فردی و هم به صورت جمعی. آمادگی فردی بدین معنی است که در افراد زمینه‌ای پیدا شود که مصلح را بپذیرند و یا او همگام شوند و هم‌هدف گردند، حاضر باشند در راه هدف او که هدف همه انبیا و مصححان جهان است قربانی کنند. در جنبه جمعی غرض این است که این طرز فکر همه‌گیر و پرده‌منه شود؛ شعاع نفوذش در همه دل‌ها گسترده گردد، همه حاضر گردند در زیر علم توحید گرد هم آیند. جهان‌بینی مردم تغییر کند، بینششان عوض شود، همه خود را اعضای یک پیکر بدانند و برای انجام رسالت عظیمی که بر عهده دارند مهیا گردند. جان و تن را برای شرکتی فعال در نهضتی عظیم که زمینه آن را خود فراهم کرده‌اند سرمایه بگذارند و رهبری و بهره‌برداری از آنرا به دست امام بسپارند در چنین صورتی شرایط مهیا و زمینه برای ظهور فراهم می‌شود.^۱

شاید بتوان شرایط ظهور و اسباب برپایی حکومت عدل جهانی را در چهار عامل خلاصه کرد:

۱. قانون مدون و جامع و حکیمانه‌ای که بتواند منشور اداره جامعه قرار گیرد.
۲. رهبر عادل و مدیر و توانمندی که انقلاب را هدایت کند به پیروزی برساند و پیرو آن اداره حکومت جهانی را برعهده گیرد.
۳. آمادگی پذیرش جامعه جهانی و فراهم بودن زمینه‌های مناسب اجتماعی در جهت پشتیبانی از حکومت.
۴. تعداد کافی فرمانبرداران و یاوران آگاه و کارآمد برای کمک به رهبری و تشکیل اداره هسته مرکزی حکومت.

در میان دو عامل نخست با نزول قرآن و وجود آخرین وصی برحق پیامبر مکرم اسلام یعنی حضرت بقیة الله الأعظم مهدی عجل الله فرجه الشریف تأمین شده است اما دو عامل دیگر شرایطی هستند که باید تحقق پیدا کنند.^۱

وقت ظهور: از سؤال‌هایی که از گذشته تا امروز مطرح بوده است و همواره آن را از امامان می‌پرسیدند سؤال از وقت ظهور آن حضرت است. از این رو در این زمینه روایات زیادی به دست ما رسیده است. وقت ظهور آن حضرت تعیین نشده است و عالم به وقت ظهور خداوند است و جز او کسی نمی‌تواند وقت ظهور را تعیین کند.

جلال‌الدین سیوطی در تفسیر درالمنثور در مورد آیه شریفه:

فهل ينظرون الا الساعة ان تأتيهم بغتة.^۲

از ابوهریره نقل کرده است که گفت بادیه‌نشینی از رسول خدا پرسید

۱. فصل‌نامه انتظار، ش ۷، صص ۲۳۹ - ۲۳۷.

۲. سوره محمد، (۴۷)، آیه ۱۶.

ساعت کی است؟ حضرت در جواب فرمود: «هنگامی که امانت ضایع شود در انتظار ساعت باش.» اعرابی گفت، ای رسول خدا ضایع ساختن امانت چگونه است؟ فرمود: «موقعی که کارها به کسانی که اهلیت آنرا ندارند واگذار گردید در انتظار ساعت باش.»

در حدیثی از امام حسن مجتبی علیه السلام آمده است که فرمود:

از جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدم که امامان بعد از او چند نفرند؟ فرمود امامان بعد از من به تعداد نقیای بنی اسرائیل دوازده نفرند. خداوند علم و فهم مرا به آنها عطا فرموده است، تو ای حسن یکی از آنها هستی.

عرضه داشتم، یا رسول الله قیام قائم ما اهل بیت کی خواهد بود؟

فرمود: ای حسن حکایت قیام قائم مثل روز قیامت است که علمش

نزد خداست و ناگهان فرا می‌رسد.

در توقیعی که حضرت ولی عصر برای اسحاق بن یعقوب نوشته‌اند چنین

آمده است: «اما ظهور و فرج مربوط به خداوند است و هرکس وقتی برای آن تعیین کند دروغ گفته است.»^۱

روز ظهور: از مجموعه روایات استفاده می‌شود که روز ظهور موفور

السرور حضرت قائم علیه السلام جمعه خواهد بود، منتها جمعه چه ماهی و چه سالی

جز خدا کسی نمی‌داند البته در بعضی از روایات ۲۳ ماه رمضان ذکر شده است و

در بعضی روز عاشورا و در روایتی روز نوروز آمده است که برای روشن شدن

مطلب روایاتی در این زمینه نقل می‌شود:

راوی از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمودند:

۱. هاشمی شهیدی، اسداله، همان، برداشتی از صص ۴۴۷-۴۴۱.

روز نوروز روزی است که در آن قائم ما ظهور می‌کند و والیان امر را خداوند بر دجال پیروز می‌گرداند و حضرت، او را به دار می‌آویزد در کنار شهر کوفه.

از این حدیث استفاده می‌شود که روز ظهور حضرت روز نوروز خواهد بود، البته نوروزی که روز جمعه باشد زیرا در جمعه بودن آن تردیدی نیست.

این ابی عمیر از عده‌ای نقل می‌کند که گفتند امام صادق علیه السلام فرمود: «روز ظهور قائم ما اهل بیت روز جمعه خواهد بود.»

ابابصیر از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که حضرت فرمودند: «ظهور حضرت روز شنبه خواهد بود و مصادف با عاشورایی خواهد بود که شهادت امام حسین علیه السلام در آن واقع شده است. در اینجا چون روز شنبه به جای جمعه ذکر شده است و معارض یا روایات زیادی است که روز جمعه را ذکر می‌کنند، لذا این حدیث تأویل می‌شود.

در دو حدیث دیگر نیز از امام باقر علیه السلام آمده است که آن حضرت روز عاشورا قیام می‌کند ولیکن در حدیث دیگری ذکر شده است که ظهور حضرت در ۲۳ ماه رمضان خواهد بود که شاید بتوان این‌گونه تأویل کرد که یوم‌الجمعه است و روز قیام عاشورا است.

در روایتی نقل شده است که:

ایام الله سه روز است: اول آنها روز ظهور حضرت منتظر است که بشر باید به رشد برسند که لیاقت و ظرفیت آن روز را داشته باشید، دوم روز رجعت است که عده‌ای از صلحا و مؤمنین و شهدا به این عالم باز می‌گردند، و سوم یوم‌القیامة که سلطنت حق به تمام معنی ظهور می‌کند.^۱

- عاشورا در ظهور: دربارهٔ روز قیام و ظهور حضرت روایات مختلفی وارد شده است که در آنها روز نوروز، عاشورا، شنبه و یا جمعه روز ظهور معرفی شده‌اند. البته از آنجایی که توروز طبق سال شمسی و عاشورا بر اساس سال قمری محاسبه می‌شود یکی شدن این دو روز امکان‌پذیر است و هم‌زمانی این دو روز با جمعه یا شنبه ممکن است.

اما روایاتی که روز ظهور را دو روز هفته بیان کرده قابل توجیه است یعنی در صورت صحیح بودن سند این روایات احادیث روز جمعه به روز ظهور و روایات روز شنبه به روز استقرار و تثبیت قیام حضرت و نابودی مخالفان تفسیر می‌شود. البته روایات روز شنبه از نظر سند مورد تأویل و بررسی است ولی روایات روز جمعه از این نظر ایرادی ندارد. اما آنچه مهم است این که قیام حضرت ولی عصر عجل الله فرجه الشریف مصادف با روز شهادت سیدالشهداء علیه السلام است و این مطلب ما را به ارتباط ویژه صاحبان این دو قیام رهنمون می‌سازد.^۱

امام محمد باقر علیه السلام می‌فرماید:

گویا حضرت قائم را می‌بینم که روز عاشورا روز شنبه بین رکن و مقام

ایستاده و جبرئیل پیش روی او ندا می‌کند، بیعت برای خداست، پس

زمین را پر از عدل می‌کند همان‌گونه که از ظلم و جور پرشده است.

امام جعفر صادق علیه السلام نیز می‌فرماید: قائم - درود خدا بر او باد - در شب ۲۳

ماه رمضان به نام شریفش ندا می‌شود و در روز عاشورا - روزی که حسین بن

علی در آن کشته شد - قیام خواهد کرد.^۲

۱. فصل‌نامه انتظار، ش ۲، صص ۱۷۷ - ۱۷۶.

۲. مجلسی، محمدباقر، همان، ج ۵۲، ص ۲۹.

اعتقاد مشترک دربارهٔ پایان تاریخ: پیروان ادیان سه‌گانه آسمانی و مسلمانان مسیحیان و یهودیان - باور دارند آیندهٔ نهایی مسیر زندگی خاکی، پیروزی ایمان بر کفر، حاکمیت حق، علم و عدالت اجتماعی، عبادت خدای متعال، وراثت زمین به صالحان و پایان خرافات، و گمراهی و ستم و تمامی گونه‌های انحراف است. نیز اتفاق نظر دارند شخصی که خداوند عهد و پیمانش را به دست او تحقق می‌بخشد از فرزندان ابراهیم بوده و شریعتی که بنیان حکومت می‌کند آیین موسی نیست بلکه دین پیامبری است که خداوند در آخرالزمان وی را مبعوث می‌کند و اُمی‌ها (اهلی مکّه) منتظر اویند.

نشانه‌های ظهور: احادیثی که از نشانه‌های ظهور مهدی سخن می‌گویند، چه در کتب شیعه و چه سنی غالباً دربارهٔ دو موضوع بحث می‌کند، نخست، حوادث مستقل و جداگانه‌ای که رخ خواهد داد. دوم، وضع اجتماعی سیاسی و تکنولوژی که جهان پیش از ظهور دارد. به عبارت دیگر وضع دنیای سیاست و اجتماع و فن‌آوری پیش از ظهور را برای ما ترسیم می‌کند.

در بسیاری از منابع اهل سنت و برخی جوامع حدیثی شیعه نشانه‌های ظهور مهدی علیه السلام با علامت‌های نزدیک شدن و برپایی قیامت آمیخته و برخی نیز که به عنوان علائم ظهور شهرت دارند نشانهٔ قیامت دانسته شده است حتی گاهی اصل ظهور حضرت مهدی عجل الله فرجه الشریف به عنوان علامت قیامت یاد می‌شود. به طور کلی صاحبان جوامع حدیثی اهل سنت بسابی به عنوان (الشراط الساعة = شرایط هنگام ظهور) گشوده‌اند و در دوره‌های متأخر کتاب‌های مستقل با همین عنوان عرضه شده است.

از حدیقه نقل شده است که ما در حال گفت‌وگو بودیم که رسول خدا صلی الله علیه و آله حاضر شد و فرمود، از چه سخن می‌گویید گفتیم: از قیامت، فرمود:

قیامت آشکار نمی‌شود مگر این‌که ده نشانه پیش از آن ببینید: دود، دجال، جنبنده، طلوع خورشید از سمت مغرب، نزول عیسی علیه السلام یا جوج و مأجوج، لرزش زمین در مشرق و مغرب و در جزیره العرب و آخرین نشانه آتشی است که از سوی یمن آشکار شود و مردم را به سوی محشر سوق دهد.

برای نمونه از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که قیامت برپا می‌شود تا این که مردی از اهل بیت من ظهور کند. چنان‌که پیداست مراد رسول خدا این است که ظهور مهدی عجل .. تعالی فرجه الشریف پیش از قیامت حتمی است نه به این معنا که ظهور او نشانه‌ای برای رسیدن قیامت باشد.

هرکسی می‌خواهد بداند آن حضرت عجل .. تعالی فرجه الشریف چه زمانی ظهور خواهند فرمود، از این رو مشتاقان و شیعیان کوثر ولایت بیشتر شوق دارند که بدانند زمان ظهور چه زمانی است و از آنجا که زمان ظهور به امر الهی پنهان می‌باشد و فقط به خواست خدا تحقق می‌پذیرد مردم از نشانه‌های دوران نزدیک سؤال و نشانه‌های آن را جستجو می‌کنند، از این رو ائمه علیهم السلام به گوشه‌هایی از آن علائم اشاره می‌کند و این روایات در کتب شیعه و سنی آمده است.

نشانه‌های ظهور بر دو قسم است: ۱. نشانه‌های حتمی و نشانه‌های غیر حتمی. بعضی از علما بر این عقیده هستند که تا نشانه‌های حتمی ظهور واقع نشوند، حضرت مهدی عجل .. تعالی فرجه الشریف ظهور نخواهد فرمود. بعضی از نشانه‌های حتمی و غیر حتمی عبارتند از:

۱. خروج سفیانی که مردی از نسل یزید بن معاویه - لعنت الله علیه - است و پلیدترین و زشت‌ترین مردم است.

۲. خروج سید حسنی از طالقان که مردی از بزرگان شیعیان است و از ناحیه

دیلمان قزوین خروج و قیام می نماید.

۳. کشته شدن نفس زکیه در پشت کوفه یا هفتاد نفر.

۴. خروج یمانی از طریق یمن.

۵. باریدن بیست و چهار باران پی در پی تا زمین را پاک کرده و پرکات ظاهر

شوند.

۶. ظاهر شدن دود تیره‌ای بالای سرها که در چشم و در گوش و بینی‌های

مردم ظاهر شود.

۷. کشف حجاب و بی‌عفتی در زن‌ها و شریک شدن زن‌ها در تجارت با

شوهران و تمکین نکردن زنان از شوهرانشان.

۸. ندای آسمانی که برای تثبیت حقانیت حضرت علی علیه‌السلام و شیعیان

او واقع شود.

۹. خراب شدن ری.

۱۰. کشته شدن هفتاد هزار نفر کنار جسر بغداد که آب دجله از خون سرخ و

گنداب متعفن شود.

۱۱. نزول عیسی بن مریم علیه السلام از آسمان و اقتدای او در نماز به حضرت

مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.

۱۲. طلوع آفتاب از سمت مغرب.

۱۳. تعطیل شدن مساجد تا چهل شبانه روز.

۱۴. توجه بلاها به سمت لبنان و مضطرب شدن عراق.

۱۵. بانگ ناقوس‌ها در ممالک اسلامی.

۱۶. قبل از قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دو مرگ سرخ و

سفید واقع شود که مرگ سرخ با اسلحه و مرگ سفید با طاعون است.

۱۷. موت پی در پی (فقها).
۱۸. کم شدن امانتداری و ضایع شدن نمازها و پیروی کردن از شهوت‌ها.
۱۹. دشنام دادن اولاد به پدران و مادران و شاد شدن به مرگ آنها.
۲۰. مساجد را جای خوردن غذاها قرار دادن.
۲۱. برداشته شدن برکت از سال و ماه و روز.
۲۲. شیوع گفت‌وگوهای نامشروع و رقص‌ها و اقسام سازها.
۲۳. مستولی شدن زن بر شوهر خویش به جمع چیزها.
۲۴. قرآن را با ساز و نوا خواندن.
۲۵. کم فروشی و گرانفروشی.
۲۶. بی‌اعتنائی به پند و نصیحت و خشک شدن چشمه‌ها.
۲۸. انجام اعمال خیر برای ریا.
۲۹. امر به معروف و نهی از منکر کننده را سرزنش کنند و به او بگویند که این کار را نکن.
۳۰. نشانه‌های نماز آیات در آسمان ظاهر شوند و مردم نترسند.
۳۱. طلاق بین زن و مرد زیاد شود.
۳۲. پشت سر جنازه اشخاص نروند و اگر بروند گریه و زاری نکنند.
۳۳. غیبت کردن به نظر مردم شایسته شود.
۳۴. دین و دنیا فروخته شود و تعارفات دروغین بین مردم زیاد شود.
۳۵. مردان صورت‌های خود را صاف و براق کنند.
۳۶. قیام مردی از قم که مردم را دعوت به حق کنند و با او باشند جماعتی از مردان که دل‌هایشان مانند پاره‌ای آهن است در استقامت.^۱

امام حسین علیه السلام نیز علائم ظهور را چنین می فرمایند:

«برای مهدی ما پنج علامت است: خروج سفیانی، خروج یمانی، بانگ آسمانی، خسفت سرزمین پیدا، فساد، بیداد، فرورفتن لشکر سفیانی در سرزمین پیدا، قتل نفس زکیه» در روایتی دیگر خراب شدن دیوار مسجد کوفه از سمت خانه عبدالله مسعود و دیدن علامتی در آسمان (مانند آتش) را از نشانه های ظهور بیان فرمودند.

حوادث نزدیک به ظهور؛ نزدیک به ظهور آن حضرت حوادثی رخ خواهد داد شاید مراد از شرایط حوادثی باشد که نزدیک ظهور آن حضرت اتفاق می افتد که به علائم ظهور نیز تعبیر شده است.

این شرایط و علائم به علائم حتمیه و غیر حتمیه تقسیم گردیده و نیز برخی از شرایط و علائم مربوط به عالم تکوین و برخی مربوط به تحولات اجتماعی بشر می شود که بررسی مجموعه آنها فرصت زیادی می طلبد اما به صورت خلاصه یکی از شرایط ظهور امتحان مردم است تا سعید از شقی شناخته شود. دیگر از شرایط ظهور آن حضرت علیه السلام پرشدن جهان است از ظلم و بیدادگری که مضمون چندین روایت است و ده ها علائم دیگر مانند: ظهور یمانی، ظهور سفیانی ندای آسمانی، فرورفتن زمین (خسفت) پیدا. کشته شدن نفس زکیه، قتل عام، طاعون یا کشته شدن مردم به وسیله بیماری های میکروبی، هجوم ملخ در وقت و بی وقت، در نهایت مبتلا شدن مردم به بلایا و مصیبت هایی چند، تا صابران از غیر صابران و سعدا از اشقیاء تمیز داده شوند، پرشدن عالم از ظلم و جور و تعدی، کسوف خورشید در ۲۵ رمضان، خسوف در آخر رمضان، خروج

سید حسنی از خراسان، نزول حضرت عیسی و در کنار حضرت قرار گرفتن.^۱

علائم ظهور آن حضرت از نظر علما دارای اتفاق است که هر کدام از آنها نمادی از ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌باشد.

قبل از ظهور و در طول مدت غیبت کبری از دیدگاه چند تن از علما علائمی ذکر شده است: مانند وقوع ظلم و ستم در سطح گسترده جهانی، تحریف ادیان و بی تفاوتی و تعطیلی بسیاری از احکام اسلامی، مظلومیت هر چه تمام‌تر زنان در محیط‌های غیر مناسب شأن آنان و ترویج و شیوع مفاسد اخلاقی در جامعه جهانی آمادگی اعتقادی، جهاد وسیع شیعیان برای استقرار حکومت دینی حضرت علیه السلام تحقق اراده الهی برای ظهور ایشان، مأیوس شدن دنیا از تمام سازمان‌ها و احساس نیاز به یک منجی، احساس نیاز شدید و آماده شدن یاوران، پدیدار شدن ظلم و جور فراگیر، روی آوردن و گرایش مردم به حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف بالا بردن معرفت و شناخت مردم نسبت به رهبری انقلاب جهانی و آمادگی مردم برای قبول حکومت جهانی.^۲

ویژگی‌های عصر ظهور

مدینه فاضله اسلامی که در عصر ظهور به دست مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله بنا می‌شود. ویژگی‌ها و خصایصی دارد که آن را از سایر مدینه‌های بیان شده ممتاز می‌سازد که در ذیل به بعضی از آنها اشاره می‌شود.

۱. آینا ظهور نزدیک است، صص ۴۷ - ۳۹.

۲. همان، صص ۵۴ - ۴۷؛ صفایی کاشانی، علی، همان.

حکومت در عصر ظهور: حکومتی که در مدینه فاضله اسلامی و در عصر

حاکمیت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مستقر خواهد شد در تمام جهان با حکومت‌های موجود در عالم فرق دارد. حاکم، نوع حکومت، قوانین و نظام‌های جاری در آن هیچ شباهتی با حکومت‌های موجود در عالم ندارند. نوع حکومتش الهی و بر مبنای ایمان به خدای یگانه و توحید خالص است و هدفش متحد کردن جماعت‌ها و ملت‌ها برداشتن دیوارهای امتیازات و اعتبارات پیچیده، برقرار کردن کلمه توحید و ایجاد همکاری و ارتباط بین مردم است. حاکم آن نیز امام معصوم احیاکننده شریعت نبوی و مجری قوانین اسلامی و دستورات الهی است. اسلام می‌خواهد تمام اختلافات و جدایی‌ها را که به نام‌های گوناگونی پذیرد آمده به وسیله عقیده توحیدی از میان بردارد. تمامی اختلافات نژادی، طبقاتی، ملی، وطنی، جغرافیایی، ملکی، حزبی و زبانی باید از میان برود و سبب امتیاز و افتخار نباشد و حتی در آن حکومت اختلافات دینی هم باید کنار گذاشته شود و همه در زیر پرچم اسلام تسلیم فرمان خدا باشند. این همان حکومت واحد جهانی است که کره زمین با یک حاکم، یک نوع حکومت و با یک شیوه و روش عادلانه اداره می‌شود. اسلام برای بشر چنین حکومتی را پیش‌بینی نکرده است و در حدودی که وظیفه تشریح است مقدمات آن را فراهم ساخته و عملی شدن آن را موقوف به آماده شدن زمینه کامل آن کرده است. اساساً حفظ یک انسان کامل به عنوان ولی الله الاعظم و تگه‌داری آن در پشت پرده غیبت برای تشکیل حکومت واحد جهانی است زیرا تشکیل چنان حکومتی از عهده انسان‌های عادی خارج است.^۱

حکومت حضرت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف حکومتی است که

رهبر آنها خدا مشخص می‌کند و ویژگیهای آن را نیز او بیان می‌کند چنین حکومتی از دست افراد عادی خارج است زیرا رهبران آن حکومت الهی و قوانین نیز خدایی می‌باشند.

پیشرفت‌ها در عصر ظهور معلول عواملی است که یکی از آنها وجود رهبری معصوم پاک و منزّه از هر نوع عیب و نقص و از قبیل احساسات حیوانی، خشم، شهوت و کبر و خودخواهی است. او فقط وابسته به خداست و به همه ملت‌ها جمعیت‌ها و نژادها با چشم مهربانی و برابر نگاه می‌کند و فرقی بین اقوام و قائل نیست و به همه با دید یکسان می‌نگرد. در حالی که رهبران دیگر دنیا چنین نیستند و عالی‌ترین همت آنان استعمار دیگران و هضم یک جامعه در جامعه قوی‌تر و کوشش برای یک ملت است. آنها می‌خواهند ملتی را فدای ملت دیگر کنند و ذخایر طبیعی ملت ضعیف را به نفع ملت خود تصاحب نمایند، اما رهبران الهی چون وابسته به جمعیت خاصی نبوده و خود را وابسته به خدایی می‌دانند که خالق و رازق همه است هدفشان آسایش عمومی، آزادی گسترده و تشکیل یک سازمان عالی می‌باشد.

عدل در عصر ظهور: پیامبران الهی در مأموریت آسمانی خود خواهان اقامه عدل در جهان و در بین همه انسان‌ها بوده‌اند و می‌خواستند مردم را طوری تربیت کنند که آنان خود قسط و عدل را به پا دارند، نه آنکه به زور و قدرت حاکم به عدالت تن دهند. در تعالیم اسلام، عدل و از جایگاه رفیعی برخوردار است تا جایی که همه انسان‌ها مأمور شده‌اند در تمام زمینه‌های زندگی خود در اصول و قروع در نظام اجتماعی و اقتصادی سیاسی و نظامی در گفتار و کردار و... عدالت را مراعات کنند. هر چه زمان می‌گذرد ما به دیدار امام نزدیک‌تر می‌شویم و این همان چراغ امیدی است که قرن‌ها درون انسان‌ها به عشق آمدن آن منجی روشن

و فرورزان است، به عشق او که نامش عدل است:

اللهم صل على ولي أمرک القائم المؤمل و العدل المنتظر.^۱

دو چیز از شاخصه‌های اصلی حکومت اوست:

۱. حکومت واحد جهانی که تنها اوست که چنین حکومتی ایجاد می‌کند.
۲. عدل جهانی که تنها در جامعه‌ای که او تشکیل می‌دهد و خود در رأس آن قرار می‌گیرد عدل با تمام ابعادش گسترده می‌شود.

حکومت او جهانی و عدل او نیز گسترده و جهانی است. در حکومت آن حضرت هیچ ویژگی به اندازه عدل و قسط برجستگی و روشنی ندارد و مردم آن حضرت را عمدتاً از عدل او می‌شناسند و الان نیز آنچه در اولین لحظه از نام مبارک او در ذهن خطور می‌کند عدل اوست.

علم در عصر ظهور: عصر ظهور زمان گسترش و شکوفایی علم و دانایی است و مدینه فاضله اسلامی، شهر علم و دانش است. جهل و نادانی نیز جای خود را به علم و دانایی می‌دهد و جهان از نور علم و دانش آکنده می‌شود. علوم و دانش‌هایی که در طول اعصار و قرون در پشت پرده‌ها مکتون مانده بود ابراز می‌گردد و مرز دانایی و یادگیری تا سراپرده منازل و اعماق وجود تک تک انسان‌ها گسترش می‌یابد. امام صادق علیه السلام در این باره فرمودند:

علم و دانش ۲۷ شعبه و شاخه دارد. تمام آنچه پیامبران الهی بر مردم آوردند دو حرف بیش نبوده و مردم تاکنون جز دو حرف آن را نشناخته‌اند، اما هنگامی که قائم قیام کند ۲۵ حرف و شاخه و شعبه دیگر را آشکار و در میان مردم منتشر می‌سازد و دو حرف دیگر را با آن

۱. قمی، عباس، مفاتیح الجنان، دعای افتتاح، انتشارات قدیانی، ص ۲۹۸.

ضمیمه می‌کند تا ۲۷ حرف کامل و منتشر گردد.^۱

زمان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف جنبش فوق‌العاده علمی است و درهای تمام رشته‌ها و شاخه‌های علوم مقید و سازنده به روی انسان گشوده می‌شود و راهی را که به بشر طی هزاران سال پیموده به میزان پیش از دوازده برابر آن در اندکی زمانی پیموده می‌شود.

ارتباطات در عصر حضور: در عصر ظهور به جهت جهش علمی دنیا را همچون کف دست نشان می‌دهد (پستی و بلندی‌ها مانع رؤیت موجودات زمین نخواهد بود). همه تحت حکومت واحد او هستند و هر فساد و توطئه‌ای در نطفه خفه می‌شود. مردم در هر نقطه‌ای امام را مشاهده می‌کنند و امام با آنان سخن می‌گوید. چیزی به نام اداره پست وجود ندارد و همه دستورها و برنامه‌ها یا سیستم‌شهود و حضور ابلاغ و اجرا می‌شود.

ارتباط مستقیم در میان مردم وجود دارد و جهان به منزله یک خانه و مردمش به منزله یک خانواده هستند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

وقتی کارها به صاحب اصلی ولایت برسد خداوند هر نقطه فروافتاده‌ای از زمین را برای او مرتفع و هر نقطه مرتفعی را پایین می‌برد. آنچنان که تمام دنیا نزد او به منزله کف دستش خواهد بود. کدام یک از شماها اگر در کف دستش مویی باشد آنرا نمی‌بیند؟^۲

پس پیشرفت‌های عظیم محصول تکامل علمی عصر بعد از ظهور است نه

اعجاز.

۱. مجلسی، محمدباقر، همان، ج ۵۲، ص ۳۶۲.

۲. همان، ج ۵۲، ص ۳۲۸.

رفاه و آسایش در عصر ظهور: در عصر ظهور امام مهدی

عجل الله تعالی فرجه الشریف رفاه و آسایش برای همه وجود دارد. شکاف طبقاتی در جامعه وجود ندارد زمین هر آنچه را در خود دارد بیرون می ریزد و در اختیار مردمان قرار می دهد. عدالت یکسان برقرار می شود. همه مردم به سر حد بی نیازی و خودکفایی می رسند.

امام علی علیه السلام می فرماید:

در عصر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف انسان یک مد می کارد و هفتصد مد برداشت می کند چنان که مضمون آیات شریفه قرآن است.

- سفر به فضا در عصر ظهور: در عصر ظهور به جهت وسایلی که در اختیار

مردم قرار می گیرد سفر به فضا و کرات بالا همانند سفرهای زمینی امری عادی خواهد شد. همچنان که امام باقر علیه السلام می فرمایند: برای صاحب و سرور شما حضرت مهدی علیه السلام آن وسیله سرکش ذخیره شده است. راوی می گوید گفتم منظور از وسیله سرکش چیست؟ ابری است که در آن غرش رعد و شدت صاعقه یا برق است. او بر این وسیله سوار می شود. آگاه باشید که او به زودی بر ابرها سوار می شود و به آسمانها و زمینهای هفت گانه صعود می کند و این نشانه جدید بودن وسایل عصر ظهور می باشد که در حال حاضر تصور چنین وسایلی مشکل است.

امنیت و سلامت و تربیت در عصر ظهور: در عصر ظهور امنیت و سلامت

در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، خانوادگی و غیره تجلی می یابد و مدینه فاضله اسلامی تحقق پیدا می کند چنان که قرآن کریم به انسانها و مؤمنان وعده داده که خوف آنها تبدیل به امن می شود.

و آن امنیت طبق مقایسه ائمه ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است و همچنان که در قرآن این وعده داده شده است: و خدا به کسانی که از شما بندگان به خدا و حجت عصر ایمان آورد و نیکوکار گردد وعده فرموده که [با ظهور امام زمان] در زمین خلافت دهد و همچنانکه امام صالح پیغمبران سلف، جانشین پیشینیان خود شدند و علاوه بر خلافت دین پسندیده آنان را بر همه ادیان تمکین و تسلط اعطا کند و به همه مؤمنان پس از خوف و اندیشه از دشمنان ایمنی کامل دهد.^۱

همچنین مردم تنها در وفور نعمت نیستند بلکه از لحاظ تربیتی و پرورش خصوصیات اخلاقی حسنه و معنوی بالایی قرار می‌گیرند. انسان‌های صالح جامعه صالح و آرمانی خواهند داشت، تمام خصوصیات بد اخلاقی مثل دروغ و ریا از بین می‌رود و یک‌رنگی جای آنرا می‌گیرد و در کنار نعمات فراوان روح و قلب آنها صاف و بی‌ریا می‌شود و اخلاقی‌ها به کمال می‌رسد.^۲

وظیفه ما در دوران غیبت

از آیات بی‌شمار قرآن و گفتار پیشوایان دین به روشنی درمی‌یابیم که تعالیم اسلام ویژه زمان و مکان خصوصی نیست بلکه برای همه انسان‌ها در تمامی روزگاران حامل پیام و رسالت است. راهی که قرآن نشان می‌دهد نمایشگر راه راست و درستی است که کاوشگر راه حق را گریزی نیست جز این که آن را بپوید و بدون محدودیت زمان و مکان پذیرا باشد، زیرا پیامبر اسلام آمد تا مردم را به وسیله آیین پاک قرآن به سعادت برساند و از کژی‌ها و تاراستی‌ها پرهاند و روح انسانی آنان را زنده کند.

خاصیت زنده کننده و زندگی ساز از دستورات اسلام زنده نخواهد شد و در همه زمان ها - حتی دوران غیبت امام قائم علیه السلام هم زنده بودن انسانی در پرتو قوانین اسلام خواهد بود.

این حکم خدا و پیامبر است که جاودانگی آن را تضمین کرده است و مردم نمی توانند حکم خدا و پیامبر را تغییر دهند و مثلاً بگویند دوران غیبت امام استثنا شده است و ما وظیفه ای نداریم. وظیفه و مسئولیت مسلمان در زمان غیبت و ظهور امام برابر است. یکی از وظایف و دستورهایی دینی هر فرد مسلمان پاسداری دین و حفظ حقوق مردم و سلامت و نظم جامعه اسلامی است این موضوع در متون دینی به نام امر به معروف و نهی از منکر یاد شده است. امر به معروف و نهی از منکر تعهد و مسئولیتی است که اسلام به دوش پیروان خود می گذارد تا نهال و راستی ها ریشه گیرد و علف های هرز کژی و نادانی بخشکد. انجام این رسالت بزرگ ضمانت اجرایی بر قوانین دین خواهد بود تا از گزند حوادث و دستبرد تااملان محفوظ بماند و همین رمز گسترش و پیشرفت اسلام است.^۱

آمادگی برای ظهور: آمادگی عبارت است از عمل به وظایف دینی و تقوا، فراهم نمودن وسایل فرح بخش که از قدرت همه جز خداوند خارج است و باید همه شرایط از نظر تقوی و تهذیب فراهم باشد. برخی از علما آمادگی برای ظهور امام زمان را شامل موارد زیر شمرده اند: بی اعتنائی به علایق دنیوی، اطلاع از حوادث ساختن خود، تسلط بر هواهای نفسانی و فداکاری و گذشت فراوان، دعا کردن و خواستن از خدا، تقوی و تهذیب و تزکیه اعمال و افعال از خدا، التزام عملی به دین و پذیرش مسئولیت های دینی و به یاد آن حضرت بودن و به یاد

آوردن دیگران، خودسازی و آماده‌باش کامل فکری و اخلاقی انتظار فرج و حفظ امید در خود و دیگران، اصلاح خویش و ایجاد جامعه صالح، خودسازی، شناساندن حضرت، ایجاد حالت انتظار، بسیج همگانی، یکپارچگی شیعیان و تقاضای فرج و اصلاح روحیات خود، متمرکز کردن توجهات فکری و فرهنگی به سمت ظهور و نقی تبلیغات منفی، درد غربت و تنهایی امام عصر علیه السلام استواری ایمانی و عقلانی، امر به معروف و نهی از منکر، دادن صدقه برای سلامتی آن حضرت دادن، پاک کردن خود از گناهان، و ترک غفلت از یاد آن حضرت، فرمان بردار بودن لازم بدون چون و چرا، دوری از خواسته‌های نفسانی، توقف در شبهات، تمام فعالیت‌های خود را در جهت گرایش به آن حضرت متمرکز کردن، و خلاصه این که در تمام جهات خود را مطابق خواسته آن حضرت قرار دادن آماده کردن عوام در بعد اضطراب و... و مشخص است تنها کسانی در مسیر امام عصر باقی می‌مانند که بین خود و مولا را یا رشته محکمی از عشق بسته باشند و به تنها چیزی که فکر می‌کنند آن است که معشوق آنان یعنی امام عصر ناراحتی و غصه‌ای نداشته باشد. شادی ایشان لیخند خشنودی امام است و بودن در کنار امام برای ایشان بهشت است. آمادگی برای امام زمان یعنی عشق به امام عصر، یعنی قطع همه وابستگی‌ها غیر از امام زمان، یعنی تمام وجود، ذکر سجود، بود و نبود و همه در یک کلام، ندبه عملی فراق امام (ع) باشد که:

این بقیه‌الله التي لا تخلو من العترة الهادية.

برنامه زمینه سازی: آماده‌سازی دنیا برای انقلاب امام عصر

عجل الله فرجه الشريف و طیفه‌ای گسترده، بزرگ و پیچیده است که این گروه

در رویارویی با ستمگران و طاغوت‌های ستمگر و سردمداران کفر بدان اقدام

می‌کند. گروهی که عهده‌دار آماده‌سازی جهان برای ظهور امام عصر است به ناچار می‌باید در رویارویی با این نیروها از همان تشکیلاتی که جبهه استکبار جهانی برخوردار است برخوردار باشند. بلکه با تربیت ایمانی و جهادی و آگاهی سیاسی از دشمن پیشی گیرد. بنابراین طرح زمینه‌سازی برای قیام امام عصر که گروه زمینه‌سازان تدارک می‌بینند دارای دو جنبه است.

۱. رشد ایمانی جهادی و آگاهی سیاسی، که دقیقاً همان چیزی است که جبهه مقابل فاقد آن است.

۲. ایجاد تشکیلات سیاسی، نظامی، اقتصادی و اطلاعاتی که به ناچار در مانند چنین نبردی باید موجود باشد. تشکیلات سیاسی، نظامی، اقتصادی و اطلاعاتی بدون وجود نظام سیاسی و دولت در جهان محقق نخواهد شد و این همان دولت زمینه‌ساز آن است که روایات زیادی مژده برپایی آن داده‌اند و به ناچار شکل‌گیری چنین نیرویی در زمین ظهور امام علیه السلام را نزدیک می‌گرداند که بدون آن عوامل طبیعی فراهم نمی‌آید کسب چنین نیرویی نیازمند عمل و حرکت در متن زندگی است و فقط مترصد بودن و به انتظار نشستن به معنی منفی آن دردی را درمان نمی‌کند.

بر این اساس که تصویر شد مقدمات تحقق این مأموریت باید به دست جمیع انسان‌ها پی‌ریزی شود تا مهدی موعود آن را به انجام رساند. روح مردم باید آماده پذیرش نظام الهی گردد و از تن دادن به ذلت خود را رها سازد و قطعاً تا چنین نشود ظهور تحقق نخواهد یافت.

بدین سان ظهور امام در خلایق بزرگ پدید می‌آید. خلایق که در روابط فرد و جامعه و در اندرون عالم و جاهل است و نیز در این خلأ است که او پیروزی را به

دست می‌آورد.

مقدمه انفجار ممکن است به صورت نفی بدعتی باشد که موجب تغییر یک نمونه شده است و در برابر آن مقاومت می‌شود و در آن فاصله‌ای اندک شعاع این انفجار و ترکش آن همه را می‌گیرد. حمله‌ها از تنگناها آغاز و به سرعت همه گیر می‌شود و مبارزه درمی‌گیرد. عده‌ای کشته شده و گروهی دیگر تسلیم می‌شوند. در آنگاه که چاره‌ای نباشد ناگزیر تسلیم نیروی غالب گردند و خواسته و ناخواسته تن به عدل دهند حق را بپذیرند و مطیع آن گردند.

آن گونه تلاش‌ها امروز هم به همان خاطر و مقصد انجام می‌گیرد تا سرانجام منجر به ایجاد مدینه‌ای انسانی و اسلامی گردد و همگامی در راه هدف ولی الله اعظم - امام زمان علیه السلام باشد و گرنه پاکبازی‌ها و ابراز خلوص را هیچ‌گونه توجیهی قانع‌کننده نتواند بود.^۱

عوامل مهم زمینه‌سازی ظهور: از آنجا که انقلاب حضرت مهدی

عجل الله تعالی فرجه الشریف همان انقلاب اسلامی است، منتهی در سطحی وسیع‌تر و عمیق‌تر و از آنجا که این انقلاب تکمیل‌کننده انقلاب پیامبر عظیم‌الشان اسلام است و با توجه به این که طبق روایات عین همان انقلاب پیامبر صلی الله علیه و آله است منتهی در سطحی وسیع‌تر و در جهت تکمیل آن در اینجا به ذکر یازده عامل زیر که در انقلاب عظیم‌الشان اسلام به رهبری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقش مهمی در زمینه‌سازی حکومت اسلامی داشت می‌پردازیم. تا به تعقیب اساس این عوامل در ابعاد گوناگون و جهانی زمینه‌ساز انقلاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف گردیم و مفهوم عینی و واقعی انتظار را تحقق بخشیم.

۱. جاذبه قرآن و حقانیت اسلام: حقایق نورانی و استوار و منطقی قرآن و اسلام، این مکتب زنده و غنی و حیات بخش و سازنده یکی از عوامل مهم پیروزی است. در صدر اسلام درستی و واقعیت هماهنگی دستورات اسلام با عقل و وجدان و انسانیت و پیکار اسلام با هرگونه آلودگی و فقر و بدبختی و بی عدالتی خوبه خود جاذبه ای قوی داشت که انسان ها را به سوی خود می کشانید، امروز نیز تکیه بر چنین مکتب پرمایه و استوار و مقایسه علمی و منطقی آن بر سایر مکتب ها از نظر معنوی بزرگترین عامل حرکت و زمینه سازی برای یک حکومت عدل جهانی است و به تنهایی کافی است که نیازهای مادی و معنوی انسان ها را برآورده و آنها را در همه ابعاد مثبت به پیش ببرد. به راستی اگر در انقلاب فرهنگی در دانشگاه ها قرآن به صحنه آید و حقایق نورانی آن به مردم برسد و پیاده گردد. ریشه دارترین زمینه برای آینده سازی و حکومت جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پدیدار خواهد شد.

۲. علم و اندیشه و به کار انداختن آن: بدون شک علم و فکر بسیاری از کارها را آسان تر کرده و بسیاری از راه ها را نزدیک تر نموده و بسیاری از گره ها را در زمینه گوناگون گشوده است و گاهی راه صدساله به وسیله علم و دانش یک شبه طی می شود. برای پیشرفت و زمینه سازی برای حکومت آینده آل جهانی به رهبری امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یکی از راه های محکم تحصیل علم و دانش و کاراندازی آن است. در صورتی که این دو براساس شناخت و اولویت های کارهای مثبت و عادلانه به کار می رود. حضرت علیه السلام قوام و دوام دین و دنیا به چهار چیز بستگی دارد که یکی به دانشمندی است که دانش خود را به کار اندازد.^۱ بنابراین باید همه مسلمانان در تحصیل علوم مختلف و

عینیت بخشیدن آن علوم در جامعه تلاش کنند بدین وسیله زمینه فکری و علمی را در همه ابعاد برای حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فراهم سازند.^۱

۳. استقامت، پایداری و شجاعت: در صدر اسلام استقامت و پایداری و شهامت پرتوان مسلمانان در برابر تندبادهای حوادث از عوامل پیروزی بود. اینک نیز برای پیروزی در نیل به تکمیل اسلام به دست حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیاز به صبر و پایداری دارد.

قرآن در آیه ۲۰۰ آل عمران می‌فرماید:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید استقامت کنید و در برابر دشمنان نیز پایداری به خرج دهید و از مرزهای خود مراقبت به عمل آورید و از خدا بپرهیزید شاید رستگار شوید.

زهد و رعایت اخلاق و حقوق: رعایت اخلاق نیک نسبت به یکدیگر در برخوردها و تمام ابعاد زندگی و رعایت حقوق جانی و مالی و عرضی و غیره که عالی‌ترین نقش را در جذب دیگران و نفوذ در دل‌ها دارد، از عوامل مهم گسترش اسلام در صدر اسلام بوده است. اخلاق پیامبر خدا و امامان علیهم السلام و شاگردانش بسیاری از گردنکشان را به سوی اسلام پر از مهر و صفا جلب کرد و موجب تقویت مسلمانان گردید. برآستی اگر همه شاخه‌های اخلاق اسلامی رعایت گردد، بهترین زمینه‌سازی معنوی برای ظهور امام زمان علیهم السلام خواهد بود.

۵. ایمان و توکل به خدا: روحیه قوی و اطمینان قلب و اعتماد به نفس از عوامل سازنده و پیش‌برنده و زمینه‌ساز و سوزاننده موانع سر راه است. یک چنین روحیه و آرامش و استواری قلب در سایه ایمان به خدا و توکل به او به

دست می‌آید که دعا و مناجات و نماز و روزه تقویت کننده چنین ایمان و توکل است. ایمان و توکل به خداست که اتحاد و انسجام و روحیه قوی می‌سازد و کارهای ناممکن را ممکن می‌کند و مشقت خالی را بر تانک‌ها پیروز می‌گرداند و مانع باید در سایه ایمان و توکل به خدا به پیش برویم و فکرأ و عملاً زمینه‌ساز آینده درخشان باشیم چنان‌که مسلمانان در صدر اسلام در پرتو توکل و ایمان به پیروزی‌های معجزه‌آمیزی نائل شدند.

۶. تعاون و همکای: برادری اسلامی و رسیدگی به دردهای اجتماعی و تأسیس واحدهای وسیع و پر دامنه در این زمینه نیز در نوع خود برای انسجام و پیوند و به هم پیوستگی هر چه بیشتر زمینه‌ساز آینده درخشان است و نقش اجتماعی مؤثری در پیش برد هدف‌ها دارد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

مؤمنان در دوستی با مؤمنان دیگر همچون اعضای یکدیگرند که اگر یک عضو به درد آید عضوهای دیگر نیز ناآرام هستند.

اگر به راستی جامعه ما نسبت به همدیگر چنین احساسی می‌داشتند پیشرفت بی‌نظیری در زمینه‌های مختلف نصیبشان می‌شد.^۱

۷. شیوه برخورد با مخالفان: پیامبر صلی الله علیه و آله بر اساس علم و منطق یا گروه‌های مختلف غیر اسلامی مناظره و بحث می‌کرد، امام صادق چهار هزار شاگرد در رشته‌های مختلف تربیت می‌نمود و خود شخصاً با منکران خدا می‌نشست و به بحث و گفت‌وگو می‌پرداخت. این بحث‌ها و تجزیه و تحلیل‌های روشنگرانه نقش مؤثری در توسعه اسلام داشت.

قرآن می‌فرماید:

مردم را به راه پروردگارت با حکمت و پندهای نیکو و جدال و بحث و

انتقاد دعوت کن.^۱

آزی اگر برای جذب تحصیل کرده‌ها و افراد مختلف غیر اسلامی با چنین شیوه‌ای رفتار شود، نقش مؤثری در گسترش اسلام خواهد داشت و همچنین زمینه‌سازی فکری حساب‌شده‌ای برای آینده درخشان به دست حضرت مهدی عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف خواهد بود.

۸. توجه به مستضعفان: نوعاً انقلاب‌ها بر دوش مستضعفان به پیش می‌رود چراکه مستکبران و سرمایه‌داران از وضع موجود خود راضی‌اند و نوعاً مخالف انقلاب بر مبنای تعالیم الهی و یا طرفداری از مستضعفان خواهند بود. در آغاز اسلام پیش‌برنده اسلام افراد مستضعفی همچون بلال، سلمان جویری، عمار، سمیه، بوده‌اند، پیامبر خدا به این گروه از افراد توجه خاصی داشت و عملاً همچون مستضعفان می‌زیست و بیشتر با آنها محشور بود. به هر حال توجه به مستضعفان و تأمین نیازهای آنها، برقراری عدالت اجتماعی و جلوگیری شدید از استثمار و استثمار و استثمار یکی دیگر از عوامل زمینه‌ساز برای حکومت امید مستضعفان جهان حضرت مهدی عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف خواهد بود.

۹. اتحاد و انسجام مسلمانان: بدون شک اتحاد نقش اعجاز‌آمیزی در پیشبرد اهداف دارد و جمعیت و قدرت را چند برابر می‌کند. مثل اتحاد همچون مثل سید عظیمی است که مبدأ بزرگ‌ترین نیروهای صنعتی و آبیاری سرزمین‌های بزرگ و روشنایی شهرهای زیاد می‌شود. یک چنین نیرویی بر اثر به هم پیوستن قدرت‌های ناچیز دانه‌های باران به دست آمده است برای زمینه‌سازی ظهور حضرت مهدی عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف و تشکیل حکومت جهانی و اتحاد و

انسجام مسلمانان نقش اساسی را خواهد داشت و باید مسلمانان از هرگونه اختلاف فرعی و موسمی پرهیز کنند و در برابر دشمنان مشترک با اتحاد و وحدت و هماهنگی خود بایستند تا بتوانند راه را برای ظهور مصلح کل جهانی هموار سازند.

۱۰. رهبر شایسته در اسلام به «ولایت» اهمیت فراوانی داده شده است به گونه‌ای که اگر آن نباشد هیچ چیز نیست بلکه باید برنامه‌های اسلام تحت نظارت ولایت باشد و به عبارت دیگر چرخ انقلاب توسط او به گردش درمی‌آید. او نشان راه و پیشوا و جلوه‌دار امت است و همه گروه‌های اسلام را در یک خط به پیش می‌برد. همان گونه که در صدر اسلام رهنمودهای رهبر شایسته نقش اساسی در پیشبرد داشت. امروز نیز در راه انتظار حضرت مهدی عجل‌الله تعالی فرجه الشریف و زمینه‌سازی برای حکومت جهانی آن حضرت حتماً باید این خط حفظ گردد تا مسلمانان در نظم و انسجام خاص تحت رهنمودهای رهبر شایسته‌ای که امروز از آن به ولایت فقیه تعبیر می‌شود راه صحیح را دریابند و با پشت‌گرمی معنوی خاصی آنرا دنبال کنند و به عبارت روشن‌تر نائب و معاون به حق حضرت مهدی عجل‌الله تعالی فرجه الشریف مسلماً به راه مهدی عجل‌الله تعالی فرجه الشریف نزدیک‌تر و آگاه‌تر است و رهنمودها و سرپرستی او می‌تواند نزدیک‌ترین و حساب‌شده‌ترین شیوه برای رسیدن به حکومت مولا امام زمان علیه السلام باشد. با توجه به این که انجام دو وظیفه بزرگ امر به معروف و نهی از منکر انسان را از بی‌تفاوتی بیرون می‌آورد و وادار می‌کند که حضور فعال در صحنه داشته باشد، امید به آینده روشن نه مبهم و تاریک خود همان عامل درونی و انتظار است که باید به صورت علم و عمل درآید و به نتیجه عینی برسد. آری امام قائم عجل‌الله تعالی فرجه الشریف این چنین

بی‌تابانه در انتظار اصلاح و انقلاب جهانی است تا جهان را از لوٹ آلودگی‌ها و جنایات و ستمگری‌ها نجات بخشد.

۱۱. لزوم برنامه‌ریزی: می‌دانیم که مسئله موعود یک مسئله بسیار مهم جهانی و عمیق و واقعی است که تقریباً در همه ادیان و در همه جا و در همه زمانها در رأس مسائل مهم عقیدتی و سیاسی است و در اسلام به عنوان یک اصل استوار و خلل‌ناپذیر مطرح می‌باشد و از آن به ثمره و نتیجه قیام تمام پیامبران و رسولان و رهبران الهی یاد می‌گردد و نهضت جهانی حضرت مهدی عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف با عنوان امید پیامبران و رسولان و مستضعفان تاریخ و وصول به اهداف عالی انسانی در همه ابعاد و... خوانده می‌شود. همان‌گونه که دین حقیقی یک مجموعه عمیق و اهرم قوی و همه‌جانبه برای رشد در همه ابعاد است مسئله قیام مصلح جهانی حضرت مهدی عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف که در هر زمانی مطرح بوده و در هر دینی از آن به نوعی سخن به میان آمده و در اسلام از آن به عنوان یک اصل مهم انقلابی یاد می‌شود دارای ابعاد گوناگون است.^۱

۱۲. خودسازی و پاک‌سازی: امام صادق علیه السلام فرمود:

کسی که دوست دارد تا از یاران قائم عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف باشد باید در انتظار ظهور باشد و حتماً باید کارهایش براساس تقوی و پاکی و اخلاق نیک باشد و چنین کسی منتظر امام عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف است و در این راه بکوشید و آماده باشید گوارا باد بر شما ای جوانمردان که رحمت خدا با شماست.^۲

در روایات آمده هنگام انجام عمل هر قدر هم کوچک باشد سه دفتر برای

۱. محمدی اشتهاردی، محمد، همان، صص ۱۸۴-۱۸۱.

۲. مجلسی، محمدباقر، همان، ج ۵۲، ص ۱۴۰.

ثبت خصوصیات آن گشوده می‌شود. اول چرا، دوم چگونه، سوم برای چه کسی یعنی انگیزه عمل و چگونگی و کیفیت آن و هدف نهایی آن چیست؟ بنابراین باید منتظران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و زمینه‌سازان انقلاب جهانی به رهبری آن حضرت این امور را رعایت کنند که پایه و سنگ اول است. باید توجه داشت که اعمال ما را در هر هفته یک یا دو روز به خدمت امام زمان علیه السلام می‌برند و آن حضرت آنها را می‌بیند.^۱

امام باقر علیه السلام فرمود: کسی که بمیزد ولی شناخت به امامت حضرت قائم داشته باشد دیر یا زود ظهورش به او ضرر نمی‌رساند، و کسی که شناخت به امامت او داشته باشد و بمیزد مانند کسی که همراه قائم در میان خیمه او است بنابراین ما می‌توانیم با خودسازی از یاران نزدیک امام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف باشیم.^۲

گروه زمینه‌سازان در منابع اسلامی

روایاتی از شیعه و سنی درباره گروه زمینه‌سازان رسیده است که از مناطق مختلف سرزمین خیزند و زمینه‌ساز ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هستند. مهم‌ترین آنها عبارتند از: مشرق یا خراسان، قم، ری و یمن.

... زمینه‌سازان خراسان: حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

پرچمی از خراسان بیرون می‌آید، حاملان این پرچم اصحاب سفیانی را شکست داده تا به بیت المقدس می‌رسند و زمینه حکومت حضرت

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۱، ص ۲۱۹.

۲. محمدی اشتهاردی، محمد، همان، ص ۳۱۹.

مهدی عَجَل... تعالی فرجه‌الشریف را فراهم می‌سازند.

- زمینه‌سازان قم و ری: علامه مجلسی در بحارالانوار روایت می‌کنند:

مردی از اهل قم مردم را به حق می‌خواند گروهی که دل‌های آنان چون پاره‌های آهن است گرد او جمع می‌شوند. طوفان سخت تلمذاندشان، از جنگ خسته نشوند و بی‌می به خود راه ندهند، بر خدا توکل کنند و عاقبت نیک از آن پرهیزکاران است.^۱

عفان بصری از امام صادق علیه السلام روایت کرده و گفت، امام به من فرمود:

آیا می‌دانی از چه رو این شهر را قم می‌نامند عرض کردم: خدا و رسولش آگاه‌ترینند فرمود: همانا قم نام‌گذاری شد برای این‌که اهل قم، اطراف قائم علیه السلام گردآمده و با وی قیام می‌نمایند و در کنار او ثابت قدم مانده و او را یاری می‌کنند.^۲

- زمینه‌سازان یمن: امام محمد باقر علیه‌السلام درباره رهبر یمانی قبل از

ظهور حضرت مهدی عَجَل... تعالی فرجه‌الشریف می‌فرمایند:

در میان پرچم‌ها پرچمی هدایت یافته‌تر از پرچم یمانی نیست. این پرچم پرچم ارشاد است زیرا مردم را به سوی صاحب امام عصر علیه السلام فرامی‌خواند.^۳

نشانه‌های زمینه‌سازان ظهور:

۱. گروه‌های محکم و استوار: یکی از نشانه‌های زمینه‌سازان ظهور مهدی موعود نیرومندی و استواری و پر قدرت و زورمند بودن آنها است که زمینه را برای

۱. فصل‌نامه انتظار، ش ۷، ص ۱۰۲.

۲. ماهنامه موعود، سال نهم، بهمن ۸۳، ش ۵۰؛ کورانی، علی، عصر ظهور، ص ۲۳۷.

۳. فصل‌نامه انتظار، ش ۷، ص ۱۰۲.

ظهور آماده می‌کنند و بر طبق قرآن کریم^۱ بندگان سخت نیرومند می‌باشند، آنها در برابر طاغوت‌ها و ظالمان دل‌هایی چون پاره آهن دارند که در برابر آنها نرمی نمی‌شناسند و نیرومندی و اقتدار و بزرگی آنان است که ایجاد یک انقلاب را به دوش آنها قرار داده است.

۲. گروه مبارزه و نافرمانی: وظیفه این گروه مبارزه با نظام جهانی و عصیان علیه آن است. نظام جهانی دارای یک سری معادلات و موازنه‌های سیاسی خبری دقیق است و رژیم‌های اعضای خانواده جهانی و مجموعه‌ای از خطوط قرمز، سبز و زردی که در میان این رژیم‌ها و این مجموعه در زمینه حوادث، امتیازها تقسیم درآمد بازار و منابع ثروت است نفوذ برقرار است. جوانان زمینه‌ساز ظهور امام عصر علیه السلام این خطوط قرمز را زیر پامی‌گذارند و معادلات و موازینی را که همه بر آن توافق دارند و بدان به دیده قبول و احترام می‌نگرند بر هم می‌زنند. همچنین استقرار و توازن و هیبت این رژیم و سازمان‌های بین‌المللی را بی‌اعتبار می‌سازند. آنها از تیرد خسته و دلتنگ نمی‌شوند و از چیزی نمی‌هراسند.

۳. بازتاب‌های جهانی: در روایات به تصریح بیان شده است که بازتاب‌های جهانی در مقابل این نسل بازتابی اعتراض‌آمیز و عصیانی خواهد داشت زیرا این نسل تمامی معادلات جهانی را به هم می‌زند. اینان راحتی و آرامش را از این نظام خواهند گرفت. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: گروهی هستند که خدای تعالی قبل از ظهور قائم علیه السلام برمی‌انگیزد. آنان هیچ ستم شده‌ای به خاندان محمد صلی الله علیه و آله را رها نمی‌کنند جز آنکه او را به قتل می‌رسانند.^۲ و این نشانه آن

۱. سوره اسراء آیه ۵.

۲. بحرانی حسینی، سیدهاشم، نسیمای حضرت مهدی در قرآن، ترجمه سیدمهدی خائری

است که یاران حضرت عادتاً زمینه‌سازان ظهور هستند و برای رژیم‌ها مشکلاتی را فراهم می‌آورند.

نتیجه

براساس مباحث مطرح شده در مقاله در بحث ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به این نتیجه می‌رسیم که براساس روایات رسیده از معصومین علیهم السلام ظهور دولت حق و عدالت حتمی است. وضعیت جهان قبل و بعد از ظهور با یکدیگر متفاوت است تمام آلام و رنج‌های بشری بعد از ظهور به پایان می‌رسد، جهان پر از ظلم و جور با وجود مهدی پراز عدل و داد خواهد شد.

آیات قرآن دلالت بر تشکیل حکومت حق است به نحوی که در کتب آسمانی دیگر نیز به آن اشاره شده است. تمامی ادیان و مذاهب جهان به ظهور حضرت مهدی در کتاب خود اشاره کرده‌اند و بدان معتقدند.

طبق روایات اسلامی علما برای زمان ظهور حضرت مهدی علائم و حوادثی را برشمرده‌اند که به علائم حتمی و غیر حتمی تقسیم می‌شوند که می‌توان به خروج سفیانی، صحنه آسمانی، باران‌های بسیار شدید، فرورفتن سوزمین بیداء و خروج سید حسنی و نمونه‌های دیگر اشاره کرد.

دانشمندان به ظهور حضرت نیز اعتراف نموده‌اند، هرچند مسئله مهدویت یک امر مسلم و پذیرفته شده است اما بعضی از افراد سعی در انکار مسئله مهدویت دارند. هرچند که اعتقاد به مسئله مهدویت اختصاص به شیعه ندارد و در انحصار اسلام نیست و دیگر گروه‌ها از مسلمانان نیز به آن معتقد هستند.

هر انقلابی وقتی به نتیجه می‌رسد که قبلاً در ابعاد مختلف زمینه‌سازی خوبی برای آن شده باشد و هیچ انقلاب و نهضتی بدون مقدمه و زمینه‌سازی به پیروزی نخواهد رسید و این قانون در تداوم آن نیز وجود دارد.

جهت برپایی انقلاب حضرت مهدی نیز به زمینه‌سازی خوب نیازمند است زیرا یکی از انقلاباتی است که مربوط به همه جهان می‌باشد و باید برای این انقلاب به طریق اولی زمینه‌سازی کرد تا دولت حق و عدالت و امنیت و آرامش به ظهور رسد و جهان مدینه فاضله گردد.

آرمان شهر عصر ظہور

محمد رضا بندرچی

مقدمه

تا جایی که در تاریخ درج شده، هیچ‌گاه انسان از اندیشه و رؤیای به‌زیستن فارغ نبوده و همیشه نگاه او برای رسیدن به آینده‌ای بهتر و آسوده‌تر، به دوردست‌ها بوده است. این آرزو در زندگی انسان، جنبه‌های مختلفی داشته که بارزترین نمونه آنرا در اندیشه «مدینه فاضله» متبلور می‌یابیم؛ همان آرمان‌شهری که در آن از پریشانی‌های جوامع موجود نشاتی نباشد اما این اندیشه در طول تاریخ تعینات مختلفی یافته و هر یک از اندیشمندان جهان تصویری ویژه از آن بر صفحه ضمیر انسان نقش کرده‌اند، ولی یک نکته در این بین اهمیت ویژه‌ای دارد و آن، اینکه بهشت موعود زمینی جایگاه مهمی در تفکر آدمی دارد.

موضوع مورد بحث ما در این نوشتار بررسی اجمالی همین ایده‌آل است منتهی از دیدگاه مذهبی و اندیشه دینی. آنچه در این مجال در پی آن هستیم یافتن نسبت و ارتباط موضوع مهدویت و ظهور امام زمان با اندیشه مدینه فاضله است، و به واقع می‌خواهیم بدانیم آیا اندیشه آرمان شهر زمینی در محدوده آموزه‌های مذهب نیز جایگاهی خاص دارد یا خیر؟ آیا تمدن و مدنیتی که پس از ظهور منجی عالم بشریت امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه الشریف تشکل می‌یابد، تبلور همان مدینه فاضله است؟

خصوصیت آرمان شهر

در بررسی اندیشه آرمان شهر به دو رویکرد برمی‌خوریم: رویکرد عصر جدید و رویکرد عصر قدیم. ملاک در این تقسیم‌بندی، دوران قبل از رنسانس و پس از رنسانس است که به دوران قبل از آن عصر قدیم و به دوران پس از آن عصر جدید اطلاق می‌نماییم.

با بررسی تاریخ غرب که صاحب نظران نیز آنرا تأیید می کنند درمی یابیم که رنسانس نقطه عطفی در صفحات تاریخ اروپاست. دوره ای که چهارچوب تفکرات قدیمی به تدریج فرو می ریزد و ظهور اندیشه های نوین، پدید آمدن انسان و تمدنی جدید را نوید می دهد. عرصه های مختلف اندیشه دچار تحول می گردد. فلسفه، ادبیات، هنر، سیاست، علوم تجربی و انسانی و... مشمول یک خانه تکاتی بزرگ می شود. دیدگاه انسان نسبت به خدا، جهان، انسان و هستی تغییر می یابد. اروپای قرن بیستم و فعلی که امروزه مشاهده می کنیم در واقع فرزند رشد یافته آن دوران است. مهم ترین تفاوت دنیای جدید با قبل از رنسانس، از نحوه نگارش آنها به انسان نشأت می گیرد. در دوران قدیم به انسان توجه می شود ولی از او به عنوان محور و مرکز ثقل یاد نمی شود و در واقع انسان گرایی و تفکر انسان مدار یا «اومانیسم» چندان مورد توجه نبوده بلکه در تمدن جدید است که انسان بر مستند توجه می نشیند و محور هر نوع تفکر و اندیشه ای قرار می گیرد، رفاه و آسایش او به عنوان اساس هر تغییری تلقی می شود و همه امکانات اعم از فکر و اندیشه و علم و صنعت و هنر و ادب در خدمت او قرار می گیرد.

این دوران دو دستاورد مهم دارد:

۱. تفکر انسان مدار که در جمع یا سایر ارزش های نوین ثمراتی چون تمدن صنعتی و فراصنعتی را در پی آورد.

۲. استغنائی از مذهب و دین داری که در مباحث آینده به اثرات آن خواهیم پرداخت.

با توجه به نکته اول، مختصری به تشریح دیدگاه های اندیشه وران پیش از رنسانس و پس از آن در برابر موضوع مهم مدینه قاصله خواهیم پرداخت.

آرمان شهر افلاطون:^۱ دیدگاه نیک شهر دانشمندان بیشتر به اوضاع جامعه زمان آنها متکی است. اندیشه افلاطون نسبت به جامعه مطلوب بیشتر سیاسی است؛ زیرا مهم‌ترین موضوع مورد ابتلای جامعه وی نابسامانی‌های سیاسی بوده است؛ زیرا او در سرزمینی می‌زیست که اشکال متنوعی از حکومت و کشورداری را تجربه کرده و ناکامی‌های نظام‌های سیاسی موجود در تأمین خوشبختی انسان‌ها را به خوبی دیده بود. این ناکامی‌ها، تا حدودی زیربنای فکری او در طراحی و پی‌ریزی نظام سیاسی مطلوب و یا به تعبیر دیگر مهندسی مدینه فاضله را پایه‌گذاری کرد. وی هیچ‌یک از نظام‌های سیاسی موجود را به عنوان نظام سیاسی نمی‌پسندید و بر همه آنها خرده می‌گرفت. در تمدن یونان آن عصر با چهار نوع نظام سیاسی روبرو می‌شویم که وی در کتاب جمهوری از آنها با نام‌های «تیمار» (تیموکراسی)، «الیگارشی»، «دموکراسی» و «تورانی» یاد می‌کند.^۲

از نظر افلاطون نظام تیموکراسی دارای نقاط ضعف و قوت فراوانی بود ولی مهم‌ترین نقص آنرا نبود جایگاهی مشخص برای فلاسفه می‌دانست. به سلحشوری اهمیت می‌دادند، ولی به خردمندی نه.^۳ از دید وی، حکومت الیگارشی، حکومت ثروتمندان و توانگران بر جامعه بود که اقلیت عددی را حائز بودند. به نظر افلاطون، این سیستم به ستمگری و فروپاشی نظام اجتماعی می‌انجامد.

نظام دیگر، دموکراسی بود که نظریه افلاطون در این باره جالب است. این

۱. kallipolis = نیک‌شهر.

۲. عنایت، حمید، بنیاد فلسفه سیاسی در غرب، دانشگاه تهران، ۱۳۵۴، ص ۲۰.

۳. افلاطون، جمهور، ترجمه نژاد روحانی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ص ۴۶۰.

نظام برخلاف محبوبیت آن در عصر حاضر و حتی تمدن یونان باستان از منفورترین انواع حکومت در نزد افلاطون به شمار می‌آید. به یاد داریم که وی اعدام استاد و مراد خویش سقراط را در محصول همین دموکراسی کور یونانی می‌دانست و به طور کلی عقیده داشت که این نوع نظام سیاسی، نهایتاً زمینه‌ساز حکومت ستمگر (تیرانی) است.^۱

به طور کلی، آنچه که افلاطون در انتقاد از نظام‌های سیاسی موجود می‌گوید، نشان می‌دهد که به هیچ‌وجه یک تفکر انسان‌مدارانه (به معنای جدید آن) بر دآوری‌های او حاکم نیست؛ به ویژه انتقادات وی بر نظام دموکراسی که از محصولات تفکر انسان‌گرایانه در عصر جدید است به روشنی بیانگر آن است که انسان به عنوان یک فرد و یک اتم، آن‌گونه که در عصر جدید مورد توجه قرار می‌گیرد در دیدگاه افلاطون جایگاهی ندارد و به همین دلیل است که انتقادات افلاطون را انسان‌مداران عصر جدید دموکراسی بر نمی‌تابند و بر او خرده‌گیری‌های سختی می‌کنند.^۲

با این دیدگاه و نظریه پیرامون انسان و خرده‌گیری به نظام‌های حاکم، وی به ارائه مشخصات یک مدینه فاضله می‌پردازد که یا اندیشه «مثلی» وی سازگار است. آرمان‌شهر وی این‌گونه می‌باشد:

مدینه فاضله طبقاتی که از دو گروه عمده تشکیل یافته است: طبقه

۱. همان، ص ۴۷۸، ۴۸۸، ۴۹۱، ۴۹۲ و ۴۹۳.

۲. در همین رابطه «کارل پوپر» فیلسوف نامدار، در کتاب جامعه‌باز و دشمنانش به سختی ریشه‌های فکری افلاطون را مورد انتقاد قرار می‌دهد. اعتقاد وی به اصالت جمع، نظام طبقاتی، نابرابری انسان‌ها در سرشت و حقوق طبیعی (و به تعبیر پوپر، نژادپرستی) و نیز تعریفی که افلاطون از حقیقت و عدالت و دیگر واژه‌های انسانی ارائه می‌کند از جمله این موارد است. پوپر عقاید افلاطون را مبدأ پیدایش اکثر تفکرات سیاسی استبدادی می‌داند.

پاسداران و توده مردم. پاسداران خود از دو طبقه فراهم شده‌اند:

فرمانروایان و یاوران. آنها جنگاورانی کارآزموده و مجرب هستند و از

استعداد و فضیلت ذاتی نسبت به توده مردم برخوردارند.

وی طبیعت و سرشت پاسداران را به طلا و نقره و طبیعت توده مردم را به

آهن و برنج تشبیه می‌کند.^۱

آرمان شهر فارابی: ابونصر فارابی در قرن ۱۴ قمری (دهم میلادی) یعنی

مقارن با اوج حکومت کلیسایی در اروپا، می‌زیست. در نگاه فارابی جامعه مبنای

تعاون اجتماعی در رسیدن به نیازهای متنوع انسان است و مدینه فاضله،

جامعه‌ای است که در آن تعاون برای رسیدن به سعادت حاصل می‌گردد و امتی

که بر این مهم قیام کنند، امت فاضله به شمار می‌آیند.^۲

در همین جا باید گفت که فارابی به عنوان برجسته‌ترین منطقی و شارح

اندیشه‌های افلاطون و ارسطو در عصر خود، به شدت ذهنش با افکار فیلسوفان

یونان به ویژه افکار نو افلاطونی مائوس و مألوف بود.^۳

از دید فارابی، مدینه، شبیه بدن انسان است و مدینه فاضله، همانند بدنی

سالم است و همان‌گونه که در بدن سالم هر عضوی، وظیفه‌ای بر عهده دارد ولی

در عین حال با هم تفاوت نیز دارند، در مدینه فاضله نیز چنین است. قلب همان

رئیس مدینه است و اعضای دیگر در یک مرتبه فرمانده و در مرتبه دیگر

فرمانبردارند، تا جایی که اعضای وجود دارند که فقط وظیفه فرمانبرداری را بر

عهده دارند.^۴ از این سخنان به روشنی رایحه تفاوت گوهری انسان‌ها شنیده

۱. افلاطون، همان، ص ۲۰۲. ۲. فارابی، آراء اهل المدینه الفاضله، ص ۷۹.

۳. فخری، ماجد، سیر فلسفه در جهان اسلام، ترجمه جمعی از مترجمان، ص ۱۲۴.

۴. فارابی، همان، ص ۷۹.

می شود که تفاوت مهم نگاه عصر قدیم و عصر جدید به انسان می باشد.
 وی شرایط سختی برای فرمانروا قائل است که اگر از خصوصیات فیزیکی و
 اخلاقی آن بگذریم، مهم ترین ویژگی رئیس مدینه این است که او باید به درجه
 اتصال با عقل فعال ارتقا یافته باشد،^۱ تا از آن طریق (وحی و الهام) بتواند حقایق
 امور و مصالح اجتماعی را آن گونه که توده مردم خود تشخیص نمی دهند، او از
 افقی برتر دریافت داشته و تشخیص دهد و این شخص کسی جز یک فیلسوف
 تمام عیار به تمام معنی نیست.^۲

از نظر فارابی:

هدف، از بین بردن هر نوع شر و تحصیل هر نوع خیر است و در این
 راستا، هر یک از مردم مدینه فاضله باید مبادی موجودات نخستین و
 مراتب آنها و سعادت و ریاست نخستین مدینه فاضله و مراتب آن
 ریاست ها را بدانند و در مرتبه بعد، افعال و اعمالی که معین و محدود
 است و وسیله تأمین سعادت آدمیان است را بشناسند و عمل کنند.^۳
 فارابی پس از توصیف مدینه فاضله، به شرح مدینه های دیگر که از نظر وی
 مطرود و نامقبولند، می پردازد. از نظر وی در برابر آرمان شهر سه نوع مدینه دیگر
 وجود دارد: «مدینه جاهله»، «مدینه فاسقه» و «مدینه ضاله».
 مدینه جاهله خود شامل «مدینه ضروریّه»، «نذاله»، «خسینسه»، «کرامیه»،
 «تغلبیه» و «حرثه» است.^۴

کلیه مدینه های یادشده از نظر وی منفی اند و در آنها خیر مطلق، که سعادت

۱. همان.

۲. فارابی، سیاست مدنیّه، ترجمه دکتر محمد سبحانی، ص ۲۸۴.

۳. همان، ص ۱۹۷. ۴. همان، ص ۲۰۲.

حقیقی است، از محیط اغراض و اهداف مدینه‌های یاد شده دور داشته شده و اهداف دیگری زیربنا و محور فعالیت‌های جوامع مذکور گردیده است.^۱

آرمان شهر در عصر جدید: مدینه فاضله در عصر نوین معنی جدیدی می‌یابد. از ابعاد انتزاعی و ماورای طبیعی آن کاسته شده و بر بعدهای عینی و انسانی و زمینی آن افزوده می‌شود. تفکر پس از رنسانس، حامل نوعی تفکر زمینی و انسان‌گرایانه است. ضمیر ناخودآگاه انسان عصر جدید که انباشته از عقده‌ها و فشارهای قرون وسطایی است، مجالی یافته تا آزادانه به آنچه که می‌خواهد بیندیشد و آن را طلب کند.

عصر جدید دوره انسان‌گرایی است. از این روی متفکران این عصر انسان را وجهه آمال خود قرار داده‌اند و به او می‌اندیشند، خصوصاً به بعدی که فراموش شده، یعنی بعد زمینی او هر چه از عصر رنسانس می‌گذرد، بر قدرت یافتن این اندیشه نیز افزوده می‌شود، به طوری که در قرن ۱۸ میلادی یعنی اوج تفکر روشنگری اروپا، انسان و پیشرفت او محور همه چیز قرار می‌گیرد. دیگر او را موجودی که گناهکار فطری است و در سنت مسیحیت باید قدیه‌ای در پخشایش و آموزش او نثار کرد، نیست. بلکه او گل سرسبد هستی است و مقصد هر نوع کوشش و بینشی، اوست و بهشت موعود را در همین جهان خاکی می‌جوید.^۲

این نوع تفکر در قرن‌های بعد باز هم استحکام بیشتری می‌یابد، به طوری که تفکر انسان‌مدار و در اشکال افراطی آن، به تدریج جای خود را به مذهب انسان‌مدار و می‌گذارد. در همین اوان است که فلاسفه‌ای چون «اگوست کنت» و روان‌شناسانی مثل «اریک فروم» از مذهب انسانیت، هنر عشق ورزیدن به انسان

۱. همان، ص ۲۱۳.

۲. باربور، ایان، علم و دین، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، ص ۷۹.

عدالت و فریاد دادخواهی انسان‌ها، این حقیقت را زنده و جاودان ساخته‌اند. اما تلاش عملی آن خیراندیشان و نیک‌خواهان در راه برقراری عدالت در بیشتر موارد کم‌ثمر و بی‌ثمر بوده و عدالت در معنای حقیقی آن، همچنان در رؤیا، چقدر سخت و دشوار است. تعبیر نشدن این رؤیای شیرین؛ رؤیایی که تمامی اجزای وجود انسان در تمام تاریخ، یا آن عجیب شده و نگاه پرائتظار او در تعبیر آن خسته و کم‌سو گشته. بارها و بارها با زنگ حوادث مختلف، تپش قلبش فزونی یافته، اما زمانی که پلک از این خواب شیرین برداشته، جز سیاهی و تباهی مستکبران و ظالمان چیزی در پیش روی ندیده.

اما می‌دانیم، هرچه بر شماره اوراق تاریخ افزون گردد، از شماره انتظارمان خواهد کاست و این، همان چراغ امیدی است که قرن‌ها و قرن‌هاست در دل انسان‌ها به عشق آمدن آن متجی، روشن و افزون است. به عشق او، که نامش «عدل» است:

السلام علی العدل المشتهر

کلامش عدل است و راهش عدل. او که حکومتش، حکومت عدالت است و این گم‌شده بشریت را در فرجام تاریخ بدو باز خواهد گرداند. در خصوصیات قیام و حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هیچ ویژگی به اندازه عدالت و قسط روشنی و نما ندارد. آن قدر که در روایات هر ویژگی عدالت‌گستری آن مولا تأکید شده، بر سایر مسایل چنین تأکیدی نشده است و این نشان از برجستگی این مهم در سازمان مدینه فاضله اسلامی در دوران ظهور دارد.

ده‌ها و بلکه صدها روایت در کتاب‌های مختلف روایی، به ویژه در کتاب‌های منتخب الاثر و کمال‌الدین، در مورد عدالت‌گستری آن حضرت وارد شده است. در

بسیاری از این روایات، از آن امام همام، به عنوان مظهر و تجلی کمال عدالت یاد شده است. نام «عدل» که بر آن مولا نهاده‌اند، در واقع ترجمان کامل رسالت اوست.

نویسنده مکمال المکارم، در اثر شریف خود، در این رابطه چنین می‌نویسد:

عدل، آشکارترین صفات نیک آن امام است. برای همین آن بزرگوار! در دعای شب‌های رمضان، «عدل» نامیده شده است:

اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى وَليِّ أَمْرِكِ الْقَائِمِ الْمُؤَمَّلِ وَالْعَدْلِ الْمُنْتَظَرِ.

خداوندا به ولی امر خود که قائم کننده و... و عدل مورد انتظار همه است، درود فرست. ^۱

و در جای دیگر، همین عنوان را به گونه‌ای دیگر می‌یابیم:

أَوَّلُ الْعَدْلِ وَ آخِرُهُ ^۲.

السَّلَامُ عَلَى الْقَائِمِ الْمُنْتَظَرِ وَالْعَدْلِ الْمَشْتَهَرِ ^۳.

در مدینه فاضله اسلامی و در بستر ظهور آن منجی نیز، همه جا سخن از عدالت و قسط است. سخن از لیریز شدن زمین از عدل و داد است. دامنه عدالت او تا اقصی نقاط منزل و زوایای ناپیدای جامعه گسترده است حتی عدالت و دادگری همچون گرما و سرما در درون خانه‌های مردمان نفوذ می‌کند و مأمین وجود آنان را سامان می‌بخشد. ^۴ و در روایات ظهور، عدالت چنان عطش برانگیز و سیری ناپذیر و فراموش نشدنی ترسیم گردیده است که انسان را در این گمان می‌افکند که اصولاً جهان برای رسیدن به این نقطه و فرجام، باقی مانده است و

۱. موسوی اصفهانی، میرزا محمد تقی، مکمال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم، ص ۱۱۸.

۲. صدوق، محمد بن علی بن الحسین بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، ص ۱۲۰.

۳. قمی، عباس، مفاتیح الجنان، زیارت حضرت صاحب الزمان

۴. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۶۲.

برنامه و تنظیم متعمدانه الهی بر این است که آخرین سطور تاریخ، با برگ‌های دادخواهی به انجام رسد و خداوند چنان بر این مهم تأکید دارد که اگر حتی یک روز از عمر دنیا باقی مانده باشد، او آن را چنان طولانی خواهد کرد^۱ تا آن رؤیای موعود مردمان از راه رسد و درخت عدالت را بر ضمیر آگاه تشنگان بکارد و جامعه بشری را با آن گمشده خویش رو به رو سازد. زمین را از عدل و قسط سیراب کند و آن قدر بر باده عدالت بیافزاید که جان آدمیان از آن مدهوش گردد. در سایه این عدالت، هیچ انسانی در قید بندگی و بردگی باقی نمی ماند.^۲ حقوق به یغما رفته انسانی در قید بندگی و بردگی باقی نمی ماند.^۳ حقوق به یغما رفته انسان‌ها به آنها بازمی گردد.^۴ بندهای پیدا و ناپیدای بندگی از سر و گردن انسان‌ها بازمی گردد و زمینه استثمار انسان از انسان به کلی برچیده می شود.^۵

کارگزاران ظلم و بی‌داد، مورد بازخواست قرار می گیرند. قاضیان و حاکمان خلافکار، از مسئولیت خویش، عزل می شوند و زمین، از هر نوع خیانت و نادرستی پاک می گردد.^۶

گردنکشان و مستکبران در هم کوبیده می شوند و محرومان و مستضعفان در استرجاع حق خویش کامیاب می گردند.^۷ دیگر تاله هیچ مظلومی در گلو خفه نمی گردد، اشک و آه هیچ دل سوخته‌ای بلند نمی گردد، هیچ انسانی گرسنه سر بر بالین نمی گذارد و هیچ محرومی با کینه و دغدغه ناامنی، روزگار سپری نمی کند.

۱. صدوق، محمدبن علی بن بابویه، همان، ص ۳۱۸.

۲. مجلسی، محمدباقر، همان، ج ۵۲، ص ۲۲۴ و ۲۲۵.

۳. همان، ج ۵۲، ص ۵۷. ۴. همان.

۵. همان، ج ۵۱، ص ۵۷. ۶. همان، ص ۲۰.

۷. سوره قصص (۲۸)، آیه ۵.

اینها افسانه نیست بلکه به راستی تمام آن چیزی است که بر ما وعده داده‌اند و ما را در انتظار آن به برترین عبادت فراخوانده‌اند که انتظار آمدن او انتظار گام‌های عدالت است.

مدینه رفاه: مدینه قاضله اسلامی، مدینه رفاه و آسایش همگانی است. رفاه و تنعم بدان‌سان که دیگر نیازمند و صاحب حاجتی در سطح جامعه یافت نمی‌شود. یک دلیل مهم بر این امر، توزیع عادلانه ثروت‌ها و منابع است. در شهر عدالت که حقوق انسان‌ها محور توجه و برنامه‌ریزی است، بالطبع بذر این توجه محصولی چون رفاه و برخورداری همگانی از مواهب الهی در پی خواهد داشت. هم در تعالیم دینی و هم در آموزه‌های علمی و تجربی بشر، به روشنی، به این واقعیت راه برده‌ایم که در صورتی جامعه از غنا و بهره‌مندی عمومی سرشار خواهد گشت که پیشاپیش از عدالت سیراب گردیده باشد و مشکل کشورها در حال حاضر و در قرون و اعصار متمادی، کمبود منابع و مواهب طبیعی برگستره خاک نبوده، بلکه توزیع ناعادلانه آنها بوده است.

آنچه در روایات ظهور در این خصوص آمده است، نشان می‌دهد که خواست‌ها و آرزوهای مادی انسان، در جدول توجهات آرمان‌شهر اسلامی، نه تنها از یاد برده نشده، بلکه حتی در صدر توجه و عنایت قرار گرفته است و انسان‌ها، به دلیل داشتن چنین خواست‌هایی، نه تنها مورد نگرانی قرار نگرفته‌اند، بلکه بر توجه خداوند در پاسخ به این خواهش‌ها تأکید فراوان رفته است.

پیامبر گرامی خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید:

در امت من، مهدی قیام کند... و در زمان او، مردم به چنان نعمت و برخورداری و رفاه دست یابند که در هیچ زمانی دست نیافته باشند. او

این رفاه شامل تمامی انسان‌ها خواهد بود | چه نیکوکار و چه بدکار.
آسمان مکرر بر آن بیارد کنایه از وفور مواهب طبیعی [و زمین چیزی
از رویدنی‌های خود را پنهان نسازد].^۱

در روایات دیگر، سخن از کثر مال^۲، وفور نعمت، باران‌های پی در پی،
سبکباری و رهایی از بارهای سنگین زندگی، آسودگی از رنج طلب کردن و
نیافتن، سخن از ادای قرض تمام مقروضین و ادای دین تمام صاحبان دین است؛
سخن از بی‌نیازی تمام انسان‌هاست و سخن از بذل و بخشش امام علیه‌السلام
بر همگان است به طوری که از طلب مال و بخشش دیگران بی‌نیاز گردند. در آن
جا سخن از عمران و آبادی تمام عرصه خاک است، به گونه‌ای که چون آن
حضرت قیام کند همه خرابی‌ها را آباد کند،^۳ تمامی سطح زمین را از سرسبزی و
تشیاط و طراوت بپوشاند،^۴ گنج‌ها و معادن زمین، همگی مورد استخراج قرار
گیرند و زمین، آنچه را که در درون مخفی داشته، برای رفاه و آسایش انسان‌ها به
دست او خواهد سپرد.^۵

مدینه امن اسلام: به اعتقاد روان‌شناسان از مهم‌ترین نیازهای اساسی بشر

که در هرم نیازهای وی جایگاه ویژه‌ای دارد، نیاز به امنیت است. البته این نیاز در
ابعاد مختلفی تجلی می‌یابد؛ امنیت اخلاقی، امنیت اقتصادی، امنیت حقوقی،
امنیت اجتماعی و خانوادگی و... آن‌چنین از حجم زیادی از روایات ظهور
یرمی آید، نشان می‌دهد که مدینه فاضله اسلامی، شهر امن و سلام است، آن هم

۱. مجلسی، محمدباقر، همان، ج ۵۱، ص ۷۸.

۲. همان، ص ۸۸.

۳. صدوق، محمدبن علی بن الحسین ابن بابویه، همان، ص ۳۳۱.

۴. مجلسی، محمدباقر، همان، ج ۱۰، ص ۱۰۴.

۵. همان.

امتیت در معنای واقعی و در تمامی ابعاد آن. در روایتی از امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه شریفه:

وعد الله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی
الأرض... و لیبدلنهم من بعد خوفهم أمناً.^۱

خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در زمین جانشین [خود] قرار دهد... و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند.

می‌فرماید:

نزلت فی القائم و أصحابه.^۲

[این آیه] در مورد قائم و یارانش نازل شده است.

یعنی وعده خداوند، مبنی بر این که وحشت و خوف مؤمنان را به امنیت و سلام تبدیل می‌کند، در زمان ظهور آن حضرت، معنی و مصداق کامل می‌یابد و انسان‌ها در آن موعد شریف است که می‌توانند، با قلبی آسوده و فارغ از هرگونه دغدغه اقتصادی، حقوقی، اخلاقی و اجتماعی، سر بر بالین آرامش بگذارند و زندگانی دنیا را دور از خطرهای دلهره‌آمیز همیشگی ببینند. بنابراین گذشته‌های پرخطر و پرنشیبی که در زندگی هر انسان به واسطه روابط نادرست حاکم در اجتماع پدید می‌آید، در آرمان‌شهر اسلامی جایگاهی ندارد. این نیز سعادت است زمینی در یک شهر آرمانی و آسمانی.

۴. مدینه تربیت: پیش از این یادآور شدیم که تمدن غرب اساس پیشرفت

خویش را بر مبنای توجه به انسان پایه‌گذاری کرده و انسان محوری و انسان‌مداری، جزو نرم‌افزارهای اساسی در پیشرفت غرب محسوب می‌گردد اما

۲. نعمانی، کتاب الغیبه، ص ۲۴۰.

۱. سوره نور (۲۴)، آیه ۵۵.

همان انسان که مقصود و غایت پیشرفت تلقی شده، در تمامیت وجودیش، در این تمدن فراموش شده و بحران تمدن غرب، در ابعاد مختلف اخلاقی، اجتماعی و تربیتی آن، مؤید این عقبت و ناکامی است. انسانی که فقط از یک سو نظاره شد و تنها ابعاد مادی او، در محاسبه آمد، انسانی کاریکاتوری و ابتر و بالطبع نمی توان او را در عالم خارج انسان نامید و مشکل غرب در همین سوء تفاهم کوچک است!

چندین قرن است که برای آسایش تن هر چه فرمول اقتصادی و سیاسی به نیاد داشته اند و هرچه امکانات عملی و تکنیکی در اختیار داشته اند به استخدام درآورده اند تا شاید بتوانند آسایش این جهانی انسان را بدو بازگردانند؛ حال آن که او پس از این همه تلاش، هیچ گونه آرامشی در خود نمی یابد، جهان را تنگ و تاریک و سرد می بیند و در آن احساس حقارت و پوچی می کند و این جریان، به اعتقاد منتقدین درون این نظام، جز به نابودی انسان نمی انجامد. و این آن چیزی است که باید آن را انسان مداری و از گونه یا انسان گرایی نسیان گرانه نامید. همین معنی را از زبان یکی از منتقدان فرانسوی نظام غرب بازگو می کنیم:

تمدن جدید که به هنگام حرکت آغازین خود می خواست «انسان گرا» باشد و به انسان آن چنان اصالتی داد که آغاز و انجام همه چیزش کرد، اکنون به ماجرای این چنین شگفت دچار شده است. در روزگار ما، تار و پود مفهوم انسان از هم گسسته است... به هر حال، تمدنی که خود را انسان گرا می نامید، نظامی از آب درآمده است که آدمی را تحقیر می کند و می فریبد و سرانجام نابودش می سازد. تحقیر آدمی در این معنی و از این راه است که تمدن مذکور انسان را به دستگاهی مرکب از یک سلسله وظایف کمی و مادی و به ماشینی منحصرأ تولید کننده و مصرف کننده

تبدیل می نماید.^۱

اما در آرمان شهر اسلامی، همان گونه که ترسیم کردیم، فقط سخن از آسایش تن نیست، فقط سخن از وفور ثروت و رفاه مادی نیست. در تصویر مهندسان این مدینه، انسان فقط تن نیست، بلکه موجودی است دارای ابعاد مختلف که تکامل و رشد او در گرو رشد متوازن تمامی آن ابعاد است و آن بهشت زمینی تحقق نمی یابد، مگر آن که یارقه‌ای از آسمان نیز در آن حلول کند. تربیت و پژوهش روح انسان‌ها و توجه به اخلاق و فضایل روحی که از اساسی‌ترین برنامه‌های ظهور است. در همین راستا معنی می یابد. مدینه فاضله، در عین حالی که شهر عدالت است، شهر رفاه است و شهر امنیت. در عین حالی که شهر تربیت است، شهر سجایا و فضایل انسانی است. در آن محیط، انسان‌های صالح تربیت می یابند تا جامعه‌ای آرمانی و صالح بنا سازند. در آنجا، در کنار دست‌یابی انسان‌ها به غنای مالی، از غنای قلبی و روحی بهره‌مند می گردند.^۲ و در کنار اتمام نعمت و وفور ثروت، به اکمال اخلاق و فضیلت‌های انسانی راه می یابند.^۳ کینه‌های اخلاقی از قلب‌ها ریشه کن می گردد^۴ و دروغ و تزویر و نامردمی، در روابط اجتماعی، جای خود را به یک‌رویی و یک‌رنگی می بخشند و به واقع در چنین بستری است که رفاه و عدالت و امنیت نیز معنا و مفهوم و حقیقت خویش را باز می یابند و جز با این نگرش همه جانبه به انسان، و در کنار هم چیدن اجزای حقیقی او در برابر هم، نمی توان به تعبیر رؤیای همیشگی انسان در تأسیس آرمان شهر انسانی پرداخت.

۱. دو پاسکویه، روزه، اسلام و بحران عصر ما، ترجمه دکتر حسن خبیبی، صص ۲۱ - ۱۸.

۲. مجلسی، محمدباقر، همان، ج ۸۴، ص ۵۱.

۳. همان، ص ۱۲۳.

۴. صافی گلپایگانی، لطف‌الله، منتخب الاثر، ص ۳۷۴.

۵. مدینه علم: دوره ظهور، دوران گسترش علم و دانایی است و مدینه قاضیه اسلامی، مدینه العلم است. با آمدن آن منجی حقیقی همان‌گونه که ظلم و بی‌داد جای خود را به عدل و دادگری می‌سپارد و همان‌گونه که نابسامانی‌های مختلف اجتماعی به سامان می‌گراید، به همان ترتیب نیز دانایی و فرزاندگی جانشین جهل و نادانی می‌گردد و جهان از نور عقل و دانش آکنده می‌گردد.^۱

او می‌آید تا همان‌طور که جهان را لبریز از عدالت می‌سازد، از دانایی و فرزاندگی نیز سیراب سازد. نیروهای عقلانی مردم را تمرکز بخشد و خرده‌ها و دریافت‌های آنان را به کمال رساند.^۲ علوم و دانش‌هایی که در طول اعصار و قرون در پشت پرده‌ها، مکنون مانده، پراکنده سازد و مرزهای دانایی و یادگیری را تا سراپرده منازل و تا اعماق وجود تک تک انسان‌ها، اعم از زن و مرد، گسترش بخشد.^۳

۶. مدینه مستضعفان: از ویژگی‌های مهم در عصر ظهور جا به جایی قدرت و تغییر در ساختار آن است. حکومت در مدینه قاضیه به دست مردم محروم و مستضعف جامعه است. آنان که پیش از ظهور، بار سنگین فقر و بیچارگی و نامردمی را تحمل کرده‌اند و اکنون در راستای اجرای عدالت باید به حق مسلم خویش در وراثت و پیشوایی زمین دست یابند.^۴

بدین سان بهشت زمینی در عالم خارج واقعیت می‌یابد. با سیراب شدن زمین از عدالت، با برخورداری همگان از رفاه و آسایش و امنیت، با اتساع وجودی انسان و بازیابی تمامی ابعاد وجودی وی در ظرف تربیت و پرورش، با

۱. مجلسی، محمدباقر، همان، ج ۷۵، ص ۲۳۹.

۲. حکیمی، محمد، عصر زندگی، ص ۲۲۳.

۳. نعمانی، همان، ص ۲۳۹. ۴. سوره قصص (۲۸)، آیه ۵.

گسترش علم و فرزاندگی، با مشارکت توده‌های محروم در امر تصمیم‌گیری و تغییر ساختار سیاسی جامعه و ...

آنچه گذشت، برجسته‌ترین ویژگی‌های مدینه موعود در عصر ظهور است که می‌توان در فرصت‌های بلندتر، بر شمار عناوین اصلی و با زیرمجموعه‌های آنها افزود، لیکن در این مجال، به همین مختصر بسنده می‌کنیم.

نتیجه

دانستیم که اندیشه مدینه فاضله در ظرف تفکر گذشتگان به هیچ‌وجه با ملاحظات انسان‌گرایانه همراه نبوده است. نه این که انسان در نمودار اندیشه آنان جایگاهی نداشته بلکه به این معنی که او مرکز توجه و اعتنا نبوده است. بنابراین مدینه فاضله در منظر آنان پیش از آنکه صیغه‌ای انسانی داشته باشد، چهره‌ای سیاسی، اخلاقی و یا فلسفی می‌یابد.

در قرائات عصر جدید، این معنی کاملاً واژگونه می‌گردد. از دوره رنسانس به این سو که انسان به عنوان مهم‌ترین آرمان تمدن جدید محیط توجه و اعتنا را می‌پوشاند، تفاسیر نوینی نیز نسبت به آرمان شهر انسانی ارائه می‌گردد. محور این تفاسیر را نوعی فلسفه انسان‌گرا تشکیل می‌دهد که از طرفی با اندیشه استغنائی از مذهب و بلکه اندیشه مذهب‌زدایی همراه و قرین بوده و از طرف دیگر تنها به به زیستی دنیوی انسان توجه داشته و پیشرفت و تعالی وی را در بعد مادی می‌جوید. بنابراین مدینه فاضله در نگاه متأخران در واقع شهر رفاه و آسایش انسان است، اما در راه کسب این مهم فقط به بعد خاکی انسان توجه می‌شود. پیشرفت و ترقی مادی به عنوان یک اصل مسلم شمرده می‌شود و همه چیز در ذیل آن ملاحظه می‌گردد.

این نوع اندیشه چند قرن است که سیطرهٔ خویش را بر محیط اندیشه‌های انسان غربی گسترده است و اگر چه او به واقع به بسیاری از آنچه در تضاد بوده دست یافته است، اما به هیچ وجه رؤیای همیشگی خود را محقق نمی‌بیند. در مقابل مشاهده کردیم که ما در اندیشهٔ جامع دینی بر یگانگی دنیا و آخرت و جسم و جان انگشت تأکید می‌نماییم و جایگاه و احکام این امور را از هم تفکیک نمی‌سازیم. به انسان به عنوان یک واحد حقیقی نظر داریم و در هر طرح و برنامه رشد موازی و متوازن او را پی می‌جوییم. در مدینهٔ فاضله اسلامی در سرلوحهٔ طرح و برنامهٔ آسمانی آن با کمال شگفتی با یک آرزوی زمینی رو به رو می‌شویم، با عدالت و در کنار آن رفاه و آسایش و امنیت و برخورداری از مواهب طبیعی.

حجم توجه تعالیم دینی به این مسائل در مسئله ظهور و مهدویت برای انسان مذهبی که همیشه بر تقابل و دوگانگی دنیا و آخرت صمیمانه پای می‌فشرد، آن قدر با اهمیت و هیجان‌انگیز است که وی را دچار گیجی و تردید می‌سازد، اما به واقع چنین است. تعالیم دینی در زندگی زمینی ما مصراانه ادعای دخالت و تصمیم‌گیری دارند و آرزوهای زمینی ما به طور جدی، مورد توجه آنهاست. اما این همه را در مصاحبت با دیگر ابعاد وجودی انسان می‌طلبند. بر این اساس است که مدینه فاضله اسلامی، علاوه بر این که مدینهٔ عدالت، رفاه و امنیت است، مدینهٔ علم، عقلانیت، تربیت و انسان‌پروری نیز هست. یعنی همان عناصری که نبود آنها در تفکر لائیک غربی، باعث پدیدگشتن بحران جدید تمدن غرب گشته است و این تمدن را علی‌رغم پیشرفت‌های چشمگیر مادی در مسیر تحقق سعادت انسانی ناکام گذارده است.

«ویل دورانت» تاریخ‌نگار غربی، در همین رابطه چنین می‌نویسد:

مدینه فاضله تحقق یافته است ولی در عالم خارج (از ما)... ما قدرت خود را صد برابر کرده ایم و بر بالای خود صدها ذراع افزوده ایم ولی طرح ها و نقشه های ما به پستی و تنگی زمانی است که در جهل و آلودگی به سر می بردیم. ما از لحاظ روحی کوتاه فکرائی هستیم در قالب های بسیار بزرگ. مدینه فاضله در همه جا آمده است، جز در روح انسان. با این همه، این مدینه فاضله کوچکی که اکنون با رؤیای قبایل اغماض می خواهیم بنا کنیم نمی خواهد طبیعت را از نو بسازد و نمی خواهد تسلط انسان را بر طبیعت بگستراند (زیرا این بهشت منظور نظر «بیکن» بود و تحقق یافته است) بلکه می خواهد که خود را از نو بسازیم و نفوس با اراده ای درست کنیم که برای زندگی در عالم بهتری شایسته باشند و به صفای دانش ما و به نیروی قدرت ما باشند و چون مایه ویرانی مدینه فاضله «طبیعت بشری» و جهل انسانی است، ما نخست خواهیم خواست که دل ها و نفوس خود را تصفیه کنیم شاید امور دیگر در نتیجه به دنبال آن بیاید... (به طور کلی) معلوم شد که مقصود بنای یک مدینه فاضله مکانیکی یا بهشتی برای راهروان پیاده و مسافران هواپیما نیست بلکه امر اساسی تری در نظر است و آن بالا بردن صفات اخلاقی و جسمی و معنوی مردم است. نسلی که محصول و نتیجه این اقدامات و پیشنهادها باشند می تواند مدینه فاضله را بنا کند.^۱

در ارزیابی سخنان گذشته چنین می توان نتیجه گرفت که تفکر دینی نیز تفکر انسان گراست. با این تفاوت که انسان گرایی دینی متکی بر یک انسان شناسی

۱. ویل دورانت، لذات فلسفه، ترجمه زریاب خوبی، صص ۳۶۷-۳۶۴.

قویم است اما انسان‌گرایی غربی متکی بر یک انسان‌شناسی ایترو و نادرست بود. به همین دلیل تیز بود که در بخش‌های گذشته از تفکر مستتر در تمدن غرب، با عنوان انسان‌گرایی نسیان‌گرایانه یا انسان‌مداری واژگونه یاد کردیم. در انتهای نوشتار تأکید می‌کنیم که در بحث توسعه اسلامی به طور کامل می‌توان از ویژگی‌هایی که در مورد مدینه فاضله اسلامی بر شمرده‌ایم، استفاده کرد و اگر چه مطالب عنوان شده، بیشتر جنبه کیفی داشت لیکن می‌توان با مشارکت صاحب‌نظران در زمینه‌های مختلف - به ویژه در زمینه جامعه‌شناسی و اقتصاد - بر ظرفیت‌های کمی آن تیز دست یافت.

گرامت مهدوی
در برخورد با مخالفان

محمد مهدی بندرچی

مقدمه

اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغِبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيمَةٍ تَعَزِّبُهَا الْإِسْلَامُ وَأَهْلُهُ وَتَذِلُّ بِهَا
التَّفَاقُ وَأَهْلَهُ.^۱

حکومت عصر ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و دولت کریمه‌ای که وعده تشکیل آن را خلقت آدم علیه السلام تا ظهور خاتم النبیین صلی الله علیه و آله داده شده و در همه کتب آسمانی و مذهبی به ظهور آن بشارت داده شد، ابعاد گوناگونی دارد که باید هر یک مفصلاً مورد بحث دانشوران و شیفتگان آن ابرمرد منجی قرار گیرد. اما بعدی که کمتر بدان پرداخته شده، این است که مگر نه این که زمان تشکیل دولت کریمه مهدوی عجل الله تعالی فرجه الشریف همه بشریت به وی نمی‌گروند و مخالفانی نیز با آن حضرت از در ستیز درمی‌آیند، شیوه مقابله و رفتار با مخالفان حکومت اسلامی کامل ولی الله اعظم چگونه خواهد بود؟

در این مقاله در صددم اجمالاً با اتکا به روایات و نصوصی که در شأن دولت کریمه وارد شده، این مقوله را تشریح کنیم، خصوصاً این که می‌تواند این امر نمونه و سرمشقی برای همه حکومت‌های مدعی اسلامیت در عصر غیبت حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد و به سؤالاتی مثل: جایگاه پیروان مذاهب و مکاتب دیگر در حکومت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف چگونه است؟ منظور از حکومت واحد جهانی که حضرت منادی آن است، وحدت دین است یا وحدت حکومت؟ و به هر حال رفتار و سیره امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف با اهل کتاب یا دیگر مسلمانان غیر امامیه چیست، پاسخ خواهد داد.

۱. شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، فرازی از دعای افتتاح.

جایگاه مسلمانان غیر امامیه

مخالفتان امام را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد:

۱. مخالفان سیاسی و مذهبی مسلمان

۲. اهل کتاب

۳. مستکبران

دسته اول: در ذهن برخی از شیعیان این اندیشه وجود دارد که در حکومت

امام عصر علیه السلام که مروج مسلک اهل بیت علیهم السلام است، معتقدان سایر

مذاهب جایی نخواهند داشت و همه آنها باید به ولایت مولا علی علیه السلام گردن

تنهند. روش حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با روش جدش

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام در برخورد با مخالفان متفاوت است.

آنان، مأمور رحمت و گذشت بودند و مهدی علیه السلام مأمور انتقام! اگر

حضرت علی علیه السلام در برخورد با مخالفان مذهبی و سیاسی گذشت می‌کرد و از

کردار افرادی مثل شورشیان بصره و یا خوارج می‌گذشت، بر اثر نبودن شرایط

انتقام بود، ولی در حکومت مهدی صلی الله علیه و آله مانعی برای شدت عمل با مخالفان

وجود ندارد!

دلیلی که ممکن است برای این مطلب ارائه کرد، روایاتی است که دلالت دارد

روش برخورد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با مخالفان، با روش

برخورد مولا علی علیه السلام با مخالفان بصری تفاوت دارد.

در روایتی معلی بن خنیس از امام صادق علیه السلام سؤال می‌کند:

آیا روش قائم برخلاف سیره علی علیه السلام است؟

امام صادق علیه السلام فرمود: بلی. علی بعد از دست یافتن بر مخالفان، آنان را بخشید،

چون می‌دانست دشمنان پس از او بر شیعیانش مسلط خواهند شد ولی قائم با

مخالفان با شمشیر رو به رو می شود چون می داند دشمنان هرگز بر پیروان او مسلط نخواهند شد.^۱

باید دید این روایت و مانند آن، تا چه حد دلالت بر مقصود دارند؟
مروری بر روایات سیره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نشان می دهد
در نظام آن حضرت، آزادی مذهب وجود دارد و مسلمانان به جرم داشتن عقیده
مخالف مجازات نمی شوند و مخالفان مذهبی، حق اظهار عقیده دارند، به چند
دلیل:

۱. در هیچ روایتی از منابع شیعی چنین مطلبی نقل نشده است که حضرت
مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مخالفان را به ترک مذهب و پذیرش ولایت
مولا علی علیه السلام و امی دارد. تنها در مواردی که از شدت عمل سخن به میان آمده
برخورد با ناصبی ها و معاندان اهل بیت علیهم السلام است^۲ و بس. و ناصبی
کسی است که دشمنی با امام علی و دیگر امامان علیهم السلام را در سینه
پرورانده و از اظهار سب و دشمنی ابایی ندارد و در فقه شیعه هم سب مولا علی
و دیگر ائمه اطهار علیهم السلام حکم سب پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را دارد.

۲. امام، در همه مراحل دعوت و فعالیت، به تبیین اهداف و علل اقدامات
خود می پردازد و نقطه ایهامی را برای مردم باقی نمی گذارد. مخالفان سیاسی و
مذهبی یا استفاده از جو آرامی که امام ایجاد می کند، به بیان مواضع خود
می پردازند و جواب می شنوند. از جمله در منزل ثعلبه - یکی از بزرگان بنی هاشم
- به سیره امام انتقاد می کند و خواهان دلیل شرعی برای آن می شود.

امام، برخلاف برخی از مأموران که خواهان شدت عمل با این گونه

۱. نعمانی، الغیبه، ص ۲۲۲.

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، فروع کافی، دارالتعارف، بیروت، ج ۸، ص ۲۲۷.

انتقادگراند، به آرامی پاسخ می‌دهد و با استدلال‌های مستند به سیره حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله او را با خود همراه می‌سازد.^۱

۳. امام، تنها با مخالفان مذهبی و سیاسی که مسلحانه علیه وی و برنامه‌هایش پیاخیزند، برخوردی قهرآمیز دارد و در مورد آنان نیز از جاده انصاف بیرون نمی‌رود و با آنان مدارا می‌کند. حضرت پیشاپیش با مخالفان اتمام حجت می‌کند و به استناد قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله با ایشان به گفت‌وگو می‌نشیند و در مواردی که دشمن، کینه خود را آشکار می‌سازد و جنگ را آغاز می‌کند و دست به خون یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌آید، امام دستور مقابله می‌دهد.^۲

اما در پاسخ آنان که به این روایت در مورد سرکوب مخالفان استدلال کرده‌اند باید گفت، امام مهدی علیه السلام روش حضرت علی علیه السلام را در مقابله با شورشیان بصره در پیش ندارد زیرا اولاً، روایت در مورد مخالفان نظامی و پیمان‌شکنان است نه مطلق مخالف، و این حق به امام داده شده است که برای شکستن شوکت مخالفان و جلوگیری از اجتماع دوباره آنان فراریان را تعقیب کند و مجرمان را مجازات، چنانکه شیوه حضرت علی علیه السلام در نبرد صفین بر آن بود.^۳

ثانیاً، روایت بر فرض درستی سند، معارض است با سخن دیگری از امام صادق علیه السلام که می‌فرماید:

منادی امام، فریاد برمی‌آورد فراریان را تعقیب نکنید و مجروحی را نکشید. حضرت به مانند روش علی علیه السلام با بصریانی با آنان روبه‌رو

۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، دارالتعارف، بیروت، ج ۸، ص ۲۲۷.

۲. همان، ص ۳۸۷.

۳. حرعالملی، وسائل الشعیبة، ج ۱۱، ص ۵۵ و ۵۶.

می شود.^۱

در مورد دیگر ذکر شده که امام مهدی علیه السلام برای دعوت مسلمانان مکه نماینده‌ای می فرستد. فرستاده حضرت برای آنان سخن می گوید و به کتاب خدا و سنت پیامبر احتجاج می کند. گروهی از مخالفان در کنار کعبه نماینده او را می کشند.

امام خود به مکه می آید و برای آگاهی بیشتر مردم به تفصیل برایشان سخن می گوید و بر کتاب خدا و سنت پیامبر از آنان بیعت می گیرد و متعرض کسی نمی شود.^۲

در روایت دیگر آمده که حضرت پس از آمدن به مکه، تنها کشندگان فرستاده خود را مجازات می کند و چیزی بر آن نمی افزاید.^۳

این روایت‌ها نشان دهنده نرمش و عفو و رحمت امام در برخورد با مخالفان مذهبی و معتقدان به دیگر مذاهب است.

جایگاه مخالفان از اهل کتاب

از برخی روایات استفاده می شود که حکومت امام شرق و غرب را فرا می گیرد و همه غیر مسلمانان می بایست مسلمان شوند و گرنه از میان خواهند رفت. از امام کاظم علیه السلام نقل شده است که در مورد آیه شریفه:

و له أسلم من فی السّموات و الأرض طوعاً و کرهاً.^۴

همه اهل آسمان‌ها و زمین، به رغبت یا جبر، تسلیم اویند.

۱. مجلسی، محمدباقر، همان، ج ۵۲، ص ۳۳۸.

۲. همان، ص ۳۰۷. ۳. همان، ص ۳۰۸.

۴. سوره آل عمران (۳)، آیه ۸۳.

فرمود:

آیه، درباره قائم نازل شده است. در وقت ظهور، بر یهود و نرسیان و صابئین و زندیقان و مرتدان و کافران شرق و غرب زمین، اسلام عرضه می شود. هر کس مسلمان شد، می باید نماز و روزه و سایر واجبات را به جای آورد و هر کس ابا و ورزید کشته می شود تا در روی زمین همه موحد باشند. صاحب این امر، مثل پیامبر، جزیه نمی پذیرد.

این روایت به قرینه آیه کریمه «لیظهره علی الدین کله»^۱ دلالت دارد که در وقت ظهور امام زمان، همه اهل زمین می بایست مسلمان شوند و در آن وقت، جزیه ای که در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله میان حکومت اسلام و اهل کتاب برقرار بود، وجود ندارد.

ولی در برابر این سند، دلایل محکم تری وجود دارد که این برداشت از آیه و روایت را سست می کند.

۱. روایات مستفیض وجود دارد که سیره امام براساس کتاب و سنت است و هدف آن حضرت، احیای قوانین قرآن و روش پیامبر صلی الله علیه و آله خواهد بود،^۲ لذا گرفتن جزیه، از مقررات اسلامی و بر اساس قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله است.

۲. روایت عیاشی که دال بر اکراه اهل کتاب بر مسلمانی است و نیز سایر روایات در این باب، مستند نیستند. امین الاسلام طبرسی، در اعلام الوری در پاسخ اشکالاتی که بر سیره امام شده که چرا امام از اهل کتاب جزیه نمی پذیرد، یا جوان بیست ساله تاشتای با دین را می کشد و... می نویسد:

آنچه سؤال در بردارد مثل این که امام جزیه از اهل کتاب نمی پذیرد و

۱. سوره توبه (۹)، آیه ۳۳.

۲. مفید، محمدبن محمدبن النعمان، انشاد، ج ۲، ص ۳۸۳.

جوان بیست ساله دین ناآشنا را می‌کشد، ما مأخذی برای آن نمی‌شناسیم و اگر خبری نیز در این باره وارد شده باشد، مقطوع نیست.^۱

۳. برخی گزارش‌های مکرر حکایت دارد که امام، یا سپاهیان رومی که کیش نصارا دارند صلح می‌کند.^۲ در روایت ابوبصیر تصریح شده است که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مثل پیامبر صلی الله علیه و آله با اهل کتاب قرارداد جزیه امضا می‌کند.

از امام صادق پرسیدم: سرنوشت اهل کتاب در دولت مهدی چگونه است؟ فرمود:^۳

بسان پیامبر از آنان جزیه خواهد گرفت.

این روایت، یا روایت ابن بکیر معارض است و در صورت ناتمام بودن سند آن و کنار گذاشتن هر دو، مرجع، عمومات کتاب و سنت است.

۴. در متون عامه روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است:

قسم به کسی که جانم در دست او است، به زودی، عیسی در میان شما نازل شده و به عدالت حکم می‌کند. صلیب را می‌شکند، خوک را می‌کشد، جزیه را برمی‌دارد و مال چنان فراوان می‌شود که کسی نمی‌پذیرد.^۴

عموم محدثان عامه و برخی از محدثان خاصه، از این روایت استفاده کرده‌اند که مقصود از برداشتن جزیه از اهل کتاب به روزگار مهدی

۱. طبرسی، امین الاسلام، اعلام الوری بأعلام الهدی، دارالمعرفة، بیروت، ص ۴۴۵.

۲. مجلسی، محمدباقر، همان، ج ۵۲، ص ۳۳۷.

۳. همان، ص ۳۷۶.

۴. همان، ص ۳۸۳، به نقل از بغوی، شرح السنة.

عَجَلِ اَللّٰهِ تَعَالٰی فَرَجَهُ الشَّرِيفَ وَاَدَارَ كِرْدَنَ اَنَانِ بِهٖ اِسْلَامِ اِسْت.

بَعُوٰی اَز مَحْدَثَاتِ عَامَهٗ، دَر شَرْحِ حَدِيْثِ، اِيْنِ مَعْنٰی رَا تَقْوِيْتِ كَرْدَهٗ اِسْت،^۱
وَلٰی اَز ذِيْلِ رَوَايَتِ اِيْنِ مَعْنٰی اِسْتَفَادَهٗ مِي شُوْد كِهٖ مَالِ، چَتَانِ فِرَاوَانِ شُوْد كِهٖ نِيَازِي
بِهٖ جَمْعِ اُوْرِي زَكَاتِ يَآ جَزِيَهٗ نَبَاشَد، هَمَانِ كَوْنَهٗ كِهٖ بَر خِي اَز رَوَايَاتِ خَاصَهٗ بَر اِيْنِ
مَطْلَبِ دَلَالَتِ دَارِنْد و بَعُوٰی اِيْنِ مَطْلَبِ رَا اَز بَر خِي بِهٖ صَوْرَتِ اِحْتِمَالِ ذِكْرَهٗ كَرْدَهٗ
اِسْت، نِهٖ اِيْتَكِهٗ وَضْعِ جَزِيَهٗ كَنَآيَهٗ اَز نِيُوْدِ اَهْلِ كِتَابِ و وَاَدَارَ كِرْدَنَ اَنَانِ بِهٖ مُسْلِمَانِ
شَدَنِ بَاشَد.

مَمْكِنِ اِسْت رَوَايَتِ حِكَايَتِ اَز رَخْدَايِي خَارَجِي بَاشَد. اَشْكَارِ شَدَنِ عِيْسٰی و
نَمَازِ خَوَانْدَنِ اَنِ حَضْرَتِ دَر پِي اِمَامِ^۲ - چَتَانِ كِهٖ دَر رَوَايَاتِ اَمْدِ - و نِيْزِ اِحْتِجَاجِ
اِمَامِ بَا يَهُودِ و نَصَارَا، حَقَانِيْتِ دِيْنِ اِسْلَامِ رَا بَر هَمِهٖ جِهَانِيَانِ اَثْبَاتِ خَوَآهَد كَرْدِ و
هَمِگِي اَز دَلِ و جَانِ مُسْلِمَانِ خَوَآهِنْد شُد كِهٖ دَر اَنِ صَوْرَتِ مُوْرَدِي بَرَايِ جَزِيَهٗ
بَاقِي تَخَوَآهَد مَآنْد. سَيِّدِ صَدْرِالْدِيْنِ صَدْرَهٗ، پَسِ اَز ذِكْرِ رَوَايَتِ، هَمِيْنِ مَعْنٰی رَا
اِسْتَفَادَهٗ كَرْدَهٗ اِسْت.^۳

اِيْنِهَآ شَوَآهَدِي هَسْتِنْد كِهٖ دَلَالَتِ دَارِنْد، اِمَامِ زَمَانِ عَجَلِ اَللّٰهِ تَعَالٰی فَرَجَهُ الشَّرِيفَ
پِيْرَوَانِ اَدِيَانِ اَسْمَانِي رَا مُجْبُوْر بِهٖ تَرْكِ دِيْنِ تَمِي كِنْد و اِگَر اَنَانِ مُسْلِمَانِ مِي شَوِنْد،
اَز رَوِي رَغْبَتِ و مَشَاهَدَهٗ اِسْلَامِ تَابِ و فِرُوْدِ اَمْدِنِ عِيْسٰی عَلَيْهِ السَّلَامُ اِسْت. پَسِ
مَقْصُوْدِ اَز آيَهٗ «لِيْظْهَرِهٗ عَلٰی الدِّيْنِ كَلَّهٗ» حَكُوْمَتِ جِهَانِي وَآحِدِ اِسْت اَنَهٗ وَحْدَتِ
دِيْنِ، شَآيْدِ اَز عَمُوْمِ اَنِ اِسْتَفَادَهٗ كَنِيْمِ كِهٖ دَر اَنِ رُوْزْكَارِ بَر كَآفِرَانِ اِتْمَامِ حُجَّتِ
مِي شُوْدِ و الْحَادِ و شَرْكِ رِيْشَهٗ كِنِ خَوَآهَد شُدِ و هَمِهٖ بَازِ دَارِنْدَهٗ هَآيِ بِيْشْرَفِتِ اِسْلَامِ

۱. همان.

۲. كُوْرَانِي، عَلِي، عَصْرِ ظُهُوْر، اَنْتِشَارَاتِ تَبْلِيغَاتِ اِسْلَامِي، قَم، ص ۳۰۶.

۳. صَدْر، سَيِّدِ صَدْرِالْدِيْنِ، الْمَهْدِي، دَارِ الزَّهْرَا، ص ۲۳۶.

از میان خواهد رفت و تمام مردم جهان سر به فرمان دستورهای ولی عصر علیه السلام خواهند بود.

جایگاه مستکبران و معاندان

مستکبران و مفسدان دشمنان اصلی امام هستند و سپاه سلحشور امام با آنان به شدت برخورد می‌کند و زمین را از لوث وجودشان پاک خواهد ساخت. اینها اشارت‌هایی بود به ویژگی‌های موافقان و مخالفان مهدی موعود علیه السلام.

نتیجه

از مجموع مطالبی که ذکر شد، درمی‌یابیم حکومت مهدی عجل الله فرجه الشریف دولت جبر و قهر و سرکوب نیست، بلکه دولت مهر و محبت و سلام است، همان‌گونه که سیره رسول الله ﷺ و مولا علی علیه السلام که نیای اعلای آن حضرتند چنین بوده است. امام عصر علیه السلام و حکومت کریمه وی برای اصلاح بشریت و ایجاد جامعه مدینه فاضله می‌آید، لذا یکی از ارکان مهم آن، برخوردها و تعاملات صحیح و منطقی با مخالفین است تا بتواند آنان را از راه خطای خویش به راه صالح بکشاند و برخورد قهرآمیز تنها با گروه‌ها و افرادی است که معاندند، یعنی در عین علم و حقایق امام عجل الله فرجه الشریف بر اثر کینه‌ها یا به خطر افتادن منافع خود، قصد معارضة یا دولت علوی دارند. بدیهی است نبرد و مبارزه با چنین مخالفانی چاره آخر است تا جامعه از امنیت خاطر مادی و معنوی برخوردار باشد.

فهرست محتوایی مقالات

صفحه	عنوان
۷	مهدویت در ادیان الهی فریده پورداد - زهرا نجومی
۹	چکیده
۱۳	مقدمه
۱۷	مهدویت از دیدگاه اسلام
۱۸	- مقایسه دیدگاه اهل سنت و تشیع
۲۴	- مهدی در احادیث نبوی
۲۷	- مهدی در اندیشه عالمان اهل تسنن
۲۹	- ظهور علائم صغرای قیامت
۳۱	- علائم کبرای قیامت
۳۴	مهدویت در مسیحیت
۳۹	- عوامل اصلی حکومت خدا از نظر انجیل
۴۳	- قرازهایی از انجیل
۴۵	مهدویت در یهود
۵۴	- ماشیح موعود یهود
۵۴	- وقایع عصر گئولا (نجات تهایی)
۵۵	- دوره قبل از ظهور ماشیح
۵۵	- شخصیت ماشیح
۵۷	- قرازهایی از کتابهای مقدس یهودیان

فهرست محتوایی مقالات ۵۴۹

مهدویت در آیین زرتشت ۵۹

مهدویت در آیین هندوها ۶۵

مهدویت در آیین بودا ۶۷

نتیجه ۶۷

مهدویت در ادیان الهی محمد حسین مردانی نوکنده ۷۱

چکیده ۷۳

مقدمه ۷۵

عقاید اقوام مختلف جهان درباره مصلح موعود ۷۸

- اسامی مهدی موعود در کتب مذهبی ۸۲

مهدویت در دین یهود ۸۴

- نشانه‌های ظهور نزد یهود ۸۶

- جنگ‌های مذهبی و نشانه‌های ظهور ۸۸

- یهود و انتظار مسیح ۹۰

بخران قبل از ظهور ۹۲

- کیفیت ظهور مصلح ۹۴

- نگاهی به تورات ۹۵

مهدویت در دین مسیحیت ۹۸

فهرست محتوایی مقالات ۵۵۰

۹۹ کتب مذهبی مسیحیان

۱۱۴ مهدویت در دین زرتشت

۱۱۵ منجی در دین زرتشت

۱۲۱ زمینه سازان قیام منجی

۱۲۳ اوصاف سوشیالیست

۱۳۲ نتیجه

۱۳۵ مهدویت در قرآن مجید اسوری - مهیار منتظمی نوین

۱۳۷ ایمان به مهدی علیه السلام در آیات قرآن

۱۳۹ نعمت یافتگان

۱۴۰ پیروزی حق بر باطل

۱۴۳ بقیة الله

۱۴۶ حکومت صالحان

۱۵۰ اوصاف یاران حضرت مهدی علیه السلام

۱۵۳ مهدویت و تشیع رضوان انباز - زهر اعتبار

۱۵۵ چکیده

۵۵۱	فهرست محتوایی مقالات
۱۵۷	مقدمه
۱۵۹	مهدویت و تشیع
۱۷۰	وظیفه شیعیان در زمان غیبت کبری
۱۷۲	نتیجه
۱۷۵	مهدویت و پایان تاریخ
۱۷۷	مقدمه
۱۷۸	آغاز تاریخ
۱۷۸	تشکیل تمدن هابیلی در برابر تمدن قاییلی
۱۷۹	روند تاریخ
۱۸۹	غایت تاریخ
۱۹۵	خاتمه
۱۹۹	مهدویت باوری شخصی یا طرحی برای آینده..... قرآنک انصاری
۲۰۱	مقدمه
۲۰۲	فلسفه مهدویت
۲۰۴	منجی در اسطوره‌ها و ملل
۲۰۶	مهدویت در ادیان

فهرست محتوایی مقالات ۵۵۲

- ۲۰۶ - مهدویت در دین زرتشت
- ۲۰۷ - مهدویت در یهودیت
- ۲۱۰ - مهدویت در مسیحیت
- ۲۱۱ - مهدویت در اسلام
- ۲۲۲ غیبت مهدی و دلایل آن
- ۲۲۵ نشانه‌های قبل از ظهور
- ۲۲۹ ظهور و قیام مهدی علیه السلام
- ۲۳۴ انتظار فرج منجی
- ۲۳۸ مهدویت در دنیای امروز
- ۲۴۱ مدعیان دروغین مهدویت
- ۲۴۳ نتیجه

۲۴۵ آسیب‌شناسی مهدویت در عصر کنونی نادر حاتمی خواجه

۲۴۷ چکیده

۲۵۰ مقدمه

۲۵۱ آسیب‌شناسی اثبات وجود امام زمان علیه السلام

۲۵۴ آسیب‌شناسی دوران غیبت کبری

۲۵۴ - علل ضعف ایمان به امام علیه السلام در غیبت کبری

فهرست محتوایی مقالات ۵۵۳

اعتقاد به انتظار ۲۵۵

- انتظار در مکاتب فکری غیردینی ۲۵۵

- ارزش فرهنگی انتظار ۲۵۶

جهانی شدن حکومت جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۲۵۸

حتمی بودن انقلاب جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۲۶۰

- اهداف حکومت جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۲۶۱

- ویژگی ها و برنامه های حکومت جهانی قائم الله ^{عجل الله} ۲۶۲

برخی از آیات و روایات در درباره وجود و ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ۲۶۳

آینده جهان و انتظار منتظر ۲۶۷

چکیده ۲۶۹

مقدمه ۲۷۱

بعد آمدگی نظامی ۲۷۲

- انتظار بسیج عمومی ۲۷۳

- نقش نیروهای مردمی ۲۷۳

- حضور شیعه در صحنه ۲۷۵

- حوزه منتظران ۲۷۵

۵۵۴	فهرست محتوایی مقالات
۲۷۶	قیام زمینه‌سازان ظهور از مشرق
۲۷۷	- زمان و مکان ظهور
۲۷۹	- آثار سازنده انتظار
۲۷۹	آینده جهان
۲۸۰	- تمدن آینده جهان در لوای حکومت مهدی <small>علیه السلام</small>
۲۸۵	هنگام ظهور
۲۸۵	- خطبه امام <small>علیه السلام</small> در هنگام ظهور
۲۸۶	- حال طبقات مختلف مردم آخر الزمان
۲۸۸	انتظار فرج
۲۹۱	- مشخصات انتظار بزرگ
۲۹۴	- فلسفه انتظار فرج
۲۹۵	سیمای کلی دوران ظهور
۲۹۶	- حکومت جهانی و رهبری قراگیر
۲۹۶	- گسترش آیین حق
۲۹۸	وصف حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۲۹۹	شمه‌ای از تکالیف بندگان نسبت به امام عصر <small>علیه السلام</small>
۳۰۰	نتیجه

سیمای جامعه منتظر در نگاه قرآن و حدیث رستمی زاده ۳۰۳

مقدمه ۳۰۵

جامعه مطلوب و جهانی ۳۰۶

اهداف و ویژگی‌های جامعه جهانی اسلام ۳۰۶

۱. عدالت ۳۰۶

۲. مودت و همدلی ۳۰۸

۳. آرامش و امنیت ۳۰۹

۴. احسان و نیکی به هم نوع ۳۱۰

۵. حق محوری (خدا محوری) ۳۱۳

اصول و راهکارهای اساسی برای رسیدن به جامعه مطلوب و جهانی اسلام .. ۳۱۴

۱. آموزش و پرورش ۳۱۴

۲. تقویت بنیان خانواده ۳۱۶

۳. تعاون و همکاری گروهی ۳۱۶

۴. تحریم عوامل فساد جامعه ۳۱۸

۵. تحکیم روابط اجتماعی ۳۱۹

۶. نظارت و مسئولیت همگانی ۳۲۰

۷. خودکفایی و عدالت اقتصادی ۳۲۳

فهرست محتوایی مقالات ۵۵۶

۸. عبادت فردی و جمعی ۳۲۴

زمانداری و رهبری جامعه مطلوب و جهانی اسلام ۳۲۵

۱. شرایط و صفات زمامدار ۳۲۵

۲. خد و مرزهای دین برای عملکرد حکومت ۳۲۸

نتیجه ۳۳۱

آخرالزمان، جهان معاصر و انسان معاصر سارا محمدعلی زاده - رضوان انباز ۳۳۳

چکیده ۳۳۵

مقدمه ۳۳۶

تقدمات ظهور ۳۴۳

وقایع مخصوصه ۳۴۵

اوصاف اهل آخرالزمان ۳۴۷

زمینه‌های اجتماعی دولت حضرت ^{علیه السلام} ۳۵۸

۱. محبوبیت اجتماعی ۳۵۸

۲. عطش و شیفتگی ۳۶۰

۳. اضطرار ۳۶۲

چگونگی ظهور در آیات و روایات ۳۶۴

- ۳۶۵ علائم نزدیک به ظهور
- ۳۷۷ خصوصیات شخصی امام مهدی علیه السلام
- ۳۷۸ اولین خطبه امام پس از ظهور
- ۳۸۰ تکالیف شیعه در زمان غیبت امام زمان علیه السلام
- ۳۸۵ آخرالزمان جهان معاصر و انسان معاصر فرزانه نیکویرش
(بررسی وضعیت سیاسی جهان در زمان ظهور)
- ۳۸۷ چکیده
- ۳۸۸ امامت مهدی علیه السلام سازنده امید و اراده منتظران
- ۳۸۹ امامت، چراغ راستین هدایت
- ۳۹۰ رابطه مهدویت با امید
- ۳۹۱ امید، سازنده اراده
- ۳۹۳ وضعیت سیاسی غرب در دوران ظهور
- ۳۹۳ بروز فتنه در سطح جهان
- ۳۹۴ آشوب‌های دوران ظهور
- ۳۹۵ فتنه غرب
- ۳۹۷ تلاش برای سلطه جهانی

فهرست محتوایی مقالات ۵۵۸

۳۹۹ بحران هویت در جوامع غربی

۴۰۱ جامعه جهانی و ویژگی‌های سیاسی دوران ظهور

۴۰۲ - رومیان -

۴۰۵ - ترکان -

۴۰۹ - یهودیان -

۴۲۳ - اعراب (مصر، عراق و...) -

۴۲۸ جنگ جهانی در زمان ظهور

۴۳۱ ایرانیان، زمینه‌سازان ظهور

۴۳۴ مشروعت قیام‌های قبل از ظهور

۴۳۶ نتیجه

۴۳۹ عصر ظهور، آمادگی و زمینه‌سازی زهرا نقدی - مریم نقدی

۴۴۱ چکیده

۴۴۳ مقدمه

۴۴۴ ضرورت تشکیل حکومت جهانی

۴۴۷ مهدویت در قرآن

۴۵۰ نویدهای ظهور حضرت مهدی علیه السلام در قرآن

۴۵۲ ظهور حضرت مهدی علیه السلام

- ۴۵۴ اصابت اعتقاد به ظهور منجی
- ۴۵۷ تفاوت جهان قبل و بعد از ظهور
- ۴۵۹ ظهور از دیدگاه جامعه اسلامی
- ۴۶۷ ظهور از دیدگاه اقوام و ادیان
- ۴۷۶ احتمال ظهور در عصر کنونی
- ۴۷۸ احادیث ظهور حضرت مهدی علیه السلام
- ۴۷۹ ختمیت ظهور
- ۴۸۰ جهانی بودن وقت ظهور
- ۴۸۱ شرایط ظهور
- ۴۸۲ وقت ظهور
- ۴۸۶ نشانه‌های ظهور
- ۴۹۱ ویژگی‌های عصر ظهور
- ۴۹۷ وظیفه ما در دوران غیبت
- ۵۰۸ گروه زمینه‌سازان در منابع اسلامی
- ۵۰۹ نشانه‌های زمینه‌سازان ظهور
- ۵۱۱ نتیجه

۵۶۰	فهرست محتوایی مقالات
۵۱۳	آرمان شهر عصر ظهور محمدرضا بندرچی
۵۱۵	مقدمه
۵۱۵	خصوصیت آرمان شهر
۵۱۷	آرمان شهر افلاطون
۵۱۹	آرمان شهر فارابی
۵۲۱	آرمان شهر در عصر جدید
۵۲۲	آرمان شهر سومنیالیستی
۵۲۳	ویژگی های آرمان شهر در عصر ظهور
۵۲۳	۱. مدینه عدل
۵۲۷	۲. مدینه رفاہ
۵۲۸	۳. مدینه امن اسلام
۵۲۹	۴. مدینه تربیت
۵۳۲	۵. مدینه علم
۵۳۳	۶. مدینه مستضعفان
۵۳۳	نتیجه
۵۳۷	گرامت مهدوی در برخورد با مخالفان محمد مهدی بندرچی
۵۳۹	مقدمه
۵۴۰	جایگاه مسلمانان غیر امامیه
۵۴۳	جایگاه مخالفان از اهل کتاب
۵۴۷	جایگاه مستکبران و معاندان
۵۴۷	نتیجه